

## گرفتار طوفان

آینده‌نگر بررسی می‌کند:  
اقتصاد ایران چگونه به ساحل نجات می‌رسد؟



# ابتکارات صرفه جویانه

چطور با کمترین منابع  
بهترین عملکرد را داشته باشیم

ناوی رادجو و جیدیپ پرابهو  
با پیش گفتاری از پل پولمن؛ مدیرعامل یونیلور  
مترجمان: مریم عربی، نسیم بنایی



آینده نگار



■ صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران  
 ■ مدیر مسئول: مسعود خوانساری  
 ■ شورای سیاست گذاری: بهمن عشقی، مصطفی درویشی  
 ■ سردبیر: بهراد مهرجو ■ معاون سردبیر: فریده عنایتی  
 ■ تحریریه: رضا معطریان، محمد عدلی، ریحانه یاسینی، کاوه شجاعی، فرزانه سالمی، آرش پورابراهیمی  
 لیلا ابراهیمیان، نسیم بنایی، صوفیا نصرالهی، ولی خلیلی، زهرا چوپانکاره، یزدان مرادی  
 مونا مشهدی رجبی، متین دخت والی نژاد، زینب کوهیار، سعیدارکان زاده

■ آتلیه طراحی  
 ■ مدیر هنری: رضا دولت زاده  
 ■ ویرایش عکس: علیرضا لاجورد  
 ■ ویراستاری: بابک آتشین جان  
 ■ ناظر فنی: هانی شمس

■ مخاطبان ماهنامه آیندهنگر می توانند، دیدگاه ها و انتقادات خود را از طریق پست الکترونیک و همچنین شماره تلفن های تحریریه با ما در میان بگذارند.  
 Email: ayandehnegarmag@gmail.com www.tccim.ir

نشانی: خیابان خالداسلامبولی، روبه روی خیابان ۲۱، پلاک ۸۲  
 اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران  
 تلفن امور اشتراک: ۱۸۶۶ تلفن تحریریه: ۸۸۷۱۵۴۱۳ سازمان آگهی ها: ۸۸۸۶۰۶۵۶

چاپ: شرکت رواق روشن مهر



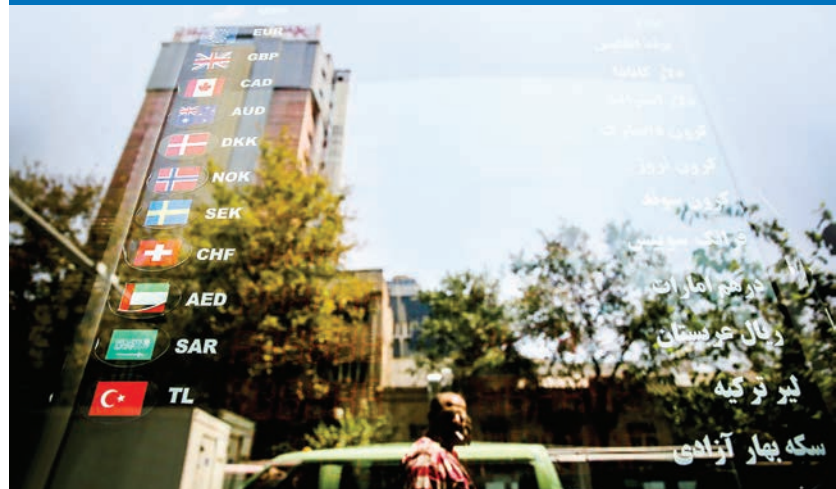
برای دریافت اشتراک

## آیندهنگر

با شماره

# ۱۸۶۶

تماس بگیرید



بسم الله الرحمن الرحيم

سرمقاله  
 هشدار در مورد چهار اقدام

۵۰

تحلیل گران  
 نفت: سختی های بازگشت عربستان

۱۳

۱۴

اعداد ماه

امیدواری در رشد اقتصاد

۱۸

۲۱

شاخص

رکود عمیق می شود؟

۲۷

یاد

مرد تجارت

ایده ها

اولین وزیر خزانه داری آمریکا چه کرد؟

۳۷

آینده ما

آرامش موج

آکادمی

کلیددار توسعه

۵۳

راهبرد

عواقب یک تصمیم

۷۳

توسعه

گفتن از امید به وقت ناامیدی

۷۹

نگاه

چه کسی شایسته برخورد قضایی است؟

ایران زمین

صنعت ازبافتاده

۹۳

خصوصی سازی

سیاست های فاسد

۱۰۱

همسایه ها

اقتصاد شیک

۱۰۵

۱۰۹

کار آفرین

ذهن کار آفرینی

۱۱۲

تجربه

خداحافظی باشکوه

۱۲۹

۱۳۵

آینده پژوهی

ورود به عصر اقتصاد اجاره ای - اشتراکی

اکنون میست

دو قدم مانده به استیضاح

۱۶۱

کتاب ضمیمه

افتادن از آن سوی بام

۱۷۲

ژورنال

امکان پوشش تورم با سکه طلا

۱۸۹



جلد برگرفته از مجله  
 اکونومیست

# راهنمای ریسک کشوری

چگونگی شناسایی، مدیریت  
و کاهش ریسک های تجارت خارجی

مینا تاکسوز

مترجمان: حسام الدین عباس حلاج، سید حمیدرضا عظیمی



آینده نگر



The  
Economist

# هشدار در مورد چهار اقدام

## تسهیل صادرات و تحریک تقاضا در کنار اصلاح یارانه‌ها راه نجات اقتصاد ملی

می‌شد. نتیجه این رفتار نه تنها به ایجاد فضای رقابتی و شفاف منجر نمی‌شود، که حتی امکان نظارت بر بنگاه‌ها را نیز مختل می‌کند.

### برداشت از صندوق توسعه ملی

این رفتار در واقع استفاده از منابعی است که باید در اختیار نسل‌های آینده قرار می‌گرفت. در این شرایط نیاز است که دولت از روش‌های معقول و توصیه‌شده از طرف کارشناسان برای تأمین منابع و توسعه اقتصاد ملی بهره‌گیرد. یکی از این روش‌ها سامان‌دهی به وضعیت پرداخت یارانه‌هاست. با توجه به کاهش قدرت خرید طی دو سال گذشته، نرخ فقر در کشور افزایش یافته‌است. دولت ناگزیر است که برای جبران کسری بودجه خانوارها به طرف هدفمند کردن واقعی یارانه‌ها حرکت کند. طبیعی است که در حال حاضر دولت ناگزیر به ادامه پرداخت یارانه نقدی به خانوارها خواهد بود. البته در این روش توزیع هم باید طبقات محروم در اولویت قرار گیرند. در صورتی که دولت منطق جلوگیری از پرداخت یارانه‌های پنهان را پیش‌گیرد، بخشی از منابع صرف جبران کسری بودجه و تأمین سرمایه برای اجرای پروژه‌های زیربنایی و پرداخت بدهی‌های دولت به پیمان‌کاران خواهد شد.

گزارش‌های سازمان برنامه نشان می‌دهد که بیش از ۹۵۰ هزار میلیارد تومان یارانه پنهان در اقتصاد کشور وجود دارد. بخش مهمی از این یارانه‌ها به افراد جامعه هدف نمی‌رسد؛ به طوری که تنها در مورد سوخت میزان بهره‌مندی اقشار پردرآمد ۲۳ برابر اقشار کم‌درآمد است. این بی‌عدالتی در نظام توزیع یارانه به خصوص در بخش‌هایی دیگر مانند یارانه حامل‌های انرژی بیشتر به چشم می‌آید. دولت با سیاست حمایت از آحاد مردم و به طور خاص طبقات نیازمند، باید خود را مکلف به اصلاح این رویه‌ها بداند. اما متأسفانه برخی ملاحظات مانع از اجرای این پروژه می‌شود.

اما یکی از روش‌های دیگر برای تأمین منابع مورد نیاز کشور، تسهیل شرایط برای افزایش صادرات است. افزایش قیمت ارز در سال گذشته اگرچه مشکلات اساسی در اقتصاد ایجاد کرد و هزینه زندگی مردم را افزایش داد، ولی باعث شد که اکثر تولیدات داخلی امکان صادرات پیدا کنند. برخلاف سال‌های گذشته که واردات بی‌رویه انجام می‌شد، امروز صادرات می‌تواند به عنوان منبع اصلی درآمد دولت و موتور محرک افزایش تولید در داخل کشور مورد استفاده قرار گیرد. در صورتی که دولت موانع صادرات و بوروکراسی‌های زائد این بخش را اصلاح کند، روند تولید اشتغال در کشور نیز به شکل قابل توجهی افزایش می‌یابد. موضوع دیگری که باید در دستور کار قرار گیرد، کمک به تحریک تقاضاست. کاهش قدرت خرید مردم باعث شده که میزان تقاضا به شدت کاهش یابد و رکود در اقتصاد کشور حاکم شود.

اکنون که امکان صادرات نفت وجود ندارد، برای اینکه تولیدات داخل امکان عرضه داشته باشند، نیاز به تحریک تقاضای داخلی است. این تجربه پیش‌تر در آلمان و چین مورد استفاده قرار گرفته‌است. یکی از راه‌های مؤثر تحریک تقاضا، پرداخت یارانه نقدی به مردم است. در واقع آنچه اقتصاد ایران را از وضعیت نامساعد فعلی خارج می‌کند، بازگشت به روش معقول سامان‌دهی یارانه‌هاست.

در واقع این موضوع می‌تواند اصلی‌ترین اولویت دولت باشد و سایر مسائل به عنوان موضوعات فرعی قرار گیرد. تاکنون که دولت عزم جدی در این جهت نداشته است اما ماه‌های باقی‌مانده تا پایان سال همچنان فرصت خوبی برای تحقق این هدف است. ■

اقتصاد ایران طی ماه‌های باقی‌مانده از سال ۹۸ با چند چالش قابل توجه مواجه است. «افزایش رکود تورمی در صورت ادامه محدودیت صادرات نفت»، «استمرار کاهش ارزش پول ملی»، «افزایش هزینه‌های دولت»، «محدود شدن توان بانکها در تسهیل فعالیتهای اقتصادی»، «افزایش بیکاری» و «گسترش نرخ فقر» از جمله مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌آید.

برآوردها نشان می‌دهد که طی سال جاری بودجه کشور با کسری ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار میلیارد تومان روبه‌رو خواهد بود. در اصلاحیه‌ای که در جلسه سران سه قوه صورت گرفته، تصمیم بر آن شد که ۶۳ هزار میلیارد تومان از هزینه‌ها کسر شود. اما به نظر نمی‌رسد امکان عملی برای تحقق این صرفه‌جویی وجود داشته باشد. تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد هر زمان دولت با کسری بودجه مواجه شود، چهار اقدام را پیش می‌گیرد:



مسعود خوانساری

مدیر مسئول ماهنامه آینده‌نگر  
ورئیس اتاق تهران

### افزایش فشار مالیاتی

تأمین منابع از طریق اخذ مالیات مسلمان می‌تواند مقداری از کسر بودجه دولت را جبران کند. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که هر زمان دولت با کسری بودجه مواجه می‌شود، اخذ مالیات و فشار بر بنگاه‌ها و شرکت‌هایی هم که درآمد شفاف دارند، بیشتر می‌شود. این در حالی است که برای تحقق درآمدهای مالیاتی بیشتر نیاز به شناسایی بنگاه‌هایی وجود دارد که از زیر پرداخت مالیات فرار می‌کنند. اگر امسال هم به همان روش سابق عمل شود، رکود حاکم بر اقتصاد کشور عمیق‌تر و احتمال تعطیلی بنگاه‌ها بیشتر می‌شود.

### چاپ اوراق قرضه یا مشارکت و یا استقراض از بانک مرکزی

چاپ اوراق چنانچه در جهت تولید و سرمایه‌گذاری و یا تأمین نیاز برای پروژه‌های خاص صورت پذیرد، مسلماً به نفع اقتصاد ملی خواهد بود. اما چنانچه توزیع این اوراق برای جمع‌آوری پول به منظور تأمین کسری بودجه انجام شود، باعث تلنبار بدهی‌های دولت در سال‌های آتی خواهد شد. نتیجه این رفتار، استقراض از بانک مرکزی و افزایش پایه پولی است. خروجی این فرایند برای عموم مردم، افزایش تورم خواهد بود. اثرات این افزایش تورم نیز هر چند سال یک بار در اقتصاد کشور تجربه شده‌است. سال ۹۲ و کاهش ارزش پول ملی یک نمونه روشن از اثرات این رفتار است. در صورت اتخاذ این سیاست، می‌توان پیش‌بینی کرد که در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ اتفاقاتی مشابه فروردین سال ۹۷ رخ دهد که طی آن قیمت دلار به سه برابر افزایش یافت.

### فروش دارایی‌های دولت

در شرایطی که بخش خصوصی به خاطر رکود و طلب‌هایی که از دولت دارد، امکان سرمایه‌گذاری جدید را از دست داده، فروش و واگذاری دارایی‌های دولت غیرممکن خواهد بود. در نتیجه ممکن است فرایند معیوب گذشته پیش گرفته شود که خصوصی‌سازی به صورت واگذاری اموال دولت به بنگاه‌های وابسته انجام

# چه می خوانید؟

چرا باید آینده نگر بخوانید و چه مطالبی می خوانید؟

پیشنهاد نویسندهگان  
آینده نگر به شما

یادنامه

آینده ما

سال گذشته و شبیه سازی آن با رویدادهای اوایل دهه ۹۰ که جنگ اول اقتصادی علیه ایران به راه افتاده بود، در فصل «آینده ما» مورد توجه قرار گرفته است. محاسبه نرخ بازده بازارها در نیمه نخست امسال و پیش بینی عملکرد آن ها در ماه های آینده نیز در این فصل انجام شده است.

## سعید ارکان زاده یزدی

دبیر بخش کتاب ضمیمه

در بخش کتاب ضمیمه این شماره دو کتاب بررسی شده اند که یکی از آن ها به بحران ساختگی آزادی بیان پرداخته است. بحران آزادی بیان ورد زبان عمدتاً غربی هایی شده است که تصور می کنند هرچه را باید گفت و هر چیزی را در رسانه ها باید مطرح کرد. البته که سردمداران و پیشکسوتان آزادی بیان در عصر روشنگری برای آن احترام خیلی زیادی قایل بودند و هنوز هم در کشورهایی که آزادی های سیاسی و فرهنگی محدود است باید برای رسیدن به آزادی بیان تلاش زیادی انجام داد اما نویسنده کتاب معتقد است همین بنیادی نگاه کردن به آزادی بیان باعث شده است که راست گرایان افراطی در سراسر جهان با استفاده از رسانه های جایگزین و رسانه های جریان اصلی خود را برجسته کنند. کتاب ضمیمه دیگر به این می پردازد که چطور شبکه های اجتماعی عطش برای رسیدن به ظاهری ایده آل و بهینه را بیشتر و بیشتر می کنند و معمولاً در این میان، زنان قربانی ماجرا هستند. «زنان اینستاگرامی» اصطلاحی است که نویسنده برای کسانی به کار می برد که مدام در حال تلاش برای بهتر دیده شدن هستند.

## کاوه شجاعی

دبیر بخش آینده پژوهی

کاوه شجاعی: ما وارد عصر اقتصاد اجاره ای-اشتراکی شده ایم. دورانی که به کمک تکنولوژی های موبایل می توانید با راحتی و امنیت اموال شخصی یا مهارتی خاص را برای مدت کوتاهی به اشتراک بگذارید و از آن پول در آورید. روندی که با اوبر و Airbnb و با اشتراک گذاری سفر درون شهری و اتاق شخصی آغاز شد حالا به جت خصوصی، قایق تفریحی یا حتی میز شام خانوادگی رسیده است. در این شماره گزارشی

اقتصاد ایران دهه هاست که از دولتی بودن و فربه شدن با نفت رنج می برد اما حالا که تحریم ها اقتصاد ایران و مهم ترین منبع درآمدی آن یعنی نفت را با محدودیت سنگین روبه رو کرده است، زمان آن فرارسیده که تفکرات و استراتژی های اقتصادی و تحولات اساسی رخ دهد و اقتصاد کشور برای سرمایه گذاری های جدید، تولید و کارآفرینی و گردش مالی به بخش خصوصی واقعی و نه شبه دولتی ها واگذار شود و دولت تنها نقش سیاست گذاری و رگولاتوری بازی کند. البته این تحول تنها زمانی به موفقیت خواهد رسید که حاکمیت در مواجهه با بخش خصوصی و خصوصی سازی اقتصاد ایران با تغییرات تفکری در لایه های مختلف خود روبه رو شود و نه این که به دلیل فشارهای کنونی تحریم تنها برای مدتی بخواهد بخش خصوصی را با فشارهای مالیاتی و... جایگزین درآمدهای نفتی اش کند.

## محمد عدلی

دبیر بخش آینده ما

بازار ارز از اواخر سال ۱۳۹۶ بیدار شد و در سال ۱۳۹۷ شدیدترین تکانه ارزی را به اقتصاد ایران تحمیل کرد. این واقعه در سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ نیز از سر اقتصاد ایران گذشته بود. موجی که با اعمال تحریم های سخت به راه افتاد و ثبات اقتصادی را در هم شکست، با تندباد هجوم خریداران به بازار ارز همراه شد تا ویرانی بزرگ تری از آن به جا مانده باشد. این موج در ماه های اخیر آرام گرفته است اما اثر آن بر قدرت خرید جامعه، سال ها پابرجا خواهد ماند. همه کسانی که ریال در دست داشتند با افول ارزش پول ملی ترجیح دادند که دارایی خود را به کالاهای سرمایه ای و شبه سرمایه ای تبدیل کنند تا ارزش آن را حفظ کرده باشند. خیلی ها هم دیر به این قافله رسیدند و خریدهای خود را زمانی انجام داده اند که پول ملی در مسیر احیای بخشی از ارزش خود به پا خاسته است. بازار ارز و سکه پس از عقب گردی کوتاه، آرام گرفته است و در این بازار فروشنده بیش از خریدار پیدا می شود. بازار خودرو و مسکن نیز با تاخیری کوتاه نسبت به طلا و ارز، مسیر معکوس را با سرعت اندک در پیش گرفته اند. در میان بازارهای رایج اما بورس روزهای خوشی را سپری می کند. تحلیل رفتار بازارهای موازی پس از التهابات

## بهراد مهرجو

سر دبیر

در بلژیک قانونی وجود دارد به اسم «آنانازی» که به بیمار حق می دهد به مرگ خود خواسته فکر کند. یعنی وقتی درد سراپای تنش را گرفت، پای برگه هایی را امضا می کند و پزشک در چند ثانیه با تزریق، کارش را تمام می کند. تصویب این قانون مناقشات زیادی به همراه داشت از بحث های دینی تا مسائل فلسفی همگی به آبی زیر سوال رفتند ولی در نهایت قدرت موافقان بر مخالفان فزونی یافت و آنانازی وارد ادبیات قانونی بلژیک شد. آمارهای رسمی نشان می دهد طی چند سال گذشته تعداد زیادی از صنایع کوچک و متوسط تعطیل شده اند. خاموشی صدای کارخانه ها نوعی «آنانازی» به حساب می آید. کارآفرینی با قبول رنج های بسیار از جانش مایه می گذارد تا صنعتی به حرکت درآید و ناگهان در پس تصمیمات دولت ها همه زندگی اش به مخاطره می افتد. پیش آنکه سرنوشتش به زندان ختم شود، با مرگی خود خواسته کارش را تمام می کند. به تازگی برنده مدال پارالمپیک ریو خود را به دست قانون «آنانازی» سپرده است. حتما کارآفرین های زیادی در ایران احساس او را درک می کنند.

## ولی خلیلی

دبیر بخش کارآفرین ایرانی و کارخانه

واژه «خصوصی سازی» در اقتصاد ایران به یکی از پرکاربردترین کلمات تبدیل شده است و هر روز تعداد زیادی از مسئولان کشور از رئیس جمهور و معاون اول او گرفته تا نمایندگان مجلس و... از این واژه در سخنرانی ها و نشست ها و... استفاده می کنند و البته بر ضرورت تحقق آن تاکید دارند اما آنچه در عمل رخ می دهد «دولتی کردن» بیشتر اقتصاد کشور است. در واقع «خصوصی سازی» و «واگذاری کارها به بخش خصوصی» در اقتصاد ایران تنها در حد یک شعار باقی مانده است و در عمل و خروجی رفتارهای حاکمیتی تنها چیزی که دیده نمی شود اعتماد به بخش خصوصی، مشورت گرفتن از بخش خصوصی برای تعیین استراتژی های کشور، واگذاری کارها به بخش خصوصی و در نهایت اجرای صحیح خصوصی سازی است.



ویژه داریم درباره فراگیری این سیستم اقتصادی و آینده آن. گزارشی هم داریم از احتمال ورود یوآن دیجیتال به بازار جهانی ارزهای رمزنگاری شده و به این هم پرداخته‌ایم که ترامپ احتمالاً در آینده نزدیک خودش به جنگ تجاری با چین پایان خواهد داد. در یک گزارش دیگر به این می‌پردازیم که قدرت‌های میانی دنیا چطور باعث شده‌اند عرصه بین‌المللی امروز دیگر فقط جای رقابت چین و آمریکا نباشد. تحلیل ما درباره علل پذیرش پلتفرم‌های دیجیتال توسط بانک‌ها را هم بخوانید.

اشاره دارند و فردگرایی که در هر موقعیت افراد به نفع خود می‌اندیشند و راه هموار می‌خواهند نه تلاش برای هموار کردن. اما این گفته‌ها به معنی نفی وضعیت نامساعد امروز نیست که ریشه‌ها را نشانه گرفته است؛ ریشه اقتصاد، سلامت اجتماعی و فرهنگی را. در بخش توسعه ماهنامه «آینده‌نگر» به موضوع یأس و ناامیدی در جامعه ایران و کنشگری در این شرایط پرداخته‌ایم و برای تبیین این وضعیت نظر فعال اقتصادی، جامعه‌شناس و کنشگر سیاسی را پرسیده‌ایم. با ما در بخش توسعه و آکادمی همراه باشید.

اصلاح قانون تجارت است. موضوعی که این روزها نگرانی‌های زیادی را برای فعالان اقتصادی ایجاد کرده است. چراکه این لایحه بدون مشورت با کارشناسان خبره و فعالان اقتصادی به سرعت در مجلس تصویب شد. حال آن‌که لایحه تصویب‌شده دارای اشکالاتی است که به عقیده فعالان اقتصادی، در صورت اجرا در آینده مشکلات بزرگی را برای فعالیت‌های اقتصادی ایجاد خواهد کرد. ما از نظرات صاحب‌نظران بخش خصوصی و حقوق‌دانان در این بخش بهره‌مند شدیم.

#### زینب کوهیار

دبیر بخش نگاه

بررسی جرائم و مفاسد اقتصادی رویه‌ای همیشگی است اما با انتشار هرچه بیشتر اخبار برخوردهای قضایی با خاطبان اقتصادی این گمان تقویت می‌شود که چنین برخوردهایی به التهاب بیشتر در فضای کارآفرینی بینجامد. آیا مبارزه با فساد زمینه‌ساز محدودیت بخش خصوصی است؟ مبارزه با فساد در اولویت دولت‌هاست اما می‌توان انباشت بدهی را یک خطای اقتصادی دانست و با آن برخورد قضایی کرد؟ نگاه این شماره در پاسخ به این سؤال نوشته شده که به واقع چه کسی شایسته برخورد قضایی است؟

#### لیلا ابراهیمیان

دبیر بخش توسعه و آکادمی

سره‌ای در گریبان، چشم‌های غمین و چهره‌های عبوس، اخم‌هایی تلخ که گویی کسی یارای سخن گفتن با دیگری را ندارد؛ مدام آه‌هایی برآمده از نهاد سر می‌دهد و از افق نامعلوم می‌گوید. گویی دنیا به آخر رسیده است و او ره‌توشه برنداشته. جوان تکرار می‌کند هیچ‌چیز معلوم نیست؛ همه می‌روند، یعنی آن‌هایی که می‌توانند می‌روند. این تصویر گفت‌وگو با دانشجوی کارشناسی ارشد مکانیک دانشگاه امیرکبیر است. او از هم‌کلاسی‌ها و دوستانش در دانشگاه‌های سراسری می‌گوید که قصد رفتن دارند. نکته‌ای که هر روز از هر طیفی، از فعال اقتصادی از زن و از جوان می‌شنویم و هربار فکر می‌کنیم اینها ناامید هستند از وضعیت اصلاح اجتماعی. اما جامعه‌شناسان و کنشگران سیاسی در تبیین این وضعیت به استبداد فردی

#### نسیم بنایی

دبیر بخش اکونومیست و ایده‌ها

روز ۲۹ آگوست بود که طوفان دوریان به سمت آمریکا یورش برد. در آن زمان ایلان ماسک رئیس شرکت تسلا که سازنده خودروهای برقی است اعلام کرد مشتریان او می‌توانند با به روز کردن خودروهای هوشمند خود، اگر در مسیر طوفان قرار بگیرند، باتری‌ها را شارژ کنند تا در مسیر طوفان گرفتار نشوند. در واقع وسیله نقلیه‌ای که ایلان ماسک در شرکتش تولید کرده مانند هر قطعه کامپیوتری می‌تواند به اینترنت متصل شود و از این طریق مشتری می‌تواند از آن در مواقع لازم به شکلی بهتر بهره بگیرد. اکونومیست در این شماره از عصر اینترنت اشیا نوشته، عصری که برای گذشتگان حتی قابل تصور هم نبود.

#### بمانجان ندیمی

دبیر بخش راهبرد و روایت

شهریورماه امسال بود که مرد صاحب‌نام تجارت، در سن ۸۶ سالگی درگذشت. اسدالله عسگرآولادی نام آشنای بخش خصوصی یک هفته در کما بود و در نهایت با سکته قلبی در حین بیهوشی دار فانی را وداع گفت. او که از السابقون اتاق بازرگانی بود، نقش مهمی در احیای اتاق بعد از انقلاب ایفا کرد. ما نیز به پاس زحمات ایشان، ادای دین کرده و روایتی کلی از زندگی‌شان را در این شماره منتشر کرده‌ایم. فعالان بخش خصوصی نیز در خصوص شخصیت و فعالیت او دست به قلم برده‌اند. خدایش بیامرز اما موضوع دیگری که در بخشی دیگر مورد توجه قرار داده‌ایم، موضوع جنجال آفرین تصویب لایحه

#### زهرآ چوپانکاره

دبیر بخش تجربه و کارآفرین خارجی

شاید نام خانواده هندوجا را شنیده باشید. در کارآفرین این شماره نگاهی انداخته‌ایم به این خاندان ثروتمند هندی که کسب شهرت و ثروتشان را مدیون سال‌ها حضور در تجارت ایران هستند. در بخش تجربه اول از باقی مطالب بخشی از صحبت‌های جک ما، موسس علی‌بابا را می‌خوانید، کسی که با برگزاری یک جشن باشکوه پس از ۲۰ سال خودش را بازنشسته کرد. مطلبی هم هست مخصوص کسانی که در کسب‌وکارهای خانوادگی فعالیت دارند، مدیرانی که شاید دارند از خود می‌پرسند وقتش رسیده فرزندم را اخراج کنم یا نه؟

#### مونا مشهدی رجبی

دبیر بخش آینده

در این شماره گزارش‌هایی در مورد وضعیت اقتصاد کشور چین و مشکلاتی که در سال‌های اخیر با آن روبه‌رو بود تهیه شده است. افزایش ورود توریست‌ها به ایران به دنبال افت ارزش ریال و مقرون به صرفه شدن سفر به ایران گزارش دیگری است که در این شماره تهیه شده است. بیزینس هاروارد ریویو گزارشی در مورد فاصله بین فرصت‌های در اختیار مردان و زنان در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی در دنیا تهیه کرده است که بخشی از این گزارش را در این شماره می‌بینید و در نهایت هم در مورد ضرورت استفاره از تکنولوژی روز دنیا در صنعت کشاورزی به منظور افزایش بهره‌وری در این صنعت مطلبی ارائه شده است. ■

# دورهمی سرمایه‌گذاران و سرمایه‌پذیران

## تجربه خوب کافه سرمایه با حمایت اتاق تهران

### زینب کوهیار

دبیر بخش نگاه

### چرا باید خواند:

می‌توان کسب‌وکارهای

قدیمی ایرانی را به

استارت‌آپ‌ها وصل

کرد؟ استارت‌آپ‌ها

در شرایط کنونی

می‌توانند به سرمایه

داخلی تکیه کنند؟

در دو روز پایانی شهریورماه سال جاری، رویدادی با عنوان «کافه سرمایه» با حضور کسب‌وکارهای نوپا برگزار شد که فرصتی برای آشنایی بیشتر کسب‌وکارهای بزرگ با استارت‌آپ‌های کارگشای ایرانی بود. فریال مستوفی به عنوان رئیس مرکز خدمات سرمایه‌گذاری اتاق تهران و افشین کلاهی، رئیس مجمع تشکل‌های دانش‌بنیان هم از این رویداد بازدید و در آن سخنرانی کردند و فرزین فردیس، نایب‌رئیس کمیسیون اقتصاد نوآوری و تحول دیجیتال اتاق تهران از این گفت که اطلاع‌رسانی درباره استارت‌آپ‌های حاضر در این رویداد نکته‌ای مثبت برای صاحبان کسب‌وکار بوده است.

کافه سرمایه اولین بار در فروردین‌ماه ۹۷ با همکاری شرکت فرابورس ایران هم‌زمان با نمایشگاه بورس، بانک و بیمه در فین‌استارز ۲۰۱۸ برگزار شد. استقبال سرمایه‌گذاران و استارت‌آپ‌ها باعث شد دومین رویداد کافه سرمایه در هفتمین نمایشگاه فناوری و نوآوری اینوتکس، با همکاری پارک فناوری پردیس در تیرماه ۹۷ برگزار شود و سومین دوره از سری رویدادهای کافه سرمایه هم‌زمان با نوزدهمین نمایشگاه دستاوردهای پژوهش، فناوری و فن‌بازار با همکاری همه‌جانبه پارک علم و فناوری دانشگاه تهران در دی‌ماه ۹۷ رقم خورد. در سه دوره برنامه کافه سرمایه در سال ۹۷، بیش از ۲۵۰ استارت‌آپ و ۳۰۰ سرمایه‌گذار در رویدادها حضور یافتند که از میان استارت‌آپ‌های حاضر در جلسات بیش از ۸۰ استارت‌آپ تأیید شدند. مجموع جلسات تنظیم‌شده در سه دوره کافه سرمایه سال ۹۷ حدود ۴۵۰ جلسه بود که از این جلسات ۲۷۲ جلسه با نظر سرمایه‌گذاران به دور بعدی مذاکرات رسید. چهارمین دوره از رویداد کافه سرمایه هم‌زمان با هشتمین نمایشگاه بین‌المللی نوآوری و فناوری اینوتکس از ۱۹ تا ۲۲ خردادماه ۹۸ با همکاری پارک فناوری پردیس برگزار شد. در طی ۴ روز این رویداد ۴۰۰ جلسه سرمایه‌گذاری خصوصی

بین استارت‌آپ‌ها و سرمایه‌گذاران برگزار شد.

اما روند اجرای کافه سرمایه چگونه است؟ پس از شناسایی، ارزیابی دقیق، مشاوره و معرفی استارت‌آپ‌ها در همه حوزه‌ها، با بررسی بازخورد سرمایه‌گذاران فهرستی از علاقه‌مندی‌های آنان شکل می‌گیرد. بر اساس این فهرست زمان جلسات خصوصی بین استارت‌آپ‌ها و سرمایه‌گذاران قبل از روز رویداد توسط برگزارکننده کافه سرمایه برنامه‌ریزی و تنظیم می‌شود و در اختیار استارت‌آپ‌ها و سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرد.

در روز رویداد نمایندگان سرمایه‌گذاران حقوقی و سرمایه‌گذاران حقیقی در میز اختصاصی خود مستقر می‌شوند و در مدت‌زمانی مشخص به‌صورت خصوصی با استارت‌آپ‌های مورد نظر جلسه خصوصی برگزار می‌کنند. در نهایت اگر سرمایه‌گذاران به همکاری و ادامه مذاکرات با استارت‌آپ تمایل نشان دهند، پیشنهاد همکاری خود را ارائه می‌دهند. همچنین سرمایه‌گذاران نظرات و پیشنهادهای خود را در مورد هر استارت‌آپ به‌صورت جداگانه اعلام می‌کنند.

پنجمین رویداد کافه سرمایه در تاریخ ۳۰ و ۳۱ شهریورماه ۹۸ برای اولین بار خارج از فضای نمایشگاهی با هدف تسهیل فرآیند جذب سرمایه با حمایت و همکاری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری، صندوق نوآوری و شکوفایی، سازمان نظام صنفی رایانه‌ای کشور، سازمان فناوری اطلاعات، انجمن صنفی کارفرمایی صندوق‌ها و نهادهای سرمایه‌گذاری خطرپذیر، سازمان تجاری‌سازی فناوری و اشتغال دانش‌آموختگان (ستفا) برگزار شد.

### کدام استارت‌آپ مجاز به مذاکره است؟

علی عمیدی، برگزارکننده رویداد کافه سرمایه درباره این رویداد به «آینده‌نگر» می‌گوید: «کار ما وصل کردن استارت‌آپ‌ها به مجموعه‌های سرمایه‌گذاری مثل شتاب‌دهنده‌ها، شرکت‌ها یا مشاوران سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاران خصوصی و شخصی است. برنامه همیشگی ما این بوده که تعداد سرمایه‌گذاران را بیشتر کنیم و در راستای همین برنامه بود که به اتاق تهران آمدم. هدف از برگزاری رویدادهایی مثل کافه سرمایه، وصل کردن طرف عرضه و تقاضا به یکدیگر است. تغییری که در ترکیب هیئت‌نمایندگان اتاق بازرگانی در دور جدید ایجاد شده بود، یکی از انگیزه‌های ما برای صحبت با اتاق بود. چند بازیگر اصلی اکوسیستم استارت‌آپی اکنون به جمع هیئت‌نمایندگان اتاق تهران راه یافتند و کمیسیون جدیدی با حضور این بازیگران برای اثرگذاری بر اقتصاد نوآوری شکل گرفته است. کافه سرمایه‌ای که در روزهای ۳۰ و ۳۱ شهریورماه برگزار شد، در واقع کافه سرمایه نمایشگاه الکامپ بود. در نمایشگاه الکامپ ۱۱۸ شرکت استارت‌آپی برای حضور در کافه سرمایه ثبت‌نام کردند و جلسه‌های مشاوره و ارزیابی‌ها هم برگزار و برترین‌ها انتخاب شدند. در نهایت با بررسی‌های ما از این تعداد به ۲۶ استارت‌آپ واجد شرایط رسیدیم



اتاق تهران قصد دارد در رویدادهای مشابه کافه سرمایه در حوزه گزینش استارت‌آپ‌ها هم وارد شود. اعضای اتاق تهران که به عنوان بنگاه‌های متقدم و چندنسلی در فضای اقتصاد کشور شناخته می‌شوند، نیازهایی دارند که در معاونت کسب‌وکار اتاق تهران شناسایی شده است.



سرمایه‌گذاری در مجموعه‌های نوآور یا خرید آن و حتی همکاری گسترده با توسعه‌دهندگان نوآوری و فناوری در قالب دریافت خدمات، از راهکارهای سریع و مؤثر در نوآوری شدن شرکت‌هاست

که دارای ساختارهای حکمرانی کارآمد نوآوری هستند و از دانش و تجربه مناسبی برخوردارند، از طریق روش‌های مرسوم مانند تقویت واحدهای تحقیق و توسعه و یا ایجاد سایر سازوکارهای توسعه نوآوری، به توسعه محصولات و خدمات یا فرآیندهای نوآورانه اقدام می‌کنند و به طور معمول در برخورد با نوآوری‌های برون‌سازمانی از چارچوب منظمی تحت عنوان استراتژی نوآوری باز بهره می‌برند. از سوی دیگر شرکت‌هایی که از تجربه و دانش کمتری برخوردارند صرفاً به طور موردی سراغ نوآوری باز می‌روند و تلاش می‌کنند عقب‌ماندگی خود در توسعه نوآوری را با جذب نوآوری‌ها از خارج سازمان جبران کنند. نباید فراموش کرد که شکست، تهدیدی لاینفک و اجتناب‌ناپذیر در همه فعالیت‌های نوآورانه است و باید تهدیدها را پیش از هر اقدامی بررسی کرد و به دنبال راهکارهای پیشگیرانه بود. سرمایه‌گذاری در مجموعه‌های نوآور یا خرید آن و حتی همکاری گسترده با توسعه‌دهندگان نوآوری و فناوری در

## نکته‌هایی که باید بدانید

- ▶ استارت‌آپ‌هایی که اهداف غیرواقعی ترسیم می‌کنند و در ابرها و آسمان‌ها سیر می‌کنند، از فیلتر کافه سرمایه برای ملاقات با صاحبان سرمایه نمی‌گذرند.
- ▶ یک نگرانی جدی در فرایند آشنایی، ارتباط و همکاری شرکت‌های چندنسلی با استارت‌آپ‌ها وجود دارد و آن هم عدم شناخت لازم دو طرف از فضای کار و ادبیات یکدیگر است.
- ▶ تلاش کردیم اعضای را که از شناخت آن‌ها نسبت به فضای کار استارت‌آپ‌ها اطمینان داریم به کافه سرمایه دعوت کنیم در حالی که تلاش‌های ما برای گسترده شدن دایره این شرکت‌ها همچنان ادامه دارد.
- ▶ نباید فراموش کرد که شکست، تهدیدی لاینفک و اجتناب‌ناپذیر در همه فعالیت‌های نوآورانه است و باید تهدیدها را پیش از هر اقدامی بررسی کرد و به دنبال راهکارهای پیشگیرانه بود.
- ▶ اتاق بازرگانی تصمیم دارد به عنوان یک پلت‌فرم در این فضا با دیگر عناصر مؤثر همکاری کند. برای بهره‌گیری هدفمند از هم‌افزایی ممکن نه تنها از رقابت با نهادهای فعال در فضای نوآوری اجتناب می‌کنیم بلکه همکاری با دیگر بازیگران اکوسیستم از جمله معاونت علمی دفتر ریاست جمهوری، شتاب‌دهنده، کارخانه‌های نوآوری و... را مدنظر داشته و داریم.

که درشان سرمایه‌گذاران اتاق بودند.

اما استارت‌آپ‌ها چطور برای معرفی به سرمایه‌گذاران انتخاب می‌شوند؟ علی عمیدی در این باره می‌گوید: «استارت‌آپ‌هایی که برای حضور در کافه سرمایه اعلام آمادگی می‌کنند با چهار معیار بررسی می‌شوند. وضعیت مالی، مدل کسب‌وکار، وضعیت حقوقی و در نهایت وضعیت فنی استارت‌آپ‌ها پیش از معرفی موشکافانه ارزیابی می‌شود».

به گفته علی عمیدی، همه اسناد حقوقی استارت‌آپ‌ها بازبینی می‌شود. استارت‌آپ چه تعهداتی داده و تا چه اندازه این تعهدات را ایفا کرده است؟ سرمایه‌گذاران استارت‌آپ چه قراردادی با موسسان دارند و آیا عرف‌های مورد نظر این مجموعه را در این باره کسب می‌کنند؟ استارت‌آپ‌هایی که با سهامداران عجیب و غریب و امتیازات خاص شکل گرفته‌اند تا زمانی که بدنه سهامداران را اصلاح نکنند، از نظر برگزارکنندگان کافه سرمایه مجاز به حضور در این رویداد نیستند. تراکنش‌های مالی استارت‌آپ چه بوده و آیا واقعی بوده است؟ همه حساب‌های بانکی و قراردادها بسته‌شده، فاکتورها اعم از درآمد و هزینه برای حضور در کافه سرمایه بررسی می‌شود. مدل کسب‌وکاری استارت‌آپ‌ها از دیگر مسائلی است که برای حضور آن‌ها در کافه سرمایه زیر ذره‌بین برگزارکنندگان قرار می‌گیرد. استارت‌آپ باید محتوایی مناسب برای ادعای خود ارائه کند و در مدل کسب‌وکار خود فضای کار را منطقی ببیند. استارت‌آپ‌هایی که اهداف غیرواقعی ترسیم می‌کنند و در ابرها و آسمان‌ها سیر می‌کنند، از فیلتر کافه سرمایه برای ملاقات با صاحبان سرمایه نمی‌گذرند. مسائل فنی، نرم‌افزار و محصول اولیه، ترکیب گروه فنی استارت‌آپ و نحوه حضور آن‌ها از دیگر نکات مورد توجه در کافه سرمایه است. علی عمیدی می‌گوید: «یزش در مرحله بررسی بسیار زیاد است. در کافه سرمایه اخیر از بین ۱۲۰ استارت‌آپ متقاضی حضور در این رویداد تنها ۲۶ استارت‌آپ از فیلتر ما با موفقیت عبور کردند. سختگیری در مرحله ارزیابی باعث می‌شود استارت‌آپ‌های شایسته‌تر به مرحله بعدی بروند».

تجربه همکاری برگزارکنندگان کافه سرمایه با اتاق چطور بود؟ برگزارکنندگان این تجربه را مثبت ارزیابی می‌کنند، هرچند فرصت اتاق برای اطلاع‌رسانی به اعضا محدود بود. عمیدی می‌گوید: «میدواریم در کافه سرمایه‌های بعدی شبکه بیشتری از اعضا را در این برنامه درگیر کنیم. اعضای اتاق که در کافه سرمایه اخیر شرکت کردند، به‌خوبی با ادبیات فضای استارت‌آپی آشنایی داشتند». کافه سرمایه با حضور ۲۶ استارت‌آپ و ۱۲۶ سرمایه‌گذار در ۳۰ و ۳۱ شهریورماه برگزار شد و به گفته برگزارکنندگان ۳۵۸ جلسه برای مذاکره تنظیم شده بود و از این تعداد ۳۴۷ جلسه برگزار شد. از بین این جلسه‌ها، ۲۳۳ جلسه یا ۶۷ درصد از کل جلسات به مراحل بعدی مذاکره کشیده شد. مذاکراتی که برگزارکنندگان کافه سرمایه برای ادامه آن در کنار سرمایه‌گذاران و سرمایه‌پذیران هستند.

## اتاق بازرگانی بین بنگاه‌های چندنسلی و کسب‌وکارهای نوپا پل می‌زند

تحول نوآورانه و فناوریانه شرکت‌های چندنسلی و متقدم نقشی کلیدی و انکارناپذیر در رشد بنگاهی و جهانی شدن آن‌ها دارد و در نهایت توسعه همه‌جانبه ملی را محقق می‌کند. نوآور و فناور شدن این دسته از فعالان اقتصادی به دو شکل ممکن است. بنگاه‌هایی

دوروز پایانی  
شهریورماه  
سال جاری،  
روزهای خوبی در  
تقویم صاحبان  
کسب و کار و  
استارت آپها  
بود. در این دو  
روز رویدادی  
با عنوان کافه  
سرمایه یا حضور  
کسب و کارهای  
نو پا برگزار  
شد. این رویداد  
فرصتی برای  
آشنایی بیشتر  
کسب و کارهای  
بزرگ با  
استارت آپهای  
کارگشای ایرانی  
بود

قابل دریافت خدمات، از راهکارهای سریع و مؤثر در نوآر شدن شرکتهاست.

امید هاشمی، مدیر کسب و کارهای نوین اتاق تهران در گفت و گو با «آیندهنگر» درباره رویکردهای پارلمان بخش خصوصی به این مسئله می گوید: «یکی از وظایف اصلی ما در معاونت کسب و کار اتاق تهران کمک به تحول نوآورانه بنگاههای متقدم و چندنسلی و از سوی دیگر، تقویت استارت آپها و شرکت های جدید است. درواقع به دنبال ارتباط بنگاههای چندنسلی و متقدم با شرکت های جدید برای تحقق اقتصاد نوآور هستیم که علاوه بر تحول شرکت های قدیمی تر به توانمندسازی نوآوران و فناوران نیز کمک می کند. بخشی از کار ما فراهم کردن بستر ارتباط این دو گروه شرکت با یکدیگر است و از سوی دیگر تلاش می کنیم تا شرکت های متقدم و چندنسلی در درون خود به بلوغ کافی برای توسعه نوآوری برسند. با توجه به استراتژی ها و برنامه های اتاق و همکاری اتاق با معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و صندوق نوآوری و شکوفایی، پس از دریافت درخواست برگزار کننده کافه سرمایه و طرح آن در کمیسیون اقتصاد نوآوری و تحول دیجیتال اتاق، تصمیم بر آن شد که اتاق تهران در این رویداد به طور فعال مشارکت کند. البته پیش از این در زمینه فرهنگ سازی نوآوری برای اعضای اتاق بازرگانی بیش از ۴۵ رویداد و همایش برگزار شده بود و همچنین به طور منظم برای اعضا در این باره محتواهایی تنظیم و فرستاده می شود. در واقع آمادگی ذهنی لازم در مورد فضای نوآوری و استارت آپی کشور در بین بخشی از اعضای اتاق بازرگانی ایجاد شده است. فکر می کنیم اکنون در جایی ایستاده ایم که می توان ارتباط بین این بخش از اعضای اتاق بازرگانی را به عنوان صاحبان بنگاههای متقدم و چندنسلی که نسبت به مسئله نوآوری آگاه تر هستند، با فعالان استارت آپی و شرکت های دانش بنیان برقرار کرد».

مدیر کسب و کارهای نوین اتاق تهران ادامه داد: «برای دعوت از اعضا و اطلاع رسانی استراتژی خاص خود را داشتیم و سراغ اعضای رفتیم که فضای فعالیت استارت آپها را درک کرده و در همایش های گذشته اتاق تهران درباره نوآوری شرکت کرده بودند. یک نگرانی جدی در فرایند آشنایی، ارتباط و همکاری شرکت های چندنسلی با استارت آپها وجود دارد و آن هم عدم شناخت لازم دو طرف از فضای

کار و ادبیات یکدیگر است. بعضی صاحبان بنگاههای متقدم ممکن است به دلایل شناخت ناقص و اندک از فضای کار استارت آپها اگر تا سرمایه گذاری در این شرکت ها هم پیش بروند، در صورت شکست استارت آپ، به ضد تبلیغی در این فضا تبدیل شوند. شکست، بخشی از سرمایه گذاری ریسک پذیر در کسب و کارهای نوپاست و نمی توان از هر سرمایه گذاری در این زمینه انتظار سوددهی داشت، این درحالی است که بعضی از صاحبان سرمایه به دلیل شناخت نادرست از اکوسیستم استارت آپی انتظار شکست نداشته و به دنبال سود حداکثری اند. به دلیل ملاحظات از این جنس تلاش کردیم اعضایی را که از شناخت آن ها نسبت به فضای کار استارت آپها اطمینان داریم به کافه سرمایه دعوت کنیم درحالی که تلاش های ما برای گسترده شدن دایره این شرکت ها همچنان ادامه دارد».

نزدیک به دوهزار عضو اتاق بازرگانی به رویداد کافه سرمایه دعوت شدند، هرچند به دلیل زمان محدود تعدادی از این دعوت ها در زمان نامناسب توسط مدعوین دیده شد اما به هر حال بیش از ۱۵ سرمایه گذار از طرف اتاق تمایل خود را برای برقراری تعامل با استارت آپهای منتخب اعلام کردند. در نهایت از بین این سرمایه گذاران و استارت آپهای منتخب نزدیک به ۷۰ جلسه برای مذاکره و همکاری برگزار شد.

اتاق تهران قصد دارد در رویدادهای مشابه کافه سرمایه در حوزه گزینش استارت آپها هم وارد شود. اعضای اتاق تهران که به عنوان بنگاههای متقدم و چندنسلی در فضای اقتصاد کشور شناخته می شوند، نیازهایی دارند که در معاونت کسب و کار اتاق تهران شناسایی شده است. این شرکت ها می توانند با سرمایه گذاری در استارت آپها و شرکت های دانش بنیان یا خرید آن ها بخشی از مشکلاتی را که هزینه های گزاف بر آن ها تحمیل می کند مرتفع کنند. با توجه به تصمیم اتاق تهران بر توسعه فعالیت ها در زمینه کسب و کارهای نوآور و فناور، این امید وجود دارد که در آینده به حوزه پیگیری قراردادهای ارزش گذاری هم وارد شود.

تولید و ارائه محتوا، فرهنگ سازی، آشنایی دو طرف با ادبیات خاص یکدیگر، مشاوره، انتقال دانش و تجربه، آموزش، برگزاری رویداد، عارضه یابی و سطح سنجی توان نوآوری، توسعه بین المللی کسب و کارهای نوآور، توانمندسازی نوآورانه و فناورانه اعضای اتاق، برقراری ارتباط با نهادهای مرتبط و رصد فضای کسب و کار اقدامات اجرایی معاونت کسب و کار اتاق تهران برای تسهیل تحقق اقتصاد نوآور و تحول دیجیتال است.

امید هاشمی در این باره می گوید: «با ترویج فعالیت نوآورانه و هدایت هدفمند و بهره ور فعالان اقتصادی به سمت تحولات نوآورانه، پیش می رویم تا بتوانیم ضمن ایجاد نمونه های موفق گامی هر چند کوچک در راستای توسعه نرخ نفوذ نوآوری و فناوری در کسب و کار برداریم. اتاق بازرگانی تصمیم دارد به عنوان یک پلت فرم در این فضا با دیگر عناصر مؤثر همکاری کند. برای بهره گیری هدفمند از هم افزایی ممکن نه تنها از رقابت با نهادهای فعال در فضای نوآوری اجتناب می کنیم، بلکه همکاری با دیگر بازیگران اکوسیستم از جمله معاونت علمی دفتر ریاست جمهوری، شتاب دهنده، کارخانه های نوآوری و... را مدنظر داشته داریم. بنابراین ما اعتقاد داریم برای هم افزایی بیشتر در تحقق اهداف اقتصاد نوآور و اجتناب از موازی کاری های پراکنده نهادها، مؤسسات و سازمان هایی که در خصوص فعالیت های فوق الذکر توانمند هستند باید با یکدیگر همکاری کنند».



# آن سوی دیوار

اقتصاد چین: آن چه هرکس باید بداند

نویسنده: آر تور آر. کروبر

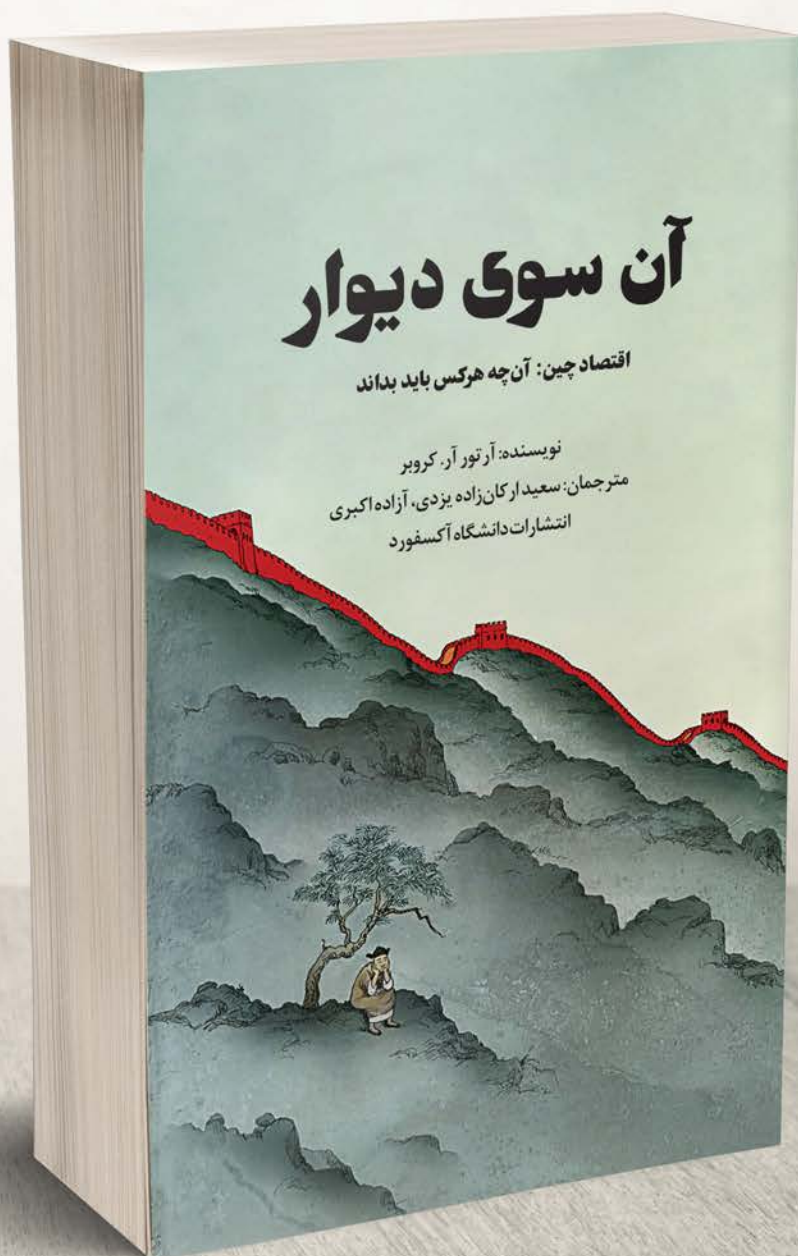
مترجمان: سعید ارکان زاده یزدی، آزاده اکبری

انتشارات دانشگاه آکسفورد



آینده نگر

آن مرکز برای منابع سازمان کشاورزی تهران  
TEHRAN CHAMBER OF COMMERCE,  
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE





## هفتمین نشست هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران برگزار شد **مخالفت صریح وزیر کشاورزی با ممنوعیت صادرات**

نمایندگان بخش خصوصی در هفتمین نشست خود در پارلمان بخش خصوصی پایتخت و در حضور محمود حجتی از مشکلات و مصائب تولید و تجارت در حوزه محصولات کشاورزی و صنایع تبدیلی گفتند. محمود حجتی نیز با اشاره به آمار مقایسه‌ای از افزایش بهره‌وری و سرمایه‌گذاری در حوزه کشاورزی و مدیریت مصرف آب گفت و در بیان مخالفت خود با برخی ممنوعیت‌های صادراتی به بهانه تأمین نیاز داخل عنوان کرد که «ما هم از محدودیت‌ها و ممنوعیت لذت نمی‌بریم و در نتیجه» در این نشست هم‌چنین نمایندگان بخش خصوصی در مورد مصائب ارز ۴۲۰۰ تومانی برای اقتصاد کشور، رتبه اسفبار اقتصاد ایران در شاخص رقابت‌پذیری جهانی، پیش‌بینی تداوم وضعیت رکودی و تورم بالا در ایران توسط نهادهای بین‌المللی و... سخن گفتند. مسعود خوانساری، رئیس اتاق تهران در این نشست به ماده‌ای از قانون برنامه ششم توسعه اشاره کرد که طبق آن وزارت اقتصاد مکلف است هر سال در پایان شهریور ماه گزارشی از شاخص حقوق مالکیت و رقابت‌پذیری ارائه دهد و گفت: «اطلاعی نداریم که در سال جاری این گزارش تدوین شده یا خیر اما هنوز این گزارش به دست ما در اتاق تهران نرسیده است. اما مجمع جهانی اقتصاد گزارش سالانه خود را در مورد ارزیابی شاخص رقابت‌پذیری در کشورهای مختلف جهان از جمله ایران در سال ۲۰۱۹ منتشر کرده است که در آن ۱۲ مؤلفه و ۱۰۳ نامگر مورد بررسی قرار گرفته‌اند و متأسفانه رتبه ایران با ۱۰ مرتبه نزول به رتبه ۹۹ از بین ۱۴۱ کشور رسیده است.»

انتقاد رئیس اتاق تهران از عدم اجرای ماده ۳۶ قانون تأمین اجتماعی در حضور معاون اول

## **کسی پاسخگوی این تخلف بین نیست**

در نشست مشترک روسای اتاق‌های بازرگانی سراسر کشور با معاون اول رئیس‌جمهوری که ۱۳ مهر ماه برگزار شد، رئیس اتاق تهران در جریان بیان مشکلات و دغدغه‌های فعالان بخش خصوصی به عدم اجرای ماده ۳۶ قانون تأمین اجتماعی توسط سازمان تأمین اجتماعی اشاره کرد که حقوق کارگران را پایمال کرده است. در این نشست که با حضور وزرای امور اقتصادی و دارایی، صنعت، معدن و تجارت، جهاد کشاورزی، رئیس‌کل بانک مرکزی و برخی دیگر از مقامات دولتی برگزار شد، روسای اتاق‌های بازرگانی کشور، مهم‌ترین نقطه نظرات و انتقادات فعالان اقتصادی در مورد مسائل جاری کشور را بیان کردند. مسعود خوانساری، رئیس اتاق تهران، ضمن اشاره به توزیع ۱۳۰۰ هزار میلیارد تومان یارانه پنهان و آشکار و ضرورت چاره‌اندیشی دولت برای حل این مسئله، نسبت به عدم اجرای ماده ۳۶ قانون تأمین اجتماعی توسط سازمان مربوطه نیز انتقاد کرد. خوانساری در این جلسه خطاب به اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور، گفت: «طبق قانون تأمین اجتماعی، کارفرما باید حق بیمه کارگران را پرداخت کند و اگر کارفرما به دلبیلی حق بیمه کارگران را نپرداخت، سازمان تأمین اجتماعی نمی‌تواند دفترچه بیمه کارگران را تمدید نکند. در حال حاضر دفترچه بیمه کارگرانی که حق بیمه آنها توسط کارفرما پرداخت نشده، تمدید نمی‌شود؛ این یک خلاف بین است و کسی هم پاسخگو نیست.»



## **۱۳۹۸/۰۷/۱۰ - ضرورت تلاش اروپا برای راه‌اندازی عملی سازوکار اینستکس**

فیلیپ تیپه‌بو، سفیر فرانسه در ایران و مسعود خوانساری، رئیس اتاق بازرگانی تهران، با بررسی وضعیت روابط تجاری دو کشور، بر راه‌اندازی هر چه سریع‌تر سازوکار اینستکس برای انجام مبادلات تجاری با اتحادیه اروپا تأکید کردند. سفیر فرانسه در این نشست از علاقه‌مندی شرکت‌های فرانسوی و تلاش دولت فرانسه برای حل اختلافات و رفع تحریم‌ها سخت گفت. رئیس اتاق بازرگانی تهران نیز در این ملاقات با بیان اینکه زمینه همکاری اقتصادی بنگاه‌های کوچک و متوسط ایران و اتحادیه اروپا فراهم است، گفت: «با این حال، مشکل جدی کم‌انگاز عدم اجرایی شدن اینستکس است و این در حالی است که شرکت متناظر این سازوکار مالی در ایران، به ثبت رسیده و با استقرار دفتر کاری آماده ورود به عرصه فعالیت است.»



## **۱۳۹۸/۰۷/۱۶ - راه‌اندازی میز مشاوره حقوقی بین‌المللی در اتاق تهران**

معاونت امور بین‌الملل اتاق بازرگانی تهران در راستای پاسخ به نیازهای جامعه فعالان اقتصادی بخش خصوصی، یک میز مشاوره حقوقی بین‌المللی ایجاد کرده که پاسخگوی سؤالات اعضای اتاق در زمینه‌های مختلف عقد قرارداد، مذاکرات، حل و فصل دعاوی و... خواهد بود. سرپرست معاونت بین‌الملل اتاق تهران با بیان اینکه از مهرماه امسال، مشاور حقوقی بین‌المللی در این معاونت مستقر شده و آماده ارائه خدمات مشاوره حقوقی به اعضای اتاق تهران است، گفت: کلیه تجار و فعالان اقتصادی عضو اتاق تهران و نیز استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان عضو می‌توانند از خدمات مشاوره حقوقی بین‌المللی در این اتاق بهره‌مند شوند.

## **۱۳۹۸/۰۷/۱۷ - اقتصاد ایران منتظر اروپا نمی‌ماند**



فعالان اقتصادی و نمایندگان بخش خصوصی در همایش روابط تجاری ایران و آلمان، وضعیت مراودات دوجانبه را بررسی کردند و با اشاره به موانع تحریمی موجود، از کاهش روابط ابراز نگرانی کردند. رئیس اتاق تهران نیز در این همایش به اروپا هشدار داد که در صورت تعلل

بیش از انداز، رقبای آنها در بازار ایران خواهند گرفت. در همایش روابط تجاری ایران و آلمان مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی مناسبات اقتصادی دو کشور مورد نقد و بررسی قرار گرفت.



## تحلیل گران

### یمن: جنگی علیه کودکان

سال ۲۰۱۵ بود که عربستان ناگهان وارد جنگ داخلی یمن شد. از آن زمان تاکنون سعودی‌ها این کشور را که جزو فقیرترین کشورهای جهان به شمار می‌آید به جهنم تبدیل کرده‌اند. حالا یمن کشوری است که هر روز در آن چندین حمله صورت می‌گیرد و به همین خاطر جان بسیاری از شهروندان غیرنظامی یمنی در خطر است. عربستان سعودی با چند کشور دیگر ائتلافی را تشکیل داده و به یمنی‌ها حمله می‌کند. سعودی‌ها از کشورهایی مثل آمریکا و بریتانیا، سلاح و تجهیزات نظامی می‌خرند و آن‌ها را بر سر مردم یمن می‌ریزند. همین امر باعث شده سازمان ملل هم در این مسئله دخالت کند. سازمان ملل اعلام کرده ۱۱ میلیون کودک در یمن وجود دارند که همگی به کمک نیاز دارند. به همین خاطر است که این سازمان، جنگ یمن را جنگ علیه کودکان نامیده‌است. حالا حوثی‌ها در یمن دست‌صلح به سوی سعودی‌ها دراز کرده‌اند. اما به نظر می‌رسد باز هم سعودی‌ها با صلح موافقت نمی‌کنند.



نیکولاس کریستوف

تحلیل گر نیویورک تایمز

### نفت: سختی‌های بازگشت عربستان

چندی پیش حمله‌ای به تاسیسات نفتی عربستان سعودی صورت گرفت. به دنبال این حمله، آشوبی در تاسیسات نفتی عربستان به پا شد. هم‌زمان با این آشوب، بازار نفت هم دچار بالا و پایین‌هایی شد. هر اتفاقی که در خاورمیانه رخ می‌دهد در مرحله نخست روی بازار نفت تأثیر می‌گذارد. این بار، اتفاق برای آرامکو سعودی رخ داده بود، یعنی بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شرکت نفتی در خاورمیانه. همین امر باعث شد قیمت نفت هم دچار نوسان شود. حمله به تاسیسات نفتی در ابتدا منجر به افزایش قیمت نفت شد چرا که بخش عرضه را دچار مشکل کرده بود. اما این مسئله دوام نمی‌آورد. شاید در کوتاه‌مدت قیمت نفت افزایش پیدا کند اما در درازمدت دوباره نفت آمریکا به میدان می‌آید و جای سایر نفت‌ها را می‌گیرد. به این ترتیب قیمت نفت دوباره در مسیر نزولی قرار خواهد گرفت. سعودی‌ها هم دیر یا زود دوباره با نفت خود به میدان بازمی‌گردند.



جولیان لی

تحلیل گر بلومبرگ

### محیط زیست: مدافع کوچک

نام گرتا تونبرگ برای آن‌ها که در حوزه محیط زیست فعالیت دارند آشناست. او دختری ۱۶ ساله و اهل سوئد است که اخیراً موفق شده جنبشی را در میان دانش‌آموزان برای حفظ محیط زیست راه‌اندازی کند. این جنبش، جامعه‌ها برای آینده نام دارد. در واقع در این جنبش، به دست دانش‌آموزان انجام می‌شود تا مقابل سرمایه‌داران و سیاستمداران بایستند. تونبرگ ابتدا خودش به تظاهراتی دست به اعتراض می‌زد. اما حالا جهانی را با خودش هم‌صدا کرده‌است. اما برخی تحلیل‌گران معتقدند حضور او صرفاً نمایشی است و نمی‌تواند یک حضور خودجوش باشد. حالا باید دید تونبرگ هم مانند افرادی مثل ملاله یوسفزی به یک عروسک برای نمایش تبدیل می‌شود یا واقعاً می‌تواند به شخصیتی تأثیرگذار بدل شود و تغییراتی را در جهان به نفع محیط زیست ایجاد کند. به هر حال اکنون او توجه زیادی را به خود جلب کرده و انتظار می‌رود فعالان رویه ادامه داشته‌باشد.



تیم لیستر

تحلیل گر سی‌ان‌ان

### آمریکا: یک اخراجی دیگر

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا از زمانی که به دفتر ریاست‌جمهوری یا همان کاخ سفید راه پیدا کرده تاکنون، افراد زیادی را اخراج کرده اما اخیراً افرادی را اخراج می‌کند که به نظر می‌رسد در گذشته با آن‌ها هم‌فکر و هم‌نظر بوده. برای مثال اخیراً او جان بولتون را از تیم مشاوره خود حذف کرده‌است. بولتون جزو افرادی بود که همه او را یار ترامپ می‌دانستند اما رئیس‌جمهوری آمریکا استعداد زیادی در غافلگیر کردن افراد دارد. او با اخراج جان بولتون نشان داد که با کسی تعارف ندارد و اخیراً به دنبال برنامه‌های جدیدی است. به نظر می‌رسد ترامپ تلاش دارد دست همه را از کاخ سفید کوتاه کند و در نهایت خودش به قدرت برسد. او حتی در ویدیویی گفت شغل جان بولتون یکی از آسان‌ترین شغل‌ها بوده چرا که خودش همه کارها را انجام می‌دهد. به این ترتیب به وضوح مشخص است که ترامپ می‌خواهد خودش بر همه مسلط باشد.



لی ژو

تحلیل گر وکس

### جلیقه زردها: تظاهرات ادامه دارد

فرانسه مدتی است که با تظاهرات جلیقه‌زدها روبه‌روست. این افراد مدت‌هاست که به خیابان‌های فرانسه ریخته‌اند و دست به اعتراضات گسترده می‌زنند. آن‌ها در واقع با سیاست‌های امانوئل مکرون رئیس‌جمهوری این کشور، مشکل دارند و به دنبال تغییرات و اصلاحات در وضعیت کشور خود هستند. اعتراض جلیقه‌زدها در واقع از سال گذشته آغاز شد. مردم به برنامه‌های افزایش مالیات سوخت به دست دولت، اعتراض داشتند. دولت در نهایت ناچار به عقب‌نشینی شد. اما حتی عقب‌نشستن دولت هم نتوانست کاری کند که جلیقه‌زدها دیگر در خیابان تجمع نکنند. این اعتراضات حالا همچنان ادامه دارد. در واقع اکنون هفته‌هاست که افراد جلیقه‌زرد به نشانه اعتراض در خیابان‌ها حاضر می‌شوند. پلیس فرانسه حتی به گاز اشک‌آور هم متوسل شده اما نتوانسته آن‌ها را کنترل کند. حالا باید دید این اعتراضات به کجا ختم می‌شود.



شولی رن

تحلیل گر بلومبرگ

### موگابه؛ خاک‌سپاری بالاخره انجام شد

رابرت موگابه رهبر زیمبابوه که چندی پیش از دنیا رفت جزو معدود رهبرانی است که درباره‌اش نظر واحد وجود ندارد. برخی او را یک رهبر دیکتاتور می‌دانند و برخی هم می‌گویند او همان کسی بود که زیمبابوه را از جنگل استعمار نجات داد. نگاهی به گذشته به درستی نشان می‌دهد که موگابه موفق شد به عنوان یک مبارز و آزادی‌خواه برای کشورش قیام کند و مردمش را نجات بدهد. اما به مرور شرایط تغییر کرد. رهبری او بر زیمبابوه به گونه‌ای بود که این کشور از انبار مواد غذایی آفریقا به یکی از فقیرترین کشورهای جهان تبدیل شد. حالا این کشور با کمک‌های خارجی روزهای خود را سپری می‌کند. کسی هم حق ندارد درباره وضعیت خود در این کشور گلایه کند. اما حالا موگابه از دنیا رفته‌است. و هنوز هم نظر واحدی درباره این شخصیت وجود ندارد. هنوز هم برخی افراد او را یک فرد آزادی‌خواه می‌دانند اما برخی دیگر از او با عنوان دیکتاتور یاد می‌کنند.



مایکل آر بلومبرگ

تحلیل گر بلومبرگ



## تسهیلات تقویتی برای بخش پیشران امیدواری در رشد اقتصاد

رئیس کل بانک مرکزی اعلام کرده است که برای نیمه دوم امسال ۱۰۰ هزار میلیارد تومان از تسهیلات بانکی به سوی بخش‌های پیشران اقتصاد هدایت خواهد شد. این در شرایطی است که گزارش اخیر بانک مرکزی حاکی از بازگشت رشد به بخش غیر نفتی اقتصاد کشور است. در سه ماه اول سال ۹۸، بخش غیر نفتی که بخش مولد اقتصاد است، حدود ۰٫۴ درصد نسبت به مدت مشابه ۹۷ رشد داشته است. هرچند این رشد اندک است اما با توجه به رشد منفی سه فصل قبل امیدوارکننده است. عبدالناصر همتی می‌گوید: این مهم در سایه بازگشت آرامش و ثبات نسبی بازار ارز و تخلیه اثرات شوک‌های خارجی ناشی از تحریم و فشار حداکثری، تحقق یافته است. برای تقویت این رشد در فصول آینده و رونق بخش‌های مولد، نظام بانکی خودش را متعهد به کمک در تأمین نیازهای نقدینگی بنگاه‌ها می‌داند.

**۱۰۰ هزار میلیارد تومان**

مقرر شده است که ۱۰۰ هزار میلیارد تومان تسهیلات در نیمه دوم امسال به بخش‌های پیشران اقتصاد اختصاص یابد

## نرخ رشد تولیدات صنعتی مثبت شد افزایش تولید در شهر یور

گزارش ماهانه تولیدات صنعتی شرکت‌های بورسی که بیش از نیمی از تولید صنعتی کشور را در اختیار دارند، حکایت از این دارد که رشد تولید صنعتی در شهر یور ماه نسبت به مردادماه ۱٫۲ درصد مثبت بوده است. بر مبنای گزارش پژوهشکده پولی و بانکی، از ابتدای سال ۹۸ روند رشد منفی صنعتی، به‌طور ماهانه کاهش یافته و در ماه شهریور مثبت شده است. شاخص استخراج‌شده از تعداد ۲۳۰ شرکت صنعتی بورسی هم‌راستا با شاخص تولید صنعتی کل کشور است و با توجه به اینکه شاخص‌های رسمی کل کشور با تأخیر منتشر می‌شود این شاخص بورسی می‌تواند جایگزین خوبی برای تغییرات ماهانه صنعت و حمایت‌کننده‌ای مناسب از مثبت شدن رشد غیر نفتی کشور باشد، که در آمار سه ماهه اول سال نیز مشهود بود.

**۱٫۲ درصد**

نرخ رشد تولیدات صنعتی در صنایع بورسی طی شهریور ۹۸ به ۱٫۲ درصد رسید

## نسبت بالای معافیت‌های مالیاتی

### سهم ۸ درصدی مالیات از اقتصاد

رئیس کل سازمان امور مالیاتی اعلام کرد که حدود ۴۰ درصد اقتصاد ایران از مالیات معاف است و این امر، در کنار پایین بودن نرخ‌های مالیاتی و فرارهای مالیاتی گسترده، باعث شده میزان درآمدهای مالیاتی در کشور به نسبت حجم اقتصاد، پایین باشد. امید علی پارسا می‌گوید: سهم مالیات از تولید ناخالص داخلی در ایران به نسبت کشورهای دیگر، به ویژه کشورهای توسعه‌یافته پایین است. این نسبت در کشورهای توسعه‌یافته حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد و در کشورهای در حال توسعه حدود ۱۵ تا ۱۸ درصد می‌رسد که البته این رقم در ایران حدود هشت درصد است. به گفته او، پایین بودن مالیات از تولید داخلی نشان می‌دهد که فرار مالیاتی و معافیت‌های مالیاتی در ایران بالاست. با وجود اینکه شاخص نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی رقم پایینی را نشان می‌دهد، اقشار مختلف جامعه احساس می‌کنند که مالیات بالایی می‌پردازند.

**۴۰ درصد**

معافیت‌های

مالیاتی سهم ۴۰

درصدی در اقتصاد ایران

دارند

## کدام استان‌ها بیشترین و کمترین هدرروی آب را دارند؟ تلفات سنگین آب

طبق اعلام معاون مهندسی و توسعه شرکت آب و فاضلاب کشور، میزان تلفات آب در تعدادی از استان‌ها بیشتر و در تعدادی دیگر کمتر است به گونه‌ای که در استان یزد و اصفهان ۱۷ درصد و در استان خوزستان نزدیک به ۳۵ درصد است. شاهین پاکروح می‌گوید: تلفات ۲۴٫۵ درصدی آب در کل کشور به آن معنا نیست که شبکه به طور کامل فرسوده است و کل این ۲۴٫۵ درصد از دسترس خارج می‌شود بلکه نیمی از آن مربوط به تلفات فیزیکی است یعنی آن بخشی که ناشی از فرسودگی شبکه بوده و از شبکه خارج می‌شود، اما نیم دیگر آن نیز به انشعاب‌های غیرمجاز بازمی‌گردد. به گفته او، بیشترین انشعاب غیرمجاز در استان خوزستان وجود دارد.

**۲۴٫۵ درصد**

میانگین تلفات آب در کشور به ۲۴٫۵ درصد می‌رسد

## خون تازه در رگ قطعه‌سازان تسهیلات به صنعت خودرو رسید

با فشار تحریم‌های بین‌المللی سیاست داخلی‌سازی قطعات مورد نیاز صنعت خودرو جدی‌تر شده است. به این منظور منابع ویژه‌ای برای احیای صنعت قطعه‌سازی در نظر گرفته شد که کارساز بود. بر اساس اظهارات دبیر انجمن صنایع همگن نیرومحرکه و قطعه‌سازان، تاکنون ۴۰ تا ۵۰ هزار نفر از نیروهای تعدیل‌شده صنعت قطعه‌سازی به سر کار خود بازگشته‌اند. آرش محبی‌نژاد می‌گوید: روند بازگشت نیروها از اوایل امسال و تزریق حدود چهار هزار میلیارد تومان نقدینگی به صنعت قطعه‌سازی آغاز شد که در ماه‌های گذشته و با برگزاری میزهای تعمیق ساخت داخل جانی تازه گرفته است. بهمن سال گذشته مقرر شد برای تخصیص نقدینگی به خودروسازان با محوریت بانک مرکزی، ۱۱ هزار میلیارد تومان در دو بخش ریالی و ارزی پرداخت شود که شامل چهار هزار میلیارد تومان و ۸۴۴ میلیون یورو بود که تاکنون بخش عمده مبلغ چهار هزار میلیارد تومان نقدینگی ریالی پرداخت شده، اما پرداخت ارزی انجام نشده است.

**۵۰ هزار نفر**

از آغاز امسال ۵۰ هزار نیروی بیکار شده در صنعت قطعه‌سازی به کار بازگشتند

## بودجه عمرانی نفتی می ماند

### اولویت بندی طرح های نیمه تمام

دولت قصد دارد بودجه سال ۱۳۹۹ را بدون اتکا به نفت بنویسد. البته این رهایی از نفت فقط مربوط به بودجه جاری خواهد بود و سایر نیازها که مهم ترین آن هزینه های عمرانی خواهد بود همچنان از طریق درآمدهای نفتی فعال می شود. به این مفهوم که به میزان درآمدهای حاصل از نفت پروژه های عمرانی فعال خواهند شد. طبق گفته رئیس سازمان برنامه و بودجه، برای سال ۱۳۹۹ هرآنچه که ما از محل واگذاری دارایی های سرمایه ای اعم از فروش نفت و سایر اموال که سرفصل آنها را دسته بندی می کنیم، همه برای طرح های عمرانی اختصاص داده می شود. به گفته محمد باقر نوبخت، حدود ۸۶ هزار پروژه عمرانی ناتمام در کشور وجود دارد و منابع برای این کار محدود است بنابراین طرح هایی که در سال ۱۳۹۹ قابلیت اتمام دارد، در اولویت اول قرار خواهند داشت.

۸۶ هزار

تعداد پروژه های نیمه تمام در کشور به ۸۶ هزار پروژه رسیده است

## رشد نقدینگی با سرعت ثابت

### رشد ۳۷۷ هزار میلیارد تومانی نقدینگی در ۱۱ ماه

رشد صعودی نقدینگی در اقتصاد ایران سرعت بالایی دارد به طوری که میزان نقدینگی کشور از ۱۶۰۲ هزار و ۲۵۰ میلیارد تومان در مرداد سال ۹۷ به ۱۹۷۹ هزار و ۹۱۰ میلیارد تومان در خرداد ۹۸ رسیده است. به این ترتیب بررسی روند رشد روزانه ارقام پولی در ۱۱ ماه منتهی به خردادماه امسال گویای رشد ۱۱۵۰ میلیارد تومانی نقدینگی در هر روز است. شیب رشد نقدینگی در تمامی ۱۱ ماه گذشته حفظ شده و نوسان قابل توجهی در این مسیر اتفاق نیفتاده است. اگر مسیر رشد نقدینگی با همین سرعت طی شده باشد در پایان شهریور امسال میزان نقدینگی به ۲۰۸۶ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است.

۱۹۷۹ هزار میلیارد تومان

نقدینگی کشور تا پایان خرداد ۹۸ به ۱۹۷۹ هزار میلیارد تومان رسید

## بازگشت ۲۷ میلیارد دلار ارز صادراتی

### صادرات ۶۱ میلیارد دلاری در ۱۸ ماه

اعمال ضوابط ارزی برای بازگشت ارز حاصل از صادرات طی یک سال و نیم گذشته، به محل انتقاد فعالان بخش خصوصی تبدیل شده است. دولت اصرار دارد که صادرکنندگان ارز حاصل از صادرات خود را در سامانه نیمه عرضه کنند اما صادرکنندگان معتقدند با توجه به هزینه های تأمین کالاهای صادراتی امکان آن وجود ندارد و باید قیمت رقابتی برای فروش ارز اعمال شود. وزیر امور اقتصادی و دارایی اعلام کرد که صادرات غیرنفتی کشور در ۱۸ ماه گذشته ۶۱ میلیارد دلار بود که حدود ۲۷ میلیارد دلار آن معادل ۴۵ درصد به کشور بازگشت. فرهاد دژپسند می گوید: صادرکنندگان ریشه دار همه تلاششان این است که ارز خود را بازگردانند و ما باید کاری کنیم که ارز بیشتری به چرخه اقتصادی کشور بازگردد. اگر نیمی از ۵۵ درصدی که هنوز بازنگشته وارد چرخه اقتصادی شود بخش قابل توجهی از مشکلات حل خواهد شد.

۴۵ درصد

میزان ارز بازگشتی حاصل از صادرات غیرنفتی در ۱۸ ماه گذشته به ۴۵ درصد رسید

## اعمال تعرفه ترجیحی با اتحادیه اوراسیا

### فرصت جدید برای تجارت ایران

پنجم آبان ماه مسیر پیوستن ایران به اتحادیه اوراسیا آغاز خواهد شد و در گام نخست تعرفه های ترجیحی تجارت میان ایران و کشورهای این منطقه اعمال خواهد شد. بر این اساس با اجرای برنامه های مشترک این امکان فراهم می شود که ۳۶۰ قلم کالا از اوراسیا با تعرفه پایین، عوارض بسیار پایین و در برخی از موارد بدون عوارض وارد ایران شود و همچنین ۵۰۳ قلم کالا از ایران با تخفیف عوارض گمرکی به منطقه اوراسیا صادر می شود. این روش در ۳ سال پیش خواهد رفت و اگر نتایج رضای کننده ای داشته باشد، می تواند به عضویت دائم ایران در اوراسیا منجر شود. طبق اعلام مهدی میراشرفی رئیس کل گمرک ایران در حال حاضر ایران با اوراسیا نزدیک به ۵۰۰ میلیون دلار مبادله دارد که می تواند تا چند برابر افزایش یابد.

۵۰۰ میلیون دلار

حجم مبادلات تجاری ایران با کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا ۵۰۰ میلیون دلار است

## انتشار جزئیاتی از عملکرد مالی دولت

### فروش اوراق برای پرداخت بدهی

معاونت نظارت مالی و خزانه داری کل کشور، طی گزارشی اعلام کرد که از شهریور ۱۳۹۷ تا مرداد ۱۳۹۸، معادل ۹۱ درصد اعتبارات عمرانی دولت در چهارماه نخست امسال پرداخت شد. همچنین ۴۱۸ هزار فقره اموال غیرمنقول دولتی (زمین و ملک) در راستای اجرای پروژه مدیریت دارایی های دولت از سال ۱۳۹۴ تاکنون ثبت شده که ۶۷ هزار و ۴۵۰ فقره آن طی یک سال اخیر صورت گرفته است. این گزارش با اشاره به انتشار معادل ۱۹۳ هزار و ۲۷۳ میلیارد ریال اسناد خزانه اسلامی در سال ۱۳۹۷، از انتشار ۳۱۰ هزار میلیارد ریال اسناد خزانه اسلامی توسط معاونت نظارت مالی و خزانه داری کل کشور با هدف تسویه بدهی دولت به پیمانکاران طرف قرارداد دستگاه های اجرایی در سال ۱۳۹۸ خبر می دهد.

۳۱۰ هزار میلیارد تومان

با انتشار اسناد خزانه اسلامی ۳۱۰ هزار میلیارد تومان از بدهی دولت به پیمانکاران پرداخت شد

## سازمان‌ها

## سازمان ملل خبر داد

## همه چیز روی خط تغییرات اقلیمی

مجمع عمومی سازمان ملل جایی است که هر سال تعداد زیادی از نمایندگان و رهبران کشورهای مختلف در آن دور هم جمع می‌شوند و درباره مسائل مختلف گفت‌وگو می‌کنند. امسال هم رهبران کشورهای مختلف در این مجمع دور هم جمع شدند تا سخنرانی و برای مسائل مختلف راه‌حل‌هایی پیدا کنند. این مجمع مثل هر سال کار خود را از سپتامبر آغاز کرد. مهم‌ترین موضوعی که امسال به آن پرداخته شده مسئله تغییرات اقلیمی بوده. آنتونیو گوترش دبیر کل سازمان ملل به رهبران کشورها گفته امسال با سخنرانی نیابند بلکه با برنامه بیابند. به همین خاطر است که اکثر کشورها تلاش کردند راهکاری را برای مقابله با مسائل زیست‌محیطی مطرح کنند. حدود ۶۰ نفر از رهبران کشورهای جهان با برنامه به این نشست آمدند و در آن سخنرانی کردند. حالا نتیجه این نشست‌ها به صورت راهکار برای مقابله با تغییرات اقلیمی مطرح خواهد شد.

**۷ میلی‌متر افزایش سطح دریاها**  
در ۱۰۰ سال گذشته بوده‌است

صندوق بین‌المللی پول اعلام کرد  
رشد تجارت جهان منفی شد

صادرات و واردات جهان پرنرنگ‌ترین نقش را در اقتصاد جهان ایفا می‌کند. ارزش صادرات جهانی از ابتدای سال میلادی جاری تا ماه جولای نسبت به مدت مشابه سال گذشته، رشد ۳٫۷ درصدی داشته و این رقم نسبت به گذشته کمتر بوده؛ به عبارت دیگر رشد آن منفی بوده. ارزش واقعی صادرات جهانی با وجود ادامه رشد اقتصاد جهانی که البته با آهنگ آهسته‌ای بوده، رشد منفی داشته‌است. نرخ‌های رشد منطق بر دوره رکود و نه دوره‌های توسعه بوده‌است. کاهش صادرات جهانی نشان می‌دهد که تنش‌های تجاری میان آمریکا و چین افزایش پیدا کرده. در واقع این تعرفه‌گذاری‌های سنگین است که مشکلاتی را در زمینه تجارت ایجاد می‌کند و اکنون شاهد تأثیر آن بر اقتصاد جهان هستیم. از زمان جنگ تجاری تاکنون تجارت جهانی رو به افول گذاشته و شاهد افت سرمایه‌گذاری‌ها در اقتصادهای مختلف جهان بوده‌ایم.

**۳٫۷ درصد رشد ارزش صادرات جهانی**  
در سال ۲۰۱۸ بوده که منفی است

## بانک جهانی بررسی کرد

## سودآوری بانک‌های جهان چقدر است؟

صنعت بانکداری از نگاه همه جزو سودآورترین صنایع است. اما میزان سودآوری این صنعت چقدر است؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد این صنعت در سال ۲۰۱۸ در سرتاسر جهان ۱٫۳ تریلیون دلار سودآوری خالص داشته است. خدمات مالی در همه نقاط جهان جزو سودآورترین بخش‌هاست. اقتصاد برخی از کشورها دقیقاً به همین دلیل کاملاً مبتنی و متکی بر بانکداری است. به طور متوسط ۵٫۱ درصد از کل تولید ناخالص داخلی جهان را هم صنعت بانکداری تشکیل می‌دهد. در حال حاضر جی پی مورگان با ارزش برابر با ۳٫۵ تریلیون دلار، با ارزش‌ترین بانک آمریکا به شمار می‌آید. بانک‌های سیتی گروپ، ولفارگو و من ساکس هم جزو باارزش‌ترین بانک‌ها بعد از جی پی مورگان هستند. بانک‌های آمریکایی تا پایان سال ۲۰۱۸ بیش از ۴۰۳ میلیارد دلار سودآوری خالص داشته‌اند. این رقم برای چین ۳۳۳ میلیارد دلار و برای اتحادیه اروپا ۱۹۸ میلیارد دلار بوده‌است.

**۱٫۳ تریلیون دلار**  
سودآوری خالص  
صنعت بانکداری  
در جهان در سال ۲۰۱۸  
بوده‌است

## سازمان بهداشت جهانی گزارش داد

## هنوز مادران و کودکان می‌میرند

یکی از اهداف توسعه هزاره، بهبود شرایط برای مادران و کودکان است، به گونه‌ای که مرگ مادران به دلیل زایمان کاهش پیدا کند. علاوه بر آن تعداد کودکانی که به دلایل مختلف و نبود بهداشت از بین می‌روند نیز باید کاهش پیدا کند. البته که پیشرفت‌های زیادی در این زمینه حاصل شده اما باز هم راه درازی در این زمینه باقی مانده‌است. روزانه بیش از ۱۵ هزار کودک به دلایل مختلف از جمله کمبود امکانات جان خود را از دست می‌دهند. همچنین ۸۰۰ زن هر روز به دلیل نبود امکانات بهداشتی از دنیا می‌روند. مرگ کودکان زیر ۵ سال جزو مسائلی است که همه دولت‌ها برای جلوگیری از آن تلاش می‌کنند. مرگ کودکان و مادران می‌تواند هزینه‌های کلانی برای دولت‌ها به همراه داشته باشد. به همین دلیل است که دولت‌ها با آن مقابله می‌کنند.

**۵۹ درصد کاهش مرگ و میر کودکان**  
زیر ۵ سال در ۲۸ سال گذشته

بانک جهانی گزارش داد  
بهترین شهر جهان کجاست؟

بررسی و رتبه‌بندی شهرهای جهان جزو کارهایی است که بسیاری از رسانه‌ها به آن می‌پردازند. برخی رسانه‌ها تعداد زیادی از شهرها را مورد بررسی قرار می‌دهند و برخی دیگر هم تعداد کمی از شهرها را بررسی می‌کنند. اخیراً ۱۴۰ شهر جهان مورد بررسی قرار گرفته و به لحاظ شرایط مطلوب یا نامطلوب رتبه‌بندی شده‌اند. معیارهای مختلفی برای بررسی این شهرها در نظر گرفته شده‌است. برای مثال مراقبت‌های درمانی، فرهنگ و محیط زیست، نظام آموزشی و زیرساخت‌ها همگی جزو مسائلی هستند که مورد بررسی قرار می‌گیرند. بهترین شهر جهان در حال حاضر شهر وین در اتریش است. در حالی که در گذشته همیشه ملبورن حرف اول را می‌زد اکنون دیگر وین شهر برتر جهان است. این شهر به عنوان بهترین شهر جهان در سال ۲۰۱۹ انتخاب شده‌است. وین در این زمینه امتیاز ۹۹٫۱ را کسب کرده‌است.

**۹۹٫۱ رتبه وین** به لحاظ مطلوبیت  
در سال ۲۰۱۹ بوده که بهترین شهر جهان است

در حالی که دو غول تجاری جهان وارد جنگ تجاری شده‌اند، اقتصادها به دنبال سایر کشورها و اقتصادهای بزرگ جهان هستند تا فعالیت‌های تجاری خود را انجام بدهند. هند یکی از اقتصادهای مقصد است که این روزها حجم زیادی از سرمایه‌ها را جذب کرده‌است.

## رسانه‌ها

### رویترز خبر داد

## چرخش سیاست‌های اقتصادی سعودی

عربستان قرار است برای اولین بار در تاریخ خود، ویزاهای گردشگری صادر کند. در واقع این کشور تصمیم گرفته درهای خود را به روی گردشگران خارجی باز کند. سعودی‌ها برای این کار خود یک دلیل بزرگ دارند: جلوگیری از تکیه اقتصادی بر نفت. واقعیت این است که اقتصاد سعودی‌ها کاملاً وابسته به نفت است. بن سلمان شاهزاده سعودی روی کار آمد و سیاست‌هایی را مطرح کرد تا به کمک آن‌ها مانع اتکالی اقتصاد این کشور به نفت شود. آن‌ها طرح چشم‌انداز ۲۰۳۰ را به میان کشیدند. براساس این طرح سعودی‌ها گردشگران خارجی بیشتری را جذب می‌کنند تا از این طریق اقتصاد خود را به گردش دریاورند. مقامات سعودی می‌خواهند تا سال ۲۰۳۰ تعداد گردشگران داخلی و خارجی در این کشور به ۱۰۰ میلیون نفر در سال برسد. این طرح در حقیقت برای مدرنیزه کردن اقتصاد عربستان و به نوعی برای اصلاح نظام اقتصادی سعودی است.

**۱۰۰ میلیون نفر** شمار گردشگران داخلی و خارجی عربستان سعودی تا سال ۲۰۳۰ مطابق با اهداف تعیین‌شده

### سی‌ان‌ان خبر داد

## تعرفه‌های جدید به تعویق افتاد

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا مدت‌هاست که تعرفه‌هایی را بر کالاهای چینی وضع کرده. او هر چند مدت یک بار به منزله تهدید، تعرفه‌های جدیدی وضع می‌کند. در واقع با همین اقدامات مدتی است که چین و آمریکا وارد جنگ تجاری شده‌اند. این جنگ می‌تواند به اقتصاد هر دو کشور به عنوان بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان آسیب‌های جدی وارد کند. به همین خاطر است که مقامات دو کشور پای میز مذاکره نشسته‌اند تا مانع ادامه این رویه شوند. اخیراً چینی‌ها اعلام کرده‌اند که برخی از کالاهای آمریکایی را از تعرفه‌گذاری معاف می‌کنند. آمریکا هم از این اقدام استقبال کرده و اعلام کرده تعرفه‌گذاری‌های جدید بر کالاهای چینی را برای مدتی به تعویق می‌اندازد. اما هنوز هم نمی‌توان با اطمینان گفت این دو کشور جنگ تجاری را متوقف خواهند کرد. به هر حال این جنگ هیچ برنده‌ای ندارد.

**۲۵۰ میلیارد دلار** کالای چینی از سوی آمریکا تعرفه‌گذاری شده‌است

### بیزنس اینسایدر گزارش داد

## آپارتمان‌هایی با قیمت‌های باورنکردنی

یک میلیون دلار مبلغ کمی نیست، برای آپارتمان هم قیمت بسیار زیادی است. برخورد کردن به آپارتمان‌هایی که قیمتی بالای یک میلیون دلار دارند در شهرهای آمریکایی، مسئله شگفت‌آوری نیست. گران‌ترین آپارتمانی که در آمریکا شناسایی شده، ۲۵۰ میلیون دلار قیمت دارد. این آپارتمان ۱۷ حمام و ۱۶ اتاق خواب دارد. به علاوه فضایی هم برای حیوانات خانگی دارد. در نیویورک هم آپارتمانی وجود دارد که قیمت آن حدود ۸۲ میلیون دلار برآورد شده؛ این آپارتمان هم هفت اتاق و شش حمام دارد. در واقع امکاناتی که این آپارتمان‌ها دارند جزو مواردی است که روی قیمت آن‌ها تاثیر می‌گذارد. یکی از مشهورترین آپارتمان‌های کالیفرنیا هم حدود ۴۹ میلیون دلار قیمت‌گذاری شده‌است. برخی از این خانه‌ها و آپارتمان‌ها هم متعلق به افرادی است که می‌تواند جنجال به پا کند. نماینده شهر بوستون از جمله کسانی است که در یکی از همین آپارتمان‌ها زندگی می‌کند.

**۲۵۰ میلیون دلار** قیمت گران‌ترین آپارتمانی که در آمریکا وجود دارد

### بلومبرگ تحلیل کرد

## نوسان بورس با ورود آیفون ۱۱

برخی کالاها به قدری اهمیت دارند که می‌توانند روی بازار سهام هم تاثیر بگذارند. یکی از این کالاها، گوشی‌های تلفن همراه هوشمندی است که شرکت اپل تولید می‌کند. هر بار که یک آیفون جدید به بازار می‌آید جنجالی در بازار به پا می‌کند. اخیراً اما اتفاقی افتاده که می‌تواند جنجالی‌تر هم باشد. این شرکت اخیراً از محصول جدید خود رونمایی کرده: آیفون ۱۱. این محصول جدید قیمت مناسبی دارد و به همین خاطر از آن در سطح جهانی استقبال می‌شود. این مسئله باعث شده معاملات بورس آمریکا هم تحت تاثیر قرار بگیرد. در واقع انتظار می‌رود قیمت مناسب‌تر این محصول نسبت به محصولات پیشین، به استقبال از این محصول بینجامد و در نتیجه بازار سهام آمریکایی تحت تاثیر قرار گرفته‌است. حالا باید دید بورس وال استریت در ادامه به چه مسیری خواهد رفت.

**۰٫۳ درصد** افزایش ارزش شاخص اس‌اند‌پی ۵۰۰ بعد از رونمایی آیفون ۱۱ بوده‌است

### سی‌ان‌ان بررسی کرد

## دوستی هند و روسیه

اخیراً در مشرق‌زمین اتفاقات بزرگی در حال رخ دادن است. بسیاری از کشورهای شرقی اکنون به قدرت‌های بزرگ و مهمی در جهان تبدیل شده‌اند که حرف‌هایی برای گفتن دارند. آن‌ها هم به لحاظ سیاسی و هم به لحاظ اقتصادی جان گرفته‌اند و تلاش می‌کنند این قدرت خود را که تازه به آن دست پیدا کرده‌اند، برای خودشان حفظ کنند. آن‌ها با هم شراکت می‌کنند و سعی دارند دست آمریکایی‌ها را کوتاه کنند. هند هم با روسیه قرارداد می‌بندد تا هر دو کشور جزو قدرتمندان شرق باشند. آن‌ها اخیراً قراردادهایی در حوزه انرژی با یکدیگر بسته‌اند. این قراردادها با هدف تقویت روابط تجاری دو کشور صورت گرفته و قرار است در آینده هم افزایش پیدا کند. هند به عنوان سومین مصرف‌کننده انرژی در جهان تلاش دارد کالاها و محصولات مورد نیاز خود را از طریق روسیه تامین کند.

**۳۰ میلیارد دلار** تجارت سالانه هند و چین تا سال ۲۰۲۵ خواهد بود



## کاهش قیمت مسکن در تهران رکود عمیق می‌شود؟

و ۶۶۷ هزار تومان رسیده است در حالی که این نرخ تا بالای ۱۳ میلیون تومان پیش رفته بود. در میان مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران، بیشترین متوسط قیمت یک متر مربع زیربنای مسکونی معامله شده معادل ۲۵ میلیون تومان به منطقه ۱ و کمترین آن با ۵ میلیون و ۶۸۰ هزار تومان به منطقه ۱۹ تعلق داشته است. این ارقام نسبت به ماه مشابه سال قبل به ترتیب ۴۲،۳ و ۴۶،۵ درصد افزایش نشان می‌دهند.

بازار مسکن در شهرپور با کاهش قیمت مواجه شد تا برای دومین ماه متوالی باشد که قیمت‌ها در این بازار افت می‌کند. با این حساب می‌توان از تداوم رکود در بازار مسکن سخن گفت. کاهش قیمت مسکن در حالی از مرداد آغاز شد که از ۱۴ ماه پیش از آن تعداد معاملات ماهانه مسکن وارد مدار نزولی شده بود. آمارها نشان می‌دهد که در تهران میانگین قیمت هر متر مربع واحد مسکونی به ۱۲ میلیون

وضعیت معاملات مسکن در شهر تهران - بانک مرکزی					
مقطع زمانی	درصد تغییر				
	نسبت به ماه قبل	نسبت به ماه مشابه سال قبل	شهرپور ۹۸	مرداد ۹۸	شهرپور ۹۷
متوسط قیمت هر متر مربع (میلیون تومان)	-۲،۸	۵۶،۵	۱۲،۶۶	۱۳،۰۲	۸،۰۹
تعداد معاملات (واحد مسکونی)	-۱۵،۳	-۷۳	۲۷۸۷	۳۲۹۲	۱۰،۳۳۵

عملکرد معاملات مسکن در شهر تهران در سال ۱۳۹۸ - بانک مرکزی					
شش ماهه	درصد تغییر				
	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶
متوسط قیمت هر متر مربع (میلیون تومان)	۱۲،۷۱	۵۰،۵	۶،۷۴	۴،۴۸	۸۸،۴
تعداد معاملات (واحد مسکونی)	۳۲۴۰۶	-۱۲،۱	۷۴۸۹۴	۸۵۱۸۲	-۵۶،۷

# ۸۸.۴

درصد

میزان افزایش  
متوسط قیمت  
مسکن در تهران  
طی ۶ ماهه ۹۸  
نسبت به ۶ ماهه ۹۷

# -۵۶.۷

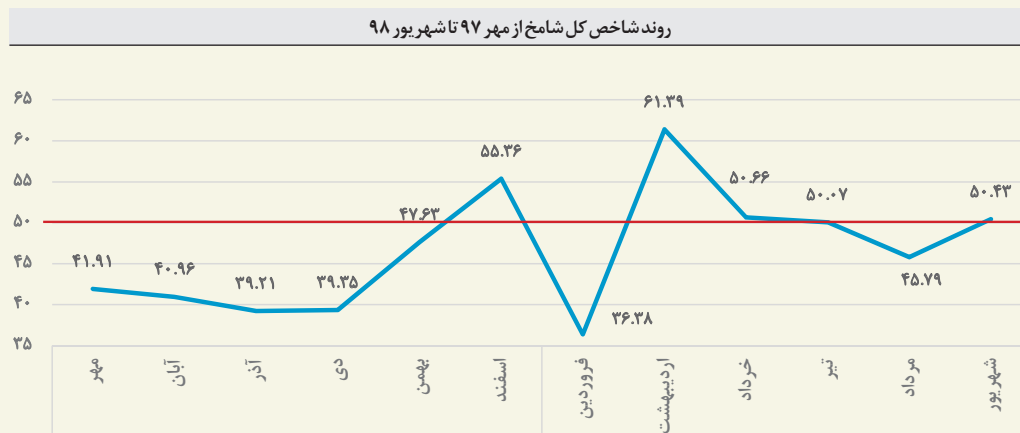
درصد

میزان کاهش  
معاملات مسکن در  
تهران طی ۶ ماهه ۹۸  
نسبت به ۶ ماهه ۹۷

## شاخص مدیران خرید تقویت شد افزایش امیدواری در بخش صنعت

اعلام مرکز آمار و اطلاعات اقتصادی اتاق ایران در شاخص شهرپور ماه، سرعت انجام و تحویل سفارش، میزان استخدام و به کارگیری نیروی انسانی و انتظارات تولید در ماه آینده بهبود داشته است اما میزان سفارش‌های جدید مشتریان با کاهش مواجه شده و بالاترین فعالیت‌های اقتصادی را تشدید کرده است. شاخص مدیران خرید که از مهرماه سال ۱۳۹۷ تاکنون، موردحسابه قرار گرفته است، از سایه سنگین رکود بر بخش صنعت کشور حکایت دارد و وضعیت را به جز در ماه‌های اسفند و اردیبهشت همواره بدتر از ماه قبل و یا بدون تغییر نسبت به ماه قبل گزارش کرده است.

شاخص مدیران خرید (PMI) موسوم به شاخص در شهرپور ۱۳۹۸ معادل ۵۰،۴۳ واحد اعلام شد که نسبت به شاخص ماه قبل ۴،۶۴ واحد، معادل ۱۰،۱۳ درصد افزایش یافته است. این میزان رشد تا حدودی می‌تواند نشانه بهبود نسبی وضعیت فعالیت‌های اقتصادی باشد اما بررسی زیرشاخص‌های شاخص حاکی از این است که همچنان بالاترین فعالیت‌های اقتصادی میان رونق و رکود ادامه دارد. در جریان استخراج شاخص، اگر عدد شاخص بیش از ۵۰ واحد باشد، نشان می‌دهد که اقتصاد در حال توسعه است درحالی که هر رقمی زیر ۵۰ واحد، از قرار داشتن اقتصاد در شرف انقباض و رکود حکایت دارد. طبق



# ۱۰.۱۳

درصد

میزان افزایش شاخص  
شاخص در شهرپور ۹۸

# ۵۰.۴۳

درصد

شاخص شاخص  
در شهرپور که  
نشان‌دهنده بهبود  
نسبی اوضاع صنعت  
است

۴۶

درصد

نرخ تورم ۱۲ ماهه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها تا پایان شهریور ۹۸

۲۲

درصد

نرخ تورم ۱۲ ماهه بخش آموزش تا پایان شهریور ۹۸

## تورم نقطه‌ای کاهش یافت پیشروی تورم سالانه

نرخ تورم سالانه شهریور ماه ۱۳۹۸ برای خانوارهای کشور به ۴۲٫۷ درصد رسید که نسبت به همین اطلاع در ماه قبل، ۰٫۵ واحد درصد افزایش نشان می‌دهد. نرخ تورم سالانه برای خانوارهای شهری ۴۱٫۹ درصد و برای خانوارهای روستایی ۴۷٫۴ درصد بوده است. نرخ تورم ماهانه شهریور ۱۳۹۸ به ۰٫۵ درصد رسیده که در مقایسه با همین اطلاع در ماه قبل، ۰٫۱ واحد درصد کاهش داشته است. نرخ تورم نقطه‌ای در شهریور ماه ۱۳۹۸ به عدد ۳۵ درصد رسیده است یعنی خانوارهای کشور به طور میانگین ۳۵ درصد بیشتر از شهریور ۱۳۹۷ برای خرید یک «مجموعه کالاها و خدمات یکسان» هزینه کرده‌اند. نرخ تورم نقطه‌ای شهریور ماه ۱۳۹۸ در مقایسه با ماه قبل ۶٫۶ واحد درصد کاهش یافته است.

جزئیات نرخ تورم در کالاها و خدمات مختلف		
گروه‌های اصلی	تغییر شهریور ۹۸ نسبت به مرداد ۹۸	تغییر شهریور ۹۸ نسبت به شهریور ۹۷
خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها	-۱٫۴	۴۶
دخانیات	-۰٫۴	۲۱٫۸
پوشاک و کفش	۲٫۱	۴۷٫۲
مسکن، آب، برق و گاز و سایر سوخت‌ها	۲٫۴	۲۴٫۱
اثاث، لوازم و خدمات مورد استفاده در خانه	۱٫۵	۵۷٫۱
بهداشت و درمان	۰٫۸	۲۷
حمل و نقل	-۱	۲۹٫۸
ارتباطات	-۰٫۹	۲۱
تفریح و امور فرهنگی	۱٫۷	۵۰٫۳
تحصیل	۲٫۳	۲۴٫۷
رستوران و هتل	۱٫۴	۴۴٫۷
کالاها و خدمات متفرقه	۰٫۹	۳۹٫۳

## کاهش نرخ بیکاری جمعیت فعال افزایش یافت

۵۵.۱

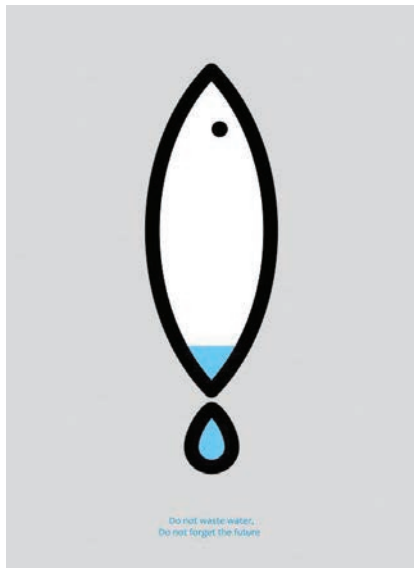
درصد

جمعیت ۱۵ سال و بیشتر غیرفعال هستند

بیشتر در این فصل ۲۴ میلیون و ۷۵۱ هزار نفر بوده که نسبت به فصل مشابه سال قبل ۸۴۴ هزار نفر افزایش داشته است. بررسی اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی نشان می‌دهد که در تابستان ۱۳۹۸، بخش خدمات با ۴۹٫۱ درصد بیش‌ترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است. در مراتب بعدی بخش‌های صنعت با ۳۲ درصد و کشاورزی با ۱۹ درصد قرار دارند. نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله حاکی از آن است که ۲۶٫۱ درصد از فعالان این گروه سنی در تابستان ۱۳۹۸ بیکار بوده‌اند.

نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در تابستان سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که نرخ بیکاری افراد ۱۵ ساله و بیشتر به ۱۰٫۵ درصد رسیده است به این مفهوم که ۱۰٫۵ درصد از جمعیت فعال در این رده سنی، بیکار بوده‌اند. در تابستان ۱۳۹۸، به میزان ۴۴٫۹ درصد جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند، یعنی در گروه شاغلان یا بیکاران قرار گرفته‌اند. بررسی تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی حاکی از آن است که این نرخ نسبت به فصل مشابه در سال قبل (تابستان ۱۳۹۷) ۰٫۲ درصد افزایش داشته است. جمعیت شاغلین ۱۵ ساله و

شاخص‌های نیروی کار		کل کشور		مرد		زن	
		تابستان ۹۸	تغییر نسبت به تابستان ۹۷	تابستان ۹۸	تغییر نسبت به تابستان ۹۷	تابستان ۹۸	تغییر نسبت به تابستان ۹۷
نرخ مشارکت اقتصادی ۱۵ سال و بیشتر	۴۴٫۹	۰٫۲	۷۲٫۲	۰٫۵	۱۷٫۶	-۰٫۲	
نرخ بیکاری ۱۵ سال و بیشتر	۴۰٫۲	۱	۸٫۶	-۱٫۸	۱۸٫۲	-۱٫۷	
نرخ بیکاری ۱۵ تا ۲۴ سال	۲۶٫۱	-۱٫۱	۲۱٫۸	-۱٫۸	۴۲٫۹	۲٫۵	
بیکاری جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال	۱۷٫۹	-۲	۱۴٫۱	-۲٫۱	۲۱٫۶	-۱٫۷	
اشتغال در بخش کشاورزی	۱۹	۰٫۱	۱۸٫۲	۰	۲۲٫۵	۰٫۵	
اشتغال در بخش صنعت	۳۲	۰٫۵	۳۳٫۳	۰٫۳	۲۵٫۷	۰٫۷	
اشتغال در بخش خدمات	۴۹٫۱	-۰٫۴	۴۸٫۵	-۰٫۳	۵۱٫۷	-۱٫۳	



آب، آینده اثر سانیل میش آکین



امنیت اثر بونیل



تظاهرات اثر دارکو درلی یویچ



غریق‌ها اثر هن کیم



ششلول‌بند اثر ماریلنا ناردی



استقامت اثر کریستوف دل‌بیک



حقوق بشر اثر حسن کریم‌زاده



سلاح سرد اثر کورشات زامان



درد سکوت اثر ایکو اوخالا

# ..... یادنامه .....

در سوگ اسدالله عسگراولادی

## مرد تجارت

خبر کوتاه بود: اسدالله عسگراولادی درگذشت. خبری که بخش خصوصی را در اندوه فرو برد. مردی که نامش با صادرات عجین شده و سال‌ها در اتاق بازرگانی کرسی داشت. مرحوم عسگراولادی یکی از بنیان‌گذاران اتاق بازرگانی بعد از انقلاب بود. او یکی از مهم‌ترین مهره‌های بخش خصوصی در توسعه روابط با کشورهای هم‌چون روسیه و چین بود. با پایه نهادن چندین اتاق بازرگانی مشترک، توانست به صادرات کالاهای ایرانی حتی به دوردست‌ترین نقاط دنیا کمک کند. مرحوم حاج اسدالله عسگراولادی همواره خود را کاسب جزء می‌دانست. او در نخستین دوره مراسم اهدای تندیس امین‌الضرب، به پاس نقش‌آفرینی اثرگذارش در بخش خصوصی نشان امین‌الضرب را دریافت کرد. یادش گرامی



## مروری بر زندگی مرحوم اسدالله عسگراولادی

## ۷۳ سال با بازار

## بمانجان ندیمی

دبیر بخش روایت



نام: اسدالله  
نام خانوادگی: عسگراولادی  
نام پدر: حسین  
نام مادر: آمنه  
زادگاه: تهران  
شغل پدر: پیشه‌وری  
تاریخ تولد: اسفند ۱۳۱۲  
تاریخ فوت: شهریور ۹۸  
شغل: مادرکننده



حاج آقا عسگراولادی را تمام آنهایی که دستی بر آتش تجارت دارند می‌شناختند. حتی فراتر از آن، عوام جامعه هم حداقل یک بار نام ایشان را شنیده بودند. از نوجوانی کار می‌کرد. خانواده‌اش اهل دماوند بودند. پدرش پیشور بود. ثروتمند نبودند و به قول خودش سر و کاری هم با ثروتمندان نداشتند. خانواده عسگراولادی خانواده‌ای متدین بودند. مرحوم حسین عسگراولادی سه فرزند پسر و چهار فرزند دختر داشت که اسدالله فرزند چهارم بود. البته گرایش مذهبی پسران خانواده با یکدیگر فرق داشت؛ صادق تمایلات سیاسی چپ داشت و حبیب‌الله کاملاً در نقطه مقابل صادق. اما اسدالله آن طور که خودش می‌گفت مسلمان و متدین میانه‌رو بود.

نام حبیب‌الله عسگراولادی نیز در گوشه‌ای از تاریخ ایران ثبت شده به عنوان یار امام. فعالیت‌های سیاسی او پیش و پس از انقلاب، نام خانوادگی عسگراولادی‌ها را در زمره سیاستمداران قرار داده است. حزب مؤتلفه اسلامی با این نام خانوادگی گره خورده است؛ هر چند حاج اسدالله عنوان می‌کرد که چندان علاقه‌ای به فعالیت‌های سیاسی نداشته و بعد از فوت حاج حبیب‌الله اعضای حزب مؤتلفه به سراغ او می‌آیند تا جانشین برادرش در حزب باشد. اما به مؤتلفه علاقه‌ای ندارد و این مؤتلفه است که به او نیاز دارد.

اسدالله دوران ابتدایی را در مدرسه امید دماوند به اتمام رساند. وقتی به سن سیزده سالگی رسید در تهران نزد دایی‌اش حاج میرزا عبدالله توسلی کار می‌کرد. فعالیت حاج آقا توسلی صادرات بود. در آن زمان هر سه برادر عسگراولادی (صادق، حبیب‌الله، اسدالله) مشغول کار در بازار تهران بودند. آن طور که در کتاب «پنجاه کنشگر اقتصادی ایران» به نقل از او روایت می‌شود، اولین کسب خود را در ۱۵ سالگی می‌داند که با خرید و فروش یک کیسه کنجد ۵ تومان سود می‌برد. با همین پول هم یک جعبه شیرینی و نیم کیلو نقل برای مادرش می‌خرد. کار در بازار باعث نشد که او از درس خواندن غافل بماند. مدرسه را در دوران نوجوانی به صورت شبانه ادامه داد. او توانست دو دیپلم ادبی و طبیعی را اخذ کند و وارد دانشگاه شود و از دو

دانشکده اقتصاد و ادبیات تهران نیز فارغ‌التحصیل شود. حاج اسدالله در دانشگاه زبان انگلیسی خواند چرا که همیشه اعتقاد داشت آموختن زبان انگلیسی برای یک تاجر از واجبات است. در کلاس‌های شبانه با یکی از هم‌کلاس‌هایش که اتفاقاً او هم نزد دایی‌اش در بازار کار می‌کرد، آشنا شد. او کسی نبود جز محمدحسن شمس‌فرد. کسی که تنها شریک اسدالله تا پایان عمرش بود. شمس‌فرد در گفت‌وگویی با «دنیای اقتصاد» گفته است: «وقتی با هم هم‌کلاس بودیم، دوستی‌مان رفته‌رفته صمیمی شد. این اعتماد از همان دوران مدرسه بینمان به‌وجود آمد. حدود ۵ تا ۶ سال طول کشید و همدیگر را خوب شناختیم و بعد از آن تصمیم گرفتیم که شریک شویم. این‌طور نبود که بدون شناخت اعتماد کنیم.»

آن طور که از مرحوم حاج اسدالله نقل شده، سال ۱۳۳۴ تصمیم گرفته تاجر شود. اما سنش برای دریافت کارت بازرگانی کم بود؛ گویا حتماً باید افراد متقاضی دریافت کارت بازرگانی، حداقل ۲۴ سال سن می‌داشتند. اما در عین حال می‌توانستند از افرادی که زیر این سن را داشتند، امتحان بگیرند. حاج عبدالله توسلی (دایی اسدالله) او را نزد نایب‌رئیس وقت اتاق بازرگانی مهندس محلولی فرستاد. مهندس محلولی ۲۰ سؤال از او پرسید در مورد ارز کشورها، حمل و جنس و... . مرحوم حاج اسدالله روایت کرده که توانسته به همه آنها پاسخ

درست دهد و در نهایت مهندس محلولی به حاج آقا توسلی به شوخی گفته است: ایشان (اسدالله) باید به جای من بنشیند. البته ۲۵ سال بعد هم همین اتفاق می‌افتد و اسدالله عسگراولادی به جای او بر صندلی نایب‌رئیس اتاق تکیه می‌زد.

دو سال بعد از آن که توانست کارت بازرگانی را بگیرد، به همراه محمدحسن شمس‌فرد حجره‌ای در سرای امید خرید. حجره‌ای کوچک که با قسط و تخفیف ۴ هزار تومان برایشان تمام شد. شمس‌فرد چنین روایت می‌کند: «سرقفلی اتاق کوچکی را در سرای امید خریدیم. آن زمان در سرای امید، تمام حجره‌ها اتاق‌های کوچک کنار هم بود. وقتی کمی کاسبی‌مان رونق گرفت اتاق بغل دستی‌اش را هم خریدیم و با آن اتاق کوچک یکی کردیم. چند وقت بعد یک اتاق دیگر را هم به آن دوتا اضافه کردیم. بعد از مدتی که دیگر کارمان حساسی گرفته بود، دیدیم جایمان کوچک است. در خیابان سپهبد قزنی یک ساختمان خریدیم و سال‌ها آنجا بودیم. بعد از آن هم به ساختمان خیابان مطهری نقل مکان کردیم و ۲۰ سال است که اینجا هستیم.»

حجره سرای امید، آغاز به کار رسمی دو جوان بود که آن روزها دانشجو بودند. هر گاه یکی کار می‌کرد آن یکی به دانشگاه می‌رفت. اگر چه محمدحسن در واردات سر رشته داشت اما اسدالله صادرات را در پیش گرفت و شریکش را هم قانع کرد که تمرکز فعالیتشان بر صادرات باشد. شرکتی تأسیس کردند و نامش را گذاشتند «حساس». شمس‌فرد داستان برگزیدن این اسم را نیز چنین روایت می‌کند: «ما اسم‌های مختلف را برای ثبت شرکتان به اداره ثبت دادیم؛ اما همه آنها رد شد. چون مثل آن اسم وجود داشت. من به اسدالله گفتم اسم شرکتان را با اسم خودمان بسازیم. اسم من حسن است و اسم تو هم اسدالله. ح و سین را از حسن برداریم و الف و سین را از اسدالله؛ می‌شود حساس. او هم قبول کرد. اسم را به اداره ثبت شرکت‌ها دادیم و آنها هم قبول کردند. این شد که اسم شرکتان حساس شد.»

هر دو جوان تصمیم گرفتند کارشان را با صادرات زیره شروع کنند. روایتی از مرحوم عسگراولادی آمده که گفته است: «زیره سبز را بسیار دوست داشتیم. چون هم سرمایه کمی می‌خواست و هم قیمتش ارزان بود.» اولین محموله زیره سبز را ۵ تن آن هم به صورت قسطی خریدند. اولین مشتری‌شان هم سنگاپوری بود. کار دو جوان دانشجو آن قدر گرفت که توانستند بزرگ‌ترین صادرکننده زیره شوند و نیویورکی‌ها به شرکت حساس، لقب «سلطان زیره» دادند. دیگر قیمت زیره را در بورس نیویورک، شرکت حساس ایرانی تعیین می‌کرد. نه تنها رقبای سنتی و سن و سال‌دار داخلی را کنار زده بودند، بلکه در دنیا بی‌رقیب در حال تاختن بودند. سال‌ها بعد کارخانه‌ای را از سوئیس‌ها خریدند و در مشهد راه انداختند که زیره را پاک می‌کرد و بسته‌بندی می‌کرد و می‌فرستاد برای مشتریان. شمس‌فرد می‌گوید: «کارخانه، مثل بمب در مشهد صدا کرد. برای راه‌اندازی کارخانه‌مان رئیس اداره استاندارد و فرماندار و شهردار وقت مشهد آمدند و افتتاح کردند. خبر افتتاح این کارخانه در تمام دنیا پیچید که «حساس» زیره‌ها را به‌صورت کارخانه‌ای پاک می‌کند و ۹۹ درصد زیره تمیز تحویل می‌دهد و یک درصد امکان دارد که زیره آلوده داشته باشد. قبل از آن در ایران این کار را انجام نمی‌دادند و با همان روش سنتی زیره را الک می‌کردند که گاهی تا ۱۲ درصد آلودگی قاطی جنس بود.»

اما رفته‌رفته زمین‌های زیر کشت زیره جایشان را به خرزبه مشهد دادند و زیره در بازار کم شد. به همین دلیل حاج اسدالله و شریکش سعی کردند کالای دیگری را در کنار زیره

مرحوم عسگروالادی در ایجاد حرکت در اتاقهای مشترک ایران و روسیه، ایران و استرالیا و چین نقش محوری داشت و در حل مشکل منطقهای اتاقهای بازرگانی حوزه دریای خزر Icbcs نقش اساسی را ایفا می کرد. هدف مرحوم عسگروالادی از ایجاد این اتاقهای مشترک، چیزی نبود جز گسترش و رشد و توسعه مناسبات اقتصادی ایران با دنیا که هدفی بزرگ و پسندیده است.

## عسگروالادی خواهان گسترش روابط ایران با دنیا بود مردی که ناامید نبود

مرحوم اسدالله عسگروالادی از پایه گذاران اتاق بازرگانی، بعد از انقلاب بود. اتفاقی که امروز از آن به عنوان پارلمان بخش خصوصی یاد می شود و توانسته تا حدی به جایگاه واقعی خود به عنوان مشاور سه قوه برسد. پس از انقلاب گروهی از سوی حضرت امام مسئولیت ساماندهی اتاق بازرگانی را بر عهده گرفتند که مرحوم عسگروالادی یکی از اعضای آن گروه بود. در آن زمان، با توجه به نگاههای چپ و ضد سرمایه داری که بر ایران حاکم بود، این گروه برگزیده توانستند به درستی و با قدرت، از عهده آنچه مد نظر حضرت امام بود برآیند و در راستای ساماندهی اتاق، اقدامات موثری انجام دهند. مرحوم عسگروالادی پس از آن، از اولین دوره انتخابات اتاق ایران در چند دوره عضو هیئت رئیسه اتاق بازرگانی بودند و در پایه ریزی و توجه دادن مسئولان کشور به نقش مؤثر اتاق در اقتصاد کشور نقش بسیار موثری داشتند. آن مرحوم در دوره عضویت خود در اتاق بازرگانی همبستگی با پارلمان بخش خصوصی را هیچ گاه ترک نکرد. حضور مثمرتر مرحوم عسگروالادی در عرصه صادرات و نقش آفرینی او در فعالیتهای کشاورزی بر هیچ کس پوشیده نیست. می توان گفت که فعالیت صادراتی گسترده مرحوم عسگر اولادی در بازارهای خارجی بود که خشکبار ایران را در عرصه بین المللی مطرح کرد.



غلامحسین شافعی

رئیس اتاق بازرگانی ایران

مرحوم عسگروالادی در ایجاد حرکت در اتاقهای مشترک ایران و روسیه، ایران و استرالیا و ایران و چین نقش محوری داشت و در حل مشکل منطقههای اتاقهای بازرگانی حوزه دریای خزر Icbcs نقش اساسی را ایفا می کرد. هدف مرحوم عسگروالادی از ایجاد این اتاقهای مشترک، چیزی نبود جز گسترش و رشد و توسعه مناسبات اقتصادی ایران با دنیا که هدفی بزرگ و پسندیده است. اتاق مشترک بازرگانی ایران و چین به ریاست ایشان، فعال ترین و موثرترین اتاقهای مشترک بوده و هست و در توسعه مناسبات ایران و چین، این اتاق مشترک تلاشهای موثری را انجام داده که قابل چشم پوشی نیست. مرحوم عسگروالادی همچنین در اجلاسهای منطقههای که برگزار کرد در افزایش مبادلات اقتصادی ایران با کشورهای حوزه خزر اقدامات موثری انجام داد. آن مرحوم از اولین دوره اتاق بازرگانی پس از انقلاب یکی از ارکان اصلی پارلمان بخش خصوصی بود. به یاد ندارم در جلسه ای از اتاق حضور نیافته باشد. او همواره دغدغه فعالیتهای اقتصادی و اقتصاد کشور را داشت اما هیچ گاه مأیوس نبود. خستگی برایش معنی نداشت و از تلاش کردن، کناره گیری نکرد. ایشان از صادر کنندگان موفق ایران بود که کارش را از یک حجره کوچک شروع کرد و توانست پا به اکثر بازارهای جهانی بگذارد و کالاهای بخش کشاورزی ایران را پراوازه کند. در بسیاری از کارهای خیر همواره ردپای آقای عسگروالادی وجود داشت و نسبت به مسئولیت اجتماعی خویش اهتمام ویژه می ورزید.

به یقین از دست دادن بزرگانی چون مرحوم اسدالله عسگروالادی برای اتاق بازرگانی ایران ضایعه دلخراشی است. چرا که امثال ایشان تنها فعالان اقتصادی نیستند؛ بلکه خدمت گزارانی هستند که در عرصه اقتصادی کشور جایشان خالی خواهد ماند. امیدواریم که نسل جوان فعالان اقتصادی با الهام و الگوبرداری از بزرگان بخش خصوصی کشور همچون مرحوم عسگروالادی، نه تنها کسب و کار سالم را مد نظر قرار دهند، بلکه امید را در بحرانی ترین شرایط از دست ندهند. یاد و خاطره مرحوم عسگروالادی را گرامی می داریم

وارد تجارتشان کنند. چندین کالا را امتحان کردند تا به پسته رسیدند. کالایی با قیمت بالا و مشتریهای خوب در دنیا. امروز اکثر فعالان اقتصادی، مرحوم عسگروالادی را با عنوان صادر کننده زبره و پسته می شناسند.

مرحوم عسگروالادی مردی سختکوش بود که در تمام دورانهای زندگی، یک لحظه هم دست از تلاش برنداشت. اعتقاد داشت که اگر انرژی اش را روزانه صرف نکند، ممکن است دچار سکتته شود. او در گفت و گویی با دنیای اقتصاد چنین اظهار کرده بود: «به دلیل این که همیشه فعال بودم، نمی توانم خانه نشین شوم. علاقه مند تا آنجا که می توانم کار کنم. اگر کار نکنم صدمه می بینم. اگر منغفل شوم مریض می شوم. از این که کارها پیش می رود یا نمی رود هم حرص نمی خورم. من تکلیفم را درست انجام می دهم». می گفت: «من یک تاجر و برای کار اصولی دارم. یکی از اصولم این است که هیچ وقت بیش از یک هفتم تنخواهم را به کسی نسپه نمی دهم تا اگر پولم را خورد باقی پولم محفوظ بماند. اصل بعدی ام این است که سعی کردم هیچ وقت بیش از نصف دارایی ام را نسپه نخرم. یا نقد پرداخت می کنم یا بر اساس اعتماد دوطرفه خرید می کنم. همیشه هم یک برگ چک توی جیبم است. برای این که وقتی مجبور شوم درنمانم. اصل دیگر این است که سعی کردم از هیچ بانکی وام نگیرم تا شب سرم را راحت بر بالین بگذارم. یکی دیگر از اصول کاسبی ام، عوض نکردن شریکم است». حاج اسدالله موفقیت خود را موهون سه مسئله می دانست؛ یکی این که زودتر از دیگران مطلع می شود؛ دوم این که زودتر از دیگران تصمیم گیری می کند و سوم هم این که وقتی تصمیم گرفت با پشتکار عمل می کند. سه مسئله ای که به نقل از او، از راکفلر آمریکایی اقتباس شده است.

پس از پیروزی انقلاب، امام خمینی (ره) به هشت نفر حکم دادند تا برای اداره اتاق بازرگانی دست به کار شوند. حاج اسدالله نیز یکی از آن هشت نفر بود. درست در دوره ای که ذهنیت چپ گرایی، اقتصاد ایران را دربر گرفته بود، حاج اسدالله و مابقی مأمور شدگان از سوی امام، تمام تلاششان این بود که از سرمایه گذار و سرمایه دار حمایت کنند. کار ساده ای نبود. چرا که هر روز نه تنها با عوام جامعه، بلکه باید با دولتی های آن زمان هم سروکله می زدند تا اتاق بازرگانی را سرپا نگه دارند. مرحوم حاج اسدالله توانست در دوران فعالیتش چندین اتاق بازرگانی مشترک را راه اندازی کند و فعال نگاه دارد. چرا که به توسعه روابط با خارجی ها علاقه مند بود. نقش کلیدی حاج اسدالله در رونق تجارت با روسیه و چین غیر قابل چشم پوشی است.

ثروت مرحوم عسگروالادی زبازد خاص و عام بود. حتی رسانه های خارجی نیز از این ثروت، افسانه ساخته بودند. اگر چه آن مرحوم همیشه خود را «کاسب جزء» می دانست اما در طول حیات خود، هرگاه در معرض این سؤال قرار می گرفت، چنین پاسخ می داد: «پول دارم ولی نه به آن اندازه که می گویند. غنی هستم، ثروتمند نیستم. ولی محتاج به کسی هم نیستم. هرآنچه دارم هم به این صورت قسمت کرده ام: ۲۰ درصد مال خدا، ۲۰ درصد انفاق، ۲۰ درصد خرج خانواده و مابقی هم چیزی که می خرم».

او تا آخرین روزهای زندگی ناامید نبود. سرانجام پرونده زندگی حاج اسدالله عسگروالادی در شهریور ۹۸ بسته شد. اما نامش در اذهان و تاریخ ایران باقی خواهد ماند.



مرحوم عسگروالادی ۲۲ شهریور امسال در سن ۸۶ سالگی درگذشت. در مراسم تدفین این صاحب نام تجارت، چهره های اقتصادی و سیاسی بسیاری حضور یافتند.

## مرحوم عسکراولادی دولتی فکر نمی کرد خصایل نیکوی کاسب جزء



محسن خلیلی

فعال اقتصادی

وارد کرد، متوقف شود و راهی برای تنفس اقتصاد باز بماند. همچنین باید به تلاش‌های آن مرحوم که نقطه مشترک دیگر همکاری‌های ما شد، اشاره کنم و آن حفظ بقای «اتاق بازرگانی» بود. پس از این که انجمن مدیران صنایع به ثبت رسید، همکاری جدی و ارگانیک این مجموعه با اتاق و هیئت رئیسه آن شروع شد. انجمن مدیران صنایع به لحاظ مطالعات کارشناسی، کاملاً در خدمت اتاق قرار گرفت که این همکاری‌ها سبب ارتقای فعالیت‌ها و جایگاه پارلمان بخش خصوصی شد. در مدت این همکاری‌ها، اینجانب نیز افتخار آن را یافتیم تا دو دوره عضو هیئت رئیسه اتاق ایران باشم و در جلسات هفتگی در طی هشت سال و متجاوز از چهارصد جلسه با اعضای هیئت رئیسه و از جمله مرحوم عسکراولادی هم‌نشین باشم و از نزدیک با خصایل نیکوی ایشان آشنا شوم. در مجموع از جمله خصایل نیکوی مرحوم عسکراولادی از دید اینجانب عبارت بوده است از این که تولید ثروت را مشروط به آن که رعایت حلال و حرام در آن شده و پولشویی و خلاف قانون نباشد، امری لازم و ضروری می‌دانست و این اعتقاد خود را هم به‌صراحت بیان می‌کرد و هم در زندگی خود نشان می‌داد و سعی در مخفی کردن آن نداشت. از سرمایه‌گذاری دفاع می‌کرد، هر چند با سرمایه‌داری چندان میانه‌خوشی نداشت و آن را لازمه ایجاد کار و شغل برای آنبوه جوانان میهن می‌دانست. خود می‌گفت که طرفدار بخش خصوصی سالم و مسلمان و میهن‌پرست است.

همچنین آن مرحوم به اصول تجارت تسلط کامل داشت و امر صادرات را در سخت‌ترین شرایط و دورترین نقاط جهان ممکن می‌دانست و در جهت انجام این خواست اراده عملی بسیار به خرج می‌داد؛ فلذا بسیار هم موفق بود. در انجام این امر تسلط آن مرحوم به زبان انگلیسی بسیار اهمیت داشت و سبب آشنایی‌اش با اقتصاد جهانی و مراودات و تبادلات بین‌المللی می‌شد. چنان که خاطرم هست در برهه‌ای، مشکل صادرات پسته کشورمان به سبب بیماری افلاتوکسین، توسط شخص ایشان حل و فصل شد.

مرحوم عسکراولادی حق‌طلبی و دفاع بحق از مصلحت‌های بخش خصوصی میهن و دست‌اندرکاران این بخش را وظیفه خود می‌دانست. آن مرحوم در دوستی و همکاری بسیار فداکار و از خود گذشته بود که این خود خصلتی است بسیار ارزشمند و کمیاب. جا دارد در اینجا از حمایت آن مرحوم از خودم در مسائل عمومی متداول روزهای انقلاب و مصادره‌ها یاد و قدرانی‌ام را از آن مرحوم ابراز کنم. مرحوم عسکراولادی که به مزاح - و شاید هم به جد - خود را «کاسب جزء» می‌نامید حق فراوانی بر اقتصاد ملی و صادرات و تجارت خصوصی کشور داشته است. روحش شاد که سوابق درخشان زندگی‌اش نشانگر باور وی به مصالح ملی و منافع بخش خصوصی و اقتصاد آزاد بود.

نامش ماندگار و راهش پرهرو باد ■



به ابتکار اتاق بازرگانی تهران از سال ۹۵، جشن امین‌الضرب برای تقدیر از کارآفرینان ایرانی برگزار شد. در نخستین دوره این جشن، مرحوم عسکراولادی نشان امین‌الضرب را دریافت کرد.

تجلیل از خدمات مردان و زنانی که در مسیر خیر و مصلحت عمومی و توسعه و پیشرفت میهنشان جد و جهد کرده‌اند، فریضه‌ای است واجب و سنتی بسیار پسندیده و فراهم‌کننده تداوم این راه و مسیر. چه آن که آدمی فراموشکار است و یادآوری خدمات شخصیت‌های مؤثر و مفید برای جامعه، حافظه جمعی را تقویت می‌کند و تداوم تلاش برای بهبود وضعیت را امکان‌پذیر می‌سازد. مرحوم اسدالله عسکراولادی بی‌شک یکی از مردان نیک‌اندیش و خلاق و مؤثر در مسیر اعتلای اقتصاد ملی بوده است. تاجری خوش‌فکر و شجاع که بالذات، داد و ستد و مراودات اقتصادی را می‌شناخت و این شناخت را در راه بهبود تجارت ملی به کار می‌گرفت. من البته

صنعت‌گرم و آشنایم با حوزه تجارت اندک؛ اما در سال‌ها نشست و برخاست و شرکت در جلسات مشترک با آن مرحوم هوش و ذکاوت‌شان را در بیان نکاتی که یادآور می‌کردند بعینه مشاهده می‌کردم. آشنایی من با مرحوم عسکراولادی به روزهای انقلاب بازمی‌گردد. روزهایی که هیئتی از سوی حضرت امام (ره) مسئول اداره اتاق بازرگانی شده بودند و آن مرحوم نیز جزو این هیئت بودند. ما نیز گروه ۱۵ نفره‌ای از صنعتگران کشور بودیم که «انجمن مدیران صنایع» را تأسیس کرده بودیم و آغاز همکاری با اتاق کردیم. این همکاری با هیئت منتخب باعث دوستی و ارادت شخصی من به مرحوم عسکراولادی شد. نکته مهم در رفتار و گفتار آن مرحوم که سبب این دوستی شد، نگرش وی به مسائل اقتصادی بود. بدین معنا که در آن روزها که دولت‌زدگی و چپ‌زدگی در فضای کشور غلبه کامل داشت و هر کس از بخش خصوصی و کسب و کار مستقل از دولت دم می‌زد، به انواع تهمت‌ها و بلایا گرفتار می‌شد و زالوصفت و دلال و... لقب می‌گرفت، مرحوم عسکراولادی مواضع مستقل و طرفداری از وجود و حضور بخش خصوصی در اقتصاد را دنبال می‌کرد و برخلاف کسانی که معتقد بودند علاوه بر ۸۰ درصد، بقیه اقتصاد را هم باید به دست دولت بسپاریم، معتقد بود این راه و مسیر بر خطاست و در خلاف جهت پیشرفت و توسعه کشور. مرحوم عسکراولادی دولتی فکر نمی‌کرد. همچنان که ما در انجمن مدیران صنایع چنین بودیم و خواستار امکان فعالیت صنعتی خود در چارچوب عرف و قانون بودیم. نقطه مهم همکاری من و انجمن مدیران صنایع با اتاق بازرگانی و مرحوم عسکراولادی، «قانون حفاظت» بود. قانون معروف به «قانون مصادره». تلاش‌های نوع ما و جناب مهندس خاموشی و هیئت منتخب و البته مرحوم عسکراولادی و دستور مقام معظم رهبری که آن زمان رئیس‌جمهور بودند، سبب شد این قانون که آسیب‌های بسیاری به اقتصاد ملی



مرحوم حاج اسدالله از جمله افرادی بود که به دستور امام خمینی (ره) پس از انقلاب به منظور ساماندهی اتاق، مامور شد. او هشت دوره در اتاق حضور داشت.

اسدالله پس از انقلاب از کسانی بود که به دستور امام برای سر و سامان دادن به اتاق بازرگانی مأمور شد. هشت نفر بودند که امروز فقط دو نفر دیگر از آنها در قید حیات هستند. آقای میرمحمدصادقی و آقای خاموشی. او بعد از انقلاب کارهای بزرگی برای تجارت کشور انجام داد. در تمام آن کارها منفعت صادرات را در نظر می گرفت.

ماندگاری ۶۰ سال شراکت

## اسدالله کاربلد بود



محمدحسن شمس فرد

دوست و شریک مرحوم  
عسگر اولادی

با اسدالله در دوران نوجوانی آشنا شدم. زمانی که هردو در کلاس‌های شبانه شرکت می کردیم تا دیپلم بگیریم. آن زمان سن و سالی نداشتیم. خانواده‌هایمان هم پولدار نبودند. به همین دلیل، هم کار می کردیم و هم درس می خواندیم. من برای دایم کار می کردم که واردکننده بود. او هم برای دایم کار می کرد که صادرکننده بود. حوزه‌های کاری‌مان متفاوت بود. ولی دوستی‌مان از همان دوران کلاس‌های شبانه شروع شد. هرچه زمان پیش می رفت به هم نزدیک‌تر می شدیم. همدیگر را بیشتر می شناختیم. وقتی اعتماد بینمان شکل گرفت، تصمیم گرفتیم کاسبی‌مان را از دایم‌هایمان جدا کنیم و برای خودمان کار کنیم. اسدالله پیشنهاد شراکت داد و من هم قبول کردم. از آن روزها تا امروز که دیگر اسدالله در بین ما نیست، یک لحظه هم شراکتیمان به هم نخورد. من و اسدالله در تمام دوران شراکتیمان، دورفیق صمیمی بودیم. بچه‌هایمان هم با هم بزرگ شدند. چه آن زمان که در سرای امید در یک اتاق کار می کردیم و چه بعد از آن که حجره‌مان را بزرگ و بزرگ‌تر کردیم و به ساختمان‌های دیگر نقل مکان کردیم. میزهایمان هم از هم جدا نشد. هیچ مسئله‌ای را از هم پنهان نگاه نمی داشتیم. اسدالله معمولاً زود از کوره درمی رفت و عصبانی می شد؛ اما من همیشه آرام بودم. به همین دلیل هم این همه سال کنار هم ماندیم. اعتماد بین من و اسدالله تا جایی بود که هیچ‌گاه بابت مسائل مالی همدیگر را بازخواست نکردیم. اصلاً در این مورد مشکلی نداشتیم. برای هرکاری با هم مشورت می کردیم. اعتماد بین ما قلبی بود نه بر سر زبان و شعاری. من و اسدالله با هم به دانشگاه رفتیم. او در رشته زبان انگلیسی و من در رشته زبان فارسی. برای ما که تاجر بودیم، یادگیری زبان انگلیسی یکی از واجبات بود. اسدالله خیلی خوب انگلیسی صحبت می کرد. وقتی قرار شد با هم شرکت راه بیندازیم، او گفت من دوست دارم در زمینه صادرات فعالیت کنیم. من هم قبول کردم چون دوست داشتم دنیای جدیدی در تجارت را تجربه کنم. البته برخی مواقع واردات هم انجام می دادیم ولی چندان جدی نبود و دیگر سمتش هم نرفتیم. شرکت حساس را با هم راه انداختیم. نام حساس از ترکیب اسم‌هایمان ساخته شد. آن زمان دو دانشجو بودیم که وارد بازار صادراتی شدیم. حجره‌ای در سرای امید خریدیم. اتاق کوچکی بود. به اندازه میزهایمان جا داشت. قبل از آن کارمان را با دانه‌های روغنی آغاز کردیم. بعد خشکبار؛ بعد ترها برای این که بتوانیم بهتر کار کنیم، شرکت حساس را تأسیس کردیم. کارمان در صادرات زیره برایمان گرفت. خارجی‌ها زیره سبز را آن زمان خیلی خوب می خریدند.

به همین دلیل هم در کارمان پیشرفت کردیم. رقبای سنتی‌مان در بازار کم نبودند. معمولاً افرادی با سن و سال بالاتر از ما، بازارهای صادراتی آن زمان را در اختیار گرفته بودند. اما با ورود ما اگرچه تلاش کردند حساس را از بازارها حذف کنند، ولی نتوانستند. روند کاری شرکت ما رو به رشد بود. کارمان در صادرات زیره به جایی رسید که قیمت بورس ادویه نیویورک را در زیره هم ما مشخص می کردیم. آن زمان آمریکایی‌ها به شرکت حساس، لقب «سلطان زیره» را دادند. البته عوام جامعه این لقب را برای اسدالله به کار می بردند اما واقعیت این بود که حساس، بزرگ‌ترین صادرکننده زیره سبز و سلطان زیره بود. بعد از مدتی متوجه شدیم که کار صادرات را نمی شود به یک کالا محدود کرد. بنابراین تصمیم گرفتیم که کالاهای دیگر را برای صادرات به کارمان اضافه کنیم. پس به سمت صادرات خشکبار از جمله بادام تلخ، پسته، برگه زردآلو و هسته زردآلو رفتیم. پس از مدتی ارزیابی کردیم و دیدیم که صادرات پسته درآمد خوبی دارد. به همین دلیل بر صادرات این کالا متمرکز شدیم و توانستیم بزرگترین صادرکننده پسته شویم. ما بازاریابی و مذاکره با طرف خارجی را بلد بودیم. بعضی مواقع در یک ماه ۸ تا ۱۰ روز در مسافرت بودیم تا بتوانیم برای کالاهایمان خریدار پیدا کنیم. آن زمان به این اندازه امکانات ارتباطی فراهم نبود. برای یک تلگراف باید در صف می ایستادیم. برای تلفن کردن به مشتری‌هایمان باید به تلفن‌خانه می رفتیم. ولی با این محدودیت‌ها توانستیم به کارمان رونق دهیم. اسدالله پس از انقلاب از کسانی بود که به دستور امام برای سر و سامان دادن به اتاق بازرگانی مأمور شد. هشت نفر بودند که امروز فقط دو نفر دیگر از آنها در قید حیات هستند. آقای میرمحمدصادقی و آقای خاموشی. او بعد از انقلاب کارهای بزرگی برای تجارت کشور انجام داد. در تمام آن کارها منفعت صادرات را در نظر می گرفت. اتاق‌های مشترک بزرگی را راه اندازی کرد که امروز از جمله مهم‌ترین اتاق‌های مشترک هستند. او سعی داشت جوانانی را که به صادرات علاقه‌مند بودند راهنمایی کند. اسدالله هیچ وقت ناامید نبود. حتی در بدترین شرایط. این در حالی است که امروز جوانان ما به محض آن که به مشکلی برمی‌خورند ناامید می شوند. وقتی به گذشته نگاه می‌کنم، به یاد می‌آورم که ما دو نفر برای این که به اینجا برسیم چقدر سختی کشیدیم. چقدر مشکلات را پشت سر گذاشتیم تا امروز او اسدالله عسگر اولادی شود و من شمس فرد. اسدالله هم در امور بین‌الملل و هم در تجارت و سیاست، بسیار کاربلد بود. البته فعالیت‌های سیاسی اسدالله در حزب مؤتلفه بعد از مرگ برادرش جدی‌تر شد. آن هم بیشتر به دلیل اصرار اعضای حزب نه تمایل خود او. چرا که ما تاجر بودیم نه فعال سیاسی.

این روزها که می‌گذرد، داغدار رفیق و یار دیرینه‌ای هستم که حتی یک روز هم از او جدا نبودم. نبودنش سخت است و آزاردهنده. اما خوشحالم که نامش در یادها می‌ماند. اسدالله و خدمات او فراموش شدنی نیستند. ■



در سال ۹۲ در حاشیه چهارمین نمایشگاه و کنفرانس تجاری و سرمایه‌گذاری جهان اسلام در مالزی از مرحوم عسگر اولادی یکی از ۱۰ نفر فعال اقتصادی جهان اسلام تقدیر شد.



مرحوم حاج اسدالله بیش از ۶۰ سال با شمس فرد شریک بود. او یکی از رازهای موفقیت خود را عوض نکردن شریکش می‌دانست.

## مرحوم عسکراولادی تاجر واقعی بود

## امیدوار و مثبت‌اندیش



محسن جلال‌پور

رئیس سابق اتاق ایران

کارآفرینان ایرانی وقتی از خانه بیرون می‌آیند تا شب دچار بعضی سرخوردگی‌ها می‌شوند، اما شب دوباره به این فکر می‌کنند که فردا هم روز خداست. من که این‌گونه‌ام، معتقدم امروز، روزی است که دیروز را از دست دادیم و فردا هم نیامده. امروز را باید بچسبیم، از دیروز باید پند بگیریم و برای فردا برنامه‌ریزی کنیم. این روزها افراد زیادی به من هم به عنوان یک تاجر و فعال اقتصادی مراجعه می‌کنند و سوالشان این است که به کدام سو می‌رویم؟ آینده چه می‌شود؟ وضع چه خواهد شد؟ مشخص است که من هم از نوسان‌های اقتصادی رنج می‌بینم و شخصاً از این که کسب و کارها گره خورده و چشم‌انداز مثبتی پیش روی ما وجود ندارد، احساس یأس و ناامیدی می‌کنم، اما ناچارم به خاطر مردم خوشبخت‌داری کنم و از گفتن عمق دیدگاه‌ها و برداشت‌هایم خودداری کنم. به گمانم مرحوم عسکراولادی هم چنین وضعیتی داشت اما از همه امیدوارتر و مثبت‌اندیش‌تر بود. اگر به مجموعه نظراتی که در ماه‌های گذشته از سوی ایشان مطرح شده نگاه کنید، متوجه می‌شوید کلیتاً اصله همه صحبت‌های ایشان امید بوده است، به اعتقاد ایشان هیچ اقدامی در کشور به اندازه بازسازی امید و بازگرداندن اعتماد به جامعه اهمیت نداشت. عسکراولادی می‌گفت: هر کس که صبح از خانه‌اش بیرون می‌آید، باید بداند که کسی ناظر بر اعمالش است و شب که به خانه برمی‌گردد از عملکرد خود صورت بردارد. اعمال بدش را کنار بگذارد و برنامه روز بعدش را بر اساس اعمال شایسته روز قبل تنظیم کند. اگر کارآفرینی چنین کرد، فردا موفق است، اگر این کار را نکرد فردا ناامیدتر از امروز خواهد بود. به خاطر دارم مرحوم پدرم همیشه می‌گفتند «تاجر» کلمه بزرگی است که نمی‌توان به هر کس اطلاق کرد. معتقد بودند «ت» تاجر، تداعی‌کننده توکل به خدای متعال و امیدواری است. «ا» تاجر به معنی اعتماد و اعتماد به نفس است. «ج» تاجر همان جرئت و جسارت است و «ر» تاجر راست‌گویی و راست‌کرداری را تداعی می‌کند. ایشان معتقد بودند همه این خصوصیات باید در یک نفر وجود داشته باشد تا بتوانیم با او بگوییم تاجر. به گمانم حاج اسدالله عسکراولادی به معنای واقعی، تاجر بود که در کسب و کار اصولی خدشه ناپذیر داشت. تحلیل‌گر و آینده‌نگر بود و هرگز دست از مطالعه برنداشت. به شکلی عجیب به کارکرد اتاق‌های بازرگانی در اقتصاد کشور امید داشت و هیچ‌گاه به خاطر احتمال شکست، از شرکت در انتخابات انصراف نداد. برای من جالب بود که یک تاجر سنتی چطور این قدر به شکل‌گرایی علاقه دارد. سخنرانی‌های مرحوم عسکراولادی بسیار ساده اما حائز اهمیت بود. پیچیده سخن نمی‌گفت و منظورش را می‌رساند. ابایی نداشت که صریح صحبت کند اما از ناعادلانه سخن گفتن پرهیز می‌کرد. هیچ‌گاه ناامید نشد و دست از تلاش برنداشت. هرگز مانع جاری شدن آشک‌هایش نمی‌شد. برخلاف افسانه‌هایی که درباره‌اش می‌گفتند، دست‌کم نیمی از عمرش را به سختی گذرانده بود. در کسب و کار اصولی خدشه‌ناپذیر داشت. اگر چه اصولاً مردی احساسی بود اما هیچ‌گاه در تجارت احساسی رفتار نمی‌کرد. در پروازها می‌دیدم روزنامه، مجله و کتاب دست می‌گیرد و حتی از مطالعه بحث‌های مطرح‌شده در شبکه‌های اجتماعی هم باز نمی‌ماند. ایشان تعریف می‌کرد که «در حاشیه یک نشست رسمی، درخواست ملاقات با نخست‌وزیر چین را مطرح کردم. گفتند دو دقیقه وقت داری. به نخست‌وزیر چین گفتم خواهشی از شما دارم. این که می‌خواهم شما به مردم چین توصیه کنید روزی یک‌دانه پسته بخورند، و اگر نه ماهی یک پسته یا حتی سالی یک پسته بخورند. اگر این میزان پسته در چین مصرف شود، دو برابر محصول داخلی ما پسته فقط در این کشور مصرف می‌شود که برای ما به اندازه کافی ارزآوری دارد. ایشان خندید و پاسخ مثبت داد. ظاهراً یک بار هم در شوروی به آقای پریماکوف گفته بود: «به مردم روسیه بگویید روزی یک دانه کشمش بخورند». نکته تاسف‌بار این است که به هر میزان که بخش خصوصی برای تقویت صادرات و گسترش بازارهای هدف تلاش می‌کند، دولت‌ها به عکس عمل می‌کنند. اسدالله عسکراولادی تاجری متدین و پرتلاش بود که جهان را با ناامیدی ترک نکرد. ■

## مرحوم عسکراولادی مسئولیت‌شناس بود

## نماد تجارت



کیوان کاشفی

عضو هیئت رئیسه اتاق ایران

نام اسدالله عسکراولادی برای همه کسانی که در ۴۰ سال گذشته در اتاق بازرگانی ایران و تهران حضور و رفت و آمد داشته‌اند، نامی آشنا است. چهره‌ای دوست‌داشتنی و خونگرم و در عین حال مسئولیت‌پذیر و سختکوش، و علاقه‌مند به مشارکت در تشکلات و انجمن‌های حرفه‌ای و خیریه. مرحوم اسدالله عسکراولادی برخلاف برادر بزرگوارش مرحوم حبیب‌الله عسکراولادی که از چهره‌های سیاسی نزدیک به طیف موفته و بازار بود، بیشتر به لحاظ قدمت در فعالیتهای تجاری، به‌عنوان نمادی در تجارت کشور شناخته می‌شد. اگر چه ایشان همواره فروتنانه خود را «کاسب جزء» معرفی می‌کرد.

مرحوم اسدالله از برگزیدگانی بود که به همراه افرادی چون علاء میرمحمدصادقی، میرمصطفی عالی‌نسب، ابولفضل کرد احمدی، علینقی خاموشی، محمدعلی نوید و... به حکم حضرت امام (ره) مسئولیت اتاق بازرگانی پس از انقلاب را عهده‌دار شدند و امروز همه فعالان و اعضای اتاق بر این باورند که احیا و حفظ جایگاه و کیان فعلی اتاق ایران مرهون امانت‌داری و تلاش‌های این بزرگان بوده است. مرحوم اسدالله عسکراولادی فردی مسئولیت‌شناس بود که در کنار کسب و کار و تجارت همواره به ایفای نقش خود در مسئولیتهای اجتماعی نیز اهتمام ویژه‌ای داشت و در بسیاری از امور خیر رهایی ایشان به چشم می‌خورد. ریاست طولانی ایشان در اتاق‌های مشترک ایران و چین و ایران و روسیه و تحمل رنج سفرها و برگزاری نشست‌های فراوان تجاری در همین راستا مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. هر چند نسل‌های جوان بعدی در حوزه تجارت انتقاداتی به ایشان در مورد عدم ایجاد فضای جانشین‌پروری وارد می‌کردند، اما در عین حال همگی به سلامت نفس و جایگاه حاج آقا با دیده احترام می‌نگریستند. صحبت‌های پخته و فنی ایشان در جلسات همیشه مورد استفاده نسل جوان در حوزه اقتصاد کشور بود. به خوبی به یاد دارم مرحوم عسکراولادی هر زمان طلب وقت سخنرانی می‌کرد بلافاصله قول می‌داد که مطالبش جذاب و قابل شنیدن خواهد بود که الحق والانصاف نیز چنین بود. از دیگر ویژگی‌های آن مرحوم ششم اقتصادی و تیزبینی در احوال تجارت بود که به رغم تمام تغییرات به‌وجودآمده در عالم تجارت همچنان قوی و مؤثر در برهه‌های مهم اقتصادی ایشان را به واکنش و اعلام موضع وامی‌داشت؛ موضعی که بعضاً ممکن بود به مذاق مسئولان خوش نیاید. اما رگه‌های قوی از حقیقت علم اقتصاد را می‌شد در آن‌ها درک کرد. ثروت افسانه‌ای ایشان از نکات دیگری بود که به نظر نمی‌رسد خیلی مقرون به صحت باشد؛ اما در هر صورت نشان از صداقت در کار در طول مدت فراوان کار اقتصادی ایشان داشت. مرحوم عسکراولادی در سال‌های پایان عمر به تدریج مسئولیتهای خود در اتاق ایران و روسیه و این اواخر در اتاق ایران و چین را به معاونان خود واگذار کرد؛ هر چند همواره فعال و باتشاطر در جلسات مختلف اتاق ایران شرکت می‌جست و مشارکت داشت. ایشان در دور نهم به عنوان نماینده وزیر در اتاق تهران و ایران حضور داشتند و برنامه‌ریزی لازم جهت برگزاری مراسم بزرگداشت ایشان توسط اتاق ایران در حال تدارک بود که اجل مهلت اجرای این مراسم را با حضور خود ایشان نداد. هر چند در سال‌های گذشته و به همت مسعودخان خوانساری در مراسم سالانه امین‌الضرب از ایشان تجلیل شد و مدال افتخار به‌عنوان چهره ماندگار تجارت کشور را در کنار مدال‌های دیگر خود به گردن آویخته بود. یاد و خاطره مرحوم عسکراولادی در عالم تجارت و در نزد اهالی اتاق همواره محترم و گرامی خواهد ماند و امید است که فرزندان برومند این مرحوم در انتشار خاطرات و اندیشه‌های پیر تجارت ایران همت والا به کار گیرند. ■

# ایده‌ها

[ این صفحه‌ها به مرور ایده‌های ناب اقتصادی می‌پردازد. ]



[ ۵ ایده بزرگ ۱. اقتصاد و دولت ]

## اولین وزیر خزانه‌داری امریکا چه کرد؟

الکساندر همیلتون به خاطر بدهی‌های دولت کشور  
را به شورش غلطانده

### نسیم بنایی

دبیر بخش ایده‌ها

الکساندر همیلتون سیاستمدار، پژوهشگر حقوق، بانکدار، فرمانده نظامی و اقتصاددان آمریکایی بود که امروزه به عنوان یکی از پدران بنیان‌گذار ایالات متحده آمریکا شناخته می‌شود. البته شایان ذکر است که تعداد بسیار زیادی از افراد که در

استقلال آمریکا از امپراتوری بریتانیا نقش مهمی داشتند با عنوان «پدران بنیان‌گذار» شناخته می‌شوند اما تنها هفت تن از آنان بسیار مشهور و برجسته هستند و در آن زمان نقشی اساسی‌تر هم داشته‌اند که یکی از آن هفت نفر همیلتون است. تاثیر همیلتون چرا تا این حد زیاد است؟ زیرا او یکی از مهم‌ترین مفسران و طرح‌ریزان قانون اساسی ایالات متحده بود و جدای از آن بنیان‌گذار نظام مالی کل این کشور به حساب می‌آید. به غیر از نظام مالی ایالات متحده، همیلتون موسس حزب فدرالیست آمریکا، گارد ساحلی و روزنامه نیویورک پست هم بود. همیلتون که اولین وزیر خزانه‌داری آمریکا به حساب می‌آمد نویسنده اصلی سیاست‌های اقتصادی دولت جرج واشنگتن بود. او شخصیت اصلی در ایجاد صندوق تخصصی برای دیون دولت و راهاندازی یک بانک ملی بود. به غیر از این برای این که بیشتر بدانیم همیلتون چرا چهره بسیار مهمی است باید بدانیم که او نظامی برای تعرفه‌ها هم به راه انداخت و رابطه تجاری دوستانه‌ای با بریتانیا از سر گرفت. دیدگاه اصلی همیلتون به نوعی لیبرالیسم با دولتی مقتدر است. همیلتون می‌گفت که دولت مرکزی قدرتمندی باید وجود داشته باشد که دارای یک بازوی اجرایی بسیار نیرومند، یک اقتصاد بازرگانی مستحکم، یک بانک ملی و حمایت از تولید و ارتش قدرتمند است. توماس جفرسون رقیب اصلی او به حساب می‌آمد که می‌گفت دولت باید کوچک‌تر باشد و به نوعی بر حمایت از زارعان روستایی تاکید داشت. همان‌طور که گفته‌شد همیلتون اولین وزیر خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا بود و به عنوان عضوی معتمد در کابینه جرج واشنگتن به رهبری این وزارت‌خانه می‌پرداخت. همیلتون به شکل

### الکساندر همیلتون

همیلتون در سال ۱۷۵۵ در جزایر لیوارد امپراتوری بریتانیا به دنیا آمد. او که یکی از رهبران مبارزه آمریکایی‌ها علیه بریتانیا و کسب استقلال از این کشور بود، در طول سال‌های زندگی پرفراز و نشیب خود که البته طول خیلی زیادی هم نداشت، در سمت‌های گوناگونی نظیر اولین وزیر خزانه‌داری تاریخ آمریکا، بنیان‌گذار حزب فدرالیست و طراح اصلی نظام مالی آمریکا مستقر بوده‌است. همیلتون خود را برای انتخابات فرمانداری ایالت نیویورک آماده می‌کرد که به خاطر درگیری لفظی شدید از سوی رقیبش آرون بار به دولت دعوت شد و پس از این که گلوله‌ای بسیار خطرناک به بدنش اصابت کرد نهایتاً در سال ۱۸۰۴ در آن همان گلوله درگذشت.

موفق‌ی حرف خود را به اجرا درآورد که قدرت‌های نهفته در قانون اساسی به مسئولان قانونی این توانایی را داد که بدهی ملی را به شکلی تامین مالی کنند که به تامین بدهی دولتی هم برسد و از این طریق یک بانک با پشتیبانی دولت برای کل ایالات متحده ساخته شود. اولین برنامه اجرایی همیلتون قرار دادن مالیات بر واردات و یسکی بود. او شبکه‌ای بسیار گسترده را در سرتاسر کشور به راه انداخت که متشکل از بانک‌داران و فعالان اقتصادی نزدیک به دولت بود و با آن‌ها حزب فدرالیست را راه انداخت. پیش از این که وارد بحثی دقیق‌تر درباره تعرفه و یسکی شویم و بخشی از سابقه همیلتون در دوران وزارت خزانه‌داری را مرور کنیم، بهتر است بدانید که همیلتون یکی از چهره‌های بسیار اساسی در دوران تشکیل نظام دوحزبی آمریکا بود و قطعاً مطالعه در این زمینه خالی از لطف نیست.

### درآمد مالیاتی عجیب

یکی از منابع درآمدی اصلی که توسط همیلتون به کنگره پیشنهاد شد مالیات بر تولید و یسکی بود. همیلتون در اولین لایحه‌ای که برای تعرفه‌ها ارائه داده بود پیشنهاد کرد که سه

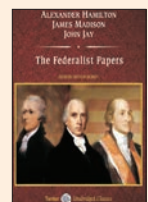
میلیون دلار مورد نیاز دولت برای هزینه‌های عملیاتی و بهره دیون داخلی و خارجی از طریق افزایش عوارض بر شراب‌ها، نوشیدنی‌های تقطیرشده، چای، قهوه وارداتی و نوشیدنی‌های داخلی تامین شود. این لایحه در کنگره شکست خورد. در پاسخ به متنوع کردن منابع درآمدی، از آنجایی که سه چهارم از درآمد ناشی از بازرگانی با بریتانیای کبیر بود، همیلتون یک‌بار دیگر تلاش کرد که یک مالیات تولیدی هم بر نوشیدنی‌های داخلی ببندد و هم بر نوشیدنی‌های خارجی. نرخ مالیات‌بندی تناسبی با درصد الکل داشت و همیلتون قصد داشت که با مالیاتی وارده بر نوشیدنی‌های وارداتی را با مشروبات داخلی برابر کند. همان زمان همیلتون متوجه شد که روستایی‌ها چقدر از این مالیات ناراحت هستند، اما حدس زد که این ناراحتی قطعاً کمتر از ناراحتی ناشی از مالیات بر زمین باشد، که البته حدس قابل قبولی هم بود. صنایع روستایی مستقر در مناطق دوردست به این مالیات غیرمستقیم اعتراض داشتند و این اعتراضات در سال ۱۷۹۴ به شورش و یسکی ختم شد. در پنسیلوانیا و ویرجینیای غربی، و یسکی محصول اصلی صادراتی به حساب می‌آمد و نقشی حیاتی و اساسی در اقتصاد محلی بازی می‌کرد. به هر صورت از همان روزهای فعالیت سیاسی همیلتون همیشه تصاویر بسیار پررنگ و مهمی از تاریخ ثبت می‌شد که هیچ‌کدام به سادگی از کنار گوشمان نمی‌گذشتند و در نهایت هم همین علاقه به صحنه‌های پررنگ و ماندگار بود که برای او مرگی غریب را رقم زد. ■

### کتاب‌شناسی

#### مقاله‌های فدرالیستی

سال: ۱۷۸۸

مقاله‌های فدرالیستی مجموعه‌ای از ۸۵ مقاله است که توسط الکساندر همیلتون، جیمز مدیسون و جان جی به منظور ایجاد یک قانون اساسی برای ایالات متحده آمریکا نوشته شد. این مجموعه در ابتدا با نام «فدرالیست» شناخته می‌شد اما در اوایل قرن بیستم نام «مقاله‌های فدرالیستی» مرسومیت بیشتری پیدا کرد. این مجموعه مقاله که البته طی یک سال منتشر شدند دارای شش موضوع مختلف در شماره یک خود هستند که به مسائلی نظیر اتحادیه و کنفدراسیون می‌پردازد و جدای از آن به نقد و بررسی قانون اساسی موجود در آن زمان هم پرداخته‌است.



در دورانی که آرا و عقاید ژان ژاک روسو روح عمومی فضا را تشکیل می‌داد، فوریه این نظر را داشت که باید تمام مشاغل و موقعیت‌ها بر اساس توانایی و تمایل به سوی زنان هم گشوده باشد، نه اینکه به واسطه جنسیت فضا بر روی آن‌ها بسته شود.

## [ ۵ ایده بزرگ ۲. اقتصاد و اجتماع ]

# پدر بزرگ سوسیالیسم مدرن از راه می‌رسد

شارل فوریه همکاری و همدلی را کلید موفقیت جامعه می‌داند

در آن چندصد نفر یا حتی چند هزار نفر به شکلی اشتراکی کار می‌کردند و کارهایشان به خیری عمومی می‌انجامید. عمده این ساختمان‌ها در آن زمان در فرانسه مجتمع‌هایی چهار طبقه بودند که در آن ثروتمندترین فرد بالاترین آپارتمان را داشت و فقیرترین فرد نیز در طبقه همکف ساکن بود. معیار اصلی ثروت افراد شغلشان بود که این شغل هم بر اساس علایق و مطلوب‌های فرد تخصیص پیدا می‌کرد. البته در این میان محرک‌هایی هم وجود داشت: مشاغلی که جذابیت زیادی نداشتند پول بیشتری به عنوان دستمزد ارائه می‌کردند.

فوریه نظریه‌ای بسیار عجیب و جنجال‌برانگیز در زمینه تجارت ارائه کرده‌است. او می‌گوید که تجارت یک خصیصه خاص یهودی‌هاست و «منشأ شر» است و پیشنهاد می‌کرد که یهودیان را مجبور کنند تا در فالانسترها به کار کشاورزی بپردازند. البته طیف نظریه‌های فوریه به حدی گسترده است که بسیاری از افراد نظیر جان راث و ریچارد روبنشتاین می‌گویند که اساس حرف‌های او اقتصادی بوده و نمی‌توان برجسی چون «نژادپرست» به او زد.

### حتی رادیکال‌تر

فوریه می‌گفت که منشأ بی‌نظمی در جامعه فقر است. البته باید همین‌جا روشن کنیم که منظور فوریه دقیقاً فقر بود و نه نابرابری. او پیشنهاد کرد که با بالا بردن دستمزدها به میزان کافی و قرار دادن یک کف دستمزد محترمانه برای افرادی که قادر به کار نیستند، می‌توان فقر را ریشه‌کن کرد. نکته جالب اینجاست که فوریه از کلمه «تمدن» با لحنی منفی استفاده می‌کرد، به شکلی که درباره او می‌گویند: «حس تحقیری که فوریه نسبت به متفکران و ایدئولوژی‌های مشهور زمانه خود داشت به حدی بود که او همواره از کلماتی مانند فیلسوف و تمدن به شکل یک فحش استفاده می‌کرد. در دایره واژگان او کلمه تمدن مترادف با نظم بی‌بنیه بود که چیزی نداشت جز قیود و محدودیت‌های مختلف برای مردم... هجمه فوریه به تمدن به کیفیتی بود که در نوشته‌های منتقدان اجتماعی هم عصر او به ندرت به چشم می‌خورد.»

در دورانی که آرا و عقاید ژان ژاک روسو روح عمومی فضا را تشکیل می‌داد، فوریه این نظر را داشت که باید تمام مشاغل و موقعیت‌ها بر اساس توانایی و تمایل به سوی زنان هم گشوده باشد، نه اینکه به واسطه جنسیت فضا بر روی آن‌ها بسته شود. از سوی دیگر هم می‌گفت که والدین این جامعه «تمدن» فرزندان خود را بسیار تنبل بار می‌آورند و باید از همان سنین پایین و خردسالی در هر نوع آزمایش و تجربه‌ای به سوی کودکان باز شود تا بتوانند در جامعه صنعتی نقشی موثر داشته باشند. این فیلسوف، جامعه‌شناس و اقتصاددان رادیکال در زمان خود شاید یک رادیکال دوانه به نظر گرفته می‌شد اما امروزه و پس از گذشت دو قرن جایگاه مستحکم‌تری برای خود دست و پا کرده‌است. ■



شارل فوریه از آن دسته نظریه‌پردازان بزرگی بود که گرچه بیشتر در زمینه فلسفه و جامعه‌شناسی به نظریه‌پردازی پرداخته، اما مانند بسیاری از متفکران سده‌های هجدهم و نوزدهم نظریه‌هایش نه تنها به عرصه اقتصاد سیاسی ورود پیدا می‌کردند، بلکه در بسیاری از موارد اساس خود را هم از این عرصه می‌گرفتند.

فوریه یکی از متفکران مشهور سوسیالیست بود که ارجاع و اشاره، و البته نقد او را در آثار سوسیالیست‌هایی نظیر مارکس به وفور مشاهده می‌کنیم. بسیاری او را بنیان‌گذار «سوسیالیسم اتوپیایی» یا همان «سوسیالیسم تخیلی» می‌دانند. برخی از دیدگاه‌های اجتماعی و اخلاقی فوریه در دوران زندگی خودش رادیکال شناخته می‌شدند، که البته در جامعه مدرن امروزی به شکلی از «جریان اصلی» و جاقفاده بدل شده‌اند. برای مثال امروزه بسیاری می‌گویند که فوریه در سال ۱۸۳۷ اصطلاح «فمینیسم» را ابداع کرده و جا

انداخته‌است. نقطه‌نظرات و پیشنهادهای اجتماعی فوریه الهام‌بخش جنبش گروهی از جمع‌های ویژه شد. این جنبش‌ها حتی در ایالات متحده هم رایج شدند و جمع اتوپیا، اوهای و لاروین در نزدیکی دالاس امروزی نمونه‌هایی از آن است. فوریه الهام‌بخش بازه گسترده‌ای از متفکران و نویسندگان انقلابی بوده‌است.

فوریه ادعا می‌کرد که همکاری و همدلی اجتماعی کلید موفقیت اجتماعی است. او بر این باور بود که جامعه‌ای که در آن روحیه همکاری به خوبی وجود دارد به سرعت ناظر بهبود در سطح بهره‌وری اقتصادی خود خواهد بود. او می‌گفت که در چنین جامعه‌ای به کارگران متناسب با سهمی که در تولید دارند حقوق داده می‌شود. شاهد این شکل از موفقیت در نظر فوریه جمع‌هایی بودند که خود او نام «بن‌دانش» بر آن‌ها گذاشته‌بود و ساختار اصلی‌شان فالانسترها بودند. فالانسترها به ساختمان‌هایی بسیار بزرگ گفته می‌شد که

### شارل فوریه

فرانسوآماری شارل فوریه در بهار ۱۷۷۲ و در زمانی که اشخاصی چون هگل و شلینگ در آلمان به دنیا می‌آمدند، در شهر بژانسون فرانسه به دنیا آمد. پدر او یک کاسب خرده‌پا بود و نکته جالب این بود که فوریه از بچگی بیش از اینکه به تجارت و کاسبی علاقه‌مند باشد، دل در گرو معماری داشت. او دوست داشت مهندس شود اما مدرسه مهندسی محلی آن دوران تنها فرزندان اشراف را می‌پذیرفت. خود فوریه می‌گوید که بهتر شد نتوانست به مدرسه مهندسی ورود کند زیرا زمانش آزاد شد تا بتواند به بشریت خدمت کند. فوریه که با نظریه‌های رادیکال، انقلابی در طرز تفکر فرانسه ایجاد کرده‌بود، توانایی خاصی در فروش کتاب‌هایش نداشت و زمانی که تنها ۶۵ سال سن داشت در شهر پاریس درگذشت.

### کتاب‌شناسی

#### نظریه چهار جنبش

سال: ۱۸۰۸

این کتاب بسیار درخشان برای اولین بار در سال ۱۸۰۸ در شهر لیون مشاهده شد و مشخص است که پس از انقلاب فرانسه به رشته تحریر درآمده‌است. بسیاری از افراد این کتاب را یکی از قدیمی‌ترین اسنادی می‌دانند که بنیان سوسیالیسم در معنای امروزی آن را نهاده‌است. فوریه در این کتاب تصویری از برجسته‌ترین اتوپیا یا همان مدینه فاضله‌ای را ارائه می‌دهد که در دو سده اخیر به بشر ارائه شده‌است. فوریه با این کتاب خود در شمار اولین افرادی قرار گرفت که می‌گفتند هر کسی حقی از استاندارد حقایلی برای زندگی دارد.



گرچه والراس تلاش بسیار زیادی کرد تا توجه افراد را به متون خود جلب کند، اما متاسفانه پیچیدگی‌های ریاضیاتی مباحثی که مطرح می‌کرد به حدی بود که متفکران زمانه او قادر به درک ظرافت‌های نظری او نشدند. همین مسئله باعث شد که والراس هم مانند بسیاری از افراد متفکر در زمان زندگی خود به خوبی شناخته نشود.

## [ ۵ ایده بزرگ ۳. اقتصاد و ریاضی ]

# آیا تعادل عمومی در اقتصاد ممکن است؟

## لئون والراس آزمون و خطای ریاضیاتی را راه رسیدن به تعادل می‌داند



### لئون والراس

والراس در روزهای پایانی سال ۱۸۳۴ در نرماندی شمالی فرانسه به دنیا آمد. پدر او هم اقتصاددانی به نام آگوست والراس بود. لئون برای تحصیل به دانشگاه پاریس رفت و پس از آن به سوئیس رفت و در دانشگاه لوزان به تدریس اقتصاد سیاسی مشغول شد. والراس که تمام زندگی خود را وقف به دست آوردن محاسبات و فرمول‌های پیچیده‌ای برای ریاضی کرده بود در نهایت زمانی که ۷۵ سال سن داشت در ابتدای سال ۱۹۱۰ میلادی در شهر کلارنس سوئیس درگذشت. این شهر سوئیس که امروزه مونترو نامیده می‌شود، محل دفن یکی از بزرگ‌ترین اقتصاددانانی است که هنوز هم آثارش جایی بسیار عمیق برای پژوهش است.

مشهور «تپهنوردی» در ریاضیات به دست آید. البته اخیراً نظریه سوننشاین-منتل-دبرو اثبات کرد که چنین فرایندی لزوماً به یک تعادل پایدار و منحصر به فرد نخواهد رسید، حتی اگر بازار مملو از عوامل عقلانی باشد.

مجری یا همان دلال مزایده والراس کسی است که به صورت پیش‌فرض در شرایط رقابت کامل، عرضه و تقاضا را بر

هم منطبق می‌کند. وظیفه این شخص مهیا کردن شرایط رقابت کامل است، یعنی باید اطلاعات را به شکلی کامل ارائه کند و هیچ‌گونه هزینه‌ای برای تراکنش دریافت نکند. این فرایند در زمان فرانسوی «تاتونمان» نام دارد که شکلی از همان آزمون و خطا است و وظیفه دارد که قیمت روشن و نهایی را برای همه کالاها پیدا کرده و باعث ارتقای تعادل عمومی شود.

شاید این سوال پیش بیاید که این مزایده‌گر والراسی اساساً چه کاربردی داشته و به چه منظور طراحی شده است؟ هدف از ایجاد این مزایده‌گر این است که یکی از عمیق‌ترین مشکلات مفهومی رقابت کامل از بین برود. این مشکل مفهومی عمیق چیست؟ تصریح این مسئله که هیچ عاملی نمی‌تواند بر قیمت‌ها اثر بگذارد. اما اگر کسی نتواند بر قیمت‌ها اثر بگذارد، آن‌گاه هیچ‌کس هم نمی‌تواند قیمت‌ها را تغییر دهد و در نتیجه قیمت‌ها اساساً تغییر نمی‌کنند. با این حال، از آن سو که این بلوک مفهومی به شکلی مصنوعی وارد شده است، هرگز نمی‌تواند پاسخی کاملاً رضایت‌بخش بدهد.

به طور کل اهمیت والراس به حدی است که شومپتر درباره او گفت: «والراس بزرگ‌ترین اقتصاددان تاریخ است. نظام تعادل اقتصادی او کیفیت خلاقیت انقلابی را با کیفیت ترکیب‌های کلاسیک در هم آمیخته است و او تنها اقتصاددانی است که به لحاظ کیفیت کاری با یک فیزیک‌دان نظری قابل مقایسه است.» ■

ماری اسپری لئون والراس یک اقتصاددان ریاضیاتی و جرجیست فرانسوی بود. او یکی از اولین چهره‌هایی بود که از مطلوبیت نهایی در اقتصاد استفاده کرد و البته این مسئله را شکلی مستقل از ویلیام استنلی جونز و کارل منگر ایجاد کرده بود. جدای از این دستاورد او اولین کسی بود که به مدلی ریاضیاتی برای تعادل عمومی اقتصادی دست یافت و این مسئله را در کتاب «عناصر اقتصاد محض» توضیح داد. همین مسئله باعث شد که امروزه او را به عنوان چهره پیشرو در زمینه نظریه تعادل عمومی بشناسند.

گرچه والراس تلاش بسیار زیادی کرد تا توجه افراد را به متون خود جلب کند، اما متاسفانه پیچیدگی‌های ریاضیاتی مباحثی که مطرح می‌کرد به حدی بود که متفکران زمانه او قادر به درک ظرافت‌های نظری او نشدند. همین مسئله باعث شد که والراس هم مانند بسیاری از افراد متفکر در زمان زندگی خود به خوبی شناخته نشود. او مدل ریاضیاتی خود را به شکل یک تئاتر دو طرفه ایجاد کرد و پس از آن به مرور زمان به پیچیدگی طرح خود اضافه کرد و توانست سطوح جدیدتری را وارد سیستم خود کند.

گرچه والراس تا حد بسیار زیادی به خاطر کارهای نظری خود شناخته شده بود، علاقه بسیار زیادی به مسائل عملی و کاربردی هم از خود نشان می‌داد. او می‌خواست جامعه را با اصلاحات بسیار معتدل سوسیالیستی بهبود بخشد اما پیش از آن که بتواند یک اثر دقیق و نظام‌مند مانند «عناصر اقتصاد محض» را در این زمینه هم تولید کند، درگذشت.

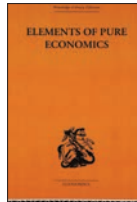
نظریه ارزش در نگاه والراس بیش از اینکه مبنایی اخلاقی داشته باشد، بر اقتصاد استوار است. خود او می‌گوید: «چیزهایی را مفید می‌نامم که هر نوع از کاربردی بیابند و هر نوع نیازی را برآورده کنند.» همین نوع از آثار اقتصادی در قرن نوزدهم بود که باعث شد کلمه «ارزش» در معنای اقتصادی آن تنها اشتراکی لفظی با «ارزش» در معنای اخلاقی آن داشته باشد. البته والراس در این زمینه اولین نفر نبود، اما همین صورت‌بندی اقتصادی او از مسائل اجتماعی و صورت‌بندی ریاضیاتی‌اش از اقتصاد باعث می‌شود که با عمق بیشتری در آرای او نگاهی بیندازیم.

## کتاب‌شناسی

### عناصر اقتصاد سیاسی محض

سال: ۱۸۹۹

یکی از بزرگ‌ترین نکات جالب درباره این کتاب این است که تا سال ۲۰۱۴ تنها یک ترجمه از آن در زبان انگلیسی موجود بود که آن هم عنوان را «عناصر اقتصاد محض» ترجمه کرده بود. عبارت «مزایده والراسی» هم اتفاقاً در همان ترجمه آمده و باعث شده بود که بسیاری از خوانندگان به این فکر افتاده بودند که نکته مدنظر والراس یک بازار مزایده‌ای است، در صورتی که اگر به جای «مزایده‌گر» از عبارت «دست‌فروش» استفاده کنیم درکی معمولی‌تر از جامعه مورد تحلیل او پیدا کنیم. این کتاب هنوز هم یکی از پیچیده‌ترین مدل‌های ریاضیاتی برای تحلیل اقتصاد در مقیاس اجتماعی را دارد و قطعاً مطالعه آن برای خواننده‌های مبتدی توصیه نمی‌شود.



### مزایده والراسی

یکی از جذاب‌ترین نظریه‌های والراس چیزی بود که بعدتر به «مزایده والراسی» شناخته شد. مزایده والراسی نوعی از مزایده هم‌زمان بود که در آن هر عامل تقاضای خود را برای کالا در هر قیمت ممکن محاسبه کرد و این رقم را به مجری مزایده اعلام می‌کند. پس از این قیمت به شکلی تنظیم می‌شود که مجموع تقاضای تمام عوامل برابر با مجموع مقدار کالا شود. بنابراین، در یک مزایده والراسی به شکلی کامل با تطابق عرضه و تقاضا روبه‌رو هستیم.

والراس ادعا می‌کرد که همواره می‌توان از خلال فرایندی از «آزمون و خطا» به تعادل رسید. این آزمون و خطا تقریباً بر اساس الگوریتم

در نگاه بورج دولت نباید کل فضای انگیزه‌ها و فرصت‌ها و مسئولیت‌ها را به خود محدود کند، بلکه در ایجاد یک سطح استاندارد قابل قبول اجتماعی باید فضا و دلگرمی کافی برای کنش‌هایی داوطلبانه هم فراهم شود که توسط خود فرد صورت می‌گیرد تا چیزی بیشتر از آن «استاندارد حداقلی» را برای خود و خانواده‌اش مهیا کند.

## [ ۵ ایده بزرگ ۴. اقتصاد و سیاست‌گذاری ]

# محبوب‌ترین پیشنهادهای اقتصادی چه می‌گفتند؟

## ویلیام بورج کسی بود که نسخه اولیه دولت رفاه را نوشت

باید به پنج غول حاضر در جاده بازسازی اشاره کامل شود. سومین نکته هم این است که سیاست‌های مربوط به امنیت اجتماعی «باید با همکاری بین افراد و دولت» حاصل شود که در آن دولت خدمات و کمک‌ها را ایمن می‌کند. در این نوع نگاه بورج دولت نباید کل فضای انگیزه‌ها و فرصت‌ها و مسئولیت‌ها را به خود محدود کند، بلکه در ایجاد یک سطح استاندارد قابل قبول اجتماعی باید فضا و دلگرمی کافی برای کنش‌هایی داوطلبانه هم فراهم شود که توسط خود فرد صورت می‌گیرد تا چیزی بیشتر از آن «استاندارد حداقلی» را برای خود و خانواده‌اش مهیا کند.



ویلیام هنری بورج یک اقتصاددان و سیاستمدار لیبرال بریتانیایی بود که حجم بسیار زیادی از کوشش عملی و پژوهشی خود را به مقصود ایجاد اصلاحاتی متمرکز در سطح اجتماع صرف کرد. مشهورترین آثار بورج «بیمه اجتماعی و خدمات متحد» و «اشتغال کامل در یک جامعه آزاد» نام دارند. کتاب «بیمه اجتماعی...» که تحت عنوان «گزارش بورج» هم شناخته می‌شود، مبنایی برای دولت رفاه پس از جنگ دوم جهانی قرار گرفت و توسط دولتی که برآمده از انتخاب حزب کارگر انگلستان در سال ۱۹۴۵ بود، به

کار هم بسته شد. برای آشنایی بسیار بیشتر با اندیشه و تأثیر ویلیام بورج احتمالاً بهترین نقطه همین کتاب «بیمه اجتماعی...» باشد. این کتاب که در اواخر سال ۱۹۴۲ به چاپ رسیده بود، نقشی بسیار موثر در شکل‌گیری دولت رفاه در انگلستان بازی کرد. بورج در این کتاب اصلاحات بسیار گسترده‌ای را به نظام رفاه اجتماعی انگلستان پیشنهاد کرده بود که از طریق آن‌ها می‌شد مسئله‌ای را مورد حل و فصل قرار داد که خود بورج به آن‌ها «پنج غول حاضر بر مسیر بازسازی» نام گذاشته بود: «فقدان، بیماری، ناآگاهی، آلودگی و تنبلی». این گزارش که به شکل یک کتاب در میانه جنگ جهانی دوم منتشر شد بیان‌گر پاداشی برای فداکاری‌های افراد بود و چنین وعده‌ای به آن‌ها می‌داد. این کتاب به سرعت مورد توجه عموم مردم قرار گرفت و مبنایی را برای اصلاحات پس از جنگ دوم جهانی ایجاد کرد که شامل گسترش بیمه ملی و ایجاد خدمات سلامت همگانی یا همان این‌اچ‌اس می‌شود.

در این گزارش سه پیشنهاد عمده آمده است. اولین پیشنهاد این است که برنامه‌هایی که برای آینده ارائه می‌شوند نباید توسط «منافع بخشی» محدود شوند. یک «لحظه انقلابی در تاریخ جهان، زمانی است برای انقلاب‌ها نه برای دوخت و دوز». دومین نکته مهم هم این است که بیمه اجتماعی تنها یک بخش از «سیاست جامع پیشرفت اجتماعی» است و

### ویلیام بورج

ویلیام بورج در روز پنجم مارس سال ۱۸۷۹ در بنگال هند به دنیا آمد که آن زمان بخشی از امپراتوری انگلستان به حساب می‌آمد و در حال حاضر بخشی از بنگلادش است. او وارد دانشگاه آکسفورد شد و در دوره ریاضی و ادبیات به عنوان شاگرد اول فارغ‌التحصیل شد و پس از آن به مطالعه حقوق روی آورد و خود را شاگرد جامعه‌شناس و فیلسوف فرانسوی آگوست کونت می‌دانست. او نهایتاً در سن ۸۴ سالگی در آکسفورد انگلستان در گذشت و وارد سال‌های دهه هفتاد نشد تا بحران دولت رفاه را از نزدیک ببیند و پس از آن نابودی‌اش را به دست مارگارت تاجر مشاهده کند.

### محبوب‌ترین برنامه اقتصادی تاریخ

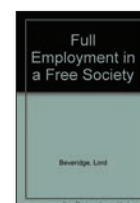
این پیشنهادهای بورج در داخل کابینه بحث‌هایی را به راه انداخت که آیا اصلاً این گزارش را به شکل اوراق سفید دولتی منتشر کنند یا خیر. بسیاری از دولتمردان نظیر کینگزلی وود عنوان کردند که این گزارش دارای «یک تعهد مالی ناشدنی» است و انتشار آن باید به تعویق بیفتد. با این حال، کابینه نهایتاً در ۲۶ نوامبر تصمیم به چاپ آن گرفتند و این گزارش در روز دوم دسامبر منتشر شد. وزارت اطلاعات انگلستان در آن زمان گزارش داد که این گزارش به شکل بسیار گسترده‌ای مورد استقبال انواع و اقسام مردم با هر طیفی از عقیده و تمام گروه‌های جامعه، قرار گرفته است و مردم آن را به عنوان «اولین تلاش واقعی برای به اجرا درآوردن آن همه حرف درباره دنیای جدید» نگاه می‌کردند. دو هفته پس از انتشار این گزارش یک نظرسنجی به شکل نمونه‌ای توسط موسس افکار عمومی بریتانیا درباره کتاب برگزار شد که طبق نتایج آن ۹۵ درصد از مردم این گزارش را خوانده یا درباره آن شنیده بودند و «بسیار به آن علاقه‌مند بودند»، اما انتقاداتی هم به آن وارد بود که بیشتر مربوط به این می‌شد که چرا مستمری‌های سنین بالا به اندازه کافی بالا نیست. طبق نتایج این اثر، مردم به طرز بسیار شدیدی اتفاق نظر داشتند که هرچه سریع‌تر باید برنامه‌ها و پیشنهادهای این گزارش به مرحله اجرا برسد. نهایتاً حزب کارگر انگلستان از پیشنهادهای بورج استقبال کرد و پس از پیروزی در انتخابات عمومی ۱۹۴۵، بسیاری از سیاست‌های پیشنهادی او را به کار بست که به عنوان دولت رفاه شناخته می‌شد. به همین دلیل است که شاید هیچ چهره‌ای در سده بیستم به اندازه ویلیام بورج در عرصه عمل روی شکل‌گیری دولت رفاه تأثیر نگذاشته است و علی‌رغم این که او را لرد بورج می‌شناختند، همواره محبوب مردم بود. جالب این جاست که دولت رفاه در بسیاری از زمینه‌های نظری خود مدیون آرای جان مینارد کینز است و در بسیاری از پیشنهادهای عملی خود مدیون ویلیام بورج، و این دو فرد هر دو انگلیسی هستند اما یکی از بزرگ‌ترین مخالفان دولت رفاه یعنی مارگارت تاجر هم انگلیسی بود. ■

### کتاب‌شناسی

#### اشتغال کامل در جامعه آزاد

سال: ۱۹۴۴

تألیف اصلی این کتاب این است که از آنجایی که صاحب‌کاران منفرد توانایی ایجاد اشتغال کامل ندارند، این وظیفه به دوش دولت می‌افتد. اشتغال کامل به وضعیت گفته می‌شود که در آن فرصت‌های شغلی موجود اندکی بیشتر از نیروی کار در دسترس است، بنابراین افرادی که شغل خود را از دست می‌دهند می‌توانند به سرعت کار جدیدی پیدا کنند. بورج جدای از این مسائل در ادامه به بحث درباره توان چانه‌زنی نیروی کار و حداقل دستمزد و نرخ بهرهوری هم می‌پردازد و به طور کل سعی می‌کند که مفهوم آزادی و عدالت را به خوبی با هم آشتی دهد.



سینگ طی سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ علی‌رغم مخالفت شدیدی که با خود می‌دید، اصلاحاتی اساسی را در اقتصاد هند ایجاد کرد که به واسطه آن‌ها اقتصاد هند آزادتر شد. گرچه این اصلاحات تأثیر مثبتی در دفع بلای بحران داشتند و سینگ به عنوان یک رهبر اقتصادی مشهور در جهان شناخته شد، حزب متبوع او نتوانست در انتخابات سال ۱۹۹۶ برنده شود و سینگ سال‌های انتهایی هزاره دوم را به عنوان یکی از چهره‌های اصلی حزب بیرون از قدرت گذراند.

## [ ۵ ایده بزرگ ۵. اقتصاد و سیاست ]

# معمار هند معاصر چه کار خاصی کرد؟

## مانموهان سینگ به زبان بسیار ساده اقتصاد را آزادتر کرد

### مانموهان سینگ

سینگ در اواخر تابستان سال ۱۹۳۲ در پنجاب هند به دنیا آمد که البته امروزه محل تولد او در پاکستان قرار دارد. همان‌طور که گفته شد او بین سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۱۴ نخست‌وزیر هند بود و اولین سبکی بود که به این سمت رسیده است. جدای از این مسئله همان‌طور که می‌دانید طول مدت هر دولت در هند ۵ سال است و سینگ پس از جواهر لعل نهرو اولین کسی بود که نتوانست دودوره پشت سر هم به این سمت برگزیده شود. او که مدرک دکتری خود را از دانشگاه آکسفورد در رشته اقتصاد گرفته است در سطح جهان به عنوان مردی آرام و قابل احترام شناخته می‌شود.

شاید یکی از جالب‌ترین اقتصاددان‌هایی که بتوانیم در جهان معاصر پیدا کنیم مانموهان سینگ باشد. دلیل اصلی این جذابیت هم این است که سینگ از معدود اقتصاددانانی است که به بالاترین مقام اجرایی رسیده‌اند: نخست‌وزیری. سینگ بین سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۱۴ نخست‌وزیر هند بود. سینگ پس از کار در سازمان ملل متحد در دهه شصت میلادی وارد کار دولتی شد و اولین سمتش مشاوره وزارت بازرگانی و صنعت هندوستان بود. او طی دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی چندین موقعیت کلیدی را در دولت هند در اختیار داشت که از بین آن‌ها می‌توان به مشاور ارشد اقتصادی (از ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۶)، رئیس بانک مرکزی (۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵) و رئیس کمیسیون برنامه‌ریزی (از ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۷) اشاره کرد. کارنامه سینگ در دهه ۹۰ به مرحله جدید و حساس‌تری رسید. در سال ۱۹۹۱، یعنی زمانی که اقتصاد هند

درگیر یک بحران بسیار شدید بود، نارا سیمارائو، نخست‌وزیر این کشور که به تازگی انتخاب شده بود به طرزی غافلگیرکننده سینگ را با سمت وزیر امور مالی وارد کابینه کرد، که تا آن زمان سابقه فعالیت سیاسی خاصی نداشت. اقدامات انجام‌شده در این مرحله بود که به دلیل آن‌ها، سینگ به عنوان یکی از برجسته‌ترین چهره‌های امروزی هند شناخته می‌شود. او طی این سال‌ها علی‌رغم مخالفت شدیدی که با خود می‌دید، اصلاحاتی اساسی را در اقتصاد هند ایجاد کرد که به واسطه آن‌ها اقتصاد هند آزادتر شد. گرچه این اصلاحات تأثیر مثبتی در دفع بلای بحران داشتند و سینگ به عنوان یک رهبر اقتصادی مشهور در جهان شناخته شد، حزب متبوع او نتوانست در انتخابات سال ۱۹۹۶ برنده شود و سینگ سال‌های انتهایی هزاره دوم را به عنوان یکی از چهره‌های اصلی حزب بیرون از قدرت گذراند. این که اقدامات سینگ چه بودند که هم با موفقیت اقتصادی روبه‌رو شدند و هم به شهرت و محبوبیت او اضافه کردند، مسئله‌ای است که تقریباً باید مورد به مورد دست‌کم از آن‌ها نام برد.

### اصلاحات اقتصادی آقای سینگ

سینگ در سال ۱۹۹۱ به عنوان وزیر امور مالی هند، اقتصاد هند را از قید پروانه راج رها کرد. این پروانه به لایسنس باعث شده بود که هم رشد اقتصادی هند کند شود و هم به مدت دهه‌ها فساد در بدنه اقتصاد این کشور رشد کند. با آزاد شدن اقتصاد هند، سرعت توسعه به شدت افزایش پیدا کرد و به همین دلیل زمانی که او به نخست‌وزیری این کشور رسید به تحریک رشد بازارها پرداخت و در این زمینه موفقیت بسیار زیادی هم تجربه کرد. سینگ همراه

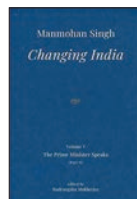
با وزیر امور مالی پیشین، در دورانی سمت کلیدی خود را داشته‌اند که اقتصاد هند با نرخ رشدی ۸-۹ درصدی رشد کرده است. در سال ۲۰۰۷، کشور هند به نرخ رشد ۹ درصدی رسید و در این زمینه دومین رشد سریع در بین اقتصادهای بزرگ جهان را به خود اختصاص داد. در زمینه آموزش و درمان هم دولت سینگ برنامه بهداشت روستایی را در سطح ملی کلید زد که در آن نیم میلیون نفر کارگر در زمینه بهداشت در کشور فعال شدند. این اقدام دولت هند مورد تشویق اقتصاددان آمریکایی، جفری ساکس، قرار گرفت. دولت سینگ به برنامه عظیم «چهار گوش طلایی» هم تداوم بخشید که قرار بود در آن بین چهار شهر کلان هند یعنی بمبئی، کلکته، دهلی و چنای که در چهار گوشه متفاوت این کشور قرار گرفته‌اند، بزرگراهی کشیده شود. سینگ جدای از این مسائل بر روی اصلاح بخش‌های مالی و بانکی هم تمرکز خاصی دارد و در کنار آن‌ها بر روی این مسئله هم کار می‌کرد که کمپانی‌های بخش خصوصی را هم دستخوش اصلاحاتی اساسی کند. وزارت امور مالی او به سمت این مسئله حرکت می‌کرد که دهقانان را از دیون خود خلاص کرده و از سوی دیگر به سمت سیاست‌هایی صنعت‌گرا تمایل نشان می‌داد. دولت سینگ در سال ۲۰۰۵، مالیات بر ارزش افزوده را به جای مالیات بر فروش وارد نظام خود کرد. البته دولت‌های سینگ همیشه با آرامش روبه‌رو نبوده‌اند و زمانی که او در سال ۲۰۰۸ با ایالات متحده به توافق هسته‌ای رسید، بسیاری از احزاب جبهه چپ دست از حمایت از او برداشتند و همین مسئله باعث شد که دولت او تا مرز سقوط هم پیش برود. در دوران نخست‌وزیری او گرچه رشد اقتصادی به خوبی مهیا بود اما مسائل نظیر امنیت وارد وضعیتی بسیار ضعیف شده بودند. به هر صورت مانموهان سینگ از آن دسته سیاستمدارانی است که به احتمال زیاد نامشان در طول تاریخ هند به لحاظ میزان اهمیت در نزدیکی گاندی قرار بگیرد. ■

### کتاب‌شناسی

#### تغییر هند

سال: ۲۰۱۹

این کتاب بسیار جدید و بسیار حجیم پنج‌جلدی مجموعه‌ای بسیار مبسوط درباره زندگی و کار مانموهان سینگ است. سینگ در این‌جا به عنوان یک سیاست‌گذار و یک سیاست‌مدار معرفی می‌شود که تأثیری بسیار عمیق بر کشور هند و اقتصادش گذاشته است. در این کتاب‌ها سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های برگزیده او به چاپ رسیده‌اند که قدیمی‌ترین آن‌ها به دهه ۵۰ میلادی بازمی‌گردد، یعنی زمانی که او در دانشگاه مشغول به تحصیل بود و در ادامه به دهه ۸۰ و ۹۰ یعنی سمت‌های فرعی و وزارتی او، و در نهایت به قرن بیست‌ویکم و نخست‌وزیری او هم می‌رسد. اگر به تاریخ هند معاصر علاقه دارید و با حجم بالای ۳۲۰۰ صفحه‌ای مشکلی ندارید، حتماً این کتاب را بخوانید.



### ها جون چانگ

#### نقطه نظرات نئولیبرالی



واقعیت این است که در طول سه دهه گذشته نقطه نظرات نئولیبرالی در تمام جهان غالب بوده‌اند. خصوصاً این نگاه در کشورهای در حال توسعه غلبه زیادی داشته است. دلیل آن نیز این است که این کشورها تا حد زیادی به وام‌هایی که از کشورهای ثروتمند جهان و سازمان‌های بین‌المللی تحت سلطه آنها دریافت می‌کنند تکیه دارند و به آنها وابسته هستند؛ سازمان‌هایی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی.

#### زندگی‌نامه

ها جون چانگ در ۷ اکتبر سال ۱۹۶۳ در کره جنوبی متولد شد. او پس از اتمام درش در دانشگاه ملی سئول به دانشگاه کمبریج منتقل شد و در باره تأثیر اقتصاد سیاسی بر روی صنعت تحقیق کرد و دکترای خود را در همین موضوع گرفت. ها جون چانگ استاد اقتصاد دانشگاه کمبریج انگلستان و متخصص اقتصاد رشد، تاریخ اقتصادی و اقتصاد رفاه است. این اقتصاددان کره‌ای تبار تاکنون در نهادهای اقتصادی گوناگون (بانک جهانی، بانک توسعه آسیا، بانک سرمایه‌گذاری اروپا، اکسفام، مؤسسات وابسته به سازمان ملل و نیز مرکز تحقیقات اقتصاد و سیاست در واشنگتن) مشغول به کار بوده است.

#### موفقیت‌ها

ها جون چانگ از زمره نویسندگان و اقتصاددانان منتقد کاپیتالیست اقتصاد نئولیبرالی است. همچنین گفته می‌شود او یکی از افراد برجسته در نگرش اقتصاد دگراندیشانه است که سعی در پیوند آن با اقتصاد مارکسیستی دارد. بیشترین بحث او در زمینه جهانی سازی و عدالت اقتصادی است. چانگ تاریخ سرمایه‌داری را مورد بررسی قرار داده و درباره مسیری که تاریخ اقتصاد تا به امروز طی کرده به طور مفصل نوشته است

### گونار میردال

#### فاصله کشورهای فقیر و غنی



کشورهای فقیر و غنی پیش از آنکه در اثر توسعه اقتصادی به هم نزدیک شوند از هم دور می‌شوند. هرچه کشورهای غنی از اقتصاد بهتری برخوردار می‌شوند، کشورهای فقیر، فقیرتر می‌شوند و به سمتی سوق داده می‌شوند که به تولیدات اولیه اتکا داشته باشند.

#### زندگی‌نامه

میردال در ۶ دسامبر سال ۱۸۹۸ در سوئد به دنیا آمد. او در رشته حقوق از دانشگاه استکهلم در سال ۱۹۲۳ فارغ‌التحصیل شد و دکترای اقتصادی خود را از این دانشگاه در سال ۱۹۲۷ دریافت کرد. میردال دوبار به‌عنوان سناتور در مجلس سنای سوئد حضور یافت.

#### موفقیت‌ها

کتاب «عنصر سیاسی در توسعه نظریه اقتصادی» او ابتدا در سال ۱۹۳۰ به زبان سوئدی منتشر شد و کتاب «تبادل پولی» در سال ۱۹۳۱ به زبان آلمانی انتشار یافت که برای دومین کتابش در سال ۱۹۷۴ نوبل دریافت کرد. میردال ۳۰ دکترای افتخاری از دانشگاه‌های مختلف دریافت کرد. او برای مدتی دبیر اجرایی کمیسیون اروپای سازمان ملل متحد بود.

### دیوید ریکاردو

#### افزایش سطح دستمزد



تحت شرایط متفاوت توام با کاهش سود میزان تمرکز سرمایه نیز کاهش خواهد یافت. دستمزد نقش نهایی در تعیین درآمد و تخصیص آن بین سرمایه و کار دارد. سطح دستمزدها زمانی افزایش پیدا کند که قیمت کالاهایی که در سبد حداقل مصرف کارگران قرار دارد، افزایش یابد. کالای مصرفی کارگران در درجه اول فرآورده‌های کشاورزی هستند. وقتی که تقاضا برای مواد غذایی افزایش یابد، زمین‌هایی که بهره دهی کمتری دارند، نیز وارد جریان تولید خواهند شد.

#### زندگی‌نامه

دیوید ریکاردو در ۱۸ آوریل سال ۱۷۷۲ در لندن به دنیا آمد. او فرزند سوم از ۱۷ فرزند یک خانواده یهودی پرتغالی بود. اما ریکاردو در سن جوانی دین خود را به کاتالیک تغییر داد. به همین دلیل رابطه او با پدرش قطع شد. بعد از آن ریکاردو به دلایلی در بورس شهر لندن پرداخت و از فعالیت‌های تجاری خود ثروت بسیار زیاد و از کتاب‌هایی که تألیف می‌کرد شهرت کم‌نظیری به دست آورد. ریکاردو در ۱۸۱۹ به عنوان نماینده ایرلند در مجلس عوام انگلستان انتخاب شد و تا پایان عمر (۱۱ سپتامبر سال ۱۸۲۳) نماینده بود.

#### موفقیت‌ها

ریکاردو نیز مانند آدام اسمیت دیدگاه‌های خود را در مورد اقتصاد توسعه به صورت غیرسیستماتیک در کتاب «اصول سیاسی و مالیاتی» به رشته تحریر در آورد. او پس از مطالعه کتاب «ثروت ملل» اثر آدام اسمیت، در سال ۱۷۹۹، به اقتصاد علاقه‌مند شد، با این وجود، اولین مقاله اقتصادی او نزدیک ۱۰ سال بعد چاپ شد. کتاب او برای اولین بار در سال ۱۸۱۷ به چاپ رسید. این اقتصاددان شهیر از مدافعان تجارت آزاد بود و ایده مزیت نسبی را وارد اقتصاد کرد.

### آلن گرینسپین

#### بعد حمله تروریستی



حادثه تروریستی یازده سپتامبر ۲۰۰۱ همه چیز را تغییر داد. از یک سو اقتصاد با خطر ناامنی روبه‌رو شد. چند خیابان آن‌سوتر از برج‌های دوقلو وال استریت، نگران‌تر از همیشه قرار داشت و ما باید در این شرایط از اقتصاد حفاظت می‌کردیم و آرامش را باز می‌گردانیم. یازده سپتامبر می‌توانست همه برنامه‌های ما را بر هم بزند به خصوص که ما خیلی زود متوجه شدیم ایالات متحده می‌خواهد وارد جنگ تازه‌ای شود که حدود و زمان آن مشخص نیست. حادثه یازده سپتامبر مقدمه تغییرات گسترده سیاسی و اقتصادی در جهان بود که همچنان دامنه آن ادامه دارد.

#### زندگی‌نامه

آلن گرینسپین در ۱۱ آگوست ۱۹۲۶ در واشنگتن به دنیا آمد. پدر او یهودی رومانیایی بود و به عنوان کارشناس بازار و تحلیل‌گر سهام در نیویورک کار می‌کرد. او سال ۱۹۴۰ به مدرسه جورج واشنگتن رفت و یکی از هم‌کلاسی‌های او جان کمنی، ریاضی‌دان مشهور بود. او در دانشگاه نیویورک و کلمبیا درس خواند و دکترای خود را در اقتصاد از دانشگاه نیویورک دریافت کرد.

#### موفقیت‌ها

او از سال ۱۹۸۷ به عنوان رئیس فدرال رزرو به مدت ۱۸ سال کار کرد. او زمان ریگان، بوش پدر و پسر و کلینتون در این سمت بود. گفته می‌شود او یکی از ۲۵ نفری است که موجب بحران مالی شده است. در سال ۲۰۰۰ گرینسپین بهره‌را چندین بار افزایش داد که به اعتقاد برخی کارشناسان این اتفاق موجب بحران شد. او تا سال ۲۰۰۶ رئیس فدرال رزرو بود و پس از کناره‌گیری، یک شرکت خصوصی مشاوره‌ای تأسیس کرد.

## تورستن وبلن

### طبقه تن آسا



طبقه تن آسا با پرداختن به فراغت نمایشی (استفاده غیرتولیدی از زمان) و مصرف نمایشی (خرید کالا پیش از توان مالی) بقیه جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. همه طبقات اجتماعی تحت تأثیر این شیوه زندگی قرار گرفته و در پی آن هستند تا طبقه مرفه را به عنوان الگوی خود برگزینند. در نتیجه جامعه‌ای پدیدار می‌شود که ویژگی آن اتلاف هرچه بیشتر پول و زمان است.

### زندگی نامه

وبلن در ۳۰ ژانویه ۱۸۵۷ در یک مزرعه سرحدی ویسکانسین متولد شد. او ششمین فرزند از دوازده فرزند یک خانواده مهاجر نروژی بود. تا زمانی که وارد مدرسه شد انگلیسی بلد نبود. او دکترای خود را از دانشگاه ییل در رشته فلسفه در سال ۱۸۸۴ دریافت کرد.

### موفقیت‌ها

او پس از ۱۷ سال گذراندن عمر در دو دانشگاه شیکاگو و استنفورد، به مدت هفت سال در دانشگاه میسوری کار کرد. وبلن پس از مدتی کوتاه در دانشکده نوین تحقیقات اجتماعی نیویورک تدریس کرد و در سال ۱۹۲۶ بازنشسته شد. معروف‌ترین و مهم‌ترین اثر وبلن در خصوص مسائل اقتصادی و اجتماعی جوامع، کتاب «نظریه طبقه مرفه» اوست.

## سیمون کوزنتس

### افزایش بلندمدت ظرفیت تولید



افزایش بلندمدت ظرفیت تولید به منظور افزایش عرضه کل است تا بتوان نیازهای جمعیت را تأمین کرد. افزایش ظرفیت بلندمدت تولید بستگی به ترقیات نوین فنی و تطبیق آن با شرایط نهادی و ایدئولوژیک مورد تقاضای آن دارد. برای استفاده بهتر و موثرتر از فناوری نوین و توسعه داخلی آن تطبیق شرایط ایدئولوژیک و نهادی برای استفاده مؤثر از نوآوری‌ها با دانش انسانی ضروری است.

### زندگی نامه

سیمون کوزنتس ۳۰ آوریل سال ۱۹۰۱ در روسیه به دنیا آمد. پدر او تاجر ماهی بود و در اوایل جنگ جهانی اول، خانواده خود را به شهر خارکوف که یکی از بزرگ‌ترین مراکز اقتصادی، صنعتی و علمی شوروی بود، منتقل کرد. سیمون پس از انقلاب روسیه، به آمریکا مهاجرت کرد و وارد دانشگاه هاروارد شد.

### موفقیت‌ها

کوزنتس پس از دریافت مدرک دکترای خود به مدت سه سال در اداره ملی تحقیقات اقتصادی کار کرد، سپس در سال ۱۹۳۱ سمتی را در دانشگاه پنسیلوانیا پذیرفت. او در سال ۱۹۵۴ به دانشگاه جانز هاپکینز رفت و در سال ۱۹۶۰ به دانشگاه هاروارد نقل مکان کرد و تا زمان بازنشستگی خود در سال ۱۹۷۱ در این دانشگاه ماند. او در سال ۱۹۷۱ به دلیل تفسیر و برداشت تجربی از رشد اقتصادی نوبل را دریافت کرد.

## میلتون فریدمن

### برنامه‌ریزی کنید



مردم مایل‌اند حتی اگر درآمد طول عمرشان یکسان نباشد، مصرف خود را به‌طور یکنواخت حفظ کنند و لذا بر نقش ثروت در تابع مصرف تأکید می‌شود. به بیان دیگر، مردم رفتار مصرفی خود را نه تنها به سطح درآمد جاری، بلکه به فرصت‌های مصرفی بلندمدت و دائمی ارتباط می‌دهند. مردم در طول زندگی خود، طوری برنامه‌ریزی می‌کنند که با این درآمد، مصرف در طول عمر تغییر نکند. در این نگاه، درآمدهای باآورده و یا زیان‌های احتمالی در مصرف دائمی منظور نمی‌شود و فقط درآمدهای دائمی و قطعی در مصرف مصرف‌کننده مؤثر است.

### زندگی نامه

فریدمن در ۳۱ ژوئیه سال ۱۹۱۲ در نیویورک به دنیا آمد. او تحصیلات آکادمیک خود را در دانشگاه راجرتز نیوجرسی شروع کرد، فوق لیسانس خود را از دانشگاه شیکاگو گرفت و در سال ۱۹۴۶ موفق به دریافت مدرک دکترای اقتصاد از دانشگاه کلمبیا شد. فریدمن در دانشگاه شیکاگو کانون فکری ایجاد کرد که بعدها چندین نفر از اعضای آن برنده جایزه اقتصاد نوبل شدند و این کانون فکری به «مکتب اقتصادی شیکاگو» معروف شد.

### موفقیت‌ها

فریدمن در سال ۱۹۶۲ کتاب «سرمایه‌داری و آزادی» را منتشر کرد که مهم‌ترین کتاب اوست. این کتاب در بیش از ۵۰۰ هزار نسخه به چاپ رسیده و به ۱۸ زبان ترجمه شده است. او نوبل اقتصاد را در سال ۱۹۷۶، نشان ملی علوم را در سال ۱۹۸۸ و مدال آزادی، نشان ویژه ریاست جمهوری را در سال ۱۹۸۸ دریافت کرد.

## رابرت لوکاس

### نیروی کار تحصیل کرده



عنصر کلیدی و مهمی که باید به آن اشاره کنم، آزادی اقتصادی است. مردم باید برای شروع ایده‌هایشان آزادی داشته باشند؛ بنابراین باید آنها را به سمت بهترین راه ممکن که بهترین کارکرد را دارد، ترغیب کرد. این همان چیزی است که در چین شروع شده است. این موضوع در کره جنوبی نیز رخ داده ولی در کره شمالی خیر. منظور من این است که آزادی بیشتر منجر به وضعیت بهتر برای توسعه اقتصادی می‌شود. البته برای افزایش رشد اقتصادی به چیزی بیش از آزادی نیاز است، ولی در عین حال آزادی، عنصر کلیدی محسوب می‌شود. عامل دوم که به سرعت باید رخ دهد، بحث تحصیلات است. ایران باید نیروی کار تحصیل‌کرده داشته باشد. این‌ها دو عنصر اصلی هستند.

### زندگی نامه

رابرت لوکاس در سال ۱۹۳۷ در یاکیمای واشنگتن به دنیا آمد. در سال ۱۹۵۵ از مدرسه روزولت فارغ‌التحصیل شد و از دانشگاه شیکاگو بورسیه تحصیلی گرفت. همچنین با دریافت کمک‌هزینه تحصیلی «وودرو ویلسون» موفق به ورود به دانشگاه کالیفرنیا برای تحصیل در دوره کارشناسی ارشد رشته تاریخ شد.

### موفقیت‌ها

او شاگرد میلتون فریدمن بود و با بهره‌گیری از آموزه‌های اساتید اقتصاد، مقاله تأثیرگذار خود با عنوان «انتظارات و خنثی بودن پول» را در سال ۱۹۷۲ به چاپ رساند. پس از ۲۳ سال کنکاش و تحقیق یکی از موضوعات اصلی سخنرانی نوبل او در سال ۱۹۹۵ همین مقاله بود.

#### مایکل دل تکرار نکنید



کسب‌وکاری راه نیندازید که هرکس دیگری هم مشغول انجام آن است، به‌دنبال کسب‌وکاری نروید که در ظاهر پول زیادی نصیبتان می‌کند، کسب‌وکاری راه بیندازید که به آن علاقه دارید. / اگر سعی دارید همه چیز را خودتان کنترل کنید، باد بدانید که خود را محدود خواهید کرد. اینکه تمام تصمیم‌گیری‌های سازمان را به مرکز شرکت یا یک شخص واگذار کنید، اشتباه بزرگی است. / خیلی چیزها باعث موفقیت می‌شوند. من نمی‌خواهم فقط به کارهایی بپردازم که خودم دوست دارم. می‌خواهم کارهایی انجام بدهم که باعث موفقیت شرکت می‌شوند.

#### زندگی‌نامه

مایکل دل در سال ۱۹۶۵ در شهر هیوستون به دنیا آمد. پدرش روان‌پزشک و مادرش کارمند شرکت بورس بود. دل از ۱۲ سالگی به کار مشغول شد و پس از مدتی ظرف‌شویی، به‌سرعت پیشرفت کرد و مدیریت بخشی از کارگران را بر عهده گرفت. مایکل به اصرار والدینش در سال ۱۹۸۳ وارد دانشکده پزشکی شد. درآمد او در ماه اول کار به ۱۸۰ هزار دلار رسید. مایکل در سال ۱۹۸۴، شرکت PC's Limited را ثبت کرد. رشد کسب و کار او به حدی بود که در سال اول شروع به کار، درآمدش به بیش از ۶ میلیون دلار رسید.

#### موفقیت‌ها

رشد شرکتی که مایکل دل بنا کرده بود به حدی رسید که او در ۲۷ سالگی به‌عنوان مدیرعامل در لیست ۵۰۰ شرکت برتر وبسایت فورچن قرار گرفت. او در سال ۱۹۹۸ شرکت MSD Capital را برای این منظور ثبت کرد. فعالیت‌های این شرکت شامل مدیریت تمامی سرمایه‌گذاری‌ها و املاک و مستغلات خانواده دل است. او در سال ۲۰۱۳ جایزه Bower مؤسسه فرانکلین را در بخش رهبری کسب و کار دریافت کرد.

#### استیو وزنیک تمام تفکراتم درست بود



شما تا وقتی جوان هستید می‌توانید چیزهای بسیار بزرگی بسازید که بتوانند زندگی‌تان را تأمین کنند. به استارت‌آپ‌های بزرگ نظیر اپل، مایکروسافت، گوگل، فیس‌بوک و توییتر نگاه کنید، تمامی آنها را جوانانی ساختند که سعی می‌کردند چیزی را که تا به حال دیده نشده خلق کنند. هر جایی که افراد باهوش کار کنند، درها برایشان باز خواهد شد. بهترین چیزها ثمره مستقیم تخیل شما هستند که پیش از آن کسی سراغشان نرفته و در رابطه با آنها اخباری وجود ندارد. تمام تفکرات، دلایل و اقدامات من در هر زمان از زندگی‌ام با تصمیم درستی انجام شده‌اند. حال اینکه چه نتیجه‌ای در پی داشته اهمیت بی‌ارزش دارد.

#### زندگی‌نامه

استیو وزنیک ۱۱ آگوست ۱۹۵۰ در سن خوزه ایالات کالیفرنیا در آمریکا به دنیا آمد. او اولین کامپیوترش را در ۱۳ سالگی ساخت. ۱۹ ساله بود که با استیو جابز ۱۴ ساله آشنا شد و با هم یک جعبه آبی الکترونیک درست کردند و توانستند به رایگان از خدمات تلفن استفاده کنند. به همین ترتیب در گاراژ منزل استیو جابز و با دانش فنی استیو وزنیک کاری صورت گرفت: نخستین کامپیوتر شخصی توسط وزنیک طراحی شد.

#### موفقیت‌ها

در سال ۱۹۷۶ وزنیک در ۲۶ سالگی همراه با رونالد وین و استیو جابز کمپانی اپل را تأسیس کرد. وزنیک اپل II را طراحی و پیاده‌سازی کرد. شرکت اپل تا سال ۱۹۸۳ به ارزش ۹۸۵ میلیون دلار رسید. وزنیک سرانجام در سال ۱۹۸۵ از اپل جدا شد اما سهام‌دار آن باقی ماند.

#### سرگی برین اعتماد مردم



اگر مردم به ما اعتماد نداشته باشند، دوام نخواهیم آورد. / در نهایت شما می‌خواهید همه دانش جهان را در ذهن خود داشته باشید. / ما می‌خواهیم گوگل، نیمکره سوم مغز شما باشد. / بدیهی است که همه مردم می‌خواهند موفق باشند. ولی من می‌خواهم به شیوه‌ای بسیار نوآورانه، صادقانه و درستکارانه در جهان تغییری ایجاد کنم که زندگی مردم را بهبود دهد.

#### زندگی‌نامه

سرگی برین ۴۴ ساله در تاریخ ۲۱ آگوست سال ۱۹۷۳ در مسکو شوروی به دنیا آمد. خانواده برین در زمان جنگ شوروی به دلیل وضعیت ناپسند کشورشان و آینده سرگی، به آمریکا مهاجرت کردند. سرگی در سال ۱۹۹۳ وارد دانشگاه استنفورد کالیفرنیا و در این زمان با لری پیج آشنا شد. در حال حاضر سرگی برین با همکاری لری پیج مدیرعامل شرکت آلفابت هستند که مؤسس گوگل به حساب می‌آید. برین مدیرعامل آلفابت است و از طرف دیگر گوگل ایکس و شرکت‌های دیگری را زیر مجموعه خود دارد.

#### موفقیت‌ها

آن‌ها با هم یک مقاله پژوهشی تحت عنوان «آتومی یک موتور جست‌وجوی بسیار بزرگ‌اثر» منتشر کردند. تحقیقات مشترک سرگی برین و لری پیج مورد استقبال شدید استادان استنفورد قرار گرفت و آن‌ها متوجه شدند که با توسعه الگوریتم، می‌توانند یک موتور جست‌وجوی واقعی فوق‌العاده بسازند. در سال ۲۰۱۰، خودرویی بدون سرنشین معرفی کردند که با بهره‌گیری از هوش مصنوعی با استفاده از دوربین‌های ویدئویی و سنسورهای ردیاب خود را کنترل می‌کرد. برین در حاضر ۵۵.۲ میلیارد دلار سرمایه دارد.

#### استیو جابز خلاقت و نوآوری



همه ما باید در زندگی فوق‌العاده باشیم؛ چراکه این زندگی ما است. زندگی کوتاه است و مرگ فرا می‌رسد. پس بهتر است کاری را انجام دهیم که ارزش زندگی را داشته باشد. / «تمرکز و سادگی» مانتراهای من بوده‌اند. سادگی می‌تواند سخت‌تر از پیچیدگی باشد. برای سخت کار کردن باید ذهنتان را پاک کنید تا مسائل برایتان ساده شوند. / من فکر می‌کنم اگر کاری انجام می‌دهید و خوب پیش می‌رود، نباید به آن اکتفا کنید. باید در پی کاری فوق‌العاده‌تر باشید، نه اینکه در آن ساکن شوید. به این فکر کنید که کار عالی و شگفت‌آور بعدی چیست. / آنچه یک رهبر را از یک پیرو متمایز می‌کند، خلاقت و نوآوری است.

#### زندگی‌نامه

استیو جابز در ۲۴ فوریه سال ۱۹۵۵ در سان‌فرانسیسکو کالیفرنیا به دنیا آمد. پدر و مادر او دو دانشجو بودند که در نهایت، سرپرستی استیو جابز را به زوج دیگری سپردند. استیو زمانی که کودک بود به همراه پدرش در پارکینگ خانه روی قطعات الکترونیکی کار می‌کرد. زمانی که استیو در دبیرستان هومستد تحصیل می‌کرد، با شریک آینده خود یعنی استیو وزنیک آشنا شد. در سال ۱۹۷۴، جابز به عنوان طراح بازی‌های ویدئویی در شرکت آتاری مشغول به کار شد.

#### موفقیت‌ها

چند ماه بعد، استیو این شرکت را ترک کرد تا به یک سفر معنوی به هند برود. در نهایت در سال ۱۹۷۶ زمانی که ۲۱ ساله بود به همراه وزنیک، شرکت رایانه‌ای اپل را پایه‌گذاری کرد. این همکاری دوفره از پارکینگ خانه جابز شروع شد. این دو نفر فعالیت خود با فروش محصولات ساخت خودشان آغاز کردند. اولین مدل از این رایانه، اپل I نام‌گذاری شد که قیمت آن ۶۶۶ دلار و ۶۶ سنت بود. فروش این رایانه در آمدی ۷۷۴ هزار دلاری برای شرکت به دنبال داشت.

## پیتل تیل رازهای پنهان



یک استارت‌آپ تیمی از افراد در حال مأموریت است، و یک فرهنگ خوب درست همان چیزی است که از درون به نظر می‌رسد. / فروش شرکتان به رسانه‌ها بخش مهمی از فروش آن به همه است. / بهترین کارآفرین این را می‌داند: هر کسب و کاری بر مبنای رازهایی پنهان از دنیای خارج بنا شده است. / همه ما نقشی در مشکلات کشورمان داریم.

### زندگی نامه

پیتل تیل در ۱۱ اکتبر سال ۱۹۶۷ در فرانکفورت متولد شد. او بیزینس من، بشر دوست، فعال سیاسی، و نویسنده است. او دکترای خود را از دانشگاه استنفورد در رشته حقوق دریافت کرد. تیل به همراه دو نفر از دوستانش پی‌پل (PEOPLE) را تأسیس کردند و تیل به عنوان مدیرعامل این شرکت خدمت می‌کند. او از اولین سرمایه‌گذاران خارجی فیس‌بوک بوده که در سال ۲۰۰۴ با مبلغ ۵۰۰ هزار دلار توانست ۱۰.۲ درصد از سهام این شرکت را از آن خود کند. او همچنین در سال ۲۰۰۳ شرکت نرم‌افزار پلاتین را تأسیس کرد که در حال حاضر ۲ هزار کارمند دارد.

### موفقیت‌ها

تیل علاوه بر سرمایه‌گذاری در فیس‌بوک در چندین استارت‌آپ دیگر هم سرمایه‌گذاری کرده که از جمله این شرکت‌ها Slide، LinkedIn و Friendster است. او همچنین بزرگ‌ترین صندوق پوشش جهانی را تأسیس کرد که این صندوق در بسیاری از استارت‌آپ‌ها سرمایه‌گذاری کرده است. دارایی صندوق دارایی Clarium ۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ بوده است. گفته می‌شود پیتل تیل به اقتصاد لیبرتارین (طرفدار استقلال و اقتصادی که به طور کامل بر بازار و دولت مبتنی است) معتقد است.

## ایندرا نویی چرا همه چاق هستیم؟



تعریف رهبری دشوار است و رهبری خوب حتی سخت‌تر. اما اگر بتوانید مردم را وادار کنید تا شما را تا انتهای زمین دنبال کنند، شما یک رهبر بزرگ هستید. من بسیار صادق هستم؛ بی‌رحمانه صادق. من همیشه به چیزها از منظر آنها و همچنین مال خودم نگاه می‌کنم. و می‌دانم کی باید دور شوم. هرکدام از ما ناآگاهانه در مشکل چاقی نقش داشته‌ایم.

### زندگی نامه

ایندرا نویی در سال ۱۹۵۵ در هند متولد شد. ایندرا دورگه هندی - آمریکایی و مدیرعامل شرکت پیپسی است. او دوران مدرسه را در هندوستان سپری کرده و به مدرسه‌ای در کلکته رفته است. در سال ۱۹۷۴ در دانشگاه در رشته ریاضی و فیزیک مدرک کارشناسی و در سال ۱۹۷۸ در رشته مدیریت مدرک کارشناسی ارشد گرفت. ایندرا پس از فارغ‌التحصیلی در همان هند شروع به کار کرد و به عنوان مدیر تولید در یک کارخانه مشغول به کار شد. سپس به آمریکا مهاجرت کرد.

### موفقیت‌ها

ایندرا کارش را با گروه مشاوران بوستون آغاز کرد. همچنین به عنوان مسئول امور خارجی شرکت هم انتخاب شد. گزارش‌ها نشان می‌دهد از زمان انتصاب «نویی» به عنوان مدیر اجرایی کارخانه بزرگ پیپسی کولا، در آمد سالانه این شرکت، با ۷۲ درصد افزایش، به ۵.۶ میلیارد دلار تا پایان سال ۲۰۰۷ میلادی رسید. او در سال ۲۰۱۱ برای اولین بار وارد لیست ۵۰ زن ثروتمند فوربز شد. او در حال حاضر هر هفته به یک بازار سر می‌زند تا ببیند محصولاتشان در قفسه‌های فروشگاه‌ها چگونه دیده می‌شوند.

## مارک کیوبن اسب‌های سریع



فروختن چیزی با دلیل، یکی از ارزشمندترین درس‌هایی است که به عنوان یک کارآفرین جوان فراگرفتم. از دو چیز کاملاً مطمئن بودیم: اول اینکه کسب و کاری خلق کنیم که اگر جای مشتری‌اش باشیم دوست داشته باشیم از آن خرید کنیم، و دو اینکه، محیط کاری درست کنیم که اگر کارمند آن باشیم دوست داشته باشیم در آن کار کنیم. من اگر قرار بود از مشتریانم بپرسم به چه چیزی احتیاج دارند، آنها می‌گفتند به اسب‌هایی سریع‌تر.

### زندگی نامه

مارک کیوبن ۳۱ جولای ۱۹۵۸ در پنسیلوانیای آمریکا به دنیا آمد. در ۱۲ سالگی در محله‌های اطراف کیسه زباله می‌فروخت. او در پیگی مشکل بینایی داشت و فرصت کمی برای درس خواندن در روز داشت. اما بعدها توانست وارد دانشگاه ایندیانا شود. او از پیگی دوست نداشت استراحت کند و به نظر می‌رسد این ویژگی موجب موفقیتش شده است.

### موفقیت‌ها

کیوبن در سال ۱۹۸۳ یک شرکت کامپیوتری با نام «میکرو سلوشن» با کاربری مشاوره کامپیوتری بنا کرد که در عرض چند سال به سرعت به اولین شرکت مشاوره و ادغام سیستم‌ها تبدیل شد و از سال ۱۹۹۰ این شرکت سالانه درآمدی معادل ۳۰ میلیون دلار به دست آورد. او در سال ۱۹۹۵ سایت «برودکست دات کام» را تأسیس کرد و در ۱۹۹۹ به یاهو فروخت. در حال حاضر او سهام یک تیم بسکتبال را نیز خریداری کرده است.

## تد ترنر ورزش نوعی جنگ است



ذهن فقط یک عضله دیگر است. شما هرگز نمی‌توانید کنار بروید. برندگان هرگز کنار نمی‌روند، و کناره گیرها هرگز برنده نمی‌شوند. زندگی یک بازی است. ثروت امتیاز ما است. ورزش مانند جنگ اما بدون کشتار است.

### زندگی نامه

ترنر در ۱۹ نوامبر سال ۱۹۳۸ در اوهایو به دنیا آمد. پدر او زمان جنگ جهانی دوم در ارتش نام‌نویسی کرد و تد مجبور شد محل تحصیل خود را انتقال دهد. تد ترنر پس از طی دوران نوجوانی و چند مورد ناکامی در ادامه تحصیلات آکادمیک در دانشگاه‌های مطرح ایالات متحده به همکاری با پدرش روی آورد که کارش در زمینه تبلیوردهای تبلیغاتی بود. در سال ۱۹۶۳ پدر او به دلیل بیماری‌های روانی که از گذشته داشت، خود را کشت.

### موفقیت‌ها

تد ترنر شبکه‌های ورزشکته‌ای با امواج UHF را خرید و توانست با اجاره یک کانال در ماهواره SATCOM II و انتقال برنامه‌های شبکه‌های یادشده به کانال ماهواره‌ای معروف شود. او در سال ۱۹۸۰ با سرمایه بالا شبکه ۲۴ را راه‌اندازی کرد که در راستای آن CNN نیز تأسیس شد. پخش مستقیم و جنجالی خبر تلاش برای ترور ریگان رئیس‌جمهور وقت آمریکا در سال ۱۹۸۱ سبب شهرت بیش از پیش این شبکه شد.

#### سید ضیاءالدین جلالیان، بنیان‌گذار کارخانه مداد پارس راوی قصه مدادها



سید ضیاءالدین جلالیان می‌گوید: «مخالف آزاد شدن واردات مداد و چیزهای دیگر نیستم منتها می‌گویم باید رقابت واقعی شکل بگیرد؛ ببینید وقتی سال‌های بسیاری قیمت ارز را ثابت نگه می‌دارند دیگر امکان رقابت از تولیدکننده داخلی گرفته می‌شود؛ واقعیت این است که سوءمدیریت این سال‌ها کمر تولید داخل را شکست.»

#### زندگی‌نامه

سید ضیاءالدین جلالیان متولد سال ۱۳۳۵ در شهر یزد است. شغل اجدادی خانواده‌اش شیرینی‌پزی بوده است و پدر، پدر بزرگ و پدر پدر بزرگش مغازه و کارگاه شیرینی‌پزی داشته‌اند، مغازه پدرش در میدان امام خمینی (پهلوی سابق) یزد بود که هنوز هم تابلو مغازه را نگه داشته‌است؛ «شیرینی حاج سید محمود جلالیان» ولی خب او سراغ کار پدر نرفت و ترجیح داد وارد تولید صنعتی شود. او دانش آموخته رشته مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران است.

#### موفقیت‌ها

او در سال‌های جنگ تحمیلی و بعد از اینکه در جبهه مجروح شد تصمیم گرفت واحد صنعتی کوچکی راه‌اندازی کند و از بین لیست صنایع مورد نیاز کشور که از سوی وزارت صنعت و معدن تهیه شده بود، کارخانه مدادسازی را انتخاب کرد و از آنجایی که عاشق نام پارس بود، نام کارخانه را مداد پارس گذاشت. او نام مداد پارس را در سال ۱۳۶۱ ثبت کرد و پروانه کارخانه را گرفت ولی عملاً سال ۱۳۶۴ کار کلید خورد و کارخانه افتتاح شد.

#### منوچهر سالور، پدر صنعت سیمان ایران مرد سیمان



منوچهر سالور به کار و توجه به جنبه‌های انسانی کار معتقد و متعهد بود. او به توانمندی نیروی کار جوان ایران اعتماد داشت و زمینه شکوفایی استعداد آن‌ها را در محیط کار فراهم می‌کرد. او تلاش می‌کرد مهندسان ایرانی در کنار مهندسان خارجی، به تمام امور کارخانه، دانش فنی و... تسلط پیدا کنند تا اگر مهندس خارجی از ایران رفت امور واحد صنعتی از کار نیفتد.

#### زندگی‌نامه

او فرزند حسنقلی میرزا سالور (اعتمادالسلطنه) بود و در مهر ۱۲۹۳ یعنی ۱۰۵ سال پیش در تهران به دنیا آمد و به دلیل از دست دادن پدرش در کودکی نزد مادر و خواهرش بزرگ شد. منوچهر سالور با پشت سر گذاشتن مقطع ابتدایی به دبیرستان صنعتی ایران و آلمان رفت و در سال ۱۳۱۴ در رشته برق درسش را به پایان رساند و پس از آن به عنوان کارآموز فنی در کارخانه سیمان ری مشغول به کار شد. با پایان دوره دبیرستان در هنرهای عالی (دانشگاه علم و صنعت فعلی) مشغول به تحصیل شد و توانست در رشته مهندسی برق و ماشین‌فارغ‌التحصیل شود، پس از آن راهی خدمت سربازی شد و با پایان این دوره در سال ۱۳۱۹ با سمت کمک مهندس برق به کارخانه سیمان ری بازگشت.

#### موفقیت‌ها

منوچهر سالور بیش از ۶۰ سال در راه مدیریت صنعتی کشور و راه‌اندازی کارخانه‌های زیربنایی بسیاری از جمله سیمان فارس، سیمان دورود، سیمان فسا، سیمان بهبهان، سیمان آبیگ و... نقشی اساسی داشت و سال‌ها مدیریت بزرگ‌ترین هلدینگ سیمان کشور یعنی سیمان فارس-خوزستان را برعهده داشت و زمینه ساخت سد دز را با تولید مواد اولیه لازم برای ساخت آن فراهم کرد. او همچنین از سوی سازمان برنامه مأمور ساخت چند کارخانه قند از جمله کارخانه قند پارس، قند اقلید و قند یاسوج شد و این پروژه‌ها را به سرانجام رساند.

#### علیرضا صادقیان، بنیان‌گذار نت برگ حراج خدمات



علیرضا صادقیان می‌گوید: ما یک درس استراتژی در دانشگاه داشتیم که خیلی هم پرطرفدار بود. استاد این درس‌مان می‌گفت موفقیت سه چیز است: مدیریت، استراتژی و شانس؛ هر کدام از اینها یکسوم اهمیت دارند و هیچ‌کدام را نباید دست‌کم گرفت، بعد هم از زندگی افرادی مثل استیو جابز، بیل گیتس و... مثال می‌زد تا نشان دهد که این سه عامل چگونه وجود داشته‌اند.

#### زندگی‌نامه

علیرضا صادقیان متولد سال ۱۳۶۴ (۳۴ ساله) در شهر یزد است. او از نوجوانی و در سفری خانوادگی به آلمان با اینترنت آشنا شد و از همان زمان رابطه‌ای عمیق با وب پیدا کرد و از اواخر دوره دبیرستان و اوایل دانشگاه عملاً شروع به طراحی انواع سایت‌ها از جمله سایت فروش آنلاین فرش کرد. او بعد از گذراندن یک دوره در مدرسه تابستانه دانشگاه هاروارد، از دانشگاه کلمبیا در نیویورک پذیرش گرفت و در رشته ام‌بی‌ای فوق‌لیسانس گرفت.

#### موفقیت‌ها

علیرضا صادقیان از جوانی باتوجه به موقعیت پدرش که یکی از کارآفرینان برتر کشور و از بنیان‌گذاران کارخانه‌های فرش کویر یزد، کارخانه تک‌ماکارون و... است، امکان حضور در واحدهای تولیدی و شرکت‌های صنعتی را داشت و همین موضوع هم او را کارگشته کرد. او بعد از تحصیل تصمیم گرفت باتوجه به دانشی که در آمریکا کسب کرده بود، کسب و کار خود را راه‌اندازی کند و در این مسیر پسرعمویش هم که در لندن زندگی می‌کند همراه او شد. آن‌ها با استفاده از ایده سایت گوپرون و فارسی‌سازی ایده سایت ارائه خدمات با تخفیف نت برگ را راه‌اندازی کردند.

#### مانی مشعوب، بنیان‌گذار فروشگاه‌های زنجیره‌ای لباس آموزش کودکان، زیربنای ساخت کشور



مشعوب معتقد است دولت‌ها بخش مهمی از سرمایه کشور را باید در راه آموزش خرج کنند و می‌گوید ارتقای کیفیت آموزش کودکان مؤثرترین روش برای ارتقای کیفیت زندگی است. او چند سال پیش مبلغ ۱۰ میلیون دلار را به عنوان کمک به دانشگاه ایالتی سان‌فرانسیسکو برای رشد و توسعه آموزش هدیه داد که بزرگ‌ترین کمک مالی به این دانشگاه از زمان تأسیس محسوب می‌شود.

#### زندگی‌نامه

مانی مشعوب متولد سال ۱۳۲۰ در تهران است. در نوجوانی به آمریکا رفت و تحصیلات خود را در رشته علوم سیاسی در دانشگاه ایالتی سان‌فرانسیسکو در سال ۱۹۶۶ میلادی به پایان رساند ولی به دلیل علاقه به کارهای عملی در رشته تحصیلی‌اش مشغول کار نشد؛ او در ابتدا صاحب یک استیک‌فروشی بود ولی مدتی پس از آن به فکر راه‌اندازی فروشگاه لباس زنانه در سان‌فرانسیسکو افتاد.

#### موفقیت‌ها

مانی مشعوب صاحب بیش از ۳۱۲ فروشگاه پوشاک و انواع لباس و زیورآلات زنانه است؛ در فروشگاه‌های او انواع پوشاک زنانه با مارک بی‌بی، لباس‌های ورزشی با مارک بی‌بی و زیورآلاتی با همین مارک به فروش می‌رسد. مانی مشعوب نام تجاری بی‌بی را از روی عبارت فلسفی «بودن یا نبودن» شکسپیر در نمایش‌نامه «هملت» (to be or not to be) انتخاب کرده است. مجله فوربز مانی مشعوب را با ثروتی در حدود ۱٫۳ میلیارد دلار به عنوان سومین ثروتمند ایرانی معرفی کرده است. مشعوب فعالیت‌های گسترده‌ای در امور خیریه دارد.

# ..... آینده ما .....

## آرامش موج

ثبات در بازار طلا و ارز چگونه اتفاق افتاد و چه نشانه‌هایی در آن نهفته است؟

پیش از آن که سخت‌ترین تحریم‌های اقتصادی برای دومین بار در فاصله زمانی ۷ سال بر سر اقتصاد ایران فرود آید، سنسورهای بازار ارز به صدا درآمده بود. التهابات بازارهای طلا و ارز از اواخر سال ۱۳۹۶ آغاز شد در حالی که خروج آمریکا از برجام فروردین ۹۷ اتفاق افتاد و سه ماه پس از آن اولین تحریم‌ها عملیاتی شد. حساسیت بازارهای رایج به حدی است که پیش از وقوع رویدادها، از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند. سقوط ارزش پول ملی به یک سوم برای دومین بار در دهه ۹۰ اتفاق افتاد و بازارها را دگرگون کرد. تعدیل قیمت دارایی‌های ثابت و غیر ثابت با ارزش جدید ریال، تکانه‌ای بزرگ به بار آورد که امواج آن به سادگی در اقتصاد آرام نخواهد گرفت. پس از یک سال هیجان اما بازارها روی آرامش را دیده‌اند. این آرامش اما شاید ناشی از تخلیه هیجان ریال پس از رسیدن به نقطه جوش باشد چه این که عموم سرمایه‌های سرگردان در این مدت جایی را برای آرام گرفتن پیدا کرده‌اند. در این میان اما بازار سرمایه با سرعت پیش می‌رود. سرعتی که نشانه‌هایی از خطر را در خود دارد.



# خونریزی های جنگ اقتصادی

تکانه های ارزی در ۷ سال اخیر چه عواقبی برای بازارهای رایج به همراه داشته است؟

محمد عدلی

دبیر بخش آینده ما

چرا باید خواند:

سرگذشت و سرنوشت

بازارهای ارز، طلا، مسکن،

خودرو و سرمایه، هم

پرنیان های اقتصاد

اثر گذار است و هم از آن

تأثیر می پذیرد. این که

تحولات اقتصاد کلان

ناشی از تحریم های

اقتصادی چگونه التهابات

ارزی را رقم زده است و

این موضوع چه تأثیری بر

دارایی های افراد داشته

است، موضوعی است که

با بررسی دو تجربه تحریم

در فاصله ۷ سال قابل

ردیابی است.

دو جنگ در یک دهه برای هر جغرافیایی می تواند ویرانگر باشد به خصوص اگر هنوز آوارهای جنگ نخست جمع آوری نشده باشد و حمله دوم سر برسد.

اگر تحریم های آمریکا که با خروج از برجام اعمال شد، به عنوان جنگ و تروریسم اقتصادی شناخته می شود، تحریم های همه جانبه اوایل دهه ۹۰ را نیز باید حمله اقتصادی نامید؛ آن هم مدل نوین تحریم های نفتی و بانکی که کمترین روزه های نفوذ را باقی گذاشته است. بعدها از دهه ۹۰ شمسی به عنوان یکی از خاص ترین دهه های تاریخ ایران یاد خواهد شد. دهه ای که آغاز آن با جنگ اول جهانی علیه ایران آغاز و نیمه دوم آن نیز با تروریسم اقتصادی آمریکا همراه شد.

جنگ اول در سال ۱۳۹۱ و جنگ دوم در سال ۱۳۹۷ علیه ایران به ثبت رسید تا آیندگان، تحلیل های زیادی از عجایب دهه ۹۰ برای نقل کردن داشته باشند. هر چند جغرافیای ایران از جنگ های نظامی در امان مانده است اما جنگ های اقتصادی تلفات زیادی داشته است. نوسانات چشمگیر شاخص های کلان و بی ثباتی فضای کسب و کار ناشی از التهابات اقتصادی، نشانه های محکمی از تلفات جنگ اقتصادی در ایران به یادگار خواهند گذاشت.

دو جنگ بزرگ علیه اقتصاد ایران، شوک های عظیمی ایجاد کرد که ویرانه های آن به سرعت و سادگی قابل جمع آوری نیست. بررسی وقایعی که پس از جنگ اول از سرگذشت نشان می دهد که در جریان جنگ دوم نیز عموم وقایع قبلی مانند رویای صادقه از مقابل چشم ها عبور می کند. در میان تمامی نوسانات شاخص های کلان، یک رویداد بیشتر خود را نشان می دهد. رویدادی که بلافاصله پس از شروع جنگ و حتی پیش از آغاز آن هم زمان با پیش بینی وقوع جنگ ها، سر برآورد، سقوط ارزش پول ملی بود.

این واقعه زمانی تکان دهنده می شود که در فاصله زمانی کوتاه، تمامی معادلات معمول بازارها کنار می رود و ارزش دلار نسبت به ریال تا سه برابر می تازد. به همین دلیل نام آن را تکانه ارزی گذاشته اند. اقتصاد ایران در طول ۷ سال به واسطه جنگ های اقتصادی پیاپی، دو بار تکانه ارزی شدید را تجربه کرد که در تاریخ اقتصاد ایران سابقه نداشته است. بازیابی اقتصاد پس از هر کدام از این تکانه ها به فرض اعمال سیاست های اقتصادی جبرانی، سال ها زمان می برد اما نبرد دوم نه تنها این فرصت را به اقتصاد ایران نداد که تکانه ای جدید به راه انداخت که خود عواقب سهمگینی داشته است. فاصله جنگ دوم با جنگ اول خیلی نزدیک بود اما شاید تا بازیابی توان اقتصادی جامعه، خیلی دور باشد.

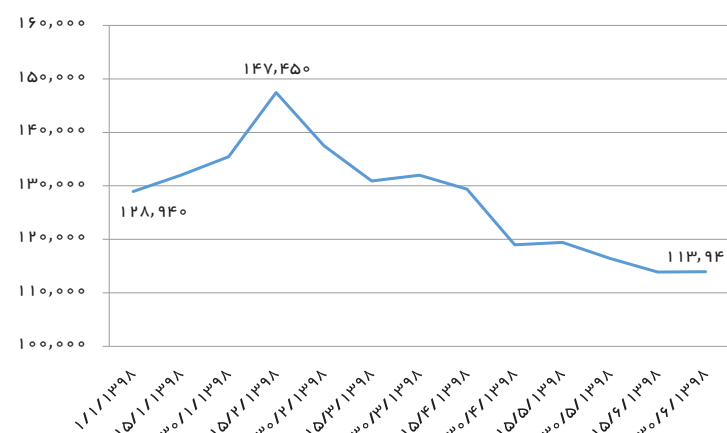
## اصل تشابه رویدادها

سقوط ارزش پول ملی به یک سوم در اوایل دهه ۹۰، موج بزرگی در بازارها به راه انداخت. با کم ارزش شدن ریال، دارندگان تمامی دارایی های منقول و غیرمنقول سعی کردند ارزش خود را با ارزش روز پول ملی تراز کنند. از این رو بود که افزایش قیمت ها به غیر از بازار ارز، طلا، خودرو و سرمایه، در بازار مسکن نیز جلوه گر شد تا دارندگان ملک نیز دارایی خود را با قیمت جدید ریال تعدیل کرده باشند.

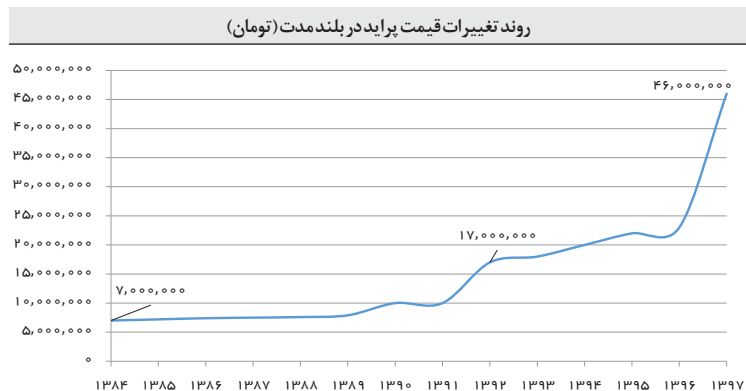
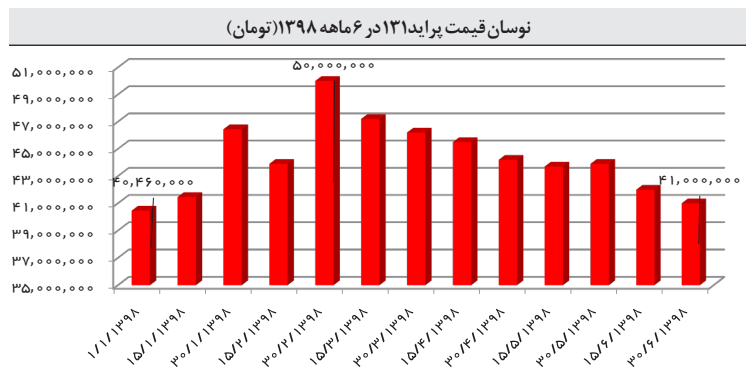
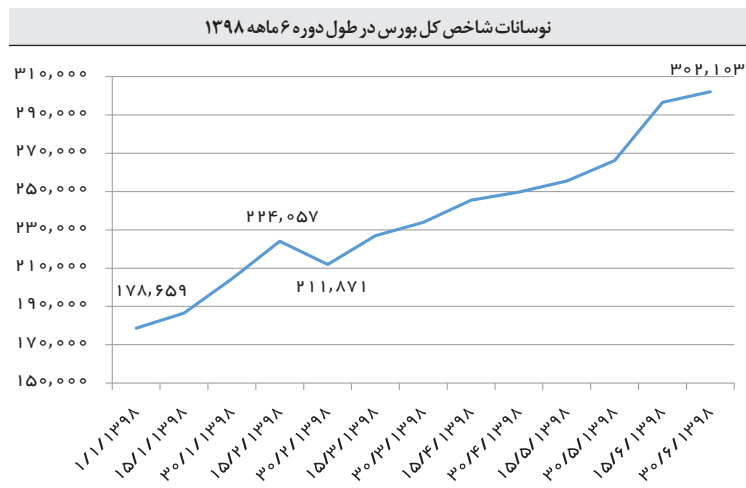
اصل تشابه رویدادها در دو جنگ اقتصادی با تکرار سرگذشت بازارها، به اثبات رسید. در جریان تحریم های جدید که از سال ۱۳۹۷ آغاز شد نیز به مانند سال ۱۳۹۱ قیمت انواع ارز در بازار رو به صعود گذاشت که به کاهش ارزش پول ملی تعبیر می شود. قیمت سکه نیز به تبع دلار فرونی یافت و ارزش سهام شرکت ها در بورس نیز بالا رفت تا رشد چشمگیر شاخص بورس نیز اتفاق بیفتد. پس از آن سایر کالاها وارد چرخه افزایش قیمت شدند. خودروهای داخلی و خارجی خود را با ارزش جدید ریال تطبیق دادند. زمین و مسکن نیز بعد از چند سال رکود به یکباره وارد دوره جهش قیمت شد. تطبیق با ارزش پول ملی یکی از اصلی ترین دلایل افزایش قیمت مسکن بود به همین دلیل با وجود کاهش چشمگیر معاملات در این بازار، قیمت ها وارد مدار نزولی شد. زمانی این اتفاق روی داد و عقب گرد قیمت با شیب بسیار ملایم در بازار مسکن کلید خورد که ارزش ریال در برابر دلار طی ماه های اخیر اندکی تقویت شد.

تب تند بازارها اما پس از یک سال فروکش کرده است. دلار که زمانی تا ۱۶ هزار تومان پیش رفته بود، تا کنال ۱۱ هزار تومان پایین آمده و دو ماه است که در همین محدوده نوسانات جزئی را دنبال می کند. افول تقاضا در این بازارها به حدی بوده است که حباب قیمت سکه بهار آزادی نیز از بین رفته است و بهای آن از ۵ میلیون تومان به حدود ۴ میلیون تومان کاهش یافته است. از همین رو است که رئیس جمهور از افزایش ۴۰ درصدی ارزش پول ملی طی نیمه نخست امسال سخن گفته است.

نوسانات قیمت دلار در ۶ ماهه ۱۳۹۸ (ریال)



دو جنگ بزرگ علیه اقتصاد ایران، شوک‌های عظیمی ایجاد کرد که ویرانه‌های آن به سرعت و سادگی قابل جمع‌آوری نیست. بررسی وقایعی که پس از جنگ اول از سر گذشت نشان می‌دهد که در جریان جنگ دوم نیز عموم وقایع قبلی مانند رویای صادقه از مقابل چشم‌ها عبور می‌کند.



### کاهش دمای پول

سال ۱۳۹۷ همانند سال ۱۳۹۱ به عنوان اولین سال‌های وقوع جنگ اقتصادی، بالاترین دمای پول در اقتصاد ایران به ثبت رسید. اصطلاح «پول داغ» را زمانی به کار می‌برند که هیچ‌کس حاضر نیست سرمایه ریالی خود را در دست نگه دارد و بلافاصله آن را رها می‌کند تا کالای دیگری را جاکزین کند. کالایی که نگهداری آن به حفظ ارزش دارایی‌های صاحب سرمایه بینجامد چراکه ارزش پول ملی را رو به افول می‌بینند و نمی‌خواهند روز به روز شاهد کاهش ارزش دارایی خود باشند بنابراین کالاهای سرمایه‌ای دیگری نیز طلا، ارز، خودرو

بازار کالاهای با دوام و سرمایه‌ای نیز چنین سرنوشتی را با شتاب کمتری تجربه کرده است. قیمت انواع خودرو نسبت به فروردین‌ماه سال جاری کاهش یافته است و قیمت مسکن نیز در شهریورماه برای دومین ماه پیاپی روند نزولی را تجربه کرده است هرچند که این بازار با مقاومت بیشتری در قیمت‌ها همراه است به همین دلیل سرعت کاهش قیمت در این بازار اندک است.

در روزهایی که ثبات و آرامش به ازارهای رایج بازگشته و جانشین التهاب سهمگین در سال گذشته شده است اما یک بازار با سرعت به سوی فتح قله‌ها پیش می‌رود. درست در همین ایام رکود، ارزش سهام شرکت‌ها در بورس رو به افزایش گذاشته است. شاخص کل بورس قله ۳۰۰ هزار واحد را پشت سر گذشت و همچنان به رکوردزنی ادامه می‌دهد. سرعت جهش بورس به قدری است که نمی‌توان بر روی ماندگاری شاخص در یک کانال حتی در یک روز حساب کرد. برخی تحلیل‌گران معتقدند که سرمایه‌های سرگردانی که از بازار طلا، ارز و خودرو خارج شده، وارد بورس شده و به این بازار رونق بخشیده است اما دسته دیگری هستند که با بدبینی نسبت به این رشد می‌نگرند. آن‌ها بر این باورند که بازارسازی و شاخص‌سازی از سوی بازیگران اصلی از جمله دولت و شبه دولت، نقش اصلی را در تحولات اخیر ایفا می‌کند. هرچند برای ورود و گردش سرمایه‌ها در بورس نیز سهم زیادی قائل می‌شوند اما هم‌زمان از بزرگ شدن حباب در شاخص بورس نیز سخن به میان می‌آورند. همان حبابی که در سال ۱۳۹۲ تجربه شده بود و ترکیب آن آسیب‌های زیادی به سهام‌داران وارد آورد.

### درس از گذشته نزدیک

شاید لازم باشد که بازهم به اصل تشابه وقایع در دو جنگ اقتصادی انکا شود و از این طریق آینده را پیش‌بینی کرد. اگر بازارهای رایج ادامه مسیر را هم به مانند آنچه تا امروز بر مبنای همان رویدادهای نبرد اول، پیش ببرند، می‌توان برآورد کرد که سرنوشت تنها بازار پرونوق این روزها چه خواهد شد. بازار سرمایه در حالی به رشد قابل توجه خود ادامه می‌دهد که خاطرات تلخی را از جهش قبلی در زمان جنگ اول اقتصادی به جا گذاشته است. در آن دوره نیز رکوردشکنی‌های بورس درست پس از فروکش کردن تب بازار طلا و ارز آغاز شد. در ۲۶ دی‌ماه ۱۳۹۲ رکورد ۸۹ هزار واحد برای شاخص کل بورس در حالی به ثبت رسید که جهش قیمت ارز در سال ۱۳۹۱ اتفاق افتاده بود و در سال ۱۳۹۲ بهای دلار از ۳ هزار و ۶۰۰ تومان تا ۲ هزار و ۹۰۰ تومان پایین آمده بود. رکوردشکنی‌های بورس اما از میانه‌های زمستان سال ۹۲ به بعد جای خود را به افت شاخص داد و رفته‌رفته عمق رکود در این بازار بیشتر شد. بسیاری از سهام‌داران که با امید افزایش بازدهی وارد این بازار شده بودند با ناامیدی آن را ترک کردند و زیان دیدند. پس از آن به مدت ۴ سال بورس در رکود باقی ماند و از قله ۸۹ هزار واحدی نیز فاصله زیادی گرفت. سرانجام در سال ۱۳۹۶ موفق شد تا رکورد سال ۱۳۹۲ را جابه‌جا کند. شاخص کل بورس سال ۹۶ از ۱۰۰ هزار واحد عبور کرد؛ در سال ۱۳۹۷ تا ۱۹۵ هزار واحد پیش رفت و در نیمه اول سال جاری ۳۰۰ هزار واحد را پشت سر گذاشت. با وجود این اگر همه رویدادها در بازارها به مانند دوره گذشته نوسانات در جریان جنگ اول اقتصادی پیش برود، باید انتظار داشت که حباب بازار سرمایه نیز بترکد و افت شاخص‌ها در این بازار از راه برسد.

### بورس حباب دارد؟

هرچند که رشد شاخص بورس، خیلی‌ها را به دنیای سهام علاقه‌مند کرده و سرمایه‌گذاران جدیدی از سایر بازارهای راکد به سوی این بازار آمده‌اند اما همچنان سرمایه‌گذاران این بازار بیشتر اشخاص حرفه‌ای و بنگاه‌های اقتصادی مانند بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران بزرگ هستند. بر خلاف سه بازار ارز، طلا و مسکن، بازار سرمایه تخصصی است و جنبه عمومی پیدا نکرده است. بازار سرمایه نسبت به سه بازار ارز، طلا و مسکن ریسک بالاتری دارد که در دو دهه گذشته بارها اثبات شده است. همان‌طور که صعود ارزش جاری بورس به ۱۴۴ میلیارد دلار در آذر ۱۳۹۲ و سقوط آن به ۷۳ میلیارد دلار در آذر ۱۳۹۴ رقم خورد، امکان سقوط این چنینی پس از صعودهای اخیر وجود دارد. این میزان ریسک، مانع از ورود گروه‌های غیر حرفه‌ای به این بازار می‌شود.

بازار سرمایه با عبور از شاخص کل ۳۰۰ هزار واحد و ارزش جاری بازار بالای یک هزارهزار میلیارد تومان وارد فاز ریسک بالا، بی‌ثبات و شکننده شده است و هم‌اکنون فعالان حرفه‌ای بازار از وجود ۲۰ درصد حباب در این بازار سخن می‌گویند.

### ارزش بازار سرمایه

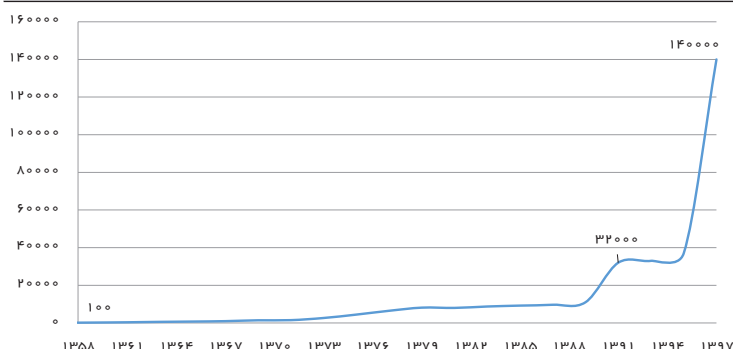
برآوردهای آماری نشان می‌دهد میانگین ماهانه ارزش جاری بورس در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ با احتساب دلار بازار آزاد، ۸۸ میلیارد دلار بود. با وقوع ابرشوک ارزی و سقوط ارزش پول ملی، ارزش جاری بورس به ۴۸ میلیارد دلار در میانه سال ۱۳۹۷ تنزل یافت. از ابتدای سال ۱۳۹۸، ارزش جاری بورس خود را با ارزش ریال تعدیل کرد و در دهم مهر ۱۳۹۸ به ۱۰۵ میلیارد دلار صعود کرد. در شوک ارزی پیشین نیز ارزش جاری بورس به کمتر از ۵۰ میلیارد دلار در میانه سال ۱۳۹۱ سقوط پیدا کرد. در سال ۱۳۹۲ ارزش جاری بورس خود را با ارزش ریال تعدیل کرد، اما تحت تأثیر فعالیت‌های سفته‌بازانه به ۱۴۴ میلیارد دلار در آذر ۱۳۹۲ صعود کرد. پس از این نقطه اوج تاریخی ارزش جاری بورس رو به افول نهاد و در نیمه سال ۱۳۹۴ به حدود نصف آن تنزل یافت.

ساختار بورس تهران که نزدیک به ۸۰ درصد ارزش آن شامل بنگاه‌های شبه‌دولتی است و توسط دولت اداره می‌شود با ماهیت بازار سرمایه مدرن تفاوت‌های زیادی دارد، بنابراین روندهای آتی می‌تواند متفاوت از انتظارات باشد.

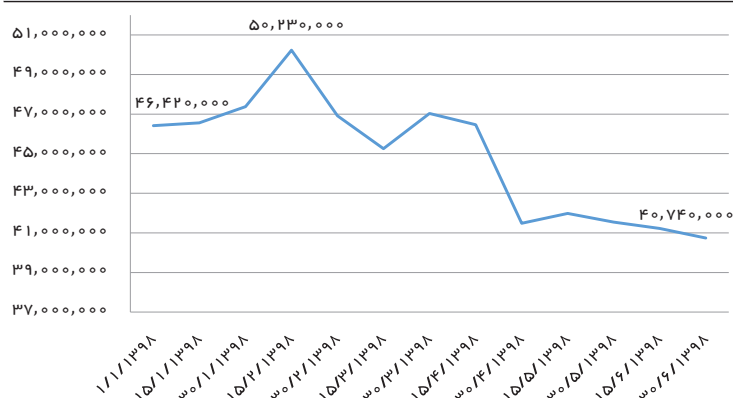
### سرنوشت و سرگذشت بازارها

بررسی آمار و اطلاعات مربوط به بازارهای طلا، ارز، مسکن، سرمایه و خودرو در طول ۶ ماه نخست سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که بازدهی اکثر این بازارها منفی بوده است. نوسانات قیمتی هر کدام از این بازارها در بازه زمانی اول فروردین ۱۳۹۸ تا آخر شهریور ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که همه این بازارها در روزهای پرتلاطم منتهی به ۱۸ اردیبهشت و چند روز بعد از آن، هم‌زمان با اعلام تحریم‌های جدید آمریکا علیه ایران و کاهش تعهدات برجای از سوی ایران، نوسانات شدیدی را در قیمت‌ها تجربه کرده‌اند. با عبور از اردیبهشت دوباره بازارهای مختلف روندی کاهشی را در قیمت‌ها و بازدهی پشت سر گذاشتند و بازدهی بیشتر آنها به جز بازار سرمایه و خودرو، با رشدی منفی مواجه شد. بررسی میزان بازدهی بازارهای رایج اقتصادی ایران در ۶ ماه نخست سال ۱۳۹۶ نشان می‌دهد که بورس با ۶۹ درصد

روند تغییرات قیمتی دلار در طول ۴ دهه



نوسانات قیمتی بازار سکه در ۶ ماهه ۱۳۹۸ (ریال)



و مسکن را جایگزین می‌کنند. این اتفاق در سال گذشته روی داد اما امسال به ویژه در ماه‌های اخیر شرایط متفاوت شده است.

دیگر از هیجان خرید خبری نیست. دلارهای خانگی برای فروش به بازار آمده‌اند. آن‌ها که برای حفظ ارزش دارایی خود به خرید سکه و ارز دست زده بودند حالا به فکر فروش افتاده‌اند چه این که حفظ دارایی خود را در نگه داشتن ریال به جای طلا و ارز، دیده‌اند. رئیس کل بانک مرکزی از افزایش ۴۰ درصدی ارزش پول ملی نسبت به سال گذشته سخن گفته است البته سخنی از افول ۳۰۰ درصدی ارزش آن در سال ۹۷ به میان نیاورده است. قیمت مسکن و خودرو هم روند نزولی را در پیش گرفته است. دعوای سر ثبت‌نام اینترنتی خودروسازان جای خود را به آگهی‌های فروش حواله خودرو در سایت‌ها داده است.

بعد از عبور از دوره هیجان، بازارهای رایج رنگ دیگری به خود گرفته‌اند. دمای پول کاهش یافته و تقاضا به گونه‌ای فروکش کرده است که حباب قیمت سکه به صفر نزدیک شده است. حالا فصل فروش فرارسیده است و طبق عادت همیشگی در زمان کاهش قیمت، بازار فروشنده می‌شود و خریدار کاهش می‌یابد. در روزهایی که بازار طلا و ارز در وضعیت فروش قرار دارند، بازار رقیب به یک‌تازی می‌پردازد. بازار سرمایه در مسیر رشد شاخص‌ها گام برمی‌دارد. کارگزاری‌های بورس روزهای شلوغی را سپری می‌کنند و سرمایه‌گذاران غیر حرفه‌ای نیز به دنبال راهکاری برای ورود به دنیای سهام هستند.

۶۹

درصد

نرخ بازدهی بازار  
سرمایه در ۶ ماه  
سال ۹۸ بوده است

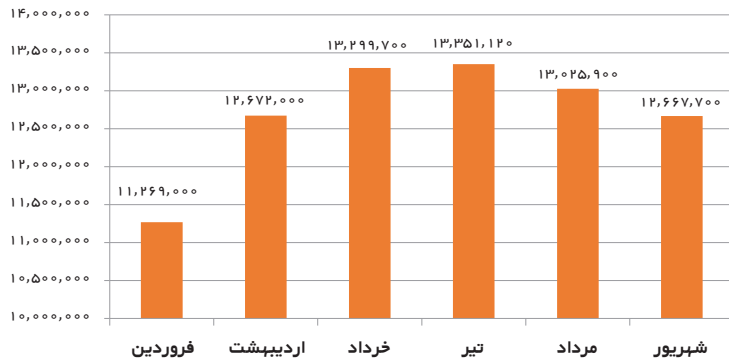
۱۳-

درصد

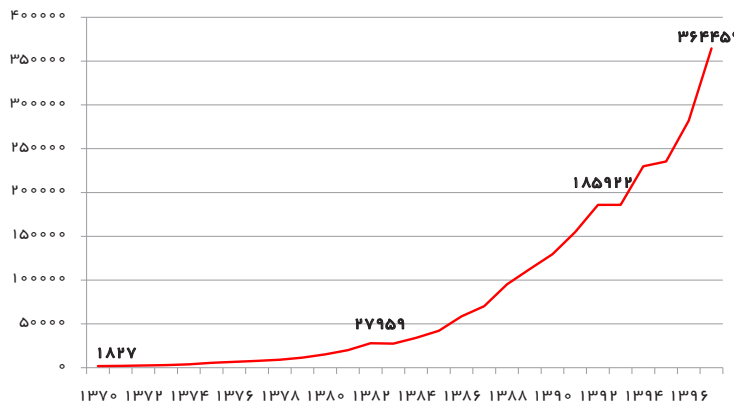
نرخ بازدهی بازار  
طلا در ۶ ماه سال  
۹۸ بوده است

در روزهایی که ثبات و آرامش به ازارهای رایج بازگشته و جانشین التهاب سهمگین در سال گذشته شده است اما یک بازار با سرعت به سوی فتح قله‌ها پیش می‌رود. درست در همین ایام رکود، ارزش سهام شرکت‌ها در بورس رو به افزایش گذاشته است.

میانگین قیمت یک متر مربع زیربنای مسکونی شهر تهران در ۶ ماهه ۹۸ (تومان)



میانگین قیمت اجاره یک متر مربع زیربنای مسکونی در شهر تهران (ریال)



داشته است. این شاخص مشخص می‌کند که میان همه بازارهای رایج طی این دوره زمانی، بورس بیشترین بازدهی نقطه به نقطه را به نام خود ثبت کرده است. در این دوره شش ماهه، کمترین شاخص بورس متعلق به همان تاریخ اول فروردین بوده است و بالاترین آن هم دقیقاً آخرین روز شهریور است. از اول فروردین تا آخر شهریور ۱۳۹۸ همواره شاخص بورس روند افزایشی را طی کرده است و فقط در دوره‌ای کوتاه مدت در یک سوم پایانی اردیبهشت ماه از ارزش شاخص بورس کاسته شد، اما خیلی زود دوباره این شاخص راه صعود را طی کرد.

احسان رضایپور، کارشناس بازار سرمایه معتقد است: شاخص بورس تا پایان سال می‌تواند بیش از ۱۵ درصد بازده داشته‌باشد زیرا شرکت‌های مرتبط با صنایع فلزات، پتروشیمی، پالایشگاهی یا معدنی و هولدینگ‌های این صنایع و همچنین شرکت‌هایی از دیگر صنایع که نقش قابل ملاحظه‌ای در روند رشد شاخص دارند می‌توانند تا پایان سال به بازدهی بیش از سود بانکی برسند. با توجه به رکود دیگر بازارها و شرایط سود بانکی، شاهد گرانش شدید عموم مردم به سوی بازار سرمایه هستیم. این ورود نقدینگی، به رشد گاه سریع‌تر از حد انتظار شاخص‌ها منجر شده‌است. رفتارهای هیجانی که افراد غیر حرفه‌ای در بازار سرمایه از خود نشان می‌دهند، مانند خرید و فروش‌های هیجانی،

بازدهی، بهترین رشد را تجربه کرده و بهترین بازار برای سرمایه‌گذاری به شمار می‌رود. بعد از آن بازار مسکن با ۱۲ درصد بازدهی قرار دارد. در رده سوم بازار خودرو ایستاده که رشد اندکی معادل ۱,۳ درصد را پشت سر گذاشته است و بعد از آن بازارهای طلا و ارز قرار دارند که رشدی منفی داشته‌اند.

## سکه

قیمت سکه امامی در ابتدای فروردین ۱۳۹۷ با کمی افت قیمت نسبت به سال قبل به ۴ میلیون و ۶۶۲ هزار تومان رسید. این رقم تا پایان شهریور ماه به ۴ میلیون و ۵۲ هزار تومان کاهش یافت. محاسبه نقطه به نقطه درصد بازدهی سکه در ۶ ماهه سال ۹۸ نشان می‌دهد که این عدد معادل ۱۳- درصد بوده است و رشد منفی داشته است. امسال سکه در اردیبهشت‌ماه به بالاترین قیمت خود رسید به طوری که تاریخ ۱۹ اردیبهشت سکه امامی با ۵ میلیون و ۱۶۰ هزار تومان، بیشترین قیمت را در سال ۹۸ به نام خود ثبت کرد. اما از آن زمان قیمت سکه تقریباً روندی کاهشی را در پیش گرفت و اوایل شهریور ماه قیمت سکه به ۳ میلیون و ۹۶۷ هزار تومان رسید. بعد از آن و تا پایان شهریور سکه با کمی افزایش قیمت مواجه بود. محمد کشتی‌آرای رئیس اتحادیه طلا و جواهر معتقد است که با کاهش قیمت ۲۸ درصدی در بازار طلا و سکه از سال گذشته تاکنون، انگیزه سرمایه‌گذاری و خرید طلا برای سودگیری از بین رفته است. در حال حاضر به دلیل کاهش تقاضا و عرضه مناسب، حباب بازار طلا از بین رفته است و بسیاری از طلاهای خانگی وارد بازار شده است. نباید فراموش کرد که سرمایه‌گذاری در بازار طلا با ریسک همراه است.

## ارز

دلار در ابتدای سال ۱۳۹۸ با قیمت ۱۲ هزار و ۸۹۰ تومان خرید و فروش شد. این نرخ با اندکی نوسان، روندی تقریباً افزایشی را طی کرد و در ۱۹ اردیبهشت به بالاترین قیمت خود در ۶ ماه امسال رسید. در این زمان نرخ دلار در بازار آزاد ۱۵ هزار و ۳۵۰ تومان ثبت شد. اما از آن زمان روند کاهش قیمت ارز آغاز شد و قیمت آن در تاریخ ۵ شهریور به کمترین میزان خود در سال ۹۸ یعنی ۱۱ هزار و ۱۰۰ تومان رسید. بررسی نقطه به نقطه بازدهی ارز نشان می‌دهد که این بازار از تاریخ یکم فروردین تا تاریخ ۳۱ شهریور ۹۸ رشدی منفی داشته است. بر این اساس بازدهی ارز در ۶ ماه نخست سال ۹۸ معادل ۱۱- درصد بوده است. احمد حاتم‌ی‌زده، کارشناس پولی و بانکی می‌گوید: در ۶ ماه آینده بانک مرکزی در موقعیتی نیست که بتواند در بازار ارز دخالتی کند چرا که به دلیل کاهش درآمد نفتی با محدودیت‌های منابع ارزی روبه‌رو است و تلاش می‌کند تا ارز را هدر ندهد. بنابراین در شرایط فعلی قیمت ارز کاهش نخواهد یافت و احتمال بالارفتنش محتمل‌تر است، بنابراین بازدهی‌اش افزایش پیدا می‌کند.

## بورس

شاخص کل بورس در ابتدای فروردین ۹۸ معادل ۱۷۸ هزار و ۶۵۹ واحد بوده است. این شاخص تا پایان شهریور ۹۸ به عدد ۳۰۲ هزار و ۶۵۹ واحد رسید. این اعداد نشان می‌دهد که بازار سرمایه در ۶ ماه اول سال، ۶۹ درصد بازدهی

۱۱-

## درد

نرخ بازدهی بازار  
ارز در ۶ ماه سال  
۹۸ بوده است

مسکن بعد از نقطه اوجی که در سال ۱۳۹۷ و اوایل ۱۳۹۸ پشت سر گذاشت، اکنون وارد دوره رکود می‌شود.

مصطفی قلی خسروی، رئیس اتحادیه مشاوران املاک می‌گوید: در نیمه دوم سال ۱۳۹۸ در بازار مسکن روند قیمت‌ها رو به کاهش خواهد گذاشت. از این رو اکنون قدرت به طرف خریداران و مستاجران خواهد چرخید. قیمت مسکن و ملک به خاطر کساد بازار روز به روز کاهش خواهد داشت اما ملک سرمایه‌ای ماندگار است که هر زمان خریداری شود، به نفع خریدار خواهد بود. از این رو سرمایه‌گذاری در بازار مسکن در حال حاضر به نفع خریدار است اما با شرایط رکود کنونی، ممکن است بازدهی آن با تأخیر اتفاق بیفتد.

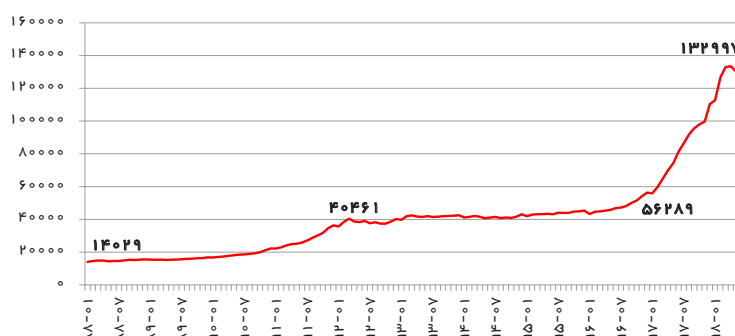
### خودرو



بازار خودرو معامله‌های خود را با قیمت‌های متغیری نسبت به سال ۱۳۹۷ آغاز کرد. اگر برای بررسی بازار خودرو، پراید ۱۳۱ به عنوان شاخص بازار تلقی شود این نتایج به دست می‌آید که این خودرو ابتدای فروردین امسال با قیمت ۴۰ میلیون و ۶۶۰ هزار تومان معامله می‌شد. تا پایان شهریور قیمت خودرو پراید ۱۳۱ از سوی کارخانه به ۴۱ میلیون تومان تغییر کرد. تا ۱۸ اردیبهشت نیز پراید ۱۳۱ با قیمت ۴۲ میلیون تومان معامله می‌شد. اما ناگهان در تاریخ ۲۰ اردیبهشت قیمت آن با افزایش بی‌سابقه به ۵۰ میلیون تومان افزایش یافت. قیمت این خودرو از ابتدای خرداد دوباره روندی کاهشی به خود گرفت و تا پایان شهریور ۱۳۹۸ دوباره به ۴۱ میلیون تومان کاهش یافت. بنابر این می‌توان برآورد کرد که بازدهی بازار خودرو در ۶ ماه اول سال ۹۸ برابر با ۱,۳ درصد بوده است. قیمت خودرو در اردیبهشت ماه به بالاترین حد خود در ۶ ماه نخست سال رسید و کمترین میزان قیمت، در فروردین ماه به نام این بازار ثبت شد.

فرید زاوه، کارشناس خودرو بر این باور است: بازار خودرو در ۶ ماه آینده دچار رکود خواهد بود و افرادی که به قصد سرمایه‌گذاری اقدام به خرید خودرو کرده‌اند، اگر قصد نقد کردن سرمایه خود را داشته باشند، ناچار به فروش زیر قیمت خواهند شد. به نظر نمی‌آید در نیمه دوم سال، این بازار برای سرمایه‌گذاری مناسب باشد یا اصلاً قابلیت سرمایه‌گذاری داشته باشد. ■

میانگین قیمت یک مترمربع زیربنای مسکونی در شهر تهران از سال ۸۸ (هزار ریال)



و عدم آشنایی آنها با عوامل مالی رفتاری بازار سرمایه، ممکن است منجر به اشتباه و شدت گرفتن روندهای افزایشی و کاهشی در بازار شود. با وجود رونقی که در بازار مشاهده می‌شود، در حال حاضر خرید در بورس اصلاً کار ساده‌ای نیست زیرا قیمت سهام با رشد زیادی مواجه شده‌است و جذابیت خرید را از دست داده‌اند.

### مسکن



گزارش تحولات بازار مسکن شهر تهران در فروردین ماه ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که متوسط قیمت خرید و فروش یک متر مربع زیربنای واحد مسکونی در شهر تهران ۱۱ میلیون و ۲۷۰ هزار تومان بوده است. این رقم نسبت به فروردین ۹۷ افزایشی دو برابری و نسبت به ماه قبل ۲ درصد افزایش قیمت داشت. اما در پایان ۶ ماهه اول سال یعنی در شهریور ماه ۱۳۹۸ قیمت هر متر مربع مسکن در شهر تهران معادل ۱۲ میلیون ۶۷۰ هزار تومان بود. بررسی این ارقام نشان می‌دهد که بازدهی بازار مسکن در ۶ ماه نخست سال ۹۸ معادل ۱۲ درصد بوده است. تغییرات قیمت مسکن در دوره بلند مدت نشان می‌دهد این بازار همواره دچار نوسانات قیمتی بوده است و هر چند سال یک بار نرخ رشد تورمی شدیدی را تجربه می‌کند. بر این اساس اکنون بازار

۱,۳

درصد

میزان بازدهی  
بازار خودرو در ۶  
ماه نخست سال  
۹۸ بوده است

نوسانات قیمت سکه از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۹۷

سال	قیمت/تومان	سال	قیمت/تومان	سال	قیمت/تومان	سال	قیمت/تومان
۵۸	۱,۳۰۰	۶۸	۱۰,۹۲۲	۷۸	۵۸,۷۴۱	۸۸	۲۸۸,۰۰۰
۵۹	۲,۴۰۰	۶۹	۱۲,۷۰۷	۷۹	۶۰,۵۱۲	۸۹	۴۲۵,۰۰۰
۶۰	۳,۵۰۰	۷۰	۱۲,۴۴۷	۸۰	۶۰,۸۲۰	۹۰	۶۳۰,۰۰۰
۶۱	۳,۵۰۰	۷۱	۱۲,۴۰۹	۸۱	۶۹,۹۶۰	۹۱	۹۱۰,۰۰۰
۶۲	۳,۵۰۰	۷۲	۱۶,۴۸۸	۸۲	۸۶,۱۵۰	۹۲	۱,۰۵۰,۰۰۰
۶۳	۳,۹۰۰	۷۳	۳۰,۳۵۲	۸۳	۱۰۴,۵۳۷	۹۳	۹۴۶,۰۰۰
۶۴	۴,۴۱۸	۷۴	۴۴,۱۶۹	۸۴	۱۲۲,۸۹۰	۹۴	۹۳۶,۰۰۰
۶۵	۶,۵۰۰	۷۵	۴۱,۲۷۳	۸۵	۱۶۷,۹۶۷	۹۵	۱,۱۷۱,۰۰۰
۶۶	۱۱,۲۵۷	۷۶	۳۸,۸۳۳	۸۶	۱۹۰,۶۷۸	۹۶	۱,۷۹۵,۰۰۰
۶۷	۱۱,۲۰۰	۷۷	۴۵,۰۹۲	۸۷	۲۳۱,۶۴۹	۹۷	۳,۳۲۰,۰۰۰

سال ۹۸ برای ما سال پرآبی بود. بارش‌های ابتدای سال تا حدی کاستی‌های فروش نفت در صنعت را با افزایش نرخ رشد اقتصادی در حوزه کشاورزی، جبران کرد و می‌توانم بگویم که از شوک اقتصادی بزرگی که به ایران وارد شد، عبور کرده‌ایم.

## آرامش بازارها به معنای ثبات در فضای اقتصاد است؟

# ثبات در بخش مراقبت‌های ویژه



هادی حق‌شناس

اقتصاددان

جهت‌گیری‌ها به سمت بهبود شاخص‌های کلان اقتصاد ایران است. ثبات تا حدی به بازار بازگشته و به نظر می‌رسد دیگر از نوسان‌های شدید و لحظه‌ای خبری نیست. اقتصاد بیمار ایران از ICU خارج و به بخش مراقبت‌های ویژه منتقل شده است. بیمار ناخوش‌احوالی که حالا حالاها از بیمارستان مرخص نخواهد شد اما حال عمومی کنونی‌اش، بهتر از سابق است.

امروز اگر محیط کلان اقتصاد ایران ثبات را تجربه می‌کند، پشت پرده آن دلایل و روندهای مختلفی دیده می‌شود و ثبات کنونی جهت‌های مختلفی دارد. یکی از اصلی‌ترین دلایل این است که حداکثر شوک به اقتصاد ایران در دو سال گذشته وارد شده است. خروج آمریکا از برجام، انفعال اروپایی‌ها در مقابل ایران و افزایش فشار کشورهای عربی به اقتصاد ایران در مدتی که گذشت موجب شد که مجموعه‌ای از متغیرهای سیاسی به اقتصاد ایران تا بالاترین حد ممکن فشار وارد کند. به زبان ساده‌تر نگارنده می‌خواهد بگوید که بالاتر از سیاهی برای ما رنگی نبود. اتفاق دیگری نمانده بود که در حوزه سیاست نیفتاده باشد.

جهت دوم ثبات کنونی این است که هرچیزی در بازار یک قیمتی دارد. از مسکن، خودرو یا اقلام خوراکی و مصرفی گرفته تا دلار. دلار هم یک قیمتی دارد و داشت. وقتی دلار در کمتر از دو سال گذشته به قیمت ۱۹ هزار تومان رسید، کسانی که الفبای اقتصاد را بلد بودند می‌دانستند دلار سقوط خواهد کرد چرا که به اندازه قیمت واقعی خودش و با قاعده بازار رشد نکرده است. ساده‌ترین فرمول تعیین قیمت دلار از مابه‌التفاوت میانگین تورم داخلی با میانگین تورم عمده‌ترین کشورهایی به با آن‌ها تجارت داریم به دست می‌آید. قیمت کنونی دلار اگرچه هنوز با حباب همراه است، به واقعیت نزدیک‌تر شده است. یکی از ابعاد ثبات کنونی همین است که دیگر کشت گران‌تر شدن کالاها و افزایش تورم در جامعه وجود نداشت. افزایش قیمت وقتی بیشتر از حد توان خرید آحاد مردم باشد، قیمت‌های کاذب پس زده می‌شوند.

یکی از زیر مجموعه‌های این بعد دوم ثبات این است که امروز آحاد مردم فهمیده‌اند سرمایه‌گذاری در دلار، طلا و مسکن برای آن‌ها سوددهی مقطعی و یک‌شبه ندارد. همین آگاهی بورس را فعال کرده است.

جهت سوم ثبات کنونی درون‌کاوی اقتصاد ایران و توسعه نگاه به تولید داخلی در یک سال گذشته است. تحریم‌های آمریکا و خروج رئیس‌جمهور آن از برجام موجب شد که توجه‌ها بیش از پیش به اقتصاد ملی ما برگردد. سرمایه‌گذاری بر درون اقتصاد ایران دوباره مانند دهه شصت آغاز شد. در سال‌های جنگ، ما شعار اتکا به منابع داخلی را می‌دادیم و برای جلوگیری از خروج ارز از کشور همه تلاش خود را به کار بسته بودیم، روندی که در یک سال اخیر هم پیش گرفتیم. در کنار این تغییر رویه، افزایش نرخ ارز هم خود مزید بر علت بود چرا که هم سفره‌های بی‌مورد خارجی کمتر شد و هم کالاهای مصرفی غیر ضروری کمتر از آن‌سوی آب‌ها به ایران رسیدند و مجموعه این عوامل یکی دیگر از زمینه‌سازهای ثبات اقتصادی امروز کشور شدند.

اما در شرایطی که ثبات به اقتصاد ایران تا حدودی بازگشته است سرمایه‌های موجود در جامعه، به کدام سو هدایت خواهد شد؟ در پاسخ به این سؤال می‌توانم شما را به بازدهی بازارهای رایج در چند ماه اخیر ارجاع دهم. بورس تقریباً همواره بازدهی

مثبتی داشته چرا که سرمایه‌گذاران خرد و حتی کلان از خرید و فروش دلار و طلا برای کسب سود، ناامید شده‌اند. اگر دولت در این شرایط نرخ نقدینگی را کنترل کرده و تورم را کاهش دهد، در کنار آن سیاست‌های پولی و مالی درست تدوین و اجرا شده و انضباط مالی تا حدی در نظام اقتصاد کشور پیاده شود، می‌توان امیدوار بود در سال آینده و سال بعد از آن پول و سرمایه موجود در جامعه به سمت بخش واقعی اقتصاد هدایت شود. مثلاً بنگاه‌های اقتصادی راهاندازی شوند یا با تمام ظرفیت خود به کار خود ادامه دهند. به خصوص این که ما در واردات کالا دچار مشکل هستیم و همه نیاز کنونی کشور باید از طریق تولید داخل تأمین شود و این نیاز گسترده زمانی تأمین خواهد شد که ما بتوانیم بنگاه‌های اقتصادی فعال و پویایی داشته باشیم. یک مثال دیگر می‌زنم، ما سالانه به یک میلیون واحد مسکن نیاز داریم. برای تأمین این میزان به سیمن، ملات، گچ و تعداد زیادی نیروی کار و... می‌خواهیم. اگر ساختمان وارد رونق شود، ده‌ها حرفه فعال و صدها شغل برای افراد ایجاد می‌شود.

فراموش نکنیم که ثبات اقتصادی کنونی نباید ما را فریب دهد. نرخ رشد نقدینگی، نرخ بهره، نرخ تورم، نرخ رشد اقتصادی و... همه نرخ‌هایی هستند که امروز از حالت مطلوب خود فاصله زیادی گرفته‌اند. ثبات امروزی به معنای بهبود تمام زخم‌های قبلی که به پیکر اقتصاد خورده نیست. صرفاً به این معناست که قیمت‌ها تا حدی آرام گرفته‌اند و اوضاع دیگر بدتر از این نخواهد شد.

پرونده امسال، مانند سال ۹۷ بسته نمی‌شود. اوضاع اقتصادی کشور تا حدی التیام یافته و رشد اقتصادی هم اندکی بهبود را تجربه خواهد کرد.

سال ۹۸ برای ما سال پرآبی بود. بارش‌های ابتدای سال تا حدی کاستی‌های فروش نفت در صنعت را با افزایش نرخ رشد اقتصادی در حوزه کشاورزی، جبران کرد و می‌توانم بگویم که از شوک اقتصادی بزرگی که به ایران وارد شد، عبور کرده‌ایم. نشانه این عبور کاهش تورم نقطه به نقطه ۵۱ درصد اردیبهشت ماه به ۳۵ درصد شهریور ماه است. نشانه دیگر آن وضعیت تراز صادرات غیر نفتی ما در ماه‌های اخیر و نشانه دیگر رشد اقتصادی مثبت در بخش کشاورزی است.

تولید ناخالص ملی ما با وجود همه فشارها و تحریم‌ها و بستگی‌ها ۵۰۰ میلیارد دلار اعلام شده و تجارت نفت تنها ۱۰ درصد این عدد را تشکیل می‌دهد؛ این یعنی تاب‌آوری اقتصاد ما بر خلاف تصورها بالاست اما با همه این تاب‌آوری و تحمل بالا زمانی ما در اقتصاد رشد داریم، که بخش واقعی اقتصادمان رونق پیدا کند. محصولات کشاورزی و خدمات در مقیاس بالا تولید، عرضه و فروخته شوند و کالا در تبادلات نه سفته‌بازی.

در پایان باید بگویم که امسال رشد اقتصادی ما قطعاً عددی نزدیک صفر است. عدد کوچکی که احتمالاً منفی و حوالی صفر خواهد بود. ماجرای سال آینده اما اندکی با سال ۹۹ فرق می‌کند. رشد اقتصادی ما در سال آینده بسیار وابسته به اتفاقات سیاسی و بین‌المللی خواهد بود. مذاکره احتمالی ایران با کشورهای عربی منطقه، احتمال استیضاح ترامپ یا تغییر رویکرد این رئیس‌جمهور، احتمال بازگشت روابط ایران با اروپا به خصوص در حوزه تجارت نفت و احتمال‌های دیگری از این قبیل (که تحقق آن‌ها چندان دور از ذهن نیست)، رشد اقتصادی ایران را مثبت خواهد کرد. چیزی که پیش‌بینی وضعیت نرخ رشد اقتصاد ایران را سخت می‌کند، آب است. رشد اقتصادی در ایران با متأثر از سال پربارش است یا فروش نفت و واقعیت این است که ما نمی‌دانیم سال ۹۹ یا ۱۴۰۰ چقدر بارش باران خواهیم داشت. اگر سال ۹۹ پرآب باشد، می‌توانیم انتظار یک رشد ۵ درصدی هم داشته باشیم. ■

# خلاقیت نداریم

## ایران، شصت و یکمین کشور دنیا در شاخص خلاقیت

در این گزارش بر آن شدیم تا ضمن توضیحی کوتاه در مورد نحوه تهیه این گزارش اطلاعات کاملی در مورد کشورهایی که بالاترین شاخص خلاقیت را کسب کردند و کشورهایی که در انتهای فهرست خلاقیت قرار دارند ارائه دهیم و جایگاه ایران را در میان کشورهای دنیا بررسی کنیم. این گزارش ۱۵ سال است که به طور مستمر تهیه می‌شود و هدف اصلی از تهیه آن تلاش برای ارتقای جایگاه کشورها از نظر خلاقیت ذکر شده است.

### برندگان و بازندگان یک سال اخیر

در میان ۲۰ کشور اول این فهرست کشور کره جنوبی توانسته است نزدیک‌ترین جایگاه را به ۱۰ کشور برتر داشته باشد. چین که طی ۵ سال اخیر همواره ارتقای جایگاه را تجربه کرده است در سال جاری هم همین وضعیت را ادامه داد. چین تنها کشور دنیا است که در رده کشورهای در حال توسعه و با سطح درآمد متوسط قرار دارد و در میان ۳۰ کشور برتر دنیا از نظر شاخص خلاقیت جای گرفته است.

در سال ۲۰۱۹ میلادی کشورهای ساحل عاج، مقدونیه، فیلیپین، بوركینافاسو و بلاروس بیشترین افزایش را در شاخص تجربه کردند. در این سال شاخص خلاقیت کشور ساحل عاج ۵٫۶ واحد رشد کرد و شاخص کشورهای فیلیپین و بوركینافاسو به ترتیب ۴٫۶ واحد و ۴٫۴ واحد رشد کرد. کشورهایی که بیشترین کاهش را در شاخص شاهد بودند عبارتند از کروات با تجربه ۲٫۹ واحد کاهش، قطر با تجربه ۲٫۷ واحد کاهش، نیجرا با تجربه ۲٫۵ واحد کاهش، ماداگاسکار با تجربه ۲٫۴ واحد کاهش و بلغارستان با تجربه ۲٫۳ واحد کاهش.

اما علاوه بر تغییر شاخص خلاقیت طی یک سال اخیر تغییر جایگاه کشورها هم نکته مهمی بود که در این گزارش مد نظر قرار گرفت. در این سال جایگاه کشور مقدونیه ۲۵ پله نسبت به سال قبل رشد کرد این کشور در صدر فهرست کشورهایی قرار گرفت که بیشترین رشد را شاهد بودند. ساحل عاج ۲۰ پله، فیلیپین ۱۹ پله و گرجستان ۱۱ پله ارتقای جایگاه را تجربه کرد. در طرف مقابل ماداگاسکار رکورددار بالاترین میزان افت جایگاه بود و شاهد ۱۵ پله کاهش جایگاهش در یک سال اخیر بود. جایگاه کشور قطر ۱۴ پله، جایگاه عمان ۱۱ پله و جایگاه مولداوی ۱۰ پله تنزل یافت.

### کشورهای صدر جدول کدامند

طبق گزارش سال ۲۰۱۹ میلادی کشور سوئیس به عنوان کشوری که بالاترین شاخص خلاقیت را دارد معرفی شد. شاخص خلاقیت در این کشور در سال جاری برابر با ۶۷٫۲ بود که ۱٫۲ واحد نسبت به سال قبل کاهش داشت ولی همچنان بیش از دیگر کشورهای دنیا بود. لازم به ذکر است حداکثر شاخصی که تعریف شده است برابر با ۱۰۰ است ولی هیچ کشوری حتی نزدیک به وضعیت ایده‌آل یعنی ۱۰۰ هم نیست. دومین کشور این فهرست سوئد است که شاخص خلاقیتش برابر با ۶۳٫۷ است و با تجربه ۰٫۶ واحد افزایش شاخص نسبت به سال

خلاقیت کلید رشد اقتصادی و صنعتی هر کشور است. افراد خلاق و پویا می‌توانند با استفاده بهینه از فرصت‌های اقتصادی در کشور بالاترین بازده اقتصادی را ایجاد کنند و حتی خود زمینه‌ساز ایجاد این فرصت‌ها باشند. اما برای داشتن افرادی خلاق و توانمند در یک جامعه نیاز به شرایط و ابزارهایی هست. دانشگاه کورنل و مدرسه بازرگانی اینسید در پاریس مطالعاتی انجام دادند تا شرایط اقتصادی و زیرساختی کشورها و تأثیر آن روی سطح خلاقیت آنها را مورد مطالعه قرار دهند. برای تعیین شاخص خلاقیت در کشورها ۸۰ فاکتور مورد بررسی قرار گرفته است که از جمله آنها می‌توان به فضای آموزشی، سطح زیرساخت‌ها، پیچیدگی فضای تجاری و در نهایت فضای سیاسی کشور اشاره کرد. در این گزارش آمده است: سیستم آموزشی کشور نقش بسزایی در پرورش انسان‌های خلاق دارد. در فضاهایی که کودکان بدون نگرانی از عواقب سؤالشان بتوانند سؤال بپرسند و برای سؤال‌های موجود در ذهنشان پاسخ پیدا کنند، خلاقیت با سرعت بالاتری رشد می‌کند. البته پیش از اینکه این فضا وجود داشته باشد باید زیرساخت‌های آموزشی و شهری و اجتماعی وجود داشته باشد. باید فرهنگ مدرسه‌روی در جامعه حاکم باشد و باید فرصت‌های مساوی در اختیار تمام ساکنان یک کشور وجود داشته باشد.

### مونا مشهدی رجبی

دبیر بخش آینده

### منبع: بیزینس مانیاتور

### چرا باید خواند:

خلاقیت نقش بسزایی

در موفقیت اقتصادی

کشورها دارد، به

همین دلیل شناختن

کشورهایی که بالاترین

شاخص خلاقیت را

دارند اهمیت زیادی

دارد.

جدول ۱- کشورهای صدر فهرست شاخص خلاقیت

نام کشور	شاخص خلاقیت سال ۲۰۱۹		شاخص خلاقیت سال ۲۰۱۸		تغییر	
	رتبه	شاخص	رتبه	شاخص	رتبه	شاخص
سوئیس	۱	۶۷٫۲	۱	۶۸٫۴	۰	-۱٫۲
سوئد	۲	۶۳٫۷	۳	۶۳٫۱	+۱	+۰٫۶
امریکا	۳	۶۱٫۷	۶	۵۹٫۸	+۳	+۱٫۹
هلند	۴	۶۱٫۴	۲	۶۳٫۳	-۲	-۱٫۹
انگلیس	۵	۶۱٫۳	۴	۶۰٫۱	-۱	+۱٫۲
فنلاند	۶	۵۹٫۸	۷	۵۹٫۶	+۱	+۰٫۲
دانمارک	۷	۵۸٫۴	۸	۵۸٫۴	+۱	+۰٫۰
سنگاپور	۸	۵۸٫۲	۵	۵۹٫۸	-۳	-۱٫۴
آلمان	۹	۵۷٫۴	۹	۵۸	۰	+۰٫۲
اسرائیل	۱۰	۵۶٫۶	۱۱	۵۶٫۸	+۱	+۰٫۶
کره جنوبی	۱۱	۵۶٫۱	۱۲	۵۶٫۶	+۱	+۰٫۰
ایرلند	۱۲	۵۵٫۵	۱۰	۵۷٫۲	-۲	-۱٫۱
هنگ کنگ	۱۳	۵۴٫۸	۱۴	۵۴٫۶	+۱	+۰٫۹
چین	۱۴	۵۴٫۷	۱۷	۵۳٫۱	+۳	+۱٫۷
ژاپن	۱۵	۵۴٫۲	۱۳	۵۵	-۲	-۰٫۳
فرانسه	۱۶	۵۳٫۹	۱۶	۵۴٫۴	۰	-۰٫۲

طبق این گزارش در میان ۱۳۹ کشور مورد مطالعه ایران جایگاه ۶۱ را دارد. شاخص خلاقیت در ایران در سال ۲۰۱۹ برابر با ۳۴,۶ اعلام شده است که نسبت به سال قبل ۱ واحد رشد کرده است.

جدول ۲- کشورهای انتهایی فهرست خلاقیت					
نام کشور	شاخص خلاقیت سال ۲۰۱۹		شاخص خلاقیت سال ۲۰۱۸		تغییر
	رتبه	شاخص	رتبه	شاخص	
زامبیا	۱۲۴	۲۰,۴	۱۲۰	۲۰,۷	-۰,۳
گینه	۱۲۵	۱۹,۵	۱۱۹	۲۰,۷	-۱,۲
توگو	۱۲۶	۱۸,۵	۱۲۵	۱۸,۹	-۰,۴
نیجر	۱۲۷	۱۸,۱	۱۲۲	۲۰,۶	-۲,۵
برونئی	۱۲۸	۱۷,۶	-	-	-
یمن	۱۲۹	۱۴,۵	۱۲۶	۱۵	-۰,۵

جدول ۳- جایگاه ایران در فهرست کشورهای دنیا از نظر شاخص خلاقیت					
نام کشور	شاخص خلاقیت سال ۲۰۱۹		شاخص خلاقیت سال ۲۰۱۸		تغییر
	رتبه	شاخص	رتبه	شاخص	
صربستان	۵۷	۳۵,۷	۵۵	۳۵,۵	+۰,۲
مولداوی	۵۸	۳۵,۵	۴۸	۳۷,۶	-۲,۱
مقدونیه	۵۹	۳۵,۳	۸۴	۲۹,۹	+۵,۴
کویت	۶۰	۳۴,۶	۶۰	۳۴,۴	+۰,۲
ایران	۶۱	۳۴,۴	۶۵	۳۳,۴	+۱
اروگوئه	۶	۳۴,۳	۶۲	۳۴,۲	+۰,۱
افریقای جنوبی	۶۳	۳۴	۵۸	۳۵,۱	-۱,۱
ارمنستان	۶۴	۳۴	۶۸	۳۲,۸	+۱,۲
قطر	۶۵	۳۳,۹	۵۱	۳۶,۶	-۲,۷
برزیل	۶۶	۳۳,۸	۶۴	۳۳,۴	+۰,۴
گامبیا	۶۷	۳۳	۶۳	۳۳,۸	-۰,۸
عربستان	۶۸	۳۲,۹	۶۱	۳۴,۳	-۱,۴
پرو	۶۹	۳۲,۸	۷۱	۳۱,۸	+۱,۱

جدول ۴- جایگاه کشورهای منتخب					
نام کشور	شاخص خلاقیت سال ۲۰۱۹		شاخص خلاقیت سال ۲۰۱۸		تغییر
	رتبه	شاخص	رتبه	شاخص	
کانادا	۱۷	۵۳,۹	۱۸	۵۳	+۰,۹
استرالیا	۲۲	۵۰,۳	۲۰	۵۲	-۱,۷
امارات	۳۶	۴۲,۲	۳۸	۴۲,۶	-۰,۴
روسیه	۴۶	۳۷,۶	۴۶	۳۷,۹	-۰,۳
گرجستان	۴۸	۳۷	۵۹	۳۵	+۱۱
ترکیه	۴۹	۳۶,۹	۵۰	۳۷,۴	-۰,۸
هند	۵۲	۳۶,۶	۵۷	۳۵,۲	+۱,۴
بحرین	۷۸	۳۱,۱	۷۲	۳۱,۷	-۰,۶
اندونزی	۸۵	۲۹,۷	۸۵	۲۹,۸	-۰,۱
لبنان	۸۸	۲۸,۵	۹۰	۲۸,۲	+۰,۳
پاکستان	۱۰۵	۲۵,۴	۱۰۹	۲۴,۱	+۱,۳

قبل توانسته است از جایگاه سوم به جایگاه دوم ارتقای جایگاه بدهد. کشورهای آمریکا و هلند و بریتانیا در این مطالعه جایگاه سوم تا پنجم را به خود اختصاص داده‌اند. آمریکا توانسته است جایگاه خود را طی یک سال ۳ پله ارتقا دهد و و هلند با تجربه افت ۲ واحدی در شاخص خلاقیت از جایگاه دوم در سال ۲۰۱۸ به جایگاه چهارم در سال ۲۰۱۹ رسید.

کشورهای فنلاند، دانمارک، سنگاپور، آلمان، اسرائیل، کره جنوبی، ایرلند، هنگ کنگ، چین و ژاپن در این رده‌بندی جایگاه ششم تا پانزدهم را به خود اختصاص داده‌اند. ژاپن در سال گذشته جایگاه ۱۳ جدول را داشت و امسال دو پله تنزل جایگاه داد ولی چین با تجربه ۳ پله ارتقا توانست از جایگاه ۱۷ دنیا در سال ۲۰۱۸ به جایگاه ۱۴ در سال جدید برسد.

### کشورهای انتهایی فهرست کدام‌اند

در انتهایی این فهرست کشور یمن واقع شده است که جایگاهش نسبت به سال قبل ۳ پله تنزل یافت. شاخص خلاقیت در این کشور در سال ۲۰۱۹ میلادی برابر با ۱۴,۵ بود که با توجه به شرایط جنگ و بحران‌های زیادی که در این کشور وجود دارد قابل پیش‌بینی بود. مشکلات ناشی از جنگ و بحران سلامتی و انسانی در این کشور در سال‌های اخیر بسیاری از مردم را درگیر کرده است و سازمان‌های جهانی در مورد تبعات درازمدت این بحران‌ها هشدار داده‌اند. کشور برونئی در جایگاه بعدی قرار دارد ولی این کشور در سال گذشته در گزارش‌ها نبود. بررسی دیگر کشورهای انتهایی این فهرست نشان می‌دهد که اغلب کشورهای بحران‌زده و جنگ‌زده‌اند. کشورهایی از قبیل زیمبابوه که در سال‌های اخیر با چالش‌های زیادی از نظر اقتصادی روبه‌رو بوده است و کشورهای فقیر آفریقایی که با توجه به کمبود امکانات در آنها می‌توانستیم این جایگاه را انتظار داشته باشیم.

### ایران در کجای این فهرست است

طبق این گزارش در میان ۱۳۹ کشور مورد مطالعه ایران جایگاه ۶۱ را دارد. شاخص خلاقیت در ایران در سال ۲۰۱۹ برابر با ۳۴,۶ اعلام شده است که نسبت به سال قبل ۱ واحد رشد کرده است. ایران در سال گذشته جایگاه ۶۵ دنیا را داشت و طی یک سال توانسته جایگاه خود را ۴ پله ارتقا دهد. در این جدول جایگاه ایران تقریباً مشابه کشورهای کویت و مقدونیه و مولداوی و صربستان است. کشورهای اروگوئه و آفریقای جنوبی و ارمنستان و قطر هم وضعیتی تقریباً مشابه ایران دارند. ارتقای جایگاه ایران در یک سال گذشته و در شرایطی که فشار اقتصادی ناشی از تحریم‌ها هر روز بیشتر شده است مسئله‌ای است که باید مد نظر قرار گیرد. طبق این گزارش با توجه به شرایط حاکم بر اقتصاد ایران، ارتقای چهارپله‌ای در رتبه شاخص خلاقیت در دنیا نشان از تلاش زیاد و سرمایه‌گذاری‌های کلان در این زمینه دارد.

طبق این گزارش اصلی‌ترین عامل ضعف در کشورهای اطراف ایران در فهرست را می‌توان ضعف زیرساختی دانست. در این کشورها سرمایه‌گذاری لازم برای توسعه زیرساخت‌ها انجام نشده است. هم زیرساخت‌های شهری و اجتماعی نیازمند جذب سرمایه بیشتر است و هم زیرساخت‌های آموزشی باید توسعه پیدا کند. ساخت جاده و مدرسه برای شهرهای کوچک و کم‌جمعیت مسئله‌ای است که باید در این کشورها در نظر گرفته شود زیرا این کشورها تقریباً در میانه فهرست ۱۳۹ کشور مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. ■

# یک قرن فاصله

## زنان برای برخورداری از حقوق برابر با مردان چقدر باید صبر کنند؟

تغییرات زیادی هم در بازار کار و وضعیت اجتماعی ایجاد شد که خود نیازهای تازه‌ای را به همراه آورد. بررسی‌ها نشان می‌دهد با وجود تمامی این تلاش‌ها تنها ۳۴ درصد از پست‌های مدیریتی در دنیا توسط زنان اشغال شده است و تنها در ۱۰ درصد کشورهای دنیا زنان در عالی‌ترین رتبه‌های سیاسی در کشور مشغول به کار هستند. یکی از شاخص‌ترین این کشورها آلمان است که سال‌هاست آنگلا مرکل به‌عنوان نخست‌وزیر در آن کار می‌کند.

این فرصت‌های نابرابر اقتصادی در شرایطی وجود دارد که زنان در دنیا، هم تحصیل کرده هستند و هم از سطح سلامتی بسیار بالاتری نسبت به گذشتگان خود برخوردارند. آن‌ها دوره‌های بارداری و زایمان را با خطرات کمتری پشت سر می‌گذارند و از امکانات بیشتری برای اشتغال بعد از مادر شدن برخوردارند. ولی هنوز فرصت‌های شغلی و درآمدی مشابه مردان ندارند. جالب اینجاست که بالاترین میزان ضعف در فرصت‌های اقتصادی و قدرت سیاسی است. به این معنا که زنان در دنیای امروز نتوانسته‌اند همپای مردان در عرصه سیاست پیشرفت کنند. آمریکا در میان کشورهایی قرار دارد که به زنان در عرصه سیاسی قدرت کمتری می‌دهد و در اغلب مواقع نقش‌های حاشیه‌ای را به آنها پیشنهاد می‌کند.

### برابری حقوق در کدام مناطق بیشتر است؟

بیزنس هاروارد ریویو نوشت: بالاترین سطح تساوی حقوق در کشورهای اروپای غربی مشاهده می‌شود. در این کشورها پیشرفت‌های زیادی در جهت احقاق حقوق از دست رفته زنان در عرصه اقتصادی و سیاسی انجام شده است و در میان ده کشور اول دنیا که بالاترین سطح تساوی جنسیتی در آنها مشاهده می‌شود، پنج کشور در اروپای غربی واقع شده‌اند.

در سال ۲۰۱۹ میلادی حقوق زنان در کشورهای اروپای غربی ۷۶ درصد مردان است. به این معنا که در بهترین منطقه دنیا از نظر برابری جنسیتی حقوق اقتصادی و فرصت‌های پیش روی زنان ۲۴ درصد کمتر از مردان است. در آمریکای شمالی این نرخ برابر با ۷۳ درصد است و در اروپای شرقی و آسیای مرکزی صحبت از نرخ ۷۱ درصد است. در آمریکای لاتین و کارائیب هم وضعیتی مشابه کشورهای اروپای شرقی وجود دارد.

کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در انتهای این فهرست قرار دارد و حقوق زنان در این کشورها ۶۰ درصد مردان است. البته در تعیین این مقیاس چهار فاکتور در نظر گرفته شده است که یکی از آنها برخورداری از آموزش و دیگری سلامت است که زنان این منطقه بیشترین رشد را در این دو بخش تجربه کرده‌اند ولی در بخش قدرت سیاسی و برخورداری از فرصت‌های اقتصادی نتوانسته‌اند شاهد پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای باشند.

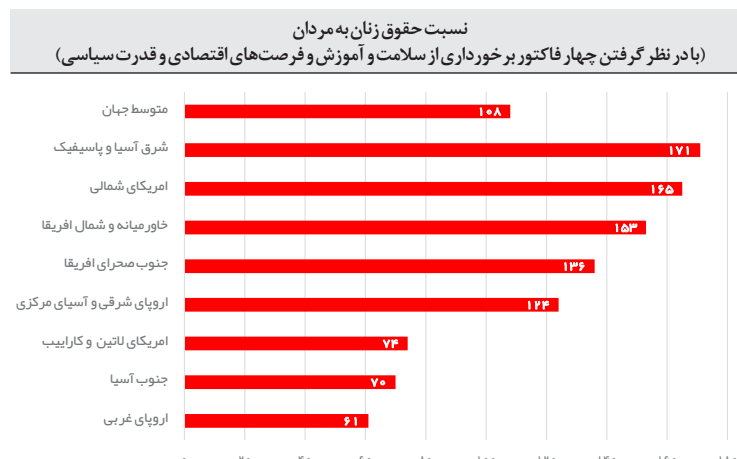
در رده‌بندی کشورهایی که بالاترین سطح تساوی حقوق زن و مرد را شاهد هستند کشورهای اروپای غربی در صدر و کشور آمریکا در

با وجود اینکه در کشورهای صنعتی دنیا درباره تساوی حقوق زن و مرد در مشاغل صحبت‌های زیادی شده است ولی بررسی‌ها نشان می‌دهد دنیا تا رسیدن به این تساوی فاصله زیادی دارد. نشریه هاروارد بیزینس ریویو در گزارش اخیر خود نوشت: آمریکا تا رسیدن به این تساوی قرن‌ها فاصله دارد و در بسیاری از کشورها نمی‌توان بازه‌ای زمانی برای حصول این نتیجه مطلوب تعیین کرد.

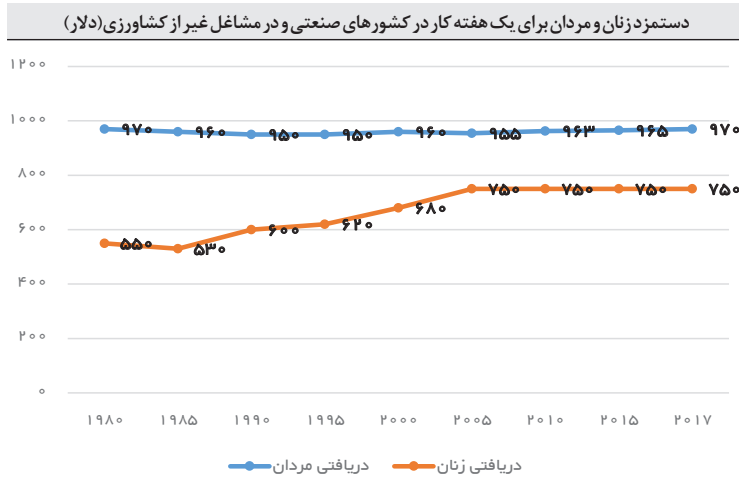
این نشریه به نقل از مجمع جهانی اقتصاد نوشت: اولین مسئله‌ای که مطرح است فرصت‌های مساوی و مشارکت‌های اقتصادی زنان است. میزان درآمد زنان شاغل در کنار سهم زنانی که در مشاغل بالا فعالیت می‌کنند همگی از عوامل تعیین‌کننده است. از طرف دیگر فرصت‌های مساوی برای کسب علم و دانش برای زنان هم از اهمیت زیادی برخوردار است. در بسیاری از کشورها زنان نمی‌توانند همپای مردان مدارج علمی را طی کنند و این مسئله باعث می‌شود تا امکان دسترسی آنها به فرصت‌های رشد شغلی هم محدود شود. برای تهیه این شاخص چهار فاکتور در نظر گرفته شده است. یکی از این فاکتورها برخورداری از فرصت‌های اقتصادی مشابه مردان است. مسئله دیگر قدرت سیاسی است و عامل دیگر هم سلامتی و آموزش است. مطالعات نشان داده است به‌طور متوسط سطح سلامت زنان در دنیا رشد زیادی کرده است و در بیشتر کشورهای دنیا زنان و مردان از امکانات بهداشتی مشابهی استفاده می‌کنند.

### سرعت ایجاد شرایط مساوی کم است

نشریه هاروارد در این مورد نوشت: با وجود اینکه دنیا به سمت تساوی بیشتر حرکت می‌کند ولی سرعت حرکت به سمت این تساوی بسیار کند است. مطالعات نشان داده است ۶۸ درصد از مشکلاتی که در اثر عدم تساوی وضعیت زن و مرد در بازار کار وجود داشت از بین رفته است ولی این فرایند تغییر بالغ بر یک قرن طول کشیده است و طی این مدت



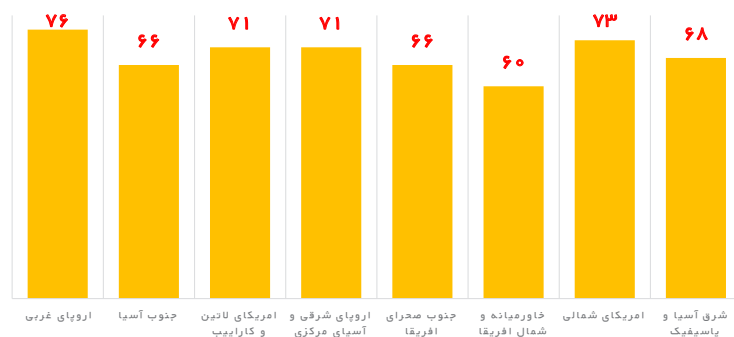
کودکانی که امروز به دنیا می آیند تنها در صورتی می توانند این برابری را شاهد باشند که در این سه منطقه زندگی کنند. در دیگر مناطق دنیا این پروسه بیش از یک قرن طول می کشد که از متوسط طول عمر بشر بیشتر است.



با وجود اینکه دنیا به سمت تساوی بیشتر حرکت می کند ولی سرعت حرکت به سمت این تساوی بسیار کند است. مطالعات نشان داده است ۶۸ درصد از مشکلاتی که در اثر عدم تساوی وضعیت زن و مرد در بازار کار وجود داشت از بین رفته است ولی این فرایند تغییر بالغ بر یک قرن طول کشیده است

مسیر وجود دارد. به عنوان مثال در خاورمیانه علاوه بر موانع مذهبی و اجتماعی، موانع اجتماعی و اقتصادی هم از مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی ممانعت می کند. مسئله های بسیار جدی که باعث می شود تا زنان فرصت های زیادی را از دست بدهند. هر چه یک کشور فقیرتر باشد نرخ مشارکت اقتصادی زنان در آن کشور پایین تر است. اما حتی با وجود این موفقیت در کشورهای صنعتی، دستمزد پرداختی به زنان در کشورهای صنعتی ۲۰ درصد پایین تر از مردان است. به طور متوسط مردان برای یک هفته کار در مشاغل غیر از کشاورزی ۹۶۰ دلار دریافت می کردند در حالی که دریافتی زنان در همان شغل و با همان مسئولیت ها حدود ۷۵۰ دلار بود. این فاصله با اعتراض شمار زیادی از زنان شغله روبه رو شده است و تلاش برای از بین بردن این فاصله همچنان ادامه دارد. باید در نظر داشت در سال ۱۹۸۰ مردان در ازای یک هفته کار همین مبلغ ۹۶۰ دلار را دریافت می کردند در حالی که دریافتی زنان کمتر از ۵۷۰ دلار بود. جالب است بدانید در عرصه سیاسی و قدرت سیاسی، زنان در امریکا وضعیت بسیار نامطلوبی دارند. بررسی ها نشان داده است شرایط زنان امریکایی در این عرصه بسیار بد است و شاید به همین دلیل باشد که در انتخابات های ریاست جمهوری تاکنون زنی پیروز نشده است و تلاش های کاندیداهای مختلف در سال های اخیر را باید تلاش هایی برای آماده سازی کشور برای حضور آینده زنان در این عرصه دانست.

چند سال طول می کشد تا زنان حقوقی مساوی مردان داشته باشند؟



جایگاه ۵۱ قرار دارد. جایگاه کشور عراق در این رده بندی ۱۴۷ و یمن ۱۴۹ است.

### چند سال طول می کشد به تساوی برسیم؟

حال مسئله دیگری که وجود دارد این است که اگر دنیا با همین روند کنونی در مسیر ایجاد برابری جنسیتی حرکت کند تا چند سال بعد می توان این برابری را شاهد بود. برای پاسخ به این سؤال باید به این نکته توجه داشت که وضعیت کشورهای مختلف با هم فرق دارد و در کلی ترین حالت می توان مناطق را تفکیک کرد. در اروپای غربی که هم اکنون رکورددار بالاترین سطح برابری جنسیتی در دنیا است حداقل ۶۱ سال طول می کشد تا شاهد این تساوی باشیم. در کشورهای جنوب آسیا این دوره زمانی ۷۰ سال طول می کشد و در امریکای لاتین و کارائیب ۷۴ سال زمان نیاز دارد.

هاروارد بیزینس ریویو نوشت: کودکانی که امروز به دنیا می آیند تنها در صورتی می توانند این برابری را شاهد باشند که در این سه منطقه زندگی کنند. در دیگر مناطق دنیا این پروسه بیش از یک قرن طول می کشد که از متوسط طول عمر بشر بیشتر است.

طبق این گزارش تجربه تساوی جنسیتی و برخورداری از امکانات یکسان در کشورهای اروپای شرقی و آسیای مرکزی ۱۲۴ سال طول می کشد و در جنوب صحرای افریقا برای رسیدن به این نقطه باید ۱۳۶ سال صبر کرد. تجربه برابری جنسیتی در خاورمیانه و شمال افریقا ۱۵۳ سال و در امریکای شمالی ۱۶۵ سال طول می کشد و در کشورهای شرق آسیا و پاسیفیک برای مشاهده این وضعیت باید ۱۷۱ سال صبر کرد. نکته مهم اینجاست که با وجود بهتر بودن وضعیت زنان در امریکای شمالی از نظر تساوی حقوقی و برخورداری از فرصت های اقتصادی نسبت به ساکنان خاورمیانه به نظر می رسد سرعت تغییر این وضعیت در این منطقه کندتر است و به همین دلیل تا رسیدن به تساوی کامل بالغ بر ۱۲ سال زمان بیشتری نیاز است. مجمع جهانی اقتصاد متوسط مدت زمان مورد نیاز برای تجربه این تغییر را ۱۰۸ سال اعلام کرده است.

### مشارکت اقتصادی و قدرت سیاسی زنان

یکی از مصادیق فرصت های برابر برای زنان و مردان در اشتغال است. زنانی که فرصتی مساوی مردان برای اشتغال در اختیار دارند با سرعت بیشتری می توانند در جهت احقاق حقوق برابر حرکت کنند ولی بررسی ها نشان می دهد در دنیا فرصت های اقتصادی زیادی از زنان گرفته می شود و نرخ مشارکت اقتصادی زنان کمتر از مردان است. فاصله ای که به دلایل فرهنگی و اجتماعی ایجاد شده است و هر روز بزرگ تر می شود. البته زنان در کشورهای صنعتی توانسته اند تا اندازه زیادی این فاصله را از بین ببرند.

مطالعات نشان داده است بعد از قرن ها تلاش زنان برای برخورداری از حق یکسان اشتغال با مردان، بالاخره در سال ۲۰۱۹ میلادی نرخ مشارکت اقتصادی زنان در کشورهای صنعتی مشابه مردان شد. در سال ۱۹۸۰ میلادی نرخ مشارکت اقتصادی مردان برابر با ۶۳ درصد بود در حالی که نرخ مشارکت اقتصادی زنان در این سال برابر با ۳۴ درصد اعلام شده است. این فاصله کمتر شد تا اینکه در سال ۲۰۱۹ مشارکت اقتصادی زنان و مردان در کشورهای صنعتی برابر شد. اما این تصویر موفقیت آمیز تنها مخصوص کشورهای صنعتی است و در کشورهای در حال توسعه و فقیر هنوز فاصله زیادی تا رسیدن به تعادل در این

# به صرفه ترین مقصد گردشگری

## تهدیدی که به فرصت تبدیل شد

میان ۱۴۰ کشور مورد مطالعه ایران از نظر قیمت پایین سوخت رتبه پنجم را در دنیا دارد و به دلیل افت ارزش ریال در سالهای اخیر، مسافران برای خرید کالاهای مختلف در ایران و پرداخت هزینه های سفر به منابع مالی اندکی نیاز دارند.

### ایران و مصر، کشورهای شاخص خاورمیانه و شمال آفریقا

مجمع جهانی اقتصادی در این گزارش به آثار فرهنگی و تاریخی موجود در ایران اشاره کرد و نوشت: هیچیک از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا از نظر سطح منابع طبیعی و آثار فرهنگی و تاریخی، امتیازی بیش از متوسط جهانی ندارند و تنها دو کشور ایران و مصر هستند که در این رده بندی در میان کشورهای صدرنشین قرار دارند و مسافرانی که خواستار دیدن مکان های تاریخی و فرهنگی هستند می توانند به این کشورها سفر کنند.

طبق این گزارش کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در سال های اخیر سرمایه گذاری زیادی در بخش سفر و توریسم انجام داده اند و توانسته اند قدرت رقابت خود را در این زمینه افزایش دهند. در سال ۲۰۱۹ میلادی در مقایسه با سال ۲۰۱۷ سهم درآمد صنعت توریسم به تولید ناخالص داخلی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا رشد کرده است و این مسئله ای بسیار مهم است. هرچه سهم صنعت توریسم در اقتصاد این کشورها بیشتر باشد به این معنا است که سرمایه گذاری در زیرساخت های کشور بیشتر شده است و این سرمایه گذاری زمینه ساز رشد اقتصادی و صنعتی و به دنبال آن رشد فرصت های شغلی در کشور شده است. از طرف دیگر از وابستگی اقتصاد این کشورها به نفت و درآمد نفتی نیز کاسته خواهد شد.

### خارجی ها بیشتر هزینه می کنند

مجمع جهانی اقتصاد در ادامه نوشت: مبلغی که مسافران خارجی در ایران هزینه می کنند بیشتر از مسافران داخلی است و به همین دلیل زمینه سازی برای جذب مسافران خارجی مزایای اقتصادی زیادی برای کشور دارد. با وجود این آمار، باز هم متوسط هزینه مسافران بین المللی در سفر به ایران و دیگر کشورهای خاورمیانه کمتر از متوسط هزینه هر فرد در سفر در جهان است.

اما با اینکه ایران به عنوان مقرون به صرفه ترین مقصد سفر در دنیا معرفی شده است، هنوز این کشور تا تبدیل شدن به مقصد اصلی فاصله زیادی دارد. آمار نشان می دهد کشورهای اسپانیا و فرانسه و آلمان و ژاپن و امریکا اصلی ترین مقاصد سفر در دنیا هستند و بیشترین میزان درآمد را از صنعت توریسم دارند. مقصد اصلی گردشگری دنیا در گزارش سال ۲۰۱۹ میلادی نسبت به

افت ارزش ریال ایران در سال های اخیر سبب شد تا سفر به ایران به عنوان سفری ارزان معرفی شود و در رده بندی مقاصد گردشگری به صرفه جایگاه اول را بگیرد. از سال گذشته تاکنون ارزش پول ملی ایران با سرعت زیادی کاهش یافت که هزینه های زیادی را به اقتصاد کشور تحمیل کرد ولی از دل این هزینه های کلان می توان شاهد فرصت های تازه ای هم بود. فرصت هایی از قبیل ارزان شدن هزینه سفر خارجی به ایران که خود می تواند باعث کسب درآمد بیشتر ایران از این محل باشد.

این فرصت در کنار قرار گرفتن ایران در فهرست کشورهای امن برای سفر مسئله ای به شدت جدی است. ایران در این فهرست در کنار کشورهای فرانسه و انگلیس و ایرلند در میان کشورهایی قرار دارد که برای مسافران خارجی امن است و هر روز بر شمار افراد متقاضی برای سفر به ایران افزوده می شود. پیش از این هم رسانه ها بارها در مورد مزایای اقتصادی سفر به ایران سخن گفته بودند و قیمت پایین پرواز و سوخت را از مزایای این سفر معرفی کرده بودند ضمن اینکه زیبایی های طبیعی و آثار باستانی این کشور هم مسئله ای بسیار مهم است. اما گزارش اخیر مجمع جهانی اقتصاد تاکید دیگری بود بر اهمیت این مسئله برای کشوری که به دلیل فشارهای تحریم با موانع اقتصادی زیادی روبه رو است.

مجمع جهانی اقتصاد اخیراً گزارشی ارائه داده است و رسماً از ایران به عنوان ارزان ترین مقصد گردشگری در دنیا نام برده است. برای این رده بندی فاکتورهای مهمی در نظر گرفته شده است که از جمله آنها می توان به هزینه پایین گمرک و هزینه های فرودگاهی، قیمت سوخت، و قدرت خرید مسافر در کشور میزبان اشاره کرد. طبق این گزارش در رده بندی جهانی و در

### مونا مشهدی رجبی

دبیر بخش آینده

منبع: هاروارد بیزینس ریویو

چرا باید خواند:

صنعت توریسم یکی

از صنایع مهم در

اقتصاد دنیا است و

هرچه زیرساخت های

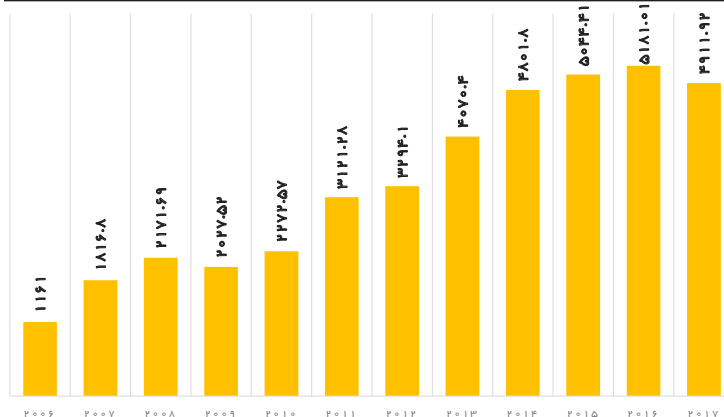
توسعه یافته تری ایجاد

شود، زمینه برای کسب

درآمد از این صنعت

بیشتر می شود.

شمار توریست های وارد شده به ایران (هزار نفر)



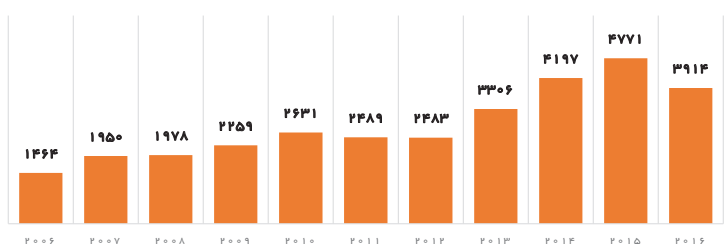
در سال ۲۰۱۹ میلادی در مقایسه با سال ۲۰۱۷ سهم درآمد صنعت توریسم به تولید ناخالص داخلی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا رشد کرده است و این مسئله‌ای بسیار مهم است. هر چه سهم صنعت توریسم در اقتصاد این کشورها بیشتر باشد به این معنا است که سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کشور بیشتر شده است



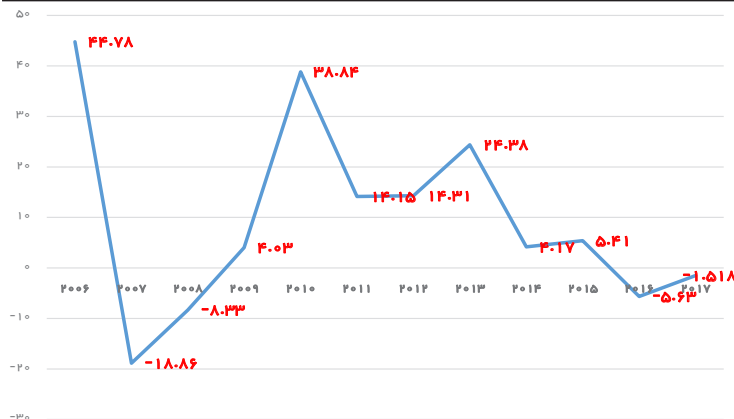
آمارها نشان می‌دهد که میزان سفر به ایران در سال‌های اخیر علی‌رغم فشارهای غربی افزایش یافته است. در سال گذشته یعنی سال ۱۳۹۷ شمسی ۷/۸ میلیون مسافر خارجی وارد ایران شده‌اند که نسبت به سال قبل از آن ۵۲/۲ درصد رشد کرده است

که برای درمان به ایران سفر کنند. انتظار می‌رود تا سال ۱۴۰۴ یعنی در فاصله مارس ۲۰۲۵ تا مارس ۲۰۲۶ شمار مسافران درمانی در ایران به مرز ۲ میلیون نفر برسد. در سال ۲۰۱۸ میلادی ایران بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار از صنعت توریسم درآمد داشت ولی در نظر دارد با زمینه‌سازی برای جذب شمار بیشتری توریست تا سال ۲۰۲۵ میلادی، شمار توریست‌ها را به ۲۰ میلیون نفر و میزان درآمد این صنعت را به ۳۰ میلیارد دلار در سال برساند. ■

درآمد صنعت توریسم در ایران (میلیون دلار)



نرخ رشد ورود توریست به ایران (درصد)



سال ۲۰۱۷ میلادی تغییر چندانی نکرده است و تنها بریتانیا از جایگاه پنجم به جایگاه ششم و بعد از امریکا رفته است.

## رشد توریسم در دنیا

بررسی‌ها نشان می‌دهد سهم درآمد صنعت توریسم در دنیا نسبت به تولید ناخالص داخلی در حال افزایش است. از طرف دیگر با افزایش میزان درآمد طبقه متوسط دنیا به‌خصوص جمعیت کشورهای در حال توسعه آسیایی، انتظار می‌رود میزان سفر و مبلغی که برای این کار هزینه می‌شود هرروز افزایش یابد. به‌عنوان مثال در سال ۲۰۱۹ بالغ بر ۵ درصد تولید ناخالص داخلی اسپانیا از توریسم تأمین می‌شد ولی در سال ۲۰۳۰ این سهم به مرز ۱۰ درصد خواهد رسید. رشد سهم درآمد صنعت توریسم در اقتصاد دنیا هم در سال‌های پیش رو همچنان ادامه خواهد داشت.

مجمع جهانی اقتصاد پیش‌بینی می‌کند تا یک دهه آینده سهم صنعت توریسم به تولید ناخالص داخلی دنیا به ۵۰ درصد برسد در حالی که هم‌اکنون این سهم کمتر از ۱۰ درصد است. از طرف دیگر میزان هزینه‌ای که آسیایی‌ها به‌خصوص مردم چین در این بخش انجام می‌دهند بیشتر می‌شود زیرا آنها با سرعت زیادی شاهد افزایش درآمدشان هستند و منابع مالی لازم برای سفر را در اختیار خواهند داشت.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در این گزارش مطرح شده است ضرورت سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های مناسب برای جذب توریست است. زیرساخت‌هایی از قبیل جاده و بندر و فرودگاه و هتل که زمینه را برای یک اقامت خوب در کشور میزبان فراهم می‌کند... کریستوفر ولف، رئیس یکی از بخش‌های مرتبط با صنعت توریسم در مجمع جهانی اقتصاد می‌گوید: با توسعه شبکه‌های ارتباطی، دنیا به هم متصل شده است. این نزدیکی و اتصال مزایای زیادی برای صنعت توریسم دارد ولی باید از این امکان به‌درستی استفاده شود و مدیریت صحیحی هم در این زمینه انجام شود.

## توریسم در ایران

آمارها نشان می‌دهد که میزان سفر به ایران در سال‌های اخیر علی‌رغم فشارهای غربی افزایش یافته است. در سال گذشته یعنی سال ۱۳۹۷ شمسی ۷/۸ میلیون مسافر خارجی وارد ایران شده‌اند که نسبت به سال قبل از آن ۵۲/۲ درصد رشد کرده است. در سال ۱۳۹۶ شمسی شمار مسافران خارجی که به ایران سفر کردند برابر با ۵/۱ میلیون نفر بوده است.

از طرف دیگر با سیاست‌هایی که اخیراً در ایران اجرا شده است، انتظار می‌رود شمار مسافران چینی به ایران رشد کند. رشد شمار توریست‌ها در سال جاری به دلیل اجرای قانون لغو ویزا بین ایران و چندین کشور دوست است.

از طرف دیگر سفر درمانی به ایران هم در سال‌های اخیر رشد زیادی داشته است. آمار نشان می‌دهد در ۴ ماه اول سال ۱۳۹۸ یعنی در فاصله ۲۱ مارس سال ۲۰۱۹ تا ۲۱ جولای همین سال بالغ بر ۶۰۰ هزار نفر برای برخورداری از خدمات درمانی به ایران سفر کرده‌اند. کیفیت بالای خدمات درمانی در ایران در مقایسه با شمار زیادی از کشورهای همسایه بیماران را ترغیب می‌کند

## ورق برگشت

## آیا چین عامل رکود اقتصاد دنیا خواهد بود؟

فعال بودند ولی از ابتدای سال جاری تاکنون اغلب این کارخانه‌ها یا تعطیل شده‌اند یا تولید خود را تقلیل داده‌اند. در بخش شرقی این کشور هم صدها کارخانه تولید محصولات شیمیایی تعطیل شدند و در جنوب شرق این کشور تعطیلی تعداد زیادی از واحدهای صنعتی و تولیدی زمینه را برای افزایش نرخ بیکاری و اعتراضات مردم فراهم کرده است.

افت نرخ رشد اقتصادی در چین تنها در سال ۲۰۱۹ اتفاق نیفتاده است، آمارها نشان می‌دهد از سه ماه آخر سال ۲۰۱۸ میلادی تاکنون ما شاهد تنزل نرخ رشد اقتصادی این کشور هستیم و این موضوع برای کشوری که سال‌ها موتور رشد اقتصاد دنیا بود یک معضل بزرگ محسوب می‌شود.

## نشانه‌های رکود در اقتصاد چین

از تابستان سال ۲۰۱۸ فروش خودرو در کشور چین تنزل پیدا کرده است، فروش گوشی‌های هوشمند کمتر شد و حتی بازار مسکن هم وارد رکود شد. اقتصاد این کشور در فصل آخر سال ۲۰۱۸ با نرخ ۶۶ درصد رشد کرد که کمترین نرخ رشد از سال ۱۹۹۰ بوده است. این روند در سال جاری هم ادامه داشت.

تنش در روابط سیاسی و اقتصادی بین آمریکا و چین هم باعث شد تا تعداد زیادی از کارخانه‌های آمریکایی فعال در چین از این کشور خارج شوند و تعداد زیادی از مردم بیکار شوند. رشد بیکاری ضمن کاستن از قدرت خرید مردم در چین زمینه را برای از بین رفتن ثبات اجتماعی هم فراهم می‌کند که تبعات منفی زیادی دارد. از طرف دیگر تنش روابط تجاری آمریکا و چین باعث شد تا صادرات محصولات چینی کمتر شود و سخت‌گیرانه‌تر شدن سیاست‌های سرمایه‌گذاری در چین موجب تنزل ورود سرمایه‌های خارجی به این کشور شد. کمیسونر ارشد اتحادیه اروپا در مصاحبه‌ای با یورو نیوز گفت: سرمایه‌گذاری اروپا در چین کاهش یافته است زیرا با قوانین تازه‌ای که در این کشور وضع شده است، کار و تجارت با این کشور بسیار سخت‌تر شده است. در یک سال اخیر قانونی که چین وضع کرده است شامل تضمین انتقال تکنولوژی به چین در صورت سرمایه‌گذاری برای آغاز کار در این کشور است که در مواردی خلاف قوانین اروپا است. همچنین تبعیض موجود بین بازاری که شرکت‌های چینی در اختیار دارند و بازاری که شرکت‌های خارجی در دسترس دارند می‌تواند بر مشکلات بیفزاید. دولت چین از طریق پرداخت یارانه‌های زیاد به شرکت‌های چینی زمینه را برای تنزل قیمت تولیدات این کشور در بازارهای مصرف داخلی و خارجی فراهم می‌کند که این سیاست خلاف اصول تجارت آزاد است و فضای رقابتی را بر هم می‌زند.

## چرا چین اهمیت دارد؟

چین دومین اقتصاد بزرگ دنیا است. ارزش تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۹ میلادی برابر با ۱۴.۲ هزار میلیارد دلار بود و

رشد بالای اقتصادی چین همیشه یکی از نقاط مثبت برای اقتصاد این کشور و نقطه عطف اقتصاد دنیا بود ولی بررسی آمارهای اخیر نشان می‌دهد این وضعیت دیگر در مورد کشور چین صادق نیست. برخی بر این باورند که حتی جنگ تجاری اخیر آمریکا با چین تلاشی است از طرف ابرقدرت اقتصادی دنیا برای ممانعت از قدرت گرفتن چین و تبدیل شدن این کشور به قدرتی که مقابله با آن از طرف مقامات اقتصادی آمریکایی غیرممکن باشد. طبق این نظریه سیاست آمریکا به کمک اقتصادش آمده است تا پیش از ظهور یک ابرقدرت اقتصادی دیگر در مقابل آن بایستد. مسئله‌ای غیرقابل اغماض و البته بسیار مهم.

نشریه اقتصادی اکونومیکا در گزارشی با اشاره به این مطلب که افت نرخ رشد اقتصادی چین در سال‌های اخیر می‌تواند مانع از رشد اقتصادی دنیا شود نوشت: در گذشته چین موتور رشد اقتصاد دنیا بود و در سال‌های رکود اقتصادی سهم زیادی در بازگرداندن رونق به اقتصاد دنیا داشت ولی با توجه به تنش‌های تجاری ایجادشده بین دو کشور چین و آمریکا افت نرخ رشد اقتصادی داخلی این کشور به نظر می‌رسد نه تنها نتواند در زمینه اصلاح شرایط اقتصادی دنیا کاری بکند بلکه خود عاملی برای تشدید بحران در اقتصاد دنیا باشد.

این نشریه به گزارش‌های اخیر بانک جهانی مبنی بر کاهش نرخ رشد اقتصادی دنیا در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ میلادی و حتی احتمال رکود اقتصادی در این سال‌ها اشاره کرد و نوشت: جهان در حال گذر است و نرخ رشد اقتصادی دنیا در نتیجه سیاست‌هایی که در این سال‌ها اجرا شده است، سیر نزولی به خود گرفته است. هم‌اکنون در اغلب مطالعات از احتمال رکود در اقتصاد دنیا صحبت می‌شود ولی این بار خروج از رکود به سرعت سال ۲۰۰۸ نخواهد بود زیرا موتوری که در سال ۲۰۰۸ اقتصاد دنیا را از بحران خارج کرده بود، از کار افتاده است. ما شاهد رکود در اقتصاد چین هستیم و این موضوعی بسیار جدی و مهم است.

نیویورک تایمز با اشاره به جایگاه چین در خارج شدن اقتصاد دنیا از رکود سال ۲۰۰۸ میلادی نوشت: تعطیلی کارخانه‌های آمریکایی در چین را می‌توان نشانه‌ای از تأثیر سیاست آمریکا روی اقتصاد این کشور دانست. در غرب چین تعداد زیادی از کارخانه‌های خودروسازی آمریکایی که مونتاژ خودروهای تولیدشده در آمریکا را بر عهده داشتند،

منبع: International

Transparency

چرا باید خواند:

جنگ تجاری

خبر آمریکا و چین

مسئله‌ای است که این

روزها به آن پرداخته

شده است. اما به نظر

می‌رسد ریشه این

جنگ، نگرانی آمریکا

از قدرت گرفتن چین

باشد.

چین بالغ بر

۱.۳ میلیارد نفر

جمعیت دارد و بالغ

بر ۷۸۸ میلیون نفر

از این افراد در بازار

کار حضور دارند.

این یعنی بازاری

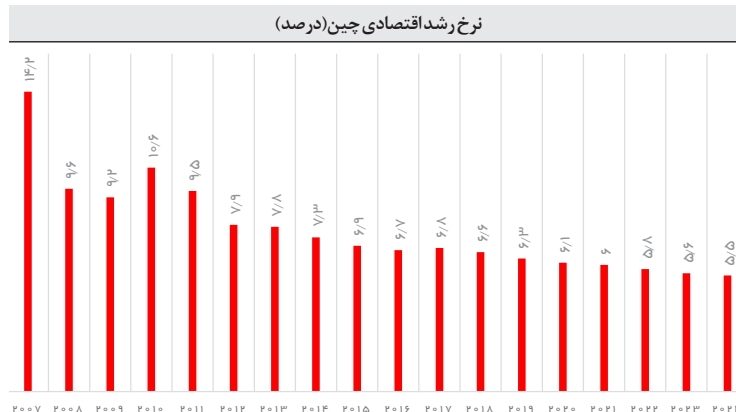
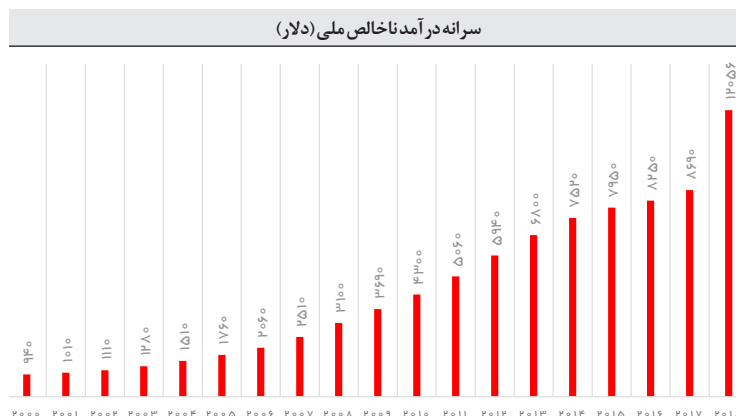
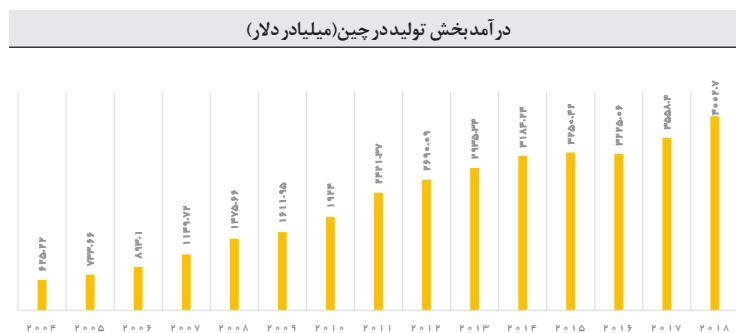
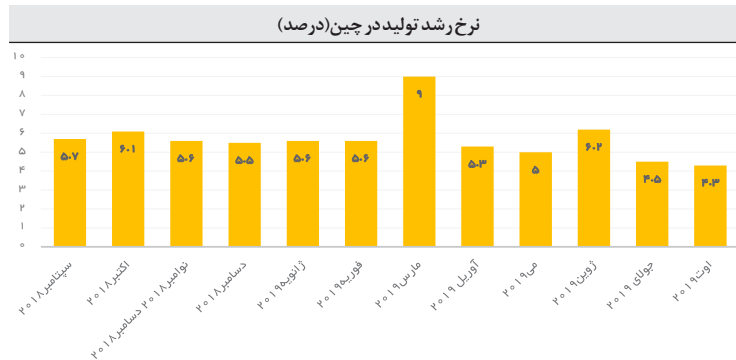
بزرگ برای مصرف

و بازاری بسیار

وسیع برای کار

مقایسه شاخص‌های اقتصادی چین و آمریکا در سال ۲۰۱۸		
امریکا	چین	
۲۰۴۹۴	۱۳۴۰۷	تولید ناخالص داخلی اسمی (میلیارد دلار)
۲۰۴۹۴	۲۵۲۷۰	تولید ناخالص داخلی بر مبنای برابری قدرت خرید (میلیارد دلار)
۶۲۶۰۶	۹۶۰۸	سرانه تولید ناخالص داخلی اسمی (دلار)
۹۲۶۰۶	۱۸۱۱۰	سرانه تولید ناخالص داخلی بر مبنای برابری قدرت خرید (دلار)

در سال ۲۰۰۸ میلادی رشد سریع اقتصاد چین و توسعه اقتصادی و صنعتی در این کشور باعث شده بود تا از شدت آسیبی که اقتصاد دنیا در نتیجه بحران‌های کشورهای صنعتی متحمل شده بود کاسته شود ولی این بار چین به عامل تضعیف کننده اقتصاد دنیا تبدیل شده است.



این کشور در سال قبل با نرخ ۶۶ درصد رشد کرد ولی انتظار می‌رود متوسط نرخ رشد اقتصادی چین در سال جاری به مرز ۶.۳ درصد برسد. سرانه تولید ناخالص داخلی اسمی در این کشور آسیایی در سال ۲۰۱۸ میلادی برابر با ۹ هزار و ۶۰۰ دلار بود و سرانه تولید ناخالص داخلی بر مبنای برابری قدرت خرید بالغ بر ۱۸ هزار دلار بوده است. اقتصاد این کشور وابسته به خدمات است ولی نکته مهم و کلیدی در این کشور شمار بالای جمعیت و نیروی کار است. چین بالغ بر ۱.۳ میلیارد نفر جمعیت دارد و بالغ بر ۷۸۸ میلیون نفر از این افراد در بازار کار حضور دارند. این یعنی بازاری بزرگ برای مصرف و بازاری بسیار وسیع برای کار.

از طرف دیگر نرخ بالای رشد اقتصادی این کشور و سرعت بالای صنعتی شدن این کشور هم از فاکتورهای بسیار بااهمیت بود که باعث شدن این کشور به یکی از مهم‌ترین کشورهای در عرصه بین‌المللی تبدیل شود.

سرعت بالای رشد اقتصادی این کشور و تبدیل شدنش به یک رقیب مهم اقتصادی برای آمریکا مسئله‌ای بسیار مهم برای اقتصاد دنیا محسوب می‌شود. ابرقدرتی بزرگ در عرصه اقتصادی که این بار در قاره آسیا است، مقابله اخیر آمریکا با چین در عرصه اقتصادی و تلاش آمریکا برای محدود کردن سرعت رشد اقتصادی این کشور هم به خوبی نشان داد که رشد اقتصادی چین باعث نگرانی آمریکا است.

#### مشکلی که به بحران دامن می‌زند

در این که اقتصاد چرخه‌های رکود و رونق را تجربه می‌کند و این روندی کاملاً عادی و طبیعی در عرصه اقتصادی است تردیدی وجود ندارد. ولی به نظر می‌رسد خارج شدن چین از دوره رونق در وضعیت فعلی اقتصاد دنیا می‌تواند بر شدت بحران‌های اقتصادی اضافه کند. اقتصاد آمریکا بعد از تجربه یک دوره رونق دهساله از انتهای سال ۲۰۱۸ میلادی نشانه‌هایی از رکود را تجربه کرده است. از طرف دیگر تصمیم سران اقتصادی مبنی بر افزایش نرخ بهره بانکی در این کشور و عادی کردن این شاخص مهم اقتصادی هم می‌تواند ترمز بزرگ‌تری برای رشد اقتصادی محسوب شود. در اروپا هم وضعیت چندان مطلوب نیست و نشانه‌هایی از بحران حتی در اقتصادهای بزرگی مانند آلمان دیده می‌شود. آمارهای رسمی کشور آلمان خبر از کاهش نرخ رشد فعالیت‌های صنعتی و تولیدی در این کشور می‌دهد که موضوعی بسیار نگران کننده است.

در سال ۲۰۰۸ میلادی رشد سریع اقتصاد چین و توسعه اقتصادی و صنعتی در این کشور باعث شده بود تا از شدت آسیبی که اقتصاد دنیا در نتیجه بحران‌های کشورهای صنعتی متحمل شده بود کاسته شود ولی این بار چین به عامل تضعیف کننده اقتصاد دنیا تبدیل شده است.

بانک جهانی در گزارشی با عنوان افق تاریک اقتصاد دنیا هشدار داد تنزل نرخ رشد اقتصادی در چین روی اقتصاد کشورهای که شریک تجاری این کشور هستند تأثیر مخرب دارد. این کشور بعد از آمریکا بزرگ‌ترین واردکننده دنیا است و کالاهای مختلفی را از کشورهای متفاوت وارد می‌کند اما اصلی‌ترین صادرکننده ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی به چین کشور آمریکا است. اگر اقتصاد چین با بحران روبه‌رو شود، بدون شک این بحران دامن اقتصاد آمریکا را هم می‌گیرد.

# بازاری پر از التهاب

در سال ۲۰۲۰ بازار نفت دنیا به چه سویی می‌رود

افزایشی خواهد داشت ولی با توجه به وضعیت کنونی حاکم بر بازار بعید به نظر می‌رسد این همراهی از طرف روسیه ادامه داشته باشد و این یعنی مرگ سیاستی که اوپک در دو سال اخیر اجرا کرده است. همچنین اگر اقتصاد دنیا بحران را تجربه کند و شاهد افت نرخ رشد خود باشد، باید سیاست کاهش تولید اوپک با شدت بیشتری دنبال شود و همکاری کشورهای تولیدکننده در این زمینه بیشتر و بیشتر شود.

## وضعیت بازار

برای تعیین قیمت نفت در بازار عرضه و تقاضای نفت اهمیت زیادی دارد. اخیراً سازمان‌های مهم بین‌المللی برای اینکه تصویری از بازار در سال ۲۰۲۰ ارائه دهند اقدام به پیش‌بینی میزان عرضه و تقاضا کردند.

آژانس بین‌المللی انرژی در گزارش اخیر خود نوشت که در سال ۲۰۱۹ میلادی تقاضای نفت در دنیا ۱۰۱ هزار بشکه در روز نسبت به متوسط تقاضای این سال رشد خواهد کرد. این در حالی است که پیش‌تر عنوان شده بود که تقاضا برای این منبع انرژی در دنیا در سال جاری ۱۳ میلیون بشکه در هر روز بیشتر خواهد شد. این یعنی افت میزان تقاضا در سال جاری و به دنبال آن کاهش قیمت این منبع ارزشمند انرژی. البته در سال ۲۰۲۰ میلادی هم وضعیت بر همین منوال خواهد بود و میزان تقاضا نرخ رشد کمتری خواهد داشت.

آژانس بین‌المللی انرژی در این گزارش به وضعیت کنونی کشور عربستان و حمله به تأسیسات نفتی این کشور اشاره کرد و نوشت: انتظار می‌رفت بعد از این اتفاق و کاهش توان تولید عربستان قیمت نفت در بازار جهانی رشد کند ولی مشاهده شرایط کنونی بازار نشان می‌دهد که این اتفاق نیفتاد. دلیل این مسئله را می‌توان کاهش میزان تقاضا نسبت به برآوردهای قبلی و افزایش توان تولید آمریکا که روزگاری اصلی‌ترین و بزرگ‌ترین مصرف‌کننده و واردکننده نفت محسوب می‌شود، دانست.

## قیمت نفت در سال ۲۰۲۰

وال استریت ژورنال در گزارش اخیر به سیاست‌های اخیر روسیه و عدم تمایل این کشور به همکاری با اوپک در زمینه کاهش تولید نفت اشاره کرد و نوشت: روسیه کشوری بسیار مهم در بازار انرژی دنیا است و اگر این کشور با اوپک همکاری نکند، سیاست کاهش تولید نفت اوپک بی‌تأثیر خواهد بود. در این شرایط قیمت نفت بیش‌ازپیش کاهش پیدا می‌کند. این نشریه به سخنان اخیر مقامات روسیه مبنی بر آمادگی بانک مرکزی این کشور برای افت ۲۵ دلاری قیمت نفت اشاره کرد و نوشت: به نظر می‌رسد دیدگاه خاصی در پس این سخنان قرار دارد. اگر روسیه تولید خود را کاهش ندهد، قیمت نفت در بازار کاهش پیدا می‌کند و شاید بیشترین آسیب را رقیب اصلی‌اش در منطقه یعنی عربستان متحمل شود.

وال استریت ژورنال به نقل از مرکز مطالعات بازار نفت آمریکا متوسط قیمت هر بشکه نفت برنت دریای شمال را در سال ۲۰۲۰ میلادی برابر با ۶۱٫۹۵ دلار اعلام کرد که کمتر از برآوردهای قبلی خواهد بود. در سال جاری میلادی متوسط قیمت نفت در بازار ۶۴٫۶۰ دلار پیش‌بینی شده است. ■

بازار نفت یکی از بازارهای بسیار مهم و استراتژیک است که پیش‌بینی آن برای فعالان اقتصادی و سیاست‌گذاران اهمیت زیادی دارد و عملکرد آن روی بازارهای کالایی در دنیا تأثیر زیادی دارد. طبق گزارش مرکز مطالعات ریسرچ انرژی، دو عامل هستند که می‌توانند روی قیمت نفت در سال ۲۰۲۰ میلادی تأثیر داشته باشند. اولین و اصلی‌ترین عامل وضعیت اقتصادی دنیا است. بیش از یک دهه از آغاز رکود اقتصادی قبلی در دنیا گذشته است و اخیراً پیش‌بینی‌هایی مبنی بر احتمال رکود در اقتصاد دنیا مطرح شده است. در صورتی که این پیش‌بینی محقق شود و اقتصاد دنیا رکود را تجربه کند، بازار نفت در دنیا تحت تأثیر قرار می‌گیرد. رکود اقتصادی به معنای کاهش تقاضا برای نفت در بخش‌های صنعتی و تولیدی است و کاهش تقاضا می‌تواند زمینه‌ساز افت قیمت نفت در بازار شود. در صورتی که اقتصاد دنیا این بار وارد رکود شود، چالش‌های بیشتر و بزرگ‌تری در بازار مشاهده خواهد شد زیرا در رکود سال ۲۰۰۸، چین به‌عنوان موتور رشد اقتصادی دنیا به خارج شدن جهان از رکود کمک کرد ولی این بار چین هم با چالش‌های زیادی در اقتصاد داخلی مواجه است و نمی‌تواند در حل این معضل تلاشی بکند. برخی بر این باورند که بحران موجود در اقتصاد چین خود شدت بحران در اقتصاد دنیا را بیشتر می‌کند و مسئله‌ای بسیار جدی است.

مسئله دیگری که روی وضعیت بازار در سال ۲۰۲۰ تأثیر دارد، وضعیت سازمان اوپک است. اوپک بزرگ‌ترین کارتل نفتی در دنیا است و یک‌سوم نفت دنیا را تولید می‌کند به همین دلیل تصمیمات این سازمان می‌تواند تأثیر زیادی روی قیمت نفت در بازار داشته باشد. اما این یک سوی ماجرا است. در سوی دیگر افت قدرت این سازمان در دنیا و قدرت‌گیری کشورهای از قبیل آمریکا و روسیه در بازار انرژی مطرح است که بدون همکاری آنها هیچ‌یک از سیاست‌های اوپک نمی‌تواند ثمربخش باشد.

به هر حال اوپک در سال‌های اخیر اقدام به کاهش تولید کرد تا از این طریق مانع افت قیمت نفت در بازار شود. البته این سیاست با موافقت و مشارکت کشور روسیه انجام شد زیرا روسیه هم تمایلی به تجربه افت قیمت نفت در بازار نداشت. اجرای سیاست کاهش تولید هنوز هم در بازار نفت ادامه دارد و اگر این سازمان اجرای سیاست مذکور را ادامه دهد، قیمت در بازار روند

## مونا مشهدی رجبی

دبیر بخش آینده

## منبع: هاروارد بیزینس ریویو

## چرا باید خواند:

بازار نفت یکی از

بازارهای مهم و

استراتژیک است و به

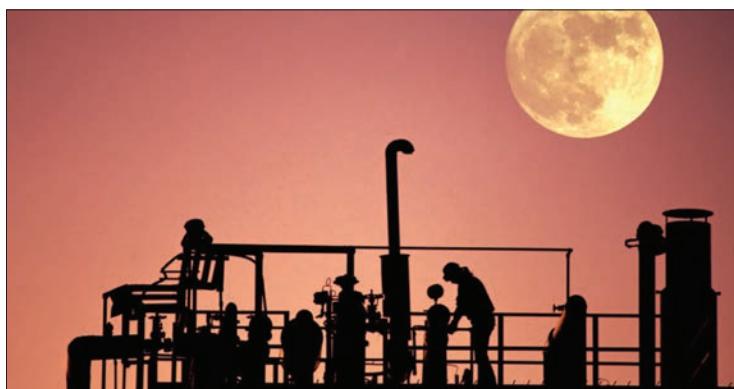
همین دلیل پیش‌بینی

در مورد قیمت نفت در

سال ۲۰۲۰ از هم‌اکنون

آغاز شده است.

وال استریت ژورنال به نقل از مرکز مطالعات بازار نفت آمریکا متوسط قیمت هر بشکه نفت برنت دریای شمال را در سال ۲۰۲۰ میلادی برابر با ۶۱٫۹۵ دلار اعلام کرد.



# ..... آکادمی .....



ظرفیت مالیات‌ستانی دولت در ایران چگونه باید باشد؟

چرا در ایران نسبت به سایر کشورها سهم درآمد دولت از مالیات کم است؟ نسبت توسعه‌یافتگی و مالیات‌ستانی چگونه است و در شرایط فعلی که درآمد نفتی دولت کم شده، چه راهی در پیش دارند؟ در این مقاله محمد وصال، استادیار اقتصاد پاسخ می‌دهد.

پیش

قانونی قابل توجهی رخ داده است. به طور مثال در اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم سال ۱۳۸۰ مالیات بر اشخاص حقوقی (شرکت‌ها) از ۹ نرخ متمایز برای سطوح مختلف سود با حداکثر نرخ مالیات بالای ۵۰ درصد به یک نرخ ثابت ۲۵ درصد تغییر کرد. این البته تنها تغییر در اصلاح ۱۳۸۰ نبوده ولی به نظر می‌رسد هیچ‌یک از اصلاحات این سال اثری قابل توجه بر توان مالیات‌ستانی دولت نداشته است. این نمودارها دو سوال اساسی را در ذهن ایجاد می‌کند: چرا در ایران نسبت به سایر کشورها سهم درآمد دولت از مالیات کم است؟ و اینکه چرا توسعه‌یافتگی و مالیات‌ستانی یک رابطه مثبت باهم دارند؟

چرا باید خواند:

اگر به موضوعات

راهبردی توسعه

مثل مالیات و

مالیات‌ستانی علاقه

دارید و می‌خواهید

بدانید جایگاه مالیات

در توسعه اقتصادی

کجاست، خواندن این

مقاله به شما توصیه

می‌شود.

## وضعیت مالیات‌ها در ایران

سهم پایین مالیات لزوماً به معنای عدم ایجاد مانع برای فعالیت‌ها نیست. ممکن است دولت مالیات اندکی جمع کند اما به علت پیچیدگی و طراحی ناصحیح نظام مالیاتی، فشار مضاعفی بر فعالان اقتصادی در بخش رسمی وارد کند. گزارش سالانه فعالیت‌های اقتصادی بانک جهانی<sup>۱</sup> نشان‌گر آن است که زمانی که یک بنگاه نمونه برای محاسبه و پرداخت مالیات‌ها در ایران صرف می‌کند ۳۴۴ ساعت در سال است. رتبه وضعیت مالیات‌ستانی از بنگاه‌ها نیز برای ایران ۱۰۰ گزارش شده است. بسیاری از کشورهایی که سهم به مراتب بیشتری از تولید را به عنوان مالیات اخذ می‌کنند از رتبه بهتری نسبت به ایران در زمینه مالیات‌ها برخوردارند.

دوگانه سهم پایین مالیات از تولید و فشار زیاد به بنگاه‌های رسمی این طور قابل تحلیل است که بخش‌های گسترده‌ای از اقتصاد یا رسماً از مالیات معاف هستند و یا به صورت غیررسمی و خارج از چتر مالیاتی فعالیت می‌کنند. معافیت‌های بخشی و موردی با هدف تشویق فعالیت‌های هدف

یکی از موضوعات سیاستی چالش‌برانگیز در اغلب کشورها بحث مالیات‌هاست. در ایران معمولاً مسئله مالیات به عنوان یکی از مشکلات اصلی بنگاه‌های اقتصادی بر شمرده می‌شود، اما در سال‌های اخیر و در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری گذشته کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در سال‌های اخیر مطالبه‌هایی مبنی بر کاهش وابستگی دولت به درآمدهای نفتی و عادلانه شدن نظام مالیاتی مطرح شده است که نشان از افزایش اهمیت موضوع دارد. در انتخابات اخیر نیز وعده‌هایی در خصوص اصلاح نظام مالیاتی به نفع همه اқشار مطرح شد. در این نوشتار تلاش می‌شود وضعیت مالیات‌ها در ایران بررسی و با سایر کشورها مقایسه شود.

شکل ۱ نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی

را در مقابل تولید ناخالص داخلی سرانه برای کشورهای دنیا در سال ۱۳۸۷ ترسیم می‌کند. به نظر می‌رسد کشورهایی که از سطح بالاتر توسعه‌یافتگی برخوردارند، سهم بالاتری از تولید سالانه خود را به صورت مالیات اخذ می‌کنند. این تصویر شاید به نوعی خلاف انتظار باشد. چراکه معمولاً مالیات به عنوان مانعی برای تولید به حساب می‌آید، اما این نمودار خلاف این را نشان می‌دهد. وضعیت ایران در این نمودار مبین سهم بسیار پایین مالیات در تولید است. در واقع باتوجه به سطح توسعه‌یافتگی ایران انتظار می‌رفت نسبت مالیات به تولید در حدود ۲۰ درصد باشد در حالی که وضعیت فعلی زیر ۷ درصد است. برای روشن شدن ظرفیت مالیات‌ستانی دولت در ایران، شکل ۲ سهم مالیات از تولید را برای سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۴ نشان می‌دهد. به طور متوسط در کل این دوره ۵۴ درصد از تولید به صورت مالیات اخذ شده است. در واقع غیر از برخی از سال‌ها در دهه ۱۳۵۰ سهم مالیات از تولید همواره زیر ۷ درصد بوده است. نکته جالب توجه آن است که در این بازه اصلاحات



محمد وصال

استادیار اقتصاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه صنعتی شریف

مکمل یکدیگر هستند. این مکمل بودن از طرف دیگر هم برقرار است. یعنی وقتی دولتی در مالیات‌ستانی سرمایه‌گذاری می‌کند، حال انگیزه پیدا می‌کند که در اصلاحات مولد تولید هم پیشروی کند، چراکه قسمتی از تولید حاصل به دولت خواهد رسید. مکانیزم دیگری که انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در مالیات‌ستانی را شکل می‌دهد، اهمیت رانت حضور در دولت نسبت به تولید کالای عمومی است. اگر سیاست‌های فرقه‌ای بر عام‌المنفعه غلبه داشته باشد دو مکانیزم فعال می‌شود. اولاً مردم تمایلی به پرداخت مالیات نخواهند داشت، چراکه درآمد حاصل صرف منافع عمومی نمی‌شود و توسط دولت حاکم و به منظور تامین رانت طرفداران استفاده می‌شود. ثانیاً دولت حاکم ملاحظه می‌کند که به جای صرف منابع موجود در توسعه ظرفیت مالیات‌ستانی می‌تواند آن‌را به مصرف خود و طرفدارانش برساند. به علاوه با ایجاد ظرفیت مالیات‌ستانی این امکان را به رقیب می‌دهد که وقتی روی کار آمد از مردم (که شامل دولت فعلی خواهد بود) مالیات بیشتری گرفته و صرف منافع خود کند. از این رو انگیزه دولت برای سرمایه‌گذاری در ظرفیت مالیات‌ستانی کم می‌شود. طبیعی است که سیاست‌های فرقه‌ای در کشورهای کمتر توسعه‌یافته به دلیل عدم حضور نهادهای ناظر بر فعالیت دولت و یا تمرکز قدرت محتمل‌تر هستند. یک پیش‌بینی مکانیزم فوق این است که در شرایط افزایش منفعت کالای عمومی (مثل تهدید خارجی یا جنگ خارجی) انگیزه دولت برای سرمایه‌گذاری در مالیات‌ستانی افزایش می‌یابد. باتوجه به توسعه جدی مالیات بر درآمد در جنگ جهانی دوم به نظر می‌رسد این مکانیزم از اهمیت بالایی برخوردار باشد.

### جمع‌بندی

ایران در مقایسه با کشورهای در سطح توسعه‌یافتگی مشابه، مالیات اندکی اخذ می‌کند و اصلاحات متعدد مالیاتی نتوانسته به بهبود قابل توجه درآمدهای مالیاتی بینجامد. به علاوه فشار نظام مالیاتی بر بنگاه‌های رسمی بالا بوده و شاید یک مانع جدی برای توسعه و رسمی شدن فعالیت‌های غیررسمی باشد. از طرف دیگر داده‌ها نشانگر یک رابطه مثبت بین توسعه‌یافتگی و سهم مالیات از تولید است. مکانیزم‌هایی که می‌توانند توضیح دهنده رابطه مثبت مشاهده شده بین مالیات و توسعه‌یافتگی باشند شامل افزایش پاسخ‌گویی دولت و افزایش منفعت حاصل از اجرای سیاست‌های مولد تولید در صورت اخذ مالیات بیشتر است.

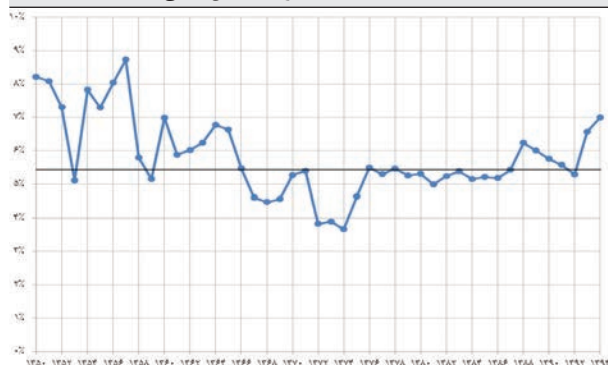
### پی‌نوشت‌ها

1. Doing Business Report 2017, World Bank.

۲. مطالب این بخش عمدتاً از کارهای تیم بزلی و تورستن پرسون گرفته شده است. این دو اقتصاددان ادبیاتی تحت عنوان ظرفیت مالیات‌ستانی و ظرفیت حقوقی دولت را توسعه داده‌اند. برای اطلاع بیشتر در مورد این ادبیات می‌توانید به کتاب زیر مراجعه کنید:

Besley, T. and T. Persson (2011), Pillars of prosperity: The political economics of development clusters. Princeton University Press.

شکل ۲. نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی



نقاط به هم پیوسته نسبت درآمدهای مالیاتی (بدون مالیات عملکرد نفت و تسعیر نرخ ارز) به تولید ناخالص داخلی را در سال‌های مختلف نشان می‌دهد. متوسط این نسبت در بازه ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۴ حدوداً ۵/۴ درصد بوده است که خط افقی مشکی آن را نشان می‌دهد. منبع داده‌های درآمدهای مالیاتی بانک مرکزی و سازمان امور مالیاتی است. تولید ناخالص داخلی تا سال ۱۳۹۳ از بانک مرکزی گرفته شده است. تولید ناخالص داخلی سال ۱۳۹۴ برآورد شده است.

ایجاد می‌شوند، اما مسیری برای فرار مالیاتی ایجاد می‌کنند و باعث پیچیدگی بیشتر نظام مالیاتی می‌شوند. فشار زیاد نظام مالیاتی به بنگاه‌های رسمی انگیزه بنگاه‌های کوچک غیررسمی برای توسعه فعالیت‌هایشان را کاهش می‌دهد. از این جهت پیچیدگی و بعضاً بی‌عدالتی‌های موجود در نظام مالیاتی، مانع گسترش فعالیت بنگاه‌ها و نیز ایجاد انگیزه برای صرف منابع در یافتن مسیرهای فرار و اجتناب از مالیات می‌شود که در هر حال یک مانع اساسی برای توسعه به حساب می‌آید.

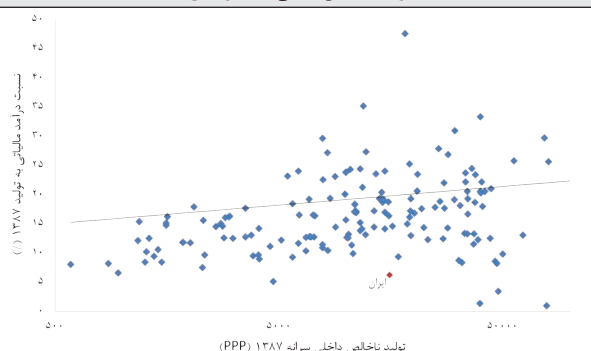
### رابطه مثبت بین مالیات و توسعه؟

بدیهی است که رابطه مشهود در شکل ۱ به هیچ وجه تفسیر علی ندارد و ممکن است به دلیل دیگری بین متغیر سهم مالیات و سطح توسعه‌یافتگی ارتباط مثبت مشاهده شود. برای مثال دولت در کشورهای پیشرفته قدرت حاکمیت بالایی دارد و می‌تواند با قدرت به اعمال قانون بپردازد. یکی از حوزه‌های اعمال قانون، مالیات‌هاست که منجر به افزایش سهم مالیات‌ها از تولید می‌شود. اما حوزه‌های دیگر اعمال قانون، مثل حفاظت از حقوق مالکیت خصوصی در افزایش سطح درآمد سرانه نقش دارند. لذا رابطه مثبت بین مالیات و توسعه ممکن است صرفاً به دلیل عواملی باشد که در شکل ۱ غایب هستند. با این وجود می‌توان دلایلی برای اثرگذاری مثبت مالیات بر توسعه ذکر کرد که در ادامه به دو علت عمده این مطلب اشاره می‌شود.

مکانیزمی که معمولاً برای اثرگذاری مثبت مالیات‌ستانی بر توسعه ذکر می‌شود افزایش پاسخ‌گویی دولت است. نقش جدی مردم در تامین مالی دولت از طریق پرداخت مالیات می‌تواند به افزایش پاسخ‌گویی حاکمیت بینجامد. از طرف دیگر دولتی که عمده منابع خود را از طریق دیگر (مثل درآمد نفت و کمک‌های بین‌المللی) به دست می‌آورد لازم نیست پاسخ‌گو باشد. در چنین شرایطی مردم دست مطالبه به سوی دولت دراز کرده و طلب توزیع منابع خواهند داشت. با اینکه افزایش پاسخ‌گویی مهم است، اما مکانیزم‌هایی دیگری نیز می‌توان برای تاثیرگذاری مالیات بر توسعه ترسیم کرد. برای این منظور باید توجه کرد که ایجاد یک نظام کارآمد مالیاتی نیازمند سرمایه‌گذاری توسط دولت است. این سرمایه‌گذاری می‌تواند در قالب ایجاد زیرساخت‌های اطلاعاتی، آموزش کارمندان سازمان امور مالیاتی، ایجاد مقبولیت اجتماعی پرداخت مالیات و... انجام شود. در هر صورت منابع دولت باید از مقاصد دیگر به سمت بهبود نظام مالیاتی سوق داده شود. سوال اساسی اینجاست که در چه شرایطی دولت‌ها انگیزه خواهند داشت تا منابع لازم برای بهبود نظام مالیاتی را صرف کنند؟

ظرفیت‌سازی در حوزه مالیات باعث افزایش توان مالیات‌ستانی دولت می‌شود، اما این افزایش متناسب با کل تولید اقتصاد برای دولت درآمد ایجاد می‌کند. از این رو می‌توان گفت که هرچه ظرفیت تولیدی یک اقتصاد بیشتر باشد، منفعت حاصل از سرمایه‌گذاری در مالیات‌ستانی بیشتر می‌شود. در واقع اصلاحاتی که به بهبود ظرفیت تولیدی اقتصاد می‌انجامد انگیزه سیاست‌گذار برای سرمایه‌گذاری در مالیات‌ستانی را تقویت می‌کند. برای مثال اگر با تقویت حقوق قراردادهای، شراکت‌های سودده بیشتری شکل گیرد، انگیزه سرمایه‌گذاری در اخذ مالیات تقویت می‌شود. به عبارت دقیق‌تر سیاست‌های مولد تولید و ظرفیت‌ساز مالیاتی

شکل ۱. مالیات و تولید ناخالص داخلی در کشورهای دنیا (سال ۱۳۸۷)



محور عمودی نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۷ (%) و محور افقی تولید ناخالص داخلی سرانه (دلار برابری قدرت خرید) در همین سال را به صورت لگاریتمی نشان می‌دهد. خط پیوسته نشانگر بهترین خط راستی است که به مجموعه نقاط نمودار برازش می‌شود.

بسیاری از قوانین بعد از تصویب به صورت متروک درمی آیند. دلیل متروک ماندن قوانین این است که با نیازهای مردم و ضرورت های اجتماعی هماهنگ نیست. مطالعه تاریخ تجارت نشان می دهد که اگر قوانین تجاری با اصول سه گانه سرعت، دقت و اطمینان (امنیت تجاری) همراه نباشد، تجار راه دیگری را دنبال می کنند.

## نقدی بر قانون تجارت

# حمایت از تجار در سایه ابهام

## قانون جدید تجارت با نگاهی حقوقی - قضایی تدوین شده است

بحران فساد جدی است؛ فساد چه فردی باشد چه سیستمی، آفتی بزرگ برای کبان اجتماعی است و هر کسی راهکاری برای مبارزه با آن جست و جو می کند. سیاست چه پاسخی برای مبارزه با فساد دارد؟



سید مهدی موسوی شهری

وکیل پایه یک دادگستری

### چرا باید خواند:

لایحه اصلاح قانون تجارت مدتی است که مورد توجه قرار گرفته است؛ مجلس بخشی از آن را بعد از تصویب به شورای نگهبان فرستاد و افکار عمومی منتقد آن هستند. این مقاله را بخوانید.

تحت عنوان «قراردادهای تجاری» ۳۳۱ ماده (به جز مواد ۲۷۹ و ۲۹۳) به تصویب رساند و بررسی مواد ۲۷۹ و ۲۹۳ را به جهت ایرادات متعدد به کمیسیون حقوقی و قضایی عودت داد.

این که چرا مجلس تصمیم گرفته است که قانون تجارت جدید را به صورت کتاب به کتاب در پنج مرحله به تصویب برساند و از بررسی ماده به ماده قانونی در صحن علنی مجلس خودداری می کند با توجه به مفاهیم و مباحث تخصصی حقوقی و تجاری و بازرگانی و اقتصادی که در لایحه قانون تجارت مطرح شده است و بسیاری از موضوعات مندرج در این لایحه از کنوانسیون های بین المللی یا قراردادهای نمونه ارائه شده توسط کمیسیون تجارت سازمان ملل (uncitral) یا قوانین کشورهای توسعه یافته ای همچون فرانسه، آلمان، سوئیس، ژاپن، آمریکا و اروپا و عرف های عام و خاص بین المللی در خصوص تجارت و تجارت اقتباس شده است لذا موضوع در تخصص عموم نمایندگان نیست. این موضوع باید توسط یکی از کمیسیون هایی که بیشترین ارتباط را با موضوع دارد، مطرح شود. تصویب اولیه این لایحه در کمیسیون حقوقی و قضایی (در سال ۹۰) به همین دلیل بود. هم اکنون نیز به جهت ایراد شورای نگهبان موضوع قابل تصویب در کمیسیون خاصی نیست لذا طرح و تصویب کتاب به کتاب بعد از ایراد شورای نگهبان مناسب خواهد بود.

توجه داشته باشیم که لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت در خصوص شرکت های سهامی نیز در سال ۱۳۴۷ نیز به تصویب مجلس نرسیده بود و صرفا در

## نکته هایی که باید بدانید

در لایحه اصلاحی قانون تجارت چیزی در مورد تجارت مالکیت فکری

دید نمی شود. در این خصوص باید به سایر قوانین همچون کنوانسیون

پاریس و موافقت نامه مادرید و پروتکل آن و موافقت نامه نیس (۱۹۵۷)

مراجعه کرد.

لایحه اصلاحی قانون تجارت دقیق تر است؛ زیرا برخی از شرکت های

سهامی عام ممکن است تمایلی به ورود به بورس در زمان تأسیس نداشته

باشند اگر شرکت ها سهامی عام بخواهند بعد از تأسیس وارد بورس شوند آن

زمان بورس می تواند بگوید مقررات بورس را رعایت کنید.

تجار و بازرگانان یا نهادها و سازمان های دولتی یا خصوصی که به نحوی از

تجارت و بازرگانان حمایت می کند در تدوین و تصویب این قانون جایگاهی

ندارند.

آنچه در تنظیم و تدوین لایحه قابل توجه است، توجه به اقتصاد نوین و به

فضا و فرآیندهای تجارت الکترونیک است. اول اینکه طبقه بندی فعالیت های

تجاری بر مبنای اقتصاد نوین صورت پذیرفته و ثانیا فضا و فرآیندهای اقتصاد

نوین و تجارت الکترونیک به خوبی مورد توجه قرار گرفته است.

علی رغم این که قانون تجارت برای انسجام روابط و معاملات تجاری تدوین شده، اما بیشتر نگاه حقوقی و قضایی بر آن حاکم است. در حالی که می بایست فرد یا افرادی از مرحله تدوین اولیه محتویات تا مرحله تصویب نهایی از نهادهای خاص ویژه تجار به خصوص اتاق ایران در آن حضور می داشتند. کما این که نمی توان انکار کرد که تجارت یکی از ارکان ملزم برای هر جامعه پویا و زنده است که تجار در ایجاد، رشد و توسعه آن از همه مؤثرتر بوده اند. این روزها با ارائه لایحه جدید اصلاح قانون تجارت که در مجلس در حال پیگیری و تصویب است، دست به قلم بردیم تا ضمن بررسی قوانین گذشته جایگاه خالی اتاق ایران در روند بررسی این لایحه را بوضوح ببینیم. شاید بهتر باشد که بدانیم لایحه جدید تجارت چه زمانی و به چه دلیلی شکل گرفت حدود ۸۷ سال پیش قانون تجارت ایران تصویب شد (مصوب ۱۳۱۱). هر چند قسمتهایی از قانون تجارت مزبور در سال ۱۳۱۸ (قسمت مربوط به تصفیه و امور ورشکستگی) و سال ۱۳۴۷ (قسمت مربوط به شرکت های سهامی) اصلاح شده است اما به جهت

قدمت هر سه قانون مزبور و عدم پاسخ گویی به نیازهای تجاری روز، ضرورت دارد که قانون تجارت جدیدی به تصویب برسد تا هم پا با تحولات تجاری روز دنیا باشد. در این راستا در اوایل دهه ۸۰ شمسی دولت وقت تصمیم به تدوین لایحه قانون تجارت می گیرد که این لایحه در سال ۱۳۸۴ تقدیم مجلس می شود.

این لایحه حدود ۱۴ سال در مجلس بلا اقدام می ماند تا این که در سال ۱۳۹۰ کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس، لایحه را بررسی و نهایتا در تاریخ ششم دی ماه ۱۳۹۰ طبق اصول ۹۴ و ۸۵ قانون اساسی، لایحه مزبور را در پنج کتاب تحت عناوین رویه و تصویب می کند (کتاب اول «در تجارت و مقررات حاکم بر آن»، کتاب دوم «شخص حقوقی و شرکت های تجاری»، کتاب سوم «اسناد تجاری»، کتاب چهارم «ورشکستگی و قرارداد ارفاقی پیشگیرانه» و کتاب پنجم «مقررات نهایی»).

مجلس شورای اسلامی نیز در تاریخ ۲۳ ام فروردین ۱۳۹۱ با اجرای آزمایشی آن به مدت پنج سال موافقت کرده و این لایحه را به شورای نگهبان ارسال کرد اما شورای نگهبان لایحه مذکور را مشمول اصل ۸۵ قانون اساسی ندانست و آن را به مجلس عودت داد تا در صحن علنی مجلس بررسی و تصویب شود. کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس با مقداری تغییرات در کتاب اول «قراردادهای تجاری» تصمیم گرفت که لایحه مزبور را به صورت کتاب به کتاب (یعنی پنج کتاب در پنج مرحله) به مجلس ارائه کند تا تصویب شود. در همین راستا مجلس در اواسط شهریور ۹۸ اول

کمیسیون خاص مشترک مجلس شورا و مجلس سنا به تصویب رسیده و به موجه ماده واحده «قانون اجازه اجرای موقت لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت پس از تصویب کمیسیون خاص مشترک مجلسین» به طور موقت به اجرا گذاشته شده است. به همین جهت نام قانون بر آن گذاشته نشد و صرفاً به عنوان لایحه نام گذاری شد.

این قانون که برای تنسيق و انسجام روابط و معاملات تجاری و اشخاص حقیقی و حقوقی که فعالیت تجاری می نمایند، تدوین یافته بود متأسفانه بیشتر نگاه حقوقی و قضائی بر آن حاکمیت دارد. در حالی که علی القاعده می بایستی از مرحله نگارش و تدوین اولیه محتویات و مندرجات و احکام و آثار این لایحه تا مرحله تصویب نهایی از نهادهای خاص ویژه تجار به ویژه اتاق بازرگانی ایران که در گسترش تجارت و حمایت از آن در سطح داخلی و بین المللی فعالیت می کنند ارتباط تنگاتنگ بین دولت، مجلس و اتاق بازرگانی ایران وجود می داشت.

بہتر است در نظر داشته باشیم که بسیاری از قوانین بعد از تصویب به صورت متروک در می آیند. دلیل متروک ماندن قوانین این است که با نیازهای مردم و ضرورت های اجتماعی هماهنگ نیست. مطالعه تاریخ تجارت نشان می دهد که اگر قوانین تجاری با اصول سه گانه سرعت، دقت و اطمینان (امنیت تجاری) همراه نباشد، تجار راه دیگری را دنبال می کنند و به شکل های گوناگون از قوانین دست و پاگیر و نامأنوس گریزان شده و به گونه ای آن را دور خواهند زد. جای تأسف است که هدف از تدوین و تصویب قانون تجارت جدید را توسعه سرمایه گذاری و تجارت و هم پاشدن با رویه ها و عرف های تجاری و قوانین تجاری کشورهای توسعه یافته عنوان شده است اما از نهادهایی همچون اتاق ایران که دارای تجربیات علمی و عملی گسترده در این خصوص است نظر خواهی نشده است. پس می توان به این نتیجه دست یافت که تجار و بازرگانان یا نهادهای و سازمان های دولتی یا خصوصی که به نحوی از تجارت و بازرگانان حمایت می کند در تدوین و تصویب این قانون جایگاهی ندارند.

حتی بعنوان یک ایراد می توان گفت آنچه در مجلس به عنوان کتاب اول تحت عنوان «قراردادهای تجاری» به تصویب رسیده است با آنچه که کمیسیون حقوقی قضائی مجلس آماده کرده بود یکی نیست. سرفصل لایحه ای که در کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس قبلاً (یعنی در سال ۱۳۹۰) ارائه شده بود در پنج کتاب شامل تجارت و مقررات حاکم بر آن مشتمل بر ۱۲۳ ماده، اشخاص حقوقی و شرکت های تجاری مشتمل بر ۵۷۷ ماده، اسناد تجاری مشتمل بر ۱۸۰ ماده، ورشکستگی و قرارداد ارفاق پیشگیرانه مشتمل بر ۳۷۷ ماده، مقررات نهایی مشتمل بر ۶ ماده بود. اما در لایحه جدید که به مجلس ارائه شده است پنج کتاب شامل قراردادهای تجاری، تکالیف تاجر، اسناد تجاری، شرکت های تجاری، ورشکستگی و قراردادهای ارفاقی است. بنابراین مابین آنچه که در سال ۱۳۹۰ ارائه شده با آنچه در سال ۱۳۹۸ ارائه شده تفاوت است. علاوه بر سرفصل ها شاهد تغییراتی در محتویات و مندرجات و احکام نیز هستیم. به عنوان یک نمونه می توان گفت در کتاب اول «قراردادهای تجاری» یک سری از مفاهیم حقوقی جدید پیش بینی شده است که قبلاً در هیچ یک از قوانین به طور صریح مشاهده نشده بود. مثل قاعده استایل، شروط غیرمنصفانه در قراردادها، شناسایی تعهدات یک طرفه، تعدیل قرارداد، نمایندگی ظاهری و اصل اصیل افشا نشده و وثیقه تجاری، ضمانت تجاری، اعطای امتیاز کسب و کار و نمایندگی تجاری و غیره.

اما یکی از نوآوری های قابل ذکر لایحه، هماهنگی با مفاد کنوانسیون های بین المللی و عرف های بازرگانی شناخته شده در دنیای تجارت است؛ مثلاً در مبحث مربوط به اسناد تجاری از قانون متحدالشکل ژنو استفاده شده و اصول کلی حاکم بر کنوانسیون های بین المللی در لایحه اصلاحی آورده شده است. همچنین در مبحث حمل و نقل برخی از اصول کلی حاکم بر کنوانسیون های بین المللی در لایحه آورده شد همچون کنوانسیون قرارداد حمل بین المللی کالا از طریق جاده مصوب ۱۹۵۶ (C.M.R) کنوانسیون C.I.V و C.I.M در خصوص حمل و نقل از طریق راه آهن و همچنین کنوانسیون های بروکسل مصوب ۱۹۲۴ (در خصوص حمل و نقل دریایی) و نیز کنوانسیون های ورشو (۱۹۲۹)، لاهه (۱۹۹۵) و گواتمالا (۱۹۷۱) در خصوص حمل و نقل هوایی استفاده شده است.

گروه اقتصادی با منافع مشترک که شامل کنسرسیوم ها و Joint Venture می شود و نهاد نمایندگی تجاری و اسناد تجاری الکترونیکی و مبحث ادغام و تجزیه شرکت ها و مبحث بازسازی تجارت قبل از صدور حکم ورشکستگی و مبحث اوراق مشارکت که جانشین اوراق قرضه در شرکت های عام شده است و مبحث ضمانت مستقل به ویژه ضمانت مستقل الکترونیکی و مقررات مربوط به شرکت های مادر و تابعه و وابسته و مقررات جدید جزایی همچون محرومیت های اجتماعی برای تجار و مدیران متخلف، از نهادهای و قوانین جدید است که در لایحه اصلاحی درج شده است. آنچه در تنظیم و تدوین لایحه قابل توجه است، توجه به اقتصاد نوین و به فضا و فرآیندهای تجارت الکترونیک است، اول اینکه طبقه بندی فعالیت های تجاری بر مبنای اقتصاد نوین صورت پذیرفته و ثانیاً فضا و فرآیندهای اقتصاد نوین و تجارت الکترونیک به خوبی مورد توجه قرار گرفته است. در لایحه اصلاحی مقرر شده است خرید یا تحصیل هر نوع مال جاندار یا بی جان، عادی یا غیرعادی به قصد فروش یا اجاره هر چند که از طریق شبکه های الکترونیک و در فضای مجازی انجام شده باشد، عملیات تجاری است. ثالثاً در لایحه اصلاحی در کنار دفاتر و اسناد تجاری کاغذی، دفاتر و اسناد تجاری الکترونیکی پیش بینی شده است. همچنین امکان برگزاری مجامع عمومی شرکت ها به صورت ویدئو کنفرانس و همین طور ثبت نام تجاری به صورت الکترونیکی پذیرفته شده است و انتشار آگهی سهام در پایگاه الکترونیکی مدنظر قرار گرفته؛ این ها نشان دهنده توسعه علوم امروزی در بحث تجارت است.

شاید بتوان گفت لایحه اصلاحی قانون تجارت زمینه ساز ورود به سازمان تجارت جهانی (W.T.O) باشد. اعضای سازمان تجارت جهانی باید یک سری اصول کلی و بنیادی را رعایت کنند که این اصول عبارتند از:

۱. **شفافیت:** منظور از اصل شفافیت، امکان دسترسی به اطلاعات و قوانین کشورهای عضو است. اصل شفافیت از اعضا می خواهد که اقدامات مؤثر بر تجارت خدمات را مشخص نموده و به اطلاع عموم برسانند. بنابراین قوانین و مصوبات قبل از اجرا باید فوراً منتشر شود و بدین منظور باید کشورهای عضو، پایگاه های اطلاع رسانی و پایگاه های پاسخ گویی به سؤالات و پرسش ها و شکایات تأسیس کنند. همچنین پایگاه های تماس ایجاد کنند تا همه بتوانند به راحتی با پایگاه های اطلاع رسانی و پاسخ گویی در تماس باشند.

۲. **رقابت و رقابت مندی:** یکی از دیگر اصولی است که در سازمان تجارت جهانی و موافقت نامه مربوط به آن مورد توجه قرار گرفته است که همه اعضا باید از وضع قوانینی که مانع رقابت در فعالیت های تجاری و خدماتی می گردد بپرهیزند.

۳. **رفتار دولت کامله الوداد:** یعنی اعضا باید در قبال تمامی شرکای تجاری خود (اعم از آن که عضو سازمان تجارت جهانی باشند یا خیر) فوراً و بدون قید و شرط رفتار دولت کامله الوداد را رعایت کنند.

۴. **عدم تبعیض:** اعضا نباید با کالاها و خدمات و عرضه کنندگان آن ها رفتاری نامطلوب تر از رفتاری که با سایر اعضا دارند داشته باشند.

۵. **دسترسی به بازار:** بر اساس این اصل، اعضا متعهد می شوند که در مورد کالاها و خدمات و عرضه کنندگان آن ها رفتاری مطابق با آنچه در جدول تعهدات خود قید نموده اند اتخاذ کنند؛ به نحوی که برای همه اشخاص امکان ورود به بازار و فعالیت و عرضه خدمات و کالا وجود داشته باشد.

۶. **رفتار ملی:** مطابق این اصل باید به کالا و خدمات و عرضه کنندگان آن ها اجازه داده شود با همان شرایطی که برای خدمات محلی فراهم است به بازار عضو دیگر و عرضه کنندگان محلی دسترسی داشته باشند. در لایحه اصلاحی قانون تجارت نیز موادی در جهت شفاف سازی اقدامات و فعالیت های تجاری به چشم می خورد، در خصوص امکان دسترسی به بازار و ورود سرمایه خارجی و انتقال تکنولوژی می توان به ایجاد نهادی جدید به نام گروه اقتصادی با منافع مشترک مثل کنسرسیوم ها و (J.V) Joint Venture اشاره کرد و در خصوص تسهیل رقابت می توانیم به منع نمودن صاحبان مناصب از مدیریت شرکت و امکان دسترسی به اطلاعات و افزایش آن ها برای همه، منع خرید سهام یا سهم الشرکه های شرکت های مادر توسط

هدف از تدوین و تصویب قانون تجارت جدید توسعه سرمایه‌گذاری و تجارت و هم‌پاشدن با رویه‌ها و عرف‌های تجاری و قوانین تجاری کشورهای توسعه‌یافته عنوان شده است اما از نهادهایی همچون اتاق ایران که دارای تجربیات علمی و عملی گسترده در این خصوص است نظرخواهی نشده است.

شرکت‌ها خواهد بود. به نظر می‌رسد که لایحه اصلاحی قانون تجارت دقیق‌تر است؛ زیرا برخی از شرکت‌های سهامی عام ممکن است تمایلی به ورود به بورس در زمان تأسیس نداشته باشند اگر شرکت‌ها سهامی عام بخواهند بعد از تأسیس وارد بورس شوند آن زمان بورس می‌تواند بگوید مقررات بورس را رعایت کنید. بنابراین لایحه بازار اوراق بهادار باید تغییر کند. از طرف دیگر در لایحه اصلاحی بازار اوراق بهادار، اوراق بهادار به سهام شرکت‌های سهامی و اریزنامه‌های صادراتی و اوراق مشارکت و اوراق مشارکت و اوراق قرضه احصاء شده است. درحالی‌که در لایحه اصلاحی قانون تجارت اوراق قرضه کلاً حذف شده و اوراق مشارکت جانشین آن شده است و از طرف دیگر لایحه اصلاحی قانون تجارت از اریز نامه‌های صادراتی چیزی نگفته است.

مالکیت فکری نیز در عرصه داخلی و بین‌المللی تجارت محسوب می‌شود. سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۴ موافقت‌نامه‌ای تحت عنوان موافقت‌نامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری به‌اختصار به آن موافقت‌نامه تریپس می‌گویند ارائه داد (Trade Related Intellectual Property Right Agreement) که مواد ۹ تا ۱۵ آن به‌حق مؤلف و حقوق مرتبط با آن و مواد ۱۵ تا ۲۲ مربوط به علائم تجاری و مواد ۲۲ تا ۲۵ مربوط به نشان‌های جغرافیایی و مواد ۲۵ تا ۲۷ مربوط به طرح‌های صنعتی و مواد ۲۷ تا ۳۵ مربوط به حق اختراع و مواد ۳۵ تا ۳۹ مربوط به نقشه‌های مدارهای یکپارچه و مواد ۳۹ تا ۴۹ آن مربوط به اطلاعات افشا نشده است.

در لایحه اصلاحی قانون تجارت چیزی در مورد تجارت مالکیت فکری دیده نمی‌شود. در این خصوص باید به سایر قوانین همچون کنوانسیون پاریس و موافقت‌نامه مادرید و پروتکل آن و موافقت‌نامه نیس (۱۹۵۷) که ایران به آن‌ها ملحق شده و همچنین به قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۸۶ و لایحه حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ و نیز به لایحه ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۱ و قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ مراجعه شود.

اگر بخواهیم یکی دیگر از امتیازات این لایحه قانونی جدید را برشمرد باید اشاره‌ای به مبارزه با فساد اقتصادی داشت؛ مثلاً تکلیف بانک مرکزی به ارسال سوابق افرادی که چک بلامحل کشیده‌اند به سایر بانک‌ها و ممنوع نمودن تشکیل و ثبت مؤسسات غیرتجاری با موضوعات تجاری و نیز اشتغال این گونه مؤسسات به امور تجاری و تکلیف بانک‌ها به انتشار شماره‌حساب‌های مسدودی و تکلیف سازمان بازرسی و سازمان تصفیه امور ورشکستگی به ثبت و ضبط و ارائه اطلاعات رایانه‌ای، روزآمد و متمرکز و ممنوع کردن افشای هرگونه اسرار و اطلاعات داخلی توسط دلال و ممنوع کردن افرادی که دارای مناصب سیاسی هستند از مدیریت شرکت و ممنوع نمودن خرید سهام یا سهم‌الشرکه شرکت‌های مادر، توسط شرکت‌های تابعه و وابسته و گسترش حیطه کسانی که نمی‌توانند بازرس شرکت شوند. ممنوع نمودن دریافت وام، اعتبار، هرگونه هدیه و اخذ تضمین برای دیون یا تعهدات توسط بازرس شرکت و بستگان وی و ممنوع نمودن معامله بین شرکت و مدیران تصفیه و اقارب تا درجه دوم و الزام به رعایت استانداردها حسابداری در تهیه صورت‌های مالی و الزام به رعایت استانداردهای حسابداری در پیش‌بینی سود اوراق مشارکت گسترش سهام با نام و محدود کردن انتشار سهام بی‌نام (در جهت مبارزه با پول‌شویی) و ممنوعیت تبدیل سهام با نام به بی‌نام و افزایش سرمایه شرکت‌ها و هماهنگی میزان مجازات‌ها با میزان جرم به‌نحوی که بازدارنده باشد. همگی موارد فوق در جهت مبارزه با فساد اقتصادی است.

همچنین اشاره به مجاز بودن بازاریابی شبکه‌ای یا Network Marketing در لایحه جدید تجارت، غیر از بازاریابی شبکه‌ای هرمی که به‌موجب بند «ز» قانون الحاق یک بند و یک تبصره به قانون اخلاص در نظام اقتصادی مصوب ۱۳۸۴ ممنوع شده است باید گفت که سایر بازاریابی‌های شبکه‌ای مجاز است. در لایحه جدید تجارت، فروش و خرده‌فروشی کالا از طریق شبکه‌های اینترنتی و سیستم‌های الکترونیکی در مبحث دلایلی تأیید شده است. راه بازاریابی و دلایلی از طریق اینترنت و سیستم‌های الکترونیکی باز شده است. ■

شرکت‌های تابعه و وابسته که سبب تمرکز از نوع مدیریت پیوسته شود، شرکت‌های سهامی ملزم هستند حداقل ۳۵ درصد از سرمایه شرکت را از طریق عرضه سهام به عموم تأمین کنند، گسترش سهام با نام و محدود کردن سهام بی‌نام و ممنوعیت تبدیل سهام با نام و بی‌نام اشاره کرد.

غیر از موارد فوق تا حدود زیادی طبقه‌بندی سازمان تجارت جهانی (W.T.O) در خصوص طبقه‌بندی فعالیت‌ها و عملیات تجاری مذکور در ماده ۲ لایحه اصلاحی موردتوجه قرار گرفته است. درخصوص اصل رفتار دولت کامله‌الوداد و اصل عدم تبعیض و دسترسی به بازار و رفتار ملی هیچ‌گونه ممنوعیت یا محدودیتی در لایحه اصلاحی به چشم نمی‌خورد بنابراین لایحه اصلاحی در راستای الحاق به سازمان تجارت جهانی است.

اگر در لایحه اصلاحی قانون تجارت، به تجارت خدمات توجه شود، مقرر شده هرگونه فعالیت توزیعی یا خدماتی عملیات تجاری است. به نظر می‌رسد که غیر از خدماتی که در لایحه به آن‌ها اشاره شده است، می‌توان خدمات دیگری را نام برد؛ همچون هرگونه خدمات حرفه‌ای (مثل خدمات حقوقی، حسابداری، حسابرسی و دفترداری، معماری، پزشکی، دندانپزشکی، پیراپزشکی و یا دامپزشکی) و خدمات رایانه‌ای و خدمات مرتبط با آن و خدمات تحقیق و توسعه (چه در زمینه علوم طبیعی و چه در علوم اجتماعی و انسانی) و خدمات تبلیغاتی، خدمات مربوط به تحقیق راجع به بازار و سنجش افکار عمومی و خدمات مشاوره مدیریت و خدمات آزمایش و تحلیل فنی و خدمات مربوط به توزیع انرژی، خدمات کارایی و عرضه نیروی انسانی، خدمات مشاوره‌ای علمی و فنی، خدمات نظافت ساختمان، خدمات عکاسی، بسته‌بندی، چاپ و انتشار، خدمات مربوط به برگزاری گردهمایی و خدمات ارتباطات (همچون خدمات پستی و استفاده از پیک و مخابرات و خدمات سمعی و بصری) خدمات آموزشی (ابتدایی، دبیرستان، عالی و عمومی) خدمات زیست‌محیطی (مربوط به فاضلاب، انتقال پسماندها و رفع آلودگی و خدمات مشابه)، خدمات مالی (همچون خدمات مربوط به بیمه، بانکداری، صرافی) خدمات اجتماعی و بهداشتی و بیمارستانی، خدمات مربوط به کتابخانه‌ها، بایگانی، موزه و ورزشگاه‌ها، با توجه به این‌که تجارت خدمات یکی از مهم‌ترین موضوعات سازمان تجارت جهانی (W.T.O) است و موافقت‌نامه‌های گوناگونی همچون موافقت‌نامه مراکش در ژانویه ۱۹۹۵ توسط سازمان تجارت جهانی تصویب شد و سپس در مذاکرات اروگوئه توسعه‌یافته است. لذا لایحه اصلاحی قانون تجارت با طبقه‌بندی جدیدی که از خدمات و تجارت آن‌ها ارائه داده است زمینه الحاق به سازمان تجارت جهانی را ایجاد کرده است.

جالب است بدانیم که در موافقت‌نامه عمومی تجارت خدمات سازمان تجارت جهانی (W.T.O) بورس نیز یکی از زیرمجموعه‌های مربوط به خدمات مالی محسوب می‌شود. باین‌وجود لایحه اصلاحی قانون تجارت با لایحه اصلاحی قانون بازار اوراق بهادار (بورس) تفاوت‌هایی دارد. توضیح این‌که در لایحه اصلاحی قانون تجارت همچون لایحه قانونی شرکت‌های سهامی مصوب ۱۳۴۷ پیش‌بینی شده است که مؤسسين شرکت‌های سهامی عام باید به انضمام گواهی بانکی، اظهارنامه‌ای همراه با پیش‌نویس اساسنامه و طرح اعلامیه پذیرهنویسی را که به امضای همه مؤسسين رسیده باشد به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم و رسید دریافت دارند و مرجع ثبت شرکت‌ها پس از دریافت مدارک در صورت مطابقت اسناد و مفاد آن‌ها با مقررات قانونی اجازه انتشار آگهی پذیرهنویسی را صادر می‌نماید و پس از پذیرهنویسی و تصویب اساسنامه توسط مجمع عمومی مؤسس اساسنامه مصوب همراه با صورت جلسه مجمع عمومی مؤسس و اعلام کتبی قبول سمت از سوی مدیران و بازرس به‌منظور ثبت شرکت و آگهی تشکیل آن جهت اطلاع عموم به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم می‌شود.

همچنین در لایحه اصلاحی بازار اوراق بهادار، امر دیگری پیش‌بینی شده است که از تاریخ اجرای این قانون برای ثبت شرکت‌های سهامی عام اجازه انتشار اعلامیه پذیرهنویسی صادره توسط هیئت نظارت جایگزین مجوز صادره از سوی مرجع ثبت شرکت‌ها در این مورد می‌شود در ماده ۲۸ هم مقرر شده که در موقع افزایش سرمایه شرکت‌های سهامی عام هیات نظارت موضوع این قانون جایگزین مرجع ثبت

# مهار فساد با ابزار قدرت؛ امکان یا امتناع؟

راهکارها و بن‌بست‌های سیاست کدام است؟

بحران فساد جدی است؛ فساد چه فردی باشد چه سیستمی، آفتی بزرگ برای کیان اجتماعی است و هر کسی راهکاری برای مبارزه با آن جست‌وجو می‌کند. سیاست چه پاسخی برای مبارزه با فساد دارد؟

نات

## فقدان اراده و عدم جامعیت الگوهای مبارزه با فساد

«کوتاهی» یا «همال» تعابیر مناسبی برای توضیح وضعیت کنونی جامعه ما نیستند. در طول چهار دهه گذشته، جز در دوران کوتاه دولت موقت مهندس بازرگان و نیز دوران اصلاحات، اصولاً اراده‌ای برای مقابله با فساد وجود نداشته است و در آن دوران هم، این اراده در تمام ارکان قدرت، جامعیت نداشت و فقط مربوط به بخشی از نهادهای انتخابی و مردمی بود. نهادینه شدن فساد، حکایت از یک فرآیند طولانی و تدریجی در تمام عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران در چهار دهه گذشته دارد و به طور آنی به این وضعیت گرفتار نیامده‌ایم.

## فساد، فراتر از فقر

در همین راستا یادآوری می‌کند که اصلی‌ترین، فراگیرترین و پراسیب‌ترین مسئله جامعه ما در حوزه اقتصادی، «فساد» است. «فساد» از یک سو محصول «ناکارآمدی» است و از سوی دیگر، بر افزایش تصاعدی ناکارآمدی نظام‌های سیاسی و اقتصادی مؤثر است. اثرات مخرب فساد را به مراتب بیش از «فقر» باید به حساب آورد. جامعه مبتلا به فساد، افزون بر فقر، به تبعیض ساختاری نیز دچار است و پیامدهای تبعیض، نه تنها بر پیکره اقتصاد، بلکه در عرصه فرهنگی و اجتماعی نیز ویرانی پدید می‌آورد و چنانچه در بازه زمانی قابل تحمل از سوی جامعه مدیریت نشود، می‌تواند مدیریت کلان را به سوی فروپاشی پیش ببرد. رشد فزاینده آسیب‌های اجتماعی مانند طلاق و اعتیاد در میان طبقات اجتماعی مرفه و تحصیل کردگان، نشان می‌دهد که برخلاف نظریات کلاسیک جرم‌شناختی، «فقر» یا «بی‌سوادی» تنها عامل این آسیب‌های در تراز بحران‌های ملی نیستند و «فساد» هم با چه‌بسا جلوتر از سایر عوامل، مؤثر است. رشد شاخص‌های واگرایی‌های قومیتی، ناامیدی اجتماعی و بی‌اعتمادی عمومی نیز، پیامدهای مستقیم ناشی از شیوع فساد سیستماتیک در ساختاری اداری و اقتصادی کشور و حاصل عدم پاسخ‌گویی و عدم چاره‌اندیشی مؤثر مسئولان ارشد نظام و فقدان سیاست‌گذاری‌های کلان مرتبط با «فساد» است. این که مقامات رسمی کشور به وجود فساد ساختاری اذعان می‌کنند، هیچ معنایی ندارد جز اعتراف به ناکارآمدی ساختار کلان نظام در مهار فساد.

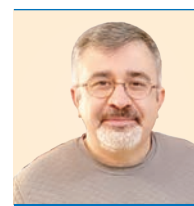
گرایش «مرکزگرایی» و حتی «مرکزستیزی» که در سالیان اخیر در میان اقوام ایرانی کرد و عرب و بلوچ و آذری به عنوان مردمانی که هزاران سال با هویت ایرانی زیسته‌اند، رشد کرده و به چشم می‌خورد و ایشان را به جدایی از سرزمین مادری ترغیب می‌کند، از یک سو ناشی از رشد فزاینده «فساد» و «تبعیض» است و از سوی دیگر به علت عدم تحقق مطالبات هویتی و قومی ایشان در یک بستر دموکراتیک. چرا زمانی که رفرا دوم استقلال اقلیم کردستان عراق مطرح شد، مردم در سنجندج و مریوان جشن گرفتند؟ مگر کردها در طول سال‌ها و بلکه قرن‌ها، همواره حامی تمامیت ارضی و هویت ایرانی نبوده‌اند و در این راه، خون عزیزترین فرزندان را فدا نکرده‌اند؟ فساد سیستماتیک، یکی از دلایل اصلی این واگرایی‌هاست.

## زیرساخت‌های مبارزه با فساد

روند مستمر رشد تصاعدی فساد و ارتقای شاخص‌ها به آستانه سرریز فساد سیستماتیک، دلالت بر ناکارآمدی نظام در مهار و مدیریت فساد دارد و نشان

## مقدمه

«فساد» در لغت به معنای «تباهی» است و یکی از پرکاربردترین واژگان حوزه اخلاق، اقتصاد و جامعه‌شناسی سیاسی در دوران معاصر به شمار می‌رود. ظاهراً ارسطو قدیمی‌ترین سابقه از این اصطلاح را در متون کلاسیک فکری بشر بر جای نهاده است، اما بی‌تردید و به همین سبب که مسئله «فساد» در یونان باستان تا بدان حد شناخته شده بود که معلم اول از آن سخن می‌گوید، دلالت بر آن دارد که باید پیشینه‌های طولانی‌تر از شیوع فساد را در زیست فردی و اجتماعی بشر سراغ گرفت.



مهدی معتمدی‌مهر

تحلیل‌گر مسائل اجتماعی

## چرا باید خواند:

اگر می‌خواهید درباره زمینه به وجود آمدن فساد در ایران، این که در اداره‌ها و سازمان‌ها چگونه فساد می‌کنند، بدانید، این مقاله را بخوانید.

## فساد و ابعاد آن

ابعاد فساد می‌تواند در تعریف آن و نیز در کیفیت تلقی مجرمانه (Crime) یا انحراف‌آمیز (Deviance) رفتار فسادآمیز مؤثر باشد. عنصر ذاتی فساد، «قصد» یک قاعده است که می‌تواند ریشه در عرف، قرارداد اجتماعی یا قانون داشته باشد. بنابراین، زمانی که فساد پدید می‌آید، بسته به کمیت خرد یا کلان آن یا وجه فردی و اجتماعی‌اش، از ماهیت‌های گوناگون برخوردار شده و با ضمانت اجراهای گوناگون روبه‌رو می‌شود. بر همین اساس، اشکال گوناگون فساد سیاسی، فساد اقتصادی، فساد خرد و فساد سازمان‌یافته با سیستماتیک را می‌توان به عنوان تقسیم‌بندی کلی این مفهوم مطرح کرد. «فساد سیستماتیک» البته ماهیت اقتصادی دارد اما دلایل و ابعاد آن گسترده‌تر است و حوزه‌های سیاسی، اداری و اجتماعی را نیز شامل می‌شود.

## عوامل فساد و اجزای آن

این نوشتار بر گونه «فساد اداری سیستماتیک» تمرکز دارد که به معنای «استفاده غیرمجاز یا سوءاستفاده از ساختار و موقعیت‌های قدرت عمومی در راستای منافع خصوصی و فردی و جناحی» است. مباشران و معاونان فساد سیستماتیک، کارگزاران دولتی و مدیران ارشد نهادهای حاکمیتی هستند که از موقعیت خود در ساختار قدرت به نحوی معارض با قانون یا خلاف هنجارهای معطوف به «خیر عمومی» بهره گرفته‌اند.

طبیعی است که دامنه پیامدهای این سنخ «فساد» بر سرمایه اجتماعی کشور و روندهای توسعه و رشد اقتصادی و شاخص‌های بنیادین اقتصاد ملی و حقوق اساسی تأثیرات جدی منفی بگذارد و نیز، قابل پیش‌بینی است که میزان شیوع فساد سیستماتیک، متناسب با ماهیت دموکراتیک یا الیگارشیک نظام‌های سیاسی و همچنین متناظر با الگوهای حاکمیت مطلوب و وجود یا فقدان شفافیت، گردش آزاد اطلاعات، نهادهای جامعه مدنی و زمینه‌های وفاق ملی در کشور رقم می‌خورد.

عنصر ذاتی فساد، «نقض» یک قاعده است که می‌تواند ریشه در عرف، قرارداد اجتماعی یا قانون داشته باشد. بنابراین، زمانی که فساد پدید می‌آید، بسته به کمیت خرد یا کلان آن یا وجه فردی و اجتماعی‌اش، از ماهیت‌های گوناگون برخوردار شده و با ضمانات اجراهای گوناگون روبه‌رو می‌شود.

## نکته‌هایی که باید بدانید

- ▶ در جامعه امروز ایران، آزادی و دموکراسی از نان شب هم واجب‌تر است. «آزادی» در برابر «استبداد» فقط یک خواسته یا هدف سیاسی نیست بلکه یک راه‌حل و ساختار کنترلی و یگانه‌ظرفیتی است که می‌تواند موجب مهار فساد، توسعه کشور، رونق تولید و رشد اقتصادی شود.
- ▶ بخش خصوصی علی‌القاعده لاقول از خودش دزدی نمی‌کند. بنابراین تنها راه‌حل مهار فساد، تقویت بخش خصوصی، کوچک کردن تصدی‌گری‌های حاکمیتی و خصوصی کردن ساختار اقتصاد، ابزار تولید و حتی منابع تولید است.
- ▶ تا زمانی که نفت ایران و کارخانه‌ها و شرکت‌های بزرگ، دولتی هستند و تا زمانی که منابع ارزی در اختیار نهادهایی قرار دارد که امکان نظارت نهادهای غیررسمی بر آنان وجود ندارد، در بر همین پاشنه خواهد چرخید و اتفاقاً در برهه‌های رونق اقتصادی، با کمیت‌های مهیب‌تری از فساد مواجهیم.

بخش خصوصی علی‌القاعده لاقول از خودش دزدی نمی‌کند. بنابراین تنها راه‌حل مهار فساد، تقویت بخش خصوصی، کوچک کردن تصدی‌گری‌های حاکمیتی و خصوصی کردن ساختار اقتصاد، ابزار تولید و حتی منابع تولید است. البته تجربه موسوم به «خصوصی‌سازی» در ایران موفق نبود و خود، بخشی از فرایند فساد شد و در راستای افزایش فساد ساختاری قرار گرفت؛ چرا که تقویت بخش خصوصی را بدون توسعه سیاسی مد نظر قرار داده بود. زمانی که از «بخش خصوصی» حرف می‌زنیم، یادمان باشد که منظور، بخش خصوصی واقعی است و نه «خصوصی‌ها» که حریص‌تر و فاسدتر و با بهره‌وری پایین‌تر از «دولتی‌ها» هستند.

تا زمانی که نفت ایران و کارخانه‌ها و شرکت‌های بزرگ، دولتی هستند و تا زمانی که منابع ارزی در اختیار نهادهایی قرار دارد که امکان نظارت نهادهای غیررسمی بر آنان وجود ندارد، در بر همین پاشنه خواهد چرخید و اتفاقاً در برهه‌های رونق اقتصادی، با کمیت‌های مهیب‌تری از فساد مواجهیم. رشد فساد ساختاری در دهه پنجاه و دوران احمدی‌نژاد، موبد همین ادعاست. امکان بروز فساد در دوران رونق، به مثابه عاملی ضد توسعه عمل می‌کند و موجب ابتلای مجدد به رکود است.

### نهادهای عمومی

یکی از الزامات و زیرساخت‌های مؤثر بر مهار فساد، توجه و تمرکز بر «نهادهای عمومی» است. اصل ۴۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد که اقتصاد ایران مشتمل بر سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی است. سؤال اصلی آن که بنگاه‌های بزرگ اقتصادی مانند آستان قدس رضوی یا بنیاد مستضعفان یا کمیته امداد و ستاد اجرایی فرمان امام مربوط به کدام‌یک از این سه بخش هستند؟ پاسخ: هیچ‌کدام. بخش عمومی تاکنون نتوانسته در ایران ماهیتی مستقل از نهادهای حاکمیتی پیدا کند، سازمان‌هایی مانند اوقاف، بنیادها، شهرداری‌ها و نظایر آن باید قاعده‌مند، فعال و مستقل شوند تا بتوان هم متضمن رشد بخش خصوصی شد و هم به بنیان‌های عدالت اجتماعی وفادار ماند و بر ساحت فراگیر فساد، اثر سازنده مدیریتی گذاشت.

### نتیجه

فساد در حوزه اقتصاد روی می‌دهد اما مهار آن در گام نخست، راه‌حل سیاسی دارد. متأثر ساختن تمام ارکان قدرت از آرای مردم و به رسمیت شناختن حاکمیت ملت مانند آزادی احزاب و مطبوعات و سندیکاها تنها مسیری است که می‌توان راهکارهای مؤثر مهار فساد را در آن یافت. لغو نظارت استصوابی، ایجاد زمینه‌های مشارکت فراگیر سیاسی ملت و تشکیل مجلسی که به واقع و نه در مقام شعار، «عصاره ملت» باشد و «در رأس امور» قرار گیرد، از عوامل مؤثر بر مهار فساد خواهد بود. در جامعه امروز ایران، آزادی و دموکراسی از نان شب هم واجب‌تر است. «آزادی» در برابر «استبداد» فقط یک خواسته یا هدف سیاسی نیست بلکه یک راه‌حل و ساختار کنترلی و یگانه ظرفیتی است که می‌تواند موجب مهار فساد، توسعه کشور، رونق تولید و رشد اقتصادی شود. ■

می‌دهد که شیوه‌های مبارزه با فساد، مؤثر نبوده و واجد ویژگی‌های مثبتی به نظر نمی‌رسند.

### سیاست جنایی جامعه‌محور

الزامات مبارزه با فساد یا ایجاد زیرساخت‌های مهار فساد را باید در یک سیاست‌گذاری کلان، طراحی و ترسیم کرد و با بگیر و ببند و صرفاً با بروز شدت عمل، نه تنها مسئله‌ای حل نمی‌شود، بلکه اتفاقاً ریسک ارتکاب فساد کاهش یافته و زمینه‌ها و وضعیت‌های باری‌دهنده به وقوع فساد، افزایش می‌یابند. نظرسنجی‌های رسمی و غیررسمی دلالت دارند که مردم به اقدامات اخیر قوه قضاییه در خصوص عاملان فساد اقتصادی و محاکمات انجام گرفته، امید و اعتماد چندانی ندارند و چه بسا به دیده سوءظن می‌نگرند.

بر اساس الگوهای تجربه‌شده در کشورهای توسعه‌یافته، مقابله و مهار فساد از طریق اکتفا به «سیاست کیفری رسمی» و ظرفیت امرانه نهادهای حاکمیتی مانند قوه قضاییه، سازمان بازرسی کشور، دیوان محاسبات یا وزارت اطلاعات و نظایر آن به جایی نمی‌رسد بلکه باید این هدف را از طریق به‌کارگیری یک «سیاست جنایی جامعه‌محور» دنبال کرد که منسجم، جامع و مبتنی بر مشارکت نهادهای مدنی و مردمی باشد.

گام اول این سیاست جنایی، اتفاقاً با اولویت اصلاحات ساختاری در نظام قضایی و انتظامی و اداری کشور آغاز می‌شود. مبارزه مؤثر با فساد، افزون بر درگیر کردن سایر نهادهای اداری و عمومی مانند شهرداری‌ها، اصلاح ساختار بودجه، تمرکز بر نظامات مالیاتی، بانکی و گمرکی و حتی اصلاح پروتکل‌های اداری ناظر بر مهار وضعیت ارتکاب فساد، خود را بی‌نیاز از ظرفیت‌های مکمل نهادهای جامعه مدنی مانند احزاب مستقل از حاکمیت، سندیکاها و مطبوعات آزاد نمی‌بیند.

بنابر آمارهایی گفته می‌شود که حدود هفده میلیون پرونده قضایی انباشته وجود دارد؛ این تعداد در کنار میلیون‌ها پرونده‌ای که قوه قضاییه در طول این سال‌ها انجام داده است، نشان می‌دهد که اولاً ابعاد فساد گسترده‌تر از چیزی است که تصور می‌کنیم و دوم آن که دستگاه قضایی در ایفای رسالت اساسی خویش، کارآمد و قادر به پیشگیری عمومی و اختصاصی از جرائم نبوده است. بنابراین مبالغه‌آمیز نیست که اولویت مبارزه با فساد را در اصلاح ساختاری قوه قضاییه و متأثر ساختن انتخاب مسئولان ارشد قضایی و به ویژه دادستان‌ها از آرای مردم بدانیم.

### دموکراسی علیه فساد

تجربه نظام‌های سیاسی غیردموکراتیک به طور عام و الگوی «شوری» به طور خاص، در این خصوص بسیار عبرت‌آموز است و نشان می‌دهد که میان «فساد سیستماتیک» و شاخص‌های راجع به آزادی‌های اساسی و حاکمیت ملت، رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد؛ بدان معنا که در هر کشوری که دموکراسی واقعی نادیده گرفته شده است، با امواج مهیب و فزاینده فساد سیستماتیک و پدیده‌های فراگیری مانند ارتشا، اختلاس، پایین آمدن بهره‌وری، کاهش تولید، رانت‌های نجومی و نظایر آن مواجهیم.

ایجاد فساد ساختاری و فرصت اندوختن میلیاردها دلار از سوی مدیران و کارگزاران دولتی در کشور شوراهای که اگر یک شهروند عادی هزار روبل پس‌انداز کرده بود، از سوی اداره امنیت (KGB) شناسایی می‌شد، نشان داد که در غیاب نهادهای ناظر مدنی و در شرایطی که آزادی‌های اساسی و حاکمیت ملت انکار می‌شود، دستگاه‌های رسمی قضایی و انتظامی و اطلاعاتی، ناکارآمد شده و در واقع، این مجموعه‌ها خودشان به بخشی از سیستم فساد ساختاری بدل می‌شوند.

### بخش خصوصی به مثابه پیشگیری وضعی از فساد

الزام دیگری که در حوزه مهار فساد تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است، اثرگذاری بر موقعیت‌های ارتکاب فساد است. نظام الکترونیک تا حدودی می‌تواند در این خصوص کارایی داشته باشد، اما از یاد نبریم که کلید کامپیوترها، همچنان در دست مدیر یا مدیران ارشد سازمان‌هاست است و «مدیر» همواره از موقعیتی برخوردار است که می‌تواند «تنظیمات» و «حقوقات» دستگاه را به خواست و یا با هماهنگی مدیران ارشدتر عوض کند. هنوز منبع اصلی بودجه کشور «فت» است که منشأ حاکمیتی دارد. چرا باید انتظار داشته باشیم که حاکمیتی که هم منابع مالی دارد و هم اسلحه و ابزار سرکوب و ارتش و پلیس، نسبت به منابع مالی‌اش باید پاسخ‌گو باشد و خود را در معرض نظارت مردم قرار دهد؟ این حاکمیت الزامی ندارد که حتی به نهادهای رسمی خودش پاسخ‌گو باشد، چه برسد به مردم.

# نظام بانکی زیر ذره بین اصلاح

ابعاد مختلف اصلاح کدام است؟

چالش های نظام بانکی کدام است و گام اصلاحی در مقابل نظام بانکی کشور، تحت تأثیر طیفی از متغیرها چیست؟ در این مقاله سعی شده ضمن آسیب شناسی نظام بانکی و بررسی موانع اصلاح نظام بانکی، چارچوب کلی یک نقشه راه برای اصلاح نظام بانکی ارائه شود.

ن

## مشکلات داخلی نظام بانکی

شبکه بانکی با طیفی از مشکلات داخلی مواجه است که بخشی از آن به زیرساخت های قانونی و محیط کسب و کار بانک ها و بخش دیگر به ساختار بنگاه و مدل کسب و کار بانک ها بازمی گردد. از جمله مهم ترین مشکلات درونی شبکه بانکی، استانداردهای پایین و ضعف قوانین و مقررات بانکداری، فقدان حکمرانی شرکتهای در بانک ها، فقدان شفافیت و ضعف سلامت بانک ها، بنگاهداری و شرکت داری بی قاعده بانک ها، ورود نهادهای عمومی به سهامداری بانک ها و نظایر آن است.

در مجموع اغلب بانک های کشور با معضلاتی مانند سهم بالای تسهیلات غیرجاری و مطالبات معوق، کمبود سرمایه، کیفیت پایین دارایی ها و حتی دارایی های غیر واقعی، ضعف جدی در کنترل های داخلی و مدیریت ریسک، وابستگی به نهادهای عمومی، ضعف جدی در کیفیت و ترکیب هیئت مدیره، عدم شفافیت صورت های مالی و فاصله بسیار زیاد استانداردها و قوانین بانکداری کشور با استانداردهای روز بانکداری دنیا مواجه اند. مشکلات ساختاری موجود در شبکه بانکی کشور نه تنها عامل فشار بر پایه پولی و افزایش تورم در اقتصاد است بلکه این مشکلات منجر به انجماد دارایی ها و کاهش توان تسهیلات دهی بانک ها شده است. همان طور که در نمودار شماره ۲ نشان داده شده است، به رغم اتکای بانک ها به منابع بانک مرکزی، توان تسهیلات دهی بانک ها مستمراً در حال کاهش است.

این را نیز باید افزود که در دوره های گذشته نظام بانکی کشور با پدیده های خاص مواجه بود که به رغم حل و فصل آن، عوارض و تبعات مخرب آن همچنان باقی است و به نوعی مانع اصلاحات و سالم سازی نظام بانکی شده است. در سال های گذشته، با حمایت و پشتیبانی برخی دستگاه ها و ارگان های غیرمرتبط و در اثر اغماض و تسامح دستگاه های ذیصلاح، موجی از انواع موسسات اعتباری غیرمجاز و غیررسمی و تعاونی های اعتبار و صندوق های قرض الحسنه شکل گرفت و اقتصاد کشور را با اختلال و بی ثباتی جدی مواجه کرد. این موسسات بدون رعایت هیچ یک از ضوابط و شرایط قانونی و بدون پرداخت هزینه های قانونی لازم، اقدام به گسترش شعب در سراسر کشور کرده و با پرداخت سودهای بالا و نامتعارف، در ابعاد وسیعی نسبت به جذب سپرده مبادرت کردند. این گونه موسسات از یک سو با ورود به بازار دارایی هایی مانند

نظام بانکی کشور، تحت تأثیر طیفی از متغیرهای پیرامونی و همچنین عوامل ساختاری و درونی، دچار ناترازی و چالش های جدی شده است. اگرچه موج تومی اخیر، تا حدودی وقوع یک بحران بانکی گسترده را به تعویق انداخته است ولی همچنان نظام بانکی یکی از چالش های جدی کشور محسوب می شود. چالش های نظام بانکی، به تدریج و طی سالیان طولانی شکل گرفته است و بنابراین، مراحل و گام های اصلاح نظام بانکی نیز به ناچار فرایندی تدریجی و گام به گام خواهد بود. در این یادداشت، ضمن آسیب شناسی نظام بانکی و بررسی موانع اصلاح نظام بانکی، چارچوب کلی یک نقشه راه برای اصلاح نظام بانکی ارائه شده است.



حمید آذرمند

پژوهشگر اقتصادی

چرا باید خواند:

اگر به دنبال این

هستید که درباره

اصلاح ساختارهای

اقتصادی و ساختار

بانکی بدانید، خواندن

این مقاله به شما

توصیه می شود.

## آسیب شناسی نظام بانکی

روند بدهی بانک ها به بانک مرکزی و افزایش مستمر سهم این قلم در پایه پولی (نمودار ۱) شاخص سوال برانگیزی است. چنین پدیده ای نشان از یک ناترازی کلان و ساختاری در بخش مالی اقتصاد دارد که نتایج آن از مسیر افزایش بدهی بانک ها به بانک مرکزی به پایه پولی منتقل شده است. مشکلات ساختاری نظام بانکی کشور، ریشه ها و علل مختلفی

دارد که به برخی از مهم ترین آن ها در این جا اشاره می شود:

## فشار مالی دولت

بخش مهمی از ناترازی نظام بانکی و انتقال تبعات آن به منابع بانک مرکزی، متأثر از سیاست های مالی دولت و عدم تعادل های ساختاری بودجه عمومی است که موجب انتقال ناترازی به ترازنامه بانک های کشور و در نتیجه تحمیل فشار به منابع بانک مرکزی شده است. اجرای برخی سیاست های دولت نظیر توزیع تسهیلات بی هدف بین بنگاه های زیان ده، اجرای مسکن مهر، خرید تضمینی گندم و نظایر آن، موجب می شود بانک های کشور فراتر از کارکرد اصلی خود، به ابزاری برای سیاست های دولت تبدیل شوند. سلطه و فشار مالی دولت بر شبکه بانکی و تبدیل شدن بانک ها به ابزار سیاست های مالی و حمایتی دولت، موجب شکل گیری ناترازی و انباشت آن در ترازنامه بانک های کشور شده است. اغلب دولت ها کم و بیش، در اجرای سیاست های حمایتی خود از قبیل حمایت از بنگاه های کوچک و متوسط، طرح های اشتغال زایی، مقابله با حوادث غیرمترقبه، خروج از رکود و نظایر آن، به جای اتکا بر بودجه و منابع عمومی، تکالیفی را به طور اجباری بر شبکه بانکی تحمیل نموده اند. علاوه بر آن، بانک ها همواره ناچار هستند در فعالیتهای عادی خود از قبیل جذب سپرده و اعطای تسهیلات، در چارچوب نرخ های دستوری تعیین شده از جانب بانک مرکزی و بدون توجه به اصول کسب و کار بانکی و بدون توجه به منافع سهامداران و سپرده گذاران فعالیت کنند. لذا در اثر تحمیل وظایفی فراتر از کارکرد عادی بانک ها از جانب دولت و تحمیل نرخ های دستوری از جانب بانک مرکزی، بانک ها به تدریج با ناترازی منابع و زیان های انباشته مواجه شده اند.

(نمودار ۱) سهم بدهی بانک ها به بانک مرکزی از کل پایه پولی / درصد



در نقشه راه اصلاح نظام بانکی، برخی اقدامات خاص برای عبور از بحران بانکی نیز اجتناب‌ناپذیر است. شاید لازم باشد در خصوص بازپس‌گیری سودهای موهومی یا تبدیل سپرده‌های بزرگ بانکی به سهام بانکها، تصمیم‌گیری شود. چنین تصمیماتی نیازمند بررسی تمامی جوانب امر و همچنین نیازمند وضع قوانین جدید یا اخذ مجوزهای لازم از مراجع قضایی ذی‌ربط است.

### نقشه راه اصلاح نظام بانکی

اصلاح نظام بانکی به یک نقشه راه جامع و دقیق نیاز دارد. در این نقشه راه، مؤلفه‌هایی مانند نحوه تأمین منابع افزایش سرمایه بانکها، نحوه تعیین تکلیف بانکهای مشکل‌دار، بازنگری قوانین و ارتقای بستر قانونی و حقوقی مورد نیاز، تعیین حدود اختیارات بانک مرکزی برای مدیریت اصلاح نظام بانکی، زمان‌بندی اقدامات و نظایر آن باید مشخص شوند. پیش از هر اقدامی ابتدا لازم است اختیارات لازم برای تهیه نقشه‌راه و اجرای آن از جانب نهادهای مانند شورای عالی هماهنگی اقتصادی به بانک مرکزی اعطا شود. طبیعتاً پیشبرد چنین طرح بزرگی بدون اختیارات کافی امکان‌پذیر نخواهد بود.

نقشه راه اصلاح نظام بانکی باید شامل مراحل اولیه مانند ارزیابی کیفیت دارایی بانکها و دسته‌بندی بانکها بر اساس وخامت اوضاع باشد. ترازنامه فعلی بانکها از شفافیت و دقت کافی برای ارزیابی دقیق وضعیت آن‌ها، برخوردار نیست. لازم است ابتدا ارزیابی دقیق از میزان و کیفیت دارایی واقعی بانکها و همچنین بدهی بانکها به عمل آید.

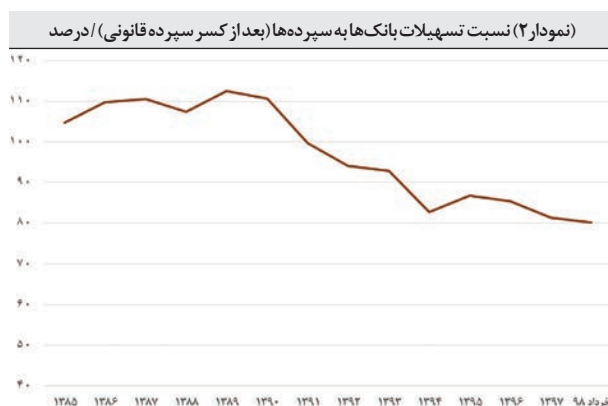
در گام بعدی لازم است بانکهای مشکل‌دار و غیرقابل اصلاح مشخص شوند و در خصوص نحوه تعیین تکلیف آن‌ها از قبیل انحلال یا ادغام و نظایر آن تصمیم‌گیری شود. در این زمینه می‌توان از تجربه سایر کشورها در اصلاحات بانکی بهره برد. همچنین لازم است قوانین و مقررات مناسب برای ورشکستگی و امثال آن، در قالب لایحه‌ای تنظیم شود و به تصویب مجلس برسد.

فرصت‌های جدید مانند عملیات بازار باز نیز می‌تواند به فرایند سالم‌سازی ترازنامه بانکهای قابل اصلاح کمک کند. چنانچه بتوان بانکها را به سمت افزایش سهم اوراق در ترازنامه و توثیق اوراق معتبر برای دریافت تسهیلات کوتاه‌مدت از بازار بین بانکی سوق داد، به تدریج امکان سالم‌سازی ترازنامه بانکها، قاعده‌مندسازی تأمین مالی کوتاه‌مدت بانکها، کنترل اضافه برداشت از منابع بانک مرکزی، بازارپذیری اوراق و تأمین غیرپولی کسری بودجه دولت فراهم خواهد شد.

در کنار تمامی اصلاحات مورد نیاز، لازم است محیط کسب و کار بانکها نیز تسهیل شود. به ویژه لازم است چارچوب سیاست پولی تغییر یابد و از دخالت در تعیین نرخ سود بانکها و دخالت در شرایط قرارداد بین بانک و مشتری اجتناب شود. همچنین لازم است تمامی آیین‌نامه‌ها و مقررات ناکارآمد فعلی بازنگری شود و مهم‌تر از همه، قانون بانک مرکزی و قانون بانکداری بازنگری شود و متناسب با استانداردهای روز دنیا ارتقا یابد.

در نقشه راه اصلاح نظام بانکی، برخی اقدامات خاص برای عبور از بحران بانکی نیز اجتناب‌ناپذیر است. به عنوان مثال، شاید لازم باشد در خصوص بازپس‌گیری سودهای موهومی یا تبدیل سپرده‌های بزرگ بانکی به سهام بانکها، تصمیم‌گیری شود. چنین تصمیماتی نیازمند بررسی تمامی جوانب امر و همچنین نیازمند وضع قوانین جدید یا اخذ مجوزهای لازم از مراجع قضایی ذی‌ربط است. هم‌زمان با اقدامات اصلاحی فوق، لازم است کنترل شدید برای جلوگیری از پرداخت سودهای موهومی به سپرده‌گذاران و سهامداران بانکها صورت گرفته و با متخلفین بانکی برخورد قاطع قانونی شود.

در نهایت، تسریع در فرایند تهاتر بدهی‌های چندجانبه بین دولت، بانکها، بانک مرکزی و بنگاه‌ها می‌تواند به تسهیل فرایند اصلاح نظام بانکی و بهبود ترازنامه بانکها کمک کند. ■



بازار مسکن، ارز و طلا با استفاده از سپرده‌های مردم، موجب اخلال در این بازارها شده و از سوی دیگر با توجه به پرداخت بهره‌های غیرمتعارف، در مدیریت منابع و مصارف خود دچار مشکل شدند. عدم شفافیت در گردش مالی این موسسات و فقدان تخصص و اعتبار مدیران و سهامداران این گونه موسسات نیز مزید بر مشکلات شد. ساماندهی این موسسات به بهای گزاف توسط بانک مرکزی به سرانجام رسید ولی فشار آن بر پایه پولی و منابع بانک مرکزی همچنان بر جای مانده است. اگر چه موسسات مذکور به ظاهر منحل یا ادغام شده‌اند ولی در عمل، عوارض ناترازی‌های شکل گرفته در اثر سوء عملکرد قبلی موسسات مذکور، به سایر بخش‌های نظام بانکی منتقل شده و همچنان برقرار است.

### ریسک‌ها و مشکلات جدید

جدای از تمامی مشکلات ساختاری و مزمن نظام بانکی کشور، در حال حاضر دو منشأ جدید ریسک، نظام بانکی کشور را مورد تهدید قرار داده و مزید بر مشکلات شده است. مورد اول آن است که دولت در سال جاری و احتمالاً در سال آینده، با کسری بودجه عمده مواجه است و اگر کسری بودجه مطابق با الگوی مناسب مدیریت نشود، آثار مستقیم و غیرمستقیم آن به شبکه بانکی کشور منتقل خواهد شد. این مسئله، شبکه بانکی را با کاهش جریان نقد و تشدید ناترازی مواجه خواهد کرد. مورد دوم آن است که اقتصاد کشور از میانه سال گذشته وارد دوره رکود شده و احتمالاً در سال جاری نیز رکود ادامه خواهد داشت. رکود گسترده، منجر به تشدید مشکلات بنگاه‌ها شده و مشکل مطالبات غیرجاری بانکها را بیشتر خواهد کرد که آن نیز بانکها را با کاهش جریان نقد و ناترازی بیشتر روبرو خواهد کرد. هر دو مسیر مذکور، مضاف بر مشکلات انباشته و قبلی نظام بانکی، بر تنگنای اعتباری بانکها خواهد افزود. تشدید تنگنای اعتباری بانکها، به تعمیق رکود تولید منجر می‌شود و روند مطالبات غیرجاری بانکها را افزایش خواهد داد. به بیان روشن‌تر، مسئله کسری بودجه فعلی دولت و رکود بخش واقعی، دو عاملی است که به تسریع روند اضافه برداشت بانکها و افزایش بدهی بانکها به بانک مرکزی منجر خواهد شد. بنابراین، لازم است جدای از اصلاحات اساسی در نظام بانکی، عجلتاً دولت از انتقال مشکلات بنگاه‌ها به شبکه بانکی از طریق تصمیماتی مانند امهال بدهی بنگاه‌ها یا تحمیل تسهیلات تکلیفی به بانکها خودداری کند. علاوه بر آن لازم است کسری بودجه دولت در سال جاری به شیوه‌های غیرپولی از قبیل انتشار اوراق، افزایش پایه مالیاتی، کاهش هزینه‌های مدیریت‌پذیر دولت، واگذاری دارایی‌های دولت و امثال آن مدیریت شود. با این شیوه‌ها، از تشدید مشکلات نظام بانکی جلوگیری خواهد شد.

### موانع اصلاح نظام بانکی

اصلاحات واقعی نظام بانکی، طرح بسیار بزرگی است که آثار مثبت بسیاری برای اقتصاد کشور به دنبال خواهد داشت ولی در عین حال، اجرای آن با موانع جدی مواجه است. مانع اول در مسیر اصلاح نظام بانکی، فشار ذی‌نفعان وضع موجود است. وضعیت فعلی، ذی‌نفعان عمده و بانفوذی دارد؛ از جمله سپرده‌گذاران دریافت‌کننده سودهای غیرمتعارف و موهومی، سهامداران برخوردار از سودهای غیرواقعی و موهومی، سهامداران و مالکان بیش از سقف مجاز سهامداری واحد، بنگاه‌ها و شرکت‌های تابعه بانکها و برخوردار از تسهیلات ترجیحی، هیئت مدیره فعلی بانکها و نظایر آن. به طور طبیعی، هر گونه اقدام برای اصلاح نظام بانکی با کارشکنی و اعمال نفوذ این گروه‌ها مواجه خواهد شد. مانع دوم، فقدان منابع لازم برای افزایش سرمایه بانکها است. در شرایطی که دولت با تنگنای مالی مواجه است، امکان افزایش سرمایه بانکها از محل منابع عمومی بسیار محدود است. افزایش سرمایه از منابع داخلی سهامداران نیز به دلایل مختلف با محدودیت مواجه است. افزایش سرمایه به اتکای منابع بانک مرکزی نیز به هیچ‌وجه قابل توصیه نیست. بنابراین، فقدان منابع لازم برای افزایش سرمایه بانکها و احیای بانکها، یک قید محدودکننده و یک مانع برای اصلاح نظام بانکی است. علاوه بر موارد مذکور، از جمله سایر موانع جدی می‌توان به فقدان دانش و تجربه قبلی برای مدیریت اصلاحات در ابعاد بسیار بزرگ و عدم اجماع در پذیرش تبعات و هزینه‌های اصلاحات واقعی نظام بانکی نیز اشاره کرد. بنابراین باید گفت اصلاح نظام بانکی نیازمند نقشه راه دقیق و حساب‌شده، دانش لازم، اختیارات کافی، آمادگی برای تصمیمات بزرگ و حمایت‌های سیاسی در سطوح بالا است.

# دنیای پایدار

## امنیت غذایی چه شاخص‌هایی دارد؟

در سال‌های اخیر امنیت تغذیه‌ای به‌عنوان هدفی بالاتر از امنیت غذایی مطرح شده است و منظور آن است که افزایش دسترسی مردم به خدمات بهداشتی درمانی و تأمین سلامت در کنار تأمین امنیت غذایی در نظر گرفته می‌شود. ایران در این حوزه چه وضعیتی دارد؟

پژوهش‌های برنامهریزی و اقتصاد کشاورزی



فاطمه باسیان

عضو هیئت علمی موسسه پژوهش‌های برنامهریزی و اقتصاد کشاورزی

### چرا باید خواند:

اگر می‌خواهید

مقاله‌ای در حوزه

کشاورزی، تنوع

زیستی و امنیت

غذایی بخوانید، این

مقاله به شما توصیه

می‌شود.

خرید، نگهداری، پخت غذا و توزیع آن در خانوار؛ دسترسی به خدمات بهداشتی درمانی برای پیشگیری و درمان به‌موقع بیماری‌ها و سلامت افراد برای بهره‌گیری مطلوب بیولوژیک سلولی از مواد مغذی مصرفی.

گزارش امنیت غذایی و تغذیه جهان که توسط فائو در سال ۲۰۱۸ منتشر شده است حاکی از آن است که گرسنگی در سال‌های اخیر پس از یک دوره طولانی روند کاهشی، در سال ۲۰۱۷ روند رو به رشد داشته است و برآورد شده که حدود ۸۲۱ میلیون نفر گرسنه در جهان وجود دارد. یعنی تقریباً از هر ۹ نفر یک نفر از نظر تغذیه با مشکل روبه‌رو است. به‌طوری‌که سوءتغذیه و ناامنی غذایی شدید در بخش زیادی از قاره آفریقا و آمریکای جنوبی و در قاره آسیا مشاهده می‌شود. در این گزارش اشاره شده سه عامل مناقشات منطقه‌ای، اقلیم و کاهش رشد اقتصادی بر امنیت غذایی و تغذیه تأثیرگذار بوده است. در این میان اقلیم و تغییرات آن به‌عنوان عامل مهمی در امنیت غذایی جهان مدنظر قرار گرفته است. تکرار و شدت حوادث شدید جوی و خشک‌سالی‌ها، افزایش سطح آب دریاها و افزایش بی‌نظمی‌های الگوهای فصلی بارش، تأثیرات آنی بر تولید غذا، زیرساخت‌های توزیع غذا، وقوع وضعیت‌های اضطراری غذا و فرصت‌های معیشتی و نیز سلامت انسان‌ها، در مناطق شهری و روستایی خواهد داشت. در تحقیقی که سال ۲۰۱۶ انجام شده پیش‌بینی کرده‌اند که با تغییر در الگوی بارش، احتمال کاهش غذای جهانی به میزان ۱۰ درصد در سال ۲۰۳۰ و بیشتر از ۲۰ درصد در سال ۲۰۵۰ وجود دارد. از طرف دیگر پیش‌بینی می‌شود به دلیل تغییر در الگوی بارش، قیمت

دستیابی به توسعه پایدار نیازمند برنامهریزی در جهت تحقق شاخص‌های آن است. یکی از شاخص‌های مهم توسعه پایدار، امنیت غذایی برای همگان است. حصول به امنیت غذایی برای همگان، یعنی پایان دادن به گرسنگی و تأمین غذا که سازمان‌های بین‌المللی، توصیه‌ها و کشورهای جهان، برنامه‌های متنوعی برای دستیابی به این هدف دارند در سال‌های اخیر امنیت تغذیه‌ای به‌عنوان هدفی بالاتر از امنیت غذایی مطرح شده است و منظور آن است که افزایش دسترسی مردم به خدمات بهداشتی درمانی و تأمین سلامت در کنار تأمین امنیت غذایی در نظر گرفته می‌شود. بر اساس تعریف فائو از امنیت غذایی، مفاهیم اصلی امنیت غذایی عبارتند از: غذای کافی، دسترسی (فیزیکی و اقتصادی) و زندگی سالم و فعال. در این میان مفهوم دسترسی به غذا یعنی فرد به شبکه توزیع غذا در محل زندگی خود دسترسی آسان داشته (دسترسی فیزیکی) و با درآمد خود بتواند غذای مورد نیاز را خریداری کند (دسترسی اقتصادی). دسترسی به غذا حاصل تولید داخلی و تجارت است. یعنی نیاز به مواد غذایی از طریق تولید داخلی یا واردات تأمین می‌شود و دسترسی اقتصادی به توانایی و قدرت خرید واقعی مردم وابسته است.

در این میان دسترسی ناکافی به غذا، ناامنی غذایی را به دنبال دارد. ناامنی غذایی بیماری‌های متفاوتی را به همراه خواهد داشت. چرخه ارتباطی بین ناامنی غذایی و بیماری مزمن زمانی شروع می‌شود که یک فرد یا خانواده نتوانند غذای کافی و مواد مغذی مورد نیاز را تأمین کنند. ترکیبی از استرس و تغذیه نامناسب می‌تواند مدیریت بیماری را با چالش بیشتری روبه‌رو کند. زمان و پول مورد نیاز برای پاسخ‌گویی به بحران‌های بهداشتی که در حال افزایش است، بودجه خانوار را کاهش داده و پول کمتری برای تغذیه و مراقبت‌های پزشکی برای خانوارها باقی می‌ماند. این امر باعث می‌شود که چرخه ناامنی غذایی و بیماری ادامه یابد. سلامت مبنای بهره‌وری شغلی، ظرفیت یادگیری در مدرسه و توانایی در رشد جسمی، روانی و هوشی است. به عبارتی اقتصادی، سلامت یک وجه اساسی سرمایه انسانی است. سلامتی را می‌توان جزو مهمی از سرمایه انسانی محسوب کرد و به‌طور معمول انتظار می‌رود افراد سالمی که با مقادیر مشخصی از عوامل تولید مشغول به کار هستند، در واحد زمان بهره‌وری بیشتری نسبت به نیروی کار بیمار داشته باشند. افراد سالم معمولاً با انگیزه بیشتر برای کسب درآمد، سخت‌کوش‌تر و کارا تر هستند. از همین روست که کشورهای جهان تغذیه سالم و کافی را از کودکی مورد توجه قرار داده‌اند.

حفظ سلامت تغذیه‌ای و تأمین امنیت غذایی در سطح خانوار تابع چهار عامل است: درآمد و قیمت‌ها به‌عنوان مهم‌ترین عوامل مؤثر در انتخاب و خرید مواد غذایی؛ دسترسی به مواد غذایی در بازار و محل زندگی؛ آگاهی و دانش خانواده در مورد غذا و تغذیه از نظر

## نکته‌هایی که باید بدانید

▶ **تنوع زیستی کشاورزی** در حال حاضر در حد بحرانی است. در حال حاضر فقط کمتر از ۷۰ گونه گیاه در بیش از ۱۳۰۰ میلیون هکتار در جهان کشت می‌شود و فقط گونه‌های کمی از انواع گیاهان مورد پرورش هستند.

▶ **سازمان خواروبار جهانی** ملل متحده تخمین زده که ۷۵ درصد تنوع ژنتیکی محصولات کشاورزی در خیلی از گیاهان بومی از مناطق اصلی خود از بین رفته‌اند.

▶ تنوع زیستی از طریق کنترل آفات و بیماری‌ها، حفاظت از خاک و افزایش باروری آن و پایداری سیستم تولید کشاورزی به افزایش تولید، بهره‌وری و درآمد تولیدکنندگان کمک می‌کند. توجه به تنوع زیستی به‌منظور تأمین امنیت غذایی مردم جامعه و پایداری سیستم تولید و معیشت بهره‌برداران بخش کشاورزی نیازمند برنامهریزی و تدوین راهبردها است.

▶ **حفظ تنوع** در سیستم‌های کشاورزی یک رویکرد جدید نیست، به‌طوری‌که توسط بسیاری از کشاورزان خرده‌مالک در جهان، در بسیاری از کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد که هم امنیت غذایی مردم و هم معیشت پایداری بهره‌برداران را به همراه داشته و هم در مقابل خطرات ناشی از تغییرات آب و هوایی و یا شوک‌های دیگر طبیعی مقاومت بیشتری دارند.

بر اساس تعریف فائو از امنیت غذایی، مفاهیم اصلی امنیت غذایی عبارتند از: غذای کافی، دسترسی (فیزیکی و اقتصادی) و زندگی سالم و فعال. در این میان مفهوم دسترسی به غذا یعنی فرد به شبکه توزیع غذا در محل زندگی خود دسترسی آسان داشته (دسترسی فیزیکی) و با درآمد خود بتواند غذای مورد نیاز را خریداری کند (دسترسی اقتصادی).

کنوانسیون تنوع زیستی را به عنوان روز بین المللی تنوع زیستی تعیین کرد اما در دسامبر ۲۰۰۰ مجمع عمومی این سازمان، باهدف افزایش سطح درک و آگاهی از مسائل مربوط به تنوع زیستی، ۲۲ می را، تحت عنوان روز بین المللی تنوع زیستی (IDB) نام گذاری کرد. تنوع زیستی کشاورزی در حال حاضر در حد بحرانی است. در حال حاضر فقط کمتر از ۷۰ گونه گیاه در بیش از ۱۳۰۰ میلیون هکتار در جهان کشت می شود و فقط گونه های کمی از انواع گیاهان مورد پرورش هستند. سازمان خواروبار جهانی ملل متحده تخمین زده که ۷۵٪ تنوع ژنتیکی محصولات کشاورزی در خیلی از گیاهان بومی از مناطق اصلی خود از بین رفته اند. به عنوان مثال در سال ۱۹۰۳ برای گوجه فرنگی در حدود ۴۰۸ رقم وجود داشته که ۸۰ سال بعد یعنی در سال ۱۹۸۳ به ۷۹ رقم رسیده و تنوع زیستی کاهش یافته است. در طول زمان تنوع ارقام محصولات کشاورزی کاهش یافته است. تنوع زیستی یک عامل اساسی و مورد نیاز برای جمعیت ها در جهت تکامل و مقابله با تغییرات محیطی و مهم ترین عامل جلوگیری از انقراض موجودات زنده و حفاظت از تنوع زیستی محسوب می شود و کاهش آن اغلب سبب کاهش قدرت تولید مثل و ماندگاری است. آنچه مهم و قابل تأمل است اینکه تنوع موجود در بخش کشاورزی (به عنوان نمونه انواع نژاد دام، ارقام مختلف یک محصول و...) موضوعی منحصربه فرد و بسیار ارزشمند است و به هیچ وجه قابل جایگزین شدن نیست زیرا اگرچه بیوتکنولوژی جدید می تواند در اصلاح ارقام و نژادها کمک کند اما قادر به ایجاد تنوع از دست رفته نیست. بنابراین حفاظت، شناسایی و استفاده پایدار از تنوع ژنتیکی امری حیاتی و ضروری است.

تجربه و تحقیق های انجام شده نشان داده است که تنوع زیستی در بخش کشاورزی می تواند در موضوعات ذیل نقش آفرینی کند:

- افزایش بهره وری، امنیت غذایی و بازده اقتصادی
- کاهش فشار و تنش کشاورزی در مناطق شکننده، جنگل ها و گونه های در معرض خطر
- قوی و پایدار ساختن سیستم های کشاورزی
- کمک به کنترل آفت و بیماری ها
- حفظ خاک و افزایش باروری و سلامت خاک طبیعی
- کمک به تقویت و تشدید پایداری
- متنوع سازی تولیدات و فرصت های درآمدزایی
- کاهش خطر ها و یا توزیع خطر ها به افراد و مردم
- به حداکثر رساندن استفاده مؤثر از منابع و محیط زیست
- کاهش وابستگی به نهاده های خارجی
- بهبود تغذیه انسانی و فراهم سازی منابع دارویی و ویتامین ها
- حفظ ساختار اکوسیستم و ثبات تنوع گونه ها.

همان طور که ملاحظه می شود تنوع زیستی از طریق کنترل آفات و بیماری ها، حفاظت از خاک و افزایش باروری آن و پایداری سیستم تولید کشاورزی به افزایش تولید، بهره وری و درآمد تولید کنندگان کمک می کند. توجه به تنوع زیستی به منظور تأمین امنیت غذایی مردم جامعه و پایداری سیستم تولید و معیشت بهره برداران بخش کشاورزی نیازمند برنامه ریزی و تدوین راهبرد است. قبل از آن به نظر ضروری می رسد توجه پژوهشگران، برنامه ریزان و سیاست گذاران به اهمیت این موضوع بیش از گذشته معطوف شده و رویکرد تنوع زیستی نیز به عنوان یک رویکرد توسعه محور پایدار، حاکم بر برنامه توسعه پایدار بخش کشاورزی شود. امنیت پایدار در بخش های تولیدات بخش کشاورزی نیازمند حفظ تنوع ژنی و احیای ژن های گونه های بومی و محلی است. کشاورزی و تنوع زیستی اغلب به عنوان نگرانی جداگانه مورد توجه قرار گرفته اند. اگرچه تنوع زیستی بر اساس بسیاری از کشاورزی مدرن است. توجه به این نکته که به منظور تغذیه جمعیت رو به رشد، شناسایی روش های نوآورانه و قابل قبول یکپارچه برای حفاظت از تنوع زیستی و تولید مواد غذایی است. حفظ تنوع در سیستم های کشاورزی یک رویکرد جدید نیست، به طوری که توسط بسیاری از کشاورزان خرده مالک در جهان، در بسیاری از کشورها مورد استفاده قرار می گیرد که هم امنیت غذایی مردم و هم معیشت پایدار بهره برداران را به همراه داشته و هم در مقابل خطرات ناشی از تغییرات آب و هوایی و یا شوک های دیگر طبیعی مقاومت بیشتری دارند. ■

غذا در جهان بین ۳ تا ۸۴ درصد در سال ۲۰۵۰ افزایش یابد. فائو پیش بینی می کند عملکرد محصولات کشاورزی ۱۰ تا ۲۵ درصد در سال ۲۰۵۰ به دلیل تغییرات اقلیم کاهش یابد. این در حالی است که با توجه به افزایش جمعیت جهان، باید ۶۰ درصد افزایش در غذا به وجود آید. مطالعات نشان می دهد که تغییر اقلیم و آب و هوا از طریق تأثیر گذاری بر تولید و عرضه می تواند منجر به افزایش قیمت غذا و محصولات کشاورزی شود که خود می تواند بحران گرسنگی در جهان را شدت و عمق بخشد. به طوری که پیش بینی می شود به دلیل افزایش حرارت و تغییر در الگوی بارش، قیمت غذا در جهان بین ۳ تا ۸۴ درصد در سال ۲۰۵۰ میلادی افزایش یابد. به عبارت دیگر تغییرات اقلیم خطر و تهدیدی برای امنیت غذایی جهان بوده و باعث می شود که تعداد افرادی که دچار سوء تغذیه هستند، افزایش یابد.

در کنار امنیت غذایی توجه به این نکته که کاهش تولید بخش کشاورزی به دلایل مختلف و از جمله تغییرات آب و هوایی، آفت ها و بیماری های گوناگون معیشت و رفاه بهره برداران و تولید کنندگان بخش کشاورزی و کسب و کار های مرتبط به آن و خانواده آنان را در معرض خطر قرار می دهد. در این میان کشاورزان کوچک مقیاس و خرده پا، جنگل نشینان، گله داران و ماهی گیران بیشتر تحت تأثیر تغییرات اقلیمی قرار دارند. بر اساس گزارش فائو تحت عنوان «زندگی اقتصادی کشاورزان خرده پا»، حدود دوسوم از سه میلیارد نفر جمعیت روستایی کشورهای در حال توسعه در ۴۷۵ میلیون مزارع خانوادگی کوچک فعالیت می کنند که قطعات زمین آنها کمتر از دو هکتار است. در چین نزدیک به ۹۸ درصد از کشاورزان در مزارع کوچک تر از دو هکتار کشت می کنند و این کشور به تنهایی تقریباً نیمی از مزارع کوچک در جهان را به خود اختصاص داده است. در هند حدود ۸۰ درصد از کشاورزان کوچک مقیاس هستند. در اتیوپی و مصر، مزرعه کوچک تر از دو هکتار نزدیک به ۹۰ درصد از کل مزارع را تشکیل می دهند. در مکزیک، ۵۰ درصد از کشاورزان کوچک هستند. برآورد شده که کشاورزان کوچک یا خرده پا حدود ۵۰ درصد از غذای جهانی را تولید می کنند. علاوه بر دسترسی به بذرها و اصلاح شده و تکنولوژی و فناوری، مزارع کوچک به تغییرات آب و هوایی (همانند انطباق الگوی کشت با بارش و درجه حرارت) و خشک سالی بسیار حساس بوده و تولید آنها تحت تأثیر این عوامل قرار می گیرد. به عبارتی تولید کننده کوچک یا خرده پا در برابر انواع خطرات قرار می گیرد که تولید و درآمد آنان را دچار نوسان می کند. این در حالی است که بر اساس مطالعه فائو با عنوان خصوصیات اقتصادی کشاورزان خرده پا که در سال ۲۰۱۵ منتشر شده آمده در بسیاری از کشورها بیش از ۴۰ درصد کشاورزان خرده پا فقیر هستند. به عبارتی کشاورزان کوچک یا خرده پا هم تولید کننده اصلی مواد غذایی برای جمعیت جهان بوده و هم در فقر زندگی کرده و دسترسی آنان به نهاده ها و تکنولوژی و اعتبارات برای افزایش بهره وری تولید کم است. کاهش قیمت جهانی مواد غذایی به منظور تأمین غذای جمعیت جهان که توانایی خرید مواد غذایی ندارند، منوط به افزایش تولید است که این افزایش در مزارع کوچک با افزایش بهره وری و عملکرد حاصل می شود. رویکردهای متفاوتی در جهان برای افزایش عملکرد و کارایی مزارع کوچک به منظور تأمین امنیت غذایی و معیشت بهره برداران کشاورزی با توجه به معیارهای اقتصاد سبز در نظر گرفته شده که می تواند برای کشور ما در سیاست گذاری های بخش کشاورزی کاربرد داشته باشد. یکی از این راهکارها، توجه به تنوع زیستی در بخش کشاورزی است.

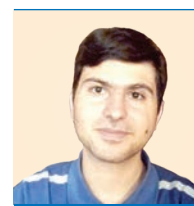
بر اساس تعریف سازمان خواروبار جهانی (FAO)، تنوع زیستی کشاورزی (Agrobiodiversity) به تنوع و قابلیت تنوع پذیری جانوران، گیاهان و میکروارگانیسم هایی که به طور مستقیم و غیرمستقیم برای کشاورزی و تولید غذا مهم هستند، اطلاق می شود از جمله محصولات زراعی، دام، جنگلداری و ماهیگیری و اثر متقابل بین محیط، منابع ژنتیکی، سیستم های مدیریتی و عملیات انجام شده توسط انسان را شامل شده و شامل سه سطح تنوع ژنتیکی، گونه ای و بوم نظامی است. تنوع زیستی یا تنوع حیات به مفهوم تنوع ژنتیکی، گونه ای و اکوسیستمی است که در حقیقت کل تنوع های موجود در شبکه های حیاتی جهان را در بر می گیرد. تنوع زیستی کشاورزی دربرگیرنده تمامی گیاهان زراعی، حیوانات اهلی و خویشاوندان وحشی آنها و تمامی گونه های حشرات گرده افشان، همزیست و آفت ها، انگل ها، شکارچیان و گونه های رقیب هست. به عنوان مثال، گونه های مختلف محصولات و نژاد دام ها مصداق تنوع زیستی هستند. با توجه به اهمیت موضوع، سازمان ملل متحد ابتدا، ۲۹ دسامبر ۱۹۹۳ (تاریخ تشکیل

# عقب مانده ایم چون فقیریم

## جایگاه تهران در رتبه بندی جهانی کجاست؟

اقتصاد شهری مهم ترین شاخص در رتبه بندی های جهانی است؛ جایگاه تهران در رتبه بندی جهانی کجاست؟ رتبه شهر تهران در شاخص هایی مثل توزیع ثروت، کاهش فاصله طبقاتی، متوسط فقر، قیمت غذا، رشد مشاغل، قیمت املاک، هزینه زندگی، جذب سرمایه گذاری، و نرخ بهره وری چقدر است؟ این مقاله را بخوانید.

ن



محمد کریم آشایش

پژوهشگر شهری

### چرا باید خواند:

فقر شهری امری  
شهری و فضایی است  
و یا نابرابری و طبقاتی  
شدن مناطق و محلات  
شهر پیوسته است؛  
شهری و فضایی شدن  
فقر با سیاست های  
شهری در زمینه های  
کلیدی، خدمات، حمل  
و نقل، امور اجتماعی  
و کاربری های شهری  
هم پیسته است.

برای طرح رابطه عقب ماندگی شهر تهران با فقر شهری و حلقه مفقوده وضعیت موجود، ابتدا داده های چند گزارش را مرور می کنیم. نخست از گزارش «جایگاه تهران در رتبه بندی های جهانی» از معاونت برنامه ریزی، توسعه شهری و امور شورای شهرداری تهران آغاز می کنیم.

چنان ملاحظه می شود اقتصاد شهری مهم ترین شاخص در رتبه بندی های جهانی است و زیر شاخص های آن عبارت اند از: توزیع ثروت، کاهش فاصله طبقاتی، متوسط فقر، قیمت غذا، رشد مشاغل، قیمت املاک، هزینه زندگی، فروشگاه های عمومی و محلی، مالیات، جذب سرمایه گذاری، نرخ بهره وری و هزینه های عمومی.

حال نگاهی به گزارش «بررسی وضعیت فقر چندبعدی در تهران» از معاونت برنامه ریزی، توسعه شهری و امور شورای شهرداری تهران، می اندازیم.

مطابق با پژوهش «رتبه بندی رفاه مناطق تهران» از مجموعه ای مرکب از پژوهشگران دانشگاه های تهران، شیراز و خوارزمی، به دلیل توزیع نامتعادل امکانات شهری، فقط ۲۳ درصد محدوده شهر تهران که تنها پنج منطقه از ۲۲ منطقه این کلان شهر را در بر می گیرد، جزو نقاط توسعه یافته پایتخت تلقی می شود به این صورت که ساکنان مناطق شش، سه، یک، دو و هفت به ترتیب جزو پایتخت نشینان دارای رفاه شهری محسوب می شوند. در مقابل این جمعیت اندک که تعدادشان حدود ۲ میلیون نفر است، بیش از ۶ میلیون نفر از ساکنان پایتخت، در محدوده نیمه برخوردار یا دارای کمترین

سطح توسعه یافتگی شهری، سکونت دارند.

مطابق با این پژوهش، وضعیت رفاه مناطق به صورت زیر است:

به صورتی تفصیلی تر اگر بخواهیم بنگریم، وضعیت مناطق در شاخص های مختلف به شرح زیر است:

### رتبه بندی براساس عامل اقتصادی

در این تحقیق که در فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری منتشر شده است، رتبه بندی نخست مناطق ۲۲ گانه تهران براساس عامل اقتصادی انجام شده است. بر مبنای این شاخص چهار منطقه شامل مناطق یک، ۶، ۳ و ۷ به عنوان مناطق فراتوسعه ای شناخته شده اند. ۸ منطقه شامل مناطق ۱۱، ۵، ۱۲، ۴، ۸، ۱۳، ۲ و ۱۴ نیز در گروه توسعه یافته رو به بالا و پنج منطقه ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۹ و ۲۱ در گروه میان توسعه ای قرار گرفته اند. همچنین رتبه بندی مناطق براساس عامل اقتصادی نشان می دهد پنج منطقه محروم یا در کمترین حد توسعه یافتگی در سطح شهر تهران وجود دارد که شامل مناطق ۱۰، ۱۸، ۲۲ و نهایتاً منطقه ۱۷ می شود.

### رتبه بندی براساس عامل کالبدی-فضایی

بررسی و رتبه بندی مناطق براساس عامل دوم نیز نتایج جالبی را نشان داده است. براساس این عامل فقط منطقه ۶ شهر تهران حائز کسب رتبه فراتوسعه ای شناخته شده است. همچنین مناطق توسعه یافته رو به بالا شامل دو منطقه یک و ۲۲ و مناطق میان توسعه ای شامل مناطق ۳، ۱۲، ۱۱، ۲۰ و ۲۱ می شود. ۱۴ منطقه باقی مانده شهر تهران نیز در دو گروه محروم یا دارای حداقل سطح توسعه یافتگی هستند.

### رتبه بندی براساس عامل اجتماعی

مطالعه مناطق شهر تهران با توجه به عامل اجتماعی بیان می کند که از میان مناطق ۲۲ گانه پایتخت همچون عامل کالبدی-فضایی منطقه ۶ تهران در گروه فراتوسعه یافته قرار می گیرد. مناطق ۷، ۱۱ و ۱۲ به عنوان مناطق توسعه یافته رو به بالا و منطقه یک به عنوان یک منطقه میان توسعه شناخته شده است. در این بررسی ۵۰ درصد مناطق شهر تهران در گروهی قرار گرفته اند که حداقل سطح توسعه یافتگی را دارند. این گروه شامل مناطق ۲۱، ۲۲، ۸، ۱۰، ۵، ۲۰، ۴، ۱۳ و ۱۶ می شود. و در گروه محروم نیز مناطق ۱۸، ۱۴، ۱۹، ۱۵ و ۱۷ قرار گرفته اند. نکته جالب آنکه بیشترین مناطق محروم یا دارای حداقل سطح توسعه در عامل اجتماعی خود را نشان می دهد که ۱۶ منطقه را در خود جای داده است.

### رتبه بندی براساس عامل فرهنگی-تفریحی

در گروه چهارم نیز مناطق ۲۲ گانه تهران

بر مبنای عامل فرهنگی-تفریحی تقسیم بندی می شوند. تنها منطقه محروم در این گروه منطقه ۱۲ شناخته شده است. اما مناطق ۵، ۴، ۱، ۱۵، ۳، ۲ و ۶ در گروه مناطق فراتوسعه یافته از لحاظ شاخص های فرهنگی و تفریحی قرار دارند. همچنین مناطق ۱۹، ۱۳، ۱۴، ۷، ۱۶، ۱۸ و ۱۰ در گروه توسعه یافته رو به بالا، مناطق ۲۱، ۸، ۱۱ و ۲۰ در شاخص های فرهنگی و تفریحی قرار دارند. همچنین مناطق ۱۹، ۱۳، ۱۴، ۷، ۱۶، ۱۸ و ۱۰ در گروه توسعه یافته رو به بالا، مناطق ۲۱، ۸، ۱۱ و ۲۰ در شاخص های فرهنگی و تفریحی قرار دارند. همچنین مناطق ۱۹، ۱۳، ۱۴، ۷، ۱۶، ۱۸ و ۱۰ در گروه توسعه یافته رو به بالا، مناطق ۲۱، ۸، ۱۱ و ۲۰ در شاخص های فرهنگی و تفریحی قرار دارند. همچنین مناطق ۱۹، ۱۳، ۱۴، ۷، ۱۶، ۱۸ و ۱۰ در گروه توسعه یافته رو به بالا، مناطق ۲۱، ۸، ۱۱ و ۲۰ در شاخص های فرهنگی و تفریحی قرار دارند.

علاوه بر بررسی انفرادی عامل های مؤثر در سنجش میزان توسعه یافتگی مناطق مختلف شهر، نتیجه کلی که براساس ترکیب چهار عامل رتبه بندی شده نشان می دهد پنج منطقه تهران توسعه یافته و برخوردار از ۳۲ شاخص هستند اما ۱۳ منطقه به لحاظ توسعه یافتگی و برخوردار از

در رتبه بندی های جهانی شهرها به ترتیب این عوامل دارای اهمیت هستند	
عنوان	درصد
اقتصاد	۱۹
محیط زیست	۱۴
تعاملات بین المللی	۹
فرهنگ	۸
حمل و نقل	۷
مسائل جمعیتی	۷
نهادهای	۷
زیرساخت ها	۵
اطلاعات و ارتباطات	۴
نوآوری	۴
امنیت	۴
بهداشت	۴
تاب آوری	۳
سرمایه انسانی	۳
مدیریت بخش عمومی	۲

مسئله توسعه تهران صرفاً با تحقق اقتصاد دانش بنیان و طرح‌های موضوعی حل نمی‌شود، چنان که بیشترین تأثیر در مورد فقر را عدم تحقق محور کار و فعالیت شوش - بعثت گذاشته است که یک محور اقتصاد کارگاهی است نه دانش بنیان و نوین. بدون برنامه برای سیاست‌های رفاه شهری، رشد اقتصادی شهر ابر است.

عنوان	شاخص شهرهای جهانی	شاخص چشم انداز شهرهای جهانی	شاخص شهرهای یویا	شاخص زیست پذیری	شاخص شهرهای امن	شاخص شهرهای خلاق	شاخص کیفیت زندگی	شاخص شهرهای موفق	شاخص شهرهای برتر
تعداد شهرهای مورد بررسی	۱۲۸	۱۲۸	۱۸۰	۱۴۰	۶۰	۵۰۰	۲۳۱	۱۵۰	۶۰
رتبه تهران	۹۸	۱۱۸	۱۶۱	۱۲۷	۵۲	۴۲۳	۱۹۹	۱۴۵	۶۰

این شاخص‌ها عبارتند از: رشد اقتصادی شهر؛ برابری توزیع درآمد و ثروت؛ کاهش فقر مطلق؛ کاهش فقر نسبی؛ نهادهای رسمی سیاسی و سیستم‌هایی که به طور بالقوه حداقل شامل فقرا باشند؛ فرآیندهای سیاسی در عمل (رسمی و غیررسمی) و میزانی که در آن فرایندها شامل فقرا می‌شود. وجود ساز و کارهای خاص مشارکتی از جمله سطوح حکومت محلی که شامل فقرا بشود. یک جامعه مدنی مؤثر و فعال (به ویژه سازمان‌های اجتماع محور/سازمان‌های مردم‌محور و سازمان‌های غیردولتی) که مسائل فقر شهری همراه با حاکمیت را شامل شود. توانایی نهادهای حکومت شهر برای پاسخ‌گویی به نیازهای فقرا؛ ظرفیت مالی حکومت شهر (شامل بسیج بهبود درآمد و مدیریت خوب هزینه‌ها)؛ دسترسی فقرا به زمین یا مسکن از طریق سیستم‌های رسمی؛ دسترسی فقرا به زیرساخت‌ها و خدمات اساسی از طریق سیستم‌های عمومی از جمله برنامه‌های توانمندسازی؛ رفتار حکومت شهر نسبت به بخش غیررسمی؛ برنامه‌های کاهش قابل توجه فقر (با افزایش درآمد) در سطوح ملی یا محلی. مروری بر این گزارش‌ها و پژوهش‌ها نشان می‌دهد که برای توسعه شهری باید به صورت جدی برنامه فقرزدایی شهری و رفاه شهری را در دستور کار قرار داد و نه دیدگاه‌های سرریز رشد که به رشد، ایجاد مازاد و جذب سرمایه فارغ و بی‌توجه به کاهش نابرابری و فقر تمرکز دارند، راه حل توسعه تهران است و نه راه حل‌های «گران‌سازی تهران» و اخراج فقرا از آن که

مسئله تهران را به جمعیت مازاد و ظرفیت اکولوژیک تقلیل می‌دهد. این راه حل‌ها نه تنها به توسعه تهران راه نمی‌برند که به وخامت مشکلات آن و فرورفتگی آن بیشتر دامن می‌زنند. به تعبیر کارل پولانی در «دگرگونی بزرگ» اقتصادهایی که سوداگری بازار را به طور کامل بر جامعه حاکم می‌کنند، اقتصادهایی فک‌شده هستند که به نابودی می‌انجامد. شهرهای رشدیابنده که بر افزایش مازاد تمرکز کرده‌اند، شهرهایی نابرابر در وضعیت کنونی و البته ناپایدار در آینده نزدیک هستند. هم‌اکنون هم ناپایداری این شهرها در واکنش ظهور ترامپ در آمریکا و نئوفاشیسم در اروپا و برزیل خود را نشان داده است. ریچارد فلوریدا به عنوان واضع نظری این گونه شهرها یعنی شهرهای خلاق، اکنون خود در نقد آنها مطرح می‌کند که «بله، طبقه خلاق شکوفایی فرهنگی و اقتصادی را به پیش می‌راند، اما بیشتر برای خودش. در واقع، شهرهایی که نوآورانه‌ترین و خلاق‌ترین اقتصادها را دارند، اغلب در نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی بدترین وضعیت را دارند. هرچقدر شهری بزرگ‌تر، مترکم‌تر، مولدتر و از نظر اقتصادی موفق‌تر باشد، نابرابری در آن افزایش می‌یابد. فعالیت‌های اقتصادی بسیار نوآورانه، از قبیل سرمایه‌گذاری، روزنامه‌نگاری، هنرها، شرکت‌های فناوری پیشرفته، بیشتر و بیشتر در نواحی مادرشهری جمع می‌شوند و تمرکز می‌یابند. مردم در بخش‌های دیگر کشور می‌گویند: «ما این وضعیت را دوست نداریم، آن‌ها دارند راهشان را از ما جدا می‌کنند. ما ارزش‌های آنها را نمی‌پسندیم». واکنش آنها به این وضع، گسترش پوپولیسم، یا به عبارتی ترامپ‌بیس، بوده است. گسترش پوپولیسم فقط ثمره شکاف اقتصادی نیست بلکه نتیجه نابرابری اجتماعی آینده است.»

مسئله توسعه تهران صرفاً با تحقق اقتصاد دانش بنیان و طرح‌های موضوعی و موضوعی آن در طرح جامع حل نمی‌شود، چنان که بیشترین تأثیر در مورد فقر را عدم تحقق محور کار و فعالیت شوش - بعثت گذاشته است که یک محور اقتصاد کارگاهی است نه دانش بنیان و نوین. بدون برنامه برای سیاست‌های رفاه شهری، رشد اقتصادی شهر ابر است. ■

\* گفت‌وگو و بنگاه اسمیتسونین با ریچارد فلوریدا؛ ۱۳۹۶/۳/۲۲؛ «با آآوری در شهرها نابرابری به بار می‌آورد؟»

منتشرشده در <http://shanbeh-shahr.com>

وضعیت فقر در تهران	
درصد	وضعیت فقر
۲۰	مسکن مناسب ندارند
۱۸٫۹	عدم دسترسی به بیمه سلامت
۱۰	سوء تغذیه
۴٫۵	فقر و آسیب پذیری توانمان
۱۱	فقر درآمدی
۱۵٫۵	فقر چندبعدی
۰٫۹	عدم بهره‌مندی از ضروریات زندگی
۰٫۳	عدم دسترسی به حمام
۴۶	کارگران فاقد بیمه تأمین اجتماعی

ابعاد فقر درآمدی در خانواده‌های فقیر
۴۲ درصد خانوارهای فقیر مسکن ملکی ندارند
۵۳ درصد خانوارهای فقیر سرپرست بیکار دارند
۴۸ درصد خانوارهای فقیر هیچ شغلی در خانواده ندارند

این عوامل، محروم و در سطح توسعه‌یافته حداقلی قرار دارند. به عبارت دیگر این نتایج نشان می‌دهد ۲۳ درصد پایتخت‌نشینان به صورت اتفاقی و تامل‌برانگیز دقیقاً در ۲۳ درصد مساحت شهری تهران ساکن هستند و جزو پایتخت‌نشینان برخوردار از محدوده توسعه‌یافته شهر محسوب می‌شوند و مابقی جمعیت ساکن این کلان‌شهر در محدوده نیمه برخوردار و محروم با کمترین سطح توسعه‌یافتگی شهر سکونت دارند. براساس عوامل تلفیقی نیز منطقه ۶ تهران به عنوان تک‌منطقه فراتوسعه‌یافته معرفی شده است. مناطق ۱، ۲، ۳ و ۴ در گروه توسعه‌یافته رو به بالا و مناطق ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۱ در گروه نیمه‌برخوردار قرار گرفته‌اند. همچنین ۱۳ منطقه شهری باقی‌مانده در دو گروه محروم و دارای حداقل سطح توسعه‌یافتگی قرار دارند.

براساس مطالعات «طرح ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر تهران و توانمندسازی اجتماعات آنها»، در تهران ۵۰ محله با فقر مطلق هست و ۹ محله با تقریب قطعی ۵ درصد جزو محلات فقیر مطلق است. اکثریت قریب به اتفاق این محلات به جز موارد جزیرهای مانند فرح‌زاد و خاک سفید، در حول محور شوش - بعثت قرار دارند. لازم به توضیح است که آمارهای وضعیت فقر چندبعدی و رتبه‌بندی رفاه مناطق ۲۲ گانه تهران براساس آمارهای سال ۱۳۹۵ است و اطلاعات «طرح ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی شهر

تهران و توانمندسازی اجتماعات آنها» براساس سرشماری سال ۹۰ و تخمین بر مبنای آن در سال ۱۳۹۴ است و وضعیت فقر را بیش از جهش‌های ترمیمی ۹۶ و برقراری مجدد تحریم‌ها تصویر می‌کند. آنچه از این گزارش‌ها و پژوهش‌ها می‌توان دریافت نکات زیر است: بی‌هیچ شکی، وضعیت نازل تهران در رتبه‌های جهانی ریشه در غفلت از اقتصاد شهری دارد. معنای غفلت از اقتصاد شهری به معنای نادیده گرفتن سیاست‌گذاری برای کاهش فاصله طبقاتی، کاهش متوسط فقر، کاهش هزینه‌های زندگی، کاهش قیمت غذا، توزیع ثروت و کنترل قیمت املاک است. نمودهای این غفلت از زیرشاخص‌های اقتصاد شهری را می‌توان در وضعیت فقر در شهر تهران مشاهده کرد. فقر شهری امری شهری و فضایی است و با نابرابری و طبقاتی شدن مناطق و محلات شهر پیوسته است. شهری و فضایی شدن فقر با سیاست‌های شهری در زمینه‌های کالبدی، خدمات، حمل و نقل، امور اجتماعی و کاربری‌های شهری همبسته است.

برخی از این روندهای سیاستی فقیرسازی شهری را می‌توان این گونه نام برد: رکود ناشی از عدم توازن بین بخش‌های اقتصادی (بلعیدن اقتصاد توسط مستغلات)؛ سیاست انباشت از طریق سلب مالکیت (از جمله فریزسازی شهری به وسیله طرح‌ها)؛ جهت‌گیری انتقال سرمایه به چرخه دوم براساس منافع فرادستان اقتصادی؛ فقدان برنامه‌های توسعه اقتصاد محلی؛ تضعیف ساختار محلات فقیر؛ اعیانی‌سازی؛ سیاست‌های نوسازی به سود سازندگان و نه مالکان و مستأجران؛ تضعیف خدمات اجتماعی از جمله آموزش، بهداشت، تربیت بدنی و خدمات بهزیستی با روند خصوصی‌سازی؛ فقیرسازی با افزایش سهم مسکن از سبد خانوار؛ گران‌سازی حمل و نقل عمومی؛ افزایش هزینه‌های مشاغل غیررسمی (به ویژه دست‌فروشی) با تشدید انواع فشارها و تنگناها.

بررسی‌های نیک دیویس در ۱۰ شهر منتخب و متفاوت در جهان (در کتاب حکمرانی شهری و فقر: فریاد تهیدستان شهری در کشورهای جهان سوم) نیز نشان می‌دهد که بین رشد اقتصادی و فقرزدایی رابطه هست و ۱۴ شاخص وجود دارد تا بتوان براساس آن‌ها این ارتباط را سنجید که

# غیر هدمند

## تحلیلی درباره آثار مخرب ادامه پرداخت یارانه به سوخت

مرتضی زمانیان  
سالار سیدی

همکاران:

محمدصادق الحسینی

امیراحمد ذوالفقاری

مهدی حیدری

سینا ضیایی

سعید عباسیان

علی صناعی

احسان محمدزاده

علی مروی

### میزان بهره‌مندی دهک‌های مختلف جامعه از یارانه بنزین به نسبت دهک اول

از منظر دیگر باید توجه بیشتری داشت که تورم در ماه‌های گذشته بخش قابل توجهی از دهک‌های درآمدی جامعه را تحت فشار شدید قرار داده و علاوه بر تشدید فقر، فضای روانی و امنیتی جامعه را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. همچنین برخی از پیش‌بینی‌ها حاکی از ادامه وضعیت تورمی در کشور خواهد بود. در این شرایط از منظر اجتماعی آنچه بیش از مقوله اسمی تورم حائز اهمیت به شمار می‌رود، کاهش قدرت خرید مردم است. در واقع اگر متناسب با تورم قدرت خرید توده‌های مردم نیز افزایش یابد، عملاً آثار تورم به مسائلی چون ناپایداری محیط کسب و کار محدود خواهد شد. اما از آنجا که در عمل تورم با کاهش قدرت خرید بخش‌های قابل توجهی از جامعه همراه شده، ادامه وضعیت تورمی تبعات نگران‌کننده‌ای از جمله چالش تامین کالری برای دهک‌های پایین، و تبعات احتمالی در قالب ناآرامی‌های اجتماعی به همراه خواهد داشت. با توجه به این شرایط یکی از الزامات فعلی کشور سیاست‌های بازتوزیعی به منظور حفظ ضعف قدرت خرید این بخش از جامعه است. اهمیت این مساله تخصیص سهمیه سوخت به دهک‌های پایین درآمدی که عموماً فاقد خودرو هستند از ضروریات فرایند اصلاح حامل‌ها به شمار می‌رود.

مسئله بعدی در این تصمیم بار اجتماعی و سیاسی افزایش قیمت سوخت است. لازم به ذکر است که از آنجایی که سهمیه‌بندی نیازمند وضع قیمت دوم برای بنزین است، و در بسیاری از موارد همین قیمت دوم مبنای چانه‌زنی در تعیین قیمت قرار گرفته و در نهایت بار اجتماعی افزایش قیمت‌ها بر دوش دولت نهاده خواهد شد. از مهمترین ویژگی‌های اختصاص سهمیه به افراد کاهش بار روانی ایجاد قیمت در بازار است زیرا عملاً دولت سهمیه سوخت را به قیمت کنونی به همگان واگذار کرده و افراد خود در بازار ثانویه بنزین را به قیمت دوم مبادله خواهند کرد.

مساله بسیار مهمتر در الگوی تخصیص سهمیه به افراد تعیین قیمت دوم بر اساس سازوکار عرضه و تقاضا است. اهمیت این مساله از آنجایی حائز اهمیت فوق‌العاده است که آنچه در نهایت تعیین‌کننده رفاه خانوارها به شمار می‌رود قدرت خرید واقعی آنان است. در نتیجه قیمت بازار که تعیین‌کننده درآمد ناشی از فروش سهمیه بنزین برای دهک‌های پایین درآمدی است، در طول زمان همراه با تورم بروز شده و قدرت خرید ناشی از درآمدهای فروش سهمیه بدون هیچ گونه مداخله دولت حفظ خواهد شد. با این حال در الگوی تخصیص سهمیه به خودروها، دولت باید در طول زمان و به تناسب تورم لاف قیمت بنزین غیر سهمیه‌ای را بروز کرده که هر بار خود تبعات اجتماعی و سیاسی خود را به همراه خواهد داشت. ضمن آنکه به دلیل این باور عمومی که سطح عمومی قیمت‌ها در ایران متأثر از قیمت انرژی و ارز است، بار اجتماعی افزایش قیمت‌های سایر کالاها هم برای دولت خواهد بود. در مجموع از منظر سیاسی دولت هزینه سیاسی افزایش قیمت بنزین را می‌پردازد، بدون آن که بتواند برای خود رضایتی به واسطه حفاظت از طبقه تحت فشار اقتصادی ایجاد کند.

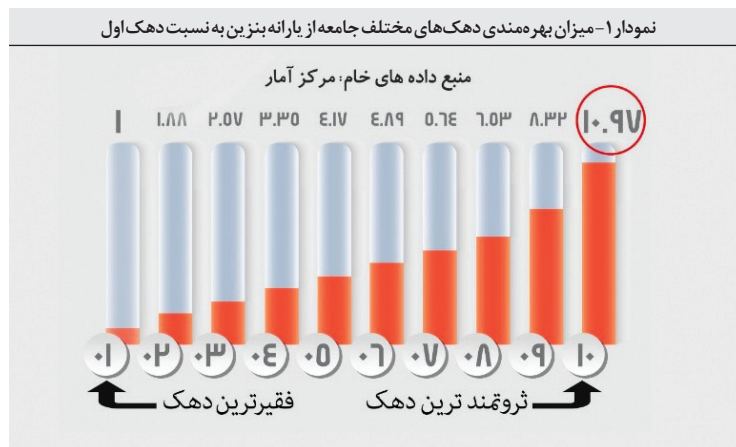
در عین حال این تغییر در قیمت هیچ مشکلی از مشکلات بودجه‌ای را نیز حل نکرده و همانطور که عنوان شد با گذشت زمان و فاصله گرفتن قیمت آزاد و تشدید مصرف بی‌رویه و قاچاق، دولت ناچار به افزایش دوباره و جهشی خواهد بود. در نقد سهمیه‌بندی و اختصاص سهمیه به صاحبان خودرو به همین جنبه‌های مهم بسنده کرده و این هشدار داده می‌شود که اتفاق حاضر نه تنها کمکی به وضع موجود نمی‌کند بلکه ساختار تصمیم‌گیری را با چالش‌های بسیار جدی در آینده‌ای نزدیک مواجه می‌کند. به عنوان راه‌حلی پایدارتر از راه‌حل‌های بدیل و برای جلوگیری از به دام افتادن سیاست‌گذار در تصمیمات بسیار غلط ذکر شده، پیشنهاد تخصیص سهمیه سوخت (در وهله اول به بنزین و با برخی اصلاحات قابل تعمیم به گازوئیل و سایر حامل‌های انرژی) و

## خلاصه سیاستی

مصرفی بنزین در قالب کاهش قیمت فروش آن، اثر بازتوزیعی به نفع دهک‌های پردرآمد است. با توجه به پایین بودن شدید قیمت بنزین در کشور که عملاً به معنای تخصیص یارانه بیشتر عموماً اقشار برخوردارتر جامعه هستند، اختصاص بنزین یارانه‌ای به صاحبان خودروها ادامه روند بی‌عدالتی موجود و تثبیت بازتوزیع بیشتر به نفع دهک‌های برخوردار است در حالی که اختصاص سهمیه به افراد و ایجاد بستر یک بستر فنی که فروش سهمیه را برای همگان میسر نماید با معیارهای عدالت منطبق تر بوده و اهداف کلیه ایده سهمیه‌بندی را نیز میسر می‌سازد. بر اساس داده‌های هزینه‌های خانوار در سال ۱۳۹۵ که توسط مرکز آمار ایران منتشر شده

در اصل وجود ناکارایی در تخصیص یارانه‌های بسیار هنگفت در بخش انرژی کشور اختلاف نظری میان صاحب‌نظران وجود ندارد. اما نوع برخورد با این معضل متفاوت بوده و مدل‌های مختلفی برای برون‌رفت از این وضعیت نابه‌سامان پیشنهاد شده است. در حال حاضر می‌توان گفت از میان مدل‌های ارائه شده، دو مدل اختصاص سهمیه به خودروها، و اختصاص سهمیه به افراد بیشتر مورد توجه نهادهای سیاست‌گذار قرار گرفته‌اند. طبیعتاً هر یک از این راه‌کارها با در نظر گرفتن ملاحظات موجود در کشور در زمینه اقتصادی و اجتماعی مزایای خاص خود را داشته که بر این اساس از یکدیگر متمایز می‌شوند. با این وجود اساسی‌ترین مشکل پرداخت یارانه

در الگوی تخصیص سهمیه به افراد تعیین قیمت دوم بر اساس سازوکار عرضه و تقاضا است. اهمیت این مساله از آنجایی حائز اهمیت فوق العاده است که آنچه در نهایت تعیین کننده رفاه خانوارها به شمار می رود قدرت خرید واقعی آنان است.



بر اساس داده‌های هزینه‌های خانوار در سال ۱۳۹۵ که توسط مرکز آمار ایران منتشر شده است، از میان خانوارهای ایرانی تنها حدود ۴۳ درصد صاحب خودروی بنزین‌سوز بوده که این قشر بهره‌مندان اصلی یارانه‌های بنزین هستند در حالی که ۵۷ درصد دیگر که عموماً از اقشار مستندتر جامعه به شمار می‌روند از آن بی‌بهره می‌مانند. ضمن آنکه ۴۵ درصد از خانوارها نه تنها خودرو، بلکه از موتور سیکلت نیز برخوردار نیستند. بر اساس همین آمار و همانطور که در شکل ۱ نشان داده شده است، دهک دهم درآمدی<sup>۴</sup> در استفاده از خودروهای شخصی، حدود ۱۱ برابر دهک اول درآمدی از مواهب یارانه بنزین بهره‌مند می‌شوند (در این نمودار میزان بهره‌مندی دهک پایین‌درآمدی برابر یک در نظر گرفته شده و بهره‌مندی سایر دهک‌ها به نسبت آن مشخص شده است). همچنین دهک دهم هزینه‌ای<sup>۵</sup> حدود ۲۲ برابر دهک اول از این یارانه برخوردار هستند. از آنجایی که در هر دو الگوی دهک‌بندی درآمدی و هزینه‌ای، دهک اول فقیرترین خانوارها و دهک دهم ثروتمندترین دهک‌های جامعه هستند، این آمارها نشان‌دهنده توزیع ظالمانه یارانه بنزین در بین آحاد جامعه است. به عبارت دیگر بیت‌المال عمومی جامعه که همه آحاد در آن سهیم هستند، در قالب یارانه ناعادلانه بنزین به ثروتمندان تخصیص داده شده و فقرا از آن کمترین بهره را می‌برند. در حالی که ۸۶ درصد خانوارهایی که در ثروتمندترین دهک شهری قرار می‌گیرند

تشکیل بازار متشکل بنزین است. لازم به ذکر است بازار پیشنهادی در این طرح به گونه‌ای طراحی شده است که ویژگی‌های بسیار مهمی چون تک‌قیمتی بودن بازار در کل کشور، عدم امکان سفته‌بازی و احتکار، عدم امکان مداخله در بازار، حل معضل قاچاق و از همه مهمتر سادگی و قابل استفاده بودن برای تمامی آحاد جامعه مورد توجه قرار گرفته است. جزئیات مربوط به پشتوانه‌های فنی و اقتصادی و مدل اجرایی آن نیز به صورت کامل در جلسات متعدد کارشناسی مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که در صورت نیاز قابل ارائه در قالب مستندات پشتیبان خواهد بود.

### مقدمه

در اصل وجود ناکارایی یارانه‌های بسیار هنگفت در بخش انرژی اختلاف نظری میان صاحب‌نظران وجود ندارد. اما نوع برخورد با این معضل متفاوت بوده و تاکنون راهکارهای مختلفی برای برون‌رفت از این وضعیت نابه‌سامان پیشنهاد شده است. این راهکارهای که تاکنون بیش از سایر حامل‌های انرژی بر بنزین متمرکز بوده‌اند، در قالب دو الگوی اصلاح قیمتی و سهمیه‌بندی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند که به دلیل ملاحظات مختلف در حال حاضر الگوی سهمیه‌بندی روی میز سیاست‌گذاران قرار دارد. اما در الگوی سهمیه‌بندی بین دو راهکار اختصاص سهمیه به خودروها و اختصاص سهمیه به افراد اختلاف نظر وجود دارد. هر چند هر یک از این راه‌کارها با در نظر گرفتن ملاحظات موجود در کشور در زمینه اقتصادی و اجتماعی مزایای خاص خود را دارند، اما شاید بتوان مهم‌ترین مزیت الگوی تخصیص سهمیه به خودروها را سادگی اجرا و وجود بستر فنی اجرای آن و تجربه پیشین آن در جامعه است. هدف نوشتار حاضر تبیین این مساله است که علاوه بر اینکه تخصیص سهمیه سوخت به افراد به دلایل مختلف بر تخصیص سهمیه به خودروها مزیت دارد، اجرایی‌سازی آن بر اساس زیرساخت‌های موجود و بدون پیچیدگی‌های فنی برای آحاد مختلف جامعه کاملاً شدنی خواهد بود.

### توزیع سوخت و نظام یارانه‌ای

یکی از اساسی‌ترین مشکلات نظام کنونی تخصیص یارانه‌ی سوخت و عرضه آن به قیمت بسیار پایین، اثر بازتوزیعی آن به نفع دهک‌های پردرآمد است. این مسئله به طور خاص برای بنزین بسیار ملموس است.

به عبارت دیگر بیت‌المال عمومی جامعه که همه آحاد در آن سهیم هستند، در قالب یارانه ناعادلانه بنزین به ثروتمندان تخصیص داده شده و فقرا از آن کمترین بهره را می‌برند. در حالی که ۸۶ درصد خانوارهایی که در ثروتمندترین دهک شهری قرار می‌گیرند لااقل یک خودروی بنزین‌سوز دارند، این میزان برای خانوارهای واقع در دهک فقیر روستایی کمتر از یک درصد و تنها برابر ۰/۷ درصد است.

این مساله از آنجایی وخیم‌تر به شمار می‌رود که بخشی از تورم جامعه ناشی از کسری بودجه‌ای است که به دلیل چتر یارانه‌ای بسیار گسترده و به تبع کسری بودجه شدید دولت ایجاد شده است. اما بخش تلخ ماجرا آنجاست که این قشر نه تنها کمترین بهره را از یارانه مزبور را دارند، بلکه در عمل بیش‌ترین فشار را از تورم حاصل شده بر دوش خواهند کشید؛ زیرا ارزش دارایی‌های اقشار ثروتمندتر در زمان تورم افزایش می‌یابد در حالی که اقشار مستمند عموماً از چنین دارایی‌هایی بی‌بهره‌اند.

است، از میان خانوارهای ایرانی تنها حدود ۴۳ درصد صاحب خودروی بنزین‌سوز بوده که این قشر بهره‌مندان اصلی یارانه‌های بنزین هستند در حالی که ۵۷ درصد دیگر که عموماً از اقشار مستندتر جامعه به شمار می‌روند از آن بی‌بهره می‌مانند. ضمن آنکه ۴۵ درصد از خانوارها نه تنها خودرو، بلکه از موتور سیکلت نیز برخوردار نیستند. بر اساس همین آمار و همانطور که در نمودار ۱ نشان داده شده است، دهک دهم درآمدی<sup>۴</sup> در استفاده از خودروهای شخصی، حدود ۱۱ برابر دهک اول درآمدی از مواهب یارانه بنزین بهره‌مند می‌شوند (در این نمودار میزان بهره‌مندی دهک پایین‌درآمدی برابر یک در نظر گرفته شده و بهره‌مندی سایر دهک‌ها به نسبت آن مشخص شده است). همچنین دهک دهم هزینه‌ای<sup>۵</sup> حدود ۲۲ برابر دهک اول از این یارانه برخوردار هستند. از آنجایی که در هر دو الگوی دهک‌بندی درآمدی و هزینه‌ای، دهک اول فقیرترین خانوارها و دهک دهم ثروتمندترین دهک‌های جامعه هستند، این آمارها نشان‌دهنده توزیع ظالمانه یارانه بنزین در بین آحاد جامعه است.

بر اساس داده‌های  
هزینه‌های خانوار  
در سال ۱۳۹۵  
که توسط مرکز  
آمار ایران منتشر  
شده است، از  
میان خانوارهای  
ایرانی تنها  
حدود ۴۳ درصد  
صاحب خودروی  
بنزین‌سوز بوده  
که این قشر  
بهره‌مندان اصلی  
یارانه‌های بنزین  
هستند در حالی  
که ۵۷ درصد دیگر  
که عموماً از اقشار  
مستندتر جامعه  
به شمار می‌روند  
از آن بی‌بهره  
می‌مانند

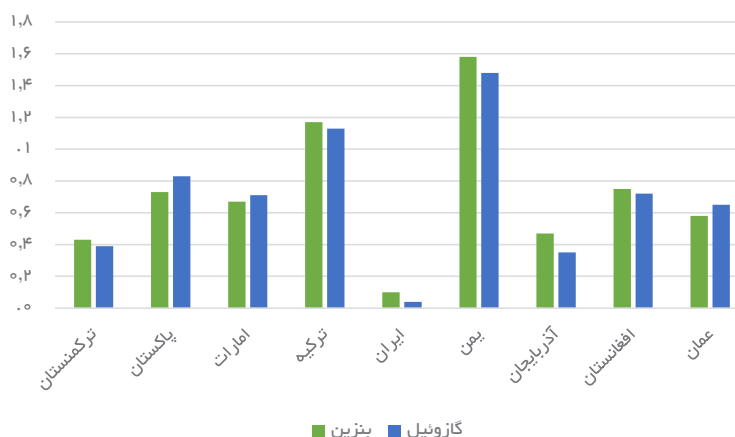
لااقل یک خودروی بنزین‌سوز دارند، این میزان برای خانوارهای واقع در دهک فقیر روستایی کمتر از یک درصد و تنها برابر ۰/۷ درصد است. این مساله از آنجایی وخیم‌تر به شمار می‌رود که بخشی از تورم جامعه ناشی از کسری بودجه‌ای است که به دلیل چتر یارانه‌ای بسیار گسترده و به تبع کسری بودجه شدید دولت ایجاد شده است. اما پخش تلخ ماجرا آنجاست که این قشر نه تنها کمترین بهره را از یارانه مزبور را دارند، بلکه در عمل بیش‌ترین فشار را از تورم حاصل شده بر دوش خواهند کشید؛ زیرا ارزش دارایی‌های اقشار ثروتمندتر در زمان تورم افزایش می‌یابد در حالی که اقشار مستمند عموماً از چنین دارایی‌هایی بی‌بهره‌اند.

پایین بودن شدید قیمت بنزین در کشور در عمل به معنای تخصیص یارانه بیشتر به اقشاری است که مصرف بیش‌تری از این حامل دارند که به دلیل استفاده بیش‌تر آنها از نظام حمل و نقل سبک به‌ویژه حمل و نقل خصوصی است. در شکل ۲ مقایسه قیمت بنزین و گازوئیل در ایران و کشورهای همسایه آورده شده است. به وضوح نشان داده می‌شود که این اختلاف قیمت بین ایران و کشورهای همسایه، که بعضاً از منظر اقلیم و شرایط اقتصادی شباهت‌هایی با ایران دارند، منشأ ناکارایی‌هایی در اقتصاد کشور شده است.

اختصاص سوخت یارانه‌ای به صاحبان خودروها ادامه روند ناعادلانه موجود و تثبیت بازتوزیع بیش‌تر به نفع دهک‌های برخوردار است، در حالی که اختصاص سهمیه به افراد و ایجاد بازار ثانویه که فروش سهمیه را برای همگان میسر نماید علاوه بر آنکه با معیارهای عدالت منطبق‌تر است، اهداف مورد نظر از سهمیه‌بندی را نیز می‌سازد.

مسئله بعدی در این تصمیم مربوط تبعات اجتماعی و سیاسی افزایش قیمت سوخت است. لازم به ذکر است که از آنجایی که اعطای سهمیه به خودرو نیازمند وضع قیمت دوم برای بنزین است، و در بسیاری از موارد همین قیمت دوم مبنای چانه‌زنی در تعیین قیمت قرار گرفته و در نهایت بار اجتماعی افزایش قیمت‌ها بر دوش دولت نهاده خواهد شد. از مهمترین ویژگی‌های اختصاص سهمیه به افراد کاهش بار روانی ایجاد قیمت در بازار است زیرا عملاً دولت سهمیه سوخت را به قیمت کنونی به همگان واگذار کرده و افراد خود در بازار ثانویه را به قیمت دوم مبادله خواهند کرد.

شکل ۲- مقایسه قیمت بنزین و گازوئیل در ایران برخی کشورهای منطقه



مساله بسیار مهم‌تر در الگوی تخصیص سهمیه به افراد تعیین قیمت دوم بر اساس سازوکار عرضه و تقاضا است. اهمیت این مساله در این است که آنچه در نهایت تعیین کننده رفاه خانوارها به شمار می‌رود قدرت خرید واقعی آنان است. در نتیجه قیمت بازار که تعیین کننده درآمد ناشی از فروش سهمیه بنزین برای دهک‌های پایین‌درآمدی است، در طول زمان همراه با تورم و سایر تحولات اقتصادی بروز شده و قدرت خرید ناشی از درآمدهای فروش سهمیه بدون هیچ گونه مداخله دولت حفظ خواهد شد. با این حال در الگوی تخصیص سهمیه به خودروها، دولت باید در طول زمان و به تناسب تورم لااقل قیمت بنزین غیر سهمیه‌ای را بروز کرده که هر بار خود تبعات اجتماعی و سیاسی خود را به همراه خواهد داشت. ضمن آنکه به دلیل این باور عمومی که سطح عمومی قیمت‌ها در ایران متأثر از قیمت انرژی و ارز است، بار اجتماعی افزایش قیمت‌های سایر کالاها هم برای دولت خواهد بود. در مجموع از منظر سیاسی دولت هزینه سیاسی افزایش قیمت بنزین را می‌پردازد، بدون آن که بتواند برای خود رضایت‌مندی به واسطه حفاظت از طبقه تحت فشار اقتصادی ایجاد کند. در عین حال افزایش یکباره قیمت بدون اصلاح نظام‌مند فرایند تعیین آن نمی‌تواند مشکلات موجود را به صورت پایدار حل کند زیرا پس از چند سال تورم مجدداً باعث کاهش قیمت حقیقی سوخت و بروز دوباره مشکلاتی مانند مصرف بی‌رویه و قاچاق خواهد شد؛ امری که دولت را ناگزیر از افزایش جهشی قیمت خواهد کرد.

از سوی دیگر ایجاد یک بازار تنظیم‌شده و ایتنای نرخ سوخت به سازوکارهای آن به صورت درونزا و به آرامی قیمت را متناسب با تورم تعدیل خواهد کرد. از این‌رو تخصیص سهمیه سوخت بر اساس کدهای ملی و کنترل دولت بر مصرف کلان سوخت به جای نرخ‌گذاری مستقیم، به عنوان راه‌حلی اصولی‌تر در ادامه و در قالب پیشنهاد تشکیل بازار متشکل سوخت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

علاوه بر نکات مطرح شده لازم به توجه است که احیای الگوی اختصاص سهمیه به خودروها مطابق گذشته هر چند به دلیل آمادگی ذهنی جامعه شیوه‌ای ساده‌تر باشد، اما در شرایط فعلی به نوعی بازگشت به عقب به شمار می‌رود و پیام آن برای جامعه به هیچ وجه مثبت نخواهد بود. عموماً وجود حداقلی از نوآوری برای دادن حس امید و رو به جلو بودن برای مردم در سیاست‌ها بسیار حائز اهمیت است، امری که در پیشنهاد تخصیص سهمیه به افراد و ایجاد بازار متشکل برای مبادله آن به صورت ملموس مشاهده شود.

### بازار متشکل برای مبادله سهمیه سوخت<sup>۶</sup>

رکن اساسی اختصاص سهمیه به افراد بر این ایده استوار است که صاحب سهمیه می‌تواند با مصرف نکردن و فروش آن به دیگران، معادل اختلاف قیمت بنزین سهمیه‌ای (هزار تومان در پیشنهاد فعلی) و قیمت بنزین در بازار متشکل کسب سود نماید. این طرح در گام ابتدایی برای بنزین ارائه شده و در گام بعدی با برخی اصلاحات قابل تعمیم به سایر حامل‌های انرژی خواهد بود، از این‌رو می‌تواند گامی مهم و ابتدایی در فرایند اصلاح نظام یارانه‌ای در بخش انرژی کشور باشد. مهمترین موضوع در راستای اجرایی‌سازی این سیاست طراحی بازاری است که آحاد جامعه بتوانند به سهولت و بدون پیچیدگی، سهمیه خود را به فروش برسانند. در ادامه نحوه تخصیص سهمیه به افراد، سازوکار خرید و فروش بنزین، و فرایند تسویه و تعیین قیمت در بازار تبیین می‌شود.

**تخصیص سهمیه<sup>۷</sup>:** بر اساس پیشنهاد اولیه به هر فرد ایرانی ماهانه ۲۰

در الگوی تخصیص سهمیه به افراد تعیین قیمت دوم بر اساس سازوکار عرضه و تقاضا است. اهمیت این مساله از آنجایی حائز اهمیت فوق العاده است که آنچه در نهایت تعیین کننده رفاه خانوارها به شمار می رود قدرت خرید واقعی آنان است. در نتیجه قیمت بازار که تعیین کننده درآمد ناشی از فروش سهمیه بنزین برای دهک های پایین درآمدی است، در طول زمان همراه با تورم بروز شده و قدرت خرید ناشی از درآمدهای فروش سهمیه بدون هیچ گونه مداخله دولت حفظ خواهد شد.

احیای الگوی  
اختصاص سهمیه  
به خودروها  
مطابق گذشته  
هر چند به دلیل  
آمادگی ذهنی  
جامعه شیوه ای  
ساده تر باشد، اما  
در شرایط فعلی  
به نوعی بازگشت  
به عقب به شمار  
می رود و پیام آن  
برای جامعه به  
هیچ وجه مثبت  
نخواهد بود

پایان نرسانده اند نیز می توانند اقدام به حفظ سهمیه خود و خرید بنزین از بازار نمایند.

**قیمت بازار:** بازار در پیشنهاد حاضر مشتمل بر فروش سهمیه بنزین و خرید بنزین بیش از سهمیه بوده و استفاده از بنزین سهمیه ای به قیمت هزار تومان خارج از شمول بازار است. منظور از قیمت بازار نیز در هر زمان قیمت حاکم بر این بازار است. در پیشنهاد کنونی قیمت بازار که هنگام خرید بنزین در جایگاه های سوخت گیری، و هنگام فروش سهمیه در تمامی سامانه های فروش مشاهده می شود، یکسان بوده و افراد با مشاهده آن اقدام به خرید یا فروش می کنند. در واقع قیمت در هر نقطه زمانی در تمام سامانه های خرید و فروش در سراسر کشور یکسان است و در زمان بروزسانی قیمت نیز در تمام آنها به صورت همزمان تغییر می کند. لازم به توجه است که عموماً در بازارهای مشابه که در آنها قیمت بر اساس عرضه و تقاضا تعیین می شود، روال این است که هر فرد هنگام ثبت سفارش خود قیمت مورد نظر را نیز ثبت نماید تا در نهایت قیمتی تعیین شود که بر اساس آن عرضه و تقاضا با هم برابر شده و تسویه بر اساس آن قیمت صورت پذیرد (همانند فرایند موجود در بازار بورس). این فرایند در بازار خرید و فروش سهمیه های بنزین ممکن است موجب پیچیدگی و سردرگمی مردم شود؛ از این رو در بازار پیشنهادی برای سهولت بیشتر طراحی به گونه ای انجام شده است که هنگام خرید و فروش، قیمت بازار از پیش مشخص شده است. در این مدل از آنجایی که ممکن است عرضه و تقاضا در این قیمت لزوماً برابر نبوده و بازار تسویه نشود، یک سامانه مرکزی متصل به یک حساب بانکی بسته وظیفه تسویه بازار را بر عهده خواهد داشت که در ادامه سازوکار آن مورد بررسی قرار می گیرد.

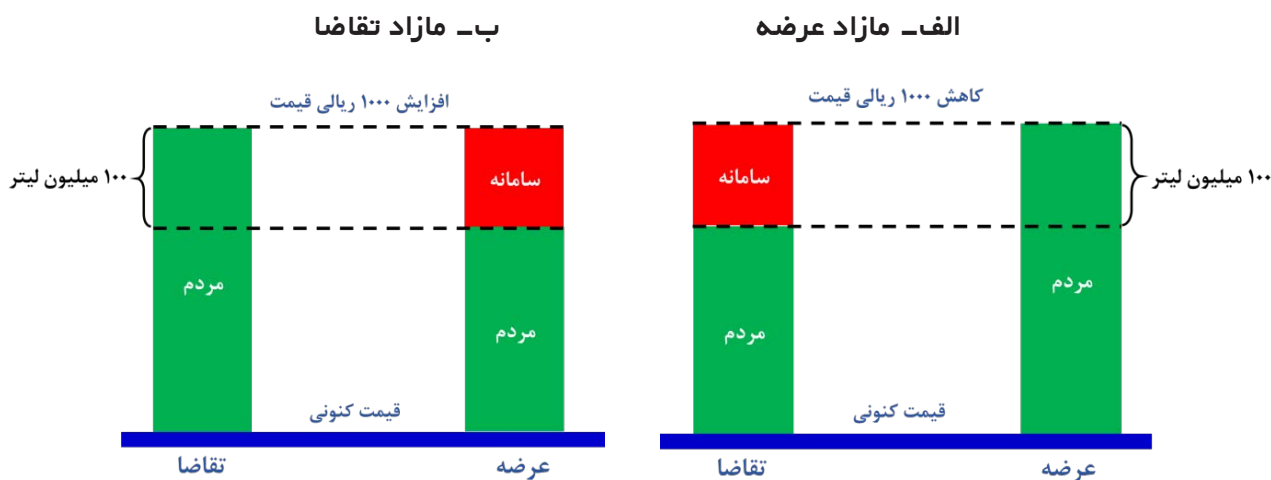
**تسویه و بروزسانی قیمت بازار:** در فرایند تسویه و بروزسانی، قیمت اعلام شده به فروشندگان سهمیه در سامانه های فروش و قیمت خرید بنزین در جایگاه سوخت برای متقاضیان بنزین آزاد به صورت همزمان بروز می شود. ضمن آنکه هر زمان که عرضه یا تقاضایی وجود داشته باشد به صورت برخط از طریق سامانه ای تسویه و حساب بانکی متصل به آن تسویه می شود. از این رو هر چند مجموع عرضه ی سهمیه و تقاضای بنزین آزاد در بازار در قیمت های موجود برابر نباشد، اما همواره

لیتر سهمیه بنزین هزار تومانی تخصیص یافته که در اختیار سرپرست خانوار قرار خواهد گرفت. این سهمیه به منظور هموارسازی عرضه در بازار، طی روزهای مختلف ماه تخصیص داده می شود. واریز سهمیه نیز نیازمند کارت سوخت نبوده و بر اساس کارت های بانکی انجام می پذیرد. به منظور ممانعت از احتکار و به تبع آن نوسان در بازار، یک سقف ذخیره سهمیه معادل ۶۰ لیتر به ازای هر فرد لحاظ می شود و پس از آن پر شدن آن هر لیتر سهمیه جدید به جای اختصاص به فرد، به صورت خودکار به بازار عرضه شده و مبلغ آن به قیمت بازار به حساب فرد واریز می شود.

**سازوکار فروش سهمیه بنزین:** هر فرد می تواند با استفاده از سامانه های تراکنش شامل دستگاه های خودپرداز و سامانه های پیامکی و اینترنتی پرداخت اقدام به فروش سهمیه خود نماید. در واقع بر روی این سامانه ها گزینه «فروش سهمیه بنزین» اضافه شده که فرد با انتخاب آن گزینه می تواند علاوه بر مشاهده قیمت روز بنزین و موجودی خود، میزان سهمیه ای که مایل به فروش آنست را عرضه نماید. مبلغ فروش نیز به صورت برخط به حساب وی واریز می شود. هر چند این ساز و کار از سهولت کافی برای اقشار مختلف جامعه برخوردار است، افرادی که هیچ تمایلی به استفاده از سهمیه خود ندارند می توانند با کاهش سقف ذخیره سهمیه خود به صفر، عملاً در هر ماه به محض تخصیص سهمیه آنرا به صورت خودکار به بازار فروخته و مبلغ آن را بر اساس قیمت بازار دریافت نمایند. این شیوه عملاً منجر به واریز ماهیانه پول به جای سهمیه سوخت به حساب فرد خواهد شد.

**سازوکار خرید بنزین:** در این پیشنهاد به منظور جلوگیری از هر گونه فعالیت سفته بازانه و نوسانات ناشی از آن، امکان خرید سهمیه و ذخیره آن در کارت وجود ندارد و خرید بنزین صرفاً در جایگاه و برای سوخت گیری ممکن است. از لحاظ عملیاتی نیز تا زمانی که افراد می توانند هر زمانی که مایل باشند برای سوخت گیری به جایگاه مراجعه نمایند، هیچ ضرورتی برای خرید و ذخیره سهمیه بنزین وجود ندارد. در واقع هر فرد فراتر از سهمیه خود نیز همواره می تواند با مراجعه به جایگاه سوخت و به قیمت بازار که در هر زمان در جایگاه قابل رویت است، اقدام به سوخت گیری نماید. بدیهی است افرادی که هنوز سهمیه خود را به

شکل ۳- تسویه بازار و بروزسانی قیمت در سامانه بنزین



بر اساس پیشنهاد  
اولیه به هر فرد  
ایرانی ماهانه  
۲۰ لیتر سهمیه  
بنزین هزار تومانی  
تخصیص یافته  
که در اختیار  
سرپرست خانوار  
قرار خواهد  
گرفت. این  
سهمیه به منظور  
هموارسازی  
عرضه در بازار،  
طی روزهای  
مختلف ماه  
تخصیص داده  
می شود

به دلیل وجود این سامانه مازاد عرضه یا تقاضای تسویه نشده‌ای وجود نخواهد داشت. هر بار پس از بروزرسانی و برقراری قیمت جدید، در طول زمان مجموع عرضه و تقاضا در بازار از زمان آخرین بروزرسانی از هم فاصله می‌گیرد. هر زمان که شکاف بین مجموع عرضه و تقاضا به عدد ۱۰۰ میلیون لیتر رسید، قیمت بازار به میزان ۱۰۰ تومان اصلاح شده و محاسبه شکاف بین عرضه و تقاضا مجدداً از صفر آغاز می‌شود. به بیان دقیق‌تر اگر در این شکاف، عرضه به میزان ۱۰۰ میلیون لیتر بیش از تقاضا باشد قیمت ۱۰۰ تومان کاهش و اگر تقاضا بیش‌تر باشد قیمت ۱۰۰ تومان افزایش می‌یابد. در واقع قیمت با یک لنگی زمانی و پس از تحقق شکاف بین عرضه و تقاضا و در جهت معکوس شکاف اصلاح می‌شود. بازه زمانی بروزرسانی قیمت نیز بسته به زمان لازم برای رسیدن به شکاف ۱۰۰ میلیون لیتری متغیر بوده و انتظار می‌رود در ایامی مانند نوروز با تواتر بیشتری رخ دهد.

**پرداخت قیمت سهمیه به دولت:** لازم به ذکر است کماکان دولت قیمت ثابت هزار تومان را برای واگذاری سهمیه بنزین به افراد در نظر می‌گیرد. برای کسانی که می‌خواهند از سهمیه خود برای سوخت‌گیری استفاده نمایند، این مبلغ هنگام استفاده از بنزین سهمیه‌ای در جایگاه سوخت پرداخت خواهد شد. برای افرادی که علاقمند به فروش سهمیه خود هستند، هر زمان که این سهمیه فروخته شود از قیمت فروش هزار تومان به حساب دولت و الباقی به حساب صاحب سهمیه واریز خواهد شد. در صورت صلاحدید سیاست‌گذار سهم دولت به جای هزار تومان به صورت درصدی از قیمت بازار قابل تعیین خواهد بود که ممکن است در طول زمان افزایش یافته در میان‌مدت بستر آزادسازی قیمت‌ها را به صورت تدریجی فراهم سازد. در شکل ۳ فرآیند تسویه بر مبنای عرضه و تقاضای ارائه شده است:

#### الف- مازاد عرضه

#### ب- مازاد تقاضا

**ابزارهای کنترل قیمت:** به منظور رفع هر گونه دغدغه در مورد افزایش بیش از اندازه قیمت بازار، دولت می‌تواند یک سقف قیمتی (درصدی از قیمت فوب) برای عرضه بنزین در نظر بگیرد و در آن قیمت خود به میزان نامحدود عرضه بنزین نماید تا قیمت بازار از این سقف قیمتی تجاوز ننماید. همچنین به منظور کنترل نوسانات سریع قیمتی و به تبع نوسانات هزینه‌ای و درآمدی برای مشارکت‌کنندگان در این بازار، ابزارهای متفاوت نوسان‌گیری وجود دارد که به منظور اختصار و پرهیز از ذکر جزئیات در نوشتار حاضر بدان پرداخته نمی‌شود و در صورت نیاز در مستندات تکمیلی قابل ارائه است.

لازم به ذکر است که مستند حاضر ابعاد فنی اختصاص سهمیه به افراد و ایجاد بازار مرتبط به آن را تبیین می‌نماید. نتایج اقتصادی و رفاهی این طرح از جملع تبعات تورمی، منافع بودجه‌ای، تحلیل دهک‌های منتفع و متضرر شهری و روستایی، همچنین موضوعات تکمیلی مانند اختصاص سهمیه به تاکسی‌ها و حمل و نقل عمومی در مستندات تکمیلی ارائه شده است.

### ویژگی‌های این بازار

اهم ویژگی‌های اصلی و متمایزکننده بازار پیشنهادی شامل موارد زیر است.

**مردمی شدن سازوکار تعیین قیمت و حذف هزینه‌های اجتماعی اصلاح قیمت بنزین:** همانگونه که در بخش ابتدایی این نوشتار به تفصیل مورد اشاره قرار گرفت، در این الگو ملاحظات و

تبعات اقتصاد سیاسی حاکم بر تعیین و یا تثبیت قیمت به صورت سالانه از سوی دولت و مجلس به شدت کاهش می‌یابد.

**حفظ قدرت خرید مردم با تعدیل درون‌زای قیمت بنزین بر اساس تورم:** از آنجایی که قیمت بازار متناسب با تورم بروز شده و در نتیجه درآمد ناشی از فروش سهمیه بنزین در طول زمان همراه با تورم تعدیل می‌شود، قدرت خرید ناشی از فروش سهمیه بدون هیچ‌گونه مداخله‌ی دولت برای فروشنده‌گان سهمیه که عموماً از دهک‌های پایین هستند حفظ خواهد شد.

**یکپارچگی بازار:** از ویژگی‌های مهم این طراحی بازار یکپارچگی آنست به صورتی که در فرایند تسویه مجموع عرضه و مجموع تقاضا در سراسر کشور به صورت یکپارچه لحاظ شده و قیمت بازار نیز در هر زمان سراسر کشور یکسان خواهد بود.

**عدم امکان احتکار و سفته‌بازی:** در این الگو امکان پس‌انداز بنزین تا سقف خاصی در کارت وجود دارد. ضمن آنکه امکان خرید بنزین صرفاً در جایگاه‌های بنزین و تنها برای مصرف وجود دارد. از این‌رو نه تنها افراد امکان احتکار سهمیه و کسب قدرت بازاری این طریق را ندارند، بلکه نمی‌توانند با مبادله سهمیه اقدام به سفته بازی نمایند. بنابراین امکان احتکار بنزین از طریق بازار، سفته‌بازی و همچنین بستر ایجاد بازار سیاه در این الگو وجود نخواهد داشت. **کاربری ساده برای آحاد جامعه:** همانطور که عنوان شد این فرایند برای کاربران سمت عرضه و تقاضا بسیار ساده است. حتی عرضه‌کنندگان سهمیه می‌توانند سقف ذخیره بنزین در کارت خود را به صفر کاهش دهند به صورتی که هر لیتر سهمیه به محض تعلق گرفتن با قیمت همان لحظه فروخته شده و به صورت مبلغ نقدی به حساب آنها واریز خواهد شد. ضمناً قیمت برای همه عرضه‌کنندگان در تمامی کشور و تمامی سامانه‌ها برابر خواهد بود که در گام ابتدایی این طرح به نظر مساله حائز اهمیتی به شمار می‌رود.

**حل چالش تفاوت قیمت با قیمت‌های بین‌المللی و معضل قاچاق:** یکی از دلایل قاچاق فاصله قیمت بنزین در داخل با قیمت‌های منطقه‌ای آن است. در مدل‌های اجرا شده تاکنون، برای حفظ قیمت در سطح قیمت‌های بین‌المللی باید دولت به صورت مداوم قیمت بنزین و میزان یارانه را بنابر قیمت دلار بروز کند که مشکلات اقتصادی سیاسی آن بارها مشاهده شده است. طرح هدفمندی یارانه‌ها نیز به دلیل عدم بروزرسانی قیمت‌ها عملاً در بازه کوتاهی پس از آغاز آن بلاثر شد. در این طراحی صرفاً کافیتس اجازه خرید بنزین از بازار و فروش آن به خارج از کشور داده شود تا در بازه کوتاهی قیمت بازار به قیمت‌های منطقه‌ای میل کند. در این صورت منافع حاصل از قاچاق که دیگر معنای صادرات به خود گرفته است به جای آنکه نصیب قاچاقچیان گردد به دلیل یکپارچگی بازار به همه ایرانیان خواهد رسید. نکته حائز اهمیت در این میان آشکار شدن میزان یارانه پنهان انرژی برای آحاد جامعه است، امری که گامی مهم برای اصلاحات بلندمدت در حوزه انرژی و یارانه در کشور به شمار می‌رود.

**جمع‌آوری داده:** این بازار می‌تواند پایگاه داده فوق‌العاده‌ای را برای تحلیل رفتارهای اقتصادی جامعه در اختیار سیاست‌گذاران و پژوهشگران قرار دهد. هر چند پایگاه‌های داده‌ای زیادی از اطلاعات مربوط به مبادلات در بازارهای مختلف جهان وجود دارد، اما عموماً این بازارها محدود به مبادله‌کنندگان و بازیگران حرفه‌ای هستند.

از مهمترین ویژگی‌های اختصاص سهمیه به افراد کاهش بار روانی ایجاد قیمت در بازار است زیرا عملاً دولت سهمیه سوخت را به قیمت کنونی به همگان واگذار کرده و افراد خود در بازار ثانویه را به قیمت دوم مبادله خواهند کرد.

## جمع‌بندی

در گزارش حاضر ضمن اشاره به آمارهای مربوط به توزیع بسیار ناعادلانه توزیع یارانه به نظام بسیار ناعادلانه پیشنهاد ابعاد فنی سهمیه‌بندی سوخت بر اساس افراد و ایجاد بازار برای فروش سهمیه و خرید سوخت در حوزه بنزین مورد اشاره قرار گرفت. همانگونه که پیش‌تر عنوان شد مستند حاضر ابعاد فنی ایجاد این بازار را مورد بررسی قرار داده و نتایج اقتصادی و رفاهی از جملعه تبعات تورمی، منافع بودجه‌ای و همچنین تحلیل دهک‌های منتفع و متضرر و سایر ابعاد تکمیلی مانند اختصاص سهمیه به تاکسی‌ها و حمل و نقل عمومی در مستندات تکمیلی ارائه شده است. از جمله جذابیت‌های این الگو آنست که سازوکارهای بازار تعیین‌کننده قیمت سوخت بوده و ملاحظات و تبعات اقتصاد سیاسی حاکم بر تعیین و یا تثبیت قیمت به صورت سالانه از سمت دولت و مجلس بسیار کاهش می‌یابد. طرح پیش‌رو از منظر رفتاری و شناختی نیز می‌تواند به حل معضل اصلاح قیمت سوخت پایان دهد زیرا در این فرایند به جای آن که دولت مسئول افزایش قیمت سوخت باشد، این خود مردم هستند که با مبادله‌ی بین خود قیمت بازار را شکل می‌دهند. ضمن آنکه بسیاری از خانوارهای جامعه به صورت مستقیم از منافع افزایش قیمت منتفع خواهند شد که این خود یک پیش‌رانه قوی برای اجرای این طرح به شمار می‌رود. همچنین امید است با آشکار شدن میزان یارانه پنهان در برخی از حوزه‌ها و در یک فرایند تدریجی بستر اصلاحات بلندمدت و برقراری قواعد یک بازار منصفانه در بخش سوخت فراهم گردد. ■

## پی‌نوشت‌ها:

۱. هرچند بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند راهکارهایی مانند افزایش تدریجی قیمت سوخت راهکار مناسب‌تری از سهمیه‌بندی به شمار می‌رود. با این حال با توجه به اینکه در حال حاضر به نظر می‌رسد راهکار سهمیه‌بندی بیش‌تر مورد توجه نهادهای سیاست‌گذار قرار گرفته است، گزارش حاضر به بررسی این الگوی پرداخته است.
۲. بر این اساس دهک‌بندی درآمدی، دهک اول درآمدی شامل ۱۰ درصد خانوارهایی هستند که کمترین درآمد را دارند.
۳. بر اساس دهک‌بندی هزینه‌ای، دهک اول درآمدی خانوارهایی شامل ۱۰ درصد خانوارهایی هستند که کمترین هزینه را دارند.
۴. بر این اساس دهک‌بندی درآمدی، دهک اول درآمدی شامل ده درصد خانوارهایی هستند که کمترین درآمد را دارند.
۵. بر اساس دهک‌بندی هزینه‌ای، دهک اول درآمدی خانوارهایی شامل ده درصد خانوارهایی هستند که کمترین هزینه را دارند.
۶. آنچه که در این گزارش با عنوان بازار مورد اطلاق قرار می‌گیرد در واقع یک سامانه تسویه و یک رابطه‌ی قیمت‌گذاری وابسته به آنست که بر اساس میزان عرضه و تقاضا قیمت را تعیین می‌کند. از این حیث ممکن است برخی نسبت به اطلاق عبارت «بازار» به آن اشکال نمایند. فارغ از این ملاحظه فنی، از آنجایی که این سامانه در نقش بازار عمل کرده و رابطه تعیین قیمت نیز بر اساس میزان عرضه و تقاضا است، و با توجه به اینکه نوشتار حاضر نیز یک متن سیاستی است که ضرورت دارد فارغ از پیچیدگی‌های فنی تحریر شود، در طول متن از عبارت بازار برای اشاره به این سامانه استفاده می‌شود.
۷. کمیت‌های پیشنهادی در طرح حاضر (شامل مواردی چون میزان سهمیه و روابط مربوط به برورسانی قیمت) بر اساس یک سناریوی پایه ارائه شده است. با توجه به حساسیت و وابستگی این مقادیر به یکدیگر، با اعمال هرگونه پیشنهادات و اهداف تکمیلی کلیه مقادیر کمی باید به صورت متناسب اصلاح شود.

با این وجود از آنجایی که در بازار پیشنهادهای سوخت تمامی دهک‌های جامعه حضور دارند، به جرات می‌توان گفت داده‌های آن منجر به ایجاد یک پایگاه داده‌ای ویژه در جهان خواهد بود.

**قابلیت یکپارچه کردن نظام رفاهی:** هرچند مساله یکپارچه کردن سامانه‌های رفاهی موضوعی مستقل از این طرح است، اما اجرایی شدن این طرح می‌تواند همراه با اتصال کارت بانکی مرتبط با سهمیه بنزین به سایر سامانه‌های رفاهی از جمله کمیته امداد باشد. از این طریق می‌توان میزان دریافتی هر خانوار را به منظور تضمین حداقل معاش و ممانعت از دریافتی‌های مکرر مدیریت نمود.

**مدیریت بلندمدت حوزه انرژی:** همان‌طور که عنوان شد یکی از ابزارهای کنترلی دولت در این بازار، تغییر در قیمت پایه سهمیه است. می‌توان در همان ابتدا با تعیین برنامه قیمتی و شروع از هزار تومان فعلی، سهم دولت را به مرور افزایش داده و فرایند حرکت به سمت بازار آزاد انرژی را آغاز نمود. لازم به ذکر است در صورتی که این برنامه‌ی اصلاح بلندمدت از هم‌اکنون و همراه با آغاز این بازار تصویب و اعلان شود، منافع آنی آن برای اتحاد جامعه، ظرفیت پذیرش راهکار حذف تدریجی را فراهم خواهد کرد.

## ایجاد بازار متشکل برای سایر حامل‌های انرژی

پیشنهاد می‌شود تا پس از اجرای بازار متشکل برای بنزین، با در نظر گرفتن ملاحظات اجرایی چنین الگویی برای دیگر سوخت‌ها و در قدم بعدی سایر حامل‌های انرژی ایجاد شود. به ویژه آنکه به دلیل جانشین بودن برخی از حامل‌های انرژی، باید آزادسازی قیمت‌بازاری در آنها هم به موازات هم صورت گیرد تا بار اصلاحات در یک بخش به سایر بخش‌ها منتقل شود. ضمن آنکه مساله اسراف یا قاچاق مترتب بر همه حامل‌های انرژی در کشور است. در اولین گام انتظار می‌رود پس از بنزین، موضوع گازوئیل با توجه به مصرف بالای آن در کشور در دستور کار قرار گیرد. این بازار همانند آن‌چه که برای بنزین گفته شد با برخی تفاوت‌ها شامل موارد زیر قابل توصیه است.

با توجه به اینکه نباید دادن تمامی سوخت مصرفی کشور به مردم لزوماً به عنوان یک حق عمومی تلقی شود، پیشنهاد می‌شود که سهمیه گازوئیل برای هر فرد به نسبت سهمیه بنزین کم‌تر، و حداکثر برابر نصف آن (۱۰ لیتر در ماه) باشد. با شکل‌گیری بازار متشکل گازوئیل، الباقی نیاز کشور از طریق عرضه دولت به این بازار و طبق قواعد مشابه با سایر عرضه‌کنندگان صورت پذیرد.

رابطه برورسانی قیمت برای این سوخت، به صورتی است که رسیدن به قیمت تعادلی به مدت زمان زیادی (در حدود ۴ تا ۶ ماه) نیاز خواهد داشت. این اقدام در جهت کاهش فشار رانندگان بخش حمل‌ونقل سنگین است. همچنین سقف مجاز برای ذخیره سهمیه گازوئیل کم‌تر از بنزین تعیین می‌شود.

هم‌زمان با تشکیل بازار برای گازوئیل، پیشنهاد می‌شود که مجوز ورود افراد و شرکت‌ها به سیستم باربری شهری و برون‌شهری آزاد شده و یک فضای رقابتی در این بخش ایجاد گردد. با شکل‌گیری کسب‌وکارهای اینترنتی و حذف موانع ورود در این بخش می‌توان حتی به کاهش سطح عمومی قیمت‌ها در این بخش امیدوار بود. ضمن آنکه که امکان افزایش قیمت به دلیل انحصار برخی از شرکت‌های دارای قدرت بازار پس از افزایش قیمت گازوئیل بسیار کمتر خواهد شد.

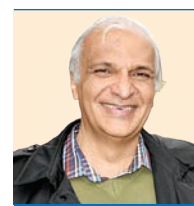
بسیاری از خانوارهای جامعه به صورت مستقیم از منافع افزایش قیمت‌منتفع خواهند شد که این خود یک پیش‌رانه قوی برای اجرای این طرح به شمار می‌رود. همچنین امید است با آشکار شدن میزان یارانه پنهان در برخی از حوزه‌ها و در یک فرایند تدریجی بستر اصلاحات بلندمدت و برقراری قواعد یک بازار منصفانه در بخش سوخت فراهم گردد

# فضای مجازی؛ پیروزی داوود بر جالوت

## ساختار سیاسی کشور با فضای مجازی به چه سمت و سویی می‌رود؟

این روزها سیاست و سیاست‌ورزی تنها راهی که برای تاثیرگذاری افکار عمومی دنبال می‌کند، توسل جستن به فضای مجازی است؛ اما پرسش جدی این است که آیا فضای مجازی به تحکیم دموکراسی می‌انجامد یا دموکراسی از مسیر اصلی خارج می‌شود؟ آیا تسلیم رهبران سیاسی به مطالبات مردم در اثر فشار حضور افکار عمومی در فضای مجازی به تحکیم دموکراسی و توسعه سیاسی می‌انجامد یا باید خوانش دیگری داشت؟ این مقاله را بخوانید.

تجارت



مسعود سپهر

استاد علوم سیاسی  
دانشگاه شیراز

چرا باید خواند:

اگر می‌خواهید

خوانشی کوتاه از

تاثیر فضای مجازی

بر ساختارهای

سیاسی و اقتصادی

کشور داشته باشید،

خواندن این مقاله به

شما توصیه می‌شود.

کتاب‌خوانی جای خود را به توثیفات کوتاه شبکه‌های اجتماعی داد. متأسفانه، محتوای غالب در شبکه‌های اجتماعی ایرانی، وقایع جالب، خنده‌آور یا هیجان‌انگیز و دلهره‌آور است که به سرعت اشاعه می‌یابد. از نظر سیاسی این نوع مشارکت سیاسی، به غلبه احساسات بر عقلانیت سیاسی منجر می‌شود و جلوی رشد تدریجی و گام به گام نخبگان سیاسی را می‌گیرد. شبکه‌های اجتماعی در واقع مشوق انتظارات بی‌پایان و تشدید شکاف‌های اجتماعی می‌شوند. یک جمله نابجای یک آقا، به سرعت در شبکه‌های اجتماعی توزیع می‌شود و اعتبار ارزشمند یک سیاستمدار مفید برای جامعه را متزلزل می‌کند. یک سلفی برخاسته از جنبش کودک درون یک نماینده، تمام سوابق و خدمات ارزش‌های او را به وادی فراموشی می‌فرستد و خلاصه آنکه سرمایه‌های اجتماعی و نخبگان سیاسی در فضای مجازی به شدت مورد تهدید قرار گرفته‌اند. فرآیند ملت‌سازی با نفرت‌پراکنی‌های قومی در شبکه‌های مجازی سختی ندارد و توسعه پایدار، نیازمند برنامه و مداومت در آن، اولویت‌بندی و فدا کردن مهم در برابر اهم و پرهیز از شعارزدگی است. در یک صفحه مجازی هم‌زمان می‌بینیم که در صدر آن برای خشک شدن دشت‌ها در اثر حفر چاه‌های غیرمجاز اشک می‌ریزد و در ذیل آن برای کشاورزانی که چاه غیرمجاز آنان توسط ظالمان پلمب شده است، خطر عوام‌زدگی و سطحی‌نگری در ایران به دلایلی که ذکر شد، دوچندان است. شکاف اصلی سیاسی ایران که با عناوین چپ‌راست، اصلاح‌طلب-اصول‌گرا، مدرن-سنتی، عدلی-ساز-انقلابی و عناوین مشابه بیان شده است در هر حال حکایت از یک فضای دوقطبی واقعی در سپهر سیاسی ایران دارد. متأسفانه نسبت دو سوی این شکاف با فضای مجازی یکسان نیست. در یک سوی شکاف در سالیان گذشته، جامعه مدنی به شدت سرکوب شده و انسداد فضای حقیقی برای جمع شدن و تبادل نظر به رشد انفجاری فضای مجازی منجر شده است. قدرت فضای مجازی در عرصه عملی سیاست تنها در زمان انتخابات و در صندوق رأی آزاد عینی و واقعی می‌شود و در سایر عرصه‌ها مجال بروز عینی نمی‌یابد. فعالان این عرصه هم هر روز از عالم واقع دورتر و امکان عملی کمتری می‌یابند. نمونه شاخص این امر، ترکیب شوراهای اصلاح‌طلب شهرهاست که نه نمایندگان برگزیده پشتوانه و تجربه عملی کافی دارند و نه قادرند با انجام امور شهرها را تمشیت کنند. در نقطه مقابل، اصول‌گرایان با سازماندهی نهادهای سنتی و شبه‌نظامی و مصونیت هر نوع اجتماع و تشکل خود، در فضای مجازی غرق نشده‌اند و ابزارهای عینی فراوانی برای حضور در عرصه سیاسی حتی به شکل قهرآمیز و سازمان‌یافته بیرون از حوزه‌های رأی‌گیری دارند و با همین ابزارها مسلماً برای بلائثر کردن صندوق‌های رأی، انگیزه روزافزون می‌یابند. تصادفی نیست که آنان هر روز فشار بیشتری برای بستن شبکه‌های اجتماعی، محدود کردن دایره انتخاب و حتی جلوگیری از رأی الکترونیکی تا سرحد ممکن را در دستور کار خود قرار می‌دهند. توسعه تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و شبکه‌های مجازی، سیلی است که به راه افتاده است و همه را و از جمله قدرت سیاسی را با خود می‌برد. مثل هر پدیده جدیدی در برابر آن مقاومت می‌شود و باز مثل هر نوزادی بزرگ می‌شود و کسی نمی‌تواند جلوی رشد و حرکت او را بگیرد. به گمان من در آینده‌ای نه‌چندان دور، همه‌پرسی جای نظام نمایندگی و یک شبکه مجازی قانون‌گذاری، جای مجالس مقننه را در نظام‌های سیاسی می‌گیرد. رسانه دوطرفه و تعاملی به طور کامل جانشین انحصارات رسانه‌ای می‌شود و این اسباب تکنولوژیک، یک فضای آزاد گفت‌وگویی و فراغ از سلطه را، همان‌گونه که هابرماس تشریح می‌کند، فراهم می‌آورد. تا آن زمان تکنه‌ها و آسیب‌های دوران گذار طبیعی است و جامعه ما به دلیل رشد شتابان و تعارضات درونی بازمانده از گذشته، نیازمند صبوری و عقلانیت بیشتری است. ■

دموکراسی در نقطه عطف دیگری قرار گرفته است. مفهوم دموکراسی در یونان باستان با شکل مستقیم آن و حضور شهروندان آزاد و صاحب رأی در یک مکان عمومی و قانون‌گذاری و اخذ تصمیمات مهم شهر، زاده شد. با تبدیل دولت‌شهرها به دولت‌کشورهای ملی در قرون جدید و تجدید حیات مفهوم دموکراسی پس از رنسانس، به ناچار دموکراسی مستقیم جای خود را به دموکراسی مبتنی بر مفهوم نمایندگی داد و با گسترش حق رأی به طبقات فرودست و اقلیت‌ها و زنان، در کنار فراگیری شدن رسانه‌های جمعی از روزنامه تا تلویزیون، به نهادی متمایز از میدان‌های عمومی شهرهای یونان باستان تبدیل شد. پیدایی و گسترش رسانه‌ها، از روزنامه تا رادیو و سینما و تلویزیون، شکل افکار عمومی و نوع رأی جامعه را، یکسره در اختیار رسانه‌ها قرار داد. این رسانه‌ها با ویژگی یک‌سویه بودن و انحصاری بودن با تکیه بر قدرت امپراتوری‌های رسانه‌ای که پشت‌گرم قدرت‌های اقتصادی و سیاسی هستند عموماً می‌توانستند به شکل مؤثری افکار عمومی و آرای رأی‌دهندگان را شکل دهند. بهره‌گیری هیتلر از افسون رادیو و فیلم‌های تبلیغاتی برای سيطرة کلی و هژمونیک بر ملت آلمان مثالی کلاسیک از قدرت رسانه انحصاری و یک‌سویه است. البته این قدرت پس از جنگ جهانی اول با گسترش گیرنده‌های رادیویی و فرستنده‌های فرامیزی تا حدودی تعدیل شد اما با گسترش و اشاعه تلویزیون و جادوی آن این انحصار در مسیر جدید خود کم‌وبیش ادامه یافت.

نتیجه گسترش فضای مجازی و شبکه‌های ارتباطی، گذر از دموکراسی نمایندگی به نوع دیگری از دموکراسی مستقیم است. قدرت سیاسی از پشت درهای بسته و دایره محدود نخبگان خارج می‌شود و محرمانگی روز به روز بیشتر رنگ می‌یابد. همه‌جاده‌ها دوربین‌ها همه‌چیز را ثبت می‌کنند و جایی برای تکذیب و انکار باقی نمی‌گذارند. کاریزهای فراگیر یک رهبر برای همگان غیرممکن می‌شود زیرا رسانه فراگیری وجود ندارد که هاله‌ای از تقدس و ابهام گرد او بتابد، اما این مانع از ظهور چهره‌های یک‌شبه در فضای مجازی و تکرار مراجع قدرت و خرده‌رهبران کاریزماتیک در فضای مجازی نیست. جایگزینی دموکراسی مستقیم از نوع مجازی، حتماً به همراه خود همان ایرادی را می‌آورد که ارسطو در هزار و پانصد سال پیش در مذمت آن گفته بود. عوام‌زدگی و سطحی‌نگری در سیاست گسترش می‌یابد و سیاستمدار کسی نخواهد بود که تحلیل‌های عمیق‌تر و عالمانه‌تری ارائه می‌دهد بلکه آن است که در یک توثیت یک‌سطری دل عوام را بهتر به دست می‌آورد. تبعات گسترش شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی در ایران، بزرگ‌تر از موارد مشابه در غرب است زیرا از یک سو رسانه‌های کلاسیک در ایران همواره تحت تاثیر نوعی سانسور یا خودسانسوری بوده‌اند ولی شبکه‌های اجتماعی کم‌وبیش محدودیتی ندارند و از سوی دیگر فرهنگ مکتوب (کتاب‌خوانی و روزنامه‌خوانی) در ایران هنوز ضعیف بود که شبکه‌های مجازی گسترش یافتند و تعمق و

# ..... راهبرد ..... .....

بخش خصوصی به تعجیل در تصویب لایحه اصلاح قانون تجارت اعتراض دارد

## عواقب یک تصمیم

کتاب اول لایحه اصلاح قانون تجارت در مجلس پس از ۱۵ سال به سرعت تصویب و به شورای نگهبان فرستاده شد. دلیل این عجله چه بود؟ بسیاری از کارشناسان اعتقاد دارند که با توجه به نزدیک شدن به انتخابات مجلس، نمایندگان به دنبال در دست داشتن برگ زرینی در کارنامه خود هستند و از این رو به سرعت این لایحه ۱۵ ساله را تصویب کرده‌اند. در صورتی که پیش از تصویب، نظرات بخش خصوصی و حقوق‌دانان را جویا نشده‌اند. به همین دلیل نیز لایحه مذکور دارای مشکلات اساسی است و بخش خصوصی هشدار داده است که تصویب نهایی آن، به فعالیت‌های اقتصادی ضربه مهلکی وارد می‌کند. عواقب تصمیم عجولانه مجلس‌نشینان چیزی جز ایجاد موانع جدید در فضای کسب و کار نیست.



## قانونی که بی قانون تصویب شد

# از سرعت خود بکاهید

### بمانجان ندیمی

دبیر بخش راهبرد

قانون تجارت  
فعلی ۹۵ سال  
است که در حال  
اجراست. هرچند  
فعالان اقتصادی  
همواره خواستار  
اصلاح این قانون  
هستند؛ اما تعجیل  
در تصویب لایحه  
اصلاحی آن هم  
بدون مشورت و در  
نظر گرفتن تمام  
عواقب اقتصادی،  
اجتماعی و  
سیاسی را نیز  
برنمی تابند

### نکته‌هایی که باید بدانید

- ▶ قانون تجارت ایران مصوب ۱۳۰۳ برگرفته از قانون تجارت ۱۸۰۷ فرانسه است.
- ▶ قانون تجارت فعلی ۹۵ سال است که در حال اجراست.
- ▶ لایحه کنونی دارای ۱۲۶۱ ماده و در ۵ کتاب پیش‌بینی شده است.
- ▶ در حال حاضر کتاب اول یعنی «قراردادهای تجاری» در ۳۳۱ ماده به تصویب مجلس رسیده است.
- ▶ لایحه اصلاح قانون تجارت فاقد بدنه کارشناسی قوی است.

توجه به ایرادات اساسی لایحه تجارت، تنها با فشار دادن یک دکمه، به مواد این قانون رأی مثبت بدهند. چرا که اکثر آنها نه کارشناس‌اند و نه حقوق‌دان. نه فعالیت تجاری دارند و نه می‌توانند درک درستی از مواد قانون تجارت داشته باشند.

این لایحه دارای ۱۲۶۱ ماده و در ۵ کتاب «قراردادهای تجاری»، «تکالیف تاجر»، «اسناد تجاری»، «شرکت‌های تجاری» و «ورشکستگی و قراردادهای ارفاقی» پیش‌بینی شده است که در حال حاضر کتاب اول یعنی «قراردادهای تجاری» که یکی از مهم‌ترین باب‌های این قانون به حساب می‌آید، در ۳۳۱ ماده به تصویب مجلس رسیده است.

در روزهایی که گذشت بخش خصوصی به صورت جدی وارد گرد شد و از تمام توان خود استفاده کرد تا مسئولان را نسبت به عواقب تصویب ماده‌هایی از لایحه اصلاح قانون تجارت، هشیار کند. البته تخصص و کلا و قضات را نیز به کار گرفت و نظرات آنها را نیز منعکس کرد. مسلماً حقوق‌دانان نگاهی تخصصی‌تر به این مواد دارند. مسعود خوانساری، رئیس اتاق بازرگانی تهران در یادداشت خود به این نکته اشاره داشته که قانون فعلی دچار کاستی‌هایی است که به صورت اجمالی می‌توان آنها را در خلا قانونی نسبت به پدیده‌های نوظهور، ضعف‌های نظام دادرسی تجاری، ضعف در حسابداری شرکت‌ها، تعاریف و احکام ضمانتی ورشکستگی و اسناد تجاری و ضعف در مقررات ناظر بر شرکت‌ها خلاصه کرد.

قانون تجارت فعلی ۹۵ سال است که در حال اجراست. هرچند فعالان اقتصادی همواره خواستار اصلاح این قانون هستند؛ اما تعجیل در تصویب لایحه اصلاحی آن هم بدون مشورت و در نظر گرفتن تمام عواقب اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را نیز برنمی تابند.

قانون تجارت ایران، مصوب ۱۳۰۳، برگرفته از قانون تجارت ۱۸۰۷ فرانسه (معروف به کد ناپلئون) است. اما فعالان اقتصادی آن را ترجمه ناقصی از قانون تجارت فرانسه می‌دانند. طی سال‌های اجرای این قانون، به جز در سال ۱۳۴۷ اصلاح قابل توجه دیگری روی آن اعمال نشده است. آن هم مربوط به شرکت‌های سهامی (که مقررات لایحه اصلاحی سال ۱۳۴۷ مجراست) و برخی مقررات مربوط به دلالی و ورشکستگی بود. اما پس از آن این لایحه سه بار ویرایش شد. ویرایش اول مربوط به تاسیستان ۱۳۸۴ به پیشنهاد وزارت بازرگانی وقت و دارای ۱۰۲۸ ماده بود. البته این ویرایش به نتیجه نرسید و در بین کارهای مجلسی‌ها گم شد. ویرایش دوم مربوط به سال ۹۰ است که این لایحه تصویب و مستند به اصل ۸۵ قانون اساسی شد. اما شورای نگهبان در سال ۹۳ با لایحه ویرایش شده موافقت نکرد و در نتیجه مجدداً لایحه مورد بررسی قرار گرفت. کارشناسان حقوقی عنوان می‌کنند که ویرایش دوم هیچ شباهتی با آنچه دولت در سال ۸۴ به مجلس داده بود، نداشت. ویرایش دوم ۱۲۶۱ ماده داشت. سومین ویرایش نیز مربوط به همین لایحه اخیر است که به سرعت برق و باد در مجلس تصویب شده است. البته هنوز نظر شورای نگهبان در خصوص آن اعلام نشده ولی اتاق بازرگانی تهران سعی دارد با نامه‌نگاری با قوای مختلف از تصویب آن جلوگیری کند و مجدداً لایحه را به مجلس برگرداند تا این بار ماده‌های قانون مذکور با پشتوانه کارشناسی بخش خصوصی و حقوق‌دانان و صاحب‌نظران به تصویب برسد. باید دید آیا در این باره گوش شنوایی هست تا صدای جامعه اقتصادی را بشنود یا این مطالبه نیز گوشه کمد‌های مسئولان خاک خواهد خورد؟ ■

ویرایش کنونی لایحه تجارت واجد نقاط مثبت متعددی نیز هست. اما باید به اهمیت و ارزش قانون تجارت در نظام حقوقی ایران و تأثیر آن در تسهیل کسب و کار و رفع موانع حقوقی انجام کسب و کار نیز توجه داشت و دقت کرد که وجود ایرادات و نقایصی در این لایحه هزینه قابل توجهی را بر بخش خصوصی تحمیل خواهد کرد.

مختلف از جمله نمایندگان اتاق بازرگانی حضور داشتند. مواد ویرایش دوم لایحه تجارت به صورت جداگانه در این کارگروه مطرح شد و مورد نقد و بررسی قرار گرفت و پیشنهادهای مختلفی ارائه شد.

#### ویرایش سوم: ویرایش مطرح در صحن علنی مجلس

ویرایشی را که در حال حاضر در صحن علنی مجلس شورای اسلامی مطرح است باید «ویرایش سوم» لایحه تجارت دانست. این ویرایش از لایحه تجارت، در ماه‌های اخیر به تدریج و در قالب کتاب‌های جداگانه منتشر می‌شود و بلافاصله در صحن علنی مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در زمان نگارش این یادداشت، در وبسایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دسترسی به این ویرایش از لایحه تجارت هنوز فراهم نشده است. نخستین بخش از این ویرایش از لایحه تجارت با تاریخ چاپ ۱۳۹۸/۴/۲۹ منتشر شده و شامل ۳۳۱ ماده است. ماده نخست از این بخش، اختصاص به مقررات عمومی قراردادهای تجاری دارد که در هیچ‌یک از ویرایش‌های سابق لایحه تجارت دیده نمی‌شود. هرچند برخی از مواد این لایحه با ویرایش دوم مشترک است اما تغییرات قابل توجهی در متن این ویرایش از لایحه تجارت اعمال شده است. از جمله اینکه بخشی به عنوان قراردادهای تجاری به آن اضافه شده، روش تعریف تاجر به کلی تغییر کرده، برخی قراردادهای تجاری برای اولین بار به متن لایحه تجارت راه یافته، احکام راجع به اسناد تجاری متحول شده و... این تحولات در کتاب اول و کتاب دوم از ویرایش جدید لایحه تجارت انجام گرفته و برای مشاهده و اظهارنظر در مورد تغییرات در بخش‌های مربوط به شرکت‌های تجاری و ورشکستگی باید تا انتشار بخش‌های مربوط به آنها صبر کرد.

#### میزان مشارکت بخش خصوصی

با نگاهی به سیر تاریخی تصویب لایحه تجارت و توجه به این موضوع که ویرایش‌های مختلفی از لایحه تجارت وجود دارد، پاسخ به این سؤال که آیا بخش خصوصی در تدوین و تصویب این لایحه مشارکت مؤثر داشته است یا خیر، آسان خواهد بود. اتاق بازرگانی برای بررسی ویرایش‌های اول و دوم لایحه تجارت فرصت کافی برای بررسی داشته و نظرات اتاق توسط نمایندگان آن در جلسات کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی اعلام شده است. اما نحوه طرح ویرایش سوم لایحه تجارت در صحن علنی مجلس شورای اسلامی و سرعت بالای رسیدگی و تصویب مواد آن به گونه‌ای است که امکان عقلی و منطقی مشارکت مؤثر و مفید حقوق دانان و اقتصاددانان و نهادهای دخیل در بازار در تصویب مواد، وجود ندارد. یکی از مهم‌ترین انتقادات وارد به لایحه تجارت، همین فرایند شکلی تصویب ویرایش سوم لایحه تجارت است؛ به گونه‌ای که فرصت کافی برای بررسی دقیق متن تهیه‌شده در قالب ارائه به نخبگان و مطلعان و صاحب‌نظران برای اطلاع از آنچه به عنوان پیش‌نویس تهیه شده و جمع‌آوری نظرات آنان و دخالت دادنشان در فرایند اصلاح متن وجود ندارد.

ناباید از نظر دور داشت که ویرایش کنونی لایحه تجارت واجد نقاط مثبت متعددی نیز هست. اما باید به اهمیت و ارزش قانون تجارت در نظام حقوقی ایران و تأثیر آن در تسهیل کسب و کار و رفع موانع حقوقی انجام کسب و کار نیز توجه داشت و دقت کرد که وجود ایرادات و نقایصی در این لایحه هزینه قابل توجهی را بر بخش خصوصی تحمیل خواهد کرد. بنابراین باید تلاش کرد که مخاطبان و مجریان اصلی و مراجع نظارتی و قضایی و اقتصاددانان و حقوق دانان در فرایند تهیه و تصویب لایحه تجارت مشارکت داشته باشند. هرچند لایحه تجارت عمر طولانی دارد اما از تولد ویرایش سوم آن زمان بسیار کمی می‌گذرد. بنابراین باید فرصت کافی برای بررسی دقیق متن تهیه‌شده در قالب ارائه به نخبگان و مطلعان و صاحب‌نظران و جمع‌آوری نظرات آنان و دخالت دادنشان در فرایند اصلاح متن فراهم آید. ■

#### نکته‌هایی که باید بدانید

- بخش خصوصی، فعالان کسب و کار و بازرگانان مهم‌ترین مخاطبان و مجریان لایحه تجارت خواهند بود.
- لایحه تجارت حداقل سه بار به کلی ویرایش شده و تغییر پیدا کرده است.
- یکی از مهم‌ترین انتقادات وارد به لایحه تجارت، فرایند شکلی تصویب ویرایش سوم لایحه تجارت است.

## درباره کدام لایحه تجارت بحث می‌کنیم؟

# یک لایحه با چند ویرایش



امید عبدالمهدیان

وکیل پایه یک دادگستری

بخش خصوصی، فعالان کسب و کار و بازرگانان مهم‌ترین مخاطبان و مجریان لایحه تجارت خواهند بود؛ به همین دلیل است که این لایحه این چنین کانسون توجه و تمرکز بخش خصوصی قرار گرفته است. سؤالات و ابهامات مختلفی پیرامون این لایحه شکل گرفته است. مهم‌ترین سؤال این است که «آیا بخش خصوصی در تدوین و تصویب لایحه تجارت مشارکت مؤثر داشته است؟» پاسخ به این سؤال بسیار راحت خواهد بود اگر توجه کنیم که لایحه تجارت حداقل سه بار به کلی ویرایش شده و تغییر پیدا کرده است. بنابراین ما با یک عنوان یعنی «لایحه تجارت» سروکار داریم اما این عنوان دارای ویرایش‌های متعدد است. بنابراین سؤال دقیق را باید بدین ترتیب مطرح کرد: «آیا بخش خصوصی در تدوین آخرین ویرایش لایحه تجارت مشارکت مؤثر داشته است؟» ابتدا به بررسی تاریخچه مهم‌ترین تغییرات لایحه تجارت می‌پردازیم.

#### ویرایش اول: لایحه تجارت ویرایش دولت

اصلاح کلی قانون تجارت با تقدیم «لایحه تجارت» که بنا به پیشنهاد وزارت بازرگانی وقت در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۴/۵ هیئت وزیران به تصویب رسیده بود به صورت جدی در مجلس شورای اسلامی آغاز شد. این لایحه در تاریخ ۱۳۸۴/۵/۱۶ در دوره هفتم مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد و به کمیسیون مشترک ارجاع شد. کار بررسی این لایحه در مجلس هفتم آغاز شد. این لایحه تجارت را می‌توانیم نخستین ویرایش و یا لایحه دولت نام‌گذاری کنیم. لایحه دولت ۱۰۲۸ ماده داشت و با تعریف تاجر شروع می‌شد.

#### ویرایش دوم: لایحه تجارت تصویب‌شده مستند به اصل ۸۵ قانون اساسی

پس از بررسی لایحه تجارت در مجلس شورای اسلامی، این لایحه طبق اصل ۸۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۹۰/۱/۱۶ در کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۱/۱/۲۳ مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت پنج سال موافقت شد. اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی مقرر می‌کند: «مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌کند به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود...» پس از ارسال لایحه تجارت به شورای نگهبان، این لایحه از حیث «ضرورت» مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفت و بار دیگر به مجلس بازگشت. متعاقباً لایحه تجارت به منظور رفع ایراد شورا در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۸ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مطرح شد و کمیسیون مذکور مجدداً مطابق اصل ۸۵ قانون اساسی لایحه تجارت را به تصویب رساند و مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۷ با اجرای آزمایشی آن برای مدت چهار سال موافقت کرد. این بار نیز در جلسه مورخ ۱۳۹۳/۲/۲۰ شورای نگهبان لایحه تجارت بررسی شد و شورا چنین اعلام نظر کرد: «علی‌رغم تغییر به عمل آمده ایراد سابق شورا کماکان به قوت خود باقی است.» این لایحه تجارت را باید «ویرایش دوم» دانست. هرچند این متن نیز نام «لایحه تجارت» داشت اما تغییرات زیادی نسبت به ویرایش نخست یا همان ویرایش دولت در این لایحه ایجاد شده بود. این ویرایش ۱۲۶۱ ماده داشت. پس از آن که تصویب ویرایش دوم لایحه تجارت مستند به اصل ۸۵ قانون اساسی مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفت، مجلس بررسی لایحه تجارت را به صورت عادی در دستور کار قرار داد. تک‌تک مواد لایحه تجارت در کارگروه ویژه‌ای در مجلس بررسی شد که در این کارگروه نمایندگان نهادهای

## لایحه اصلاح قانون تجارت از هیچ اصول و استراتژی خاصی پیروی نمی کند اعلام خطر برای فضای کسب و کار



ناصر ریاحی

عضو هیئت رئیسه اتاق تهران

در ماده ۹۹ این لایحه درمورد اقداماتی چون جای خالی گذاشتن در دفاتر، حاشیه نویسی یا بین سطور نوشتن، حبس تعیین کرده است. این در حالی است که اگر این کارها به نیت مجرمانه یا کلاهبرداری باشد، قوانین کیفری برای آن‌ها تعیین شده و قانون تجارت تاکنون به این موارد وارد نشده است. مسئولیت متصدیان حمل و نقل بسیار افزایش پیدا کرده و کیفیت ماهوی کالا بر عهده آن‌ها گذاشته شده است که این عملی نیست و غیر ممکن است. قوانین تجارت فعلی نقایصی دارد که انتظار می‌رفت رفع شود که این اتفاق نیفتاد. مهم‌ترین این نقص‌ها در باب ورشکستگی است که هنوز هم قرارداد ارفاقی را تکرار می‌کند. در دنیا سازمان‌هایی هستند که در این شرایط به کمک کار آفرین می‌آیند و واحد اقتصادی را نجات می‌دهند. قرارداد ارفاقی و چیزی که در قانون فعلی است و در لایحه تکرار شده، مشابه است و راهگشا نیست. در تدوین مقررات این لایحه دقت کافی به عمل نیامده و تناقضات زیادی در آن وجود دارد. در جایی احداث ساختمان را فعالیت اقتصادی می‌داند و در ماده دیگری معامله اموال غیر منقول را امری غیر تجاری معرفی می‌کند. علاوه بر این، مجوزها و رویه‌های غیر ضروری در قانون فعلی موجود بود که باید حذف می‌شد و کسب و کار سهولت می‌یافت که تغییری در این رابطه اعمال نشده است. انتظار داشتیم موانع کسب و کار در لایحه حذف شود و از نماگر بانک جهانی و توصیه‌های آن، برای بهبود کسب و کار و شاخص‌هایی که تعریف کردند، استفاده شود. برای مثال در کانادا یک و نیم روز، در کشورهای دیگر یک روز و در برخی کشورها به طور متوسط هشت روز از زمان اراده، کسب و کار راهاندازی می‌شود. اما در این قانون تنها ۱۰ روز به متصدی ثبت فرصت داده می‌شود تا مدارک ارائه‌شده را بررسی کند. این موارد رو به جلو نیست و عقب‌گرد است. این لایحه مطالعات پژوهشی نداشته و بررسی تطبیقی نشده و از تجارت دیگران نیز استفاده نکرده‌اند.

پیشنهاد این است که اتاق بازرگانی ایران، اصلاح این قانون را از مجلس شورای اسلامی خواستار و پیگیر تغییرات اساسی در این قانون شود. البته کارشناسان اتاق در جلسات کمیسیون حقوقی مجلس شرکت کرده و در نامه‌ای برخی موارد را به آنان گوشزد کرده‌اند. اما باید از مجلس خواسته شود که ترجمه قوانین لازم‌الاجرای تجاری در کشورهای موفق را مطالعه کنند. گزارش‌هایی برای ایرادات اقتصادی هریک از بخش‌های قانون تجارت فعلی تدوین شده و در لایحه استفاده شود. از طرفی گزارش‌های تطبیقی درمورد تفاوت‌ها و دلایل آن‌ها بین لایحه فعلی و لایحه‌ای که دولت ارائه داده، تهیه شود. هیچ یک از قوانین مادر دهه ۱۰ تا ۲۰ تغییر نکرده و مجلس اصرار دارد که این اقدام را در این دوره به عنوان یک دستاورد انجام دهد. اما با این تعجیل و با یک تدوینگر، راه به جایی نمی‌برد. پیشنهاد مشخص ما به مجلس این است که عجله‌ای در بررسی این لایحه نداشته باشد. بررسی‌های دقیق‌تر، اصلاح برخی مواد آن و افزودن و یا حذف برخی از مواد امری ضروری است. ■

### نکته‌هایی که باید بدانید

▲ انتظار داشتیم موانع کسب و کار در لایحه حذف شود.

▲ باید از مجلس خواسته شود که ترجمه قوانین لازم‌الاجرای تجاری در

کشورهای موفق را مطالعه کنند.

▲ در تدوین مقررات این لایحه دقت کافی به عمل نیامده و تناقضات زیادی

در آن وجود دارد.

▲ اگر به همین ترتیب ماده‌های دیگر این لایحه هم تصویب شوند، کسب و

کارها در کشور مختل می‌شود.

▲ مسئولیت بازرگان و فعال اقتصادی در این قانون افزایش پیدا کرده است.

قانون تجارتی که اکنون جاری است، در سال ۱۳۱۱ شمسی یعنی ۸۷ سال پیش تصویب شده و به جز اصلاح مختصری درمورد شرکت‌های سهامی در سال ۱۳۴۷، تغییری در آن ایجاد نشده است. پیش از آن قوانین مدنی بر روابط تجاری حاکم بود. اما در این سال‌ها، مقتضیات تجارت تغییر کرده و این قانون غیر کافی است. در سال ۱۳۸۱، هیئت دولت تصویب کرد که هیئتی مشکل از نمایندگان پنج وزارت‌خانه لایحه جدیدی را تهیه کنند. این هیئت شورای راهبردی شامل ۱۹ نفر از اساتید وقت را تعریف کرد و چهار طرح اصلی پژوهشی برای آن نوشتند و پیش‌نویسی در هزار و صد ماده تنظیم و سال ۸۲ در هیئت دولت مطرح شد. این کار بیش از یک سال و نیم به طول انجامید. پس از آن که لایحه به دولت تقدیم شد، کمیته‌ای مرکب از متخصصان حقوق، تجارت، اقتصاد، امور بانکی، شرکت‌ها و فعالان اقتصادی بخش خصوصی تشکیل شد و تا سال ۸۴ این لایحه را مورد بررسی قرار دادند. در نهایت لایحه‌ای در هزار و ۲۸ ماده و صد و پنجاه تبصره تقدیم مجلس شورای اسلامی وقت شد. مرکز پژوهش‌های مجلس این لایحه را دریافت کرد و دو سال آن را مورد بررسی قرار داد. مجلس آن را کنار گذاشت و مصوب کرد که لایحه جدیدی با نگاه به لایحه تقدیمی دولت تنظیم کند. در نتیجه قانونی که الان بررسی می‌شود، لایحه نیست؛ زیرا لایحه تقدیمی دولت کنار گذاشته شد. از سال ۸۸، تدوین لایحه جدید تجارت آغاز شد و در سال ۹۱ بعد از تأیید کمیسیون حقوقی مجلس شورای اسلامی به صحن رفت و کلیات آن تصویب شد. همچنین مصوب شد که بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی که اجازه می‌دهد کلیات قانونی به تصویب برسد و به مدت پنج سال به صورت آزمایشی اجرا شود، در این باره نیز اقدام شود. خوشبختانه شورای نگهبان آن کلیات را رد کرد و درخواست بررسی ماده به ماده و تصویب قانون را داشت. در نهایت در فروردین سال ۹۷، دوباره کلیات این لایحه رأی آورد و به بررسی ماده به ماده آن پرداخته شد. مجدداً و پس از یک سال وقفه نهایتاً باب قراردادهای این قانون ماه گذشته به صحن مجلس آمد و با سرعت شگفت‌انگیزی و ظرف سه روز تمام مواد این باب به تصویب رسید.

نکته مهمی که در مواد تصویب‌شده به چشم می‌خورد، ارجاع بسیاری از موارد به عرف است و چون در بیشتر این موارد عرفی وجود ندارد و مهم‌تر از آن کلمه عرف بسیار تفسیرپذیر است به نظر می‌رسد که قانون‌گذار اکثر تصمیمات را به عهده قاضی گذاشته است. جالب‌تر این که مثلاً در ماده‌ای ایجاد تلقی و انتظار را از موارد محق بودن طرفی که تلقی کرده است می‌داند. لازم می‌دانم درمورد لایحه تجارت که اکنون به سرعت در مجلس شورای اسلامی در حال رسیدگی است، هشدار بدهم و اعلام خطر کنم. اگر به همین ترتیب ماده‌های دیگر این لایحه هم تصویب شوند، کسب و کارها در کشور مختل می‌شود و معضلات زیادی برای اصلاح آن به وجود می‌آید. نکته مهم در مورد این لایحه و قوانین تجارت این است که در دنیا می‌گویند مبانی این چنین قوانینی را باید اقتصاددان و فعال اقتصادی ارائه دهد و بعد حقوق دان، و پس از دریافت مبانی به تطبیق آن با قوانین دیگر بپردازند و نگارش حقوقی آن را انجام دهند. از طرف دیگر این لایحه هیچ پشتوانه پژوهشی ندارد، در حالی که برای قوانین موقت مانند قانون بودجه و برنامه‌های توسعه حداقل ده کار پژوهشی انجام می‌شود. در تمام دنیا برای تصویب قوانین مهم، بررسی‌های تطبیقی با تجارب موفق انجام می‌شود، که در این مورد خاص، این کار هم انجام نشد. این طور که در جلسات کمیسیون حقوقی مطرح شده، فقط یک نفر با نگاه به قانون مشابه در مصر آن را بررسی کرده، با این استدلال که قوانین مصر از فرانسه الگوبرداری شده است. این لایحه از هیچ اصول و استراتژی خاصی پیروی نمی‌کند. مشخص نیست که اقتصاد باز می‌خواهد یا اولویت آن اقتصاد دولتی است و مثلاً پیرو مکتب قوانین عرفی است یا مکتب مدنی، و تناقض در این مورد زیاد است. مسئولیت بازرگان و فعال اقتصادی در این قانون افزایش پیدا کرده است. برای اولین بار قانون تجارت، مجازات حبس تعیین کرده است.

مقایسه روند تهیه لایحه ۱۳۸۴ دولت که سنگ بنای لایحه کنونی به شمار می‌رود، نشانگر تفاوت عظیم در رویکرد گردانندگان تهیه دو لایحه است. در روند تهیه لایحه، دولت بارها از حقوق‌دانان متخصص و بخش‌های مختلف بازار نظرخواهی کرد. حتی در چند نوبت از طریق رسانه‌های گروهی از همه علاقه‌مندان نظرخواهی به عمل آمد.

## نه با حقوق‌دانان مشورت شد نه با بخش خصوصی ایرادهای لایحه پر حاشیه



محمد رضا پاسیان

عضو هیئت مدیره کانون  
وکلای دادگستری

کتاب اول لایحه اصلاح قانون تجارت در مجلس به سرعت تصویب شد. آن هم بدون دریافت نظر جامعه حقوقی و بخش خصوصی کشور. ایراد تنها به رایزنی نشدن با بازار و بخش خصوصی در تهیه لایحه بازمی‌گردد؛ بلکه ایراد مهم‌تر آن است که لایحه در خلأ و دور از چشم نه‌تنها ارباب تجارت، بلکه در غیاب جامعه حقوقی تهیه شده است. متأسفانه تهیه و سپس اصلاح‌های انجام‌شده بر این لایحه و حتی در حال حاضر، در محفلی در بسته و با مدیریت اشخاص غیر کارشناس صورت می‌گیرد. در روند ۱۳ ساله بررسی لایحه تجارت در مرکز پژوهش‌ها هیچ‌گاه حتی به صورت محدود و بسسته از بخش‌های خصوصی و دانشگاه‌ها نظرسنجی نشده است. این نگرانی وجود دارد که حتی دست‌اندرکاران تهیه این لایحه به اشکالات و معضلات لایحه آگاهی داشته‌اند و این ایرادات را چنان اهمیتی بر خوردار بوده که خود را پیشاپیش ناتوان از انقاع جامعه و به ویژه دو بخش مرتبط یعنی اساتید حقوق تجارت و بازار دانسته‌اند و ترجیح داده‌اند تا با اعتراض‌های فراگیر و بدون پاسخ مواجه نشوند. مقایسه روند تهیه لایحه ۱۳۸۴ دولت که سنگ بنای لایحه کنونی به شمار می‌رود، نشانگر تفاوت عظیم در رویکرد گردانندگان تهیه دو لایحه است. در روند تهیه لایحه، دولت بارها از حقوق‌دانان متخصص و بخش‌های مختلف بازار نظرخواهی کرد. حتی در چند نوبت از طریق رسانه‌های گروهی از همه علاقه‌مندان نظرخواهی به عمل آمد.

این قانون پیامدهای عمیق و گسترده بر همه جامعه خواهد گذاشت که به صورت زنجیره یکدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند و در صورت وجود نارسایی در قانون مانند کلافی سرسردگم عوارض این کاستی‌ها را به همه بخش‌های اقتصادی، قضایی و اجتماعی منتقل می‌کند. تطبیق بنگاه‌های اقتصادی با شرایط جدید و الزامات قانون نو که طبیعت هر قانون‌گذاری نوینی است، اولین چالش این بخش است. پس از آن مشکلات ناشی از اجرای قانون تازه، اختلافات میان بازرگانان و به ویژه شرکت‌های بازرگانی آشکار خواهد شد. اثر دیگر این قانون به ویژه با کیفیت فعلی، گسترش اختلافات حقوقی ناشی از نوآوری‌های بی‌پایه، تعریف‌های مبهم، نهادهای ناسازگار با عرف تجاری و درک جامعه ما است که نظام قضایی را در گیر حجم بالایی از پرونده‌های حقوقی خواهد کرد. قانون کنونی تجارت نه‌تنها دارای سکوت‌ها و کاستی‌هایی است که خود موجب اختلاف نظر گسترده در میان حقوق‌دانان و به ویژه قضات شده، بلکه تعارض ظاهری مقررات قوانین و حتی مقررات خود قانون تجارت مثلاً مواد ۴۲۳ و ۵۵۷ موجب صدور آرای متعارض و زیان‌های جبران‌ناپذیر به اصحاب دعوی شده است. چنین بحرانی در لایحه تجارت مرکز پژوهش‌ها اگر لباس قانون بپوشد، به مراتب وخیم‌تر خواهد شد.

### اشکالات لایحه نو

الف) در نگارش لایحه هیچ سازوکار شناخته‌شده‌ای به کار گرفته نشده است. مشخص نیست مبانی تهیه‌کنندگان لایحه برای وضع لایحه چه بوده و آیا از معیارهای علمی و پژوهشی نگارش چنین طرح کلافی بهره برده شده است؟ شواهد نشان از منفی بودن پاسخ است. برای مثال بخش کلیات لایحه مرکز پژوهش‌ها وقتی که در سال ۱۳۹۱ در مجلس تصویب شد تنها ۱۲۳ ماده را در بر می‌گرفت. ولی همین کلیات در مصوبه اخیر مجلس از مرز ۳۳۰ ماده گذشته است. ظاهراً دوستان کارگاه تولید مقررات قانونی در اتاق در بسته دارند. ایراد بالا در مورد بقیه بخش‌های لایحه هم صادق است. بدین معنی که هر لحظه ممکن است بخش‌های بعدی با لایحه جدید چند برابر لایحه مرکز پژوهش‌ها در سال ۱۳۹۱ و با ابداعات و نوآوری‌هایی متفاوت رونمایی شود. این روند امکان هرگونه اصلاح و اظهارنظر کارشناسی در هر چارچوبی را از میان برده است و مجلس را از

دسترسی به سازوکار تخصصی محروم ساخته است. به همین جهت نمی‌توان درباره بخش‌های دیگر لایحه ۱۳۹۱ به‌جز آنچه که رسماً و تحت عنوان کلیات در مجلس تصویب شده نقد یا اصلاحی پیشنهاد کرد.

ب) ناکامی تهیه‌کنندگان لایحه در تطبیق احکام شرعی و دیدگاه سنتی با تحولات نوین آشکار است. بهره‌گیری از نهادهای حقوق غربی، به ویژه کامن‌ل، مانند عمل منصفانه و حسن نیت و اعتماد متقابل، از آن جمله است بدون آن که هیچ ریشه و پیشینه‌ای در حقوق ما داشته باشد. به کرات از انصاف به عنوان معیار احراز واقع و احقاق حق نام برده شده؛ بدون آن که به این حقیقت توجه شود که کاربرد انصاف با این شیوه بیشتر به نظام حقوقی انصاف حقوق انگلستان با ریشه چندصد ساله بازمی‌گردد که بیش از یک قرن است متوقف شده است و تنها اصول حقوقی آن نظام اعمال می‌شود. ج) حتی نخستین ماده این لایحه که در مقام تعریف اشخاص و موضوعات قانون تجارت است نیز با ابهام جدی همراه است. حتی بند ۱ ماده ۱ که عبارت «کلیه قراردادهای منعقدشده بین صاحبان حرف با یکدیگر» را ذکر کرده دارای ایراد است. چرا که نمی‌توان قرارداد میان صاحب دو حرفه را تجاری دانست.

د) در ماده ۲ اشخاص در تعیین قانون و مفاد آن در انعقاد قرارداد خصوصی آزاد گذاشته شده‌اند. این مقرر به بسیار کلی و مبهم است و چارچوب‌های مربوط به نظم عمومی و حاکمیت دولت را در برابر حاکمیت فردی قرار داده است. به علاوه و با وجود ماده ۱۰ قانون مدنی آوردن این مقرر در قانون تجارت بی‌وجه است.

ه) در ماده ۳، قرارداد را تابع قانون محلی که با قرارداد ارتباط دارد، قرار داده که صرف‌نظر از نامناسب و مبهم بودن چنین معیاری، چنین حکمی با مقررات قواعد آیین دادرسی مدنی تعارض دارد و قضات را با اشکال در اعمال قاعده مناسب مواجه خواهد ساخت. این تنها مورد از دخالت‌های لایحه در قانون شکلی آیین دادرسی نیست.

و) در تبصره ماده ۴ قاعده آمره عبارت از احکام الزامی شرعی و مباحات اقتضایی و قواعد قابل اعمال مرتبط با نظم عمومی تعریف شده است. این اصطلاحات خود منشأ اختلافات و سردرگمی گسترده خواهد شد چرا که حتی میان فقها در مورد مفهوم و مصادیق دقیق اینها اتفاق نظر وجود ندارد.

ز) در ماده ۵ وجود قرارداد با شهادت شهود قابل اثبات دانسته شده است. چنین حکمی اگرچه یکی از ادله اثبات است لکن ذکر آن با چنین اطلاقی به هرج و مرج در مناسبات اشخاص منجر خواهد شد. چرا که در تجارت این سند است که سخن می‌گوید نه ادعای مبتنی بر گواهی شفاهی اشخاص.

ح) در ماده ۷ با تقلید از حقوق انگلستان به تعهد یک‌طرفه Unilateral Obligation - Contract اشاره شده که همان ایقاع خود ما در فقه و حقوق است. ایرادات بسیار دیگری نیز در این لایحه وجود دارد که در جای خود باید به آنها پرداخته شود. ■

### نکته‌هایی که باید بدانید

- ▶ قانون تجارت پیامدهای عمیق و گسترده بر همه جامعه خواهد گذاشت.
- ▶ نخستین ماده این لایحه که در مقام تعریف اشخاص و موضوعات قانون تجارت است با ابهام جدی همراه است.
- ▶ ناکامی تهیه‌کنندگان لایحه در تطبیق احکام شرعی و دیدگاه سنتی با تحولات نوین آشکار است.
- ▶ تطبیق بنگاه‌های اقتصادی با شرایط جدید و الزامات قانون نو که طبیعت هر قانون‌گذاری نوینی است، اولین چالش این بخش است.

## مخاطرات تصویب شتاب زده لایحه اصلاح قانون تجارت چیست؟ زنگ خطر گسترش فساد و خطا



حسن فروزان فرد

رئیس کمیسیون حمایت قضایی و مبارزه با فساد اتاق تهران

رویهایی که گذشت قانون تجارت بدون مشورت بخش خصوصی به تصویب مجلس رسید. مسیر تاریخی که این لایحه از سال ۸۴ تا به امروز طی کرده است، نشان از این دارد که به دلایل مختلف دچار تأخیر زیادی شده و تغییرات مهم و ریشه‌ای بر آن اعمال شده است. به نظر می‌رسد که مجلس در این دوره، برای سامان دادن و ایجاد پایان‌بندی مناسبی برای خود در این ماجرای دشوار، مایل شده که با این که زمان محدودی تا پایان مجلس باقی مانده و این قانون نیز قانون مادر محسوب می‌شود، به هر تقدیر وارد تصمیم‌گیری برای آن شود. متأسفانه بیشتر نمایندگان مجلس شورای اسلامی تخصص لازم را در زمینه این قانون ندارند و تعداد کمی از افرادی که سابقه حرفه‌ای در اداره کردن کسب و کار دارند، در بین آنان دیده می‌شود. از طرف دیگر، ادعا شده که در سال‌های گذشته، به روش‌های مختلف، بررسی‌های کارشناسی متعددی بر این لایحه انجام شده و مدعیان توجیهات خوبی برای مجاب کردن افراد غیر حرفه‌ای در این زمینه دارند. مانند این که ادعا می‌کنند به جای گفت‌وگوی پیچیده و زیاد با فعالان بخش خصوصی، از نمونه‌های روز دنیا الگوبرداری و طبق آن‌ها اصلاحات انجام شده، مانند آن که با کارشناسان مجرب دنیا مشورت شده است. آن‌ها مدعی‌اند که قانون از صفر نوشته نشده و با استفاده از نمونه‌های موفق موجود از منابع اروپایی تدوین شده است و نگاه جدی به قانون مشابهی که در مصر وجود دارد، داشته‌اند. بنابراین ادعا می‌شود که چون نمونه‌هایی از مطالعات موردی بر قوانین موجود کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه که محیط کسب و کار و مسائل آیینی مشابه دارند، انجام شده، این قانون مساعد و قابل استفاده برای فعالان اقتصادی کشور است و نیازی به برگزاری جلسات پیچیده با نمایندگان بخش خصوصی نیست و می‌توانند به این کار سرعت دهند. تصویر ذهنی قانون‌گذاران مجلس شورای اسلامی، از کسانی که این طرح‌ریزی را انجام دادند این بود که آنها را بیش از اندازه جدی و حرفه‌ای می‌دانستند و البته آن‌ها هم توانستند از این لایحه به خوبی در کمیسیون مربوطه دفاع کنند. بنابراین مجلس شورای اسلامی به این نتیجه رسید که به عنوان یک حرکت نمادین، این قانون را با سرعت به نتیجه برساند. اما واقعیت این است که بارها از سال گذشته از سوی فعالان حرفه‌ای بخش خصوصی و نمایندگان اتاق بازرگانی تهران یادآوری شده که تمام مواد این قانون در سر و سامان گرفتن و یا ویرانی محیط کسب و کار و گرفتاری‌های زیاد بعدی که ممکن است در تعاملات به وجود آید، تأثیر گذار است و متفق‌القول به این موضوع تأکید کرده و می‌کنند که تصویب این قانون نیازمند تعاملات ویژه با فعالان عرصه و افرادی که درک شایسته عملیاتی حقوقی از این قانون دارند است. در جلسه اخیر هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تهران بر این موضوع تأکید ویژه‌ای شد و کمیسیون حمایت قضایی و مبارزه با فساد اتاق به صورت کامل مفاد این قانون و نقاطی را که محل خطر و خطاست، مطالعه کرده و به صورت رسمی از هیئت رئیسه اتاق تهران تقاضا کرده که به صورت

### نکته‌هایی که باید بدانید

- بیشتر نمایندگان مجلس تخصص لازم را در زمینه قانون تجارت ندارند.
- نظام قضایی کشور ما سابقه طولانی به صورت مدرن ندارد.
- بیش از یکصد بار در این قانون به نظر قاضی ارجاع شده است.
- در فضای کسب و کار ایران، قانون تجارت باید از جنس قطعیت باشد نه بیان‌های نظری و تفسیرهای پیچیده.
- با این لایحه زمینه نقش آفرینی و ایجاد خطا در وکالت برای وکلا ایجاد می‌شود.

جدی به منظور توقف تصویب این قانون و اصلاح آن گام بردارد. متأسفانه لایحه موجود، هیچ ارتباطی با لایحه‌ای که در سال ۸۴ از سوی دولت به مجلس ارائه شد، ندارد. انتظار این بود که دولت جدی‌تر به این موضوع بپردازد. دولت در این مرحله هم می‌تواند تصویب این لایحه را متوقف کند و لایحه را به دولت بازگرداند. متعجبیم که دولت با وجود تغییرات فاحشی که در لایحه به وجود آمد و خطراتی که در پی دارد، از حق قانونی خود برای بازپس گرفتن این لایحه استفاده نکرد.

یکی از ابزارهای شناخته شده برای کاهش خطای مکانیزم قانون‌گذاری در دنیا، استفاده از شبکه و ابزار آتی برای اطلاع‌رسانی ارزش قیمت و دریافت بازخوردی گروه‌های مختلف اجتماعی و استفاده از خرد جمعی پیش از مطرح کردن قانون است. به اعتقاد نگارنده، اصولاً موضوع جمع‌سپاری و استفاده از خرد جمعی در طرح‌ریزی تغییرات مهم و اساسی از جمله قوانین مادر، جزو موضوعات مغفول مانده در نظام قانون‌گذاری کشور است. علی‌رغم ظرفیت‌های کارشناسی و انسانی متعدد و قابل قبولی که در کشور وجود دارد که می‌توان با ایجاد بستر مناسب، زمینه را برای استفاده از خرد جمعی برای بررسی مسائل، پیش از تصویب قوانین تخصصی ایجاد کرد، چنین تدبیری در دستور کار قانون‌گذار در مجلس شورای اسلامی نیست و همچنان با روش‌های گذشته و بدون بهره‌گیری از نظرات عمومی کارها پیش می‌رود.

به دلیل این که این قانون از نمونه‌های با نگاه اروپایی و آمریکایی برداشت شده، به مفاهیمی چون قوانین عامه یا عرف اشاره می‌کند. به دفاع از واژه عرف در این لایحه استفاده شده است. این خطر بسیار بزرگ در قانون است که می‌تواند زمینه نابسامانی و به هم ریختگی تعاملات افراد حقیقی و حقوقی را در محیط کسب و کار فراهم کند. همچنین در درگیری برای قوه قضاییه و قضات به وجود می‌آورد؛ چرا که مفهومی که به عنوان عرف در نظام‌های قضایی پیشرفته و با سابقه مطرح دنیا مانند انگلستان یا آمریکا و کشورهایی که از آن‌ها الگوبرداری کردند عنوان شده، عرف سیستم قضایی است نه عرفی که در اجتماع جاری است. در آن قوانین، منظور این است که در دویست سال گذشته دستگاه قضا و قضات عالی‌رتبه در مقابل چنین پرونده و رفتارهایی چه جمع‌بندی‌ای داشتند، چه احکامی صادر کردند و چه تفسیری از آن رفتار داشتند. در آن نظام قانون‌گذاری، این موضوع با نام عرف یاد می‌شود که می‌تواند باعث استمرار رفتار شایسته شده و از به هم ریختگی جلوگیری کند. اما نظام قضایی کشور ما سابقه طولانی به صورت مدرن ندارد و نمی‌توان به آن به عنوان یک نظام عرفی نگاه کرد. اگر بدون توجه به این واقعیت، به عرف توجهی بیش از اندازه داشته باشیم، زمینه‌های شکست در چهارچوب احکام قضایی به وجود می‌آید و گستره تفسیر رأی توسعه پیدا می‌کند. از طرفی، بیش از یکصد بار در این قانون به نظر قاضی ارجاع شده است. در فضای کسب و کار ایران، قانون تجارت باید از جنس قطعیت باشد و نه بیان‌های نظری و تفسیرهای پیچیده. تمام آموزش‌های قضات بر اساس قانون موجود حقوق تجارت است و آن‌ها زمان، امکانات و فضای بازآموزی محدودی خواهند داشت تا این قانون گسترده را که بالغ بر ۱۲۰۰ ماده دارد مطالعه کنند و اعمال نظر حرفه‌ای داشته باشند. این موضوع زمینه دو گونه خطا و فساد را در دستگاه قضایی ایجاد می‌کند. اول، زمینه خطاکاری خواسته و ناخواسته قضات که ناشی از عدم تسلط آنان بر قانون و مفاهیم مربوط به آن است. دوم، زمینه نقش آفرینی و ایجاد خطا در وکالت برای وکلا ایجاد می‌شود. درواقع به نظر می‌رسد که ادامه مسیر و اجرایی شدن این قانون می‌تواند هم زمینه فساد در قضاوت را ایجاد می‌کند و هم بستری برای رفتارهای خواسته یا ناخواسته فسادآلود و کلا فراهم آورد. گویی که از مستندات، نوشته‌ها و موضوعاتی که موانع اصلی طرح دعوای و موضوعات بوده، به سمت شواهد غیر نوشتاری، توجه به نظر شهود و مواردی این چنین حرکت کردیم که به پیچیدگی‌ها دامن می‌زند و زمینه برای افزایش تعداد قابل توجه پرونده‌های قضایی ایجاد می‌کند. برخی از مواد این قانون به گونه‌ای است که زمینه را برای رفتارهای فسادآلود در بین فعالان اقتصادی نیز فراهم می‌کند و ممکن است مورد سوءاستفاده قرار بگیرد. به اعتقاد نگارنده این قانون با هدف‌گیری‌ای که امروز کشور در زمینه مبارزه با فساد، کاهش زمینه‌های فساد، ساماندهی، تسهیل محیط کسب و کار، کاهش زمینه‌های خطاکاری در حوزه‌های مختلف و سالم‌سازی قوه قضاییه دارد، مغایرت دارد. ■

# ..... توسعه .....



## گفتن از امید به وقت ناامیدی

سرانجام روزی فرا خواهد رسید

امیل دورکیم، جامعه‌شناس اهل فرانسه در کتاب «صور بنیانی حیات دینی» چشم به افقی دوخته است که روزی از آن جوش و خروش آفرینشگری برخیزد؛ درست مثل جامعه‌ای که روزی در اثر مشکلات داخلی و بیرونی خود را گرفتار در چاه یأس می‌بیند، ناامید است؛ افسار از کف بداده و باز هم چشم به ناکجاآباد دوخته و می‌گوید: «سرانجام روزی فرا خواهد رسید که جوامع دوباره لحظات جوش و خروش آفرینشگری را خواهند شناخت. آرمان‌های جدید سر بر خواهند کشید و قواعد تازه‌ای شکل خواهند گرفت که تا مدتی راهنمای بشریت خواهند شد... همه چیز حکایت از آن دارد که چنین چیزی دوباره دیر یا زود از سر گرفته خواهد شد.» این حکایت مصداق حال امروز جامعه ایران است؛ جامعه‌ای که از سویی گرفتار یأس است و ناامیدی و زهر ناامیدی همه تنش را مجروح ساخته و از سویی دل به رویش‌هایی سپرده که ممکن است روزی خود آفریننده باشد و زندگانی بخشد؛ زندگانی دوباره و این همان گفتن از امید به وقت ناامیدی است.

# امید در قلب تاریکی

به چیزی می توان امید داشت؟

لیلا ابراهیمیان

دبیر بخش توسعه

چرا باید خواند:

اگر می خواهید

شمه ای کوتاه درباره

دوگانه امید و ناامیدی

و جدال این دو در سپهر

اجتماعی بدانید،

خواندن این پرونده به

شما توصیه می شود.

«اندوهناک ترین خسران فقدان امنیت نیست، از دست دادن توان

خیال آن است که چیزهایی می توانند تغییر کنند.»

ارنست بلوخ، فیلسوف آلمانی، ۱۸۸۹-۱۹۷۷

امید آن رمز و راز پنهانی است که قلب هر ملتی را در خروش نگاه می دارد؛ صاحبان سرزمینی را هویت و افق دید می بخشد و از پس هزاران شکست مهبلی رزم نو می گرداند. امید توان بخش است و مسیر اصلاح از امید فردی و امید اجتماعی می گذرد. اگر روان شناس ها، جامعه شناس ها، اقتصاددان ها و علوم انسانی از معجزه امید در مسیر زندگی می گوید، ادبیات فارسی هم سرشار است از سخنان نغمه و زیبا درباره امید و ناامیدی. اگر اخوان ثالث پرچمدار ناامیدان است و شعر ناامیدی می سراید، سیاوش کسرای شاعر امیدواران است: «می آید/ می آید آن تک سوار نور... با مزدهای به لب...» و مولوی می سراید: «از پس ظلمت دوصد خورشیدهاست» و ابوالقاسم فردوسی چنین می گوید: «همیشه خردمند امیدوار / نبینید به جز شادی از روزگار».

اما سخن گفتن از امید بدون درک بیم ها و ناامیدی ها امکان پذیر نیست؛ مفهومی دوساحتی که هم پدیده ای جمعی است و هم فردی؛ هم در سپهر منطقه ای - محلی حضور دارد و هم از مرزهای جهانی عبور کرده است. این روزها در چهره افسرده شهر و مردمانش نه زمزمه و پیچ که فریادی از ناامیدی به گوش می رسد. افق هایی نامعلوم که عده ای به گاه ناامیدی سخن از امید می گویند: «سرانجام روزی فرا خواهد رسید که جوامع دوباره لحظات جوش و خروش آفرینشگری را خواهند شناخت. آرمان های جدید سر بر خواهند کشید و قواعد تازه ای شکل خواهند گرفت که تا مدتی راهنمای بشریت خواهند شد... همه چیز حکایت از آن دارد که چنین چیزی دوباره دیر یا زود از سر گرفته خواهد شد.» (امیل دور کیم، «صور بنیانی حیات دینی»، ص ۵۹۳) دور کیم از همان پیشگویی پیامبرانه یک جامعه شناس می گوید که از امیدی اتوپیک، تخیلی و غیر واقعی می گوید که مصداق امروز ماست. وقتی نشانگر آماری پژوهش ها عدد سه چهارم ناامیدی در جامعه ایرانی را نشان می دهد واقع گرایی حکم می کند برای تغییر واقعیت تلخ خیالی پرداز بود و آرمان خواه؛ باید از ظرفیت رهایی بخش جامعه گفت، آنجا که رویش هایی در کنار هر ریزشی جوانه می زند. همان جا که در کنار هر فساد، هر فرار سرمایه ای، هر رانتی، هر بی توجهی به تولید باید از شرایط تغییر گفت و برای این تغییر آرمان گرایانه، واقعیت ها را اصلاح کرد در جهت هدف. این وضعیت پارادوکسیکال جامعه امروز ماست که از یک طرف، دچار فرسایش ذهنی، انفعال اجتماعی، خستگی عاطفی و از دست دادن کارآمدی شده است و مشکلات محیط زیست، نارضایتی ها و نابرابری ها، بیگانگی های اجتماعی، شکاف ها به علاوه سیاست های کنترلی تمامیت خواه و ناکارآمد حکومت وضعیتی را پدید آورده که به حس محرومیت نسبی، ناتوانی و ناامیدی اجتماعی دامن می زند؛ از طرفی دیگر، میل به زندگی و ظهور امیدهای تازه همچنان در فضاهای اجتماعی ایران دیده می شود.

تصور رایج درباره دوگانه امید و ناامیدی وجود دارد: امید به مثابه

فعالیت و مداخله در جهان و ناامیدی به مثابه انفعال و گوشه نشینی. امیدواران همان هایی هستند که فعالیت می کنند و برای تغییر شرایط می گویند؛ ولی ناامیدها سیر امور را منفعلانه نظاره می کنند و دست به ترکیب جهان نمی زنند و به این ترتیب در بدتر شدن موقعیت سهیم اند. اما باید از این دوگانه کاذب ایدئولوژیک رها شد؛ نه امید مولد فعالیت و کنشگری است و نه ناامیدی ضرورتاً انزوا را پی دارد. موقعیت هایی هستند که امید کم کاری می آورد و جاهایی ناامیدی از وضعیت موجود سبب می شود سوژه تکانی به خود دهد تا نظم وضعیتی را که مولد ناامیدی است، زیر و رو کند و افقی تازه بگشاید که در آن به راستی بتوان امید بست. بر خلاف تبلیغات سیاسی این گونه نیست که کنشگری در سایه امید است و ناامیدان کنشگر نیستند. دوگانه را باید کنار گذاشت و از نسبت های تاریخی این دو سخن گفت. اگر ناامیدی این است که دیگر نمی توان سبک همیشگی را ادامه داد و وضعیت به بن بست رسیده است، باید به راه ها و امکان های جدید اندیشید و آینده را در کسوت امر متفاوت تخیل کرد. ناامید دیر یا زود به عبور از وضعیت موجود و جست و جوی راه تازه می انجامد و این همان نتیجه ناامیدی و جسارت ناامیدی است.

برای همین باید گفت امیدهایی فروریخته اند و امیدهایی در راه اند. برای امیدواری در ایران امروز و راهی شدن به آینده این سرزمین به امیدهایی نیاز داریم که مقصود فراستخواه آن را چنین برمی شمرد: «امید معرفتی، امید زبانی، امید اخلاقی، امید وجودی و امید اجتماعی». اما امید دیگر آن «عده» و «فیض» نیست؛ بیش از فردیتی آزاد است که بر مبنای سوداها و آرزوهای خود به تحقق چیزی در آینده امید می بندد؛ اگر در امید فردی مسئله «من» است و آینده من، امید جمعی در کسوت «ما» و «مردم» تازه نفس ظاهر می شود. می خواهد به اتکای نیروهای نوظهور خلاق یک تخیل جمعی، آینده ای متفاوت بسازد در ساحت های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی. اگر چه امید جمعی راه هم بستگی من و توست. امیدی که از طریق پیوند با دیگران شکل می گیرد و به گفته والتر بنیامین، «تنها از برای ناامیدان است که امید به ما ارزانی شده است.» در هزاران انباشت و مشکلات و جولان یأس، امیدی که از طریق پیوند با دیگران شکل می گیرد به رویایی مشترک بدل می شود برای ساختن آینده در دل اکنون. همان اکنونی که شاهد تبعیض فزاینده، بی عدالتی، فقر، فساد، حرمان توده ها و سلطه گری دنیاپرستان است. برای رهایی از این وضعیت باید جامعه مدنی ایرانی قد بکشد تا پایه های اجتماعی امید تقویت شود. صورت های فراموش شده زندگی از خانواده تا دوره می، از مدرسه تا دانشگاه، از گروه های کوچک تا اجتماع بزرگ، از محیط کار تا گروه های صنفی و حرفه ای، از رسانه ها تا احزاب سیاسی برای تاثیر گذاری در گردش قدرت و رقابت های سیاسی برای حکمرانی خوب و رضایت بخش حاضر باشند که مجموعه این انباشت سرمایه رهایی بخش است و غفلت از این در نهایت گسست اجتماعی در پی خواهد داشت، گسستی که امروز شاهد جامعه آن هست. ■

امید دیگر  
آن «و عده» و  
«فیض» نیست؛  
بیش از فردیتی  
آزاد است که بر  
مبنای سوداها  
و آرزوهای خود  
به تحقق چیزی  
در آینده امید  
می بندد؛ اگر در  
امید فردی مسئله  
«من» است و آینده  
من، امید جمعی  
در کسوت «ما» و  
«مردم» تازه نفس  
ظاهر می شود

امید را باید در فرهنگ و ظرفیت‌های جامعه شناسایی کنیم. ملت ما یک سابقه تاریخی دارد و در این سابقه تاریخی نشان داده است که علائق ملی دارد و به مملکت خود علاقه‌مند است و تحت هیچ شرایطی حاضر نیست که آب در آسیایی بریزد که منافع ملی را مخدوش کند.

## [ نگاه سیاستمدار ]

# برای خروج از بحران راه طولانی در پیش داریم

محمد توسلی در گفت‌وگو با «آینده‌نگر» از چگونگی کنشگری در فضای یأس و امید می‌گوید

■ سسند آینده‌پژوهی ایران ۱۳۹۶ که مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری منتشر کرده نشان می‌دهد ۷۵ درصد مردم کشور آمیدی به بهتر شدن آینده ندارند. این نتیجه را در پژوهش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس هم می‌توان مشاهده کرد. به نظر شما چه عواملی به ناامیدی مردم منجر شده‌اند و ریشه این ناامیدی‌ها در جامعه ایران کجاست؟

برای پاسخ به این پرسش راهبردی در گام اول باید دید ریشه این ناامیدی‌ها کجاست و بعد به این موضوع پرداخت که چه راه‌کارهایی برای خروج از ناامیدی در شرایط کنونی جامعه ما وجود دارد. من در این تحلیل چهار دهه اخیر را مورد توجه قرار می‌دهم؛ در انقلاب ۵۷ ملت ایران منسجم و یکپارچه بود، اجماع داشت. تمام گروه‌های سیاسی و روشنفکران مادر انقلاب ۵۷ مشارکت داشتند. اگر شعارهای مردم را در راهپیمایی‌های سال ۵۷ مرور کنید، تواتر بیشترین شعار، مرگ بر شاه بود؛ یعنی ما استبداد نمی‌خواهیم، ما آزادی می‌خواهیم. مستندات تاریخی نشان می‌دهند که در این زمینه ابهامی وجود ندارد. البته شعارهای دیگری همچون: نهضت ما حسینی، رهبر ما خمینی هم مطرح بود؛ مردم در آن شعار امام حسین را نماد آزادی می‌دیدند و از سوی دیگر آن چشم‌اندازی که آیت‌الله خمینی در ۱۱۸ روز در نوفل‌لوشاتو ترسیم کرده بودند، همین مطالبات تاریخی ملت ایران بود؛ یعنی آزادی، دموکراسی، حاکمیت ملت و جمهوریت. مردم این چشم‌انداز را پاسخ به مطالبات تاریخی خود می‌دیدند و رهبری آقای خمینی را پذیرفتند. نفی استبداد سلطنتی که ریشه ۲۵۰۰ ساله دارد و نیاز واقعی جامعه برای این که از عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی خارج شود، آزادی است. اما با توجه به رویدادهایی که پس از انقلاب رخ داد، نگاه دیگری در حاکمیت جمهوری اسلامی حاکم شد که زمینه اجتماعی آن را عمدتاً خود روشنفکرها فراهم کردند؛ یعنی طیف چپ؛ حزب توده، مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی خلق و حتی چپ‌های مسلمان و برخی شخصیت‌هایی که قدرت را هدف قرار داده بودند. حتی روحانیت هم بر اساس نگاهی که داشت حزب جمهوری اسلامی را تشکیل داده بود تا قدرت را به دست بگیرد. بخشی از این مسئله می‌توانست طبیعی باشد که در چارچوب قانون اساسی این فرایند قدرت به‌صورت قانونمند طی شود؛ اما گروه‌هایی که شناخت درستی از شرایط اجتماعی نداشتند و بلافاصله به دنبال قدرت مطلق بودند، فضا را ملتهب کردند و خرداد سال ۶۰ را به وجود آوردند که ضربه سنگینی به خودشان و مطالبات تاریخی ملت که در قانون اساسی هم آمده بود، زدند. بنابراین پس از خرداد ۶۰ فضای جامعه ما بسته می‌شود و امروز شاهد پیامدهای آن بعد از چهار دهه هستیم.

مرور رویدادهای تاریخی این دوره نیاز به بحث مفصل دارد که من نمی‌خواهم وارد جزئیات آن بشوم؛ اما آنچه مهم است این واقعیت است که برای خروج از چالش‌های ناشی از فرایندی که پس از انقلاب طی شده و چنین شرایطی را در جامعه کنونی ایجاد

آگاهی سیاسی و رهایی از استبداد فرهنگی دو عاملی است که می‌تواند امید را بار دیگر به جامعه فرابخواند. این را محمد توسلی، فعال سیاسی و دبیرکل نهضت آزادی ایران می‌گوید. او به جامعه امیدوار است و می‌گوید جامعه در مسیر خود آگاهی گام برمی‌دارد، راهی که بسیار طولانی است و باید از رهرو بودن خسته نشد. توسلی راهکار اصلاح وضعیت و درمان ناامیدی را از دل تاریخ جست‌وجو می‌کند: «ما راهی طولانی آمده‌ایم و راه طولانی‌تری پیش رو داریم. تصور این که ما برای خروج از بحران‌های جاری کشور راه‌حل کوتاه‌مدت داریم، واقع‌بینانه نیست.» نخبگان جامعه این گفت‌وگو را بخوانید.

### چرا باید خواند:

شما به مسائل

اطراف خود چگونه

می‌نگرید؟ سعی

می‌کنید ریشه‌ها را

در یابید یا فقط به

هسته رویی مسائل

توجه دارید؟ در این

مصاحبه محمد

توسلی نگاهی تاریخی

به بررسی ریشه‌های

ناامیدی دارد. آن را

بخوانید.



کرده است، راهکارهایی است که از دل تاریخ این کشور و تجربیات گذشته قابل استخراج است.

■ **در تاریخ چهار دهه، از چه دوره‌هایی می‌توان گفت که شعارهای اول انقلاب که امیدآفرین بود، موردبازسازی قرار گرفته و اعتماد عمومی بازگشته‌است؟**

برای پاسخ به این پرسش بازهم از تجربه گذشته وام می‌گیرم؛ کسانی که نگاه عمیق اجتماعی داشتند چه واکنشی به ناامیدی‌ها داشتند؟ افرادی مثل مهندس بازرگان شناخت تاریخی از جامعه و تحولات اجتماعی داشتند. حتماً سوابق را به یاد دارید که هرکس نوفل‌لوشاتو می‌رفت، با آیت‌الله خمینی بیعت می‌کرد؛ اما مهندس بازرگان نپذیرفت و گفت باید با همفکران خود در ایران مشورت کند؛ او در این تصمیم خود آینده را هم می‌دید. مهندس بازرگان یک شناخت تاریخی از روحانیت داشت و از گذشته به دنبال تعامل با روحانیت بوده است. در دهه‌های ۲۰، ۳۰ و حتی ۴۰ که بحث انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی مطرح بود و شاه تمام گروه‌های سیاسی را حذف کرده بود و تنها گروهی که مانده بود روحانیت بود، روحانیت بلافاصله با سه محوری که مطرح شده بود، مخالفت کردند. مهندس بازرگان به قم رفت و با مراجع اصلی قم آقایان خمینی، شریعتمداری و گلپایگانی مذاکره کرد که هدف آن‌ها از این که به دنبال آزادی زنان در انتخابات، اصلاحات ارضی و یا سوگند به کتاب آسمانی هستند، چیست؟ نهضت در سه بیانیه خود که در پاییز سال ۴۱ منتشر شده، این شرایط را تحلیل کرده است. شاه نماد استبداد بود و از آن به بعد است که روحانیت مبارز وارد عرصه عمومی و مبارزه علیه شاه نماد استبداد سیاسی می‌شود. همین فرایند موجب می‌شود که در آستانه انقلاب، علاوه بر روشنفکران، با بسیج توده‌ها انسجام در صفوف ملت شکل گیرد و زمینه‌های پیروزی انقلاب فراهم شود. پس از انقلاب استبداد سیاسی حذف شد؛ اما یک نگاه جدید حاکم می‌شود. اول انقلاب این اصل مطرح بود که میزان رأی ملت است؛ در مدت ۹ ماهی هم که دولت موقت را در دست داشت، همین بحث مطرح بود. اما به خاطر چالش‌ها و جنگ قدرتی که وجود داشت، در نهایت خرداد ۶۰ به وجود می‌آید و نگاهی که مهندس بازرگان نگران آن بود، در جامعه ما حاکم می‌شود. راهکار اصلاحات از همان جا کلید می‌خورد و حرکت آگاهی‌بخشی آغاز می‌شود. کار اصلی آگاهی‌بخشی است که امروز هم باید این فرایند طی شود.

مهندس بازرگان بعد از دولت موقت قهر نمی‌کند، با شورای انقلاب همکاری می‌کند. در انتخابات مجلس اول شرکت می‌کند و وارد مجلس می‌شود. به‌رغم این که بعد از خرداد ۶۰ فضای جامعه بسته می‌شود ولی اصلاً خم به ابرو نمی‌آورد، قهر نمی‌کند. سخنرانی‌های راهبردی را در ارتباط با انتخابات آزاد و سالم در مجلس دارند که به دفعات در فضای مجازی هم منتشر شده است. در همان سال ۶۱ کتاب «انقلاب ایران در دو حرکت» را می‌نویسند. می‌گویند اگر ما در سال ۵۷ پیروز شدیم به این دلیل بود که «همه باهم» بودیم؛ اما بعد از انقلاب «همه با من» شد و زمینه‌های انحراف را به وجود آورد. در سال ۶۲ کتاب «گمراهان» را می‌نویسند و از «ول‌الضالین» استفاده کرده، تعبیری که سوره حمد نسبت به انحراف تاریخی مسیحیت دارد. در آن کتاب سرگذشت و سرنوشت حاکمیت کلیسا و روحانیت در طی قرون وسطا را شرح می‌دهد که تجربه تاریخی نشان می‌دهد که بازگشت از انحراف کلیسا چند قرن، همراه با هزینه‌های سنگین، طول کشیده است. گام اول این دوره جدید آگاهی‌بخشی است که جامعه ما باید آگاه شود که نگاه شیخ فضل‌الله نوری و در مقابل آن آخوند خراسانی و میرزای نائینی چه مبانی قرآنی و تاریخی دارد؟ او تا سال ۷۳ که در قید حیات بود، در مجموعه سخنرانی‌ها و یادداشت‌ها که در مجموعه آثارشان تدوین و چاپ شده است، سه جلد انقلاب اسلامی و سه جلد بازیابی ارزش‌ها، اثر «هاگفته‌های بعثت» و

«آخرت و خدا، هدف بعثت انبیا» این پیام را دارد که در بعثت پیامبر قدرت نیست و این نکته را با استناد به آیات قرآنی توضیح داده است.

باید تأکید کنیم که ملت ایران یک مطالبات تاریخی دارد، آرمان‌های اولیه انقلاب هم کاملاً مشخص است و در اصول قانون اساسی، به ویژه فصل سوم، پنجم و هفتم آمده است؛ اما نگاهی که شکل گرفته، به این ارزش‌ها و مطالبات تاریخی ملت ایران باور ندارد. بنابراین گام اول آگاهی‌بخشی است.

با ایستادگی‌های مهندس بازرگان و یاران ایشان در دهه شصت است که آگاهی جامعه بالا می‌رود و این فرایند منجر به خرداد دوم خرداد سال ۷۶ می‌شود و مردم به برنامه توسعه سیاسی و راه کار خروج از این بحران‌ها ۲۰ میلیون رأی می‌دهند. مردم بلوغ پیدا کردند و این امید را داشتند که در واقع انتخابات را به‌عنوان بستری برای کنش سیاسی انتخاب کردند. این مسئله در جامعه امید ایجاد کرد. آقای خاتمی توانست در این راستا نقش مؤثری ایفا کند؛ اما چه عواملی موجب شد که نهایتاً اشک آقای خاتمی را دربیابند؟ جامعه برای این که این فرایند را طی کند نیازمند آگاهی و واقع‌بینی بود اما این واقع‌بینی را نداشت. حتی دانشجویهایی که در جمع‌آوری رأی برای آقای خاتمی عامل مؤثری بودند، در مقابلش ایستادند و از رئیس‌جمهوری و قانون اساسی هم عبور کردند و فضایی را در جامعه به وجود آوردند که زمینه‌های ورود آقای احمدی‌نژاد به قدرت را فراهم کردند، البته با ناپختگی خود اصلاح‌طلبان که ۴ نامزد برای ریاست‌جمهوری را مطرح کردند، در سال ۸۴ آقای هاشمی در مقابل احمدی‌نژاد قرار گرفت. بازهم ناپختگی شکل گرفت و رأی ندادن به آقای هاشمی به معنای رأی به احمدی‌نژاد بود. فرایند امیدآفرینی در سال‌های ۹۲، ۹۴ و ۹۶ ادامه داشت و مردم در سال ۹۶ به‌رغم محدودیت‌های بسیاری که وجود داشت پای صندوق‌های رأی آمدند و با رأی خود بلوغ و آگاهی خود را نشان دادند که ما چه چیزی را نمی‌خواهیم و چه مطالبه‌ای داریم.

■ **چرا این امید بعد از سال ۱۳۹۶ تا دوام نداشته است؟**

شرایط پس از سال ۹۶، ما را با دو پدیده جدید روبه‌رو کرده است. یکی این که آقای روحانی وعده‌هایی به مردم دادند که نتوانستند به آن عمل کنند. این یکی از زمینه‌های ناامیدی است که در فضای جامعه ما وجود دارد. اما عامل دیگر این است که بعد از رویدادهای دی‌ماه ۹۶ و اعتراضاتی که در شهرهای متعدد کشور شکل گرفت، تمام کسانی که پس از انقلاب به دنبال براندازی جمهوری اسلامی بودند، از این زمینه‌های ناامیدی مردم استفاده کردند و با کمک ترامپ و آمریکا، اسرائیل و برخی کشورهای منطقه، مجموعه شرایطی را ایجاد کردند که به دنبال برخورد با جمهوری اسلامی بودند. رسانه‌های تأثیرگذاری که در این دوران با کمک‌های مالی آنان تدارک دیدند، طبیعتاً در افکار عمومی جامعه ما تأثیر داشته است و زمینه‌های این ناامیدی را فراهم کرده است. راه‌کار امروز جامعه ما برای خروج از ناامیدی، شناخت ریشه‌های واقعی مشکلات جامعه و دولت آقای روحانی است و خروج از این مشکلات طولانی و زمان‌بر خواهد بود. این جمله معروف مهندس بازرگان است که دکتر یزدی هم تکرار کردند: ما راهی طولانی آمده‌ایم و راه طولانی‌تری پیش رو داریم. تصور این که ما برای خروج از بحران‌های جاری کشور راه‌حل کوتاه‌مدت داریم، واقع‌بینانه نیست. نخبگان جامعه ما و کنشگران به‌ویژه سیاسی ما باید این واقع‌بینی را داشته باشند که در دو جبهه عمل کنند. یک جبهه، عرصه عمومی است؛ یعنی بالا بردن آگاهی جامعه با نگاه جامعه‌محور که بتوانند با ایجاد نهادهای مدنی و تقویت جنبش اجتماعی، توان جنبش اجتماعی را در حدی بالا ببرند که بتوانند با تأکید بر ظرفیت‌های قانون اساسی با شرایط موجود تعامل واقع‌بینانه‌ای داشته باشند؛ اما طرف دیگر خود مردم و کنشگران هستند. این مشکل فقط در حاکمیت نیست. این مشکل فرهنگی جامعه ما است که زمینه‌های فرهنگ استبدادی در آن حضور دارد و ما باید تلاش کنیم

تمامی ما متأثر  
از این فرهنگ  
استبدادی هستیم  
که تحول صدساله  
را یک‌شبه  
می‌طلبیم. ما باید  
برگردیم، خودمان  
را بازیابی کنیم  
و زمینه‌های  
فرهنگ استبدادی  
را کنار بگذاریم و  
خودمان را اصلاح  
کنیم؛ بنابراین این  
تحول فرهنگی در  
خود ما، پیش‌نیاز  
هرگونه تحول  
است

دلیل ایجاد مشکل معیشت دو عامل اصلی است: یکی ناکارآمدی و عملکرد حاکمان در این چهار دهه است که نتوانسته زمینه‌های توسعه را فراهم کند؛ اما عامل دیگری که موجب تشدید مشکلات معیشتی اخیر در جامعه ما شده است، تحریمی است که آمریکا علیه ما اعمال کرده است.

## نکته‌هایی که باید بدانید

- ▲ امید را باید در فرهنگ و ظرفیت‌های جامعه شناسایی کنیم. ملت ما یک سابقه تاریخی دارد و در این سابقه تاریخی نشان داده است که علائق ملی دارد و به مملکت خود علاقه‌مند است و تحت هیچ شرایطی حاضر نیست که آب در آسیایی بریزد که متافع ملی را مخدوش کند.
- ▲ عامل اصلی مشکلات اقتصادی ما مشکلات سیاسی است؛ یعنی بحران سیاسی است که بحران اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در جامعه ما به وجود آورده است؛ بنابراین برای خروج از بحران اقتصادی راهکار اصلی حل بحران سیاسی کشور است.
- ▲ ملت ایران یک مطالبات تاریخی دارد، آرمان‌های اولیه انقلاب هم کاملاً مشخص است و در اصول قانون اساسی، به ویژه فصل سوم، پنجم و هفتم آمده است؛ اما نگاهی که شکل گرفته، به این ارزش‌ها و مطالبات تاریخی ملت ایران باور ندارد. بنابراین گام اول آگاهی بخشی است.
- ▲ مشکل فقط در حاکمیت نیست. این مشکل فرهنگی جامعه ما است که زمینه‌های فرهنگ استبدادی در آن حضور دارد و ما باید تلاش کنیم با توسعه نهادهای مدنی در عرصه فرهنگی و اجتماعی زمینه‌های این فرهنگ استبدادی را ابتدا در خودمان و محیط اجتماعی بزداییم که روحیه فردگرایی، خودخواهی، خودپرایی و نداشتن روحیه کار جمعی اصلاح بشود.

آگاهی بخشی انجام می‌دهند که مهندس بازرگان در دهه ۶۰ انجام می‌داد. ایشان کتاب «اندیشه‌های آخوند خراسانی» را منتشر کرده‌اند که نقد نگاه شیخ فضل‌الله نوری و شرایط امروز ماست. در سخنرانی‌های خود می‌گویند «کسی که معرفت نداشته باشد، دین ندارد. کسی که معرفت نداشته باشد، گرفتار خشم مقدس می‌شود» یا سخنرانی آیت‌الله علوی بروجردی در دیدار با دانشجویان را بخوانید.

تحولاتی که در حوزه و در عرصه عمومی به وجود آمده، نمایانگر این واقعیت است که جامعه ما یک فرایند توسعه آگاهی را طی کرده است. مردم در انتخابات ۷۶، ۸۰، ۹۲ و ۹۶ بلوغ خود را نشان دادند. امروز اگر چنین فضای یأس‌آلودی به وجود آمده است، به نظر من دو عامل اصلی تأثیر گذار بوده است. یکی عملکرد اصلاح‌طلبان قدرت‌محور که نتوانستند به وظایف خود عمل کنند و یکی هم رسانه‌های بیگانه اما آیا این سرخوردگی که در بخشی از جامعه ما به وجود آمده است، نقش تأثیر گذاری دارد؟

### پاسخ خود شما چیست؟

به نظر من چون هنوز انسجامی در جنبش اجتماعی ایران ایجاد نشده است، امکان چنین تحولی در کوتاه‌مدت وجود ندارد. راه طولانی است و ما باید خود را برای یک راه طولانی آماده کنیم. کسانی که به ریشه‌های مشکل جامعه ما آگاهی ندارند و گاهی آن را همچون بعضی از کشورهای آمریکای لاتین شبیه‌سازی می‌کنند، فکر می‌کنند که در جمهوری اسلامی هم آن الگوها قابلیت پیاده‌سازی دارند. واقعیت این است که رسالت آگاهان جامعه ما امروز بازتعریف اصلاح‌طلبی یا یک نگاه جامعه‌محور و تأکید بر اصول مغفول قانون اساسی است. البته انتخابات یک فرصت تاریخی است. ملت ایران از انقلاب مشروطه تاکنون همواره از فرصت انتخابات استفاده کرده‌اند. حضور در انتخابات هم تاکتیک است و هم استراتژی. تاکتیک است به این دلیل که حضور، در عرصه عمومی زمینه‌های آگاهی جامعه را فراهم می‌کند و جنبش اجتماعی را تقویت می‌کند و با یأس و ناامیدی که تحمیل شده است تقابل می‌کند و به جامعه امید تزریق می‌شود. استراتژی هم هست زیرا فرایند گذار به دموکراسی بر پایه اصول قانون اساسی را تقویت می‌کند. هدف جامعه ما دموکراسی یعنی حاکمیت ملت است که در اصول فصل پنجم قانون اساسی به ویژه اصل ۵۶ آن تصریح شده است. ملت ما از انقلاب مشروطه به دنبال آزادی، حاکمیت ملت، حاکمیت قانون، عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی بوده و این اهداف در فرایند گذار به دموکراسی می‌تواند محقق شود و ملت در جایگاه طبیعی خود قرار بگیرد. این گذار به زمان نیاز دارد و ما باید گام‌به‌گام

با توسعه نهادهای مدنی در عرصه فرهنگی و اجتماعی زمینه‌های این فرهنگ استبدادی را ابتدا در خودمان و محیط اجتماعی بزداییم که روحیه فردگرایی، خودخواهی، خودپرایی و نداشتن روحیه کار جمعی اصلاح بشود. یکی از دلایلی که امروز در طیف اصلاح‌طلبان می‌بینیم که نگاه‌های متفاوتی وجود دارد، این واقعیت است که همه «من» هستند و حاضر نیستند که در این شرایط بحرانی گفت‌وگو کنند و صدای مشترکی داشته باشند. درست است که ما اختلاف نظر داریم؛ اما وجه مشترک ملت ایران که ما باید روی آن تمرکز کنیم کدامند؟ روی آن تأکید کنیم و نیروی خود را بر وجه اشتراک متمرکز کنیم. اگر احزاب سیاسی و نهادهای مدنی بتوانند حول محورهای مشترک هماهنگ شوند، خودبه‌خود جامعه هم با آن‌ها هماهنگ خواهد شد و این جنبش اجتماعی اقداماتی انجام می‌دهد که می‌تواند بارش‌های این یأس و ناامیدی بر خورد واقع‌بینانه داشته باشد.

### مردم اکنون در جایی از تاریخ ایستاده‌اند که مدام سال‌های اخیر را

نقد می‌کنند و از کششگران سیاسی ناامید هستند. سیاستی که خودش ناامیدی تولید کرده، با چه رفتاری می‌تواند امید آفرین باشد؟

به نظر من راه کار اصلی، با نگاه اصلاحات جامعه‌محور، آگاهی بخشی است؛ یعنی کسانی که به ریشه‌های مشکلات کشور آگاهی دارند، باید کارهای آگاهی‌بخش انجام بدهند و نهضت آزادی ایران هم به‌رغم تمام محدودیت‌ها در سال‌های اخیر تلاش کرده است که در همین راستا عمل کند. پیشگامانی مثل بازرگان، طالقانی و سحابی، ریشه مشکلات جامعه ما را در شرایط شهریور ۱۳۲۰ در دو عامل اصلی برجسته کردند و در طول این چند دهه همواره بر اساس این دو عامل متمرکز بوده‌اند. یکی فرهنگ استبدادی است و دیگری خرافات مذهبی که تمامی ما متأثر از آن‌ها هستیم. ریشه مشکلاتی که امروز در جامعه ایرانی از جمله اصلاح‌طلبان وجود دارد، همین بروز فرهنگ استبدادی، تکروی، خودخواهی و خودپرایی است. عموماً اصلاحات را در منصب می‌دانند و به قدرت چسبیده‌اند و فراموش کرده‌اند که اندیشه اصلاح‌طلبی یعنی راه را برای دستیابی به مطالبات تاریخی مردم و اجرای اصول مغفول قانون اساسی هموار کردن. بگذریم از جمع قابل توجهی هم که به فساد کشیده شده‌اند. این واقعیت‌ها زمینه‌های یأس و ناامیدی مردم را فراهم کرده است. بنابراین راه کار بازگشت به اندیشه اصلاح طلبی و توجه به ریشه‌های مشکل تاریخی و پیامدهای فرهنگ استبدادی است که همه متأثر هستیم.

آیت‌الله طالقانی و مهندس بازرگان از همان شهریور ۲۰ همواره به این آموزه قرآنی تأکید می‌کنند: خداوند شرایط جامعه را تغییر نمی‌دهد، تانفوس و رفتارشان متحول شود. البته طی این فرایند کار آگاهی‌بخش و درازمدت می‌طلبید. از همان زمان به‌رغم این که فرهنگ چپ مارکسیستی در جامعه ما حاکم بوده است، ابتدا در دانشگاه و سپس در جامعه تا پیروزی انقلاب از طریق تلاش‌های فرهنگی و اجتماعی راهبرد آگاهی‌بخشی را دنبال می‌کنند. امروز نیز راهکار تداوم همان راهبرد با توجه به مشکلات جاری کشور است.

### در حال حاضر جامعه به‌نوعی از معناها تهی شده است؛ رابطه مردم و روحانیت نیاز به بازتعریف دارد و از طرفی روشنفکران یا مرجعیت خود را از دست داده‌اند یا منزوی شده‌اند. در چنین شرایطی آن‌ها چگونه می‌توانند آگاهی‌بخش یا امید آفرین باشند؟

من آن گونه که شما سیاه و سفید می‌بینید، نمی‌بینم. ابتدای انقلاب نگاه روحانیت و مراجع و مردم نسبت به روحانیت در قدرت چگونگی بوده و امروز چگونگی است. تحول قابل ملاحظه‌ای شکل گرفته و کاملاً مشهود است.

### آیا این تحول به سمت بهبود است؟

بله! آگاهی جامعه بالا رفته است. آقای دکتر سید مصطفی محقق داماد که هم درجه اجتهاد دارند و هم استاد دانشگاه هستند، در عرصه عمومی اقدامات

شرایط پس از  
سال ۹۶، ما را با  
دو پدیده جدید  
روبرو کرده  
است. یکی این‌که  
آقای روحانی  
وعده‌هایی به  
مردم دادند که  
نتوانستند به آن  
عمل کنند. این  
یکی از زمینه‌های  
ناامیدی است که  
در فضای جامعه  
ما وجود دارد. اما  
عامل دیگر بعد از  
رویدادهای دی‌ماه  
۹۶ و اعتراضات در  
شهرهای متعدد  
کشور شکل گرفت

پیش برویم. امروز حتی بخشی از محافظه کاران هم که گفت‌مان اعتدال دارند به این طرف آمده‌اند؛ بنابراین باید از این روند استقبال کنیم و امیدوار باشیم و خود را برای یک راه طولانی‌تر آماده کنیم و در این شرایط به وظایف دینی و ملی خود عمل کنیم.

■ **برخی معتقدند که اگرچه ما شرایط گذار را داریم طی می‌کنیم، اما گذار ما، گذار به بهبود نیست و مشکلات ما مدام تکرار می‌شود. مثلاً به یک نقطه مطلوب می‌رسیم و باز برمی‌گردیم به نقطه صفر و این چرخه تکرار می‌شود.**

البته این فرایند در چهار دهه اخیر افت‌وخیز داشته است؛ شما باید منحنی متوسط را ببینید که آیا این منحنی در چهار دهه گذشته رو به بالا است یا پایین؟ به نظر من شاخص‌ها نشان می‌دهد که روند گذار به دموکراسی رو به بالا است و شاخص آن آگاهی جامعه است. آگاهی جامعه امروز با اول انقلاب کاملاً متفاوت است. به همین دلیل ما باید نسبت به آینده امیدوار باشیم.

■ **اما مردم آگاه پاسخ بهتری برای مطالبات خود می‌خواهند؛ ولی از این نوع کنشگری نه در حوزه اقتصاد، نه در سیاست و نه در اجتماع، پاسخ در خوری دریافت نمی‌کنند.**

بله، تمامی ما متأثر از این فرهنگ استبدادی هستیم که تحول صدساله را یک‌شبه می‌طلبیم. ما باید برگردیم، خودمان را بازیابی کنیم و زمینه‌های فرهنگ استبدادی را کنار بگذاریم و خودمان را اصلاح کنیم؛ بنابراین این تحول فرهنگی در خود ما، پیش‌نیاز هرگونه تحول است. تا زمانی که جامعه ما چنین است، درجا خواهد زد، مگر این که نسبت به مشکلات درونی خود شناخت پیدا کند، با مطالعه، تلاش، واقع‌بینی و گفت‌وگوی اجتماعی برسیم به این که اتفاقاً مشکل اصلی ما فقط حاکمیت نیست. مشکل از خود ما هم هست و اصلاحات باید از خودمان شروع شود. ما در این زمینه چه اقدامی کرده‌ایم. آیا هیچ زمینه مثبتی وجود ندارد و ما فقط نیمه خالی لیوان را می‌بینیم و نیمه پری وجود ندارد؟ بالاخره در این چهار دهه جنبه‌های مثبت هم داشته‌ایم. جنبه‌های منفی هم زیاد است و دلیل آن هم روشن است. ما از یک استبداد تاریخی ۲۵۰۰ ساله به اجبار خارج شدیم و یک کار بزرگ تاریخی انجام‌شده است و الآن وارد مرحله‌ای شدیم که لازم است برای توسعه‌یافتگی این دوره طی شود و تا این دوره طی نشود و نهاد دین در جایگاه طبیعی خود قرار نگیرد و توسعه انسانی، قانون و حاکمیت ملت تحقق نیابد، نمی‌توان گام‌های بعدی را برداشت؛ بنابراین به نظر من این فرایند روبه‌جلو است؛ اما راهی طولانی است و ما باید خود را برای این راه طولانی آماده کنیم.

■ **به نظر می‌رسد در حال حاضر سپهر عمومی نسبت به مسائلی نظیر دموکراسی، سیاست و هر نوع آرمان‌خواهی لخت شده باشد، به این دلیل که معیشت مردم به قدری درگیر شده و خود مسئله معیشت گویا دغدغه اول جامعه شده است. جامعه‌ای که از یک سو درگیر معیشت است و از سوی دیگر فساد مالی و اقتصادی یأس را در آن تولید می‌کند. در چنین شرایطی چه باید کرد؟**

مشکل معیشتی مردم کاملاً مشهود است. چرا مشکل معیشت به وجود آمده است؟ دو عامل اصلی وجود دارد. یکی ناکارآمدی و عملکرد حاکمان در این چهار دهه است که نتوانسته زمینه‌های توسعه را فراهم کند؛ اما عامل دیگری که موجب تشدید مشکلات معیشتی اخیر در جامعه ما شده است، تحریمی است که آمریکا علیه ما اعمال کرده است. آمریکا هم به دنبال این است که با این تحریم‌ها منابع اصلی درآمد ما را بخشکند و چون بخش مهمی از بودجه کشور از درآمد نفت تأمین می‌شود، به دنبال استیصال دولت و نارضایتی مردم هستند تا زمینه برای شورش فراهم شود. در کشور ما هستند کسانی که مسئولیت اجتماعی نداشته باشند و سرمایه‌های خود را خارج کنند؛ اما کسانی که این آگاهی را داشته باشند که هدف تحریم بیگانگان این

است که ما را مستأصل کنند و زمینه‌های فروپاشی جامعه را فراهم کنند، آیا مردم باید آب در آن آسیاب بریزند یا مقابل آن ایستند؟ نگاه ملی که ما برای حفظ تمامیت ارضی و آینده ایران باید داشته باشیم، اگر سختی و مشکلاتی هم وجود دارد باید در این دوران طی کنیم؛ اما این به آن معنا نیست که نگاه ما به نقد قدرت نباشد، نگاه جامعه‌محور نداشته باشیم و جنبش اجتماعی را در جهت مطالبه تاریخی ملت ایران هم‌زمان دنبال نکنیم؛ بنابراین نیروهای ملی و کسانی که دغدغه ملی دارند، مسئولیت بسیار سنگینی بر دوش دارند. به این دلیل که از یک طرف نباید آب به آسیاب بیگانگان بریزند و از طرف دیگر باید در جامعه امید ایجاد کنند. این یک وظیفه آگاهی‌بخشی بسیار مهم است که ما در گذشته کمتر با چنین چالشی روبه‌رو بودیم؛ بنابراین رسانه‌هایی مثل «آینده‌نگر» و سایر رسانه‌های تاثیرگذار ما باید بتوانند هم ریشه‌های مشکل جامعه ما را معرفی کنند و هم راه کار ارائه بدهند که جامعه ما بداند زمینه‌های این ناامیدی کجا است و او چه نقشی می‌تواند در مقابله با این زمینه‌های ناامیدی و مشکلات معیشتی داشته باشد.

■ **من با این گفته شما مخالف هستم؛ مشکلات اقتصادی و مشکلات دیگر ما بیشتر از این که ناشی از عوامل بیرونی باشد به مسئولیت‌گریزی کنشگران سیاسی، احزاب سیاسی و سیاستمداران ما مربوط است.**

من عرض نکردم که عامل اصلی بیگانگان هستند. اتفاقاً من هم عامل اصلی را درونی می‌بینم. عامل اصلی مشکلات اقتصادی ما مشکلات سیاسی است؛ یعنی بحران سیاسی است که بحران اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در جامعه ما به وجود آورده است؛ بنابراین برای خروج از بحران اقتصادی راهکار اصلی حل بحران سیاسی کشور است و باید فرایندی طی شود که ملت ایران بتواند بر سرنوشت خود حاکم شود و بتواند به‌صورت علمی مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود را حل کند. در شرایط کنونی عوامل خارجی عامل تشدیدکننده عوامل داخلی هستند.

■ **درواقع امید را باید در زمین سیاست و قدرت جست‌وجو و تعریف کنیم**

امید را باید در فرهنگ و ظرفیت‌های جامعه شناسایی کنیم. ملت ما یک سابقه تاریخی دارد و در این سابقه تاریخی نشان داده است که علائق ملی دارد و به مملکت خود علاقه‌مند است و تحت هیچ شرایطی حاضر نیست که آب در آسیابی بریزد که منافع ملی را مخدوش کند. اگر چنین نگاه کنیم، فکر می‌کنم این محور مشترکی است که تمام ایرانی‌ها چه در داخل و چه در خارج از ایران باهم پیوند دارند و می‌توانند با پیوند منافع ملی در کنار هم قرار بگیرند و حول محورهای مشترک کار آگاهی‌بخشی خود را انجام بدهند؛ اما متأسفانه با توجه به همان زمینه‌های فرهنگ استبدادی ما به جای این که به این محورهای مشترک تأکید کنیم، احزاب و گروه‌های سیاسی روی اختلاف‌های خود تأکید می‌کنند. ما در سال ۱۳۸۱ بعد از آزادی از زندان بیانیه وفاق ملی را منتشر کردیم. در شرایط کنونی راه کار وفاق و گفت‌وگوی ملی است؛ یعنی ما برای این که بتوانیم گفت‌وگوی ملی داشته باشیم که به وفاق ملی برسیم، لازم است که زمینه‌های فرهنگ استبدادی را که در همه ما وجود دارد از خودمان بزداییم تا یاد بگیریم که روی محورهای مشترک عمل کنیم و تا این مرحله طی نشود ما نمی‌توانیم از این بحران‌های جاری عبور کنیم. اما من نسبت به آینده امیدوار هستم به این دلیل که ظرفیت‌هایی در جامعه ما وجود دارد که می‌تواند پشتوانه چنین تحولی در جامعه ما باشد. ما باید تلاش‌هایی را که در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی صورت می‌گیرد با ایستادگی دنبال کنیم و باور داشته باشیم که هر کسی در هر جایگاهی که هست باید کار خود را خوب انجام بدهد و هم‌زمان جنبش اجتماعی ایران را هم تقویت کنیم تا فرایند گذار به دموکراسی بتواند طی شود. ■

نخبگان جامعه ما و کنشگران به‌ویژه سیاسی ما باید این واقع‌بینی را داشته باشند که در دو جبهه عمل کنند. عرصه عمومی؛ یعنی بالا بردن آگاهی جامعه با نگاه جامعه‌محور که بتوانند با ایجاد نهادهای مدنی و تقویت جنبش اجتماعی، توان جنبش اجتماعی را در حدی بالا ببرند که بتوانند با تأکید بر ظرفیت‌های قانون اساسی با شرایط موجود تعامل واقع‌بینانه‌ای داشته باشند؛ اما طرف دیگر خود مردم و کنشگران هستند

فرصت‌ها برای زیست اجتماعی در جامعه ما به شدت کم شده است و نهایتاً آرمان‌های این جامعه به حداقل رسیده است. وقتی جامعه پویا و متحرک باشد، این جامعه آرمان‌ساز خواهد بود و اهداف بلندی خواهد داشت و آن اهداف را پیگیری خواهد کرد.

[ جامعه شناس ]

## جامعه ایران امروز آرمان‌ساز نیست

**سعید معیدفر** در گفت‌وگو با **آینده‌نگر**  
از شرایط امروز جامعه ایران می‌گوید



فرصت‌ها برای زیست اجتماعی کم شده است؛ آرمان جامعه به حداقل رسیده است؛ فردگرایی افراطی جای نفع جمعی را گرفته است. سعید معیدفر، جامعه‌شناس در تبیین وضعیت امید و ناامیدی در جامعه ایرانی معتقد است: افق‌ها، آرزوها و آرمان‌های جامعه کور شده است، کسی در پی آرمان اجتماعی و افق‌های بلند برای جامعه نیست، همه رو به سوی خود دارند و از اجتماع گریزان‌اند. به گفته معیدفر این وضعیت در میان مردم عادی ناخودآگاه اتفاق افتاده و نخبگان به وضعیت آگاهی دارند.

### چرا باید خواند:

افق‌های امید آفرین  
در جامعه ناامید محو  
می‌شود و جاهایی  
جامعه پویایی خود  
را از دست می‌دهد؛  
این بخشی از تحلیل  
معیدفر از وضعیت  
اجتماعی جامعه  
ایرانی است. ادامه آن  
را بخوانید.

حداقل برسد یا به عبارتی آدم‌ها کمتر احساس کنند که در جامعه و اجتماع زندگی می‌کنند، در این صورت آدم‌ها اهداف اجتماعی، آرمان‌های اجتماعی و افق‌های اجتماعی‌شان کور می‌شود. یعنی دیگر آینده‌ای برای خودشان متصور نیستند. وقتی من احساس کنم که با هیچ‌کسی که در اطراف من زندگی می‌کنم ارتباطی ندارم بیشتر به خواسته‌های شخصی و فردی خودم معطوف می‌شوم. دیگر به چیز دیگری فکر نمی‌کنم. این در حالی است که اگر من به عنوان یک عضو فعال یک جامعه پویا یا یک اجتماع پویا یا یک گروه پویا باشم به همان مقدار فردیت من تحت‌الشعاع کنش گروهی و اجتماعی من قرار می‌گیرد. یعنی آن‌ها اهمیت پیدا می‌کند و گاهی اوقات بر اهداف، آرمان‌ها و افق‌های فردی غلبه پیدا می‌کنند. ما می‌توانیم بگوییم که چرا در جامعه به آن شکل اهداف اجتماعی نداریم و یا اگر هم کسی ادعا کند که اهداف اجتماعی هست، کسی آن را دنبال نمی‌کند. چرا در جامعه ما افق‌ها، آرزوها و آرمان‌های جامعه کور شده است یعنی در جامعه کسی دیگر در پی آرمان اجتماعی و افق‌های بلند برای جامعه نیست، بلکه همه رو به سوی خودشان دارند و از جامعه و اجتماع گریزان‌اند. شاید امید اجتماعی یا ناامیدی اجتماعی مساوی با جامعه‌ای باشد که در آن چون حیات اجتماعی به حداقل خود رسیده و در حال زوال و فروپاشی است به همان میزان هم افق‌ها و اهداف و آرمان‌های آن جامعه روبه‌زوال و کور شدن و از بین رفتن است. به عبارتی دلایل اینکه چرا در جامعه ما دیگر کسی دنبال هدف‌های بلند که برانگیخته از جامعه و گروه و اجتماع

■ به نظر شما ما چه زمانی می‌توانیم از ناامیدی اجتماعی سخن بگوییم؟ ریشه ناامیدی‌ها در جامعه ایران کجاست؟

واژه «امید اجتماعی» در ادبیات جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی به این شکل وجود ندارد؛ یعنی این واژه، واژه‌ای است که در چند سال اخیر در ایران مطرح شده است و قبلاً نبوده است. یکی از کارهایی که ما سال‌ها انجام داده‌ایم این است که واژه‌گذاری‌هایی می‌کنیم که این واژه‌ها خیلی دارای پیش‌زمینه‌ای در علوم اجتماعی نبوده‌اند. واژه اجتماعی یعنی امری که به نحوی زاینده جامعه باشد و هر چیزی را که برای آن پسوند اجتماعی می‌گذاریم یک نوع فرایند اجتماعی در آن اتفاق افتاده است. حال اینکه آیا ما می‌توانیم به یک امری که زاده اجتماعی نیست پسوند اجتماعی را اضافه کنیم یا نه، نیاز به بررسی دارد. مثلاً ما انسجام اجتماعی یا آسیب‌های اجتماعی را داریم، اما امید اجتماعی خیلی واژه مصطلحی نیست. به همین دلیل من با این واژه امید اجتماعی موافق نیستم. ما می‌توانیم بگوییم که در جامعه ما امید به آینده کم شده است؟ شاید بتوان به این صورت گفت که امروز جامعه ایران دچار یک نوع گسیختگی و شرایط ناپهنجاری شده است که در آن اساساً اهتمام جامعه و اهتمام جمعی برای حرکت‌های اجتماعی کم شده است. مثلاً ما می‌توانیم بگوییم امروز فردگرایی افراطی در کشور زیاد شده است. آدم‌ها از باهم بودن حس مثبتی ندارند. فرصت‌ها برای زیست اجتماعی در جامعه ما به شدت کم شده است و نهایتاً آرمان‌های این جامعه به حداقل رسیده است. وقتی جامعه پویا و متحرک باشد، این جامعه آرمان‌ساز خواهد بود و اهداف بلندی خواهد داشت و آن اهداف را پیگیری خواهد کرد. به عبارت دیگر جامعه موجودی می‌تواند باشد که این موجود از ترکیب کیفی آدم‌هایی که در آن زندگی می‌کنند به یک موجودیتی تبدیل شده است. موجودیت برای خودش هدف، آرمان و به عبارتی افق‌هایی را در نظر می‌گیرد که باید به آن برسد. مثلاً افق توسعه یا همکاری و یا پیشرفت در خیلی از زمینه‌ها را در نظر می‌گیرد. در یک کشور ممکن است به میزانی این موجودیت مردمی که زندگی می‌کنند از حیث اجتماعی به

وقتی از امید حرف می‌زنیم منظور یک افق است نه وضعیت روزمره. آن آمیدی که منجر به پویایی شود تا فرد به یک کنشگر اجتماعی تبدیل شود و بتواند با دیگران همکاری کند و به سازندگی جامعه کمک کند و با آسیب‌های جامعه مبارزه کند و ناهنجاری‌ها را کنار بگذارد از بین رفته است

باشند، نیست و فردگرایی در اوج خودش قرار گرفته است و حرکتهای ضداجتماعی افزایش پیدا کرده است، ناشی از ضعف بنیان‌های جامعه و اجتماع و روبه‌زوال رفتن حیات اجتماعی است.

#### ■ شما ریشه این ناامیدی‌ها را در جامعه ایران نه در فرد بلکه در بنیان‌ها و ساختارها جست‌وجو می‌کنید؟

خواه‌ناخواه چون انسان موجودی اجتماعی است و بیشتر به حیات اجتماعی گرایش دارد بنابراین زمانی که با شرایطی مواجه می‌شود که آن شرایط زوال یک جامعه یا اجتماع است خود او هم آسیب می‌بیند. یعنی این ناامیدی، یا این بی‌آرمانی و بی‌هدفی می‌تواند به تدریج ریشه و دودمان خود فرد را نیز از بین ببرد. آنچه جامعه‌شناسان توضیح می‌دهند این است که وقتی حیات جمعی در یک جایی سست می‌شود، در آنجا حتی آدم‌ها احساس ناامیدی و بیگانگی می‌کنند و گاهی تا سرحد خودکشی و مقابله فرد با خودش پیش می‌روند. بنابراین در جامعه روبه‌زوال، خواه‌ناخواه اهداف و افق‌های اجتماعی هم روبه‌زوال خواهد رفت و از بین رفتنی است. این خبر که گفته می‌شود ۷۵ درصد در جامعه ما آینده‌ای را متصور نیستند شاید به همین مضمون باشد.

#### ■ چرا امروز جامعه چون گذشته آرمان‌ساز نیست؟

اگر ما به پیشینه این جامعه برگردیم تلاشی را می‌بینیم که شاید بیش از یک قرن است که از سوی مردم برای پویایی جامعه انجام شده است. در یک مقطع تاریخی خاصی نهایتاً یک انرژی که هنوز از گذشته وجود داشت می‌توانست فرا راه تلاش‌هایی برای بهبود و به‌روز شدن جامعه و پویا شدن آن باشد. بنابراین طی دهه‌های متوالی این اتفاق صورت گرفته است. یعنی انرژی‌هایی که از بطن تاریخ و حیات اجتماعی و گذشته ما بوده است می‌آمده است برای اینکه هرچه زودتر آن فرایندهای ضداجتماعی و شرایط ضدتوسعه‌ای را از بین ببرد. این تلاش‌ها در یک دوره‌هایی به نتیجه منجر شده است اما در ادامه دوباره با یک بن‌بست‌های جدیدی روبه‌رو شده که این بن‌بست‌ها خیلی شدیدتر شده است. یعنی به جای اینکه راه را هموارتر کند، برعکس هر روز افق‌ها را کورتر کرده است و بن‌بست‌های بیشتری را پیش روی جامعه گذاشته است. درواقع این حرکت، حرکت روبه‌جلو نبوده است. به عبارتی اگر ما تمام این تحولات جنبشی و انقلابی را در تاریخ معاصر ایران نگاه کنیم درنهایت هرچه به جلو می‌آمده به جای اینکه یک پیشرفت اتفاق بیفتد و یک گام جلوتر برود تا انگیزه برای ادامه این پویایی و

### نکته‌هایی که باید بدانید

- ▶ بهتر است به جای واژه ناامیدی از **زوال زیست اجتماعی** استفاده کنیم و قضیه را ریشه‌ای‌تر ببینیم. **زیست اجتماعی مان به حداقل رسیده و در حال از بین رفتن است**، به همان میزان افق‌ها کور می‌شود، **امیدی برای اصلاح جامعه نیست و تلاشی هم برای آن صورت نمی‌گیرد**.
- ▶ چرا در جامعه ما دیگر کسی دنبال هدف‌های بلند که برانگیخته از جامعه و گروه و اجتماع باشند، نیست و فردگرایی در اوج خودش قرار گرفته است و حرکتهای ضداجتماعی افزایش پیدا کرده است؟ این ناشی از **ضعف بنیان‌های جامعه و اجتماع و روبه‌زوال رفتن حیات اجتماعی** است.
- ▶ **اقتصاد** در این عرصه از همه **عرصه‌ها بدتر و خراب‌تر** است. یک دولتی وجود دارد که از بالا برای همه در مورد درآمد، هزینه و... تصمیم گرفته است. یعنی همه چیز آن‌ها بر اساس یک اراده از بالا تعیین می‌شود.
- ▶ **رقابت ناسالم یک نوع واکنش‌های فردی کشنده و ضداجتماعی است** که می‌تواند به تدریج جامعه را دچار خشونت هم بکند. خشونت هم انواع مختلفی دارد. **خشونت‌های قانونی** یکی از انواع خشونت‌هاست. خشونت‌های دیگری هم وجود دارد که افراد در جامعه نسبت به یکدیگر اعمال می‌کنند.

حرکت بیشتر شود برعکس قفل‌های بیشتری بر آن درهای بسته زده‌شده و یا دروازه‌های بعدی دیگری هم بسته‌شده است و نهایتاً کار چنان دچار پیچیدگی شده است که در افراد احساس اینکه می‌توانند آینده را تغییر دهند از بین رفته است. مثل کسی می‌ماند که در یک باتلاق افتاده باشد. قاعدتاً فرد در آغاز تلاش‌هایی خواهد کرد. هرچه بیشتر در این گرداب فرو می‌رود تلاش‌های او سخت‌تر خواهد شد. تا جایی که فرد ناامید می‌شود و احساس می‌کند که دیگر نمی‌تواند کاری کند و باید خودش را به دست تقدیر بسپارد. تقریباً در تاریخ معاصر ما چنین حالتی اتفاق افتاده است. ما در یک مردابی افتاده‌ایم. تلاش‌های زیادی کرده‌ایم که از این مرداب بیرون بیاییم اما هرچه این تلاش‌ها بیشتر بوده است ما را بیشتر در عمق این مرداب فروبرده است. به نظر می‌رسد که ما در شرایطی هستیم که کم‌کم این احساس در ما برای این که بتوانیم خودمان را از این مرداب یا گرداب نجات دهیم، از بین رفته است. دیگر به این نتیجه رسیدیم که کاری نمی‌توان کرد و باید آن را به دست تقدیر بسپاریم تا یک دستی از غیب برآید و ما را از این مرداب و گرداب نجات دهد و یا خودمان را به نابودی و نیستی کامل واگذار کنیم. اکنون شرایط ایران نزدیک به چنین چیزی است یعنی تقریباً بسیاری از نخبگانی که قبلاً بوده‌اند، یا از بین رفته و یا به نحوی خانه‌نشین و دور شدند و یا بی‌انگیزه شده‌اند. به همین دلیل شاید مردم می‌گویند که دوره اصلاحات و اصول‌گرایی به پایان رسیده است. بنابراین منتظر یک دست غیب هستیم. عملاً در این جامعه افق‌های تغییر و آرمان برای اصلاح امور تقریباً جز کورسویی باقی نمانده است.

#### ■ این باور و روشنفکران و گروه‌های نخبه اجتماعی است؛ شاید عموم مردم به چنین چیزی باور نداشته باشند.

اکنون به طور ناخودآگاه این مسئله در عموم افراد جامعه وجود دارد اما به شکل خودآگاه نیست. به عبارتی شما وقتی احساس می‌کنید که نمی‌توانید در کار مؤثر شوید، برای اینکه از بی تأثیر بودن‌تان در کار رنج نبرید، سر خودتان را گرم می‌کنید یا به عبارتی دست به کارهای دیگری می‌زنید. هدف‌های کور دیگری یا چیزهایی که خودش ضد هدف است را مینا قرار می‌دهید. بعضی از جامعه‌شناسان می‌گویند وقتی که شما احساس می‌کنید که دیگر به هدف‌های بلند نمی‌رسید و در عین حال به‌عنوان موجودی که در این جامعه زندگی می‌کند می‌خواهید هدفی داشته باشید، هدف‌های کاذب برای خودتان می‌تراشید. این هدف‌های کاذب می‌تواند مثل این باشد که وقتی شما در جامعه می‌بینید که میزان ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی افزایش پیدا می‌کند، به این دلیل است که افراد در جامعه هر روز بی‌هدف‌تر می‌شوند و به دنبال یک هدف‌های فرعی برای کار خودشان می‌گردند. دست زدن به انواع و اقسام ناهنجاری‌ها خودش یک هدف است. همان‌طور که می‌بینید میزان فساد در جامعه ما خیلی زیاد شده است. تقریباً خیلی‌ها درگیر آن شده‌اند و فقط در قله‌ها این فساد وجود ندارد. یک جورهایی هر کسی هرطور شده برای خودش آب باریکه فساد و یا سرگرمی‌هایی که هیچ رشدی برای جامعه ندارند، درست کرده است. گاهی اوقات در این فضاهای اجتماعی ملاحظه می‌کنید که چه چیزهایی جریان پیدا می‌کند و چه پیام‌ها و ویدیوهایی مبادله می‌شود. لودگی و مسخرگی رواج دارد. هر روز میلیون‌ها پیام در این شبکه‌ها منتقل می‌شود که اگر کسی محتوای آن‌ها را بررسی کند خواهیم دید که محتوای آن‌ها پوچ و وقت تلف‌کردنی است. محتوای آن‌ها فقط انرژی را مستهلک کردن است. منظور من از ناخودآگاه همین است یعنی آدم‌هایی را می‌بینید که در یک مقیاس فراوانی وقت خود را به بطالت و بیهودگی می‌گذرانند. حال باید همین مسئله را با کشورهای دیگر هم مقایسه کنیم و ببینیم در کشورهای دیگر هم همین مقدار بیهودگی و ویژگی در فضای مجازی‌اش

وقتی زیست اجتماعی ما دچار اختلال شده باشد و آرمان‌ها و اهداف و افق‌هایی برای جامعه متصور نباشیم، طبیعتاً به یک سری موجوداتی که بیشتر در پی کنش‌های فردی هستند تبدیل می‌شویم.

در صورتی که در گذشته (به قول آقای روحانی الجار ثم‌الدار) اولویت با همسایه بود. اما اکنون حیات همسایگی و محلی وجود ندارد. گاهی اوقات در شهرهای بزرگ خانه بغلی از خانه کناری هیچ خبری ندارد. مای محلی هم که نداریم. مای شهری هم که هر روز کم‌رنگ‌تر می‌شود. خیابان‌ها تماماً جای عرصه‌های عمومی را می‌گیرند. خیابان‌هایی که در آن افراد تک‌تک سوار اتومبیل‌های خودشان هستند و از کنار یکدیگر به صورت کاملاً بیگانه عبور می‌کنند و اصلاً با یکدیگر برخورد رو در رویی ندارند. سیاست‌های شهری ما هم به همین سمت میل می‌کند. هر روز خیابان‌ها بزرگ‌تر می‌شوند و پیاده‌روها کم‌فضاتر می‌شوند. سازمان‌های اداری‌مان که صرفاً اسمشان سازمان است و بیشتر مثل مجموعه‌هایی هستند که بالا‌بجار و بالا‌ضطرار دور هم جمع شدند و بر علیه همدیگر مبارزه می‌کنند و می‌جنگند چون ما نظام صنفی، حزبی، گروهی و اجتماعی را مانع شدیم بنابراین چون آدم‌ها احساس حیات اجتماعی نمی‌کنند هر کدام دنبال کنش‌های فردی هستند.

■ **نمودهای این وضعیت را در حوزه اقتصاد به چه صورت می‌بینید؟**  
فسادها نمودی از این وضعیت می‌تواند باشد. اکنون فساد ما حقیقتاً چیست؟ من فکر می‌کنم اقتصاد در این عرصه از همه عرصه‌ها بدتر و خراب‌تر است. یک دولتی وجود دارد که از بالا برای همه در مورد درآمد، هزینه و... تصمیم گرفته است. یعنی همه چیز آن‌ها بر اساس یک اراده از بالا تعیین می‌شود. پول نفت و یا پول زور مالیاتی گرفته می‌شود و نهایتاً در چرخه اقتصاد کشور ریخته می‌شود و هیچ نوع نوآوری و خلاقیتی دیده نمی‌شود و یا در حداقل است. هر جایی هم که یک پویایی و نوآوری ایجاد می‌شود به سرعت غول دولت احساس خطر می‌کند و آن را از بین می‌برد و یا به عبارتی با مداخله کارگزاران خودش از بالا مانع از آن می‌شود. در بسیاری از عرصه‌های اقتصادی ما یک بنگاه بزرگ همه بنگاه‌های دیگر را می‌خورد. آن بنگاه یک دستگاه نظامی است. به عبارتی کسانی که فرمایشی از بالا هستند اقتصاد را نابود می‌کنند. در عرصه‌های کارمندی هم هر کسی دنبال یک آب‌باریکه برای خودش است تا آن را بیشتر کند. همه یک جورایی از سهم یکدیگر می‌خورند و برای تولید، هیچ کاری نمی‌کنند. وضعیت تولید هر روز در کشور ما خراب‌تر می‌شود. ما در حوزه اقتصادی مولد نیستیم و هر روز هم مولد بودنمان کاهش می‌یابد. برعکس فقط از سهم همدیگر می‌خوریم.

■ **ناهنجاری‌های حوزه اقتصادی ناشی از ناامیدی در فضای اجتماعی است؟**

بله. بهتر است که از واژه ناامیدی استفاده نکنیم و همان‌طور که اشاره کردم از زوال زیست اجتماعی استفاده کنیم و قضیه را ریشه‌ای‌تر ببینیم. چون زیست اجتماعی‌مان به حداقل رسیده است و در حال از بین رفتن است، به همان میزان افق‌ها کور می‌شود، امیدی برای اصلاح جامعه نیست و تلاشی هم برای آن صورت نمی‌گیرد و نهایتاً آدم‌ها برای بقای خودشان درگیر یک نوع کنش‌های فردی و ضداجتماعی می‌شوند. گاهی اوقات کنش فردی به این معناست که مثلاً شما کار خود را انجام می‌دهید بدون اینکه به دیگری زبان برسانید اما در جامعه ما این گونه نیست. شما کاری برای خود انجام می‌دهید که در مقابل دیگران است یعنی به عبارتی هر روز برای به دست آوردن سهم بیشتر رقبا را از دور خارج می‌کنید. این رقابت، رقابتی سالم نیست بلکه رقابتی کشنده است. درواقع رقابت ناسالم یک نوع واکنش‌های فردی کشنده و ضداجتماعی است که می‌تواند به تدریج جامعه را دچار خشونت هم بکند. خشونت هم انواع مختلفی دارد. خشونت‌های قانونی یکی از انواع خشونت‌هاست. خشونت‌های دیگری هم وجود دارد که افراد در جامعه نسبت به یکدیگر اعمال می‌کنند. ■

وجود دارد؟ در بحث نخبگان این مسئله شکل دیگری دارد. این مسئله در سطح نخبگان خودآگاه است. آن‌ها هم شاید برای این رنجی که از بی‌هدفی و بی‌آرمانی می‌برند، دچار انفارکتوس و انواع و اقسام بیماری‌ها و یا افسردگی و پریشانی و گوشه‌نشینی می‌شوند.

■ **این مسئله که روشنفکران باید در آرمان‌آفرینی پیشگام باشند بسیار جای بحث دارد اما یک نظر دیگری هم وجود دارد که می‌گویند مردم ناامید نیستند بلکه یک تغییرات اجتماعی در حال رخ دادن است و مردم روال عادی زندگی خودشان را پیگیری می‌کنند.**

ما نباید فکر کنیم که وقتی چنین فضایی به وجود می‌آید همه دست از زندگی شستند و به یک گوشه رفتند و همه چیز را متوقف کردند. این طور نیست. ما هیچ جا چنین چیزی را نمی‌بینیم. به قول «گلندر» ما یاد گرفتیم که در هر شرایطی حداقل خودمان را حفظ کنیم. امروز سر مردم به کار خودشان گرم است. زندگی‌شان را می‌کنند. تفریحشان را می‌کنند. اگر ادعا کنیم که با این حساب ما مشکلی نداریم پس چرا در گزارش‌ها اعلام می‌شود که هفتاد و پنج درصد مردم این گونه نیستند و به‌روزمی‌افتاده‌اند؟ وقتی از امید حرف می‌زنیم منظور یک افق است نه وضعیت روزمره. آن امیدی که منجر به پویایی شود تا فرد به یک کنشگر اجتماعی تبدیل شود و بتواند با دیگران همکاری کند و به سازندگی جامعه کمک کند و با آسیب‌های جامعه مبارزه کند و ناهنجاری‌ها را کنار بگذارد از بین رفته است. جز تلاش‌های اندکی که افرادی در گوشه و کنار برای بهبود جامعه‌شان می‌کنند بقیه افراد درگیر روزمرگی هستند یعنی باری به هر جهت عمل می‌کنند. درواقع این زندگی بالا‌بجار و بالا‌ضطرار است. این شرایطی که اکنون در آن هستیم منجر به پویا شدن جامعه و ایجاد افق‌های بزرگ و آرمان‌های بزرگ و بلند برای جامعه نمی‌شود. بنابراین اگر این‌طور فکر کنیم مشکل خاصی نداریم.

■ **تأثیر عوامل ناامیدی در کنشگری به چه صورت است؟ وقتی ناامیدی در فضای جامعه وجود دارد کنش‌گری از جنس سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به چه سمت و سویی می‌رود؟**

وقتی زیست اجتماعی ما دچار اختلال شده باشد و آرمان‌ها و اهداف و افق‌هایی برای جامعه متصور نباشیم، طبیعتاً به یک سری موجوداتی که بیشتر در پی کنش‌های فردی هستند تبدیل می‌شویم. تصور من این است که امروز ما در کشوری زندگی می‌کنیم که اگر چه می‌گوییم تاریخ و زبان مشترک داریم اما زیست اجتماعی‌مان به حداقل رسیده است یعنی شما در شهرهای بزرگ آدم‌هایی را می‌بینید که کمتر مراعات دیگری را می‌کنند و هر کسی دنبال کار خودش است. حالت تک‌تک ما به این گونه است. یعنی به جای اینکه درگیر کنش‌های اجتماعی باشیم درگیر کنش‌های فردی می‌شویم. هدف‌های ریز و پراکنده و مجزای خودمان را خواهیم داشت و حداکثر در چارچوب حیات خانوادگی و یا حیات دوستی تلاش‌هایی را انجام می‌دهیم اما از این حد بیشتر جلو نمی‌رویم. جامعه‌شناسان «مای» اجتماعی را در چند مرحله می‌بینند. مرحله اول آن این است که من عضو این خانواده هستم. مرحله دوم این است که من عضو یک فامیل بزرگ هستم. در گذشته قوم و طایفه هم مطرح بود. مرحله دیگر این است که من عضو یک محله هستم. عضو یک شهر هستم. عضو یک کشور هستم. اکنون وقتی که این افق‌ها از بین می‌رود یا اهداف کالسته می‌شود و یا حیات اجتماعی از بین می‌رود این ماهای بزرگ‌تر رنگ می‌بازند. ما اکنون شاید هنوز بگوییم مای خانوادگی‌مان جان دارد، اگر چه که با فشارهای زیاد در حال کم‌جان شدن است. می‌توان گفت مای دوستی هم اوضاع خیلی بدی ندارد اما واقعاً امروزه مای محلی وجود ندارد. در همسایگی‌ها مشاهده می‌شود که افراد با یکدیگر بیگانه هستند.

دیگر به این نتیجه رسیدیم که کاری نمی‌توان کرد و باید آن را به دست تقدیر بسپاریم تا یک دستی از غیب برآید و ما را از این مرداب و گرداب نجات دهد و یا خودمان را به نابودی و نیستی کامل واگذار کنیم. اکنون شرایط ایران نزدیک به چنین چیزی است یعنی تقریباً بسیاری از نخبگانی که قبلاً بوده‌اند، یا از بین رفته و یا به نحوی خانه‌نشین و دور شدند و یا بی‌انگیزه شده‌اند.

## [ اقتصاد سیاسی ]

# نامیدی و پایین بودن نرخ تشکیل سرمایه ثابت

پدرام سلطانی از چرایی بروز یأس در جامعه اقتصادی می گوید

چرا باید خواند:

فعالان اقتصادی چرا

و در چه شرایطی

احساس ناامیدی

می کنند؟ پاسخ پدرام

سلطانی، نایب رئیس

سابق اتاق ایران را در

این بخش بخوانید.

وضعیت آینده را می دهند وضع مناسبی ندارند. از جمله شاخصی که وضعیت آینده را به تصویر می کشد، شاخص نرخ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص است که نشان می دهد چقدر سرمایه گذاری در کشور افزایش یا کاهش داشته و می تواند پیش آگاهی باشد که آیا این میزان از سرمایه گذاری می تواند در کشور اشتغال ایجاد کند یا رشد اقتصادی در پی داشته باشد یا به روند توسعه کمک کند، به افزایش حجم واردات و صادرات کمک کند یا نه؟ در تمام این سال ها نرخ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به غیر از یکی دو فصل منفی بوده است. به این معنی که سرمایه گذاران آینده را مثبت قلمداد نکردند و رو به سرمایه گذاری نیاوردند. به غیر از احساسی که ناظر به گذشته است و آن استنباط عمومی که ایرانی ها از حوادث کشور در چند سال گذشته به دست آورده اند تحلیل عمومی آنها نسبت به مدیریت چالش های کنونی منفی است. آنها فکر می کردند که قدرت سیاسی توان حل چالش های روز را ندارد.

## ■ چالش های روز بیشتر از چه جنسی هستند؟

مثلاً چالش بین المللی مثل چالش با آمریکا را حاکمیت نتوانسته پاسخ دهد. این نگاه غیرمبتنی بر روند جهانی شدن و غیر دیپلماتیک و اندازه آمریکا در معادلات جهانی بوده است. این نگاه ادامه همان نگاه انقلابی است که آمریکا را دشمن می پنداشتند. این رویکرد در ابتدای انقلاب طبیعی بود اما وقتی همان انقلابی ها اداره کشور را به عهده گرفتند این نگاه ادامه پیدا کرد. علاوه بر چالش بین المللی با آمریکا و اروپا چالش های دیگری هم در فضای بین المللی رخ می دهد. در کنار این چالش های اجتماعی روز به روز بزرگ تر می شود. این به دلیل عدم تناسب سیاست های دولت با سبک زندگی مردم و کنش اجتماعی آنهاست. این چالش ها روزافزون می شود و خود اینها پیشران افزایش ناامیدی مردم است. زنان مطالباتی در امور بدیهی چون استادیوم رفتن، نوع پوشش، ازدواج، طلاق، اجازه خروج از کشور، حق حضانت و غیره دارند. این چالش های روزافزون در جامعه زنان که مرتب تحصیل کرده تر می شود که فهم بالاتری از حقوق خود دارد و همگرایی بیشتر با همتایان خود در داخل و خارج از کشور دارد؛ این ها سبب می شود که ناامیدی این طیف و این بخش از جمعیت که حدود نصف جمعیت کشور است بیشتر شود.

در حوزه اجتماعی جوانان، اقلیت های دینی و مطالبات قومی چالش جدی با خطوط قرمز دارند و این مسائل در طیف های متعدد اجتماعی وجود دارد که مطالبات آنها روز به روز بیشتر می شود و نارضایتی خود را ابراز می کنند. این ها یکپارچگی کشور را تهدید می کند. حاکمیت نتوانسته اینها را زیر چتر مطالبات ملی جمع کند.

در ابعاد دیگر چالش روزافزون بحران محیط زیستی را داریم.

پایین بودن نرخ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کشور و کوچ خاموش کار آفرین ها دو نکته محوری است که پدرام سلطانی بر اساس آن معتقد است کار آفرین های امروزی ناامید هستند. او در فضای تلخ این روزها دل به تغییر نسلی مدیران کشور بسته که شاید در بچه های امیدبخش به روی کار آفرین ها با تسامح و تساهل بگشایند.

## ■ سند آینده پژوهی ایران ۱۳۹۶ که مرکز بررسی های

استراتژیک ریاست جمهوری منتشر کرده نشان می دهد ۷۵ درصد مردم کشور آمیدی به بهتر شدن آینده ندارند. به نظر شما ریشه این ناامیدی ها در جامعه ایران کجاست؟

مشابه این نظرسنجی و پژوهش را پژوهش های مرکز پژوهش های مجلس و آینده بان هم انجام داده است. همه این پژوهش ها حاکی از این هستند که جمع بزرگی از مردم از اقشار مختلف نسبت به آینده نگران و بدبین هستند. دلایل اصلی این مسئله به راهی برمی گردد که در چند دهه طی کرده ایم. افزونی چالش ها را در این چند دهه داشته ایم و هر چه جلوتر آمده ایم میزان و اثرگذاری چالش بیشتر شده و قدرت سیاسی در حل این چالش ها ناکام بوده است. یا این که با تصمیم های مقطعی سعی کرده از کنار این چالش ها عبور کند یا سعی کرده برای مدت محدودی اندازه آن چالش را تا حدی کنترل کند ولی به علاج آن نپرداخته است. شرایط اقتصادی در ده سال گذشته عموماً به استثنای دوره برجام - روبه بدتر شدن بوده است، به ویژه شاخص هایی که بیشتر سیگنال

## نکته هایی که باید بدانید

- ▶ دولت و سایر ارکان حاکمیتی در اقتصاد کوتاهی کرده اند. در سال های گذشته به نوعی تصمیم ها اجرایی شده که اعتماد عمومی را از حسن نیت دولت سلب کرده است.
- ▶ دولت سرمایه اجتماعی برای انجام کار ندارد و برای همین با محافظه کاری تصمیم می گیرد. اما ده سال قبل سرمایه اجتماعی بالایی داشت. دولت مشکلات زیادی دارد و در هر دو طرف با بدبینی به دولت نگاه می کنند و شاید برنامه درست او را هم قبول ندارند.
- ▶ با تغییر میدان ناشی از تغییر نسل جدید مدیریتی که دانش واقعی دارند و اهل تسامح هستند ممکن است آینده کشور روند خوبی داشته باشد.
- ▶ در تمام این سال ها نرخ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به غیر از یکی دو فصل منفی بوده است. به این معنی که سرمایه گذاران آینده را مثبت قلمداد نکردند و رو به سرمایه گذاری نیاوردند.
- ▶ شرایط اقتصادی در ده سال گذشته عموماً به استثنای دوره برجام - رو به بدتر شدن بوده است، به ویژه شاخص هایی که بیشتر سیگنال وضعیت آینده را می دهند وضع مناسبی ندارند. از جمله شاخصی که وضعیت آینده را به تصویر می کشد، شاخص نرخ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص است.

بزرگ‌ترین مشکل امروز کشور کوچ خاموش به آن سوی آب‌هاست. عده‌ای از فعالان اقتصادی چون آینده را روشن نمی‌بینند فرزندان خود را برای ادامه تحصیل، کار یا کارآفرینی به آن سوی مرزها می‌فرستند. به عبارتی جریان سرمایه‌گذاری و کارآفرینی در ایران در سال‌های آینده کور می‌شود.



ممکن است آینده کشور روند خوبی داشته باشد. قدرت انعطاف در چارچوب ذهنی مدیران فعلی نیست. مدیران جوان با نسل‌های جوان معاشرت کرده‌اند و می‌توانند کارهای بهتری انجام دهند.

■ **فعالان اقتصادی بیشتر خروج دولت از اقتصاد را راهکار اساسی می‌دانند. آیا با خروج دولت از اقتصاد مشکلات برطرف می‌شود؟**

این ناشی از عمل نکردن نه بلکه بد عمل کردن دولت است. مثلاً در دوره خصوصی‌سازی دولت بد عمل کرد و دارایی‌های خود را به دست بخش عمومی غیردولتی داد که از حیث رانت‌جویی، تعامل با بخش خصوصی، بی‌توجهی به مسئولیت ملی و اجتماعی ویران‌تر از دولت است. دولت امروز در اوج تنگدستی است و این دست دادن به بخش خصوصی از سر اضطرار است. دولت و حاکمیت اعتقاد و اعتمادی به بخش خصوصی ندارند و این بخش را خودی نمی‌دانند برای همین آنها سرمایه‌ها را به بخش وابسته رانتي دادند که امروز از دادگاه‌ها سر درآورده‌اند. حرف خصوصی‌سازی در شکل کلی درست است ولی در عمل فاجعه‌ای بزرگ رخ داد که اقتصاد را وضعیت دولتی بدتر کرد.

■ **عده‌ای معتقدند برخی از تصمیم‌های درست دولت در اثر مسائل امنیتی و اجتماعی به حاشیه رانده می‌شود؛ چگونه باید تبعات اجتماعی و امنیتی تصمیم‌های اقتصادی را کم کرد؟**

دولت و سایر ارکان حاکمیتی در اقتصاد کوتاهی کرده‌اند. در سال‌های گذشته به نوعی تصمیم‌ها اجرایی شده که اعتماد عمومی را از حسن نیت دولت سلب کرده است. جامعه بدبین است مثلاً حذف یارانه حامل‌های انرژی به معنای فقیرتر شدن مردم و پولدارتر شدن رانت‌خواران تعبیر شده است یا خصوصی‌سازی و خروج دولت از اقتصاد این معنا را می‌دهد که فقرا فقیرتر می‌شوند. سرمایه اجتماعی به واسطه تصمیم‌های غلط و اجرای بدون استمرار دولت از بین رفته است. دولت به تنگدستی مفرط رسیده و در این شرایط می‌خواهد اصلاح انجام دهد. اما دولت سرمایه اجتماعی برای انجام کار ندارد و برای همین با محافظه‌کاری تصمیم می‌گیرد. اما ده سال قبل سرمایه اجتماعی بالایی داشت. دولت مشکلات زیادی دارد و در هر دو طرف با بدبینی به دولت نگاه می‌کنند و شاید برنامه درست او را هم قبول ندارند. ■

مدیریت محیط زیست و اقلیم کشور به بدترین حالت انجام شده است. منابع آبی و خاکی نابود شده و ما جزو بالاترین کشورها از حیث فرسایش خاک هستیم. پهنه‌های سبز جنگل‌ها به سمت نابودی رفته است. پاکیزگی خاک و محیط زیست مخدوش شده و کشور به زباله‌دانی بزرگ تبدیل شده و این بی‌تفاوتی نسبت به اهمیت محیط زیست است. تمام اینها سبب می‌شود که ما در بحران محیط زیستی به سر ببریم.

■ **مشکلات جدی فعالان اقتصادی چیست؟**

مهم‌ترین مشکل این حوزه پایین بودن جمع جبری نرخ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص کشور است که منفی است. الان میزان سرمایه‌گذاری که در اقتصاد ما انجام می‌شود از میزان استهلاک سرمایه‌گذاری قبلی کمتر است. یعنی این حتی به میزانی نیست که بتواند سطح سرمایه را در همان حدود قبلی نگه بخرد چه برسد به این که بخواهد به میزان سرمایه‌گذاری و حجم سرمایه اضافه کند. اندازه سرمایه‌گذاری در کشور کمتر هم شده است و یک جریان کاهنده اندازه سرمایه‌گذاری در کشور است که به مانند مورانه‌ای پایه‌های عمارت ایران را می‌چود. شاید از بیرون به نظر نرسد ولی از داخل این ستون‌ها آسیب دیده است. عدم سرمایه‌گذاری در اقتصاد خطرناک است. بخش خصوصی بخشی از سرمایه خود را به حوزه سوداگری و دلالتی وارد کرده و بخش دیگری از سرمایه‌ها از کشور خارج شده و این روند تشدید شده است.

از کشورهای همسایه هر جایی که به ایرانی‌ها مجال سرمایه‌گذاری داده است، مردم رفته‌اند. ترکیه، قبرس، گرجستان، امارات را ببینید که ایرانی‌ها چگونه به آن سمت سرازیر شده‌اند و بخش بزرگی از سرمایه ملی را به کشورهای خارجی منتقل کرده‌اند.

بزرگ‌ترین مشکل امروز کشور کوچ خاموش به آن سوی آب‌هاست. عده‌ای از فعالان اقتصادی چون آینده را روشن نمی‌بینند فرزندان خود را برای ادامه تحصیل، کار یا کارآفرینی به آن سوی مرزها می‌فرستند. به عبارتی جریان سرمایه‌گذاری و کارآفرینی در ایران در سال‌های آینده کور می‌شود. نسل‌های بعدی کمتر در اینجا فعال خواهند بود. این خسارت عظیمی به کارآفرینی کشور است. این تجربه و انباشت سرمایه به نسل بزرگ منتقل نمی‌شود و گروه بعدی کارآفرین باید از صفر شروع کند. موقعی که نسل‌های بعدی به آن طرف می‌روند اگر از نسلی به نسل بعدی وارد شوند، نسل جدید کشور مبدأ و سرزمین مادری و زبان و فرهنگ را فراموش می‌کند. این‌ها سرمایه از دست‌رفته کشور هستند.

■ **روند اصلاحی از کجا باید شروع شود؟**

خیلی پاسخ به این سؤال سخت است. من افسوس می‌خورم سوالی که پانزده سال قبل باید توسط حاکمیت پاسخ داده می‌شد مسکوت مانده و چنین نشده است. آن‌ها هنوز تفکر قبلی مثلاً فروپاشی آمریکا یا انزوای اروپا را دارند. ما به جای آینده‌نگری آینده ایران را در قماری گذاشته‌ایم که برد آن مشخص نیست. من طبق پارادایم سیاسی حاکم بر ذهن و طرز تفکر سیاستی‌های امروز می‌گویم که بر اساس این پارادایم آینده‌ای برای کشور نمی‌بینم. باید تغییرات اساسی در رویکرد کلان کشور و مسئولان داده شود. برخی هنوز در نوستالژی چهل سال قبل هستند. دنیا در این چهار دهه خیلی تغییر کرده است. با تغییر میدان ناشی از تغییر نسل جدید مدیریتی که دانش واقعی دارند و اهل تسامح هستند

دولت امروز در اوج تنگدستی است و این دست دادن به بخش خصوصی از سر اضطرار است. دولت و حاکمیت اعتقاد و اعتمادی به بخش خصوصی ندارند و این بخش را خودی نمی‌دانند برای همین آنها سرمایه‌ها را به بخش وابسته رانتي دادند که امروز از دادگاه‌ها سر درآورده‌اند

## [ جامعه‌شناسی اقتصادی ]

## یخ‌بندان انباشت سرمایه در سایه ناامیدی

## نسبت کارآفرینی با یأس اجتماعی چیست؟



علی‌اصغر سعیدی

جامعه‌شناس اقتصادی

## چرا باید خواند:

ناامیدی در جامعه

چه تاثیری بر رفتار

کارآفرین‌ها دارد؟ در

این مقاله سعی شده به

این پرسش پاسخ داده

شود؛ آن را بخوانید.

از خود نشان می‌دهد. این‌ها به سمت خرید و تهیه کالای بادوام و اساسی روی می‌آورند. این‌ها به سمت کالای لوکس کمتر می‌روند. در بسیاری از موارد میزان کالای بادوام بیشتر می‌شود. البته این بستگی به درآمد افراد هم دارد. البته در میان طبقه‌ای هم مصرف کالاهای کم‌دوام بالاتر می‌رود. از طرفی افراد سعی می‌کنند نیاز ضروری خود را برطرف کنند و دست به انبار کالای مصرفی می‌زنند. سیاست‌های دولت اگر به سمت مقررات‌گذاری زاید باشد رانت را به همراه خواهد داشت. فعال اقتصادی در این شرایط تمرکز خود را برای گرفتن رانت خواهد گذاشت. مثلاً در دوره‌ای که در نتیجه سیاست‌های کوتاه‌مدت قیمت ارز بالا بود و بازار سکه متلاطم بود خیلی از مردم و حتی فعالان اقتصادی کمتر شناخته‌شده سعی داشتند از این منبع رانت بهره بگیرند. این نشان می‌دهد که در شرایط بی‌ثباتی رفتارهای اقتصادی مردم جهت‌گیری خاصی دارد. اینجا مقصر اصلی مردم و کارآفرین نیستند، بلکه دولت است که سیاست رانت‌خیز مثل تعدد مقررات، مجوزها و امضاهای طلایی و دادن اطلاعات به گروه‌های خاص را تدوین می‌کند. در شرایط ابهام میزان سرمایه‌گذاری در هر حوزه‌ای حتی کالای مصرفی پایین می‌آید و میزان ریسک افراد برای سرمایه‌گذاری مجدد هم پایین می‌آید.

نمی‌توانیم ناامیدی را به کل جامعه تعمیم دهیم. در بسیاری از موارد جامعه کار خود را به طور معمول انجام می‌دهد اما با مطالعه رفتارهای بلندمدت جامعه با شاخص‌های متعدد می‌بینیم که میزان امیدواری جامعه عدد خوبی را نشان نمی‌دهد. در دوره یأس گسترده اجتماعی نرخ باروری و ازدواج کاهش می‌یابد. جرائم در دوره‌ای که یأس اجتماعی بیشتر است، بیشتر است. میزان مشارکت افراد در انتخابات شاخص خوبی برای سنجش امیدواری یا ناامیدی جامعه است. باید دید کدام شاخص‌ها در این بازه زمانی تغییر می‌کند و چه تغییری دارد. اگر این شاخص‌ها تغییر منفی داشته باشد باید گفت وضعیت یک جامعه انومیک است.

امید و ناامیدی پدیده‌ای ذهنی است که می‌تواند واقعیت داشته باشد ولی قابل تعمیم نیست. مثلاً در دوره جنگ ایران و عراق اگرچه برخی نسبت به جنگ احساس یأس می‌کردند ولی خیلی‌ها امیدوار بودند و امید در مقابل یأس بود. به خاطر همین نمی‌توانیم با یک شاخص درباره سراسر جامعه حرف بزنیم. یأسی که گروه‌های متمول درک می‌کند با یأس طبقات پایین متفاوت است. به طور عموم باید گفت ناامیدی و یأس پدیده‌ای است که جامعه را به سمت رفتارهای غیرطبیعی می‌برد. دورکیم می‌گوید میزان خودکشی که فکر می‌کنیم ناشی از یأس است هم در دوره رونق اقتصادی و رکود اقتصادی به وجود می‌آید. اما می‌توانیم بگوییم بی‌ثباتی و تحولات آنی خودکشی ناشی از ناامیدی را افزایش می‌دهد. اگر احساس ناامیدی طولانی باشد می‌تواند در رفتارها تغییر زیادی نداشته باشد. مثلاً زمانی که نرخ ارز شدید بالا رفت میزان ناامیدی افراد بیشتر شد. امید و ناامیدی در کنار هم تجربه می‌شود. ناامیدی انگاره غالب جامعه نیست. با ورود به جامعه مدرن خیلی از مشکلات به وجود آمده است؛ چیزی که بیشتر از همه باعث ناامیدی می‌شود نابرابری است. ناامیدی از طریق کاهش انسجام و پیوستگی و همبستگی اجتماعی رخ می‌دهد نه از طریق فقر. ناامیدی در نبود چشم‌اندازها رخ می‌دهد. در یأس اجتماعی فرد امکاناتی برای تغییر جایگاه خود ندارد و به صورت رفتارهای ضد ارزش خود را نشان می‌دهد.

جهت‌گیری رفتاری کارآفرین‌ها در دوره ناامیدی متفاوت است. شرایط ناامیدکننده در جایی است که انباشت سرمایه ممکن نیست. در این شرایط احترام به مالکیت خصوصی و حفاظت از سرمایه و احترام به سرمایه ممکن نیست. در شرایطی که کارآفرینی توان تبدیل سرمایه متغیر به ثابت را دارد می‌تواند امیدوار باشد و در نبود این شرایط ناامیدی به وجود می‌آید. در جامعه در هر شرایط چه جنگ و صلح و چه هر نظام سیاسی دموکراتیک و غیردموکراتیک که بر آن حاکم باشد باز هم می‌توانیم درباره امید فرد حرف بزنیم. هر قدر میزان انباشت سرمایه بیشتر باشد کارآفرین امیدوارتر می‌شود. ■

اگرچه یأس و ناامیدی به عنوان یک پدیده اجتماعی در جامعه ایران مطرح نیست؛ اما آن چیزی که باید دقت کرد این است که گروه‌های اجتماعی مثل گروه‌های کاری و کارآفرینی، مصرف‌کننده‌ها، گروه‌های کارگری و تولیدکننده‌ها و گروه‌های سنی مختلفی زنان و مردان یأس متفاوتی را تجربه می‌کنند. به طور کلی در بین سالمندان که دوره پایانی زندگی خود را می‌گذرانند شاید نشانه‌های ناامیدی را بیشتر بتوان شاهد بود و البته تأثیر ناامیدی اجتماعی بر روال کار آنها کمتر است. نوع ناامیدی در جامعه متفاوت است و نمی‌توانیم از یک پدیده یک شکل حرف بزنیم. جوانان مستعد ناامیدی بیشتری در حوزه فردی و جمعی هستند. این در کشورهای توسعه‌یافته که افق‌های پیشرفت و توسعه در آنجا مشخص هست، هم به این شکل می‌تواند باشد. استفاده از انواع مواد مخدر در سن جوانی ناشی از وضعیت یأس در آنهاست. وقتی این وضعیت بدتر می‌شود و افق روشنی در پیش روی جوانان نیست، کنش‌ها بیشتر به سمت مهاجرت است و در جاهایی که چنین امکانی وجود ندارد به سمت مصرف مواد مخدر و محرک یا انزوای اجتماعی روی می‌آورند.

یکی دیگر از گروه‌هایی که یأس و ناامیدی اجتماعی بر روند کار آنها تأثیرگذار است، کارآفرین‌هاست. این‌ها گروه‌هایی هستند که رفتارهای ریسک‌پذیری دارند. هر قدر افق آینده در نظر این طیف تاریک باشد میزان ریسک‌پذیری آنها کاهش می‌یابد. میزان ریسک‌پذیری مثل سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و آنها به سمت ریسک منفی روی می‌آورند. این مسئله اثر مختلفی بر روی مصرف‌کننده دارد.

در مواقع ناامیدی و افق‌های نامعلوم تولیدکننده سرمایه خود را یا از کشور خارج می‌کند، یا سعی می‌کند سرمایه‌گذاری جدیدی انجام ندهد اما مصرف‌کننده هم در این میان رفتار خاصی

## نکته‌هایی که باید بدانید

- ▶ در جامعه در هر شرایط چه جنگ و صلح و چه هر نظام سیاسی دموکراتیک و غیردموکراتیک که بر آن حاکم باشد باز هم می‌توانیم درباره امید فرد حرف بزنیم. هر قدر میزان انباشت سرمایه بیشتر باشد کارآفرین امیدوارتر می‌شود.
- ▶ امید و ناامیدی پدیده‌ای ذهنی است که می‌تواند واقعیت داشته باشد ولی قابل تعمیم نیست.
- ▶ امید و ناامیدی در کنار هم تجربه می‌شود. ناامیدی انگاره غالب جامعه نیست. با ورود به جامعه مدرن خیلی از مشکلات به وجود آمده است؛ چیزی که بیشتر از همه باعث ناامیدی می‌شود نابرابری است.
- ▶ نمی‌توانیم ناامیدی را به کل جامعه تعمیم دهیم. در بسیاری از موارد جامعه کار خود را به طور معمول انجام می‌دهد اما با مطالعه رفتارهای بلندمدت جامعه با شاخص‌های متعدد می‌بینیم که میزان امیدواری جامعه عدد خوبی را نشان نمی‌دهد.

بازیابی امید و امیدآفرینی باید به سوژه امیدوارکننده‌ای در جامعه منجر شود؛ چراکه در شرایط فعلی، جامعه که در موقعیت سقوط آزاد امید و انحطاط امید قرار گرفته، در شرایط بن‌بست و یأس و رکود و انحطاطی است که بارقه‌هایی از امیدآفرینی برای عبور از وضع موجود در تکاپو و کندوکاو مصلحان نقش می‌بندد.

## [ کنشگر سیاسی ]

# مسیر جامعه در تاریک‌خانه یأس

## تأثیر امید بر ساختارهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی



عبدالله مؤمنی

دانش‌آموخته  
رشته جامعه‌شناسی

چرا باید خواند:

اگر می‌خواهید

یک مقاله کوتاه

درباره جامعه ایران

و جامعه‌شناسی

پیسترهای امیدآفرین

و یأس آلود بخوانید

خواندن این مقاله به

شما توصیه می‌شود.

گابریل مارسل (Gabriel Marcel) «امید» را همچون نوعی آمادگی برای استعلا جستن از موقعیت‌هایی می‌داند که آدمی را به تسلیم شدن به نومیدی و سوسه می‌کنند. آدمی همواره چشم به آینده دوخته است و چیزی را می‌جوید که بالفعل نزد او حاضر نیست و با سوزگی امیدوارانه در پی آن است که آن را محقق کند زیرا بشر بی‌آینده، مأیوس و سرخورده است. امید در برابر سرخوردگی و استیصال است و از دل خاکستر استیصال جوانه می‌زند بدین معنی که انسان با تکیه بر وجه وجودی خویش یا با تأمل در نگاه تاریخی می‌تواند آینده‌ای غیر از تداوم وضع موجود و یا قهقرای محاط یافته را متصور شود و راجع به آینده به چشم‌اندازی برسد؛ این امر هم از رویکردهای روان‌شناختی و هم از وجوه جامعه‌شناختی برخوردار است، اما مشخصاً وجه جامعه‌شناختی آن مطرح نظر است.

اکنون جامعه ایران در ناامیدی فرارفته است و گویی با جامعه‌ای روبه‌رویم که افقی برای خود متصور نیست و احساس سرگردانی دارد، گرچه وضعیت موجود قابلیت تداوم ندارد و فشار اقتصادی آستانه تحمل مردم را در نور دیده است امتداد این نگاه یعنی این که جامعه، آینده و گشایشی را در افق پدیدار برای بهبود وضع خود نمی‌بیند. بنابراین شرایط عینی و ذهنی رو به افزایش ناامیدی دارد.

به عبارتی می‌توان گفت بزرگ‌ترین منبع این ناامیدی در ایران امروز احساس ناکامی ناشی از متوقف شدن پروژه اصلاح‌طلبی و تنگی معیشت و فشار به دهک‌های پایین به ویژه پس از تحریم‌های اخیر است. جامعه برای توفیق بر پیشبرد این دو موضوع خود را توانمند نمی‌داند و از این رو احساس انسداد و عدم پیشبرد روندهای اصلاحی بر اذهان نیروها و فعالان سیاسی و اجتماعی چیرگی یافته است؛ به طوری که جامعه در عموم تصمیم‌گیری‌های خود دچار اختلال است و بنابراین چنین جامعه آشفته‌احوالی امکان عبور از گردنه‌های سخت را نخواهد داشت.

اکنون امید به مثابه شاخص مهم که موتور محرکه حیات جمعی است رو به کاهش است و انفعال و انتظار بر جای آن نشسته است به طوری که در وضعیت‌سنجی امید اجتماعی در سال ۹۵ میانگین امید اجتماعی در بین ایرانیان برای ده سال آینده منفی و رو به کاهش است.

امید، پیش‌نیاز شادکامی است. اهتمام داشتن به هدف و تلاش در جهت معنادار ساختن کنش‌های معطوف به هدف روشی است که منجر به ایجاد شادکامی و احساس شادمانی در افراد می‌شود. تجربه زندگی بشر و نگاهی به روند تاریخی زندگی افراد جامعه نشان داده که داشتن امید و امیدواری پارامتر مهمی در ایجاد رضایت افراد از زندگی است؛ به عبارتی دیگر هر میزان که اشخاص گرایش به امید دارند و امیدوار هستند از زندگی خود رضایت داشته‌اند و احساس خوشبختی نسبت به زندگی دارند.

با بررسی روندهای زندگی افراد در جامعه می‌توان به این مهم دست یافت که رهیافت امید به چه شکلی بر کیفیت زندگی و فعالیت‌های اداری و کاری سالم و مساعد در جامعه اثر می‌گذارد و به تبع آن نیز جامعه‌ای باورمند و امیدوار که اجزایش از اشخاص با گرایش مثبت به امید شکل گرفته مثبت‌اندیش و از سطح تحمل‌پذیری و رواداری و بردباری بیشتری نیز برخوردار است و در برابر شرایط ناخوشایند و دشواری‌های پیش روی زندگی مقاومت بیشتری از خود نشان می‌دهد و

با امید برای حل مشکلات در تلاش و تکاپوی جدی است. تعامل و ارتباط فی‌مابین امیدواری و سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی در جامعه نیز امری پراهمیت است؛ از سویی به میزانی که نگرش اشخاص در یک جامعه به زیست مسالمت‌جویانه در جامعه مبتنی بر امید و امیدواری تنظیم شود ما شاهد حضور و فعالیت و مشارکتشان در مسائل و امور جامعه به صورت جدی‌تر خواهیم بود؛ از سویی دیگر شرایط ناستواری سیاسی و فضای ناامن نسبت به زیست اجتماعی و نظام سیاسی فعالیت و مشارکت انفعالی شهروندان را به همراه خواهد داشت.

بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی و سرخوردگی افراد جامعه محصول بی‌اعتمادی و ناامیدی جامعه است و نیز فضای سیاسی، نظام فکری و معرفتی ناامن و نابسامان مولد رفتارهای وندالیستی، سکتاریستی، پرخاش‌گرانه و انزواطلب می‌شود و نظام اجتماعی در معرض فروپاشی قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد فرهنگ و باور «آمنی دنیای آینده» به گفتمان غالب جوامع کنونی تبدیل شده؛ نگرش آینده‌ترسی و هراس از رویارویی با آینده مبهم و ناستوار در عمده جوامع روبه فزونی است و ناامیدی از فردا و آینده کیفیت زیست جوامع را متزلزل ساخته است؛ این که اخبار و تصویرهای هول‌انگیز و هراسناک با پروپاگاندای رسانه‌ای برجسته‌سازی می‌شود و به دنبال تئوریزه کردن ایده جهان ناامن آینده است سبب نهادی شدن فرهنگ ترس شده است.

نتیجه اشاعه آینده‌بیمناک، میرایی اخلاق و معنویت در جوامع شده است و زوال و انحطاط کنشگری معطوف به ارزش‌های بشری است و در این میان اعتماد و امید اجتماعی قربانیان جهان بیمناک و نگران از آینده است.

پایامد ایجاد هراس و ترس از آینده اضمحلال امید در جامعه است که موجب تأثیر منفی بر ساختار اقتصادی و اجتماعی می‌شود.

بدترین وضعیت برای افراد یک جامعه و انسان‌ها قرار گرفتن در حالت خوف و رجا، امید و ناامیدی و سازش و ستیز، دوستی و دشمنی و در یک کلام امید و ناامیدی است؛ و این وضعیت محصول و پایامد مجموعه تفکرات و انگاره‌های نظری است که موجب زوال امید و قدرت و قوت یافتن ناامیدی شده‌اند.

بر اثر اصطکاک مؤلفه‌های فوق صرفاً اشخاصی توانایی حرکت بر مدار مثبت را دارند که از افتادن

## نکته‌هایی که باید بدانید

- ▶ یکی از ابزارهای امیدآفرین مشخص کردن نقطه عزم و ترسیم هدف‌گذاری است؛ ابزارهایی که رسیدن به نقطه هدف را مشخص می‌کنند و اگر متناسب با نقطه هدف باشند، پس از این مرحله است که حرکت برای دستیابی به این اهداف صورت می‌گیرد.
- ▶ برای برخورداری از جامعه‌ای با استانداردهای مطلوب امید به زندگی و امید به آینده کافی است کنشگران جامعه، اراده‌ای معطوف به تغییر در جهت حرکت بر مدار بازآفرینی ارزش‌ها در ساخت عمومی و عرصه اجتماعی و مجال آفرینی برای بروز و پدیداری ارزش‌های ذاتی انسان فراهم کنند.
- ▶ زیست امیدبخش باعث تقویت روندهای زندگی افراد در جامعه و پویایی و اثربخشی و خودارزش‌پنداری و تقویت اعتماد به نفس و عزت نفس خواهد شد، تقویت اشخاص در برابر شرایط سخت و دشواری‌های زندگی کمترین اثربخشی زیست امیدآفرین است.

در دام احساس گرایی و تفکرات قالبی (stereotype) امتناع بورزند. در شرایط امروز که جامعه و دنیای پیرامون پر از منفی نگری و هراس اندیشی است فشارهای سنگین اقتصادی بر دهک‌های پایین و همچنین طبقه متوسط شهری به عنوان نیروی پیشران اصلاحات است که مطالبات دموکراتیک آنها را از گردونه سوزه فعال حول مطالبات جمعی خارج و آنها را امتیزه کرده است که به تعبیر عامیانه باید گلیم خود را از آب بکشند چنین گونه تکاپویی اکنون در جامعه سیطره دارد و سایه ناامنی اقتصادی برای اکثریت جامعه ما امکان امید را در محاق برده است.

اما راهکار خروج از این انفعال از خلال فعالیت جمعی می‌گذارد بدین معنی اینکه جامعه باید سطحی از همیاری و تعاون را در خود بازسازی و در قالب فعالیت‌های کوچک از حیات جمعی خود محافظت کند و گرنه بازتاب آن را باید در فروپاشی اجتماعی و عدم همبستگی دید. به طور مشخص باید فعالیت‌های جمعی کوچکی را در سطح نیروهای هم‌پيوند انجام داد و موفقیت آنها را به مثابه علائم نبض زدن حیات جمعی الگوسازی و تکرار کرد آنگاه است که حس حیات جمعی خود منبعی برای افزایش امید اجتماعی و رشد تصاعدی آن در تارو پود جامعه می‌شود.

بازسازی امید و امیدآفرینی باید منجر به تولد سوزه امیدوار شود و این ضرورت آنگاه احساس می‌شود که در وضعیت انحطاطی به سر می‌بریم همیشه در وضعیت‌های انحطاطی هست که جرقه‌های امید برای عبور از وضع موجود در ذهن و ضمیر مصلحان نقش می‌بسته است به نظر می‌رسد تا خود آگاهی نسبت به انحطاط شکل نگیرد امید نیز فروخته نخواهد شد. اما خود آگاهی به انحطاط اگر با امید به وجود ظرفیت‌های تحقق نیافته در جامعه نباشد نیز امید اجتماعی بر نمی‌تراود. بنابراین باید سطحی از ظرفیت‌های به رسمیت شناخته‌شده و فعال نشده در حیات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی را شناسایی کرد که امید تحقق آنها منجر به انگیزش اجتماعی تحرک را برای عبور از تنگناها می‌شود. از این باید جامعه را رصد کرد و با انکشاف وجوه مستتر در حیات جمعی راهی به راهی جست. چنان که در پیش گفته شد امید اجتماعی به کشف امکان‌ها ارتباط وثیق دارد؛ امکان‌های فرهنگی و تاریخی و اجتماعی و اقتصادی. از این رو هر امکانی در جوهر خود یک راهی و گشایش را درون خود دارد. با این نگاه می‌توان گفت گشایش به فعالسازای امر امکانی توسط سوزه‌هایی فعال مرتبط است و با تجمیع و تکثیر امید امید اجتماعی در بطن سازوکار روابط جمعی به مثابه میل و تقاضای مشترک ظهور خواهد کرد.

ارزشمندترین سرمایه جامعه و یا افراد داشتن امید و امیدواری نسبت به آینده و اعتماد و امید نسبت به آتیه کشور است که با کمال تأسف این سرمایه ارزشمند در جامعه مادر بدترین شرایط قرار گرفته است. به گونه‌ای که مراکز عمده تحقیقاتی و موسسه‌های معتبر نظرسنجی که در خصوص آینده و امید به آن حکایت از نتایج ناخوشایند آن در طی ماه‌ها و سال جاری را دارد که نشان می‌دهد نگرش مردم در خصوص امید به آینده در شرایط بدتری نسبت به سال گذشته و یا سال‌های پیشین قرار دارد و وضعیت مقایسه وضع جامعه در طی سال‌های گذشته نشان از وخامت نسبت به وضعیت حال را می‌رساند که خبر از ناخوشی حال و احوال ایرانیان در خصوص ناامیدی از آینده را می‌رساند. ناامیدی نسبت به آینده و فقدان امید نسبت به بهبود وضعیت جامعه یکی از پارامترهای مهم در جهت به وجود آمدن استرس و فشار روحی و روانی بر جامعه و مردم است. زمانی که مردم در یک جامعه فهم و درکشان از وضعیت کشورشان در آینده؛ قرار گرفتن در شرایط پریسک باشد و اغلب مردم بر این باور باشند که شرایط آینده نیز به سمت بدتر شدن پیش می‌رود و یا تغییری در شرایط بد به سمت شرایط مثبت ایجاد نمی‌شود؛ به نوعی دیگر اوضاع و شرایط جامعه و کشور برای این افراد فرقی نخواهد داشت و طبیعتاً نتیجه چنین فهمی از آتیه جامعه سرخوردگی و رفتن در وادی آینده‌هراسی است که دست کم تسلیم شرایط شدن و خود را عنصری مصلوب‌الاختیار فرض کردن کمترین نتیجه این شرایط است.

با بررسی علت پدیداری ناامیدی در مردم در خصوص آینده عواملی نظیر تورم، بیکاری، فساد اداری و دولتی و گسترش آن، بی‌ثباتی و عدم امنیت روانی جامعه، بحران‌های ارزی، بحران زندگی منجر به جدایی و طلاق، عدم تحقق حقوق شهروندی، نابرابری مناسبات جامعه در حقوق زنان، بحران‌های محیط زیستی و بحران آب و بسیاری دیگر از امور اجتماعی و مسائل اقتصادی به عنوان مبانی به وجود آورنده چالش‌هایی که پیش روی جامعه و مردم در رسیدن به ناامیدی هستند، به وجود آمدن عوامل فوق و گسترش و تشدید این عوامل باعث جلوگیری از تغییر در جهت بهبود شرایط و اوضاع قلمداد شده‌اند؛ مجموعه عوامل فوق بستر ساز شرایطی هستند که زمینه‌های تقویت متغیر ناامیدی در خصوص آینده به شمار می‌رود.

به نظر می‌آید روند شرایط و مناسبات حاکم بر کشور به خصوص از بعد اقتصادی و اجتماعی،

جامعه و مردم را با ناامیدی جدی در خصوص عدم تغییر شرایط به نفع کاستن از مشکلات و دشواری‌های پیش روی جامعه مواجه کرده است؛ بدین شکل که خوف و ترس از آینده نامطمئن و شرایط ناایمن یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های خانواده‌ها و جامعه ایرانی است و از این رو جامعه با بیم جدی و تزلزل و دلواپسی وضعیت آینده کشور را و همچنان شرایط حاکم بر ساختار اقتصادی کشور و امور اجتماعی را دنبال می‌کند و به نظر می‌آید امید و امیدواری از ذهن و فکر اغلب مردم و عموم قشرهای اجتماعی رخت بر بسته و ناامیدی از بهبود شرایط جای آن را گرفته است و از این منظر می‌توان گفت در بین جامعه ایرانی مخصوصاً طبقه متوسط فرهنگی ویا طیف‌ها و حقوق‌بگیران (کارمندان دولتی و به خصوص کارگری) هیچ آمیدی به بهبود اوضاع و شرایط معیشتی و اقتصادی ندارد مگر آن که به صورت عملی شاهد تغییر در سیاست‌گذاری‌های اصولی کشور و اصلاح رویه‌های مخرب اقتصاد و منافع ملی باشند و تعامل گرایی مبتنی بر منافع ملی ایرانیان در مناسبات بین‌المللی جایگزین تنش و تحریم شود؛ طبیعتاً در چنین شرایطی ناامیدی از تغییر شرایط جای خود را به امید خواهد داد و در این صورت در بر پاشنه سابق نخواهد چرخید و ذهنیت و احساس مردم مردم نیز بر مدار ناامیدی نخواهد بود.

زیست امیدبخش باعث تقویت روندهای زندگی افراد در جامعه و پویایی و اثربخشی و خودارزش‌پنداری و تقویت اعتماد به نفس و عزت نفس خواهد شد، تقویت اشخاص در برابر شرایط سخت و دشواری‌های زندگی کمترین اثربخشی زیست امیدآفرین است، احساس امیدواری نیز تنها در جامعه‌ای شکل می‌گیرد که با آرامش و برابری اداره می‌شود.

در چنین شرایطی است که جوامع مطلوب و کامیاب ارزش‌های خود را بر پایه مؤلفه‌هایی همچون فقرستیزی، برابری، عدالت اجتماعی، آزادی‌های اساسی و فردی و اجتماعی و در یک کلام استواری سیاسی و بسامانی اقتصادی تنظیم می‌کنند. دستیابی اشخاص و جوامع به چنین ارزش‌های بشری و انسانی جهان‌شمول و نیز حصول سطحی از ثبات و امنیت روانی در کشور در پرتو امیدآفرینی ناممکن نیست.

برای برخورداری از یک جامعه‌ای با استانداردهای مطلوب امید به زندگی و امید به آینده کافی است کنشگران جامعه، اراده‌ای معطوف به تغییر در جهت حرکت بر مدار بازآفرینی ارزش‌ها در ساحت عمومی و عرصه اجتماعی و مجال آفرینی برای بروز و پدیداری ارزش‌های ذاتی انسان فراهم کنند. امید به آینده و امیدواری به بهبود شرایط و امکانات در بستر چشم‌اندازی مشخص و قابل سنجش که واقع‌گرایانه باشند محقق می‌شود، بنابراین آنچه که امید را به یأس مبدل می‌سازد و منجر به پدید آمدن احساس ناامیدی می‌شود تصورات غیرواقع‌بینانه و به تعبیری رؤیاپردازی در خصوص آینده است که سیطره ناامیدی را حاکم می‌کند. یکی از ابزارهای امیدآفرین مشخص کردن نقطه عزیمت و ترسیم هدف‌گذاری است؛ ابزارهایی که رسیدن به نقطه هدف را مشخص می‌کنند و اگر متناسب با نقطه هدف باشند، پس از این مرحله است که حرکت برای دستیابی به این اهداف صورت می‌گیرد.

در ایران کنونی که جامعه اعتماد به نفس خود را برای تغییر و بهبود اوضاع از دست داده است، بازسازی اعتماد به نفس در شکل جمعی‌اش از معبر کنش جمعی می‌گذارد. بنابراین ساماندهی جمعی حول نیازها و مطالبات و تکاپو برای تحقق آنها هم حرکت جمعی را توانمندتر می‌سازد و هم اعتماد به نفس جمعی را به عنوان مهم‌ترین بستر امید احیا می‌کند. قوام‌یابی جامعه مدنی خود عاملی مهم برای بازتولید اعتماد به نفس جمعی و همچنین امید است به طوری که در پرتو آن می‌توان امیدوار بود که فرصت‌های اجتماعی تبدیل به محمل کنش جمعی شود.

امروزه روز جامعه برای توانمندسازی و قدرت‌گیری خود نیاز به تعمیق همگرایی و مشارکت محوری دارد و امید دارد که بتواند در پرتو سازوکارهایی داوطلبانه به تعمیق فعالیت‌های بسامان در قالب نهادهای مدنی و مردم نهاد به بازسازی امر اجتماعی بپردازد؛ تقویت بنیاد جامعه و شکل‌گیری جامعه قدرتمند معطوف به بازیابی امر اجتماعی است که امکان سیاست و اقتصاد را نیز بهبود می‌بخشد. بازیابی امید و امیدآفرینی باید به سوزه امیدوارکننده‌ای در جامعه منجر شود؛ چرا که در شرایط فعلی جامعه که در موقعیت سقوط آزاد امید و انحطاط امید قرار گرفته، در شرایط بن‌بست و یأس و رکود و انحطاطی است که بارقه‌هایی از امیدآفرینی برای عبور از وضع موجود در تکاپو و کندوکاو مصلحان نقش می‌بندد و این موضوع منجر به بارور شدن فرهنگ مقاومت و پابردی در راستای احیای امید می‌شود و مادام که این خودآگاهی نسبت به شرایط سخت و صعب پیش روی پدیداری امید در بین نخبگان شکل نگیرد امید نیز بر نخواهد آمد. ■

# نگاه

شرایط بد اقتصادی بدهکار بانکی می‌آفریند

## چه کسی شایسته برخورد قضایی است؟

وقتی مبارزه با فساد در اولویت است

مبارزه با فساد در اولویت دولت‌های توسعه‌گراست و یکی از راه‌های مقابله با فساد، برخورد قضایی با متخلفان است. چنین برخوردهایی چه اثری بر جامعه کارآفرینی کشور بر جای می‌گذارد؟ آیا همه شایسته برخورد قضایی‌اند؟



قوه قضاییه

داوگاه انقلاب اسلامی استان تهران



# نگه داشتن زغال داغ در مشت بسته

## برخورد قضایی چه اثری بر جامعه کارآفرینان دارد؟

### زینب کوهیار

دبیر بخش نگاه

### چرا باید خواند:

مبارزه با فساد خواسته

بخش خصوصی هم

هست، اما هر فعال

بخش خصوصی،

شایسته برخورد

قضایی نیست، چرا؟

پهلوی مبارزه با گران‌فروشی را امر کرد و روزنامه‌ها تیتیر زدند: «گر تا یک ماه دیگر اقدامات دولت و مردم رضایت‌بخش نباشد، گران‌فروشان به دادگاه‌های نظامی سپرده می‌شوند». پس از این بسیاری از مدیران دولتی و فعالان اقتصادی از جمله ثابت پاسال و حبیب‌الله القانین دستگیر شدند و کارت بازرگانی آن‌ها باطل شد. شاه در یک دوره در اعتراض به گران‌فروشی همه هیئت‌رئیس‌اتاق اصناف را برکنار کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم بسیاری از پرونده‌های تخلف اقتصادی نام یک فعال خصوصی را یدک می‌کشید.

در سال ۱۳۷۱، یک اختلاس بانکی به مبلغ ۱۲۳ میلیارد تومان خبرساز شد. فاضل خداداد، و مرتضی رفیق‌دوست، برادر یکی از مسئولان متهمان این پرونده بودند. فاضل خداداد پس از محاکمه به عنوان متهم ردیف اول اعدام شد و مرتضی رفیق‌دوست به حبس ابد محکوم اما پس از هشت سال و نیم از زندان آزاد شد.

ده سال بعد، فردی به نام شهرام جزایری با اتهام جعل، رشوه و فساد مالی دستگیر شد. علی‌مژده، نماینده مدعی‌العموم در دادگاه اتهام‌های شهرام جزایری را ایجاد و تأسیس نزدیک به ۵۰ شرکت مختلف بازرگانی، کسب اعتبار موهوم از طریق مانورهای متقلبانه، برداشت ۲۸ میلیارد و ۱۰ میلیون ریال به دفعات مختلف و پرداخت آن به اشخاص به عنوان رشوه و جعل اسناد اعلام کرد. تبانی در معاملات دولتی، اغوای مسئولان بانک‌ها، تسهیل و دریافت ارز، به کار نگرفتن تسهیلات در صادرات و واردات و ایجاد رکود در صادرات و واردات، تهیه پیمان‌نامه‌های غیرقانونی و اخذ مقادیر قابل توجهی از این راه در کیفرخواست نماینده مدعی‌العموم مطرح شد. در نهایت شهرام جزایری با اتهام ارتشا، صادرات غیرقانونی، جعل اسناد دولتی و اختلاس‌های کلان روبه‌رو شد و بیش از ۵۰ نفر به عنوان شرکای جرم او در دادگاه حاضر شدند. در حکم اولیه جزایری به ۲۷ سال زندان محکوم شد اما به این حکم اعتراض کرد. سرانجام دادگاه جزایری را به یازده سال حبس تعزیری، رد مبلغ ۴۸ میلیون و ۶۰۰ هزار و ۱۸۵ دلار آمریکا به بانک ملی ایران و صندوق ضمانت صادرات، پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر مبلغ فوق‌الذکر به صندوق دولت جمهوری اسلامی و محرومیت از فعالیت‌های بازرگانی و اخذ هرگونه تسهیلات بانکی اعم از ریالی و ارزی به مدت ده سال محکوم کرد.

در سال ۱۳۹۰، اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی به عنوان بزرگ‌ترین اختلاس انجام‌شده در تاریخ اقتصادی ایران خبرساز شد. مه‌آفرید امیرخسروی، فعال اقتصادی، محمودرضا خاوری، رئیس وقت بانک ملی و محمد جهرمی وزیر کار دولت نهم از متهمان پرونده بودند. مه‌آفرید امیرخسروی یا امیرمنصور آریا سرانجام اعدام شد. او متهم اصلی اختلاس سه هزار میلیارد تومانی بود. استفاده از تسهیلات ۴۰۰ میلیارد تومانی بانک ملی و ارائه این تسهیلات بدون وجود هیچ سند و وثیقه‌گذاری از دیگر اتهامات مه‌آفرید به شمار می‌رفت. محمودرضا خاوری رئیس وقت بانک ملی هرگز در جریان دادرسی به این پرونده مورد مواخذه قرار نگرفت. او پیش‌تر از کشور به کانادا گریخته بود و تلاش‌ها برای بازگشت او نتیجه‌ای نداشت. محمد جهرمی هم پس از افشای اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی در اوایل

در سال ۱۹۶۳، درآمد یک شهروند معمولی در کره جنوبی و کنیا با هم برابر و تنها چند صد دلار در سال بود. بیشتر مردم در هردوی این کشورها کشاورزی می‌کردند و درآمد آن‌ها به زحمت برای یک زندگی بخور و نمیر کافی بود. پیش‌بینی اینکه هر کدام از آن‌ها در پایان قرن بیستم تا چه اندازه ثروتمند است کار بسیار دشواری بود. پس از چند دهه، کره جنوبی به یکی از کشورهای توسعه‌یافته جهان تبدیل شد. کره‌ای‌ها منسوجات، آهن و فولاد تولید کردند. آن‌ها به یکی از مهم‌ترین تولیدکنندگان کالای الکترونیک در سراسر جهان تبدیل شدند. شهروندان کره‌ای از سطح رفاه بالایی در زندگی برخوردارند. آن‌ها زمانی مستعمره ژاپن بودند اما اکنون مثل ژاپنی‌ها زندگی می‌کنند و سطح رفاه بسیاری‌شان هم با شهروندان اروپایی برابر است.

اما زندگی مردم در سال ۲۰۰۸ در کنیا تفاوت چندانی با زندگی آن‌ها در سال ۱۹۶۳ نداشت. چرا؟ «تبهکاران اقتصادی، فساد، خشونت و فقر ملت‌ها» حاصل ده سال پژوهش‌های استاد اقتصاد دانشگاه برکلی کالیفرنیا، ادوارد میگل است. کتاب میگل تلاشی برای پاسخ به این سؤال است که چرا بعضی کشورها گام‌های بلندی برای توسعه اقتصادی برداشته و موفق شدند، و بعضی دیگر در جا زده‌اند بدون اینکه در نقطه شروع تفاوت چندانی با یکدیگر داشته باشند. میگل پس از یک دهه پژوهش به این نتیجه رسید که فساد یکی از دلایل عمده عدم موفقیت کشورهایی مثل کنیا، بنگلادش، پاکستان و کشورهای آمریکای مرکزی و آفریقا است و مبارزه با آن از دلایل عمده توسعه اقتصادی کشورهایی مثل مالزی، سنگاپور و تایلند به شمار می‌رود. این واقعیت که فساد می‌تواند یک کشور را در مقایسه با دیگران صدها سال عقب نگاه دارد، یک مسئله ثابت‌شده است، به همین دلیل مبارزه با آن در اولویت بسیاری از دولت‌های توسعه‌گرا قرار گرفته است، با این حال در بین کشورهای در حال توسعه کمتر نمونه موفق از این منظر وجود دارد. سازمان بین‌المللی شفافیت سالانه رتبه‌بندی کشورها براساس شاخص ادراک فساد را منتشر می‌کند و آنچه در شاخص ادراک فساد اهمیت دارد، وضعیت بخش دولتی از این منظر است. درواقع سازمان شفافیت بین‌الملل، با استفاده از شاخص ادراک فساد، کشورها را برحسب میزان فساد موجود در میان مقامات دولتی و سیاستمداران رتبه‌بندی می‌کند. ایران براساس آخرین رتبه‌بندی در جایگاه ۱۳۸ جهان از بین ۱۸۰ کشور ایستاده است و امتیاز ایران در این شاخص ۲۸ است در حالی که عاری‌ترین کشور جهان از فساد در بخش دولتی یعنی دانمارک، ۸۸ نمره در این شاخص کسب کرده است. هرچند جهان رتبه کشورها از نظر فساد را با وضعیت بخش دولتی می‌سنجد اما در ایران پرونده‌های فساد به طور معمول با نام یک فعال اقتصادی خارج از بدنه دولت‌ها گره خورده یا دست‌کم با نام یک فرد غیردولتی مطرح می‌شود.

### پرونده‌هایی که نام فعال اقتصادی را یدک می‌کشد

تاجری را که قند احتکار کرده بود وسط میدان شهر فلک کردند؛ کاسبی را که گران می‌فروخت گرفتند و گوش مالیدند... حتی بعد از مدرن‌سازی اقتصاد ایران باز هم اخباری از برخورد با گران‌فروشان، محتکران و کارخانه‌داران به گوش می‌رسید. در تیرماه سال ۵۴ بود که محمدرضا

بخشنامه‌های  
متعددی که در  
سال گذشته به  
دلیل بحران ارزی  
به طور شتاب‌زده  
صادر شد و در  
تضاد با یکدیگر  
قرار داشت، از  
منظر فعالان  
اقتصادی یکی از  
دلایل زمینه‌ساز  
برای فرصت‌طلبان  
و سودجویان بود

بررسی جرائم و مفاسد اقتصادی رویه‌ای همیشگی است اما با انتشار هر چه بیشتر اخبار برخوردهای قضایی با خاطیان اقتصادی این گمان تقویت می‌شود که چنین برخوردهایی به التهاب بیشتر در فضای کارآفرینی بینجامد. آیا مبارزه با فساد زمینه‌ساز محدودیت بخش خصوصی است؟

فساد یکی از دلایل عمده عدم موفقیت کشورهای مثل کنیا، بنگلادش، پاکستان و کشورهای آمریکای مرکزی و آفریقا است و مبارزه با آن از دلایل عمده توسعه اقتصادی کشورهای مثل مالزی، سنگاپور و تایلند به شمار می‌رود

مورد توجه قرار بگیرد. در حوزه‌های سیاسی وجود دسته‌ها و گروه‌هایی که می‌توانند عامل فشار باشند منجر به ایجاد رانت می‌شود که باید با آن مبارزه شود. در حوزه تقنینی، تصویب قوانینی که می‌تواند رانت ایجاد کند یا قوانینی که اکثریت صاحب‌نظران مخالف آن هستند و قابل اجرا نیست، یکی از مصادیق فساد است. در شرایط اقتصادی که بیشتر توجه ما به این قسمت است، وجود مقررات و قوانین، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های مختلف و متضادی که صادر می‌شود، از مصادیق اصلی فساد محسوب می‌شود. در کنار آن عوامل دیگر اقتصادی نیز مانند تورم، نقدینگی، سیستم بانکی، دولت فربه و بزرگ می‌تواند سرمنشأ فساد باشد. اگر مشکلات در این بخش ریشه‌کن نشود، بخش خصوصی هم گرفتار این معضل می‌شود. خوانساری گفت: «شاید در اذهان عمومی چنین باشد که بخش خصوصی در این فساد قرار دارد. اما من فکر می‌کنم که بخش خصوصی اولین ارگانی است که قربانی فساد می‌شود. به همین دلیل ما در اتاق بازرگانی تلاش داریم تا آنجا که می‌توانیم، در این زمینه تعامل کنیم و با اصلاح و بهبود سیستم‌های اداری بتوانیم مبارزه با فساد را به حداقل ممکن برسانیم.»

بخشنامه‌های متعددی که در سال گذشته به دلیل بحران ارزی به طور شتاب‌زده صادر شد و در تضاد با یکدیگر قرار داشت، از منظر فعالان اقتصادی یکی از دلایل زمینه‌ساز برای فرصت‌طلبان و سودجویان بود. بخش خصوصی و کارمندان دولتی به دلیل صدور این بخشنامه‌ها دچار مشکل شدند و حتی بعضی بازرگانان کار را متوقف کردند. پس از این دستگاه‌های نظارتی برای مقابله با سودجویان وارد شدند در حالی که اگر این بخشنامه‌های شتاب‌زده صادر نمی‌شد، عرصای برای جولان سودجویان فراهم نمی‌شد. انحصارهایی که در اقتصاد تولید رانت کرده، واگذاری‌های نادرست شرکت‌های دولتی بر مبنای اصل ۴۴ و هجمه نقدینگی به دلیل بی‌توجهی به مسائلی مثل رشد قاچ‌گونه مؤسسات مالی و اعتباری غیرقانونی، از دیگر عوامل فسادزایی است که رئیس اتاق بازرگانی تهران به آن اشاره کرده است.

غلامحسین شافعی رئیس اتاق بازرگانی ایران هم از این گفت که بعضی تصمیمات گرفته‌شده، به جذابیت و به صرفه بودن فعالیت‌های مفسده‌برانگیز اقتصادی کمک کرده است و به علت منافع زیاد، ریسک بالای فساد پذیرفته می‌شود. این در حالی است که برای مبارزه با فساد باید زمینه‌های شکل‌گیری آن را از بین برد. شافعی گفت: «می‌توانیم در جایی

مهرماه سال ۱۳۹۰، از ریاست بانک صادرات برکنار شد.

بابک زنجانی، از دیگر نام‌های گره‌خورده به پرونده‌های فساد اقتصادی است. زنجانی همچنان زنده و در زندان است. اما او چه کرده بود؟ زنجانی مالک ۶۴ شرکت داخلی و خارجی است و بیش از ۱۷ هزار کارمند به استخدام شرکت‌های او درآمده بودند. اتهام زنجانی فساد مالی بود. وزیر نفت اعلام کرد که زنجانی بیش از دو میلیارد دلار بدهی دارد در حالی که او خود را یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون یورو به وزارت نفت بدهکار می‌داند.

بابک زنجانی از دی‌ماه سال ۹۲ دستگیر شده است، به گفته سخنگوی قوه قضاییه، پرونده بابک زنجانی ۲۰۹ جلد دارد که هر جلد حداقل ۲۰۰ صفحه است. فساد فی‌الارض، کلاهبرداری از شرکت ملی نفت، جعل ۲۴ فقره سند بانکی، پولشویی و نشر اکاذیب از دیگر اتهامات بابک زنجانی است. همچنین نام او در ماجراهایی مثل انتقال طلا از ایران به ترکیه، تحریم‌های اتحادیه اروپا و ... شنیده شده است. در اواخر سال ۹۵ حکم اعدام بابک زنجانی به طور کامل ابلاغ شد. این حکم هنوز اجرایی نشده است.

حمید باقری درمنی، موسوم به سلطان قیر در سال گذشته به دار مجازات آویخته شد. بانک ملی، بانک گردشگری، شرکت پالایش نفت جی، شرکت سهامی بیمه ایران، شرکت واسپاری سپهر صادرات وابسته به بانک صادرات، شرکت خدمات ارزی و صرافی اقتصاد نوین وابسته به بانک اقتصاد نوین، و شرکت سرمایه‌گذاری سازمان مجد وابسته به تعاونی اعتبار ثامن شاکیان درمنی بودند. پیش‌تر نام او در بین اسامی بدهکاران بزرگ بانکی شنیده شده بود. در سال ۸۶ سداد مبارزه با قاچاق کالا و ارز در اطلاعیه‌ای از دستگیری یک قاچاقچی به نام حمید باقری درمنی خبر داده بود. در این اطلاعیه درمنی بدهکار ۲ هزار میلیارد تومانی بانکی معرفی شده بود و شخصی که ۶۰ میلیارد تومان برای ساخت سوله در گرمسار وام گرفته اما از این سوله به عنوان انبار اجناس قاچاق استفاده کرده است.

وحید مظلومین، سلطان دیگری بود که به جرم اخلاص در نظام اقتصادی کشور و به عنوان مفسد فی‌الارض به دار مجازات آویخته شد. وحید مظلومین به عنوان عامل اصلی در بی‌تعدالی بازار سکه معرفی شد. وحید مظلومین معادل دو تن سکه را از دلال‌های زیرمجموعه خود از سطح بازار خریده بود. مسئولان قضایی کشور معتقد بودند مظلومین با جمع‌آوری گسترده سکه از بازار به گرانی آن دامن زده است. گردش مالی خرید و فروش مظلومین به ۱۴ هزار میلیارد تومان می‌رسید.

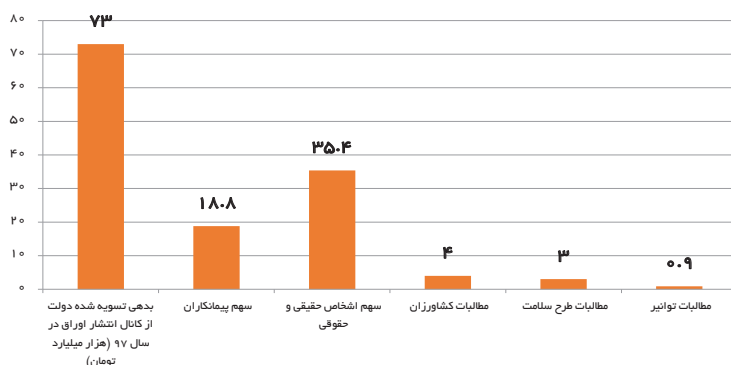
#### پارلمان بخش خصوصی چه می‌گوید؟

بررسی جرائم و مفاسد اقتصادی رویه‌ای همیشگی است اما با انتشار هر چه بیشتر اخبار برخوردهای قضایی با خاطیان اقتصادی این گمان تقویت می‌شود که چنین برخوردهایی به التهاب بیشتر در فضای کارآفرینی بینجامد. آیا مبارزه با فساد زمینه‌ساز محدودیت بخش خصوصی است؟ آیا بخش خصوصی مخالف برخورد با خاطی اقتصادی است؟ نظرات روسای پارلمان‌های بخش خصوصی و فعالان اقتصادی شناسنامه‌دار که در شکل‌های صنفی فعالیت می‌کنند، حقوق‌دانانی که حوزه اقتصاد و تجارت را بررسی کرده‌اند، گویای رویکردهای آسیب‌شناسانه در این زمینه است. سؤال بزرگ این است که چرا زمینه‌های فساد از بین نمی‌رود و با تصمیمات ناگهانی به فساد دامن می‌زنیم؟

مسعود خوانساری رئیس اتاق بازرگانی تهران در چهارمین همایش مبارزه با فساد که سال گذشته در اتاق بازرگانی تهران برگزار شد از این گفت که بخش خصوصی توسعه‌گرا گریزی از کمک به دولت برای مقابله با فساد ندارد. به گفته رئیس اتاق تهران «در بخش حاکمیت باید مقوله مبارزه با فساد چه در بحث سیاسی و تقنینی و چه در بحث اقتصادی بیشتر

تسویه بدهی‌های دولت از کانال اوراق در سال ۹۷

دولت تلاش کرد با تهاورد بدهی از طریق استاد تسویه خزانه اوضاع را برای طلبکارانش بهتر کند. کل بدهی تسویه شده از این راه در سال گذشته ۷۳ هزار میلیارد تومان بوده و سهم پیمانکاران در این بین ۱۸/۸ هزار میلیارد تومان است.



حقوقی و مالی واحدهای تولیدی در جهت تسهیل امور و رونق فعالیت‌ها به خصوص رفع دغدغه‌های حقوقی واحدهای تولیدی امضا کرد. ایجاد زمینه صلح و سازش میان طلبکاران و بدهکاران واحدهای تولیدی و صنعتی با اشخاص حقیقی و حقوقی از طریق فراهم کردن بستر گفت‌وگو و میانجیگری، جلوگیری از احضار و استنطاق مدیران واحدهای صنعتی و تولیدی که موجبات عدم تمرکز آن‌ها بر امور مدیریتی را ایجاد می‌کند و همچنین احتراز از توقیف اموال و ماشین‌آلات و ادوات واحدهای صنعتی و تولیدی در روند عادی رسیدگی قضایی بنا به خواسته خواهان که موجب توقف فعالیت و تولید می‌شود، از اهداف این تفاهم‌نامه است.

### چرخه معیوب

جدای از عوامل زمینه‌ساز فساد مثل عدم شفافیت یا قوانین متعدد، شرایط نامطلوب اقتصادی زمینه شکل‌گیری چرخه‌های معیوب مالی در کشور را فراهم کرده است. به گفته معاون وزیر اقتصاد و دارایی دولت ۱۰۷ هزار میلیارد تومان به بانک‌های دولتی بدهی دارد. عباس معمارنژاد در این باره گفت: «پیشنهادهای را در ستاد اقتصادی دولت مطرح کردیم تا بتوانیم از ظرفیت‌های بودجه ۹۸ استفاده کنیم و از طریق تبدیل بدهی به اوراق بخشی از اوراق را به بانک‌ها بپراخت کنیم. تا پایان سال ۹۶ که عملیات حسابرسی انجام شده نشان می‌دهد بدهی دولت به بانک‌ها حدود ۱۰۷ هزار میلیارد است؛ دولت به بانک‌های خصوصی بدهی ندارد. اصلاح نرخ کارمزد خدمات بانکی با افزایش سرمایه بانک‌ها از دیگر راهکارهای پیش‌بینی شده در طرح وزارت اقتصاد است.» به گفته مسئولان دولتی بانک‌ها با ناترازی در بخش درآمد-هزینه و جریان وجه-نقد روبه‌رو شده‌اند بنابراین دولت از طریق راهکارهایی مثل پرداخت بدهی خود به آن‌ها یا فروش اموال مازاد بانک‌ها به دنبال رفع این مشکل است. به گفته معمارنژاد «برای امسال پیش‌بینی شده که ۶۰ هزار میلیارد تومان اموال بانک‌ها به فروش برسد که تا به این لحظه ۱۴ هزار میلیارد تومان از اموال بانک‌ها فروخته شده است. طبق برآوردها ۱۰ هزار شعبه بانکی در سطح کشور به صورت مازاد وجود دارد که باید به‌زودی هزار شعبه از این تعداد کاسته شود. در صورت کم کردن تعداد شعب بانک‌ها، ۸۰ هزار میلیارد تومان دارایی آزاد می‌شود.» بدهی دولت به بانک‌ها و ناترازی در صورت‌های مالی آن‌ها بخشی از این چرخه نامطلوب گردش پول است. طرف دیگر ماجرای بدهی و مطالبات معوق پیمانکاران هستند که برای دریافت و پرداخت آن با دو بازیگر دیگر این چرخه درگیرند. پیمانکارانی که برای دولت کار کرده اما دولت پول آن‌ها را پرداخت نمی‌کند و در سوی دیگر بانک‌هایی که تسهیلاتی به پیمانکاران پرداخت کرده‌اند و در موعد سررسید به دنبال مطالبات خود هستند.

### رنگ زرد بانک ها

با توجه به ناترازی صورت‌های مالی، بانک‌ها به وصول مطالبات غیرجاری خود را دنبال می‌کنند که مطالبات سررسید گذشته، معوقه و مشکوک الوصول را شامل می‌شود. کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی در سال گذشته گزارشی از وضعیت معوقات بانکی ارائه کرد. براساس این گزارش میزان معوقات بانکی به ۱۳۶ هزار میلیارد تومان رسیده است. در این گزارش آمده است از مجموع مبلغ ۷۸۱۸ هزار میلیارد ریال تسهیلات اعطایی بانک‌ها، مبلغ ۱,۳۶۰ هزار میلیارد ریال آن تبدیل به مطالبات غیرجاری (سررسید گذشته، معوقه و مشکوک الوصول) شده است. بر پایه آمار منتشره از سوی بانک مرکزی از مجموع مطالبات غیرجاری ۱۳۰ هزار میلیارد ریالی بانک ملی در سال ۹۳، بالغ بر ۳۰ هزار میلیارد ریال تنها مربوط به گروه امیرمنصور آریا و ۵۰ هزار میلیارد ریال

شکاف رانتی بسیار بالایی ایجاد کنیم و بعد بگوییم فساد نباید به وجود آید در حالی که اگر زمینه‌ها را از بین ببریم حتماً مبارزه ریشه‌ای و اساسی با فساد انجام داده‌ایم که در این بین بخش خصوصی رسالت بزرگی بر دوش دارد و باید پیش‌تاز باشد. اولویت نخست در مبارزه با فساد، حکم‌فرما شدن آیین حرفه‌ای اخلاق در کسب و کار است. هم‌اکنون ثروت‌آفرینی در کشور بر واسطه‌گری، دلالتی و کارهای غیرمولد که پایه اشتباهی دارند استوارند و اگر به این آسیب توجه نکنیم هیچ‌وقت نخواهیم توانست کارهای مولد را به پیش ببریم.»

انحصار و امتیازدهی یکی از اصلی‌ترین عوامل فسادزاست که از سوی دولت شناسایی شده است. بازاری پررونق است در آن نه خبری از امتیاز اضافی به کسی است و نه مانعی اضافی برای کس دیگر. لایحه جنیدی، معاون حقوقی رئیس‌جمهور در توضیح دلایل و زمینه‌های بروز فساد به این نکته اشاره کرد که حتی قانونی که به سوبسید مجوز می‌دهد محل اشکال است چه برسد به اینکه گروهی به طور غیرقانونی از طریق رشوه و فساد در موقعیتی بهتر قرار می‌گیرند. سازمان تجارت جهانی همه سوبسیدها را خلاف تجارت آزاد می‌داند.

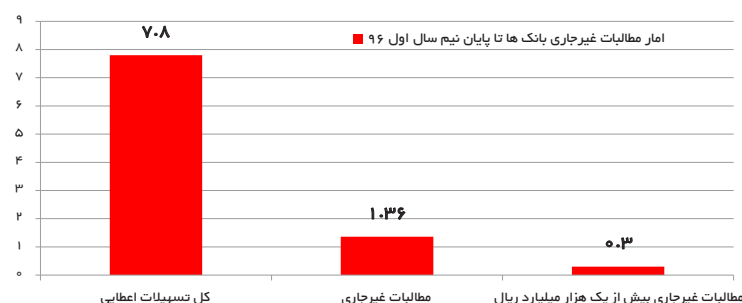
لایحه جنیدی گفت: «فساد حتماً در بخش خصوصی هم وجود دارد. خوشحالم که بخش خصوصی ۴ سال است که دواطلبانه دنبال ریشه‌کن کردن این مسئله در درون خود است. تمام مقرراتی که در شرکت‌ها وضع می‌شود، تلاشی است برای رسیدن به این مقصود. در عین حال می‌دانیم که فساد از فراهم نشدن این فضا توسط دولت و از درون ساختار دولت است. در واقع این دولت است که فضا و مجوزها و محیط حقوقی و اقتصادی را به وجود می‌آورد. بنابراین خطاها در درجه اول در حوزه فساد می‌تواند منسوب به دولت باشد. پس دولت باید اقداماتی را انجام دهد. برای این منظور قدم‌هایی برداشته شده است که با مشورت بخش خصوصی این قدم‌ها می‌تواند به کمال برسد.»

تدوین و اجرای قانون سلامت اداری و مقابله با فساد، اجرای قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، اصلاح اجرای قانون مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، «تدوین لایحه شفافیت»، «راهاندازی سامانه حقوق و دستمزدها» و «انتشار لیست دریافت‌کنندگان ارز دولتی» از جمله اقداماتی است که دولت برای مقابله با فساد و شفافیت بیشتر دنبال کرده است.

همچنین وزیر صنعت، معدن و تجارت در ماه گذشته با قوه قضاییه تفاهم‌نامه‌ای برای راهاندازی شورای حل اختلاف ویژه برای رفع اختلافات

### آمار مطالبات غیرجاری بانک‌ها تا پایان نیم سال اول ۹۶

از مجموع ۷/۸۱۸ هزار میلیارد ریال تسهیلات اعطایی بانک‌ها، مبلغ ۱/۳۶۰ هزار میلیارد ریال آن تبدیل به مطالبات غیرجاری بانک‌ها یا مطالبات سررسید گذشته، معوقه و مشکوک الوصول شده است. ۲۱۲ هزار میلیارد تومان از این مطالبات مربوط به بدهکاران زیر ۱۰ میلیارد ریال، ۳۵۸ هزار میلیارد ریال مربوط به بدهکاران ۱۰ تا ۱۰۰ میلیارد ریال و ۴۸۵ هزار میلیارد ریال مربوط به بدهکاران ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیارد ریالی است. ۳۰۴ هزار میلیارد ریال از این مطالبات مربوط به مطالبات بیش از یک هزار میلیارد ریال است.



خود نیاز داشته باشد، ناچار است اوراق را با نرخ پایین‌تر و زودتر از موعد در بازار بفروشد. این یعنی تحمیل هزینه به پیمانکاران و تشدید مشکلات اقتصادی آنان. شرکت‌های راه‌سازی، ساختمان‌سازی و دیگر پیمانکاران پروژه‌های عمرانی دولت یعنی طلبکاران دولت، نمی‌توانند به راحتی اسناد خزانه سال‌های را در فرابورس نقد کنند در حالی که باید هزینه‌های خود را نقد پرداخت کنند. از سوی دیگر با توجه به تورم بالای ۲۰ درصد، پولی که پیمانکاران در زمان سررسید اوراق دریافت می‌کنند، ارزش اولیه را ندارد. همین مسئله به نارضایتی شرکت‌های پیمانکاری دامن زده است، و آن‌ها را برای تأمین سرمایه در گردش بیش از همیشه به سمت بانک‌ها سوق می‌دهد، بانک‌هایی که پیشتر از این پیمانکاران مطالبات معوق دارند.

با وجود این مشکلات آخرین گزارش اعلامی سازمان برنامه و بودجه از وضعیت تسویه بدهی‌های دولت از کانال انتشار اوراق در سال گذشته، نشان می‌دهد که حدود ۷۳ هزار میلیارد تومان از بدهی‌ها در این رابطه تسویه شده است و سهم پیمانکاران در این بین ۱۸ هزار و ۸۲۰ میلیارد تومان بوده است. ۳۵ هزار و ۴۴۴ میلیارد تومان برای تسویه و تهاجر اشخاص حقیقی و حقوقی، ۴۲۰۴ میلیارد تومان بابت مطالبات کشاورزان و صندوق بیمه محصولات کشاورزی، ۳۰۰۰ میلیارد تومان مطالبات طرح سلامت، ۳۰۰۰ میلیارد تومان برای فروش اوراق در بازار بورس و تأمین نقدینگی، ۹۳۶ میلیارد تومان پرداخت مطالبات توابع برای خرید تضمینی برق، ۳۰۰۰ میلیارد تومان برای فروش اوراق در بازار بورس و تأمین نقدینگی و همچنین ۸۴۷۳ میلیارد تومان برای بخش‌های متفرقه، اسناد و اوراق مالی منتشر شده تا تسویه بدهی دولت انجام شود.

پروژه‌های عمرانی از اولین قربانیان کسری بودجه دولت‌ها به شمار می‌روند. محدود شدن درآمدهای نفتی، فشار تحریم و کاهش صادرات و تولید زمینه بروز رکود را در کشور ایجاد کرده و هزینه‌های سنگین روی دست دولت خواهد گذاشت. بعضی نمایندگان مجلس پیش‌بینی کرده بودند که در سال ۹۸ دولت با کسری بودجه ۱۰۰ هزار میلیارد تومانی روبرو خواهد شد. این مسئله فشار بر جامعه پیمانکاری را بیشتر خواهد کرد و به انباشت بدهی منجر خواهد شد. اکنون باید منتظر ماند و دید در این شرایط دستگاه قضا چه نقشی در وصول مطالبات بازیگران این چرخه معیوب خواهد داشت؟ آیا جامعه پیمانکاری به عنوان بدهکاران به بانک‌ها در سبیل برخوردهای قضایی قرار می‌گیرند؟ آیا نگاه ضابطان به پیمانکار بدهکار مشابه نگاه به خاکی اقتصادی است؟ آیا بدهکاری، آن هم به دلیل شرایط اقتصادی دولت، بزهکاری است؟ آیا جامعه پیمانکاری شایسته برخورد قضایی است؟

حقوقدانان می‌گویند تعریف دقیق و روشنی از برخی جرائم در قانون وجود ندارد بنابراین افراد نمی‌دانند چطور مشمول یک قانون می‌شوند. در چنین شرایطی کارآفرینی شبیه به نگه داشتن داغ در مشت بسته است. ■

#### منبع

- \* آشنایی با متهمان فساد اقتصادی؛ شهرام جزایری عرب، بازار و سرمایه، بهمن ۹۲، شماره ۴۷.
- \* خلاصه کتاب تبهکاران اقتصادی؛ چرا برخی کشورها سریعاً به توسعه رسیدند و برخی دیگر درجا زدند؟ (پژوهشی مستند از اخلاص فساد و قانون‌شکنی در توسعه اقتصادی کشورها). مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
- \* آشنایی با متهمان فساد اقتصادی؛ مه‌آفرید امیرخسروی، بازار و سرمایه، بهمن ۹۲، شماره ۴۷.

دیگر مربوط به ۳۰ نفر ذی نفع واحد در قالب چند شرکت می‌شود که در مجموع ۸۰ هزار میلیارد ریال از مطالبات غیرجاری متعلق به این دو گروه عمده است. همچنین ۵۰ گروه یا شرکت مرتبط به هم ۳۳ درصد از مطالبات غیرجاری را به خود اختصاص داده‌اند. ضعف نظارت و بی‌اعتنایی بانک‌ها به مقررات از عمده‌ترین دلایل رشد مطالبات غیرجاری بانک‌ها بوده است. حمید تهرانیفر معاون نظارتی وقت بانک مرکزی در این باره گفت: «این که گفته می‌شود بانک‌ها دنبال مطالبات معوق نیستند، اساساً اشتباه است چون وجود مطالبات معوق در دفاتر بانک‌ها، نشان‌دهنده ضعف مدیران آن بانک است. علاوه بر آن، تأثیر مطالبات معوق بر کاهش توان تسهیلات دهی شبکه بانکی بسیار چشمگیر است». اکنون که توان تسهیلات دهی بانک‌ها کاهش یافته، وصول مطالبات غیرجاری از اولویت‌های آنان است. در حالیکه بخشی از بدهکاران به نظام بانکی کشور، از جمله پیمانکاران از طلبکاران دولت به شمار می‌روند.

#### دولت برای پیمانکاران چه کرده است؟

دولت تلاش کرده با به‌کارگیری ابزار بدهی به ویژه اوراق غیرنقدی و اسناد تسویه خزانه به طلبکارانش کمک کند. اسناد تسویه خزانه اول، برای تسویه مطالبات قطعی معوق دولت صادر می‌شود. برای مثال بدهی وزارت راه و شهرسازی به یک پیمانکار با بدهی همان پیمانکار به سازمان امور مالیاتی تهاجر و تسویه می‌شود. در اسناد تسویه خزانه نوع دوم، بدهی پیمانکاران به بانک‌ها از طریق تهاجر بدهی سازمان‌های دولتی به آن‌ها تهاجر می‌شود. برای مثال اگر وزارت راه و شهرسازی به یک پیمانکار بدهکار شده باشد، و آن پیمانکار به یک بانک بدهی داشته و آن بانک به بانک مرکزی بدهی داشته باشد، بدهی وزارت راه و شهرسازی به پیمانکار به بدهی دولت به بانک مرکزی تبدیل می‌شود.

وزارت اقتصاد و دارایی از انتشار ۳۱۰ هزار میلیارد ریال اسناد خزانه اسلامی توسط معاونت نظارت مالی و خزانه‌داری کل کشور با هدف تسویه بدهی دولت به پیمانکاران طرف قرارداد دستگاه‌های اجرایی در سال ۱۳۹۸ خبر داده است. براساس گزارشی که معاونت نظارت مالی و خزانه‌داری کل کشور در تشریح دستوردهای یک‌ساله وزارت امور اقتصادی و دارایی از شهریور ۹۷ تا مرداد ۹۸ منتشر کرده، ۹۱ درصد اعتبارات عمرانی دولت در چهارماه نخست امسال پرداخت شده است.

تجارت نیز نوشت این گزارش با اشاره به انتشار معادل ۱۹۳ هزار و ۲۷۳ میلیارد ریال اسناد خزانه اسلامی در سال ۱۳۹۷، از انتشار ۳۱۰ هزار میلیارد ریال اسناد خزانه اسلامی توسط معاونت نظارت مالی و خزانه‌داری کل کشور با هدف تسویه بدهی دولت به پیمانکاران طرف قرارداد دستگاه‌های اجرایی در سال ۱۳۹۸ خبر داده است. رقم تسویه بدهی‌ها و مطالبات دولت در پایان مرداد سال ۱۳۹۷ معادل ۵۰ هزار میلیارد ریال بوده که در راستای بهبود رونق اقتصادی، با رشدی هفت برابری، در سال جاری به ۳۵۴ هزار و ۴۳۸ میلیارد ریال افزایش یافته است.

هرچند دولت تلاش می‌کند با پرداخت اوراق بدهی به پیمانکاران از بار مطالبات کم کند اما بعضی کارشناسان از تحمیل اوراق دولتی به پیمانکاران انتقاد کردند و گفتند حتی دستگاه‌های دولتی بابت تهاجر بدهی‌هایشان این اوراق را نمی‌پذیرفتند و نمی‌پذیرند. نرخ تنزیل این اوراق حدود ۳۰ درصد بوده است. از سوی دیگر انتشار اوراق مشارکت و اسناد خزانه برای پرداخت بدهی دولت از سوی بعضی تحلیل‌گران به دلیل آینده‌فروشی و تحمیل هزینه به پیمانکاران مورد انتقاد است. اوراق بدهی دولت بیشتر با سررسیدهای دو، سه و پنج‌ساله به پیمانکاران داده می‌شود. وقتی دولت نتواند در تاریخ سررسید مبلغ مورد نظر را پرداخت کند و پیمانکار به پول

دولت تلاش کرده  
با به‌کارگیری  
ابزار بدهی  
به ویژه اوراق  
غیرنقدی و اسناد  
تسویه خزانه به  
طلبکارانش کمک  
کند. اسناد تسویه  
خزانه اول، برای  
تسویه مطالبات  
قطعی معوق  
دولت صادر می  
شود. برای مثال  
بدهی وزارت راه و  
شهرسازی به یک  
پیمانکار با بدهی  
همان پیمانکار  
به سازمان امور  
مالیاتی تهاجر و  
تسویه می‌شود

# بدهکار، بزهکار نیست

توده‌ای شدن، بدترین بلا برای عدالت است



حسین میر محمد صادقی

حقوق‌دان

اصل برخورد قضایی با متخلف یک امر لازم است. اگر کسی عمل مجرمانه‌ای را مرتکب شود، باید با آن برخورد کرد. نمی‌توان به استناد این مسئله که فرد، فعال اقتصادی است، و برخورد با او زمینه دلسردی دیگر فعالان اقتصادی را فراهم می‌کند، از برخورد خودداری کرد. برخورد با مجرم یک انتظار عمومی است به ویژه در زمینه فساد از نوع اقتصادی آن، باید به طرز مناسب با فرد خاطی برخورد کرد. این برخورد را می‌توان نوعی حمایت از فعالان اقتصادی سالم هم به شمار آورد.

ممکن است در بعضی برخوردهای قضایی با انگیزه مقابله و مبارزه با فساد اقتصادی، افراط شود و در واقع جلب رضایت افکار عمومی از انگیزه فسادزدایی پیشی بگیرد. یکی از بدترین بلاهایی که عدالت به آن دچار می‌شود، توده‌ای شدن است. عدالت توده‌ای به این معناست که در ظاهر امری قضایی و قانونی را انجام می‌دهیم اما در عمل به گونه‌ای پیش می‌رویم که تنها افکار عمومی قانع نشود درحالی که بی‌عدالتی هم انجام شده است. در متن قانون، پیش‌بینی‌هایی انجام شده تا عدالت به بالای توده‌ای شدن دچار نشود. یک نمونه از این پیش‌بینی‌ها عدم افشای نام و مشخصات متهم پیش از نهایی شدن محکومیت است. این مورد به طور معمول در فرایند بررسی پرونده‌های تخلف اقتصادی نقض می‌شود درحالی که شخصی که در دادگاه حاضر شده، در جایگاه متهم است و اصل و فرض بر بی‌گناهی اوست تا زمانی که گناه او اثبات شود.

در بعضی از قوانین مجازات‌های سنگینی برای جرائمی در نظر گرفته شده که حدود و ثغور مشخصی ندارد. درحالی که نگارش شفاف و بدون ابهام قوانین یک اصل مهم در امور کیفری است تا قوانین مورد سوءاستفاده قرار نگیرد و حقوق افراد ضایع نشود. بخش عمده‌ای از

## نکته‌هایی که باید بدانید

- ▶ **در بعضی از قوانین مجازات‌های سنگینی برای جرائمی در نظر گرفته شده که حدود و ثغور مشخصی ندارد.** درحالی که نگارش شفاف و بدون ابهام قوانین یک اصل مهم در امور کیفری است تا قوانین مورد سوءاستفاده قرار نگیرد و حقوق افراد ضایع نشود.
- ▶ **عدم پرداخت بدهی به خودی خود، جرم و فاسد اقتصادی نیست.** اگر شخصی بدهی‌اش را نپردازد، حتی اگر پرداخت آن بدهی منوط به دریافت مطالبه خود متهم از دیگری هم نباشد، نمی‌توان عمل او را جرم دانست.
- ▶ **ممکن است شخصی با قریب مسئولان بانکی تسهیلات بگیرد یا تبانی کند.** در این وضعیت، **عمل او مجرمانه است.** ابر بدهکاران بانکی شامل افرادی‌اند که وام‌های کلان گرفته‌اند و متاسفانه در کشور ما دریافت وام‌های کلان بدون زد و بند ممکن نیست.
- ▶ **استفاده از لفظ مفسد اقتصادی در مورد مجرمان اقتصادی جنبه حقوقی ندارد بلکه در قانون مجازات اسلامی ۹۲ از عبارت مفسد فی الارض استفاده شده است که نه فقط در جرائم اقتصادی بلکه در مورد جرائمی که در سطح کلان و گسترده علیه اشخاص انجام شده، مصداق دارد.**

این نوع قوانین به سال‌های پایانی دهه ۶۰ و پس از سال‌های جنگ بازمی‌گردد. مواردی مثل اخلال در نظام اقتصادی و مصادیق آن مثل اخلال در نظام تولید و توزیع و اخلال در نظام ارزی با مجازات‌های سنگین همراه است بدون اینکه تعریف دقیق و روشنی از این موارد وجود داشته باشد. به طور طبیعی این موارد می‌تواند زمینه سوءاستفاده را فراهم کند، افراد با وجود این تعاریف قانونی نمی‌دانند که چه زمانی در دایره شمول قانون قرار می‌گیرند و نام اخلال‌گر برای آن‌ها مصداق دارد یا خیر.

در آسیب‌شناسی روند بررسی پرونده‌های اقتصادی باید هر دو روی سکه را دید. اول اینکه نمی‌توان به استناد فعال اقتصادی بودن با فرد خاطی برخورد نکرد. این ملاحظه درباره دیگر اقشار مثل دانشجویان، اساتید، معلمان و... هم مطرح است. بنابراین هر کس تخلف کرد و عملی خلاف قانون انجام داد، باید مورد مواخذه و محاکمه قرار بگیرد. دوم، در بحث‌های کیفری، اصل بر تفسیر مضیق است نه تفسیر موسع. مواردی که در دایره جرم‌انگاری قرار می‌گیرد، به طور حتم باید موردی باشد که توسط دیگر حوزه‌های حقوق غیر از حقوق کیفری قابل نظم بخشیدن نیست. باید تعاریف را چنان مشخص کرد که هر کسی حدود و ثغور یک قانون را بداند.

در پرونده‌های اقتصادی یکی از اتهامات عدم پرداخت بدهی است. عدم پرداخت بدهی به خودی خود، جرم و فساد اقتصادی نیست. اگر شخصی بدهی‌اش را نپردازد، حتی اگر پرداخت آن بدهی منوط به دریافت مطالبه خود متهم از دیگری هم نباشد، نمی‌توان عمل او را جرم دانست. عدم پرداخت بدهی مبنای مجرمانه‌ای ندارد اما آنچه در پرونده‌ها در این باره بررسی می‌شود، جعل سند و تبانی است. ممکن است شخصی با قریب مسئولان بانکی تسهیلات بگیرد یا تبانی کند. در این وضعیت، عمل او مجرمانه است. ابر بدهکاران بانکی شامل افرادی‌اند که وام‌های کلان گرفته‌اند و متاسفانه در کشور ما دریافت وام‌های کلان بدون زد و بند ممکن نیست. در واقع زد و بندهایی که به گرفتن وام منتهی می‌شود، مجرمانه است. برای مثال فردی در تبانی با بانک برای دریافت تسهیلات صحنه‌سازی کرده و رشوه داده است یا به دروغ خود را صاحب اموالی معرفی کرده است. ممکن است شخصی وثایقی را در تبانی با کارشناس بیش از ارزش واقعی‌اش جلوه دهد. در این شرایط صرف بدهکار بودن جرم نیست. بدهکاری، بزهکاری نیست، چه برای مبالغ کلان و چه برای مبالغ کوچک.

استفاده از لفظ مفسد اقتصادی در مورد مجرمان اقتصادی جنبه حقوقی ندارد بلکه در قانون مجازات اسلامی ۹۲ از عبارت مفسد فی الارض استفاده شده است که نه فقط در جرائم اقتصادی بلکه در مورد جرائمی که در سطح کلان و گسترده علیه اشخاص انجام شده، مصداق دارد. از نظر حقوقی این قانون منحصر به ارتکاب جرائم در زمینه اقتصادی نیست بنابراین اطلاق مفسد اقتصادی به مجرم اقتصادی شبیه به تروریسم اقتصادی است که مبنای قانونی نداشته و رنگ و بوی حقوقی ندارد. ■

می‌توان به داستان دلارهای ۴۲۰۰ تومانی تخصیص‌یافته به واردات اشاره کرد که یک رانت و فساد بی‌سابقه در اقتصاد فراهم کرده است و شمار قابل‌اعتنایی از بازرگانان ایرانی از این رانت نزدیک به فساد استفاده کرده‌اند. با توجه به ذات رانتی اقتصاد ایران، این نمونه یکی از زمینه‌هایی است که به نظر می‌رسد قوه قضاییه کشورمان باید درباره آن، با ظرافت و پس از انجام مطالعات دقیق‌تری وارد عمل شود.

## زیان جامعه پیمانکاری از مناسبات دولتی

### چه کسی باید شکایت کند؟



حسین سلاح‌ورزی

نایب رئیس اتاق ایران

صراحت می‌گوید قصد پرداخت ندارد، وارد عمل شود. اما با توجه به تجربه‌های موجود و اینکه دولت هرگز نمی‌گوید نمی‌خواهد بدهی خود را پرداخت کند، فرایند کار پیچیده شده است. جامعه پیمانکاری ایران می‌تواند با استفاده از تشکلهای نیرومند - اگر تشکیل شده است - به بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های تصویب‌شده در دولت که روند دریافت‌ها با استناد به آن‌ها با تأخیر مواجه می‌شود به دیوان عدالت اداری شکایت کند. در مناسبات بانکها با پیمانکاران نیز پیمانکاران باید قبل از هر قراردادی متن قراردادهای بانکی را که به شدت به نفع بانکها تنظیم شده‌اند مطالعه کرده و درباره محتوای قراردادهای اعتراض کند. به نظر نمی‌رسد دست‌کم در کوتاه‌مدت قوه قضاییه اگر با عرف موجود عمل کند راهی برای حل این مسئله داشته باشد.

#### امید به آینده

واقعیت این است که تجربه‌های پیشین از برخوردهای قضایی با جامعه کارآفرینان و کارفرمایان ایرانی تجربه شفاف و کارآمدی نبوده است. برخی ناملایمات که به دلیل فقدان شفافیت و شاید به دلیل فهم غیرکارشناسی پدیدار شده است بر این ابهام می‌افزاید. اما می‌توان امیدوار بود برخورد کارشناسی، غیر سیاسی، غیر جناحی و تنها بر پایه انصاف و شجاعت در برخورد با رانت و فساد از سوی قوه قضاییه و مسدود کردن راه ورود کسانی که تنها به هوای رانت‌خواری و برای کوتاه‌مدت وارد جامعه کارفرمایی و کار آفرینی شده‌اند، فضای پاک و راهگشایی برای کارآفرینان و کارفرمایان اصیل به وجود آورد.

### نکته‌هایی که باید بدانید

- ▶ **پیمانکاران ایرانی** به این دلیل که کارفرما و سفارش‌دهنده اصلی طرح‌های بزرگ عمرانی مثل سد، نیروگاه‌ها، بندر و بزرگراه‌ها و فرودگاه‌ها، دستگاه‌های دولتی‌اند، **راهی جز مماشات و تن دادن به مناسبات دولت پسند ندارند.**
- ▶ **قوه قضاییه** می‌تواند تنها **پس از شکایت پیمانکاران** به صورت فردی و با آدرس دقیق محل و دستگاه دولتی که بدهی خود را پرداخت نمی‌کند و با صراحت می‌گوید قصد پرداخت ندارد، **وارد عمل شود.**
- ▶ **مناسبات نهاد دولت و زیرمجموعه‌های آنها** با بخش خصوصی به ویژه پیمانکارانی که برای ماندن در بازار پیمانکاری راهی جز همکاری با دستگاه‌های دولتی ندارند، در سال‌های اخیر روندی را تجربه کرده است که به شدت **به زیان پیمانکاران بوده است**
- ▶ تجربه‌های پیشین از برخوردهای قضایی با جامعه کار آفرینان و کارفرمایان ایرانی تجربه شفاف و کارآمدی نبوده است.
- ▶ **جامعه پیمانکاری ایران** می‌تواند با استفاده از تشکلهای نیرومند - اگر تشکیل شده است - به **بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های تصویب‌شده در دولت** که روند دریافت‌ها با استناد به آن‌ها با تأخیر مواجه می‌شود به **دیوان عدالت اداری شکایت کند.**

از آنچه تا امروز در دادگاه‌های علنی به جریان افتاده و بررسی پرونده کسانی که با عنوان مفسد اقتصادی محاکمه می‌شوند، و البته براساس کیفرخواست‌های ارائه‌شده در دادگاه‌ها و دفاعیات محاکمه‌شوندگان، می‌توان استنباط کرد که رانت‌خواری و فساد در فضای اقتصادی کشور رخ داده است. اما این واقعیت وجود دارد که هنوز و تا همیشه، اگر ساختارهای اقتصادی ایران روی ریل شفافیت، انحصارزدایی، دولتی بودن امور، سیاست‌های غلط تجاری، پولی و ارزی قرار نگیرد و جریان راه‌یافته به ذات اقتصاد یا جریان رانت‌خواری از ریشه قطع نشود، باز هم باید ورود نهادهای بازرسی، نظارت و دستگیری را شاهد بود. به طور مثال می‌توان به داستان دلارهای ۴۲۰۰ تومانی تخصیص‌یافته به واردات اشاره کرد که یک رانت و فساد بی‌سابقه در اقتصاد فراهم کرده است و شمار قابل‌اعتنایی از بازرگانان ایرانی از این رانت نزدیک به فساد استفاده کرده‌اند. با توجه به ذات رانتی اقتصاد ایران، این نمونه یکی از زمینه‌هایی است که به نظر می‌رسد قوه قضاییه کشورمان باید درباره آن، با ظرافت و پس از انجام مطالعات دقیق‌تری وارد عمل شود.

#### جامعه پیمانکاری چه کند؟

مناسبات نهاد دولت و زیرمجموعه‌های آنها با بخش خصوصی به ویژه پیمانکارانی که برای ماندن در بازار پیمانکاری راهی جز همکاری با دستگاه‌های دولتی ندارند، در سال‌های اخیر روندی را تجربه کرده است که به شدت به زیان پیمانکاران بوده است. روند فزاینده میزان بدهی دستگاه‌های دولتی به پیمانکاران در سال‌های تازه سپری‌شده، این مناسبات را به خوبی نشان می‌دهد. پیمانکاران ایرانی به این دلیل که کارفرما و سفارش‌دهنده اصلی طرح‌های بزرگ عمرانی مثل سد، نیروگاه‌ها، بندر و بزرگراه‌ها و فرودگاه‌ها، دستگاه‌های دولتی‌اند، راهی جز مماشات و تن دادن به مناسبات دولت‌پسند ندارند. در چنین وضعیت انحصاری‌ای است که پیمانکاران بزرگ و کوچک پشت در دفتر روسای دستگاه‌های دولتی در رفت و آمد هستند تا مطالبات خود را بگیرند. از سوی دیگر به دلیل خواب سرمایه و مطالبات معوق، پیمانکاران به نقدینگی نیاز دارند و این را از بازار پول که در انحصار بانکها است به دست می‌آورند. بنابراین یک دور فرساینده در مناسبات دولت - پیمانکاران - بانکها پدیدار شده است.

آیا قوه قضاییه می‌تواند در این مناسبات راه تازه‌ای باز کند و این دور فرساینده را از جایی قطع کند؟ پاسخ این سؤال به تمایل و توانایی جامعه پیمانکاری ایران بستگی دارد. به نظر می‌رسد قوه قضاییه شاید نتواند و نخواهد ابتدا به ساکن و بدون اینکه شکایتی صورت پذیرد به قلب این داستان بزند. قوه قضاییه می‌تواند تنها پس از شکایت پیمانکاران به صورت فردی و با آدرس دقیق محل و دستگاه دولتی که بدهی خود را پرداخت نمی‌کند و با

# غفلت از انگیزه‌ها

## مبارزه با فساد بدون تحقیق نتیجه نمی‌دهد



محمود علیزاده طباطبائی

وکیل دادگستری

برای هر اقدام اجتماعی هم باید از نظر فرهنگی و اجتماعی زمینه و طرح را بررسی کرده و بعد به سراغ اجرا رفت. زمانی که فرایند مبارزه با مفاسد با اراده شخصی و بدون بررسی کارشناسی آغاز شود، به طور قطع به نتیجه مطلوب نمی‌رسد.

ما از مبارزه با فساد می‌گوییم و به دنبال آن هستیم اما باید به این نکته مهم توجه کرد. نمی‌توان با دست‌های آلوده با فساد مبارزه کرد. چطور می‌خواهیم با دستگاه قضایی‌ای با فساد مبارزه کنیم که قاضی در آن پنج تا شش میلیون حقوق می‌گیرد و با این حقوق نمی‌تواند اجاره یک آپارتمان در تهران را هم بپردازد؟ نکته دیگر سلامت دستگاه قضاست که رئیس قوه قضاییه خود به آن اشاره کرده است. خوشبختانه امروز فضای مجازی اجازه پنهان‌کاری را نمی‌دهد و در این فضا حرف‌ها و نقل‌های بسیاری درباره مسئولان عالی‌رتبه قضایی طرح می‌شود. آیا نباید دستگاه قضا به ویژه سطوح بالا را پاکسازی کرد و با یک دستگاه سالم‌سازی‌شده به دیگر بخش‌ها پرداخت؟ شائبه بسیاری درباره روسای دادگاه‌ها و مسئولان عالی‌رتبه وجود دارد که باید درباره آن شفاف‌سازی کرد. در غیر این صورت، برخوردهایی که با فعالان اقتصادی انجام می‌شود، علمی و حقوقی نیست.

بخشی از فعالان اقتصادی که مورد برخورد قضایی قرار می‌گیرند، پیمانکارانی‌اند که پروژه‌های دولتی را اجرا می‌کنند اما دولت نتوانسته مطالبات آن‌ها را پرداخت کند. از سوی دیگر این پیمانکاران از بانک‌ها برای ادامه کار و پرداخت هزینه‌ها وام گرفته‌اند و به دلیل عدم دریافت مطالبات خود از دولت، قادر به بازپرداخت تسهیلات دریافتی نیستند. در این چرخه کسی که مورد مواخذه قرار می‌گیرد، پیمانکار است در حالی که پیمانکاران سربازان سازندگی کشور هستند و در این بین کمتر تقصیر دارند. پیمانکارانی که در قرارداد با دولت دچار خسارت شده‌اند، براساس قانون مسئولیت مدنی می‌توانند مطالبات خود را از دولت دریافت کنند چراکه دولت مسبب خسارت آن‌ها بوده است. با این حال کسی زورش به دولت نمی‌رسد و از سوی دیگر هماهنگی نانوشت‌های بین دستگاه قضایی و دولت در این زمینه ایجاد شده است. کسانی که مطالباتی از دولت و شهرداری دارند، به دستگاه قضا مراجعه می‌کنند اما به نتیجه مطلوب نمی‌رسند.

طرف دیگر در چرخه نامطلوبی که پیمانکاران در آن گرفتار شده‌اند، بانک است. بانک‌ها با عنوان عقود اسلامی با تسهیلات گیرندگان قرارداد می‌بندند اما فقط شکل آن را رعایت می‌کنند. براساس قانون پیمانکاران می‌توانند علیه بانک‌ها اقامه دعوا کنند چراکه اگر قراردادی براساس اراده طرفین بسته شود اما عقدی که مورد نظر یکی از طرفین بوده، منعقد نشده باشد، این عقد باطل است. براساس قانون پیمانکار می‌تواند دخواست بدهد و اصل عقد باطل شود اما اکنون این رویه در روند رسیدگی به پرونده بدهکاران بانکی دیده نمی‌شود. در پرونده متهم به عنوان ابربدهکار بانکی معرفی شده و اعدام می‌شود اما مدتی بعد بدهی او به بانک‌ها محرز نمی‌شود. مبارزه با فساد را نمی‌توان بدون مطالعه و تحقیق جدی مؤثر دانست. باید با راهکار به سراغ مفاسد اقتصادی رفت. ■

براساس قانون آیین دادرسی کیفری، فصل تازه‌ای در روند بررسی وضعیت متهمان باز شده و آن ایجاد پرونده شخصیت است. در فرایند تشکیل پرونده شخصیت، یک روان‌کاو یا روان‌شناس چرایی ارتکاب عمل مجرمانه را بررسی می‌کند. از نظر حقوقی زمانی جرم به وقوع می‌پیوندد که سه عنصر تحقق پیدا کند. عنصر اول، نقض قانون است یعنی قانون عملی را که متهم مرتکب شده است جرم بداند. دوم، عنصر مادی است یعنی متهم عملی را انجام داده باشد و مهم‌تر از دو عنصر قبلی، عنصر سوم یا عنصر معنوی است. یعنی متهم انگیزه مجرمانه داشته باشد و با هدف برهم زدن نظم اجتماعی عملی را انجام دهد. در پرونده‌های اقتصادی عنصر سوم در نظر گرفته نمی‌شود. زمانی که گزارشی از تخلف اقتصادی ارائه می‌شود، اینکه انگیزه‌های متهم چه بوده اهمیتی ندارد و در فرایند بررسی به انگیزه‌های متهم نگاه نمی‌شود. بیش از هر چیز، انگیزه ضابطی که کار را پیگیری می‌کند، اهمیت دارد. به دلیل عدم توجه به انگیزه‌های متهم و مسائلی از این دست، در فرایند بررسی پرونده‌های اقتصادی، فضای کار آفرینی و تولید کشور با بعضی برخوردها صدمه می‌بیند در حالی که مجرمان واقعی هم فرار می‌کنند.

تنها فعالان بخش خصوصی یا بدنه کار آفرینی نیستند که از برخوردهای قضایی با تخلفات اقتصادی بدون توجه به انگیزه‌ها صدمه می‌بینند. مدیران دولتی از دیگر اقشار آسیب‌پذیر در این زمینه‌اند. زمانی که یک مدیر دولتی تصمیمی می‌گیرد و آن تصمیم به نفع شخصی او بازمی‌گردد، باید با آن برخورد کرد اما گاهی تصمیم مدیر دولتی نه برای نفع شخصی بلکه برای اجرای یک برنامه است. نمونه بارز این مسئله، پرونده‌های مربوط به واگذاری‌هاست. بیش از ۴۰ پرونده از زمان مدیریت آقای بانکی علیه واگذاری‌ها تشکیل شده که مدیر دولتی در انجام آن کوچک‌ترین انگیزه منفعت‌طلبانه‌ای نه برای خود و نه برای هیچ کس دیگر نداشته است. پس از چند سال پیگیری اما پرونده‌ها هنوز باز است. این مسئله که مدیر دولتی در این پرونده انگیزه شخصی نداشته به دستگاه قضایی هم ثابت شده است اما روند بررسی این پرونده به همه مدیران آسیب می‌زند چراکه جرئت تصمیم‌گیری را از آن‌ها می‌گیرد. اکنون فرایندی در مبارزه با مفاسد اقتصادی و متخلفان این حوزه آغاز شده که به طور دقیق مطالعه نشده و به همین دلیل پیامدهای خوبی برای جامعه اقتصادی کشور نخواهد داشت. مسائل اجتماعی مانند مسائل فنی است. همانطور که در ساخت یک سد، فرودگاه و بندر از متخصص مشاوره می‌گیرند و طرح را بررسی می‌کنند،

## نکته‌هایی که باید بدانید

- ▶ تنها فعالان بخش خصوصی یا بدنه کار آفرینی نیستند که از برخوردهای قضایی با تخلفات اقتصادی بدون توجه به انگیزه‌ها صدمه می‌بینند. مدیران دولتی از دیگر اقشار آسیب‌پذیر در این زمینه‌اند.
- ▶ بانک‌ها با عنوان عقود اسلامی با تسهیلات گیرندگان قرارداد می‌بندند اما فقط شکل آن را رعایت می‌کنند.
- ▶ چطور می‌خواهیم با دستگاه قضایی‌ای با فساد مبارزه کنیم که قاضی در آن پنج تا شش میلیون حقوق می‌گیرد و با این حقوق نمی‌تواند اجاره یک آپارتمان در تهران را هم بپردازد؟

# ایران زمین

[ این صفحه‌ها در هر شماره به مرور وضعیت اقتصادی استان‌های کشور می‌پردازد. ]

## صنعت از پافتاده

مازندران که زمانی جزو استان‌های صنعتی کشور بود، گرفتار معضلات اقتصادی زیادی است

کشور است و همچنین هرساله در سطح بالای امید به زندگی در میان مردان و زنان کشور، قرار می‌گیرد. این استان رتبه اول میزان بازدید گردشگران را داراست.

### برنج بر قله کشاورزی استان

مازندران از نظر کشاورزی، دام‌پروری، صید ماهی، جنگل‌داری و صنایع و معادن، وضعیت نسبتاً ممتازی دارد. بیش از ۹۰۰ هزار هکتار از مساحت استان، زیر کشت برنج، پنبه، گندم، جو، دانه‌های روغنی (سویا)، مرکبات و چای قرار دارد. حدود نیمی از محصول مرکبات کشور از مازندران تأمین می‌شود. سیب، آلبو قطره‌طلا و گلای از سایر میوه‌های استان هستند.

در استان مازندران پرورش دام و انواع طیور هم به شکل سنتی و به هم به صورت صنعتی رواج دارد. مرتع قشلاقی، میان‌بند و بیلاقی آن از کانون‌های عمده رمة گردانی و زنبورداری است. در نوار ساحلی و حاشیه اراضی باتلاقی، پرورش گاومیش نیز رواج دارد. پرورش کرم ابریشم و تولید پارچه‌های ابریشمی نیز یکی دیگر از فعالیت‌های اقتصادی در استان است. مجاورت استان مازندران با دریای خزر و جریان رودخانه‌های متعدد در آن، زمینه مساعدی را برای پرورش، تکثیر و صید انواع ماهی و توسعه شیلات فراهم آورد است. به‌خصوص در سال‌های اخیر مزارع پرورش ماهی فراوانی در استان مازندران تأسیس شده است.

یکی از مهم‌ترین محصولات کشاورزی در مازندران برنج است اما در سال‌های اخیر که برنج مازندران قیمت زیادی پیدا کرده، مشکلات مربوط به عرضه آن هم بیشتر شده است. حدود

استان مازندران به مرکزیت شهر ساری در شمال ایران و در کرانه‌های جنوبی دریای خزر واقع است. این استان از پرجمعیت‌ترین استان‌های ایران و هم‌مرز با استان‌های گلستان، سمنان، تهران، البرز، قزوین و گیلان است.

بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهرش ساری است و همچنین پرجمعیت‌ترین شهرستانش بابل است. قله دماوند مرتفع‌ترین کوه ایران و بلندترین آتش‌فشان آسیا و خاورمیانه در مازندران و در شهرستان آمل قرار دارد. همچنین از بزرگ‌ترین شرکت‌های نساجی آسیا و خاورمیانه در مازندران و در شهر قائم‌شهر تأسیس شد. این استان یکی از پرجمعیت‌ترین مناطق ایران از لحاظ تراکم جمعیتی است.

دسترسی به زیرساخت‌های مناسب ارتباطی، به همراه تسهیلات ویژه زیربنایی آب، برق، فاضلاب و گاز همراه با شرایط آب و هوایی معتدل، اراضی بسیار حاصل‌خیز، طبیعت گوناگون و مفرح ساحلی، دشتی، جنگلی و کوهستانی مساعد برای توسعه صنعت گردشگری و دسترسی به بازارهای هدف داخلی و خارجی، امکان توسعه سریع را در قالب بخش‌های محوری گردشگری، کشاورزی، صنعتی و تجاری، فناوری اطلاعات و ارتباطات یکجا در خود گرد آورده است. همچنین برخورداری از میراث فرهنگی غنی و بیشترین نرخ دانش‌آموختگان با تحصیلات دانشگاهی مازندران در میان استان‌های کشور، شرایط مناسبی برای گسترش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی استان در سطح منطقه شمال و ایران فراهم آورده است. باید گفت مازندران باسوادترین استان

### ساعت یزدانجو

دبیر بخش ایران زمین



قرار گرفتن  
مازندران در ساحل  
جنوبی بزرگ ترین  
دریاچه جهان به  
نام دریای خزر  
و هم جوار  
با چهار کشور  
ساحلی این دریا  
یعنی ترکمنستان،  
قزاقستان، روسیه  
و جمهوری  
آذربایجان از یک  
سو و واقع شدن در  
شمال کلان شهر  
تهران از سوی  
دیگر، باعث شده  
تا مازندران از  
موقعیت جغرافیایی  
استراتژیکی  
برخوردار شود و  
بتواند از مزیت های  
اقتصادی فراوانی  
که چنین راه هایی  
برایش فراهم  
می کند بهره بگیرد

یک دهه از تجارت متقلبه تخلیط برنج درجه یک ایرانی (طارم محلی) با خارجی و حتی برنج درجه دو و سه محلی در استان های شمالی کشور از جمله مازندران می گذرد و با وجود ارائه انواع و اقسام راهکارها، همچنان این تجارت متقلبه به دلایل منفعت بالا برای متخلفان، ادامه دارد. ایرنا گزارش داده است که منفعت بالای این تجارت متقلبه در کنار عدم توازن در برخورد قانونی با منفعت طلبان در این بخش باعث شده که همه ساله در آستانه ورود برنج محلی به بازار فروش، کار این تاجران که بنا به گفته مسئولان نظارتی و حتی بازرگانی، سررنج آن در دست تاجرانهای غیربومی است، رونق بیشتری می گیرد و دایره منافع حدود ۳۰۰ هزار کشاورز درگیر کاشت، داشت و برداشت این محصول راهبری مازندران تنگ تر شود. کارشناسان حوزه بازرگانی در مازندران مهم ترین راهکار برای کاهش تخلیط برنج ایرانی را تشدید برخورد قانونی با این پدیده می دانند به گونه ای که متخلفان برای بار دوم به دلیل ضررهای مالی که در برخورد اولیه از قبل مجاری قانونی به آنها وارد می شود، توان ادامه کار متقلبه را نداشته باشند. در شرایط فعلی میزان جرائم پیش بینی شده در قانون تعزیرات برای برخورد با این محصول راهبردی با میزان سودی که از این راه به جیب تاجران متقلب می رود، همخوانی ندارد و علاوه بر آن برنج تخلیط نیز به جای توقیف به نفع دولت، با قیمت کارشناسی فروخته می شود و سود این تجارت نیز این بار به صورت رسمی به جیب متخلفان می رود. برندسازی محصول برنج، الحاق بارکد شناسایی، راه اندازی نمایندگی های فروش مستقیم در مراکز استان و مناطق پرمشتری از دیگر راهکارهای پیشنهادی از سوی کارشناسان بازرگانی برای کاهش تخلیط برنج محلی اعلام شده است. براساس آمار سالانه در مازندران حدود یک میلیون تن برنج تولید می شود که اسامال به طور میانگین بالای ۲۰ هزار تومان قیمت داشته و در برخی از موارد به ۳۰ هزار تومان هم رسیده است. برخی از فعالان برنج مازندران از جمله یک عضو هیئت مدیره مرکز بین المللی تجارت برنج ایران که در شهر آمل مستقر است معتقد است که سررنج اصلی تخلیط برنج محلی درجه یک با سایر ارقام محلی و حتی وارداتی در خارج استان مازندران و در دست فروشندگان غیربومی است و احتمال همکاری برخی از فروشندگان متخلف بومی نیز با آنها وجود دارد. تداوم تخلف تخلیط برنج محلی به اعتبار این محصول در داخل کشور و حتی خارج می تواند خدشه وارد کند و باید نظارت سختگیرانه و برخورد شدید با این پدیده صورت گیرد تا بساط آن به طور کامل از استان های شمالی از جمله مازندران برچیده شود. او راهکار پیشنهادی خود برای ریشه کن کردن

این پدیده را علاوه بر تشدید نظارت و برخورد، شناسنامه دار کردن برنج، شناسایی مراکز بسته بندی و کددار کردن آنها و استقرار نمایندگی مرکز بین المللی تجارت برنج در مراکز استان ها به خصوص استان های پرمشتری برنج محلی می داند. استقرار مرکز بین المللی تجارت برنج در کنار کددار شدن مراکز بسته بندی می تواند تا حد زیادی از تقلب در این محصول راهبردی استان جلوگیری کند.

### گردشگران فراوان

استان مازندران در بخش جهانگردی و ایرانگردی، چه بخش دریا و چه در بخش کوهپایه و هم از لحاظ تاریخی، ظرفیت و امکانات بالایی دارد و با داشتن بزرگ ترین دریاچه جهان و همچنین چشمه های آب معدنی، تالابها، رودخانه ها، آبشارها و... می تواند جزو مناطق محدود در جذب گردشگری داخل و خارج باشد. در نوروز اسامال، تعداد مسافران مقیم استان به بیش از ۱۳ میلیون نفرش رسید و تعداد بازدید از اماکن گردشگری بالغ بر ۱۰ میلیون نفر بود. مازندران علاوه بر گردشگرانی که از اماکن دیدنی استان بازدید می کنند، صنایع دستی زیادی هم دارد که به اقتصاد استان کمک می کند. صنایع دستی استان مازندران شامل قالی بافی، گلیم بافی، حصیر بافی، چادر شب و جوراب پشمی، نخ ریزی، پارچه بافی، نمک، زیلو، جاجیم، ظروف گلی و وسایل چوبی است که مواد خام آن ها در محل تهیه می شود.

### معضلات محیط زیستی

مازندران همواره مورد توجه گردشگران و اهالی پرجمعیت استان تهران بوده است و همه این مسائل، با اینکه مزایای اقتصادی خوبی هم برای استان داشته، معضلاتی زیست محیطی نیز برای این منطقه به بار آورده است. ریختن زباله در طبیعت، ورود فاضلاب به دریا و رودخانه ها و نسل کشی پرندگان از مشکلات محیط زیستی استان است. تا از محیط زیست در مازندران نانی به میان می آید، ذهن ها ناخوابسته به سوی این سه موضوع سوق پیدا می کند، موضوع هایی که یا به آنها آن قدر پرداخته شده و از اصل غافل شدند یا توجهی به آنها نمی شود و به دست فراموشی سپرده شده اند. ایسنا چندی پیش در گزارشی نوشته بود که شاید اگر از مردم و یا حتی مسئولان بپرسید دقیقاً در موضوعات زیست محیطی چه کاری انجام می شود پاسخ شفاف داده نشود اما کافی است تنها به کوه عمارت در آمل، سایت زباله در فریدونکنار و ساحل آلوده محمودآباد سری بزنید و به تماشای ورود شیرآبه های خطرناک و آلوده به رودخانه ها و دریا، اراضی کشاورزی و آب های زیرزمینی بنشینید.

عزیز عباسی، دبیر کارگروه محیط زیست و پسماند اتاق فکر توسعه و تعالی مازندران، معتقد است مازندران در شمال کشور، به دلیل سرسبز بودن، تمامی مولفه های زیست محیطی را دارا است. او می گوید که مازندران به دلیل شرایط آب و هوایی، رودخانه های پرماهی، جنگل سرسبز و غیره، مقصد مسافران و در حال حاضر مهاجران شده است. به اعتقاد عباسی، به علت افزایش ورود مسافران و مهاجران به مازندران، محیط زیست این استان طی ۲۰ سال گذشته، بسیار آلوده شده و مشکلات دیگر مانند فرسایش خاک را باید به این موضوع اضافه کرد. حجم فراوان ورود شیرآبه محل های دیوی زباله که در نزدیکی رودخانه و سواحل قرار دارند، موجب شده تا سلامت ماهیان خزری با تهدید روبه رو شود.

آب دریا به دلیل ورود شیرآبه های خانگی، صنعتی، کشاورزی و غیره دچار آلودگی شده و فضای مناسبی برای شنا نیست، همچنین آب های زیرزمینی مازندران پر از نیترات است و ساحل های مازندران هر بار زباله بالا می آورد. آتش سوزی جنگل های شمال نیز از دیگر مواردی است که گاه به گاه دامن این منطقه را می گیرد. همچنین ورود آلودگی های صنعتی به دریا و رودها



وضعیت تابسانان محیط زیست مازندران

دسترسی به زیر ساخت‌های مناسب ارتباطی، به همراه تسهیلات ویژه زیربنایی آب، برق، فاضلاب و گاز همراه با شرایط آب و هوایی معتدل، اراضی بسیار حاصل خیز، طبیعت متنوع و مفرح ساحلی، دشتی، جنگلی و کوهستانی مساعد برای توسعه صنعت گردشگری و دسترسی به بازارهای هدف داخلی و خارجی، امکان توسعه سریع را در قالب بخش‌های محوری گردشگری، کشاورزی، صنعتی و تجاری، فناوری اطلاعات و ارتباطات یکجا در خود گرد آورده است.

و نوشهر و اسکله و سکوی نفتی نکا در شرق مازندران، اتصال این استان به راه آهن سراسری ایران، وجود فرودگاه‌های بین‌المللی دشت‌ناز ساری، نوشهر و رامسر، برخورداری از سه جاده شوسه ارتباطی با استان تهران و اقدام به سرمایه‌گذاری در طرح در دست ساخت آزادراه تهران - شمال با امکان دسترسی سریع با فاصله کوتاه ۱۲۱ کیلومتر ارتباط تهران - مازندران مزیت بزرگی برای استان مازندران به شمار می‌رود. در زمینه بین‌المللی نیز شبکه ارتباطی بسیار قوی و گسترده‌ای در مسیر کریدور بین‌المللی شمال - جنوب از هلسینکی (فنلاند)، به بندر لاوان (روسیه) تا ساحل دریای خزر راه‌های صادرات و واردات را برای مازندران فراهم کرده است.

### صنعت زمین‌گیر

استان مازندران در سال ۱۳۴۲ شمسی و در بین ۱۲ استان کشور با ۸۸۳ واحد صنعتی و صنفی، ۱۶ هزار و ۵۰۴ نفر کارگر و حجم سرمایه‌گذاری ۴ میلیون و ۶۳۱ هزار و ۱۸۹ ریالی، پس از پایتخت صنعتی‌ترین استان کشور بود. اما اکنون صنایع در مازندران اصلاً اوضاع خوبی ندارند به طوری که نساجی و صنایع چوب و کاغذ مازندران که دو صنعت مادر در استان به شمار می‌آیند در شرایط نگران‌کننده‌ای قرار گرفته‌اند.

### اعضای هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی ساری



رضا رستمی  
نایب‌رئیس



محمد چلنگری  
جوبیاری/ نایب‌رئیس



عبدالله مهاجر دارابی  
رئیس



امید حاجیان  
برنجستانی



امیر میران آملی



فریدین غلامپور  
عضو هیئت‌رئیس



علی تقی‌پور  
خزانه‌دار



ایوب فلاحت‌زاد



غلام عسگر بهزاد



سید مجید لطیفی



سید محمد جعفری



شهراب پورمداح



محمد ابوابی



موسی آقایی



اسماعیل یزدان‌پناه

### بهترین مسیرهای ارتباطی

استان مازندران از لحاظ نزدیک بودن به پایتخت و قرار گرفتن در مسیر راه‌های اصلی کشور، ارتباط با قطب اصلی اقتصادی و خدماتی کشور از طریق سه محور و ارتباط با استان‌های هم‌جوار شمالی و کشورهای حاشیه دریای خزر و وجود بندر و منطقه ویژه اقتصادی بندر امیرآباد، نوشهر و فریدونکنار از اهمیت و جایگاه بالایی در صنعت حمل‌ونقل برخوردار است. طبق نظر کارشناسان، وجود بندر امیرآباد در منطقه شرق و ارتباط با کشورهای حوزه دریای خزر فضای بسیار مناسبی برای توسعه استان در بخش اشتغال و کارآفرینی و تولید و رشد اقتصادی است.

قرار گرفتن مازندران در ساحل جنوبی بزرگ‌ترین دریاچه جهان به نام دریای خزر و هم‌جواری با چهار کشور ساحلی این دریا یعنی ترکمنستان، قزاقستان، روسیه و جمهوری آذربایجان از یک سو و واقع شدن در شمال کلان‌شهر تهران از سوی دیگر، باعث شده تا از موقعیت جغرافیایی استراتژیکی برخوردار شود و بتواند از مزیت‌های اقتصادی فراوانی که چنین راه‌هایی برایش فراهم می‌کند بهره بگیرد. امتیاز حمل و نقل دریایی با کشورهای همسایه از طریق منطقه ویژه اقتصادی بندر امیرآباد، فریدونکنار

## معادن

زغال سنگ، سرب، سنگ آهک، سنگ مرمریت، نمک آبی، پوکه معدنی فلورین، بوکسیت و سیلیس از ذخایر معدنی استان هستند که برخی از آن‌ها به طور وسیعی بهره‌برداری می‌شود. حدود ۲۵۰ معدن در مازندران وجود دارد که از ۱۱۰ معدن این منطقه بهره‌برداری صورت می‌گیرد. یکی از مشکلات بزرگ معادن مازندران این است که مسئول فنی در آن‌ها وجود ندارد. در تیرماه امسال ایرنا گزارش داد که ۷۰ درصد معادن این استان مسئول فنی ندارند. نبود مسئول فنی و ایمنی در معادن نقص بزرگ و نقض آشکار مقررات است و با توجه به اینکه بیشتر معادن زغال سنگ کشور در مازندران فعال است، نبود مسئول ایمنی و فنی در این معادن پرخاطر قابل قبول نیست.

بنا به اعلام سازمان نظام مهندسی معدن مازندران از سه هزار و ۵۰۰ کارگر معدنی استان یک هزار و ۵۰۰ نفر در ۵۰ معدن زغال سنگ فعالیت می‌کنند. به گفته رئیس سازمان نظام مهندسی معدن مازندران در چهار سال اخیر چهار کارگر معدن استان حین کار دچار حادثه شدند و جان خود را از دست دادند. حضور مسئول فنی در معادن جزو الزامات در حین دریافت پروانه بهره‌برداری است. در آیین‌نامه اجرایی قانون معادن، حضور مسئول ایمنی در معادن بالای ۲۵ کارگر ضروری است اما با توجه به شرایط کار در معادن مازندران حضور مسئول ایمنی در تمامی معادن ضرورت دارد چراکه این افراد متخصص با بررسی‌های تیمی و کارشناسی می‌توانند جنبه‌های مختلف ایمنی معدن را ارزیابی بکنند به طوری که می‌توان گفت محیط کار ایمنی را برای کارگران فراهم می‌کنند.

حدود یک هزار و ۵۰۰ فارغ‌التحصیل رشته‌های معدنی مازندران عضو سازمان نظام مهندسی معدن هستند که از این تعداد ۴۵۰ نفر پروانه فعالیت دارند. آیین‌نامه اجرایی قانون معادن که در ماده ۶۵ آن عنوان شد انجام عملیات معدنی باید تحت نظر مسئول فنی و مسئول ایمنی و حفاظت در معادن انجام گیرد. همچنین در ماده ۶۶ این آیین‌نامه در تعریف مسئول فنی عنوان شد که مسئول فنی عملیات کسی است که اداره کلیه امور فنی معدن به عهده اوست و توسط دارنده پروانه عملیات از میان افراد واجد شرایط انتخاب و به وزارت معادن و فلزات معرفی می‌شود.

## هفت دوره اتاق ساری

با توجه به نقش و جایگاه اتاق‌های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی در ایجاد هماهنگی بین بازرگانان، صاحبان صنایع، معادن و کشاورزی، همکاری با دستگاه‌های اجرایی، تشکیل نمایشگاه‌های تخصصی بازرگانی خارجی، تلاش در شناسایی بازار کالاهای صادراتی ایران در بازارهای کشورهای هدف، تشویق و ترغیب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در امور تولیدی، برگزاری کلاس‌های آموزشی، اشخاص علاقه‌مند به اعتلای جایگاه بازرگانی و صادرات مازندران ایجاد چنین اتاقی به منظور هماهنگی بیشتر در امور مذکور در استان مازندران در سنوات قبل ضرورت آن احساس می‌شد. بنابراین اتاق بازرگانی، صنایع و معادن مازندران در شهریورماه ۱۳۷۴ با همت مسئولان وقت استان و اتاق ایران تأسیس شد و تاکنون هفت دوره از فعالیت این اتاق نیز می‌گذرد. لازم به ذکر است پس از تصویب و ابلاغ قانون بهبود فضای کسب و کار عنوان کشاورزی به آخر نام اتاق‌های سراسر کشور اضافه شد. اعضای هیئت نمایندگان اتاق‌ها بر اساس انتخابات از بین اعضای فعال اتاق هر چهار سال یک بار انتخاب می‌شوند. سپس در نخستین جلسه هیئت نمایندگان، از بین خود بر اساس انتخابات رئیس و اعضای هیئت رئیسه تعیین می‌کنند. آخرین انتخابات اتاق بازرگانی ساری در ۱۱ اسفند ۹۷ برگزار شد.

فقدان صنایع مادر به عنوان عامل محرک، چالش بزرگ مازندران در حوزه صنعت است و پشتیبانی و حمایت از صنایع مادر راه نجات از مرگ صنایع در این استان است. بزرگ‌ترین مشکل صنعت در این استان به زنجیره ارزش مربوط است. برای مثال، مجموعه‌ای مانند کاله نیاز به ظروف یکبار مصرف، پت و پلاستیکی، ماشین کار و غیره داشته که این صنایع جانی در کنار صنعت مادر و وابسته به آن فعالیت دارند اما اگر واحدهای خرد بدون صنعت مادر ایجاد شود در عمل جایی برای عرضه محصولات آنان وجود نداشته و وجود آن‌ها بی‌فایده است. می‌دانیم که وجود بنگاه‌های کوچک و متوسط بدون نگرش به صنعت مادر مشکلات زیادی درست می‌کند و مازندران هرچقدر صنایع مادر بزرگ‌تری داشته باشد صنایع وابسته و جانبی پایدارتر و در نتیجه موفقیت بیشتری در بخش صنعت خواهد داشت.

استان مازندران می‌تواند با شرکت‌های کشورهای دیگر در جهت رشد اقتصادی خود بکوشد. برای مثال، وجود منابع عظیم چوب در روسیه، بندر امیرآباد در استان مازندران و کارخانه چوب و کاغذ مازندران در قالب یک قرارداد و ایجاد سهام مشترک بین این شرکت‌های بین‌المللی می‌تواند بازارهای ترکیه و خلیج فارس را هدف قرار دهند و محصولات این بخش به راحتی در سطح جهانی عرضه شوند. سیاست‌گذاری و جهت‌دهی با شناسایی صنایع مادر در زمینه بازارهای بزرگ‌تر عرضه و هدایت سرمایه‌گذاری در این سمت برعهده مدیران است. صنایع خرد استان مازندران عمدتاً زیان‌ده هستند و باید تعطیل شوند. صنایع کوچک تکنولوژی پایین و مشکل بازاریابی دارند چرا که صاحب صنعت نبوده و تنها با هدف یک بهره‌برداری ساده رانندگی شده‌اند.

از سوی دیگر، بانک‌ها هم هیچ کمکی به صنعت نمی‌کنند. نرخ تورم اخیراً در کشور بیش از ۵۰ درصد بوده و اگر شما کسب و کاری داشته باشید که نتواند با سوددهی، بر تورم چیره شود پس زیان‌ده است. کسب و کاری که نتواند سود معمول بانکی را بازپرداخت کند، نبودش بهتر از وجودش است چراکه تفاوت تسهیلات کم‌بهره و معمول رقیمی شاید معادل چندصد میلیون تومان بوده و این میزان در معیار و اساس صنعت در قبال سرمایه‌گذاری میلیاردی بی‌معنی است. تقویت صناعی مانند کاله، مرغ مادر و گوشتی زربال و نظایر آنها می‌تواند در شکوفایی صنعت استان نقش داشته باشد. تقویت و حمایت همین اندک صناعی که می‌تواند به صورت مادر حرکت کنند و کسب و کارهای کوچک و متوسط جانبی ایجاد کنند سبب شکوفایی صنعت استان خواهد شد.



کلاردشت

استان مازندران  
از لحاظ نزدیک  
بودن به پایتخت  
و قرار گرفتن در  
مسیر راه‌های  
اصلی کشور،  
ارتباط با قطب  
اصلی اقتصادی  
و خدماتی کشور  
از طریق سه  
محور و ارتباط  
با استان‌های  
هم‌جوار شمالی  
و کشورهای  
حاشیه دریای  
خزر و وجود بندر  
و منطقه ویژه  
اقتصادی بنادر  
امیرآباد، نوشهر  
و فریدونکنار از  
اهمیت و جایگاه  
بالایی در صنعت  
حمل و نقل  
برخوردار است

# ..... خصوصی سازی .....

[ این صفحه ها تجربه کشورهای مختلف جهان را در زمینه خصوصی سازی مرور می کند. ]

## سیاست های فاسد

### دید چاوز به بخش خصوصی

شرکت مخابرات این کشور سهم دارد) در سال ۱۹۹۱ خصوصی اعلام شد، بسیاری از مقامات این اتفاق را اشتباه دانستند. روند رو به رشد استخراج مواد خامی که در کف بستر رودخانه اورینوکو قرار دارند نیز باید تحت کنترل دولت قرار گیرد. اعلام ملی کردن این بخش ها فقط نمونه ای کوچک از آن چیزی است که در دوران ریاست سوشم رخ داد. او بر این باور بود که در صورت تفویض اختیارات بیشتر از سوی مجلس به رئیس جمهور، روند دولتی کردن شرکت های خصوصی را نیز آغاز خواهد کرد و برای به اجرا درآوردن مجموعه ای از قوانین انقلابی از مجلس درخواست اختیارات ویژه ای کرد. به طوری که در همین چارچوب و با اخذ اختیارات ویژه، بانک مرکزی ونزوئلا را نیز تحت نظارت دولت درآورد.

رئیس جمهوری وقت ونزوئلا مبنای سیاست خود را سوسیالیستی می دانست و در سخنرانی های خود اعلام می کرد که کشور را به سمت ایجاد یک جمهوری سوسیالیستی سوق می دهد. چاوز پیش از آنکه مجدداً برای بار سوم به عنوان رئیس جمهوری ونزوئلا برگزیده شود نیز قول داده بود سوسیالیسم را در این کشور نهادینه کند.

درواقع یک دوره طولانی قیمت های بالای جهانی برای صادرات مواد خام، مواد معدنی، نفت، گاز و محصولات کشاورزی موجب شکوفایی اقتصادی این کشورها شد. این جهش جهانی قیمت های کالاهای پایه، درآمد کشورهای آمریکای لاتین را افزایش و به دولت های آنها، ظرفیت اقتصادی افزایش هزینت های عمومی و بسط یارانه فقر به سطوحی بی سابقه را داد. شکوفایی اقتصادی این کشورها در دهه گذشته بیش از هر چیزی ناشی از عوامل خارجی بود و اما همان طور که شرایط کنونی ونزوئلا نشان می دهد سیاست های اقتصادی دولت های پوپولیست، ناپایدار و حتی مضر از کار درآمده است. گفته می شود سیاست هایی به نام «چاویزمو» باعث نابودی اقتصاد این کشور شد. ■

«باید هرآنچه را تاکنون خصوصی شده، ملی کرد.» و شنبه ۸ ژانویه (۱۸ دی) سال ۱۳۸۵ هوگو چاوز، رئیس جمهور وقت ونزوئلا مطرح کرد که تمامی شرکت های خصوصی این کشور مجدداً دولتی شوند.

زمانی که چاوز برای نخستین بار در سال ۱۹۹۹ به قدرت رسید، خود را به بیشتر به عنوان رهبر «راه سوم» می دید؛ گرایشی به سوی شخصیت هایی مانند تونی بلر و آنتونی گیدنز وجود داشت. او همچنین به شدت تحت تاثیر میراث ملی گرایانه بولیواری که برای ونزوئلا جایگاه ویژه ای دارد و تجربه ها و محدودیت های سیستم پانتو فیجو بود که از سال ۱۹۵۸ کشور براساس آن اداره می شد. ونزوئلا در دهه ۱۹۶۰ میلادی پیگیر متنوع کردن درآمدهای خود بود تا با توسعه دیگر بخش های اقتصاد به جز نفت، گرفتار «فرین منابع» نشود. با این حال، در دهه ۷۰ بهای طلای سیاه چنان خیز گرفت که انگار سیل پول همیشه ادامه خواهد داشت. ونزوئلا که سال ها دموکراسی پایداری را به خود دیده بود، نتوانست چنان که باید اقتصاد خود را گونه گون کند اما مردم سالاری و رشد اقتصادی، آن را تبدیل به یکی از نمونه های حاکمیت در منطقه کرد. اما با اهمیت ندادن به بخش خصوصی و نادیده گرفتن این بخش، اقتصاد این کشور وارد رکود شد.

یکی از اشکالات این کشور توجه و وابستگی به درآمد نفتی بود. به طوری که دولت تمامی آن را در دست داشت و شرکت های خصوصی که در گذشته وجود داشتند نیز با سیاست های دولت از بین رفتند.

هوگو چاوز رئیس جمهوری سابق ونزوئلا ضمن اعلام تصمیم خود مبنی بر ملی کردن شرکت مخابرات این کشور افزود: «باید هرآنچه را تاکنون خصوصی شده، ملی کرد».

چاوز در سخنانی که پس از سومین سوگند خود در مقام رئیس جمهوری ایراد می کرد، گفت: ضروری است که تمام بخش هایی که پیش از سال ۱۹۹۹ خصوصی شده اند، تحت کنترل مجدد دولت درآیند. کشور باید تمامی بخش های استراتژیک تمامیت ارضی، امنیتی و دفاعی را مجدداً از آن خود کند. اما به طوری که کارشناسان معتقدند، سیاست های بد دولت و دزدی گسترده از پول عموم از سوی سیاستمداران فاسد متحد دولت های چاوز و مادورو در ونزوئلا موجب بحران این کشور شد.

چاوز شرکت های مخابرات، آب و برق ونزوئلا به عنوان مراکزی می دانست که باید تحت کنترل دولت درآیند. چاوز گفت: زمانی که CANTV (شرکت ملی تلفن های ونزوئلا که ۶ درصد در

#### متین دخت والی نژاد

خبرنگار بخش خصوصی سازی



# مسیر از ثروت به فقر

## ونزوئلا کجا اشتباه کرد؟



دف دسجاردینز

نویسنده نشریه فوربز

کشوری که زمانی یکی از قدرت‌های اقتصادی و یکی از پولدارترین کشورهای جهان بود، امروز در رکود شدیدی دست پا می‌زند. ونزوئلا طی دست کم ۵ سال از ۶ سال ریاست‌جمهوری نیکلاس مادورو، شاهد بحران بی‌سابقه سیاسی و اقتصادی بوده است. طی این مدت بیش از ۳ میلیون نفر از مردم این کشور زیر فشار فقر به کشورهای همسایه گریخته‌اند. انقلاب ونزوئلایی‌ها را به خاطر قهرمان آن یعنی هوگو چاوز، «چاویزمو» می‌خوانند. چاوز از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۳ رئیس‌جمهور ونزوئلا بود. او زمانی که در قدرت بود در گذشت. نیکلاس مادورو، نخست‌وزیر چاوز ۶ هفته پس از درگذشت او در انتخاباتی ویژه، رئیس‌جمهور شد. او به هواداران انقلاب ونزوئلا که آنها را «چاویزتا» می‌خوانند می‌گفت که پرندهای کوچک برای او از رهبر فقید ونزوئلا خبر می‌آورد. مادورو از همان ابتدا خود را «پسر چاوز» نامید و گفت که هر آنچه انجام می‌دهد بر مبنای خواست و فرامین «فرمانده چاوز» است.

باید توجه داشت که ونزوئلا زمانی ثروتمندترین کشور آمریکای جنوبی بود. در دسیر از رکود اقتصادی شروع شد، آن هم رکودی که توری می‌شد. ونزوئلا از سال ۲۰۱۳ وارد رکود شد و سال به سال بیشتر در آن فرورفت. همراه این انقباض، تورمی رشد کرد که در تاریخ کم‌سابقه شد. تورم در سال ۲۰۱۷ به ۲۶۱۶ درصد و در ژوئن ۲۰۱۶ به بیش از ۴۶ هزار درصد رسید. هم‌زمان، بولیوار، پول ونزوئلا چنان بی‌ارزش شد که خریداران به جای شمردن اسکناس‌ها، آن را وزن می‌کنند.

نفست که در سال‌های ۲۰۱۲، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ بهایی بالای ۱۰۰ دلار داشت، در سال ۲۰۱۵ تحت فشار مازاد عرضه قرار گرفت و در سال ۲۰۱۶ حتی بهایی نزدیک ۲۰ دلار را هم تجربه کرد. پولی برای دولت نماند، نه فقط برای ولخرجی‌های پوپولیستی گذشته، که برای اداره امور اساسی. کار به آنجا رسید که شرکت دولتی نفت ونزوئلا (PDVSA) حتی پولی برای پرداخت به شرکت‌های خارجی استخراج‌کننده نداشت.

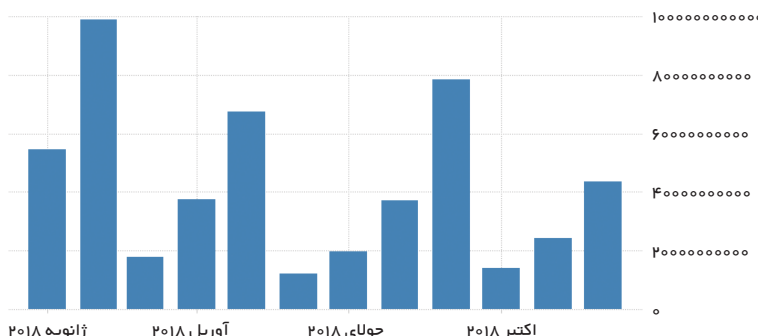
با نادر شدن کالاهای اساسی و دارو، قتل و غارت عادی شد. فروشگاه‌ها خالی شدند و خدمات درمانی در بسیاری از مناطق، تعطیل. حتی از واردات غذا به بهانه از دست رفتن شغل‌های داخلی ممانعت به عمل آمد تا واردات غذا در نیمه نخست سال ۲۰۱۶ به نصف برسد. این سیاست‌ها چنان وضعیتی ایجاد کرد که باعث شد دولت مرکزی کنترل قیمت‌ها را کنار بگذارد، اما بهای کالاهای گوناگون آن قدر بالا رفت که خریدش برای کمتر کسی ممکن بود.

اقتصاد ونزوئلا چند سال است منقبض شده و تورم به درصدی ناآشنا رسیده است. ریکاردو هوسمان، وزیر برنامه‌ریزی پیشین ونزوئلا چندی پیش به الجزیره گفته بود: «فروپاشی اقتصادی، وضعیت از سال ۲۰۱۳ به بعد را بزرگ‌ترین رکود تاریخ در نیمکره غربی می‌کند، رکودی که تقریباً دو برابر رکود بزرگ آمریکا است.» تنها یک سال پس از شروع این وضعیت، نرخ قتل‌ها در شهرها برابر با نرخ قتل‌های شهروندان غیرنظامی در عراق جنگ‌زده ۲۰۰۴ بود.

این در حالی بود که با انتخابات مجدد، چاوز در سال ۲۰۰۶ با اکثریت قاطع و با کسب ۶۳ درصد آراء از مشارکت کل ۷۵ درصدی، برنده انتخابات شد. پس از انتخابات ۲۰۰۶ دولت به فاز سوم حرکت کرد که مشخصه آن رشد دخالت دولت در اقتصاد و عدم تحمل تکرارگری ایدئولوژیک در داخل بود. پروژه چاویزتا، بیش از پیش بر ملی کردن تمرکز کرد و هرچه بیشتر به درآمد حاصل از صادرات نفت وابسته شد. روند ملی شدن که در آغاز بر بخش‌های کلیدی اقتصاد، نظیر برق و مخابرات تمرکز یافته بود، به تدریج پراکنده، گاه‌وبیگاه و موردی و فاقد عمومیت شد. حکومت به دنبال مدیریت متمرکز واحدهای ملی شده بود و وزارت کار در خصومت با اتحادیه‌های کارگری کنترل این بخش‌های ملی شده را در دست گرفت. افول اقتصاد ونزوئلا هنگامی آغاز شد که هنوز چاوز رئیس‌جمهور بود. انقباضی در سال ۲۰۰۹ اتفاق افتاد که در پی آن یک رکود اقتصادی در سال بعد رخ داد. اقداماتی که دولت وقت انجام داد نظیر گسترش کنترل بر قیمت‌ها، اجرای سخت‌گیرانه‌تر نرخ ارز، استقراض خارجی و بالا نگه داشتن ارزش بولیوار بالاتر از قیمت دلار هنگامی که باید دچار کاهش ارزش می‌شد، باعث



اعتبار بخش خصوصی در کشور ونزوئلا



تا سال ۱۹۸۲ ونزوئلا همچنان ثروتمندترین اقتصاد بزرگ آمریکای لاتین بود. این کشور از ثروت گسترده نفت خود برای پرداخت هزینه‌های برنامه‌های اجتماعی از جمله مراقبت‌های بهداشتی، آموزشی، حمل و نقل و یارانه‌های غذایی استفاده کرد. کارگران ونزوئلا جزو پردرآمدترین افراد در منطقه بودند.



امروز، ونزوئلا یکی از فقیرترین اقتصادهای بزرگ آمریکای لاتین را دارد و همچنین صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی می‌کند که وضع بدتر شود. این سازمان پیش‌بینی می‌کند که تا سال ۲۰۲۲ سرانه تولید ناخالص داخلی ونزوئلا فقط ۱۲ هزار و ۲۱۰ دلار خواهد بود. در حال حاضر اقتصاد ونزوئلا حتی فقیرتر از سال‌ها قبل از آغاز دوره جاوز است.

سال ۱۹۹۶ (۹۹٫۹ درصد) به اوج خود رسید. بدون وارد شدن پول کافی، کشور در تلاش برای حفظ استانداردهای زندگی باید به چاپخانه‌های خود اعتماد می‌کرد.

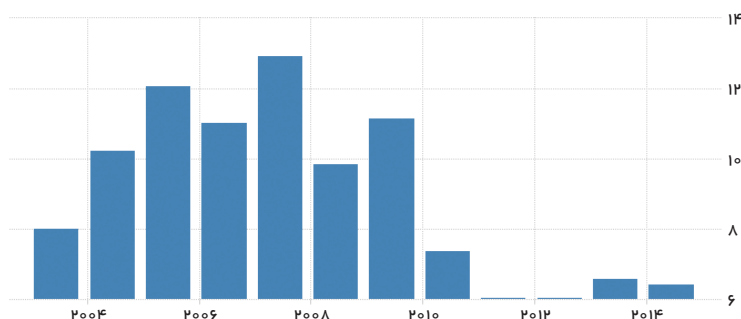
در سال ۱۹۹۸ هوگو چاوز با این قول انتخاب شد که در ونزوئلا فقر را کاهش و سطح زندگی را با تکیه بیشتر به ثروت انرژی کشور افزایش دهد. بهبود قیمت نفت باعث تحقق این امر در دهه ۲۰۰۰ شد و چاوز بعداً در سال ۲۰۱۳ درگذشت.

#### مسکن موقت

نیکولاس مادورو که پس از مرگ چاوز قدرت را به دست گرفت، تقریباً بلافاصله سقوط قیمت نفت را مشاهده کرد، در همین زمان بود که نبرد شدید ونزوئلا با تورم تازه آغاز شد. پول ملی، بولیوار ونزوئلا، به‌زودی تقریباً بی‌ارزش شد.

در حال حاضر این کشور با کمبودهای گسترده مواد غذایی، برق و سایر کالاهای اساسی روبه‌رو است و خشونت در کاراکاس افزایش پیدا کرده است. اخیراً دولت در تلاش است تا قدرت خود را محکم کند و سوءمدیریت اقتصادی باعث شده است که مردم به دلیل گرسنگی به خیابان‌ها بپردازند. مردم این وضعیت را یک بحران حقوق بشری می‌دانند که بسیار ناامیدکننده است.

ونزوئلا - تشکیل سرمایه ثابت ناخالص؛ بخش خصوصی (% از تولید ناخالص داخلی)



حرکت اقتصاد این کشور به سمت رکود شدیدی شد. همچنین بسیاری از یارانه‌های عمومی بازدارنده را حفظ کردند، از جمله ۱۵ میلیارد دلار برای پایین نگه داشتن بهای بنزین داخلی اختصاص داده شد که به سود طبقه متوسط صاحب اتومبیل بود.

#### قدم‌های اشتباه نفتی

در سال ۱۹۵۰ زمانی که بقیه جهان در تلاش برای بازیابی از پی جنگ جهانی دوم بود، ونزوئلا دارای چهارمین تولید ناخالص داخلی برتر سرانه در کره زمین بود. این کشور ۲ برابر شیلی، ۴ برابر ژاپن و ۱۲ برابر چین ثروت داشت. متأسفانه برای ونزوئلا، این ثروت دوام نداشت و اعتماد بیش از حد به نفت اقتصاد این کشور را به روش‌های غیرمنتظره‌ای نابود کرد.

البته از سال ۱۹۵۰ تا اوایل دهه ۱۹۸۰ اقتصاد ونزوئلا رشد مداوم را تجربه کرد. تا سال ۱۹۸۲ ونزوئلا همچنان ثروتمندترین اقتصاد بزرگ آمریکای لاتین بود. این کشور از ثروت گسترده نفت خود برای پرداخت هزینه‌های برنامه‌های اجتماعی از جمله مراقبت‌های بهداشتی، آموزشی، حمل و نقل و یارانه‌های غذایی استفاده کرد. کارگران ونزوئلا جزو پردرآمدترین افراد در منطقه بودند. اما قدم به قدم همه‌چیز به سرعت در سراسیمگی قرار گرفت. در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی، گرانی نفت و سقوط قیمت نفت به پایان رسید که اقتصاد ونزوئلا را تجزیه کرد.

امروز، ونزوئلا یکی از فقیرترین اقتصادهای بزرگ آمریکای لاتین را دارد و همچنین صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی می‌کند که بدتر شود. این سازمان پیش‌بینی می‌کند که تا سال ۲۰۲۲ سرانه تولید ناخالص داخلی ونزوئلا فقط ۱۲ هزار و ۲۱۰ دلار خواهد بود. در حال حاضر اقتصاد ونزوئلا حتی فقیرتر از سال‌ها قبل از آغاز دوره جاوز است.

اگرچه درآمدهای نفتی برای حفظ نظم اجتماعی و سوسه‌انگیز است، اما اشکال آن این است که غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود. طبق گفته اوپک، ونزوئلا هنوز ۹۵ درصد صادرات خود را به نفت متکی است و این بدان معنی است که هرگونه نوسان در قیمت نفت می‌تواند تفاوت بین ثروت عظیم و فقر را بیشتر کند.

پس از فروپاشی قیمت نفت در دهه ۱۹۸۰ درآمد نفت ونزوئلا به میزان قابل توجهی کاهش یافت. در این زمان بود که ونزوئلا اولین دوره تورم را تجربه کرد، جایی که نرخ تورم در سال ۱۹۸۹ (۸۴٫۵ درصد) و بعد در

# ونزوئلا فقط یک کشور ناکام نیست یک شکست برای چپ‌ها است

محافظه کاران اشتباه نمی کنند وقتی می گویند سوسیالیسم مستحق و مقصر سقوط کشور است



تایلر کوئن

بلومبرگ

همان طور که ونزوئلا در حال تجربه سقوط اقتصادی و سیاسی است، کشور همچنان به دنبال مقصر است. در آمریکا، جمهوری خواهان کشور را «سوسیالیست» می نامند، و از مشکلات ونزوئلا به عنوان سلاحی علیه دموکرات‌های چپ‌گرای بیشتر استفاده می کنند. در مقابل، مفسران چپ می گویند که ونزوئلا بیشتر از آنکه یک آزمایش آرمان‌های سوسیالیستی باشد، بیشتر یک دولت نفتی با رهبری بد است. حق با چه کسی است؟

اگر به هزینه‌های دولت از دید درصد تولید ناخالص داخلی نگاه کنیم، به نظر می‌رسد ونزوئلا دور از سوسیالیسم است. در سال‌های اخیر هزینه‌های دولت در ونزوئلا حدود ۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری شده است، با توجه به اینکه این آمار کاملاً قابل اعتماد نیست. برای ایالات متحده آمریکا، رقم مربوطه حدود ۳۷ درصد است.

با این حال، اقتصادهای نوظهور معمولاً نمی‌توانند برنامه‌های دولتی مشابه کشورهای ثروتمند را داشته باشند، و نمی‌توانند آنها را با همان کارایی اجرا کنند. کشورهای فقیر که سعی در گسترش دولت‌های خود به اندازه کشورهای ثروتمندتر، مانند برزیل و ونزوئلا، دارند معمولاً با عملکرد اقتصادی فرعی روبه‌رو می‌شوند. این داستان‌هایی از دولت بزرگ است که برخی از محافظه کاران اظهار داشتند.

علاوه بر این، نرخ تغییرات بسیار مهم است. رقم ونزوئلا به حدود ۴۰ درصد از حدود ۲۸ درصد در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته است، که این تغییر بسیار سریع است. دولت ونزوئلا با افزایش سریع هزینه‌های دولت، پیامی را ارسال کرد مبنی بر اینکه مهم‌ترین ثروت‌های آینده،

رضایت دولت است و نه شروع مشاغل جدید. حتی می‌توانید صادرات را در نظر بگیرید که برای اکثر اقتصادهای در حال توسعه نقش ویژه‌ای دارد. آنها ارز را وارد می‌کنند، به بازارهای خارجی ارتباط می‌دهند و بخش‌هایی از اقتصاد را مجبور می‌کنند که با بهترین شرکت‌های خارجی رقابت کنند. با این حال بیش از ۹۰ درصد صادرات ونزوئلا نفت است و این منابع متعلق به دولت است. ونزوئلا برای این عامل اصلی و مهم رشد تقریباً به سوسیالیسم کامل نزدیک است.

شیلی با احتیاط ذخایر مس دولتی خود (همچنین یک صادر کننده بزرگ) را مدیریت کرده است، اما رهبران ونزوئلا با پول نفت دولت به عنوان یک صندوق سرخپوشان برای خود و خانواده‌هایشان رفتار کرده‌اند، و علاوه بر این در مقابل درآمدهای آینده نفت وام گرفته‌اند. دختر رئیس‌جمهور پیشین هوگو چاوز، که شش سال پیش درگذشت، هنوز هم یکی از ثروتمندترین زنان ونزوئلا است. البته این امر عمدتاً از منابع دولتی حاصل می‌شود، و این در حالی رخ داد که شهروندان ونزوئلا در حال غرق شدن بیشتر در فقر بودند.

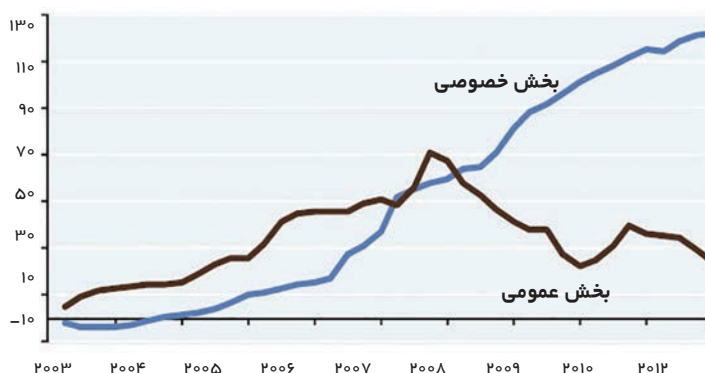
در واقع، دولت شرکت‌های بی‌شماری را ملی کرد - بیشتر بخش نفت را شامل می‌شود و بخش‌هایی از صنایع کشاورزی، حمل و نقل، نیرو، فولاد، ارتباطات از راه دور و امور مالی را در بر می‌گیرد. گرچه بسیاری از این ملی‌سازی‌ها در مقیاس اندک بودند، اما تهدید تجاوز بیشتر متوجه حقوق مالکیت خصوصی سرمایه‌گذاری بود و سیگنال اشتباهی را در مورد سرزمین آن کشور ارسال می‌کرد.

و این ممکن است مهم‌ترین نکته باشد: سوسیالیسم، سرمایه‌داری و سایر سیستم‌ها نه تنها برای شرایطی که ایجاد می‌کنند بلکه به دلیل ایده‌هایی که تبلیغ می‌کنند اهمیت دارند. حتی اگر این ایدئولوژی‌ها به صورت ناقص دنبال شوند.

یکی از راه‌های ساده برای ردیابی این تأثیر از چاوز، جست‌وجوی ویکی‌کوت‌ها است، جایی که سخنان فراوانی را در برابر جهانی‌سازی و اقتصاد بازار خواهید یافت. او در سال ۲۰۰۵ گفت: «خصوصی‌سازی یک برنامه نئولیبرالی و امپریالیستی است»؛ «سلامتی نمی‌تواند خصوصی شود زیرا این یک حقوق اساسی بشر است و همچنین نمی‌توان آموزش، آب، برق و سایر خدمات عمومی را ارائه داد. نمی‌توان آنها را به سرمایه‌های شخصی تسلیم کرد که مردم را از حقوق خود محروم می‌کند».

برخی مبالغه‌ها و مشخصه‌های اشتباه در جناح راست، مبنی بر اینکه سیستم ونزوئلا سوسیالیسم، ناب و ساده است وجود دارد. در عین حال، شواهد نشان می‌دهد که برای برخی از قسمت‌های چپ عقیدتی، اشتباهات در واقع بسیار واقعی است. ■

ارزش دارایی ونزوئلا (میلیارد دلار)



# .....همسایه‌ها.....

[ این صفحه‌ها به مرور وضعیت اقتصادی شرکای تجاری ایران در منطقه و فرصت‌های سرمایه‌گذاری در آنها می‌پردازد. ]



کارخانه ایرباس در شهر تولوز

بالا و پایین سرمایه‌گذاری در فرانسه

## اقتصاد شیک

### شخصیت فرانسوی‌ها

فرانسوی‌ها به تاریخ غنی کشورشان می‌بالند و از مباحث انتزاعی و نمادین لذت می‌برند. این سنت از زمانی شکل گرفت که پادشاهان فرانسه به بورژواها اجازه بحث و صحبت در مورد مسائل مختلف را دادند و مباحث فکری زیادی شکل گرفت. اما همین فرانسوی‌ها یک مشخصه دیگر هم دارند: اینکه به دولت اعتماد نمی‌کنند. این بی‌اعتمادی به سیستم، احتمالاً ریشه در انقلاب فرانسه و مناقشات پس از آن بین سلطنت‌طلبان و جمهوری‌خواهان دارد. با وجود این، فرانسوی‌ها ملی‌گرا هستند و علاقه به فرهنگ، تاریخ و ملیت در بین آنها زیاد است. به رغم اختلافات متعدد، به نظر می‌رسد که همین ملی‌گرایی باعث شده که فرانسوی‌ها پادیدگاه‌های مختلف همچنان در کنار هم بمانند. فرانسوی‌ها در عین حال به رهبران کاریزماتیک و قوی علاقه زیادی نشان می‌دهند و هر از چندگاهی، یک رهبر مورد توجه قرار می‌گیرد و بعد هم توجه مردم را از دست می‌دهد.

### تاریخچه اقتصاد فرانسه

فرانسه یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان است و در کنار اقتصادهایی مثل آمریکا، ژاپن، آلمان، ایتالیا و انگلیس قرار می‌گیرد. موقعیت مالی فرانسه بازتاب یک دوره بی‌سابقه و سی‌ساله رشد است که از پایان جنگ جهانی دوم شروع شد و تا اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی ادامه داشت. تنها در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۳، فرانسه شاهد سالانه شش درصد افزایش تولید ناخالص داخلی بود. در دوران پس از پایان بحران‌های نفتی دهه ۱۹۷۰، نرخ رشد اقتصادی در فرانسه کمتر شد و

### ۱ فرانسه را بهتر بشناسیم

فرانسه کشوری در غرب اروپا و یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان است. این کشور از دریای مدیترانه تا کانال منش و دریای شمال و نیز از رود راین تا اقیانوس اطلس کشیده شده و با بلژیک، لوکزامبورگ، آلمان، سوئیس، ایتالیا، اسپانیا و آندورا همسایه است. جمعیت فرانسه حدود ۶۷ میلیون نفر است و اکثر جمعیت آن مسیحی‌اند. این کشور جزو مهم‌ترین اعضای اتحادیه اروپا به شمار می‌رود و یک‌پنجم از تولید ناخالص داخلی حوزه یورو را نیز تامین می‌کند. حکومت فرانسه ملغمه‌ای از نظام‌های ریاست جمهوری و پارلمانی است که از سنت‌های سیاسی و فرهنگی زیادی در گذشته نشئت گرفته است. فرانسه کشوری است که در قیاس با برخی کشورهای اروپایی دیگر، تراکم جمعیت کمتری دارد ولی مشخصه‌های اصلی جمعیت فرانسه روی فرهنگ سیاسی این کشور تاثیر زیادی گذاشته‌اند. از سوی دیگر، امروزه جمعیت زیادی از مردم این کشور در شهرها ساکن‌اند اما همچنان فضای روستایی و کشاورزی نیز در فرانسه به قوت خود باقی مانده است. با وجود این، یک شکاف بزرگ اجتماعی و اقتصادی میان پارسی‌ها و سایر مردم فرانسه وجود دارد چون درآمد سرانه مردم پاریس تقریباً ۶۰ درصد بیشتر از بقیه است. فرانسه از بابت محصولات کشاورزی و دامداری، غلات و پنیر رتبه بالایی در کیفیت در سطح جهان دارد. جغرافیای فرانسه هم روی توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی این کشور تاثیر زیادی گذاشته و خاک حاصل‌خیز این کشور نقش مهمی در شهرت آن به عنوان مرکز خوراک درجه یک دنیا داشته است.

### کاوه شجاعی

دبیر بخش همسایه‌ها

بحران برای فرانسه هم آهسته بوده، به خصوص به این جهت که درآمد مالیاتی دولت کاهش یافته بود، قدرت خرید مصرف‌کننده پایین آمده بود و کسری بودجه فرانسه بالاتر از متوسط کشورهای دیگر حوزه یورو شده بود. مدرنیزه کردن اقتصاد از راه انجام اصلاحات نیز که در آن زمان از سوی دولت نیکلا سارکوزی دنبال می‌شد، در داخل این کشور باعث نامحبوب شدن دولت او شد. مجموعه شرایط آن زمان به تدریج به افزایش نرخ بیکاری در میان جوانان انجامید که نتیجه آن مدت‌ها بعد در جریان تظاهرات جلیقه‌زدها هم خودش را نشان داد. این یکی از بزرگ‌ترین درس‌های سیاست‌گذاران در فرانسه است.

### کسب‌وکار کشاورزی

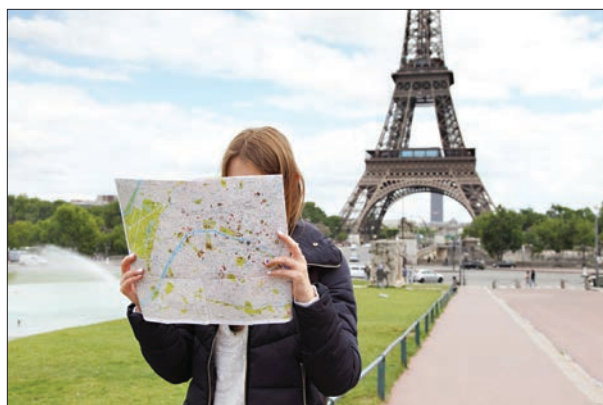
کشاورزی در فرانسه از قدیم‌الایام اهمیت زیادی داشته و محصولات کشاورزی و دامداری فرانسه در دنیا به شدت هواخواه دارند. اما کسب و کار کشاورزی در فرانسه مدت‌هاست که تغییر کرده. ساختار مزارع دستخوش تحولات زیادی شده و تعداد کسب و کارهای کشاورزی هم پایین آمده و بسیاری از مزارع کوچک از بین رفته‌اند. در مقابل، مساحت متوسط مزارع به وضوح بالا رفته و هولدینگ‌های بزرگ آنها را در اختیار گرفته‌اند. این شرایط به خصوص در مناطق تولیدکننده غلات در فرانسه - مشهور به حوزه پاریس - دیده می‌شود. در مقابل، هولدینگ‌های کوچک را می‌توان در مناطق مدیترانه‌ای فرانسه مشاهده کرد. در عین حال، تحولات تکنیکی زیادی رخ داده که از جمله آنها می‌توان به استفاده از محیط‌های کنترل شده برای تولید محصول اشاره کرد. مجموعه این تغییرات باعث افزایش شدید بازده محصولات کشاورزی اصلی فرانسه شده است.

از لحاظ جنگل‌داری هم فرانسه موقعیت ممتازی در اروپا دارد چون مساحتی برابر با ۱۴۸ هزار کیلومتر مربع از خاک فرانسه را جنگل تشکیل می‌دهد و امور مختلف در حوزه جنگل‌داری باعث ایجاد شغل برای ۸۰ هزار نفر شده است. مناطق جنگلی فرانسه بیشتر از بوردو تا نزدیکی مرز با لوکزامبورگ کشیده شده‌اند.

اما از سوی دیگر، فرانسه با وجود داشتن سواحل و بنادر زیاد، صنعت شیلات بزرگی ندارد. از دهه ۱۹۷۰ تاکنون، صید متوسط سالانه در این کشور ۷۰۰ هزار تن بوده و در قرن بیست و یکم تعداد ماهی‌گیران در این کشور به کم‌تر از ۱۶ هزار نفر رسیده است. مشکلات مختلفی مثل عدم مدرن‌سازی قایق‌های ماهی‌گیری و نیز آلودگی از جمله مهم‌ترین علل عدم توسعه صنعت شیلات در فرانسه بوده‌اند.

### بخش منابع و نیرو

فرانسه برخلاف وفور نعمت در عرصه کشاورزی، از منابع انرژی طبیعی چندانی برخوردار نیست. ذخایر زغال سنگ در این کشور حدود ۱۴۰ میلیون تن است ولی استخراج آنها هزینه‌بر و سخت است و کیفیت بالایی هم ندارد. به همین جهت بوده که استخراج زغال سنگ فرانسه کمتر و کمتر شد و در سال ۲۰۰۴ هم آخرین معدن زغال سنگ در این کشور بسته شد. سایر منابع هم در فرانسه زیاد نیستند. مثلاً گاز طبیعی برای اولین بار در



گردشگری یکی از مهم‌ترین منابع درآمد فرانسه است.

نرخ بیکاری بالا رفت. اما در پایان دهه ۱۹۸۰ دوباره رشد فرانسه بیشتر شد و این روند بعداً در قرن بیست و یکم هم ادامه یافت.

اما همان دوران پس از جنگ جهانی دوم باعث شده بود که ساختار اقتصادی فرانسه به شکل قابل توجهی تغییر پیدا کند. در دهه ۱۹۵۰ بخش کشاورزی و صنعت بخش‌های غالب بودند اما بعداً بخش‌های خدماتی و اداری به بزرگ‌ترین کارفرماها و پدیدآورندگان ثروت ملی بدل شدند. تفاوت دیگر هم این بود که قبلاً مناطق بسیار شهری‌شده و صنعتی‌شده در شمال و شمال شرق فرانسه داشتند به سرعت توسعه پیدا می‌کردند اما در دهه ۱۹۸۰، نقش این مناطق کم‌رنگ‌تر شد و فرصت‌های شغلی و نیز جمعیت در آنها کمتر شد.

### اقتصاد معاصر فرانسه

رشد معاصر اقتصاد فرانسه متوجه مناطقی است که در جنوب و نیز غرب این کشور قرار گرفته‌اند. همچنین با وجود غلبه بخش خصوصی، سنت اقتصاد ترکیبی در فرانسه جا افتاده است. دولت به صورت نیمه یا کامل، بسیاری از شرکت‌های بزرگ از جمله ایرفرانس و فرانس تله‌کام را خصوصی کرده است. با وجود این، حضور دولت در بخش‌های زیادی کاملاً بالاست که از جمله آنها می‌توان به نیرو، حمل و نقل عمومی و صنایع دفاعی اشاره کرد. دولت‌های مختلف فرانسه برای حمایت از انواع فعالیت‌های اقتصادی مداخلاتی را صورت داده‌اند که در برنامه‌های ملی و صنایع ملی شده این کشور خودش را نشان می‌دهد.

در حال حاضر، بخش خدمات مهم‌ترین نقش را در اقتصاد فرانسه ایفا می‌کند و هفتاد درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور از بخش خدمات نشئت می‌گیرد. در بخش تولید، فرانسه یکی از پیشروهای جهانی در عرصه خودرو، هوافضا، ریل و همچنین وسایل آرایشی و کالاهای لوکس است. فرانسه همچنین نیروی کار بسیار تحصیل‌کرده‌ای دارد و بیشترین فارغ‌التحصیلان رشته‌های علمی در اروپا متعلق به این کشورند.

نزدیک‌ترین شریک تجاری فرانسه هم آلمان است که ۱۷ درصد از صادرات فرانسه نصیب آن کشور می‌شود و ۱۹ درصد از واردات فرانسه هم از آلمان می‌آید. صادرات عمده فرانسه ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل، تجهیزات هوا و فضا و پلاستیک است. واردات فرانسه نیز شامل نفت، خودرو و ماشین‌آلات مختلف است. از سوی دیگر، فرانسه پربازدیدترین کشور دنیاست و بخش گردشگری عظیمی دارد. در سال ۲۰۱۷ بیش از ۸۹ میلیون گردشگر از این کشور دیدن کردند.

اگر فرانسه را با اقتصادهای مشابه مقایسه کنیم می‌بینیم که این کشور توانسته بحران‌های اقتصادی را راحت‌تر از سر بگذراند. یک علتش این است که فرانسه وابستگی کمتری به تجارت خارجی دارد و نرخ مصرف خصوصی در این کشور بالاتر است. به همین جهت بود که به رغم وقوع بحران مالی جهانی، اقتصاد فرانسه فقط در سال ۲۰۰۹ کوچک شد و به اندازه برخی کشورهای دیگر از این بحران ضربه نخورد. با وجود این، احیای پس از



بخش خودروسازی فرانسه بسیار فعال است و دو تولیدکننده اصلی یعنی پژو و رنو سالانه مجموعاً ۴ میلیون دستگاه خودرو تولید می‌کنند و شمار زیادی از فرصت‌های شغلی در فرانسه را نیز آنها به وجود آورده‌اند.

جدا از کشاورزی، بنگلادش امروز در جهان به خاطر موفقیت صنعت نساجی اش شهرت دارد. این صنعت شامل پوشاک، بافتنی و انواع پارچه می شود و بیشترین درآمد صادرات بنگلادش (هشتاد درصد) را تأمین می کند و در این بخش تنها از چین توانسته سبقت بگیرد.

فرانسوی مثل هوافضا و دارویی/بهداشتی هنوز جزو مهم ترین ها در دنیا به حساب می آیند و پذیرای شرکا و سرمایه خارجی هستند. جمعیت نسبتاً مرفه این کشور هم جزو مصرف کنندگان اصلی خدمات بخصوص در حوزه های دیجیتال، آموزش و سفر در اتحادیه اروپا هستند. شرکت های سطح بالای خارجی می توانند در حوزه های مختلفی از جمله هوافضا، محصولات غذایی، آرایشی/بهداشتی، ریزالکترونیک، لجستیک، تجهیزات درمائی، بیوتکنولوژی، ارتباطات، فناوری اطلاعات، تجارت الکترونیک، تولیدات پیشرفته، شهرهای هوشمند و محیط زیست در فرانسه بازار مناسب خود را پیدا کنند. بازار محصولات غذایی فرانسه بازار پیچیده و بالعی است و تولید کنندگانی از سراسر دنیا به آن مواد اولیه می رسانند.

## ۴ چالش های سرمایه گذاری در فرانسه

برای ورود به بازار فرانسه باید محصول باکیفیت یا سطح بالایی برای عرضه داشته باشید و گرنه توان رقابت با شرکت های فرانسوی یا خارجی را نخواهید داشت. برای آنکه بتوانید محصولات خود را در فرانسه بفروشید باید بتوانید استانداردهای لازم اتحادیه اروپا را کسب کنید. ماجرای خروج انگلیس از اتحادیه اروپا (برگزیت) هم باعث بروز بلاتکلیفی هایی در اقتصاد فرانسه و کلاً اتحادیه اروپا شده است و هنوز نمی توان در مورد تبعات این روند به طور دقیق نظر داد. اگرچه مصرف کنندگان فرانسوی می توانند پذیرای محصولات جدید و مبتکرانه باشند، اما فرانسوی ها به طور کلی عادات خرید خود را به کندی تغییر می دهند.

## ۵ استراتژی ورود به بازار فرانسه

اگر چند سال پیش بود می شد گفت که برای ورود به بازار فرانسه بهتر است با یک توزیع کننده محلی قرارداد ببندید و از طریق او وارد بازار شوید. اما حالا اوضاع فرق کرده و شبکه های سنتی توزیع با ورود بازیگران جدید مختل شده اند. این بازیگران جدید با قدرت گیری اقتصاد غیرمتمرکز دیجیتال وارد صحنه شده اند و استراتژی شما هم برای ورود به بازار فرانسه نمی تواند بدون توجه این روند شکل بگیرد.

## ۶ آداب مذاکره با فرانسوی ها

فرانسوی ها ترجیح می دهند به جای ایمیل و تلفن، با آن ها رودررو طرف شوید. تجار فرانسوی به وقت شناسی، رسمی بودن و سنت ها اهمیت فراوان می دهند. سعی کنید حتماً چند کلمه و جمله فرانسوی بلد باشید تا بتوانید میزبانان را تحت تأثیر قرار دهید. اگر می خواهید با تجار فرانسوی قرار کاری بگذارید بهتر است از دو هفته قبل، تاریخ قرار را مشخص کرده باشید. اصولاً در فرانسه عجله کار ساز نیست و تجار به اهداف بلندمدت فکر می کنند. همان طور که حدس زده اید موقع قرار باید لباس رسمی بپوشید و این لباس باید شیک باشد و ارزان نباشد. مذاکره تجاری را با گفت و گوی شخصی مخلوط نکنید و درباره زندگی خصوصی طرف مقابل اصلاً سوال نپرسید.



ایر فرانس یکی از بزرگترین شرکت های هواپیمایی اروپاست.

سال ۱۹۵۷ در جنوب غربی فرانسه کشف شد و به تدریج تولید آن بالا رفت اما از سال ۱۹۷۸ این تولید کاهش یافت و در اواخر دهه ۱۹۹۰ تقریباً تولید خاصی وجود نداشت. به همین دلیل، فرانسه به گاز وارداتی وابسته است و از دریای شمال (نروژ و هلند) و نیز از الجزایر و روسیه گاز وارد می کند. فرانسه ذخایر نفتی اندکی هم دارد. اما در این کشور چنان رودهای خروشان و پرسرعتی وجود دارد که انرژی هیدروالکتریک را به وفور برای تولید نیرو فراهم می کند.

در دوران پس از جنگ جهانی دوم، افزایش تقاضا برای انرژی در کنار افزایش رشد اقتصادی مشاهده شد و در دهه های بعد هم این تقاضا فراز و نشیب های زیادی داشت. در قرن حاضر، تقاضا برای انرژی های غیر نفتی هم در فرانسه زیاد است. به خصوص انرژی هسته ای تقاضای زیادی دارد و بیش از یک سوم مصرف اصلی انرژی در این کشور را تشکیل می دهد. با وجود این، از آنجا که نفت مهم ترین واردات انرژی فرانسه بوده، این کشور پالایشگاه های فعال و زیادی هم دارد.

## بخش صنعت و تولید

بخش صنعت در فرانسه مدت ها موتور محرک اقتصادی این کشور بود اما حالا فقط یک چهارم از نیروی کار کشور را به خدمت گرفته و سهمش در تولید ناخالص داخلی هم همین قدر است. علت این است که رقابت خارجی بالاست، مصرف داخلی به اندازه کافی بالا نیست، سرمایه گذاری کم شده و مدرنیزاسیون صنعت به درستی انجام نگرفته است. در سال های اخیر تلاش هایی برای تغییر این وضع صورت گرفته که کاملاً موثر نبوده است. در عرصه تولید نیز هفت بخش مهم در فرانسه مشاهده می شود: وسایل حمل و نقل، مواد شیمیایی، متالورژی، مهندسی مکانیک، وسایل الکترونیک، مواد غذایی و نساجی. بخش خودروسازی فرانسه نیز بسیار فعال است و دو تولید کننده اصلی یعنی پژو و رنو سالانه مجموعاً ۴ میلیون دستگاه خودرو تولید می کنند و شمار زیادی از فرصت های شغلی در فرانسه را نیز آنها به وجود آورده اند.

## ۲ آیا تجارت با فرانسه دشوار است؟

بانک جهانی در رتبه بندی سال ۲۰۱۹ خود فرانسه را به لحاظ آسانی بازرگانی و راه اندازی کسب و کار در رتبه ۳۲ قرار داده است.

رتبه فرانسه در حوزه های متفاوت مربوط به آسانی کسب و کار در میان ۱۹۰ کشور	
۳۰	راه انداختن کسب و کار
۹۶	ثبت ملک
۱۴	گرفتن مجوز برق
۱۲	اجرای کردن قراردادها
۱۹	گرفتن مجوز ساخت
۱	بازرگانی با خارج از مرزها
۳۸	حمایت از سرمایه گذاران اقلیت
۲۸	اعلام ورشکستگی و جمع کردن کسب و کار
۵۵	پرداخت مالیات
۹۹	گرفتن وام

## ۳ فرصت های سرمایه گذاری در فرانسه

در کدام حوزه ها وارد شویم؟

وزارت بازرگانی آمریکا در گزارشی در مورد اقتصاد فرانسه نوشته است: فرانسه اقتصادی توسعه یافته با پایگاه مصرفی بزرگ، متنوع و پیچیده و همچنین نیروی کاری تحصیل کرده و متخصص است. با اینکه میزان تولید کارخانهای نسبت به GDP کاهش پیدا کرده، صنایع

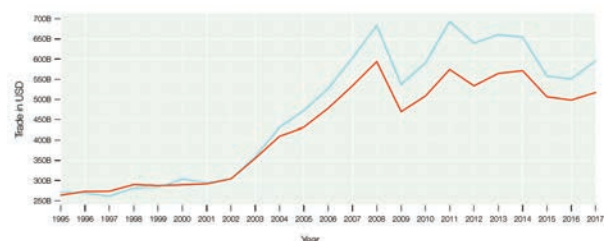
## ۷ مهم‌ترین اکسپوهای فرانسه

نمایشگاه‌های تجاری فرصتی عالی است تا کسب‌وکاران را به نمایش بگذارید و مشتری‌ها و شرکای آینده‌تان را ملاقات کنید. این لیست مهم‌ترین اکسپوهای است که در طول سال در فرانسه برگزار می‌شود:

اکسپو	شهر	زمان	موضوع
Glassman Europe	لیون	دوسالانه	نمایشگاه بین‌المللی تولید شیشه
Innov-Agri Grand Sud-Ouest	اوند	دوسالانه	نمایشگاه کشاورزی مبتکرانه
Equipmag	پاریس	دوسالانه	تکنولوژی و تجهیزات فروشگاهی
Salon de L'Automobile de Lyon	لیون	دوسالانه	نمایشگاه بین‌المللی اتومبیل
JEC World Composites Show	پاریس	سالانه	نمایشگاه بین‌المللی مواد کامپوزیت

## ۸ تراز تجاری فرانسه

طی دو دهه اخیر فرانسه در اکثر سال‌ها کسری تراز تجاری داشته و وارداتش بیشتر از صادراتش بوده است. این کسری در ۱۹۹۵ حدود ۷۰۱ میلیارد دلار بوده و در سال ۲۰۱۷ به حدود ۷۸۶ میلیارد دلار رسیده است.



## ۹ به فرانسه چه صادر کنیم؟ چه از آن وارد کنیم؟

فرانسه سال گذشته حدود ۵۶۸۴ میلیارد دلار کالا به سراسر جهان صادر کرد. این نسبت به سال ۲۰۱۷ رشدی ۸۶ درصدی و نسبت به سال ۲۰۱۴ حدود ۰۸ درصد رشد نشان می‌دهد.

### مهم‌ترین صادرات فرانسه در سال ۲۰۱۸ (به ترتیب ارزش به دلار)

ماشین‌آلات	۶۷۷ میلیارد دلار (۱۱٫۹ درصد کل صادرات)	۱
خودرو	۵۶۵ میلیارد دلار (۹٫۹ درصد)	۲
هواپیما/فضاپیما	۵۱۸ میلیارد دلار (۹٫۱ درصد)	۳
تجهیزات الکتریکی	۴۴۹ میلیارد دلار (۷٫۹ درصد)	۴
دارو	۳۳۸ میلیارد دلار (۶ درصد)	۵
محصولات پلاستیکی	۲۲۶ میلیارد دلار (۴ درصد)	۶
عطر/لوازم آرایشی	۱۹۷ میلیارد دلار (۳٫۵ درصد)	۷
نوشیدنی‌ها/سکره	۱۹۴ میلیارد دلار (۳٫۴ درصد)	۸
سوخت‌های معدنی	۱۸۷ میلیارد دلار (۳٫۳ درصد)	۹
تجهیزات پزشکی	۱۶۹ میلیارد دلار (۳ درصد)	۱۰

### مهم‌ترین واردات فرانسه در سال ۲۰۱۸

فرانسه سال ۲۰۱۸ حدود ۶۵۹ میلیارد دلار کالا وارد کرد که نسبت به سال ۲۰۱۴ حدود ۰۱ درصد کاهش و نسبت به سال ۲۰۱۷ رشدی ۷٫۵ درصدی داشته است.

ماشین‌آلات از جمله کامپیوتر	۸۳۷ میلیارد دلار (۱۲٫۷ درصد کل واردات)	۱
وسایل نقلیه	۷۳۹ میلیارد دلار (۱۱٫۲ درصد)	۲
سوخت معدنی از جمله نفت	۷۳۷ میلیارد دلار (۱۱٫۲ درصد)	۳
ماشین‌آلات و تجهیزات الکتریکی	۵۸۱ میلیارد دلار (۸٫۸ درصد)	۴
پلاستیک و محصولات پلاستیکی	۲۶ میلیارد دلار (۳٫۹ درصد)	۵
دارو	۲۵۲ میلیارد دلار (۳٫۸ درصد)	۶
هواپیما/فضاپیما	۲۱۱ میلیارد دلار (۳٫۲ درصد)	۷
تجهیزات پزشکی	۱۹۵ میلیارد دلار (۳ درصد)	۸
مواد شیمیایی آلی	۱۶۳ میلیارد دلار (۲٫۵ درصد)	۹
آهن و فولاد	۱۳۹ میلیارد دلار (۲٫۱ درصد)	۱۰

## ۱۰ شرکای تجاری فرانسه (به ترتیب ارزش صادرات/واردات به دلار)

### واردکننده‌ها

در سال ۲۰۱۸ کشورهای آلمان، آمریکا، اسپانیا، ایتالیا و بلژیک مقصد بخش عمده صادرات فرانسه بودند

آلمان	۱۴۷ درصد کل صادرات فرانسه (۸۳۳ میلیارد دلار)	۱
آمریکا	۸ درصد (۴۵۳ میلیارد دلار)	۲
اسپانیا	۷٫۸ درصد (۴۴۳ میلیارد دلار)	۳
ایتالیا	۷٫۵ درصد (۴۲۸ میلیارد دلار)	۴
بلژیک	۷٫۱ درصد (۴۰۴ میلیارد دلار)	۵
انگلینس	۶٫۸ درصد (۳۸۶ میلیارد دلار)	۶
چین	۴٫۳ درصد (۲۴۵ میلیارد دلار)	۷
هلند	۳٫۷ درصد (۲۰۹ میلیارد دلار)	۸
سوئیس	۳٫۳ درصد (۱۸۹ میلیارد دلار)	۹
لهستان	۲٫۱ درصد (۱۱۷ میلیارد دلار)	۱۰

### صادرکننده‌ها

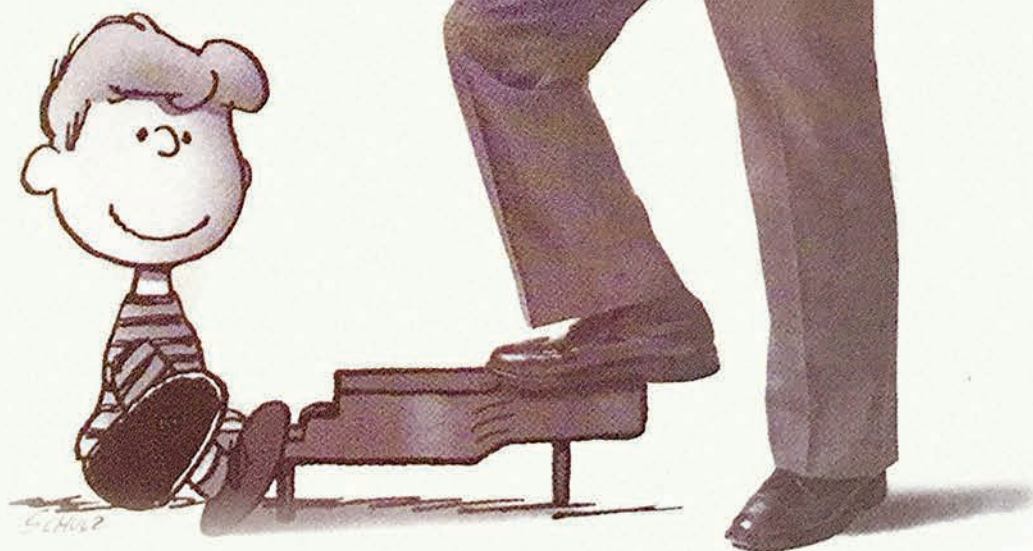
سال ۲۰۱۸ کشورهای چین، هند، سنگاپور، ژاپن و برزیل بیشترین کسری تراز تجاری را به فرانسه وارد کرده‌اند، یعنی صادراتشان به فرانسه بیشتر از وارداتشان از این کشور بوده است.

چین	۳۴۴ میلیارد دلار کسری تراز تجاری برای فرانسه	۱
آلمان	۱۹۱ میلیارد دلار	۲
هلند	۹۲ میلیارد دلار	۳
ایتالیا	۷۶ میلیارد دلار	۴
بلژیک	۶ میلیارد دلار	۵
آمریکا	۵۵ میلیارد دلار	۶
روسیه	۵۵ میلیارد دلار	۷
ویتنام	۴۹ میلیارد دلار	۸
ژاپن	۴۰۱ میلیارد دلار	۹
ایرلند	۴ میلیارد دلار	۱۰

# ..... کارآفرین .....

## ذهن کارآفرینی

اگرچه امروز کارآفرینی یک علم و استراتژی محسوب می‌شود و در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر جهان رشته‌ای تحت عنوان کارآفرینی آموزش داده می‌شود و حتی دانشکده‌ها و دپارتمان‌های مخصوص کارآفرینی وجود دارد، ولی کارآفرینی بیش از این که یک علم باشد یک «تفکر» و «رفتار فردی» محسوب می‌شود. کارآفرینان از جادوهایی استفاده می‌کنند که در هیچ دانشگاه و دانشکده‌ای فرمول آن وجود ندارد؛ شاید اگر کسی در وجود خود جنم کارآفرینی داشته باشد و در کلاس‌هایی شرکت کند و برنامه‌ریزی کردن، اصول تعیین استراتژی و... را آموزش ببیند در کاری که بعدها تأسیس خواهد کرد موفق‌تر باشد اما با کلاس کارآفرینی هیچ کس کارآفرین نخواهد شد. اصلاً کارآفرینی بیشتر از این که یک سری فرمول و راهبرد داشته باشد نیازمند فردی است که از خصوصیات درونی و ذهنی ویژه‌ای برخوردار باشد؛ مثلاً شجاعت ریسک کردن، تصمیم‌های مهم گرفتن، توانایی ارتباط برقرار کردن، نه گفتن و... را داشته باشد. مهدی فخارزاده، یکی از بزرگ‌ترین کارگزاران بیمه در آمریکا که در این پرونده نگاهی به زندگی او خواهیم داشت، به افرادی که می‌خواهند وارد کار شوند یک توصیه مهم دارد: «کاری را انتخاب کن که از آن لذت ببری.»



نگاهی به زندگی **مهدی فخارزاده**، یکی از بزرگ‌ترین کارگزاران بیمه در آمریکا

## فروشنده بیمه عمر

### ولی خلیلی

دبیر بخش کارآفرین ایرانی

فخارزاده می‌گوید: همیشه در این حرفه موفق نبودم. موانع و مشکلات متعددی داشتم. من خارجی بودم، زبان انگلیسی بلد نبودم و با آداب و رسوم آشنایی نداشتم، دوست یا آشنایی در اینجا (آمریکا) نداشتم، با این حال من یک عادت موفق ساختم.

«به یاد داشته باشید نباید به وضع موجود قانع بود بلکه باید تلاش کرد و یک گام جلوتر رفت.» این شعار زندگی مردی است که بیش از ۵۰ سال است در حوزه بیمه فعالیت می‌کند و یکی از بزرگ‌ترین کارشناسان بیمه به‌خصوص بیمه عمر در جهان شناخته می‌شود. مهدی فخارزاده ۹۷ ساله در اول اردیبهشت ۱۳۰۱ (۱۹۲۲ میلادی) در تهران و در خیابان خراسان به دنیا آمد. پدرش تاجر عمده‌فروشی خواروبار (قند و شکر، حبوبات، کشمش و...) بود و مهدی فخارزاده به یاد می‌آورد که بخشی از خانه بزرگ قدیمی آن‌ها در خیابان خراسان محل انبار گونی‌های کشمش، گردو و امثال آن بوده است. البته پدرش در کنار مغازه و باتوجه به اینکه با عمده‌فروش‌ها و راننده کامیون‌ها ارتباط داشت گه‌گاه هم به خرید و فروش کامیون ماک می‌پرداخت و پولی هم از



این راه کسب می‌کرد. پدر مهدی فخارزاده سواد اندکی داشت و بسیار مذهبی بود و در کسب و کار، حلال و حرام، صداقت و درستی برایش از هر چیزی مهم‌تر بود. مهدی فخارزاده در یک خانواده بسیار پرجمعیت با ۲۴ خواهر و برادر (از دو ازدواج پدرش) بزرگ شد و مادرش را در ۵ سالگی بر اثر بیماری حصبه و به دلیل خطای پزشکی و تجویز داروی اشتباه از دست داد. او در مصاحبه‌ای گفته این بزرگ‌ترین غم زندگی‌اش بوده است.

او تحصیلات ابتدایی را در مدرسه اقبال و تحصیلات سیکل اول را در دبیرستان دارالفنون پشت سر گذاشت و سپس تحصیلات سیکل دوم یعنی پایان دبیرستان را در دبیرستان دارایی به پایان رساند. با گرفتن دیپلم در کنکور سراسری شرکت کرد و در رشته حقوق دانشگاه تهران پذیرفته و در نهایت در سال ۱۳۲۵ فارغ‌التحصیل شد. مهدی فخارزاده با پایان تحصیل جذب بازار کار شد اما دو سال نگذشت که تصمیم گرفت برای ادامه تحصیل به آمریکا برود ولی خانواده به‌خصوص پدرش مخالف این موضوع بودند، البته در نهایت او توانست رضایت پدرش را جلب کند و در سال ۱۳۴۸ راهی آمریکا شود. مهدی فخارزاده با وجود اینکه در ایران در رشته حقوق تحصیل کرده بود در آمریکا مسیر تحصیلی خود را تغییر داد و در رشته اقتصاد شروع به تحصیل کرد. او در ابتدا در دانشگاه بیرینگ در ایالت یوتا فوق لیسانس اقتصاد خواند و سپس باتوجه به نمرات عالی توانست بورسیه تحصیلی در مقطع دکتری از دانشگاه واشینگتن و در رشته اقتصاد و تبلیغات دریافت کند. او هم‌زمان با تحصیل در رشته دکتری عاشق سیگرون فریدریک سدوتیر نجیب‌زاده ایسلندی شد که هم‌دانشگاهی او بود، البته به دلیل جایگاه خانواده دختر جوان ابتدا هم خانواده دختر و هم خانواده فخارزاده با این ازدواج مخالفت کردند اما در نهایت با پافشاری مهدی و دختر جوان، ازدواج آن‌ها در سال ۱۹۵۳ سر گرفت. مهدی فخارزاده مدتی بعد از ازدواجشان به دلیل قبولی همسرش در دانشگاهی در نیویورک به این شهر رفت و تحصیلاتشان را در نیویورک به پایان رساندند.

با پایان تحصیل، مهدی فخارزاده در سال ۱۳۳۴ (۱۹۵۵) به عنوان مأمور وصول حق بیمه عمر جذب شرکت متروپالتین لایف (Metlife) که یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های بیمه در سطح آمریکا و جهان بود شد. البته شغل وصول حق بیمه عمر اصلاً کاری دلخواه باتوجه به سطح تحصیلات و تخصصش نبود و تصور می‌کرد موقت خواهد بود اما باتوجه به وضعیت اقتصاد آمریکا و رکود شدید و بیکاری در نهایت در این شرکت مشغول به کار شد. مشکل بزرگ او این بود که هیچ سررشته‌ای از بیمه نداشت و برای همین کار در این زمینه برایش سخت بود اما شرایط ویژه اقتصادی و زندگی باعث شد با جدیت، سخت‌کوشی و پشتکار بسیار کار در این حوزه را شروع کند و باتوجه به اعتماد به نفس و روابط عمومی بالا بتواند خیلی زود در این حوزه به جایگاه مناسبی در شرکت متروپالتین لایف برسد. البته او در ابتدا درآمد بسیار کمی داشت و این موضوع را با همسرش که باردار بود در میان گذاشت تا از کار بیمه بیرون بیاید. او در مصاحبه‌ای گفته است همسرش در آن زمان

مهدی فخارزاده از چند سال پیش تصمیم گرفته است که در ایران موسسه‌های خیریه‌ای تأسیس کند ولی به دلیل تحریم‌ها برای نقل و انتقالات مالی از آمریکا با مشکلاتی مواجه شده است. هدف او راه‌اندازی یک مرکز آموزشی مدرن در ورامین و تأسیس بنیاد خیریه جهت کمک به کودکان و افراد بی‌بضاعت است.

## توصیه‌های یکی از بزرگ‌ترین کارآفرینان حوزه بیمه

مهدی فخارزاده به عنوان یکی از بزرگ‌ترین کارشناسان بیمه در سطح جهان، در یکی از سخنرانی‌های خود توصیه‌هایی به افرادی که می‌خواهند در این مسیر گام بردارند کرد: «همان‌طور که شاید اغلب شما شنیده‌اید، بیمه، فروختنی است نه خریدنی؛ اما باید یک نکته را نیز اضافه کنم و آن اینکه همیشه به مشتریان خود یادآور شوید که آنها نباید برای خرید بیمه‌نامه عمر پولی بپردازند؛ بلکه آنها درواقع پول را از یک جیب خود برمی‌دارند و در جیب دیگری می‌گذارند! یعنی به اجبار، ذخیره می‌کنند و پس از مدتی کل سرمایه جمع‌شده را دریافت خواهند کرد. پس بیمه‌نامه عمر برای خریدار هیچ‌گونه هزینه‌ای در بر ندارد. نکته دیگری که باید به آن توجه کنید این است که شما باید نیاز به خرید بیمه‌نامه را در مشتری به‌وجود آورید. اگر کسی ازدواج کرده و فرزند و یا شخص دیگری را تحت تکفل داشته باشد، برانگیختن این نیاز در او خیلی ساده است. مسلماً او نیازهایی دارد که باید برآورده شوند یا نگرانی‌هایی دارد که بیمه عمر پیشنهادی شما آنها را برطرف می‌سازد. اما درمورد کسی که ازدواج نکرده و به‌لحاظ جسمی هم مشکلی ندارد، برانگیختن نیاز، کمی مشکل‌تر است. باید سه چیز را در فروش بیمه‌معمراً در نظر گرفت: شغل، وضعیت سلامتی و سن. مثلاً در این مثال باید یادآور شد که فرد بالاخره ازدواج خواهد کرد، صاحب فرزند خواهد شد و به ایجاد اطمینان برای آینده خود نیاز خواهد داشت.»

قراردادهای بیمه چه بوده است؟ خود او در یکی از سخنرانی‌هایش می‌گوید: «از قدیم گفته‌اند که «حرف چوَن از دل برآید، لاجرم بر دل نشیند». وقتی مشتری متوجه شود که شما صادقانه با او صحبت می‌کنید و دلسوز او هستید از شما قدرانی می‌کند. پس اولین کار در فروش بیمه عمر این است که مشتری به لطفی که شما در حق او می‌کنید، پی ببرد. حدود ۷ یا ۸ سال پیش، به یک زوج آمریکایی بیمه عمری با سرمایه یک میلیون دلار فروختم. این خانم و آقا فرزند ۱۲ ساله‌ای هم داشتند که هرچه اصرار می‌کردم برای او هم بیمه‌نامه عمر بخرند راضی نمی‌شدند. در آخر به پدر این پسر بچه گفتم اگر پدرت

برای تو یک بیمه‌نامه عمر با سرمایه یک میلیون دلار خریده بود و الان از مزایای آن بهره‌مند می‌شدی چه حالی داشتی؟ گفت خیلی خوشحال می‌شدم؛ گفتم پس کاری کن که وقتی پسر تو به سن تو می‌رسد چنین احساسی داشته باشد. بالاخره آنها رضایت دادند و بیمه‌نامه عمر را برای فرزند خود نیز خریدند. متأسفانه چند سال بعد این کودک فوت کرد. پدر و مادر کودک تنها ۳۶ هزار دلار بابت این بیمه‌نامه پرداخت کرده بودند درحالی‌که سرمایه بیمه‌معمراً پسرشان یک میلیون و پنجاه هزار دلار بود. والدین او تصمیم گرفتند با این پول یک بنیاد خیریه تأسیس کنند و نام پسر خود را بر آن بگذارند. هرسال این بنیاد گسترش می‌یابد و هزاران نفر از آن منتفع می‌شوند. من مطمئنم اگر این بیمه‌نامه را نمی‌فروختم، این بنیاد خیریه نیز شکل نمی‌گرفت.»



به او گفت: «تو باید بتوانی از کارت لذت ببری، پس سعی کن کاری پیدا کنی که برایت مناسب‌تر باشد.» اما مهدی فخارزاده نمی‌خواست این شغل را به‌عنوان یک شکست رها کند و تصمیم گرفت ثابت کند که او می‌تواند و سپس دنبال کار دیگری برگردد. مهدی فخارزاده در ابتدای شروع کارش مأمور وصول حق بیمه‌های عمری با سطح بیمه ۳۰۰ تا ۷۰۰ دلار بود ولی آن‌چنان در کارش به پیشرفت رسید که مسئول قراردادهای بیمه‌ای با حداقل ۵۰۰ هزار دلار تا سقف ۳۰ میلیون دلار شد. فخارزاده با تلاش بسیار توانست مشتری‌های بسیار و ثابتی برای خودش دست‌وپا کند و تا سال ۱۳۳۹ به عنوان یکی از فروشندگان اصلی بیمه عمر در این شرکت فعالیت کرد.

او پس از آن و باتوجه به شهرتی که به دست آورده بود نمایندگی فروش رسمی بیمه شرکت بزرگ مت لایف را برای ۱۰ سال کسب کرد و در حوزه مدیریت بیمه دانش و توانایی بسیاری به دست آورد و همین شد که با پیشنهاد و سوسه‌برانگیز شرکت متروپالتین لایف به عنوان مدیر ارشد فروش به این شرکت بازگشت و برای چند دهه (بیش از ۵۰ سال است) در این شرکت فعالیت کرد و به یکی از مدیران ارشد این مجموعه بیمه‌ای و از کارشناسان و متخصصان برتر بیمه در جهان به‌خصوص بیمه عمر تبدیل شد. خود او در مصاحبه‌ای گفته است: «همیشه در این حرفه موفق نبودم، موانع و مشکلات متعددی داشتم. من خارجی بودم، زبان انگلیسی بلد نبودم و با آداب‌ورسوم آشنایی نداشتم، دوست یا آشنایی در اینجا (آمریکا) نداشتم، با این حال من یک عادت موفق ساختم. عاشق کمک کردن به مردم در هر جنبه از زندگی‌شان هستم. هریک از مشتری‌هایم یک دوست ارزشمند است و هریک نشان‌دهنده یک رابطه مهم است؛ گنج بازرشی که به دست آورده‌ام. آن‌ها باعث می‌شوند احساس ثروتمندی کنم. آن‌ها از من مراقبت می‌کنند چون که من از آن‌ها مراقبت می‌کنم. بعضی از مشتری‌هایم از سال اول نمایندگی‌ام با من بوده‌اند.»

او در سال‌های گذشته چندباری برای شرکت در همایش‌های تخصصی بیمه به ایران آمده و کارگاه‌هایی برای متخصصان و کارشناسان برگزار کرده است. او در یکی از این نشست‌ها با بیان اینکه «فروشنده بیمه‌معمراً به خریدار، لطف می‌کند» گفت: «فروش بیمه‌معمراً یکی از بهترین و زیباترین کارهای دنیاست. شما نمی‌توانید کسی را پیدا کنید که بتواند ثابت کند بهتر از کاری که من و شما انجام می‌دهیم کاری در دنیا وجود دارد. به‌جرت می‌گویم بیمه‌معمراً یکی از بهترین دستاوردهای بشری است! اگر بیمه‌گذار تنها پس از پرداخت یک قسط فوت کند، کل سرمایه بیمه‌نامه، تمام و کمال پرداخت خواهد شد. حال چه کاری را سراغ دارید که با پرداخت تنها یک مبلغ جزئی، چنین سرمایه‌هنگفتی را در اختیار شما قرار دهد؟ فروشندگان بیمه‌معمراً افراد برجسته‌ای هستند. اگر مردم بدانند شما چه مزایایی را به آنها عرضه می‌کنید هرگز رهایتان نمی‌کنند! درواقع شما به خریداران لطف بزرگی می‌کنید؛ خریداران بیمه‌معمراً نه تنها هزینه‌ای را متقبل نمی‌شوند، بلکه به صورت اجباری به ذخیره پول خود می‌پردازند و درعین حال مبلغی هم به ذخیره آنها اضافه می‌شود. مثلاً من در یک بیمه‌نامه عمر با سرمایه یک میلیون دلار، که حق بیمه‌ای معادل ۲۰ هزار دلار دارد، فقط ۱۰ هزار دلار کارمزد می‌گیرم، ولی بیمه‌گذار در ازای پول اندکی که می‌پردازد، از پشتوانه یک میلیون دلاری برخوردار می‌شود. حال خود قضاوت کنید که بیمه‌گذار به فروشنده بیمه‌معمراً لطف کرده یا نماینده فروش به خریدار؟»

اما رمز موفقیت مهدی فخارزاده در کار و جذب افراد برای بستن



نگاهی به زندگی **منوچهر سلطانی حسینی**، از رانندگی تاکسی تا کارخانه‌داری

## صداقت، سیاست اصلی کارآفرینی

به امور دفتری پرداختم.»

اما چه شد که او به تولید مواد آرایشی و بهداشتی و شوینده روی آورد و چگونه زندگی‌اش از کار دفتری در بیمارستان به این نقطه کشیده شد؟ خود او گفته: «سنگ بنای شغل امروزی‌ام در سال ۱۳۴۳، زمانی که لایه‌لای آگهی‌های روزنامه به دنبال کار می‌گشتم، گذاشته شد. در آن زمان برای اخذ سمت ویزیتوری علمی شرکت «دوپار» -که یک شرکت تولیدکننده داروهای چشمی در ایران بود- در یک مصاحبه شرکت کردم و با توجه به دانش عمومی قابل توجهی که داشتم، از بین ۶۵ شرکت‌کننده به عنوان یکی از دو ویزیتور این شرکت انتخاب شدم. کار من بازاریابی در استان گیلان بود و پس از چندی مسئولیت بازاریابی در استان مازندران هم به من محول شد و من مجبور بودم ۲۰ روز در ماه را در خارج از تهران و به‌دور از خانواده‌ام زندگی کنم. سال ۱۳۴۵ بود که با توجه به توانمندی‌ای که از خود نشان دادم، توانستم در این شرکت به سمت مدیریت فروش کل کشور برسم.» اما مدیریت فروش شرکت دوپار سقف کاری نبود که منوچهر سلطانی برای خودش تعریف کرده بود؛ بنابراین او که به دنبال پیشرفت و تحول در زندگی‌اش بود بعد از مدتی از شرکت دوپار بیرون آمد و ابتدا جذب شرکت داروسازی کنول آلمان و بعد هم شرکت ایتالیایی IBI شد تا اینکه به این نتیجه رسید که باید کسب و کار خودش را راه‌اندازی کند. او در کتاب زندگی‌نامه‌اش می‌گوید: «در سال‌های ۵۶ و ۵۷ یعنی زمان انقلاب اسلامی با گروهی از کلیمیان همکارم شریک شدم و شرکتی را راه‌اندازی کردیم اما پس از پیروزی انقلاب شرکای ایران را ترک کردند، بنابراین با خروج شخصی که مجوز نمایندگی را در انحصار خود داشت، شرکت تعطیل شد و تمام زحماتم در مقابل چشمانم در یک آن از بین رفت. اما من دوباره بلند شدم و شروع به ساختن از صفر کردم. در خیابان دریا نو تهران یک پارکینگ ۴۰ متری اجاره کردم و با راهنمایی چند دوست داروساز قدیمی که جمعا یک کادر هفت‌نفره را تشکیل می‌دادیم و با دو پاتیل، شروع به تولید شامپو کردم! پس از آن با گرفتن مجوز تولید شامپو از وزارت صنایع و وزارت بهداشت، شرکت ایران آوندفر را که در ابتدا پارتیس نام داشت به ثبت رساندم. سپس نزد حاج آقا مدرس‌نیا که مدیرعامل شرکت پخش «فاسم ایران» بودند رفتم و از ایشان خواستم برای توزیع محصولات به من کمک کنند. ایشان هم به کمک من شتافتند و با همکاری یکدیگر توانستیم شامپوهای تولیدی مرا با حداقل قیمت در سراسر کشور توزیع کنیم.»

البته آن زمان یعنی نیمه دهه ۶۰ و در اوج روزهای جنگ شرکت ایران آوندفر تنها دو محصول تولید می‌کرد اما کم‌کم رشد شرکت سرعت گرفت به خصوص از سال‌های بعد از جنگ و شروع دهه ۷۰ و همین شد که منوچهر سلطانی حسینی به فکر توسعه کار و راه‌اندازی کارخانه تولید محصولات بهداشتی و آرایشی افتاد.

داستان زندگی برخی از کارآفرینان مصداق واقعی شروع کردن از صفر و حتی زیر صفر است و تصور اصلی ما را از نیاز اساسی شروع هر کاری که نخستین آن «سرمایه» است بر هم می‌زند؛ ماجرای کارآفرینی منوچهر سلطانی حسینی حتماً یکی از همین قصه‌هاست. کسی که ۵۰ سال پیش و در دهه ۳۰ زندگی‌اش راننده تاکسی بود و حالا به عنوان بنیان‌گذار و مالک یکی از بزرگ‌ترین (جزو ۱۰ برند اول) کارخانه‌های تولیدکننده مواد شوینده و بهداشتی شناخته می‌شود. منوچهر سلطانی حسینی بنیان‌گذار شرکت «ایران آوندفر» یا همان شامپو بس است که محصولاتش را با برندهای مشهور دیگری همچون دکتر ژیل و آروکس هم روانه بازار می‌کند.

منوچهر سلطانی حسینی در سال ۱۳۱۵ در محله قدیمی پشت باغ نادری مشهد در یک خانواده پرجمعیت با ۱۴ فرزند، سنتی - مذهبی، و البته با روحیه نظامی به دنیا آمد و بزرگ شد. پدرش افسر ژاندارمری بود و نظم و دیسیپلین برایش مهم بود و تلاش می‌کرد این روحیه را به خانواده و فرزندان هم منتقل کند و در نهایت همین هم باعث شد که منوچهر سلطانی حسینی در مقطعی از زندگی جذب ژاندارمری شود ولی اتفاقاتی در زندگی‌اش رخ داد که مسیر را به شکلی دیگر برایش رقم زد.

دوران ابتدایی را در دبستان ضیاء گذراند و به گفته خودش اولین بار طعم و لذت پیروزی و اول شدن را هم در همین دوره تجربه کرد؛ زمانی که با تیم والیبال مدرسه در شهرستان مشهد در سال ششم ابتدایی در مسابقات بین مدارس اول شدند. او در سال ۱۳۳۶ یعنی ۶۲ سال پیش به پیشنهاد و تحت تأثیر پدرش وارد دانشکده افسری و بعد ژاندارمری شد اما پس از ۶ سال به دلیل شرایط کاری سخت و فضای حاکم بر ژاندارمری که با روحیه او سازگاری نداشت، قید این کار را زد و استعفا داد و از ژاندارمری بیرون آمد. خود او در کتاب «کارآفرینی به سبک منوچهر سلطانی حسینی» که انتشارات دانشگاه شریف منتشر کرده است، می‌گوید: «روزهای سخت من پس از خروج از ژاندارمری شروع شد. برای گذران زندگی به رانندگی تاکسی رو آوردم و سپس در بیمارستان امام خمینی امروزی (پهلوی سابق)

منوچهر سلطانی  
حسینی: صداقت  
بهترین سیاستی  
است که انسان  
می‌تواند در زندگی  
به کار ببندد. خود  
من زمانی که از  
صفر شروع کردم،  
تنها ترین و بهترین  
سرمایه‌ای که  
داشتم صداقت بود  
که مرا به موفقیت  
رساند



منوچهر سلطانی حسینی: همواره به کارم اعتقاد داشته‌ام و آرزو دارم که با شرافت از این دنیا بروم. من همیشه به کشورم متعهد بوده‌ام و همواره به فرزندانم گوشزد کرده‌ام که هویت ما به خاکمان پیوند خورده است و ما ایرانیان در کنار سرزمینمان مفهوم پیدا می‌کنیم.



## مهم‌ترین خواسته‌های کار آفرین

منوچهر سلطانی حسینی یک سال پیش از درگذشتش در کتابی که مرکز کارآفرینی دانشگاه شریف از زندگی او منتشر کرد، در پاسخ به این سؤال که مهم‌ترین خواسته او به عنوان یک کارآفرین حوزه تولید لوازم آرایشی و بهداشتی چیست؟ گفت: «مهم‌ترین خواسته من این است که اجازه ورود قانونی و غیرقانونی محصولات آرایشی و بهداشتی به کشور داده نشود. در حال حاضر تولیدات داخلی ما بیش از مصرفمان است. پس چرا باید در حق تولیدکننده داخلی اجحاف شود؟ در صورتی که تولیدکنندگان داخلی تحت نظارت وزارت بهداشت هستند و همچنین محصولات آن‌ها با شرایط آب و هوایی کشورمان سازگار است. اگر به کارخانه‌های ایرانی فرصت رقابت داده شود آن‌ها می‌توانند هدف‌های متعالی را برای خود در نظر بگیرند. در واقع هدف ما این است که محصولاتی تولید کنیم که نه تنها با محصولات خارجی قابل مقایسه باشند، بلکه از لحاظ کیفی بسیار برتر از این محصولات باشند. اما عوامل مختلفی مانع رسیدن به این هدف می‌شود که نخستین آن ورود بی‌رویه محصولات خارجی است. هم‌اکنون ۶۰ درصد اقلام آرایشی مورد استفاده توسط مردم، خارجی است. دومین عامل عدم همکاری بانک‌هاست. بانک‌ها با واحدهای تولیدی و صنایع همکاری نمی‌کنند، بنابراین ما برای تأمین هزینه مورد نیاز مواد اولیه دچار مشکل هستیم. اما به اعتقاد من سومین عاملی که در این امر دخیل است، فعالیت ضعیف رسانه‌هاست. هم‌اکنون تبلیغات ماهواره‌ای مردم ما را اغوا می‌کند، در صورتی که رسانه‌های داخلی روی محصولات تولید کشور خودمان مانور نمی‌دهند. به این ترتیب بسیاری از واحدهای تولیدی مواد آرایشی بهداشتی تعطیل شده‌اند.»

دنیا بروم. من همیشه به کشورم متعهد بوده‌ام و همواره به فرزندانم گوشزد کرده‌ام که هویت ما به خاکمان پیوند خورده است و ما ایرانیان در کنار سرزمینمان مفهوم پیدا می‌کنیم و این تعهد به وطن را از آن‌ها انتظار داشته‌ام.» او در دی‌ماه سال ۱۳۹۴ و در ۸۰ سالگی درگذشت. ■

«سرانجام با رونق گرفتن کسب و کار، زمینی به مساحت ۶۵۰۰ متر واقع در شهرک صنعتی سیمین‌دشت کرج خریداری کردم و پس از ۲ سال دوندگی و پشت سر گذاشتن مشکلات زیاد، مجوز احداث کارخانه را در این محل گرفتم و بحمدلله پس از طی کردن پله‌های ترقی یکی پس از دیگری در جایگاه کنونی و یکی از ده شرکت اول تولیدکننده محصولات بهداشتی هستیم.»

در حال حاضر کارخانه تولیدکننده محصولات شرکت ایران آوندفر (شامپو بس و...) با در نظر گرفتن انبار ۱۰ هزار متر مربع وسعت دارد. این کارخانه سالانه ۲۰ هزار تن محصول شامل ۱۱۱ نوع شامپوی گوناگون، مایعات شوینده ظرف و دست، نرم‌کننده‌های پارچه و مو، ۱۰۰۰ تن انواع کرم، ژل موی سر و خمیر و ژل دندان تولید می‌کند که محصولات این شرکت در مجموع حدود ۴۰۰ فرآورده مختلف را شامل می‌شود. شرکت ایران آوندفر از اولین شرکت‌های ایرانی است که توانسته گواهی سیستم مدیریت کیفیت الگوی ایزو ۹۰۰۰ در صنایع بهداشتی، آرایشی و شوینده را برای تولید انواع شامپو و مایع ظرف‌شویی دریافت کند. این گواهی در آذرماه ۱۳۸۲ به گواهی ایزو ۹۰۰۱ ویرایش سال ۲۰۰۰ برای کلیه فرآورده‌های شرکت ارتقا داده شد.

همچنین منوچهر سلطانی حسینی در طول چند دهه فعالیت تولیدی و صنعتی حدود ۴۰ نشان و لوح افتخار به عنوان کارآفرین و پیش‌کسوت کارآفرینی دریافت کرده است. محصولات شرکت ایران آوندفر با برندهای بس، دکتر ژیل و آیروکس تولید می‌شود و حدود هزار نفر به صورت مستقیم و بیش از ۵ هزار نفر به صورت غیرمستقیم در این شرکت مشغول به کار هستند که بخش مهمی از آن‌ها را کارشناسان، کارشناسان ارشد و متخصصان دانشگاهی با مدارک دکتری تشکیل می‌دهند. این مجموعه دارای چهار آزمایشگاه مجهز شیمی، میکروبیولوژی، R&D و آزمایشگاه همکار کارخانه است که مورد تأیید وزارت بهداشت و موسسه استاندارد هستند.

منوچهر سلطانی حسینی در کتاب زندگی خود بزرگ‌ترین مشکل صنعت لوازم آرایشی و بهداشتی کشور را قاچاق و واردات بی‌رویه باوجود تولید محصولات باکیفیت در داخل کشور می‌داند و می‌گوید: «بزرگ‌ترین چالش کشور ما بیکاری جوانان است پس چرا ما باید بگذاریم این آفت دامان جوانانمان را بگیرد. در حال حاضر شخص من برای چند هزار نفر به صورت مستقیم و غیرمستقیم شغل ایجاد کرده‌ام. این در شرایطی است که من با ۷ نیرو شروع به کار کرده‌ام و با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم کردم تا مجبور به تعدیل نیرو نشوم. اما به مسئولان متعهد شده‌ام که اگر جلوی ورود کالای خارجی را بگیرند آمار اشتغال‌زایی خود را دو برابر کنم.»

او اولین اصل برای موفقیت را صداقت می‌داند: «صداقت بهترین سیاستی است که انسان می‌تواند در زندگی به کار ببندد. خود من زمانی که از صفر شروع کردم، تنهاترین و بهترین سرمایه‌ای که داشتم صداقت بود که مرا به موفقیت رساند. علاوه بر این من همواره شرافت کاری را رعایت کرده‌ام و افتخار می‌کنم که هرگز پرداخت حقوق کارمندان را یک روز هم به تعویق نینداخته‌ام.»

عشق به ایرانی و کار یکی از بزرگ‌ترین ویژگی‌هایی منوچهر سلطانی حسینی است. او در کتاب زندگی‌نامه‌اش گفته است: «همواره به کارم اعتقاد داشته‌ام و آرزو دارم که با شرافت از این

علی بندری از کیلومترها دورتر، داستان‌هایی متفاوت در پادکست‌هایش تعریف می‌کند

## راوی قصه‌های عجیب

را دیدید از او بخواهید داستان هشت‌سالگی و شیوه روایتگری‌اش را برای شما تعریف کند. «داستانی که در گفت‌وگو با مجله چلچراغ این گونه تعریفش می‌کند: «ما پنج بچه بودیم و همه با هم در یک اتاق می‌خوابیدیم. ما مجله کیهان می‌خواندیم که مادر من می‌خرد و هنوز برایم سؤال است که مادر من در شهرستان لنگرود چگونه کیهان بچه‌ها برای ما می‌خرد در حالی که فکر می‌کنم تا همین ده سال پیش هم خرید این نشریات ساده نبود و نمی‌شد مجله روز و روزنامه‌ها را به‌موقع داشت. به این دلیل که از بقیه بزرگ‌تر بودم و زودتر باسواد شده بودم، من عین آن چیزی که خوانده بودم را برای خواهربرادرهایم تعریف می‌کردم. یادم هست داستان‌های شاهنامه منتشر می‌شد مثلاً قصه رستم و سهراب. بعداً متوجه شدم عین این کار را در «چنل بی» امروز انجام می‌دهم یعنی چیزی را می‌خوانم و برای بقیه تعریف می‌کنم. آن زمان خواهر و برادرهای کوچکم بودند که سواد نداشتند و من برایشان قصه می‌گفتم و امروز هم کسانی هستند که نمی‌توانند به هر دلیلی کتاب را بخوانند یا دوست دارند داستان را صوتی گوش دهند و من این کار را برایشان انجام می‌دهم.»

علی بندری متولد ۱۳۶۰ در تهران است. بخش مهمی از کودکی خود را در لنگرود گذرانده و بعد به تهران آمده است. بندری بودن هم به بندر انزلی و ریشه‌های خانوادگی‌اش بر می‌گردد. در سمنان مهندسی مکانیک خوانده که آن را جزو اشتباهات زندگی‌اش می‌داند چون خود را به هیچ وجه مهندس نمی‌داند. او برای ادامه تحصیل و کار به سوئد رفت و آنجا مشغول زندگی شد تا اینکه با یک پیشنهاد کار از یک شرکت مهندسی روبه‌رو شد و برای همین به نروژ رفت. در سایت چنل بی درباره زندگی کنونی علی بندری نوشته شده: «علی شنونده حرفه‌ای و تولیدکننده آماتور پادکست است و سال‌هاست عادت دارد چیزهای جالبی را که می‌خواند برای دوستانش تعریف کند. علی با همسرش فاطمه و دخترشان تارا در اسلو زندگی می‌کند، جایی که بر اساس افسانه‌ها شش ماه شب است و شش ماه روز.»

او خود را از مخاطبان حرفه‌ای پادکست می‌داند و از سال ۲۰۱۲ یعنی ۷ سال پیش به صورت گسترده (باتوجه به علاقه و کمک به بهتر شدن زبان انگلیسی) مخاطب پادکست‌های انگلیسی شد و هم‌زمان این وسوسه در ذهنش شکل گرفت که او هم پادکستی فارسی راه‌اندازی کند. در این بین البته از طرف یکی از دوستانش که اتفاقاً از طریق فضای مشترک پادکست‌ها یکدیگر را شناخته بودند و که گاه در این باره صحبت می‌کردند تشویق شد با توجه به صدا، لحن و نوع روایت‌هایش، پادکست خودش را راه‌اندازی کند. او در این باره در مصاحبه‌ای گفته است: «اول شاید می‌خواستیم پادکست از گفت‌وگو با دوستانم درست کنیم و هر چه را که می‌بینیم و می‌گوییم که گاهی طنز هستند بیان کنیم. نمونه انگلیسی هم وجود داشت و من گوش می‌دادم، اما این کار را نکردیم چون حس کردیم آن‌قدری که خودمان فکر می‌کنیم، بامزه نیستیم. دوستم عقلش از من بیشتر می‌رسید و گفت آنهایی که فکر می‌کنی بامزه هستند برای کارشان زحمت



«سلام، من علی بندری هستم و این اپیزودی از پادکست کانال بی (Channel B) است. پادکستی که در اون من هر بار گزارشی رو که در یک رسانه معتبر انگلیسی‌زبان منتشر شده به فارسی برای شما تعریف می‌کنم.» اگر از طرفدارهای پادکست‌های ایرانی باشید حتماً این جمله بارها و بارها در ابتدای شروع هر شماره برنامه جدید کانال بی (که همه آن را چنل بی صدا می‌کنند) شنیده‌اید. چنل بی در حال حاضر پر مخاطب‌ترین و یکی از محبوب‌ترین پادکست‌های ایرانی است که در واقع باید آن را یک استارت‌آپ موفق دانست؛ اگرچه که برای افراد بسیار کمی (کمتر از انگشتان یک دست) شغل ایجاد کرده است اما ده‌ها هزار نفر به برنامه‌های آن گوش می‌کنند، با جهان شخصیت‌های آن آشنا می‌شوند، اطلاعاتشان را در زمینه‌های مختلف رشد می‌دهند و در نهایت سرگرم می‌شوند. چنل بی یکی از نخستین پادکست‌های ایرانی است که با نوآوری توانست راهبرد و مسیر جدیدی را پیش روی برنامه‌سازی در حوزه صدا باز کند و اثرات مهمی روی کار دیگران بگذارد، اتفاق مهمی که با تلاش‌های علی بندری تحقق پیدا کرده است، راوی‌ای که داستان روایت‌هایش برای دیگران از کودکی شروع شده ولی در بزرگسالی کشف شده است. در سایت چنل بی به شوخی نوشته شده است: «وقتی علی بندری

بندری: من فکر کردم نکته این است که کنجکاوی‌هایمان بسیار محدود شده است. چند رسانه اصلی داریم و مردم اخبار و کنجکاوی‌های خود را از آنها دریافت می‌کنند، این‌ها عملاً کنجکاوی ما را محدود می‌کنند. در حالی که دنیا پر از قصه‌های عجیب‌تر است.

علی بندری مهندسی است که به همراه خانواده‌اش در شمال اروپا و در شهر سرد اسلوی نوروز زندگی می‌کند ولی هر چند هفته یک‌بار از کیلومترها آن‌سوتر صدای خودش را با پادکستش یعنی چنل بی به ایران می‌رساند و ذهن هزاران مخاطب منتظر را برای چند روز محو صدا و محتوای صوتی خود می‌کند؛ او راوی قصه‌هایی است که کمتر شنیده شده‌اند.



علی بندری خود را از مخاطبان حرفه‌ای پادکست می‌داند و از سال ۲۰۱۲ یعنی ۷ سال پیش به صورت گسترده، مخاطب پادکست‌های انگلیسی‌شد و هم‌زمان این وسوسه در ذهنش شکل گرفت که او هم پادکستی فارسی راه‌اندازی کند

بی است؛ نکته‌ای که به کنجکاوی بازمی‌گردد.

بندری درباره ایجاد کنجکاوی در مصاحبه‌ای با سایت دیدار می‌گوید: «من فکر کردم که نکته این است که کنجکاوی‌هایمان بسیار محدود شده است. چند رسانه اصلی داریم و مردم اخبار و کنجکاوی‌های خود را از آنها دریافت می‌کنند، این‌ها عملاً کنجکاوی ما را محدود می‌کنند. در حالی که دنیا پر از قصه‌های عجیب‌تر است. ما وظیفه خود را در پادکست بر این اساس قرار می‌دهیم تا برای افراد، کنجکاوی جدید ایجاد کنیم. سعی کنیم که دید خود را برای کنجکاوی‌های امروز باز کنیم و از مصرف روزانه خبر فاصله بگیریم و ببینیم که تعداد بسیاری داستان جالب و جذاب دیگر در جهان وجود دارد.»

اما محتوایی که او برای مخاطبش انتخاب و تعریف می‌کند برگرفته از درخشان‌ترین گزارش‌های تحقیقی و مقاله‌های پژوهشی است که در معتبرترین رسانه‌های جهان و معمولاً از سوی تیم‌های برجسته خبری تهیه می‌شود و گاهی او چند متن را با هم ترکیب می‌کند و داستان آن‌قدر جذاب می‌شود که حتی باوجود چند قسمت شدن باز هم کشش خاصی دارد. استفاده از متن‌های تحقیقی در نهایت ویژگی خاصی به پادکست‌های علی بندری داده و آن جنبه «موزشی» و بالابردن «اطلاعات عمومی» است.

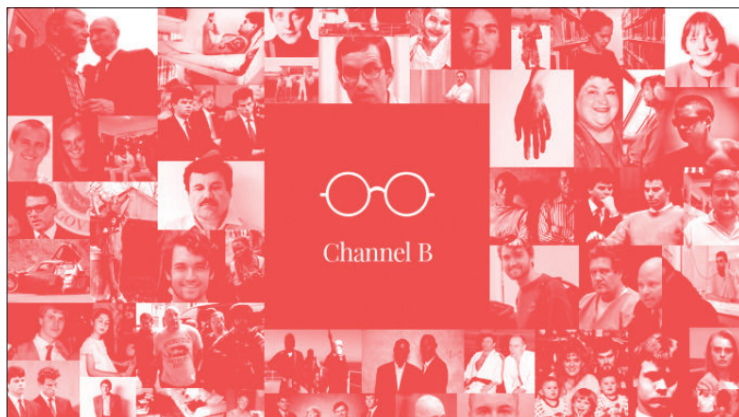
اولین اپیزود پادکست چنل بی در تابستان ۲۰۱۵ (۱۳۹۴) منتشر شد. از آن به بعد هر سه هفته یک بار اپیزود جدیدی منتشر شده است، کمابیش و تعداد قسمت‌های این پادکست‌ها به ۵۷ شماره رسیده است. در هر اپیزود پادکست گزارش بلند یک ماجرای واقعی را که در یک رسانه معتبر انگلیسی‌زبان منتشر شده به فارسی می‌شنوید. علی بندری مهم‌ترین نیاز کنونی پادکست‌های ایرانی و فضای آن را سرمایه می‌داند. به عقیده او در حال حاضر پادکست‌های مختلف با میزان شنونده‌های قابل قبولی وجود دارند که هر کدام می‌توانند اسپانسرهای خاص داشته باشند و این ارتباط بین تولیدکنندگان پادکست و اسپانسر‌ها می‌تواند به تولید هر چه بیشتر و بهتر پادکست کمک کند: «آن چیزی که الان پادکست فارسی به آن نیاز دارد این است که افرادی که قدر آن را فهمیدند و کسب و کاری دارند و ارزش تبلیغ پادکستی را می‌دانند، به میدان بیایند و با خود پول بیاورند.» او معقد است «دنیا پر از قصه‌هایی است که حواسمان بهشان نیست» و او تلاش می‌کند تا با چراغ‌قوه خود و در پادکست‌هایش نوری به برخی از این داستان‌ها بیندازد و آن‌ها را برای دیگران روایت کند. ■

کشیده‌اند و محصولشان به سادگی به دست نیامده است. در همه این توهم وجود دارد که فکر می‌کنند بامزه هستند و اگر از جمع‌هایی که تشکیل می‌دهند و می‌خندند فیلم یا صدایی تهیه کنند بامزه می‌شود، در حالی که این‌طور نیست. کسانی که کارهای بامزه می‌کنند سابقه سال‌ها فعالیت کم‌دی دارند و قطعاً خیلی باهوش هستند و چیزهای زیادی می‌خوانند. اگر این کارها را نکرده باشی و یک‌دفعه ببری پشت میکروفون ممکن است نتیجه دلخواه حاصل نشود. در این بین دوستانم «ناملیک» را راه انداختند. وقتی فهمیدم سایتی محتوای صوتی می‌گذارد، گفتم چرا پادکست نمی‌گذاری؟ گفتند اتفاقاً می‌خواهیم پادکست درست کنیم و من به آنها پیشنهاد دادم که یک نفر را بیاورید و گزارش‌های انگلیسی را بخواند و بعد تعریف کند. گفتند یعنی ترجمه کنیم بعد یک آدمی از روی ترجمه بخواند؟ گفتم نه. از رو خواندن گزارش شبیه گوینده‌های رادیو می‌شود و وقتی توضیح می‌دهم، حس کردم مطلب برایشان جا نمی‌افتد و خواستند خودم اتودی بزنم. وقتی اتود را برایشان فرستادم گفتند، ما چنین چیزی می‌خواستیم و ایده‌مان این بود که بگوییم هر کس می‌تواند کانال شخصی خودش را درست کند. گفتند اصلاً این صدای تو را در کانال می‌گذاریم و به نام خودت می‌گذاریم. من هم موافقت کردم و گفتم اسمش را بگذارید کانال بی به خاطر حرف اول اسم من که بندری است.»

علی بندری ۴ سال است که شروع به تولید پادکست کرده است، زمانی که نمونه مشابه فارسی چندانی در فضای وب ایران وجود نداشت. اگر چه که او هم اولی نبود ولی سلیقه متفاوت او و نوع روایت ساده و جذاب و حرفه‌ای بودنش باعث شد که خیلی زود مخاطبان بسیاری برای خود دست و پا کند و به پرمخاطب‌ترین پادکست ایرانی بدل شود. به عقیده بندری یکی از دلایل استقبال از پادکست به گسترش تکنولوژی و دسترسی راحت‌تر به اینترنت برمی‌گردد. وقتی گوشی‌های هوشمند وسیله رایج مردم شود و اینترنت به دنبال آن راحت‌تر مورد استفاده عموم قرار بگیرد، بهره بردن از امکانات متنوع آنها اتفاقی است که طبیعتاً رخ می‌دهد و پادکست نیز جزئی از این فرایند به حساب می‌آید.

البته خود علی بندری هم در ابتدای کار باور نداشت که بتواند هزاران نفر مخاطب جذب کند. او در گفت‌وگو با مجله چلچراغ در این باره می‌گوید: «ولش که اصلاً و مطلقاً فکر نمی‌کردم هیچ‌کس گوش بدهد. اول تصورم این بود که کسی که انگلیسی می‌تواند گوش بدهد سراغ پادکست‌های ما نمی‌رود به این دلیل که من صدای خوبی ندارم و امکانات ضبط خاص صدا ندارم. آن زمان هم مثلاً کجا صدایم را ضبط می‌کردم؟ گوشه اتاق. خوب کسی که مثلاً می‌خواست گیم او ترونز نگاه کند نمی‌آمد پادکستی را که من گوشه جاکفشی خانم در دست کرده بودم گوش کند. در این حالت معلوم است که در این رقابت باخت‌ام. اما وقتی یک سال گذشت دیدم آنچه فکر می‌کردم برعکس شد. آن وقت من می‌گفتم چرا همه پادکست ما را گوش نمی‌کنند؟ چرا به جای ۵ هزار نفر ۵ میلیون شنونده نداریم؟ این نگاه هم غلط بود، ولی کمی گذشت تا فهمیدم این کار ما برای چه کسانی می‌تواند جذابیت داشته باشند.»

اما شاید این سؤال پیش بیاید که چرا چنل بی خیلی زود توانست مخاطبان بسیار زیادی برای خود جذب کند؟ پاسخ این پرسش را باید در شعار این پادکست و نگاه آن به تولید محتوای باکیفیت و متفاوت جست‌وجو کرد. «روایت شنیدنی ماجراهای واقعی» شعار اصلی چنل



## دیوید چریتون، استاد دانشگاه و میلیاردر کانادایی

## علم و ثروت

سالی را به عنوان دستیار استاد در بریتیش کلمبیا مشغول به کار شد و بعد تصمیم گرفت به آمریکا و دانشگاه استنفورد برود. سال ۱۹۸۱ بود که چریتون به پالو آلتو رفت و البته دلیل مهاجرتش این بود که تقاضای هزینه ۲۵ هزار دلاری‌اش برای انجام یک پروژه تحقیقاتی توسط دانشگاه بریتیش کلمبیا رد شد، در روزگاری که هزینه یک کارت حافظه ۳۲ کیلوبایتی، ۱۰ هزار دلار بود. خودش می‌گوید: «حس می‌کردم در کانادا دارم گشتگی می‌کشم! سفر به استنفورد مثل سفر به یک سیاره دیگر بود.»

دانشگاه استنفورد همان جایی است که قرار بود او را با نام گوگل و سیلیکون ولی متصل کند. دیوید چریتون را اغلب به عنوان مشاور سرگی برین و لری پیج، بنیان‌گذاران گوگل می‌شناسند و البته یکی از اولین سرمایه‌گذاران این شرکت هم به شمار می‌رود. اما این استاد دانشگاه فقط به نام گوگل اکتفا نکرد، در واقع نام و نشان او را به عنوان شریک در تأسیس و یا شریک در سرمایه‌گذاری در شرکت‌های بسیاری می‌توان دید: گرنایت سیستمز، وی‌ام‌ویر، کیلیا، آریستا نتورکس و آخرین مورد: شرکت آپسترا.

همه این‌ها نهایتاً به یک سؤال می‌رسد: چگونه چریتون می‌تواند از پس تأسیس شرکت‌هایی مانند آپسترا برآید؟ همه‌چیز زمانی شروع شد که او به عنوان دستیار استاد در دانشگاه استنفورد مشغول به کار و با دانشجویی به نام اندی پچتولشیم آشنا شد که در حال راهاندازی شرکت سان ورک استیشن بود. چریتون می‌گوید: «او کار تمیزی را شروع کرده بود و برای همین من هم مشغول همکاری با او شدم، برای سخت‌افزارهای نرم‌افزار نوشتم، یکی از ایرادات سخت‌افزارش را پیدا کردم و کارهایی از این قبیل. بعد هم مقداری از اولین محصولات شرکت را برای انجام پروژه تحقیقاتی‌ام خریدم.» پچتولشیم بعدتر شرکت سان مایکروسستمز را تأسیس کرد که تبدیل به بزرگ‌ترین فروشنده محصولات ورک استیشن شد.

اما این آشنایی تنها یکی از مزایای استنفورد بود. چریتون در مورد چهره‌های بعدی که بر سر راهش قرار گرفتند می‌گوید: «آن زمان در استنفورد با یک دانشجوی دکترای به نام سرگی برین آشنا شدم. هم او اسکیت‌باز بود و هم من، هر دو در ساختمان علوم کامپیوتر دانشگاه اسکیت به پا داشتیم و همدیگر را هم به همین خاطر می‌شناختیم اما بعد از آن یک‌بار برین سراغم آمد تا برای موتور جست‌وجوگری که طراحی می‌کردند از من مشورت بگیرد. آن زمان می‌خواستند

دیوید چریتون استاد دانشگاه است اما نه از آن استاد‌های دانشگاهی که معمولاً در ذهن داریم. هر چند به عنوان استاد دانشگاه استنفورد انتظار می‌رود که با یک آدم باهوش طرف باشیم اما هوش او فراتر از انتظار است، هوش این استاد دانشگاه سبب شده که هم تمام زیر و بم رشته‌اش را بشناسد و هم تبدیل به یکی از چهره‌های فهرست میلیاردرهای دنیا شود. دهه‌ها است که چریتون، نیروی پنهان پشت صحنه سیلیکون ولی بوده است و از ذهن و حساب بانکی‌اش برای سرمایه‌گذاری بر روی فروش تجهیزات که داده‌ها را میان کامپیوترها و البته در دنیای اینترنت منتقل می‌کنند استفاده می‌کند.

دیوید چریتون سال ۱۹۵۱ در ونکوور کانادا به دنیا آمد. بعد از پایان تحصیلاتش در مدارس دولتی این کشور هم برای رشته موسیقی و هم ریاضیات اقدام کرد. گروه موسیقی دانشگاه آلبرتا او را پذیرفت و همین شد که وارد رشته ریاضی این دانشگاه شد و بعدتر هم فوق لیسانس علوم کامپیوتر را در دانشگاه واترلو گذراند. چریتون علی‌رغم مخالفتی که از سمت دانشگاه با شرکت او در رشته موسیقی شد همچنان این علاقه‌اش را پی گرفت و در دوران کالج گیتار می‌نواخت و در برخی از کلاس‌های تئاتر موزیکال و اپرا شرکت می‌کرد. او به نشریه استنفورد دیلی گفته است: دوستانی داشتم که فکر می‌کردند من گیتاریست هستم. از سال ۱۹۷۱ چریتون سه

## زرها چوپانکاره

دیبر بخش کار آفرین خارجی

## او کیست؟

دیوید چریتون یکی از موسسان شبکه آرستا است، تولیدکننده سیستم‌های شبکه‌ای ابری برای مراکز داده‌ای. چریتون با ۴۰۴ میلیارد دلار ثروت در جایگاه ۴۹۶ فهرست بلومبرگ قرار دارد.



پس از رد شدن تقاضای کمک مالی‌اش برای یک پروژه تحقیقاتی به دانشگاه استنفورد در آمریکا نقل مکان کرد

۱۹۸۱

۱۹۷۱

دوران دکترای و کمک استادی‌اش را در دانشگاه بریتیش کلمبیا شروع کرد.

۱۹۵۱

دیوید چریتون در ونکوور کانادا به دنیا آمد.

چریتون هم مثل بسیاری از استادان و دانشجویان استنفورد برنامه بسیار شلوغی دارد اما در حالی که دانشجویان لیسانس باید از خواب شبشان بزنند تا به همه کارهایشان برسند، چریتون در قیاس با میلیاردرهایی مثل خودش خرج کردن را در برنامه‌ها و فعالیت‌های روزمره‌اش جا نداده است. آن دانشجوی درسخوان درون او دلش نمی‌خواهد وقتش را صرف رقابت در چیزهای ناچیز کند.

## شیوه چریتون

استاد کانادایی دانشگاه استنفورد نه تنها به خاطر موقعیتش به عنوان یک چهره آکادمیک میلیاردر شناخته می‌شود بلکه به دلیل خلق و خوی خاصش در میزان خرج کردن هم شهرت دارد. خیلی‌ها هستند که به خاطر ویژگی‌های او در حساب و کتاب و نحوه زندگی‌اش او را خسیس می‌دانند اما خیلی‌ها هم هستند که فکر می‌کنند او علی‌رغم تمام رشد اقتصادی‌اش همچنان همان شخصیت اصلی خودش را به عنوان یک استاد دانشگاه حفظ کرده و قرار نیست که پولدار بودن تمام زندگی او را زیرورو کند. سایت مانی موزارت در مطلبی به بخشی از این ویژگی چریتون پرداخته است که ترجمه بخش‌هایی از آن را می‌خوانید. در این مطلب اشاره شده که اگر میلیاردری با حداقل‌های مورد نیاز زندگی می‌کند چرا غیر میلیاردرها سعی می‌کنند زندگی خودشان را این قدر متفاوت کنند. با برخی از ویژگی‌های چریتون آشنا شوید:

- دیوید چریتون خودش موهایش را کوتاه می‌کند. و تا سال ۲۰۱۲ همان فولکس واگنی را می‌راند که سال ۱۹۸۶ خریده بود و از آن به بعد سوار یک ماشین هوندا اودیسه می‌شود.
- چریتون وقتی برای غذا خوردن به رستوران می‌رود معمولاً نیمی از غذایش را برای روز بعد نگه می‌دارد و هنوز در همان خانه‌ای زندگی می‌کند که ۳۵ سال پیش خریده بود.
- چریتون یک‌بار به تعطیلات رفت؛ به جزایر مائوئی در اقیانوس آرام و بعد از آن خودش را «لوس» خطاب کرد و حتی بابت پولی که خرج کرده بود ناراحت بود.

با میلیاردرهایی مثل خودش خرج کردن را در برنامه‌ها و فعالیت‌های روزمره‌اش جا نداده است. آن دانشجوی درسخوان درون او دلش نمی‌خواهد وقتش را صرف رقابت در چیزهای ناچیز کند. چریتون هنوز بر طبق همان نصیحتی زندگی می‌کند که خودش در ابتدای کار گوگل به پیچ و برین کرد، این که نگذارند پول تمرکزشان را در کنترل خودش بگیرد: «اگر بچه‌دار می‌شوید باید بزرگش کنید.» ■



برای کارشان مجوز بگیرند و من هم کمک کردم تا با یک وکیل آی‌پی که می‌شناختم آشنا شوند.»

این آشنایی برای هر دو طرف خوش‌یمن بود چرا که چریتون و بچتولشیم شروع به همکاری برای شکل‌گیری گوگل کردند: «ارزش کار را درک کردم چون اینترنت با سرعتی باورنکردنی در حال رشد بود. گوگل اولین موتور جست‌وجوگر نبود اما سایر موتورهای جست‌وجوگر به نوعی نقش میانه بسنده کرده بودند و تبدیل به پورتال‌های اینترنتی شده بودند و البته نتایج هم افتضاح بود. گوگل بدون همه این درگیری‌ها داشت کار را شروع می‌کرد.»

## گردهمایی گوگلی‌ها

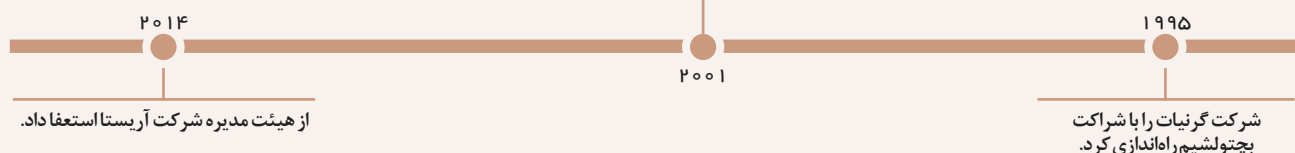
نشریه استنفورد دلیلی در مورد این آشنایی‌ها و همکاری‌ها از زبان چریتون می‌نویسد: «پیدا کردن منابع مالی بخش سخت کار نیست، دشوارترین قسمت ساختن شرکت است. پول نمی‌تواند شرکت درست کند، پول فقط به این معنا است که حساب بانکی شما چیزی درون خود دارد تا زمانی که سرانجام آن را خرج کنید.» این توصیف او از روزهای اول گوگل است. سال ۲۰۰۵ در کتابی که با نام «داستان گوگل» منتشر شد امتیاز تشخیص ضرورت حضور بچتولشیم و این که این حضور می‌تواند موفقیت کار را تا حد بسیار زیادی بالا ببرد، به چریتون داده شده است. چریتون که باور داشت این دانشجویان تکنولوژی مورد نیاز برای خلق چنین موتور جست‌وجوگری را در اختیار دارند، جلسه‌ای را میان بنیان‌گذاران گوگل و خریداران اولیه سهام شرکت در حیاط منزل خود در پالو آلتو تشکیل داد.

وب‌سایت در فضای باز رونمایی شد و آن گونه که چریتون به یاد می‌آورد پس از این جلسه بچتولشیم سریع به سمت ماشینش رفت، دفترچه چکش را آورد و همان‌جا اولین چک را برای بنیان‌گذاران جوان گوگل نوشت. آن زمان برین و پیچ هنوز حساب بانکی هم نداشتند. آن روز بچتولشیم به آنها گفت: «وقتی کاری را شروع می‌کنید به آن بچسبید.»

در جریان گسترش اولیه شرکت چریتون ۲۰۰ هزار دلار سرمایه گذاشت و برین و پیچ به سرعت کار رسمی کردن شرکت را پی گرفتند تا بتوانند چک‌های دریافتی را به نام «شرکت گوگل» به حساب بگذارند. خودش می‌خندد و می‌گوید که این ماجرای سهیم شدن و پول دادن او خیلی مورد علاقه رسانه‌ها است. بیزینس اینسایدر یک بار او را در لیست «۱۰ میلیاردی در ارزان خری که مثل فقرا زندگی می‌کنند» قرار داد، خودش می‌گوید اگر بخواهد پول‌هایش را خرج کند وقت زیادی از او گرفته می‌شود.

چریتون هم مثل بسیاری از استادان و دانشجویان استنفورد برنامه بسیار شلوغی دارد اما در حالی که دانشجویان لیسانس باید از خواب شبشان بزنند تا به همه کارهایشان برسند، چریتون در قیاس

مبلغ ۷.۵ میلیون دلار به دانشگاه بریتیش کلمبیا اهدا کرد.



## اوج و فرود سرگی گالیتسکی، مؤسس فروشگاه‌های زنجیره‌ای ماگنیت خودساخته، خودباخته

سرمایه‌گذاران به گالیتسکی باور داشتند؛ او می‌توانست سرشان داد بزند، مشتش را روی میز بکوبد و با آنها مخالفت کند، در عوض شرکت از تمامی رقبایش رشد سریع‌تری داشت. این اعتماد به گالیتسکی نتیجه شیرینی هم داشت؛ در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴، ماگنیت ۱۵ برابر رشد کرد و ارزشش به ۳۰ میلیارد دلار رسید. سال ۲۰۱۲ ماگنیت به عنوان دومین شرکت بزرگ خرده‌فروشی دنیا به لحاظ سرمایه شناخته شد.

گالیتسکی با موضوع اجبار به صحبت کردن با سرمایه‌گذاران راحت نبود. یکی از مدیران مالی شرکت می‌گوید: «واقعاً بدش می‌آمد به سوال‌های احمقانه کسانی جواب بدهد که به نظرش دیدی خیلی سطحی به این کسب‌وکار داشتند.» واکنش او به پند و اندرزهایی که از سوی سرمایه‌گذاران می‌رسید این بود: «دوستان! اگر شما می‌خواهید تصمیم بگیرید روی این صندلی بنشینید و خودتان کار را مدیریت کنید، اگر نه پس همان کاری را می‌کنیم که من می‌گویم.»



### والمارت روسیه

سال ۱۹۹۸ بود که گالیتسکی اولین مغازه خواروبارفروشی‌اش را در شهر زادگاهش کراسنودور با شعار «همیشه ارزان» افتتاح کرد. خیلی‌ها موفقیت این فروشگاه را که بعد تبدیل به همان غول خرده‌فروشی روسیه یعنی ماگنیت شد با داستان موفقیت فروشگاه‌های برند والمارت آمریکا مقایسه می‌کنند. تا سال ۲۰۰۰ ماگنیت بیشتر از هر شرکت زنجیره‌ای دیگری در این کشور شعبه داشت. ماگنیت همان‌طور که اشاره شد در سال ۲۰۰۶ به بازار بورس پیوست و از همان زمان به صورت میانگین سالی ۲ میلیارد دلار به دارایی‌اش افزوده شد. سال ۲۰۱۱ ماگنیت گلخانه خودش را راه انداخت تا سبزی‌جات مورد نیاز فروشگاه‌هایش را هم خودش پرورش دهد. سال ۲۰۱۴ این شرکت ۷ هزار و ۵۶۷ خواروبارفروشی، ۷۶۳ فروشگاه لوازم آرایشی و ۱۶۹ هاپرمارکت در کل روسیه داشت و سالی نبود که بدون افتتاح ده‌ها شعبه جدید این شرکت در مناطق مختلف این کشور بگذرد. برای همین بود که وقتی سال گذشته خبر واگذاری ماگنیت رسید رسانه‌ها به دنبال این بودند که چه اتفاقی رخ داده است. حدس و گمان‌ها شروع شد؛ از اشتباهات مدیریتی گرفته تا چنگ انداختن بخش دولتی روسیه به کسب‌وکارهای خصوصی. نشریه اکونومیست در مورد این ماجرا نوشت: «در جامعه کسب‌وکار روسیه سرگی گالیتسکی به عنوان یکی از نمونه‌های کم‌یاب میلیاردرهای خودساخته شناخته می‌شد که با حداقل کمک گرفتن از بخش دولتی و در حوزه‌ای به غیر از منابع طبیعی توانست

تا سال ۱۹۹۴، گالیتسکی ۲۷ ساله هم در کسب‌وکار حمل و نقل اثاث کار کرده بود و هم به عنوان کارمند بانک. از آنجا به بعد بود که او با کمک وامی که به همراه شرکایش گرفت وارد کار عمده‌فروشی عطر و لوازم آرایشی شد، با شرکتی به نام ترانساسیا. این شرکت خیلی سریع رشد کرد و در سال ۱۹۹۵ توانست نمایندگی انحصاری عرضه محصولات Procter & Gamble را در جنوب روسیه به دست آورد. با این حال این شرکت که با نام اختصاری P&G شناخته می‌شود نیاز به شرکتی مستقل برای فروش محصولات برندش داشت. شرکای گالیتسکی به کار ترانساسیا ادامه دادند و او شرکت جدیدی به نام تاندر تأسیس کرد که به مرور تبدیل به همان نام آشنای ماگنیت شد.

رشد سریع نیاز به سرمایه قرضی داشت. ابتدا پیدا کردن حامیان مالی که حاضر به پرداخت این قرض شوند کار سختی بود اما همان‌طور که کار شرکت پیش می‌رفت، بان‌کها هم درهایشان را بر روی گزینه وام بازتر می‌کردند اما گالیتسکی نمی‌خواست که بیش از حد در قرض فروبرد. خودش می‌گوید: «هیچ‌وقت با بدهی زیاد راحت نبودم. اگر درآمد قبل از بهره، مالیات و استهلاک (EBITDA) شما حتی اندکی در گیر بدهی باشد، خیلی سریع با بانک به مشکل می‌خورید.» پس به جای زیر بار بدهی رفتن، ماگنیت وارد بازار بورس شد. سال ۲۰۰۶ شرکت عرضه اولیه سهامش را انجام داد و در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ دور بعدی واگذاری سهام را برگزار کرد. در عرض سه سال ماگنیت ۱،۲ میلیارد دلار سرمایه به دست آورد.

### او کیست؟

سرگی گالیتسکی، یکی از معدود میلیاردرهای خودساخته روس است که ثروتش به چاه‌های نفت و گاز و منابع طبیعی وابسته نیست. او در دهه ۹۰ فروشگاه‌های زنجیره‌ای ماگنیت را پایه گذاشت و با ۴،۰۶ میلیارد دلار ثروت در رده ۴۹۰ فهرست بلومبرگ قرار دارد.

سرگی گالیتسکی در منطقه کراسنودار در روسیه به دنیا آمد.

در رشته امور مالی از دانشگاه کوپان فارغ‌التحصیل شد.

۱۹۹۴  
با همراهی شرکایش شرکت کلی‌فروشی ترانساسیا را تأسیس کرد.

۱۹۹۳

۱۹۸۵  
دوران خدمت دوساله‌اش را در ارتش شوروی آغاز کرد.

۱۹۶۷

در جامعه کسب و کار روسیه سرگی گالیتسکی به عنوان یکی از نمونه‌های کم‌پاب میلیاردرهای خودساخته شناخته می‌شد که با حداقل کمک گرفتن از بخش دولتی و در حوزه‌ای به غیر از منابع طبیعی توانست رشد کند. او شرکت خرده‌فروشی ماگنیت را از صفر راه انداخت و آن را تبدیل به بزرگ‌ترین شبکه این کشور با بیش از ۱۶ هزار فروشگاه کرد.

فروش بود. اما برای سهام‌داران رشد بالقوه در اولویت قرار داشت. سال ۲۰۱۶ فروش ماگنیت فقط ۱۲٫۸ درصد رشد داشت که بسیار کمتر از رشد معمول ۲۰ تا ۳۰ درصدی آن در گذشته بود و آمارهای فروش نیمه سال ۲۰۱۷ هم رشد ۶٫۴ درصدی نشان می‌دادند. سهام‌داران شروع به فروش سهام ماگنیت کردند. نیمه دوم همان سال ماگنیت نیمی از ارزشش را از دست داد و سرمایه‌اش به ۵۰۰ میلیارد روبل (۸ میلیارد دلار) سقوط کرد. سال ۲۰۱۷ اتفاقاً مصادف با سالی بود که گالیتسکی سعی کرده بود مسئولیت‌های مدیریتی خودش را واگذار کند و کمی از سایه سنگین حضورش در شرکت کم کند اما با نگاهی به وضعیت شرکت دریافت که وقتش رسیده تا دوباره تمام‌وقت در شرکت حاضر شود و کنترل را در دست بگیرد؛ او کار هفت روز در هفته‌اش را از سر گرفت اما به نظر می‌رسد که این بازگشت دیگر توان تغییر اساسی در ماگنیت را نداشت چرا که شش ماه بعد خبر واگذاری آن منتشر شد. او هرگز در مورد جزئیات واگذاری به یک بانک دولتی صحبت نکرد، تنها موردی که گفته می‌شد این بود که بانک وی‌بی‌تی یکی از معدود گزینه‌های مورد اعتمادی بود که می‌توانست به عنوان خریدار در نظر گرفته شود. گالیتسکی بزرگ‌ترین دلیل واگذاری ماگنیت را استرس دائمی بیان کرده است: «شرکت بیش از اندازه به شخص من وابسته بود. روزانه ۶ هزار ماشین شرکت در جاده‌های روسیه بودند و فارغ از این که من چه کاری می‌توانستم یا نمی‌توانستم بکنم، خطر تصادف جدی خیلی بالا بود. شما نمی‌توانید به صورت صددرصد همه چیز را کنترل کنید و این مسئولیت شما را به زندگی آدم‌ها گره می‌زند.» سن و سال هم دلیل دیگری بود که او در گفت‌وگو با سایت بل آورد: «با گذر زمان کار من هم کندتر شد. کسب و کار هم مثل هوش است و باید قبول کنیم کاری را که در ۳۵ یا ۴۰ سالگی ازمان برمی‌آید در ۵۰ سالگی نمی‌توانیم انجام دهیم. روبه‌رو شدن با این واقعیت خیلی سخت است. در روم باستان اعتقاد بر این بود که هر گلابیاتور باید سر وقت و با افتخار بمیرد.»

یکی از مدیران مالی شرکت می‌گوید: «واقعاً بدش می‌آمد به سوال‌های احمقانه کسانی جواب بدهد که به نظرش دیدی خیلی سطحی به این کسب و کار داشتند.» واکنش او به پند و اندرزهایی که از سوی سرمایه‌گذاران می‌رسید این بود: «دوستان! اگر شما می‌خواهید تصمیم بگیرید روی این مندلی بنشینید و خودتان کار را مدیریت کنید، اگر نه پس همان کاری را می‌کنیم که من می‌گویم.»

رشد کند. او شرکت خرده‌فروشی ماگنیت را از صفر راه انداخت و آن را تبدیل به بزرگ‌ترین شبکه این کشور با بیش از ۱۶ هزار فروشگاه کرد. گالیتسکی به جای نقل مکان به مسکو دفتر مرکزی شرکت را در زادگاهش کراسنودور نگه داشت، همان شهری که برایش یک باشگاه فوتبال هم تأسیس کرده است. روز ۱۶ فوریه (سال ۲۰۱۸) او اعلام کرد که تمام ۲۹٫۱ درصد سهمش از ماگنیت را به بانک دولتی وی‌بی‌تی می‌فروشد. این که آقای گالیتسکی تصمیم به فروش شرکت گرفت نتیجه چرخه سخت کسب و کار و برخی از اشتباهات استراتژیک بود. نکته مهم‌تر این است که او در میان بخش خصوصی داخلی و یا سرمایه‌گذاران خارجی به دنبال خریدار نگشت. فروش به بانک بخش دولتی نشان‌دهنده نقش رو به رشد بخش دولتی در اقتصاد روسیه است. سرویس ضد انحصاری فدرال روسیه سهمش از شرکت را به ۷۰ درصد رسانده است.

سایت خبری بل روسیه پس از این واگذاری نوشت: «سرگی گالیتسکی ۲۵ سال را صرف ساختن «ماگنیت» کرد، بزرگ‌ترین خرده‌فروشی روسیه و همین است که با عنوان پسر طلایی کار آفرینی این کشور شناخته می‌شود. اما سال گذشته او ناگهان شرکتش را به بانک دولتی وی‌بی‌تی فروخت و از هر گونه مصاحبه با رسانه‌ها در این مورد خودداری کرد. اما حالا در مورد این موضوع با بل صحبت کرده است.» این سایت که با گالیتسکی گفت‌وگو کرد در مورد دوران اوج گرفتن رقابت و افول کار ماگنیت نوشته است: سال ۲۰۱۴ درآمد حاصل از خرید برای مصارف خانگی کاهش پیدا کرد اما خرده‌فروشان روسیه دست از توسعه کارشان نکشیدند؛ نبرد بر سر هر مشتری تازه به مرحله تنگاتنگ رسیده بود. سال ۲۰۱۳ شرکت X۵ شخصیت مدیرعامل مورد نیازش را در اولگا ناوموا یافت و رهبری زیرمجموعه پیاتروچکا را به او سپرد. او یک برنامه نوسازی گسترده را آغاز کرد که ۵ سال طول کشید و هزینه‌ای بالغ بر ۳۸ میلیارد روبل (۱ میلیارد دلار) به جا گذاشت. شرکت برای فروشگاه‌هایش درهای اتوماتیک گذاشت، تعداد پنجره‌ها را بیشتر و نورپردازی‌ها را تعویض کرد و مواد غذایی تازه به مشتریان عرضه کرد. مدیرعامل سابق DIXY (یک شرکت رستوران‌های زنجیره‌ای در بریتانیا) می‌گوید: «فکر کردیم این سرمایه دیگر هرگز به آن شرکت بر نمی‌گردد، این تغییرات به درد کسی نمی‌خورد اما بعد ناگهان فهمیدیم پیاتروچکا باعث خلق تجربه‌ای جدید برای مشتریان شده است و این بازتعریف برند شروع به سوددهی کرد.»

#### گلابیاتور خوب به موقع می‌میرد

مقدار هزینه‌ای که ماگنیت صرف فروشگاه‌هایش می‌کرد به گرد پای رقیبش هم نمی‌رسید. گالیتسکی بارها در مصاحبه‌هایش گفته بود: «مردم غذا نمی‌خرند، کالری می‌خرند.» و بارها تاکید کرده بود که ۸۰ درصد مشتریان ماگنیت بیشتر از ۲۰۰ دلار در ماه خرج مواد غذایی نمی‌کنند. البته حالا او برای کار رقیبش احترام قائل می‌شود: «پیاتروچکا در کارش مصمم‌تر و اهل عمل‌تر بود. آن‌ها شروع به نوسازی فروشگاه‌ها کردند که حداقل در مسکو تصمیم درستی بود. اما برای من همیشه سود مهم‌تر از



گالیتسکی با فروش همه ۲۹٫۱ درصد سهامش شرکت ماگنیت را به بانک دولتی وی‌بی‌تی واگذار کرد.

۲۰۱۸

۲۰۰۶

شرکت ماگنیت وارد بازار بورس لندن شد.

اولین فروشگاه خوار و بار فروشی‌اش را در شهر زادگاهش افتتاح کرد.

۱۹۹۸

نگاهی به کسب و کار خانواده هندوجا

## ثروت هندی، ریشه ایرانی

صحبت نمی‌کرد، کسی هم هندی نمی‌دانست و من هم فارسی بلد نبودم. به این نتیجه رسیدم که تا فارسی نفهمم هیچ کاری از پیش نمی‌برم. کم‌کم شروع به آموختن کردم. دیدن فیلم‌های هندی هم به یادگیری زبان کمک کرد. حالا هم فارسی می‌خوانم و می‌نویسم و هم زبان‌های دیگری را که برای کار لازم دارم می‌دانم. همان‌طور که آن روزها عاشقان سینمای هند بی‌آن که شاید معنای ترانه‌های راج کاپور را بدانند، آن‌ها را با دیدن و تکرار زیاد زمزمه می‌کردند، گویی چاند هم از دوبله فیلم‌های هندی و مطابقت دادنشان با زبان اصلی کم‌کم با زبان فارسی آشنا شد. پس از انقلاب و نقل مکان به اروپا رابطه تجاری خانواده هندوجا با ایران از سر گرفته شد.

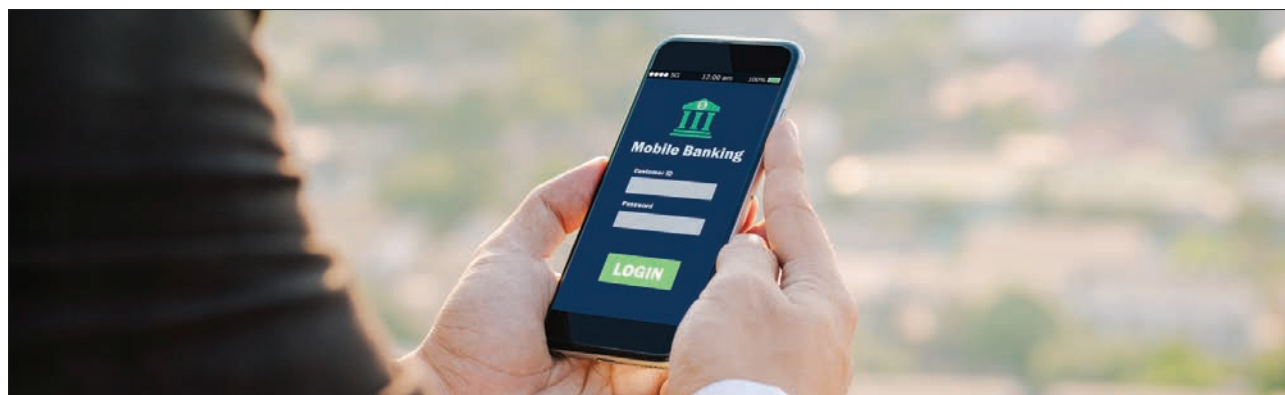
آشوک لیلند یکی از عمده‌ترین زیرمجموعه‌های هندوجا گروپ است که به عنوان دومین تولیدکننده بزرگ ماشین‌های حمل و نقل و جاده‌ای در هند، چهارمین تولیدکننده اتوبوس و دهمین تولیدکننده کامیون در دنیا شناخته می‌شود. این شرکت مستقر در هند در ۵۰ کشور دنیا فعالیت دارد و علاوه بر ۷ کارخانه تولیدی‌اش در هند ۹ کارخانه هم در سایر کشورها دارد. بخشی از این دستگاه بزرگ که بعداً با عنوان آشوکا لیلند دیفنس آغاز به کار کرد به صورت ویژه به کار تولید ماشین‌ها و سیستم‌های ارتباطی دفاعی مشغول است و مشتریان را ارتش‌های کشورهای مختلف تشکیل می‌دهند. هندوجا گروپ از همان زمان خروج از ایران در فعالیت‌های نفتی و پتروشیمی هم ورود پیدا کرد و حالا شرکت گلف اوایل اینترنت‌شنال که دفتر مرکزی آن در لندن قرار دارد، یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های نفت و فرآورده‌های نفتی است با شبکه‌ای فعال در ۸۳ کشور دنیا. علاوه بر همه اینها حضور در صنعت بانک‌داری هم از مشخصه‌های تجاری خاندان هندوجا و هلدینگ بزرگشان است.

نام این شرکت و خانواده هندوجا البته به اندازه وسعت تمامی این کسب و کارها و تجارت‌های مختلف، با شایعات و پرونده‌های مختلفی هم گره خورده است. یکی از بزرگ‌ترین هیاهوهای این خانواده زمانی به پا شد که دو برادر بزرگ‌تر مقیم بریتانیا در پی کسب تابعیت این

بهار امسال، سومین سال متوالی بود که نام برادران هندوجا به عنوان ثروتمندترین شهروندان ساکن بریتانیا اعلام شد. این ثمره ثروتی است که نقطه آغازش با تأسیس شرکت خانوادگی در سال ۱۹۱۴ شروع شد، آن زمانی که پارماناند دیپچاند هندوجا کار را شروع کرد. هندوجای بزرگ از قوم سندی بود، یک گروه از شاخه هندوایرانی‌های ساکن شبه‌قاره. کار شرکت خانوادگی ابتدا در محدوده بمبئی و کراچی شکل گرفت اما خیلی زود زمینه مساعدتری برای کار شروع شد. خاندان هندوجا در پی تجارت به آن سمت مرزهای هند رسیدند و به نظر می‌رسید که برای توسعه کار هیچ‌جا بهتر از ایران نبود. سال ۱۹۱۹ اولین مبادلات بین‌المللی این شرکت با ایران آغاز شد و روابط آن قدر گسترش پیدا کرد که دفتر مرکزی شرکت هندوجا هم به ایران منتقل شد و تا سال ۱۹۷۹ و پیش از انقلاب در همان‌جا باقی ماند. پس از انقلاب بود که هندوجا در پی مسکنی تازه روانه اروپا شد و سراغ بریتانیا رفت. در سال‌های فعالیت در ایران فرش و میوه خشک بود که توسط آنها به هند می‌رفت و ادویه و منسوجات بود که از هند به ایران وارد می‌شد. بعدتر یک راه کسب درآمد بسیار پرسود هم به روی خاندان هندوجا باز شد؛ ثروت بالیوود.

سال ۱۹۶۴ فیلم «سنگام» ساخته شد و پس از آن چهره راج کاپور و ترانه‌هایی که می‌خواند سینماهای ایران را هم در تسخیر خود گرفتند. این همان معدن طلای هندوجاها بود، آن‌ها که از مدت‌ها قبل پخش انحصاری فیلم‌های هندی در ایران، از دوبله گرفته تا اکران را در دست گرفته بودند، با اکران فیلم سنگام در واقع یکی از بزرگ‌ترین قدم‌هایشان را در بازار ایران برداشتند. سری چاند و گویی چاند دو برادر بزرگ‌تر از میان فرزندان پارماناند بودند، گویی چاند تعریف می‌کند که درست زمانی که قرار بود در هند وارد دانشگاه شود توسط پدرش به ایران اعزام شد تا کارش را در شرکت خانوادگی شروع کند و برای نشریه ایندیا تایمز نقل کرده است که وقتی چاره‌ای جز صرف‌نظر از سال‌های زندگی دانشجویی ندید به ایران رفت و بعد باید فکری برای آموختن زبان فارسی می‌کرد: «آن روزها کسی در ایران انگلیسی

یکی از بزرگ‌ترین هیاهوهای این خانواده زمانی به پا شد که دو برادر بزرگ ترمقیم بریتانیا در پی کسب تابعیت این کشور برآمدند. ژانویه سال ۲۰۰۱ خبری درز کرد که پیتر مندلسون یکی از وزرای وقت دولت بریتانیا در تماس با مایک او بریان، وزیر وقت کشور به نمایندگی از سری چاند هندوجا از او خواسته است تا به او تابعیت این کشور را بدهند. مندلسون کمی بعد به خاطر جنجال برپاشده بر سر این موضوع از سمتش کناره‌گیری کرد



چارلز جی کوک در بیانیه‌ای که به منظور اعلام درگذشت برادرش منتشر کرد توضیح داده بود: «۲۷ سال پیش برای دیوید تشخیص سرطان پیشرفته پروستات دادند و گفتند فقط چند سالی مهلت دارد. دیوید دوست داشت این را متذکر شود که ترکیب دکترهای بسیار زبردست، مدیتیشن به کمک هنر و لجبازی خودش بود که باعث شد سرطان عقب‌نشینی کند.»



آشوک لیلند یکی از عمده‌ترین زیرمجموعه‌های هندوجا گروپ است که به عنوان دومین تولیدکننده بزرگ ماشین‌های حمل و نقل و جاده‌ای در هند، چهارمین تولیدکننده اتوبوس و دهمین تولیدکننده کامیون در دنیا شناخته می‌شود. این شرکت مستقر در هند در ۵ کشور دنیا فعالیت دارد و علاوه بر ۷ کارخانه تولیدی‌اش در هند ۹ کارخانه هم در سایر کشورها دارد.

سال ۱۹۶۴ فیلم «سنگام» ساخته شد و پس از آن چهره راج کاپور و ترانه‌هایی که می‌خواند سینماهای ایران را هم در تسخیر خود گرفتند. این همان معدن طلای هندوجاها بود، آن‌ها که از مدت‌ها قبل پخش انحصاری فیلم‌های هندی در ایران، از دوبله گرفته تا اکران را در دست گرفته بودند، با اکران فیلم «سنگام» در واقع یکی از بزرگ‌ترین قدم‌هایشان را در بازار ایران برداشتند.

**گوپی چاند هندوجا:** دومین فرزند پارمانند سال ۱۹۴۰ متولد شد. او علاوه بر نقش پررنگی که در انتقال کسب‌وکار خانوادگی از ایران به اروپا داشت به عنوان مغز متفکر برنامه توسعه به صنایع برق و ساخت‌وساز هم شناخته می‌شود. او نایب‌رئیس هندوجا گروپ است و رئیس شرکت هندوجا اتوموتیو در بریتانیا.

**پراکاش هندوجا:** سومین برادر است. او سال ۱۹۴۵ به دنیا آمد و پس از دوران دانشگاه مانند برادر بزرگ‌ترش روانه ایران شد تا در دفتر مرکزی این شرکت در تهران مشغول کار شود. بعدتر او به ژنورفت تا فعالیتش را در سوئیس ادامه دهد و در حال حاضر رئیس هندوجا گروپ در اروپا است.

**آشوک هندوجا:** آخرین برادر است. این جوان‌ترین فرزند از همان جوانی و پس از فارغ‌التحصیلی از رشته تجارت دانشگاه بمبئی مأمور شد تا مسئولیت کسب‌وکار خانوادگی در هند را بر عهده داشته باشد و حالا هم به عنوان رئیس هندوجا گروپ در هند شناخته می‌شود. او همچنین در بنیاد خیریه خانوادگی همراه برادرش کار می‌کند و نظارت بر اجرای کارها به‌خصوص در حوزه آموزش و سلامت را بر عهده دارد. ■



کشور برآمدند. ژانویه سال ۲۰۰۱ خبری درز کرد که پیتر مندلسون یکی از وزرای وقت دولت بریتانیا در تماس با مایک اوברایان، وزیر وقت کشور به نمایندگی از سری چاند هندوجا از او خواسته است تا به او تابعیت این کشور را بدهند. مندلسون کمی بعد به خاطر جنجال برپا شده بر سر این موضوع از سمتش کناره‌گیری کرد. این موضوع مدت‌ها رسانه‌ها و دولت بریتانیا را درگیر خود کرد و افراد مختلفی در دولت را نشانه گرفت اما سرانجام هردو برادر بزرگ‌تر توانستند شهروندی بریتانیا را به دست آورند.

#### چهار برادران

در رسانه‌های بریتانیا بارها هنگام اشاره به برادران هندوجا، به‌خصوص سری چاند و گوپی چاند که ساکن این کشور هستند، از لغت «مرموز» استفاده شده است. حضور آنها و سهمی که از ثروت و سرمایه دارند همواره برای رسانه‌ها منبعی برای داستان‌های همراه با شک و تردید بوده است و به نظرشان نوع فعالیت آنها همواره در نوعی از ابهام قرار دارد. بی‌بی‌سی چند سال قبل در توصیف این برادران نوشته بود: «چهار برادر که هر کدام در گوشه‌ای از دنیا این ثروت عظیم را اداره می‌کنند رابطهای بسیار نزدیک با هم دارند و در مطبوعات بریتانیا به مرموز بودن و مخفی کاری معروف هستند. آن‌ها وقتی می‌خواهند درباره کسب و کارشان صحبت کنند به راه‌پیمایی‌های طولانی در پارک‌ها می‌روند تا کسی صحبت‌هایشان را نشود. آن‌ها با ای‌میل‌های رمزگذاری شده مکاتبه می‌کنند و تمایلشان به حفظ حوزه خصوصی به حدی است که اگر نامه‌ای بفرستند آدرس فرستنده ذکر نمی‌شود. برادران هندوجا شرکت‌های متعددشان را که زیرمجموعه شرکت عظیم هندوجا گروپ هستند در پناهگاه‌های مالیاتی مثل باهاما، پاناما، لیختن‌اشتاین و لوکزامبورگ به ثبت رسانده‌اند.» با این چهار هندوجا بیشتر آشنا شوید:

**سری چاند هندوجا:** بزرگ‌ترین برادر از میان چهار پسر پارمانند متولد ۱۹۳۵ است. او پس از تکمیل تحصیلاتش در سال ۱۹۵۲ به کسب‌وکار خانوادگی پیوست و حالا به عنوان رئیس این شرکت شناخته می‌شود و علاوه بر هندوجا گروپ، ریاست بنیاد خانوادگی هندوجا و بانک هندوجا در سوئیس را هم بر عهده دارد.





توماس پریتزکر از اصل اساسی صنعت مهمانداری می‌گوید:

## هتل یعنی آدم‌ها

■ معماری نقش بزرگی در توسعه هایت ایفا کرده است. در حال حاضر هم این موضوع برای برند شما اهمیت دارد؟

معماری عمیقاً برای ما مهم بود. طراحی ساختمان «هایت ریجنسی آتلانتا» کل آنچه هایت بود را تغییر داد و ما را در دیدرس قرار داد. طراحی جان پورتمن خارق‌العاده بود و نه تنها تجربه‌ای عالی برای مهمانان ما به وجود آورد بلکه برای کارمندانمان هم همین نقش را داشت. به نظر من این دو گروه وابستگی بسیاری به هم دارند. در صنعت مهمانداری به نظر من نمی‌شود که کارمندان بدبخت و مهمانان راضی داشته باشیم.

اگر بتوانید معماری‌ای خلق کنیم که به صورت فیزیکی به این تجربه کمک کند، همان کاری که در هایت ریجنسی آتلانتا انجام شد، پس باید بگویم بله، من طرفدارش هستم. اما در حال حاضر فکر نمی‌کنم که معماری آن اهمیت را داشته باشد. به نظرم حالا آن تجربه از فیزیک ساختمان مهم‌تر است. نمی‌گویم معماری اهمیتی ندارد، واضح است که باید از یک استاندارد بالاتر باشید که کمتر از آن بی‌انصافی در حق مهمانان است. سطح توقع را برند است که به وجود می‌آورد و باید به آن توقع پاسخ دهید.

■ از نگاه ناظر بیرونی به نظر می‌رسد که تکثیر سریع برندهای مربوط به سبک زندگی همچنان روند روز است و در میان شرکت‌های بزرگ مهمانداری بیشترین جنبش را دارد. در هایت

توماس پریتزکر چهره شناخته‌شده خاندان پریتزکر است و سرمایه‌دار و میلیاردر آمریکایی که او و خانواده‌اش را پیش از هر چیز با برند شرکت هتل‌های هایت می‌شناسند. این شرکت اولین مجموعه‌اش را در سال ۱۹۵۴ در قالب یک متل در نزدیکی فرودگاه لس‌آنجلس افتتاح کرد و سال ۵۷ بود که جی پریتزکر آن را خرید و از آن پس نام هایت وارد کسب‌وکار این خانواده شد. مجموعه بزرگی از انواع هتل‌های با قیمت مناسب و گران‌قیمت و هتل‌های برای اقامت طولانی‌مدت در بخش‌های زیادی از آمریکا و چین در تصاحب این شرکت است و در انگلستان، ژاپن و هند و برخی نقاط دیگر در آسیا هم فعالیت می‌کند. توماس پریتزکر مالک این برند در گفت‌وگویی که با مجله «تراول ویکلی» انجام داده است در مورد صنعت هتل‌سازی و دامنه فعالیت‌های برندش توضیح داده است. او می‌گوید در دنیای رقابت با غول‌هایی مانند هیلتون، در میانه بودن هم منافع خودش را دارد و برای خیلی از سرمایه‌گذاران جذاب است: «این نقطه ضعف ما است که نمی‌توانیم چند تریلیون دلار را صرف یک برنامه کنیم اما در عوض جایی بیشتری داریم. منفعت این مورد را بارها دیده‌ایم آن هم وقتی که با برخی سرمایه‌گذاران حرف می‌زنیم و آنها می‌گویند: شما به بزرگی ماریوت و هیلتون نیستید اما من می‌خواهم با شما هتل بسازم چون این جوری کسی را در مقابلم دارم که می‌توانم با او حرف بزنم و او هم واقعاً به حرفم گوش می‌کند.» ترجمه بخش‌هایی از این گفت‌وگو را در این بخش می‌خوانید.

مقیاس و اندازه،  
استراتژی قابل  
قبولی است و  
به شرکت‌های  
زیادی امکان برد  
داده است اما تنها  
استراتژی موجود  
نیست. ما حالت  
وسط را داریم و  
فکر می‌کنم از این  
قابلیت می‌توانیم  
به نفع خودمان  
استفاده کنیم

مهمانان می‌توانند برای اتاقشان چیزی سفارش دهند و یک ربات می‌تواند این سفارش را تحویل دهد. این امکان خیلی سریع فراهم خواهد شد. اما در نهایت محور اصلی صنعت مهمانداری آدم‌ها هستند و برای همین باید بدانیم چطور می‌توانیم به مهمانانمان همان تجربه‌ای را بدهیم که می‌خواهند.



در هتل‌هایی که بر مفهوم سبک زندگی تأکید دارند، روند اصلی این است که سعی دارند خصوصیات انسانی کاری را که می‌کنیم ثبت کنند. «سبک زندگی» در واقع به معنای «تجربه» است. به نظرم چالش مهم این است که آیا می‌توانیم ارزش‌های تکنولوژی را بدون از دست دادن عناصر انسانی از آن خود کنیم؟

من می‌خواهم با شما هتل بسازم چون این چوری کسی را در مقابلم دارم که می‌توانم با او حرف بزنم و او هم واقعاً به حرفم گوش می‌کند. ما در کنفرانس سرمایه‌گذاری هستیم. همه درگیر این فکر هستند که رشد این صنعت تا کجا ادامه پیدا می‌کند و کی قرار است این چرخه تمام شود.

می‌دانم، می‌دانم! ما همین حالا هم در وقت اضافه بازی می‌کنیم. جواب این سؤال را نمی‌دانم. تقاضا در حال افزایش است و بنابراین خدمات هم افزایش پیدا می‌کند. اما نمی‌دانم که این دوره چقدر طول می‌کشد. اگر می‌دانستم لازم نبود این قدر سخت کار کنم.

■ آیا در جاهایی که به نظر تقاضا در حال افزایش است امکانات کافی دارید؟ مثلاً در آسیا؟

خیلی دوست داریم که در چین کار را گسترده‌تر کنیم. الان در حد معقولی در این کشور حضور داریم اما چین آن قدر بزرگ است که هیچ‌کس نمی‌تواند در آن قدرت کافی داشته باشد. این کشور مانند دهه ۵۰ و ۶۰ آمریکا است. در سایر کشورهای آسیایی واقعاً قدرت داریم، خارج از آمریکا، آسیا واقعاً خانه دوم ما است.

■ سرمایه‌گذاران هنوز پول و علاقه کافی برای نگاه داشتن شما در سطح مطلوبتان دارند؟

بله. اگر دو دوتا چهار تایی در کار باشد پول هم هست، درست است؟ آن حساب و کتابی را که دوست دارند نشانمان دهید، پول به اندازه کافی هست. ■



#### هم‌بیشترین تمرکز روی همین موضوع است؟

در هتل‌هایی که بر مفهوم سبک زندگی تأکید دارند، روند اصلی این است که سعی دارند خصوصیات انسانی کاری که می‌کنیم را ثبت کنند. «سبک زندگی» در واقع به معنای «تجربه» است. به نظرم من چالش مهم این است که آیا می‌توانیم ارزش‌های تکنولوژی را بدون از دست دادن عناصر انسانی از آن خود کنیم؟ ما به شدت مشغول کار بر روی تحلیل داده‌ها هستیم و اطلاعات بسیاری در مورد مهمانانمان جمع‌آوری کرده‌ایم. اما با آنچه در مورد مشتریان می‌دانیم باید چه کنیم؟ این موضوع جالبی است چرا که اگر آن را درست انجام دهیم تقریباً می‌توانیم از آنچه ممکن است کاملاً رباتیک و غیرانسانی باشد به دنیای انسانی پناه ببریم.

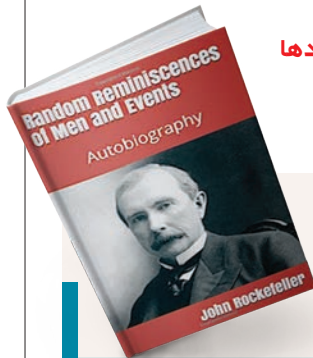
ما در مورد این موضوع فکر می‌کنیم، از طرف دیگر چه کارهایی را می‌توانیم بدون دخالت انسانی انجام دهیم؟ مهمانان می‌توانند برای اتاقشان چیزی سفارش دهند و یک ربات می‌تواند این سفارش را تحویل دهد. این امکان خیلی سریع فراهم خواهد شد. اما در نهایت محور اصلی صنعت مهمانداری آدم‌ها هستند و برای همین باید بدانیم چطور می‌توانیم به مهمانانمان همان تجربه‌ای را بدهیم که می‌خواهند. ممکن است کسانی باشند که دلشان تجربه‌ای کاملاً دیجیتال را بخواهد و اصلاً نخواهند با کسی صحبت کنند اما به نظرم انسان‌ها برای روابط انسانی تنظیم شده‌اند. اگر سبک زندگی فقط یک بیان دیگر از تجربه باشد، به نظرم این تجربه نباید تنها به تجربه دیجیتال محدود شود. چالش اصلی این است که همه اینها را در نظر بگیریم.

■ رقبای اصلی‌تر شما برندهای مربوط به سبک زندگی را در جاهایی معرفی کرده‌اند که شما در آنها حضور ندارید. تصمیم این که یک برند کجا معرفی شود چگونه گرفته می‌شود؟

توانایی دستیابی به مجموعه‌های حیاتی خیلی مهم است. پس برای مثال وقتی می‌خواستیم وارد تأسیس هتل‌های اقتصادی شویم گفتیم: «خب شروع کنیم به ساختن یک هتل با قیمت مناسب و بعد یکی دیگر و بعد یکی دیگر». آمری سوویت را خریدیم که مجموعه‌ای از ۱۴۵ هتل بود و بسیار همگن بودند پس می‌توانستیم با یک تغییر طراحی واحد هایت پلیس را خلق کنیم. خیلی سریع برندی به دست آورده بودیم که به اندازه کافی اجتماعی حیاتی از هتل‌ها را داشت که می‌توانستیم به مشتریان بالقوه رجوع کنیم و بگوییم که از پس خواسته‌هایشان برمی‌آییم. در مورد هایت هاوس هم همین کار را کردیم و سراغ خرید شرکتی رفتیم که مجموعه‌ای از هتل‌های مناسب برای اقامت طولانی مدت را داشت.

■ در واقع سؤال اصلی این است که آیا می‌توانیم با این غول‌های رقیب رقابت کنیم؟ سه گروه رقیب وجود دارد: دسته اول غول‌هایی مانند ماریوت و هیلتون هستند که واقعاً عظیم‌اند و چندین برند را رهبری می‌کنند. دسته دیگر هتل‌های چندبرندی بزرگ هستند اما در آن مقیاس دسته قبل و گروه سوم تک‌برندی‌هایی مانند فور سیزن و شانگری لا و مانند آنها.

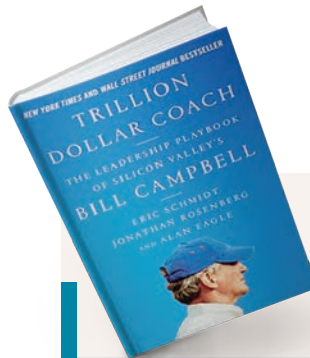
مقیاس و اندازه، استراتژی قابل قبولی است و به شرکت‌های زیادی امکان برد داده است اما تنها استراتژی موجود نیست. ما حالت وسط را داریم و فکر می‌کنم از این قابلیت می‌توانیم به نفع خودمان استفاده کنیم. البته این نقطه ضعف ما است که نمی‌توانیم چند تریلیون دلار را صرف یک برنامه کنیم اما در عوض چابکی بیشتری داریم. منفعت این مورد را بارها دیده‌ایم آن هم وقتی که با برخی سرمایه‌گذاران حرف می‌زنیم و آنها می‌گویند: شما به بزرگی ماریوت و هیلتون نیستید اما



### یادآوری‌های اتفاقی آدم‌ها و رویدادها جان راکفلر



«در زندگی هر آدمی احتمالاً زمانی می‌آید که دلش می‌خواهد دوباره رخدادهای کوچک و بزرگ زندگی‌اش را مرور کند، رخدادهایی که سبب اتفاقات خوب و بد در کار و زندگی‌اش شدند. من هم می‌خواهم یک پیرمرد پر حرف باشم و داستان برخی از این آدم‌ها و اتفاقاتی را که در زندگی‌ام افتاد بازگو کنم.» این بخشی از نوشته خود جان راکفلر است. آنچه او در این کتاب می‌گوید البته با خاطرات یک پیرمرد معمولی تفاوت دارد چرا که آدم‌هایی که او از آنها یاد می‌کند اغلب کسانی هستند که به تغییر چهره تجاری آمریکا کمک کردند. راکفلر هنوز هم که هنوز است یکی از موفق‌ترین نمادهای دنیای سرمایه‌داری به شمار می‌رود و وقتی از رخدادهای زندگی‌اش یاد می‌کند یعنی رخدادهای بزرگی که می‌توانند تجربه‌های این نام بزرگ در تجارت و صنعت آمریکا را به کارآفرینان و جوانان نسل‌های بعد منتقل کنند. خودش در این کتاب گفته است که فکر می‌کند فکرها و باورهایش به خوبی درک نشده‌اند و برای همین می‌خواهد همه از زبان خودش او را بشناسند.



### مربی تریلیون دلاری اریک اشمیت



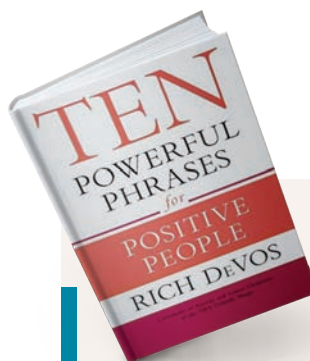
بیل کمپل نقشی اساسی در رشد چندین شرکت برجسته مانند گوگل، اپل و اینتیتو بازی کرد و با چهره‌های برجسته سیلیکون ولی مانند استیو جابز، لری پیج و اریک اشمیت رابطه پدیده عمیقی داشت. به علاوه نبوغ تجاری او راهنمای افراد بسیاری در هر دو جبهه بود از کارآفرینان و سرمایه‌گذاران گرفته تا بازیکنان فوتبال و همین سبب شد تا یادگاری از شرکت‌های در حال رشد، موفقیت مردم، احترام، دوستی و عشق پس از مرگش در سال ۲۰۱۶ از خود به جا بگذارد. در این کتاب که با مشارکت مدیران گوگل نوشته شد و کسی مثل اریک اشمیت در آن نقش داشت، بر مبنای بیش از ۸۰ مصاحبه‌ای که انجام شده، کسانی که بیل را می‌شناختند و دوست داشتند روایت می‌کنند که باورهای او چه بوده و از آدم‌ها و شرکت‌هایی که کمپل با آنها کار کرده بود می‌گویند. نتیجه کار رسم یک نقشه از شیوه تفکر آینده‌نگرانه در کسب‌وکار شده است و این که مدیران چگونه می‌توانند به سرعت رشد و بهبود کیفیت کار کمک کنند.



### موفقیت از شکست خوردن آسان‌تر است تروت کتی



مثل هزاران رستوران کوچک و بزرگی که در آمریکا وجود دارد تروت کتی هم صاحب فست فودی بود به نام چیکن فیل ای که در سال ۱۹۴۶ تأسیس شد. کار رستوران از آتلانتا شروع شد و بعد با یک نوع ساندویچ مرغ به شهرت رسید. تروت کتی توانست آن رستوران زنجیره‌ای را تبدیل به مجموعه‌ای بزرگ در سراسر آمریکا کند و هم‌زمان با گسترش کار و ثروتش با حضور در کارهای خیریه توانست به چهره‌ای محبوب تبدیل شود. کتی در طول زندگی ۹۳ ساله‌اش پنج کتاب نوشت، فارغ از کتاب‌های دیگری که به زندگی و کسب‌وکار او می‌پردازند، این کتاب گویا بیشتر با هدف تشویق کارآفرینان نوشته شده است؛ این که از چه قواعد ساده‌ای می‌توانند پیروی کنند و چه راهنمایی‌هایی را می‌توانند گوش کنند تا به موفقیت برسند. کسانی که کتاب را خوانده‌اند می‌گویند این کتاب هم برای کسانی است که می‌خواهند کسب‌وکارشان را رونق دهند و هم کسانی که تا به حال فکر کسب‌وکار راه انداختن را نکرده‌اند؛ کتابی که با زبان ساده نوع نگاه شما را تغییر می‌دهد.



### ۱۰ اصطلاح قدرتمند ریچ داوز



ریچ داوز، تاجر و نیکوکار و سخنران انگیزشی موفق در طول زندگی و کارش به خوبی به ارزش مثبت ماندن پی برده است و قصد دارد که سایرین را هم به این مسیر دعوت کند. با تجربه‌ای که در طول سال‌های کارش و تجربه‌های برخوردش با سایر آدم‌ها به دست آورده، به خوانندگان پیشنهاد می‌کند تا با کلید موفقیت او آشنا شوند. ۱۰ اصطلاح و جمله ساده‌ای که در زندگی روزمره کاربرد دارند اما می‌توانند زندگی آدم‌ها را تغییر دهند. پیشنهاد کتاب این است که این جملات را به خاطر داشته باشید و در مکالمات روزمره از آنها استفاده کنید. این شیوه برخورد با مسائل همان شیوه‌ای است که به او کمک کرده تا در دنیای کسب‌وکار خودش موفق باشد و علاوه بر آن بتواند زندگی شخصی‌اش را تغییر دهد و حالا هم دستمایه‌ای شده برای سخنرانی و نوشتن کتاب و کمک کردن به تغییر زندگی دیگران. این جملات و اصطلاح‌ها هیچ عجب نیستند، به سادگی «به تو اعتماد دارم»، «متشکرم» و از این قبیل. در این کتاب می‌خوانید که قدرت تغییر کسب‌وکار و رویه زندگی با این جملات چگونه است.

# تجربه

[ این صفحه‌ها به مرور تجربیات کارآفرینی می‌پردازد. ]

## خدا حافظی باشکوه

جک ما خودش را بازنشسته کرد

ثروت، سخنرانی پراحساسی در آن جمع ارائه کرد و با چشمانی پر اشک از شرکتی که سال ۱۹۹۹ به کمک دوستانش در آپارتمانی کوچک در هانگ‌ژو تأسیس کرده بود خدا حافظی کرد. بخشی از سخنرانی او را می‌خوانید:

● امروز روز بازنشستگی من نیست، شروع برنامه جانشینی‌های موفق در علی بابا است. معنای امروز درباره انتخاب شخصی نیست بلکه در مورد موفقیت سیستم شرکت است. دنیای امروز دارد تغییرات بنیادین زیادی را تجربه می‌کند که بر روی همه تأثیر می‌گذارد. چالش‌های جهانی شدن، اضطراب حاصل از فناوری‌های جدید و تنش‌های تجاری بین چین و ایالات متحده به همراه بدخیم شدن وضعیت محیط‌زیست همه نشانه‌های این هستند که به زودی عصر جدیدی از راه می‌رسد. تمام درد و سردرگمی‌ای که امروز داریم از نظر من تنها مشکلاتی موقت هستند که از سر می‌گذرانیم.

● در قرن بیست و یکم فارغ از این که که هستید و برای کجا کار می‌کنید، بزرگ‌ترین قدرتی که دارید مهربانی است. خیلی‌ها می‌گفتند که من آدم خوش‌شانسی هستم اما در واقع اشتباهاتی که علی بابا مرتکب شد دست کمی از سایر شرکت‌ها نداشت. اما ما تصمیم‌های درست زیادی هم گرفتیم، بیشتر به این خاطر که ما صرفاً این تصمیم‌ها را به خاطر تجارت نگرفتیم، تمام تصمیم‌های حیاتی ما در دو دهه گذشته تنها به خاطر پول نبود.

● این تصمیم (به کناره‌گیری از کار) تصمیمی نیست که بر اساس یک حس ناگهانی گرفته باشم و زیر هیچ‌گونه فشاری هم نبودم. در فضای آنلاین شایعاتی در مورد این بود که من از چیزی می‌ترسم. آدم‌های علی بابا هرگز از هیچ‌چیز نمی‌ترسند. تنها حسی که ما به آینده داریم نه ترس بلکه احترام است. ■

سپتامبر امسال علی بابا یکی از مهم‌ترین روزهای تاریخ این شرکت را پشت سر گذاشت. جک ما، مؤسس مشهورترین شرکت حوزه تکنولوژی چین خودش را بازنشسته کرد تا پس از ۲۰ سال، کار را

رسماً به دست رده بعدی مدیران بسپارد. در این دو دهه، علی بابا نمادی از پیشرفت و جهش تکنولوژی در چین شد و همراه با رشد اقتصاد این کشور رشد کرد و جلو رفت تا امروز که هم نامش در تمام جهان شناخته شده است و هم بنیان‌گذارش را در رده ثروتمندترین‌های دنیا نشانده است. جک ما که همواره به برون‌گرایی و هیجان و جشن گرفتن به همراه کارمندانش معروف بوده است، در آخرین روز کار رسمی‌اش در شرکت یکی از بزرگ‌ترین جشن‌های ممکن را برپا کرد تا خدا حافظی باشکوهی با علی بابا داشته باشد. سایت کوارتز توصیفی از این جشن خدا حافظی را به اضافه بخشی از صحبت‌های پایانی جک ما منتشر کرد که ترجمه خلاصه‌ای از آن را می‌خوانید. یک استاد یوم پر از جمعیت؛ مملو از ۶۰ هزار کارمندی که میچندهای روشن متصل به اینترنتشان را در فضا تکان می‌دادند. جک ما با یک کت چرمی کار شده و یک گیتار نارنجی روی سن می‌خواند و هزاران نفر برایش دست می‌زدند. مجری برنامه هم با یک بالن به میان برنامه آمده بود. همه اینها تنها چند صحنه از جشن بیستمین سالگرد تأسیس علی بابا در هانگ‌ژو چین بود که هم‌زمان شده بود با پنجاه و پنجمین سالروز تولد جک ما و آخرین روز فعالیتش به عنوان رئیس این شرکت. از همان روز به بعد دانیل ژانگ جای جک ما را گرفت.

درست در روزهایی که بسیاری از چینی‌ها از جمله بسیاری از خانواده‌های مرفه‌تر قشر متوسط در مورد آینده اقتصاد چین و تنش‌های تجاری‌اش با آمریکا و بالا رفتن قیمت مواد غذایی نگران هستند، این رخداد بهانه‌ای شد برای جشن گرفتن یکی از حیرت‌انگیزترین موفقیت‌های اقتصاد چین در ۲۰ سال گذشته و البته تقدیر از مردی که تبدیل به چهره جهانی خیزش تکنولوژی این کشور شد.

جک ما، معلم زبان انگلیسی سابق و ثروتمندترین چینی امروز با ۴۰ میلیارد دلار

زهرآ چویانکاره

دبیر بخش تجربه



کسب و کارهای خانوادگی و مشکلی به نام ورود نسل بعد

## کی باید فرزندان را اخراج کنید؟

درخواستی که با آن موافقت شد، ابتکار بعد از ابتکار بود که جیمز به خرج می داد و همه یا شکست می خوردند یا نتیجه آنچه که باید از آب در نمی آمد. اما چارلز همه اینها را به حساب موقعیت های ناب برای کسب تجربه پسرش می گذاشت. حالا او مشکل بزرگ تری داشت: کارمندان قابل اعتماد پر سابقه شرکت که در بخش جیمز کار می کردند یک به یک شروع به استعفا کردند. چارلز حالا نگران این بود که جیمز نه تنها از پس هدایت کسب و کار بر نیاید بلکه در حال آسیب زدن های جبران ناپذیر به آن است. سوالی که در ذهنش می چرخید این بود: باید پسر خود را اخراج کنم؟

تصمیم بر اخراج فرزندان ممکن است سخت ترین تصمیمی باشد که به عنوان مدیر یک کسب و کار خانوادگی می گیرید و هر قدر هم که خوب از پس این موضوع بر آید، عواقبش مدت های زیادی بر جامی ماند.

جری جونز، مالک تیم فوتبال دالاس کابویز دخترش شارلوت، فارغ التحصیل دانشگاه استنفورد را دو بار از کسب و کار خانوادگی اخراج کرد و البته هر دو بار، بیرون ماندن او از شرکت خیلی طول نکشید. هر دو نفر می گویند که حالا این موضوع برایشان مایه شوخی است اما دخترش هر بار در مصاحبه های رسانه ای این موضوع را یادآور می شود که کاملاً قابل فهم است. بیرون انداخته شدن از کارت آن هم توسط خانواده خود می تواند حکم دو بار مشت خوردن را داشته باشد. بارها کسانی را دیده ایم که بیش از ۵ سال را هم صرف مداوای این زخم کرده اند و در این مدت نه تنها از کسب و کار بلکه از خانواده شان هم فاصله گرفته اند تا بتوانند دوباره روی پایشان بایستند. گاهی هم این زخم های کاری هیچ وقت درمان نمی شوند. برای مصون ماندن از گرفتن تصمیمی که ممکن است چه به لحاظ حرفه ای و چه خانوادگی پشیمانی به بار بیورد، در مورد انگیزه اصلی اخراج کردن یک عضو خانواده فکر کنید، فکر کنید که چه گزینه هایی دارید و اگر این قدم را بردارید آینده به چه شکل خواهد بود.

### فهم انگیزه ها و گزینه ها

به جای عکس العمل یکباره به اصل این موضوع فکر کنید که چرا موقعیت آن گونه که تصویرش را کرده بودید پیش نمی رود. در تجربه ما، پرسیدن پشت سر هم این پرسش ها می تواند کمک کند تا مسیری که بهترین جواب را به شما می دهد پیدا کنید؛ بهترین راهکار هم برای شما، هم فرزندان و هم کسب و کارتان.

آیا انتظارات واضح بیان شده اند و توافق

دو طرفه در موردشان وجود دارد؟

از خودتان بپرسید که آیا ناخودآگاه زمینه شکست فرزندان را با انتظارات مبهم یا غیر واقعی فراهم کرده اید یا نه. یکی از مشتریان ما مدام با این فکر درگیر بود که تا کی باید زبان ناشی از فروش هایی را که بر عهده یکی از اعضای نسل جوان خانواده گذاشته بودند تحمل کند اما در واقع به آن عضو خانواده حداقل راهنمایی ممکن داده شده بود. یکی از اعضای مسن تر خانواده به اطلاع ما رساند: «ما این

زمانی ارث بردن شغل هم مانند ارث بردن نام و مال خانوادگی متعارف بود. نسل به نسل بنا بر آنچه شغل پدر بود، شغل فرزندان هم تعیین می شد. حالا دیگر زمان درازی از آن روزگار گذشته است اما در جهان کسب و کار هنوز هم کسب و کارهای خانوادگی ای هستند که از مادر و یا پدر به دختران و پسران منتقل می شوند و ثروت را در شجره خانوادگی نگه می دارند. با وجود تمام مزایای این کسب و کارها، مشکلات خاصی هم هستند که فقط در این نوع از کسب و کار می توان آنها را سراغ گرفت. این مشکلات اغلب زمانی شروع می شوند که نسل تازه بر روی کار می آید و شاید برخلاف انتظار، این تجربه انتقال قدرت به فرزندان یا سپردن کار به آنها با تصورات نسل قبلی هماهنگ نباشد. زمانی می رسد که حتی کار به پرسیدن این سؤال می رسد: باید همچنان به این همکاری ادامه داد یا می شود که آدم فرزند خودش را اخراج کند؟ نشریه هاروارد بیزینس ریویو در مطلبی به همین مضمون پرداخته و برای کسب و کارهای خانوادگی راهنمایی هایی هم دارد که می توانید در این بخش ترجمه قسمت هایی از آن را بخوانید.

سال های سال چارلز در آرزوی این بود که دوش به دوش پسرش در کسب و کار خانوادگی شان کار کند؛ یک شرکت پرونق تولیدی که پدرش بنیان گذاشته و توسعه اش داده بود. از همان زمانی که جیمز پس از پایان دانشگاه مستقیم به این شرکت پیوست هر دو فکر می کردند که او روزی سرانجام مدیریت کل کار را بر عهده می گیرد. اما کارها آن گونه که این تاجر بزرگ امیدش را داشت پیش نرفت.

جیمز که مشتاق بود ارزش هایش را در کار به نمایش بگذارد، درخواست کرد که مسئولیت توسعه خطوط جدید تولید شرکت به او واگذار شود،

صادقانه با  
موقعیتی که دارید  
برخورد کنید  
و ببینید که آیا  
واقعاً مشکل از  
فرزندان است یا  
از خود شما. این  
دشوارترین سوالی  
است که می توان  
پرسید و می توان  
به آن پاسخ داد





خانواده‌های بسیاری نگران این هستند که ثروت و موفقیت کاری‌شان به نحوی باعث بی‌انگیزگی فرزندان‌شان شود. اما ما اغلب به این نتیجه می‌رسیم که مشکلات غیرقابل انتظار زمانی پیش می‌آیند که نسل بعدی به شدت با انگیزه است و می‌خواهد ردپای خودش را در کسب‌وکار به جا بگذارد در حالی که هنوز به قدر کفایت بالغ و قابل اعتماد نیست.

برای یک پدرسالار یا مادرسالار در رأس یک کسب‌وکار خانوادگی چندان هم غیرمحتمل نیست که نسبت به نسل جوانی که می‌خواهد جای او را بگیرد احساس خشم و رنجش کند



بیرون انداخته شدن از کارت آن هم توسط خانواده خود می‌تواند حکم دوبار مشقت خوردن را داشته باشد. بارها کسانی را دیده‌ایم که بیش از ۵ سال را هم صرف مداوای این زخم کرده‌اند و در این مدت نه تنها از کسب‌وکار بلکه از خانواده‌شان هم فاصله گرفته‌اند تا بتوانند دوباره روی پایشان بایستند. گاهی هم این زخم‌های کاری هیچ‌وقت درمان نمی‌شوند

مأموریت را تبدیل به زمین بازی شخصی او کردیم، فقط چک‌های سفیدامضا به او می‌دهیم» بدون هدف روشن و تعریف مکانیزم‌هایی برای گرفتن بازخورد و توسعه، هیچ ابزاری برای اندازه‌گیری پیشرفت و میزان مسئولیت او در کار نبود.

#### آیا فرهنگتان با هم ناسازگار است؟

۲

خانواده‌های بسیاری نگران این هستند که ثروت و موفقیت کاری‌شان به نحوی باعث بی‌انگیزگی فرزندان‌شان شود. اما ما اغلب به این نتیجه می‌رسیم که مشکلات غیرقابل انتظار زمانی پیش می‌آیند که نسل بعدی به شدت با انگیزه است و می‌خواهد ردپای خودش را در کسب‌وکار به جا بگذارد در حالی که هنوز به قدر کفایت بالغ و قابل اعتماد نیست، موضوعی که فرهنگ سازمانی را تخریب می‌کند. در مورد جیمز، ماجرا این بود که او داشت شرکت را به سمتی می‌برد که تقریباً به صورت اختصاصی و تنها بر روی آمار و عددها متمرکز شود در حالی که سنت کسب‌وکار خانوادگی‌شان درست بر خلاف این ایده با شعار «اول آدم‌ها» پیش رفته بود. کارمندان پرسابقه خارج از خانواده که در شرکت کار می‌کردند، از نحوه مدیریت او احساس بیگانگی کردند و یا استعفا کردند و یا درخواست انتقال دادند. اگر این موقعیت با آنچه شما با آن روبه‌رو شده‌اید هم‌خوانی دارد، باید بنشینید و صحبت مفصلی در مورد ارزش‌ها و فرهنگ کاری شرکت با فرزندان داشته باشید. فرزند شما باید با این شیوه هماهنگ شود و به فرهنگ کسب‌وکار شما احترام بگذارد. در این مورد شاید داشتن یک مربی خارج از مجموعه بتواند کمک بزرگی باشد.

#### آیا فرزندان‌تان در نقش درستی قرار گرفته‌اند؟

۳

می‌توانید تغییری در شغل یا مسئولیت به وجود آورید که تعادل بیشتری به وجود آورد؟ وقتی برای یک مدیر و بزرگ خاندان محرز شد که پسرش قادر نیست نقش مدیرعامل را بر عهده بگیرد، او را به یک نوشیدنی دعوت کرد و از او خواست که بگوید علاقه حقیقی‌اش چیست. خارج از محیط پر فشار

کار دفتر مرکزی، پسرش اعتراف کرد که دوست دارد به جای کار اجرایی روزانه، امکاناتی برای ایجاد آثار اجتماعی بزرگ‌تر در اختیار داشته باشد. این درک از خواسته واقعی، به او این امکان را داد که پسرش را به عنوان رئیس بنیاد خیریه شرکت منصوب کند که با او هماهنگی بسیار بیشتری داشت.

مطرح کردن این موضوع با فرزندان البته کمی پیچیده است اما تجربه می‌گوید، کسانی که در یک مسئولیت دچار درگیری هستند، خودشان به این موضوع واقف‌اند. ممکن است که از روی غرور یا حس وظیفه به این کار ادامه دهند اما این موقعیت آنها را به زانو درمی‌آورد و به عنوان پدر و مادر این موقعیتی نیست که برای فرزندان می‌خواهید.

#### ممکن است مشکل از شما باشد؟

۴

برای یک پدرسالار یا مادرسالار در رأس یک کسب‌وکار خانوادگی چندان هم غیرمحتمل نیست که نسبت به نسل جوانی که می‌خواهد جای او را بگیرد احساس خشم و رنجش کند. همین اواخر این مورد را در یک کسب‌وکار خانوادگی دیدیم. مؤسس این شرکت تا حدودی با بی‌رغبتی سرمایه‌اندکی به دخترش داد تا یک کار کوچک را توسعه دهد و به همین هوا او را از سر خودش هم باز کند. در عوض دخترش آن سرمایه و کار کوچک را تبدیل به یک تجارت پررونق کرد، از آن کارهایی که این پتانسیل را دارند که شرکت اصلی را در سایه خود قرار دهند. این موفقیت هم‌زمان هم دختر را توانمندتر کرد و هم باعث رنجش پدر شد. از آن به بعد در جلسه‌ها هر دو درگیر جدل می‌شدند و نتیجه‌اش نبردی حماسی میان شیر سال خورده و ماده‌شیر جوان بود. در کمال ناباوری وضعیت به گونه‌ای شد که پدر دیگر فکرهايش را با صدای بلند بیان می‌کرد و می‌گفت آیا وقتش نشده که دخترش را به خاطر «مصلحت کسب‌وکار» اخراج کند؟

صادقانه با موقعیتی که دارید برخورد کنید و ببینید که آیا واقعاً مشکل از فرزندان است یا از خود شما. این دشوارترین سوالی است که می‌توان پرسید و می‌توان به آن پاسخ داد. ■

آی بی ام، نامی که از شکوه گذشته فاصله گرفت

## غول‌های جدیدتر



ماشین‌های تجاری بین‌المللی که با نام اختصاری آی بی ام و لقب بیگ بلو شناخته می‌شود، یک شرکت آمریکایی چندملیتی در حوزه تکنولوژی است که در دهه ۶۰ میلادی با معرفی IBM System/360 توانست بازار را تسخیر کند، یک خانواده از کامپیوترهایی که برای پوشش طیفی وسیعی از برنامه‌ها طراحی و ساخته شده بودند. پیشینه تأسیس شرکت البته به خیلی سال قبل‌تر برمی‌گردد یعنی سال ۱۹۱۱ و با ادغام چند شرکت مختلف کارت‌های منگنه، ساعت‌سازی، تولیدی ترازو و وزنه آغاز کرد. پنج شرکت مختلف در کنار هم قرار گرفتند و با نام Computing-Tabulating-Recording Company (شرکت محاسبات، زمان‌بندی و ضبط) در شهر اندیکات نیویورک کارشان را تعریف جدیدی کردند؛ از تولید تایمر برای شرکت‌ها تا دستگاه‌های ثبت زمان ورود و خروج کارمندان. کار ساخت و تولید ماشین‌های اداری به مرور زمان متمرکزتر شد و اغلب زیرمجموعه‌های این شرکت در یک مجموعه واحد به نام آی بی ام جمع شدند. زمانی که فناوری به مرحله تبدیل شدن به ساختارهای مشخص کامپیوتر نزدیک شد، آی بی ام دیگر شناخته‌شده‌ترین نام موجود بود که البته با معرفی محصول IBM System/360 دیگر رقیبی هم برایش متصور نبود.

### مرز دنیای قدیم و جدید

اما از زمانی که چارچوب اولین کامپیوترها شکل گرفت دیگر زمان بر روی دور تند افتاد. آی بی ام امپراتور کامپیوترها و دستگاه‌های بزرگ و پیچیده اداری بود و در دنیای سخت‌افزاری کسی به گرد پایش

نمی‌رسید اما تغییرات با خودشان کامپیوترهای کوچک‌تر و کوچک‌تر آوردند و زمانه‌ای رسید که دیگر داشتن کامپیوتر در انحصار شرکت‌ها و اداره‌ها نبود؛ کامپیوتر داشت در شکل و شمایل تازه از خانه‌های مردم سر درمی‌آورد و این میدانی تازه و رقابتی دیگر بود که رفته‌رفته به سمت نرم‌افزار هم کشیده شد. در نیمه‌های دهه ۹۰ آی بی ام در هماهنگی کردن خودش با انقلاب کامپیوترهای شخصی شکست خورد و از آنجا بود که این نام در سراسر شکست افتاد. این شرکت تمرکزش را به جای حوزه نرم‌افزار باز هم بر روی سخت‌افزار گذاشت. بعضی‌ها هستند که عقیده دارند این شرکت امروز بعد از پشت سر گذاشتن نقل و انتقالات فراوان، یکی از نام‌های قدرتمند حوزه نرم‌افزار است. آن‌ها با مدیریت جدید بخت و اقبالشان را دوباره به سمت شرکت بازگرداندند و داستان را به گونه‌ای تغییر دادند که خیلی از شرکت‌های دیگر قادر به انجام آن نیستند. اما تن ندادن به شکست یکسره، با موفقیت نام بزرگی همچون آی بی ام تفاوت بسیاری دارد. سال گذشته میلادی بود که نشریه فوربز در مطلبی به خوانندگان توصیه کرد که سهام این شرکت را نخرند و در بخشی از مطلب علاوه بر افت ارزش این شرکت، به بخشی از مشکلاتی اشاره کرد که سبب می‌شود مشتریان از این شرکت ناراضی باشند، نارضایتی مشتریان نشانه خوبی برای سرمایه‌گذاران بالقوه نیست: «وقتی مردم چیزی را می‌خرند، تولیدکنندگان متعددی را بر مبنای یک سری نکات مهم رده‌بندی می‌کنند. در مورد آمازون این نکات که باعث جلب نظر مشتریان می‌شود شامل قیمت، ارسال سریع و خدمات‌رسانی قابل اعتماد می‌شود. خریداران آمازون را انتخاب می‌کنند چون در این موارد از رقبایش بهتر است. مصاحبه با ۶ شرکت رقیب آی بی ام که در ارائه محصولات خودشان نسبت به این شرکت پیش افتاده‌اند نشان می‌دهد که مشتریان آی بی ام خسته شده‌اند از این که این شرکت از آنها می‌خواهد محصولات و خدمات زیاده از حدی از آن بخرند و در ضمن بابت این کالاها و خدمات باید هزینه بیشتری کنند و کیفیت پایین‌تری تحویل بگیرند. پس هیچ جای تعجبی نیست که چرا میزان رشد این شرکت نسبت به رقبای تازه‌اش بسیار کمتر است.»

### نقشه‌ای که عمل نکرد

زد دی نت یک سایت فعال در حوزه اخبار و دنیای تکنولوژی است و در مطالب بسیاری به نقد عملکرد و استراتژی‌های شرکت آی بی ام پرداخته است. در یکی از این مطالب شرح دلایل شکست نقشه‌های پیشرفت این شرکت مورد بررسی قرار گرفته است که ترجمه آن را در این بخش می‌خوانید:

وقتی در اواخر سال ۲۰۱۱ وارن بافت شروع به خرید سهام آی بی ام کرد، شرکت یک استراتژی بازگشت به قدرت داشت که نوید آینده‌ای روشن‌تر را می‌داد. برنامه اصلی فروش یا محدود کردن کسب‌وکارهای سنتی شرکت با بودجه پایین و توسعه و یا خریداری برنامه‌های جدید در حوزه تکنولوژی ابری با سرمایه زیاد بود. برای مثال آی بی ام سرور X86 را فروخت و شرکت‌های حوزه رایانش ابری مانند سافت لیر، بلوآکس، کلیپرلیپ و آستیریم را خرید.

آی بی ام به این کسب‌وکارهای جدیدی که در خود ادغام کرده بود عنوان «الزامات استراتژیک» داد. این بخش‌های تازه، جوانه‌های رشد آینده بودند و بازگشت به موفقیت مالی.

از بخت بد آی بی ام، این الزامات استراتژیک هرگز نتوانستند افعی که کسب‌وکار سنتی شرکت کرده بود را جبران کنند. پس از اجرای

یکی از راه‌های  
کاهش هزینه،  
تعدیل نیروهای  
با حقوق بالا  
است؛ کارمندان  
و پیمانکاران  
ماهر و باتجربه  
شرکت دارند  
جای خود را به  
نیروهای ارزان‌تر،  
کم‌تجربه‌تر  
و کم‌مهارت‌تر  
می‌دهند

یکی از دلایل احتمالی این شکست‌ها این است که آی‌بی‌ام عمدتاً با تغییر رویه از سیستم سنتی، مشتریان اصلی‌اش را به چارچوب فضای ابری انتقال داد. این کار البته از بی‌کار نشستن بهتر است اما نمی‌تواند جای گرفتن مشتری از آمازون، مایکروسافت، آزورو و گوگل را بگیرد. مشتریان عمده آی‌بی‌ام یک منبع محدود است و این شرکت برای موفقیت بلندمدت چاره‌ای جز جذب مشتریان بیشتر ندارد.

بزرگ کار کنید.

در خلق و طراحی اپلیکیشن برای چند کمپانی بزرگ هم پول هست اما هیچ دلیلی وجود ندارد که شرکت‌های بسیار بزرگ و متوسط و حتی کوچک از پس این کار با کمک گرفتن از بسترهای ارزان‌تر برنیایند. در واقع بسیاری از آنها شاید تا همین حالا هم اقدام به طراحی اپلیکیشن‌های مورد نیاز خودشان کرده باشند.

اگر در فکر این هستید که به ایل آی‌تیونز استور سر بزنید و چند اپلیکیشن آی‌بی‌ام برای توانمندتر کردن کارتان دانلود کنید حتماً ناامید خواهید شد. بازار برای اپلیکیشن‌های کارآمد سیستم iOS همچنان در چنگ گوگل و مایکروسافت است و علاوه بر آنها برندهای ادوینی ریدر، دراپ باکس و ترلو و... هم حضور دارند.

همه اینها باعث شده تا فروش و سود آی‌بی‌ام رشدی نداشته باشد و از آنجایی که در این بخش رشدی وجود ندارد این شرکت تلاش می‌کند تا از هزینه‌هایش بکاهد. یکی از راه‌های کاهش هزینه تعدیل نیروهای با حقوق بالا است؛ کارمندان و پیمانکاران ماهر و باتجربه شرکت دارند جای خود را به نیروهای ارزان‌تر، کم‌تجربه‌تر و کم‌مهارت‌تر می‌دهند. هرکسی که مدتی دور و بر متخصصان آی‌تی گشته باشد کلی شکایت از کسانی می‌شنود که به خاطر دلایل مالی کارشان را در این شرکت از دست داده‌اند. در واقع همه می‌توانند نمونه‌های فراوانی از این روایات را در صفحه فیس‌بوک «watching IBM» بخوانند. در بخش نظرات این صفحه به زحمت می‌توان مطلب امیدورانه‌ای نسبت به آینده این شرکت دید که البته جای تعجب ندارد. هیچ‌کس از بیرون انداخته شدن خوش نمی‌آید، به ویژه اگر سال‌های زیادی را صرف کار و خدمت در آن شرکت کرده باشد. برای همین است که متأسفانه نه از زبان دیگران و نه با اکتفا به اعداد و ارقام نمی‌توان آینده خوبی برای این شرکت تصور کرد. ■

نیمه‌های دهه ۹۰ آی‌بی‌ام در هماهنگ کردن خودش با انقلاب کامپیوترهای شخصی شکست خورد و از آنجا بود که این نام در سراسر شایب شکست افتاد. این شرکت تمرکزش را به جای حوزه نرم‌افزار باز هم بر روی سخت‌افزار گذاشت.

این برنامه‌های جدید افت همچنان به صورت سالانه پیدا کرد و ۲۰ فصل مالی پشت سر هم این افت ادامه پیدا کرد، یعنی ۵ سال شکست پشت سر هم.

یکی از دلایل احتمالی این شکست‌ها این است که آی‌بی‌ام عمدتاً با تغییر رویه از سیستم سنتی، مشتریان اصلی‌اش را به چارچوب فضای ابری انتقال داد. این کار البته از بی‌کار نشستن بهتر است اما نمی‌تواند جای گرفتن مشتری از آمازون، مایکروسافت، آزورو و گوگل را بگیرد. مشتریان عمده آی‌بی‌ام یک منبع محدود است و این شرکت برای موفقیت بلندمدت چاره‌ای جز جذب مشتریان بیشتر ندارد. آی‌بی‌ام در مورد «واتسون» هم سروصدای زیادی به راه انداخت، یعنی برنامه شرکت برای کسب‌وکار در حوزه هوش مصنوعی. این حوزه‌ای است که آی‌بی‌ام شاید یک دهه پیش در آن پیشرو بود اما امروز این طور به نظر نمی‌رسد. وارن بافت در این مورد به شبکه سی‌ان‌بی‌سی گفته است: «واتسون یک نوآوری خارق‌العاده است. مطمئناً فروش آن رشد بسیار زیادی دارد اما کار با مقیاس خیلی کوچک پیش می‌رود. به نظرم پتانسیل بسیاری در این ایده هست اما به آن سرعتی که به لحاظ تجاری فکر می‌کردیم پیش نمی‌رود.» از آمارهایی که آی‌بی‌ام منتشر کرده غیرممکن است که بتوان گفت واتسون یک موفقیت مالی بوده یا نه و به همین دلیل احتمالاً پاسخ منفی است. اگر واتسون در حال از میدان به در کردن رقبایی مانند ای‌دابلیو‌اس می‌بود احتمالاً آی‌ام‌ام هم بدش نمی‌آمد که این موفقیت را علنی کند.

سومین جاه‌طلبی بزرگ آی‌بی‌ام این بود که برای آیفون‌ها و آی‌پدهای شرکت اپل اپلیکیشن تجاری تولید کند، این نقشه در جاهایی به ثمر رسید اما بعید است که شما این اپلیکیشن‌های تولیدشده برای iOS را دیده باشید مگر این که برای یک شرکت خیلی



stripe

نگاهی به موفقیت شرکت استرایپ

## دور انداختن شیوه‌های قدیمی

گسترده کند. کلید این کار البته در این بود که محصول اساسی این شرکت با تمامی این حوزه‌ها اشتراک داشت خواه این حوزه جدید مدیریت اشتراک مشتریان بود و خواه موجودی کالا و وام. همین ویژگی سبب خلق ورودی‌های جدید برای مشتریان جدید و فروش محصولات بیشتر به مشتریان موجود شد.

هرچند در اختیار داشتن یک سرویس قابل اطمینان برای این کسب‌وکار ضروری بود اما فاکتورهای دیگری هم بودند که موفقیت استرایپ را توضیح می‌دهند. به خاطر داشته باشید که شرکت مدلی از ارائه خدمات را دنبال می‌کرد که بر مبنای وسواس بر نیازهای مشتری شکل گرفته بود.

دمیترو اوکونیوف، مؤسس شرکت چانتی می‌گوید: «کار استرایپ گرفت چون محصولش را به شرکت‌ها نفروخت. محصول این شرکت به توسعه‌دهندگان و نویسندگان نرم‌افزار ارائه شد. استرایپ یک جانشین برای سیستم پی پال ارائه می‌کرد که اجرایش بسیار ساده‌تر بود و توسعه‌دهندگان برنامه در سراسر دنیا طبیعتاً مایل بودند که از آن استفاده کنند.»

بله، استرایپ در واقع یک جامعه پرونق از توسعه‌دهندگان برنامه درست کرد که از این زیرساخت برنامه‌های درخشانی خلق کردند. سعید شبیر، رئیس بخش محصولات شرکت‌های ردیوس می‌گوید: «هوشمندانه‌ترین اقدام استرایپ این بود که جدا از هدف گرفتن فضای تکنولوژی، محصولی ارائه کرد که خوراک کار توسعه‌دهندگان بود.»

یکی دیگر از دلایل موفقیت شرکت این بود که دیوارهای مدل کسب‌وکار سنتی را در حوزه صنعت پرداخت شکست. ایان رایت، مؤسس شرکت مرچنت ماشین می‌گوید: «شرکت خیلی عاقلانه از همان اول قیمت‌هایش را به صورت کاملاً واضح و روشن ارائه می‌کرد. این موضوع را نباید با بهترین قیمت موجود اشتباه گرفت، چرا که استرایپ ارزان‌ترین راهکار موجود در بازار نیست. با این وجود صنعت پرداخت آن موقع و تا اندازه‌ای هنوز هم درگیر همان چارچوب قیمت‌گذاری غیرشفاف است. برای همین استرایپ خودش را نشان می‌دهد چون از اول دقیقاً می‌دانید چقدر برایتان هزینه دارد و برای خیلی از استارت‌آپ‌ها دانستن و پرداختن این هزینه بهتر از این است که بخواهند وارد جلسات مذاکره با یکی از این شرکت‌های بزرگ حوزه پرداخت شوند.» ■

فین‌تک مخفی است برای واژه فناوری مالی و در واقع به معنای کاربرد فناوری‌های جدید در ارائه خدمات مالی است. این همان حوزه‌ای است که دو برادر جوان ایرلندی واردش شدند و توانستند با خلق برندی به نام استرایپ تبدیل به چهره‌هایی سرشناس در دنیای فین‌تک شوند. بنا به گزارش فوربز شرکت آنها در ماه گذشته ۲۵۰ میلیون دلار به سرمایه‌اش اضافه کرد تا ارزش شرکت به ۳۵ میلیارد دلار برسد. آنچه این شرکت جوان انجام می‌دهد و دلایل موفقیتش در مطلب فوربز آمده است که ترجمه بخش‌هایی از آن را در این صفحه می‌خوانید.

«هر استارت‌آپی در حوزه فین‌تک آرزوی ساختن محصولی را دارد که مشتریان عاشقش شوند. استرایپ حالا این کار را در چندین حوزه فین‌تک انجام داده و نشانه‌ای هم از کاسته شدن روند رشدش در کار نیست. به علاوه آنها در نبردی که بر سر جذب استعدادهای برتر وجود دارد همیشه برنده‌اند، همه نیروهای خلاق آنها را انتخاب می‌کنند. واقعاً تحسین‌برانگیز است.» این را مت برتون می‌گوید، یکی از شرکای شرکت QED Investors.

سال ۲۰۱۰ بود که دو برادر کارآفرین بیست و چند ساله ایرلندی، جان و پاتریک کالینز شرکت استرایپ را تأسیس کردند. دلیل تأسیس شرکت هم این بود که از تجربه‌ای که با سیستم‌های پرداخت آنلاین داشتند کلافه شده بودند. جان و پاتریک اول به شرکت شتاب‌دهنده «وای کامبینیتر» پیوستند تا ایده اولیه کسب‌وکارشان را پرورش دهند و بعد در سال ۲۰۱۱ از طریق پیتر تیل در شرکت سکویا کپیتال و اندرسن هوروویتز، ۲ میلیون دلار سرمایه جذب کردند.

ایتان بنسوسان، از موسسان و مدیرعامل شرکت نورث وان می‌گوید: «استرایپ ابتدا یک شیوه بسیار ساده و خلاقانه برای پرداخت آنلاین خلق کرد. چند خط کدنویسی و چند برنامه‌نویس لازم بود تا روند پرداخت در یک وب‌سایت یا اپلیکیشن ادغام شود. این شیوه به معنای رها کردن سایر خدمات ادغام مالی بود که گاه ماه‌ها و سال‌ها زمان می‌بردند و اعتبار بسیار بالایی در حوزه داده‌های مشتریان در اختیار شرکت می‌گذاشتند. استرایپ از همان جا ارزشی کاملاً مشهود در کسب‌وکار خلق کرد که نه تنها شامل حفظ هدف اولیه‌اش می‌شد بلکه با همان شیوه ساده توانست خودش را در حوزه‌های دیگر هم



# ..... آینده پژوهی .....

## ورود به عصر اقتصاد اجاره‌ای - اشتراکی

حالا علاوه بر اتاق و خودروی شخصی دیگران، می‌توانید قایق، جت خصوصی یا میز شام آنها را کرایه کنید  
به دنیای پساویر خوش آمدید!



[ آینده مسکن ]

# آیا تغییر اقلیمی ما را زودتر از آنچه باید می کشد؟

## چگونه زمین گرم تر و مرطوب تر ما هر روز بیمارتر و کشنده تر می شود



تودور آدهانوم

دبیر کل سابق سازمان بهداشت جهانی

منبع: فارن افروز  
چرا باید خواند:

تغییرات اقلیمی بر همه

جهان اثر می گذارد

و ایران هم مستثنا

نیست. اینکه رئیس

سابق سازمان جهانی

پگوید اگر جلوی این

تغییرات را نگیریم

چه بلایی پیش

خواهد آمد، برای همه

هشدار دهنده است.

در گردهمایی رهبران جهان در اجلاس تغییرات اقلیمی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در هفته های گذشته، با تأسف روشن شد دورنمای بالا رفتن دمای زمین و سطح دریاها نتوانسته است حساسیت کافی را به اضطراب موجود در عواقب تغییرات اقلیمی در میان جهانیان به وجود بیاورد. آنچه ممکن است رهبران را ترغیب کند، شاید فهم و درک بهتر تهدید عظیمی است که امروزه اثرات تغییرات اقلیمی بر سلامتی انسان می گذارد.

تغییرات اقلیمی بیماری های مزمن و مسری را تشدید می کند، کمبود آب و غذا را از آنچه هست وخیم تر می کند، خطر بیماری های همه گیر را افزایش می دهد، تغییر مکان های جمعیتی را دامن می زند. اثرات گسترده محیط زیستی تغییرات اقلیمی مدت ها است که تحت عنوان خطرات درازمدت به بحث گذاشته شده اند؛ و حالا روشن شده است اثرات این تغییرات بر سلامتی انسان از آنچه پیش بینی می شده فراتر رفته است - و حالا دیگر این اثرات قابل لمس هستند.

### بیماری های آب و هوایی

اثرات خطرناک تغییرات اقلیمی بر سلامت، با انتشار گازهای گلخانه ای آغاز می شود که مسبب این تغییرات است. کربن سیاه، متان و اکسید نیتروژن عوامل قدرتمند گرم شدن زمین هستند و به همراه آن ها دیگر آلاینده های هوا مانند مونوکسید کربن و ازن؛ این ها در مجموع هر سال مسئول مرگ بیش از هفت میلیون نفر هستند، یعنی حدود یک هشتم مرگ و میرهای سراسر جهان. این مشکل در شهرهایی که به داشتن کیفیت هوای پایین مشهورند مانند دهلی نو، پکن و ساوئوپاولو گسترش پیدا می کند. بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی (WHO)، نود درصد شهرنشینان جهان در هوایی با



سطح غیرایمن از نظر آلودگی تنفس می کنند. خطر ها از همان بدو زندگی آغاز می شود. آلاینده های سمی به جفت جنین آسیب می زنند و احتمال تولد های زود هنگام و نوزادان کم وزن را بالا می برند که می تواند به آسیب های همیشگی در ارگان های مختلف بدن منجر شود. کودکان سریع تر از بزرگسالان نفس می کشند، پس در زمانی مشابه میزان آلاینده بیشتری جذب می کنند در عین حالی که ارگان های بدن آن ها آسیب پذیرتر است. در نتیجه آلودگی هوا هر سال به طور تخمینی سبب مرگ بیش از ۶۰۰ هزار کودک زیر پنج سال می شود، بیشترین آمار مربوط به ذات الریه است. همچنین شواهد آشکاری وجود دارد که نشان می دهد آلودگی هوا پرورش شناختی کودکان را به مخاطره می اندازد و می تواند خطر ناهنجاری های رفتاری را افزایش دهد.

آلودگی طیف گسترده ای از بیماری های تنفسی و گردش خون را به بزرگسالان عرضه می کند و ممکن است در سنین بالاتر ضعف شناختی را تسریع کند. بیشتر مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا در نتیجه حمله قلبی و سکته رخ می دهد اما آلودگی هوای محیطی دلیلی برای توضیح تعداد چشمگیری از ذات الریه ها، آسم ها، آمفیوزها (گشاد شدن مجاری و حباب های ریه) و سرطان های ریه نیز هست.

انتشار گازهای گلخانه ای علاوه بر آلودگی هوا در بالا رفتن دمای زمین دخیل هستند. آن ها به ترتیب باعث بالا رفتن رطوبت و ایجاد امواج گرمایی فشرده تر و مداوم تر می شوند که فشار خون بالا و مشکلات سلامت عقلی را وخیم تر کرده و می تواند اثر برخی درمان های دارویی را محدود کند. وقتی دمای حرارت بدن انسان به ۴۰ درجه سانتی گراد یا بالاتر برسد، کارکرد منظم ارگان های بدن دچار اختلال می شود. امسال گرمای هوا ۱۴۳۵ نفر را فقط در فرانسه کشت، تنها کشوری که آمار منتشر شده از مرگ های ناشی از گرما دارد. هرچه محل های تمرکز جمعیت جهان گرم تر و مرطوب تر شود، افراد بیشتری به سادگی از افزایش گرمای می روند.

تغییرات اقلیمی تهدید بیماری های واگیردار را نیز به همراه دارد. زیاد شدن بارش ها و دماهای بالاتر بستر مطلوب بیماری های ناقل محور - بیماری هایی که از طریق انگل ها، ویروس ها و باکتری ها ایجاد یا جابه جایی پشه، کنه، پروانه و کک منتقل می شود - را فراهم می کند. پشه با آمار بیش از نیم میلیون مرگ در هر سال، هنوز کشنده ترین حیوان روی زمین است - ۴۳۸ هزار نفر به خاطر مالاریا، دماهای بالاتر انتقال مالاریا را به ارتفاعات بالاتر آسان تر می کند و ممکن است موجب شیوع آن در نواحی دورتر و سرزمین های مرتفع آفریقا شود.

ویروس دیگری که احتمال شیوعش در نتیجه تغییر اقلیمی افزایش می یابد دنگ است که در حال حاضر سالانه ۹۶ میلیون نفر را آلوده می کند و ۹۰ هزار نفر از این بیماران را می کشد. ویروس دنگ از طریق دو گونه پشه منتقل می شود - آدس آگپیتی و آدس آلبایکتوس - که به شدت مقاوم و ناقل تب زرد، زیکا، نیل غربی و ویروس های دیگری نیز

تجارت در مناطق مشخصی در حال متمرکزتر شدن است، به خصوص در اروپا و آسیا. این تاحدی پیامد تقاضای داخلی بیشتر در کشورهای دارای بازار نوظهور است اما از اهمیت روزافزون سرعت فعالیت‌های اقتصادی نیز نشئت می‌گیرد. نزدیکی به مشتریان شرکت‌ها را قادر می‌سازد سریع‌تر به تغییر تقاضا و روندهای جدید پاسخ دهند.

## ابولا و زیکا چه می‌کنند

بیماری ویروسی ابولا نوعی بیماری انسانی است که از ویروس ابولا ناشی می‌شود. نام ویروس این بیماری از یکی از رودخانه‌های کشور زئیر که امروزه جمهوری دموکراتیک کنگو نام دارد، گرفته شده‌است. این بیماری برای اولین بار در کشور کنگو دیده شد. نشانه‌های این بیماری معمولاً دو روز تا سه هفته بعد از تماس با ویروس و به صورت تب، گلودرد، دردهای ماهیچه‌ای و سردرد ظاهر می‌شوند. معمولاً حالت تهوع، استفراغ و اسهال و همچنین کاهش عملکرد کبد و کلیه‌ها به دنبال این موارد می‌آیند. در این زمان، مبتلایان دچار خونریزی می‌شوند. ویروس زیکا از پشه به انسان منتقل می‌شود. ابتلا به این ویروس بیشتر در نقاطی از آفریقا و آسیای جنوب شرقی دیده شده‌است. انتشار این ویروس تا پیش از سال ۲۰۰۷ به آفریقا و آسیای جنوب شرقی محدود بود و چندان مورد توجه قرار نمی‌گرفت. در سال ۲۰۰۷ در میکرونزی از جزایر اقیانوس آرام نیز شیوع پیدا کرد. تا سال ۲۰۱۴ فقط محدود به این مناطق بود ولی در آن سال به جزیره ایستر و شیلی نیز گسترش یافت. در ماه مه ۲۰۱۵ به برزیل نیز راه یافت. در برزیل در سال ۲۰۱۵ بیش از ۸۴ هزار مورد ابتلا به این ویروس و در سال ۲۰۱۶ بیش از ۲۱۰۰ مورد میکروسفالی ثبت شد. تاکنون ۹ کشور در آمریکای مرکزی و جنوبی موارد ابتلا به این ویروس را گزارش کرده‌اند. پورتوریکو در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۵ گزارش کرد که نخستین مورد ابتلای محلی به این ویروس در این کشور دیده شده‌است. در ژانویه ۲۰۱۶ در ایالت هاوایی آمریکا تولد نوزادی دچار میکروسفالی که از لحاظ ویروس زیکا مثبت بود گزارش شد. این ویروس که اکنون در آمریکای جنوبی به شدت شیوع یافته رو به گسترش است. وزارت بهداشت کلمبیا اعلام کرد که ۲۰ هزار و ۲۹۷ مورد تایید شده ابتلا به ویروس زیکا از جمله دو هزار و ۱۱۶ زن باردار در کلمبیا وجود دارند. برزیل با سه هزار و ۷۰۰ مورد کوچکی مغز (میکروسفالی) بدترین شرایط را بین کشورهای دارد که ویروس زیکا در آن‌ها شیوع پیدا کرده‌است. دانشمندان می‌گویند انتشار گسترده‌تر ویروس زیکا ممکن است به تغییرات اقلیمی مربوط باشد که باعث گسترش زیستگاه پشه‌های ناقل آن شده‌اند.

اقلیمی غیرقابل اجتناب است بلکه بنا به اعلام سازمان بهداشت جهانی از یک میلیارد مرگ‌ومیر ناشی از بیماری‌های مسری نیز جلوگیری خواهد کرد.

نظر به گردهمایی رهبران جهان در نیویورک برای بررسی تغییر اقلیم، آن‌ها باید تهدیدی را که این تغییر بر سلامت بشر می‌گذارد به‌خاطر داشته باشند و اقدامی قاطع برای اعمال پوشش سلامت جهانی انجام دهند. ■



هستند. نیمی از جمعیت جهان در منطقه‌ای زندگی می‌کنند که آدس همین حالا هم حضور دارد - و احتمال می‌رود که این نسبت افزایش یابد. به‌خصوص آلیا پیکتوس نه‌تنها در مناطق گرم مرطوب بلکه در نواحی مستعد خشکسالی هم رشد می‌کند. شاید اروپا، آمریکای شمالی و مناطق مرتفع گرمسیری به‌زودی مانند دیگر بیمارهای نوظهور با دنگ هم روبه‌رو شوند.

از دحام پایدار آدس در مناطق جدید نشانی از بزرگ‌ترین تهدید همگانی است: بیماری همه‌گیر. در نتیجه تغییرات اقلیمی ساخت بشر که طی چهار دهه گذشته اتفاق افتاده است، دهه‌ها بیماری عفونی جدید پدیدار شده یا مناطق خاصی را مورد تهدید قرار داده‌است، از جمله زیکا و ابولا. کنترل ویا نیز دشوارتر شده است: گرما، آب‌های شور و بالآمدن سطح دریاها به شیوع این بیماری کمک می‌کند، این بیماری سالیانه چهار میلیون نفر را مبتلا می‌کند و ۱۰۰ هزار نفر از آن‌ها را می‌کشد. پیش‌بینی شده است طاعون بوبونیک که توسط موش و کک شیوع پیدا می‌کند به‌واسطه زمستان‌های گرم‌تر و تابستان‌های مرطوب‌تر افزایش پیدا کند. آنتراکس که هاگ‌هایش با آب‌شدن یخ‌های قطبی آزاد شده است، با یک باد قوی‌تر می‌تواند به مناطق دورتر سرایت کند.

و این‌ها تنها اثرات مستقیم تغییرات اقلیمی بر سلامتی است. بالآمدن سطح دریاها و اسیدی شدن اقیانوس‌ها ماهی‌گیری و پرورش آبزیان را محدود خواهد کرد که موجب تشدید سوءتغذیه و ناامنی غذایی می‌شود. آلودگی سفره‌های آبی کمبود آب را وخیم‌تر می‌کند. پیش‌بینی شده است طول دوره‌های خشکسالی و تکرار آن‌ها که همین حالا هم بیش از هر فاجعه طبیعی دیگر موجب مرگ و جابه‌جایی انسان‌ها می‌شود، بیشتر شود. بانک جهانی تخمین زده است تا سال ۲۰۵۰، امکان مهاجرت اقلیمی یک میلیارد نفر از صحرای جنوبی آفریقا، آسیای جنوبی و آمریکای لاتین وجود دارد.

آب‌وهوای خارج از قاعده زیرساخت‌ها و خدمات بهداشت عمومی را نیز مختل می‌کند. این دلیل ضرورت کشورهای سراسر جهان برای سرمایه‌گذاری روی متناسب کردن سیستم‌های بهداشتی با تغییرات محیطی است، تغییراتی که در حال حاضر در جریان است و احتمال می‌رود ادامه پیدا کند. در نخستین جلسه پوشش جهانی بهداشت (UHC) سازمان ملل متحد در سطح افراد بلندپایه، سازمان بهداشت جهانی به رهبران کشورهای جهان هشدار خواهد داد که نه‌تنها بر روی تهیه آب سالم، بهداشت و خدمات بهداشتی بلکه در دسترسی جهانی به خدمات سلامتی در مقابل بیماری‌های فراگیر، سلامت کودکان، مراقبت‌های پیش از زایمان و مراقبت‌های تسکینی نیز سرمایه‌گذاری کنند. تقریباً تمام بیماری‌های به‌وجودآمده یا تشدیدشده بر اثر تغییرات اقلیمی با رسیدگی زودهنگام قابل پیشگیری یا درمان هستند. متأسفانه سازمان بهداشت جهانی پیش‌بینی می‌کند در سال ۲۰۳۰ حدود ۴۲ درصد جمعیت جهان یا به خدمات بهداشتی دسترسی ندارند یا نمی‌توانند هزینه‌های استفاده از این خدمات را پرداخت کنند.

پوشش جهانی بهداشت زیرنظر گرفتن و تشخیص دقیق و به‌موقع همچنین مراقبت و پاسخ‌های سریع به تهدیدهای نوظهور علیه سلامت جهانی را شامل می‌شود. جهان‌یان برای مبارزه با چنین تهدیدهایی هر بار از جانب یک بیماری - مانند ابله، فلج اطفال، سل، ایدز یا مالاریا- یا پیداکردن روش‌های امدادرسانی فوری در ظهور بیماری‌های کشنده همه‌گیر مانند ابولا، آمادگی لازم را داشته‌اند. روبه‌رو شدن هم‌زمان با کل گستره تهدیدها علیه سلامت جهانی از طریق اعمال پوشش سلامت جهانی تا سال ۲۰۳۰ نه‌تنها بهترین روش آماده‌شدن برای فاجع

[ آینده هند ]

# جهانی یک سو، ایالات متحده سوی دیگر

## آیا می توان بدون آمریکا بر تغییرات اقلیمی آینده غلبه کرد

تا حدی پایین بیاورند که دمای زمین به ۲ درجه گرم تر که سطح نسبتاً خطرناکی است نرسد، بلکه این توافق را امضا کردند که میزان ممانعت از گرم شدن زمین «خیلی کمتر از ۲ درجه» باشد، یعنی به بیشتر از ۱٫۵ درجه سانتی گراد نرسد. این یک پیروزی برای فعالان محیط زیستی بود و برای کشورهای زیادی که از تغییرات اقلیمی آسیب زیادی می دیدند، به خوبی حفاظت می کرد. نیم درجه گرم شدن شاید برای خیلی از کشورها چیزی نباشد اما عملاً باعث می شود کشورهای ساحلی مثل بنگلادش و کشورهایی که از سلسله جزایر تشکیل شده اند مثل مولداوی، کاملاً زیر آب بروند. تحقیقات علمی می گوید که این دو کشور و خیلی از کشورهای دیگر اگر زمین از ۱٫۵ بیشتر گرم شود نابود خواهند شد و آب دریا رویشان را خواهد گرفت.

خارج شدن آمریکا از توافق پاریس یک خبر بزرگ بود اما یک سوء تفاهم بزرگ هم به شمار می رفت. علاوه بر رجزخوانی های ترامپ، هنوز لغو توافق پاریس در آمریکا اتفاق نیفتاده است. مذاکره کنندگانی که توافق نامه را می نوشتند به خوبی پیش بینی های لازم را کرده اند و طوری آن را نوشته اند که کنار گذاشتن سخت باشد. طبق آنچه که در توافق پاریس آمده، کشورهایی که توافق را امضا می کنند تا چهار سال بعد از اجرای توافق نمی توانند از آن خارج شوند. توافق پاریس همان وقتی که تصویب شد به اجرا درنیامد و تاریخ رسمی اجرای آن ۴ نوامبر ۲۰۱۶ بود. معنی اش این است که تا ۴ نوامبر ۲۰۲۰ آمریکا نمی تواند از توافق پاریس خارج شود و آن را لغو کند. تصادفی نیست که این تاریخ مصادف است با روز بعد از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا. کاملاً قابل پیش بینی است که اگر ترامپ به ریاست جمهوری انتخاب نشود کسی که جانشین او خواهد شد از توافق پاریس خارج نخواهد شد و به اجرای آن ادامه خواهد داد.

آنچه گوترش در اجلاس اخیر سازمان ملل به سران کشورها درباره تغییر اقلیم گفت این بود که «سخنرانی با خودتان بیاورید، برنامه بیاورید». گوترش به جای شنیدن فلان و بهمان بی پایان در بیشتر جلسات سازمان ملل، در این اجلاس از دولت ها خواست که نگرانی های خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند و نمونه هایی از تلاش برای کاهش انتشار گازهای گلخانه ای و جلوگیری از تغییر اقلیم را ارائه کنند. بنابراین کشورها در این اجلاس باید نشان می دادند که در عمل چه قدم هایی در مسیر اهداف توافق پاریس برداشته اند. اما مشکل اینجاست که چون طبق توافق پاریس کاهش انتشار گازهای گلخانه ای از سوی کشور داوطلبانه است، از سال ۲۰۱۵ به بعد، انتشار جهانی این گازها کاهش نیافته است. دانشمندان هشدار داده اند که طبق تحقیقات به عمل آمده گرم شدن بیش از ۳ تا ۵ درصد دمای زمین باعث می شود تمدنی که می شناسیم از بین برود. نماینده ویژه سازمان ملل در اجلاس جهانی محیط زیست در

در ۲۳ سپتامبر امسال رهبران جهان در نیویورک در اجلاس سران برای اقدام اقلیمی در سازمان ملل جمع شدند که شاید تاثیرگذارترین هفته در سیاست تغییرات اقلیمی بعد از انتخاب شگفتی آفرین دونالد ترامپ به ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۱۶ بوده باشد. البته ترامپ مدت کوتاهی بعد از ورود به کاخ سفید اعلام کرد که آمریکا از توافق پاریس خارج خواهد شد که از مهم ترین معاهده های اجلاس بزرگ اقلیمی سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ بود. در هفته همزمان با اجلاس امسال سازمان ملل، آنتونیو گوترش، دبیر کل این سازمان، انتقاد کرد که آمریکا و بیشتر کشورهای دیگری که درگیر تغییرات اقلیمی هستند، خود را از توافق پاریس دور نگه داشته اند. توافق پاریس می گوید که کشورهای جهان باید اقداماتی برای کاهش گازهای گلخانه ای انجام دهند تا برای جلوگیری از گرم شدن اقلیم تا حد فاجعه بار کافی باشد.

این رویدادها همزمان شد با اعتراضات جهانی ۲۰ سپتامبر که فعالان محیط زیست به راه انداخته بودند. آن ها سال گذشته نیز با شعار «ضطرار اقلیمی» به تیر رسانه ها راه پیدا کرده بودند. شاید این اتفاقات بتواند جوابی به سؤالی باشد که مربوط به انتخاب ترامپ است و کل بشریت را با خطر مواجه کرده است: آیا بقیه جهان می تواند خودش از تغییرات اقلیمی جلوگیری کند، در شرایطی که ثروتمندترین و قدرتمندترین کشور جهان مسیری مخالف جهت را برگزیده است؟

توافق پاریس در دسامبر ۲۰۱۵ بزرگ ترین دستاورد دیپلماسی اقلیمی است که دولت ها از سال ۱۹۹۲ که اجلاس زمین در سازمان ملل برگزار شد، به آن دست یافته اند. از نظر کسانی که در فضای مباحث مربوط به تغییرات اقلیمی هستند، حیرت آور این بود که کشورها نه تنها توافق کردند که میزان انتشار گازهای گلخانه ای را



مارک هر تسگارد

تحلیل گر مسائل بین الملل

منبع: نیشن

چرا باید خواند:

تغییرات اقلیمی تمام

جهان را درگیر کرده

و در روزهای اخیر

دانش آموزان در سراسر

جهان برای جلوگیری

از آن راه پیمایی های

گسترده ای به راه

انداخته اند. برای

شهروندان ایرانی

نیز چنین موضوعی

ملموس است.



چین که به همراه آمریکا یکی از دو کشوری است که بیشترین آلودگی‌های کربنی را بر عهده دارد و ردپایش در بسیاری از موارد انتشار کربن دیده می‌شود، خیلی بهتر از آمریکا عمل کرده است. چین توانسته با تعطیل کردن شمار زیادی از نیروگاه‌هایی که با زغال‌سنگ کار می‌کردند، خیلی بیشتر از آمریکا به اهداف توافق پاریس نزدیک شود.



زیربنایی در آسیا و خاورمیانه و آفریقا و اروپا است. در اجلاس سپتامبر برای تغییر اقلیم در سازمان ملل، آلبا، نماینده مکزیک، از چین قدرداری کرد که فراتر از الزامات توافق پاریس برای ممانعت از انتشار گازهای گلخانه‌ای تلاش کرده ولی افزوده است که باید از چین خواست برنامه «کمر بند و جاده سبز» را اجرا کند: «این مسئله بسیار مهم است چون مقیاس برنامه کمر بند و جاده به قدرت بزرگ است که می‌تواند فقط شامل حمایت از نیروگاه‌های زغال‌سنگی نشود و پشتیبانی از انرژی‌های تجدیدپذیر را نیز در بر بگیرد.»

با برگزاری اجلاس اقلیمی سازمان ملل، فرصت ۱۲ ساله برای رسیدن به اهداف توافق پاریس ۱۱ ساله شد و یک سال دیگر نیز گذشت. امسال شاهد اتفاقات تلخ اقلیمی در سراسر جهان بودیم، از جمله سوختن سطح وسیعی از جنگل‌های آمازون، گرمای بی‌سابقه در تابستان و طوفان دوربان در باهاماس. همه این‌ها نشان می‌دهد که تغییر اقلیم دیگر مسئله‌ای برای آینده دور نیست و تبدیل به واقعیتی شده است که در حال حاضر هم برای مردم ملموس است. نسبت به ۱۰ سال قبل، میزان آگاهی مردم از تغییر اقلیم خیلی بیشتر شده است. حالا رسانه‌ها خیلی عمیق‌تر درباره این پدیده صحبت می‌کنند و شاهد جوان‌های بیشتری هستیم که برای کاهش یا مانع ایجاد کردن در مقابل تغییرات اقلیمی دست به عمل می‌زنند و خواسته‌های خود را در قالب اعتراضات و راه‌پیمایی‌های سراسری و جهانی به گوش مسئولان می‌رسانند.

در کنگره آمریکا کسانی مثل الکساندریا اوکاسیو کورتز تلاش می‌کنند برنامه نیو دیل سبز را به سرانجام برسانند. این برنامه یک برنامه محرک اقتصادی پیشنهاد شده در ایالات متحده است که هدف آن رسیدگی و ارائه راه‌حل برای نابرابری اقتصادی و تغییر اقلیم است. نام آن به نیو دیل اشاره دارد. نیو دیل تلفیقی از اصلاحات اجتماعی و اقتصادی و پروژه‌های فواید عامه بود که فرانکلین روزولت، رئیس‌جمهور آمریکا در دوران جنگ جهانی دوم و قبل از آن، در پاسخ به بحران اقتصادی و رکود بزرگ آمریکا اجرا کرد. حامیان نیو دیل سبز از ترکیبی از رویکرد اقتصادی روزولت و ایده‌های مدرنی چون انرژی تجدیدپذیر و بهیمنی منابع دفاع می‌کنند. در کنگره آمریکا این برنامه به زوج طرح‌های کنگره و سنا اشاره دارد الکساندریا اوکاسیو کورتز در کنگره و و اد مارکی در سنا آن را تقدیم کرده‌اند و برای تصویبش تلاش می‌کنند. ■

مصاحبه‌ای که در حاشیه اجلاس داشت، گفت که دبیر کل سازمان ملل خیلی روشن از همه کشورها خواسته است که معیارهای کمی در زمینه ممانعت از تغییرات اقلیمی داشته باشند و برنامه‌هایی را پیش بگیرد که بتوان فوری به آن‌ها جامه عمل پوشاند و اجرایشان کرد. او می‌گوید: «آنچه ملت‌ها باید بدانند این است که تغییر اقلیم خیلی سریع‌تر از ما حرکت می‌کند و اوضاع از آنچه ما فکر می‌کردیم وخیم‌تر است.»

آلبا، دیپلماتی که از مکزیک در اجلاس شرکت کرده بود، می‌پرسید جهان چطور می‌تواند از گرم شدن زمین «خیلی کمتر از ۲ درجه» جلوگیری کند در صورتی که دولت کنونی آمریکا هر کاری را می‌کند تا گرمایش زمین بیشتر شود. او با این کار آشکارا دولت آمریکا را مورد نقد قرار داد و گفت که کافی نیست فقط درون یک کشور درباره فعالیت صنعتی آن تصمیم گرفته شود بلکه باید جمعی از کشورها در این زمینه با هم مذاکره کنند. او می‌گفت: «ما کاملاً حواسمان به اینکه ایالت‌ها، شهرها و صنایع آمریکا چقدر به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر رفته‌اند هست. مطمئن هستیم که آمریکا در رسیدن به راه‌حل همکاری خواهد کرد حتی اگر تصمیم لغو توافق پاریس که در دولت فعلی گرفته شده سر جای خود باقی بماند.»

فرماندار ایالت کالیفرنیا در کنفرانس اقلیمی سپتامبر اعلام کرد که این ایالت که پنجمین اقتصاد بزرگ جهان می‌تواند به شمار رود، قصد دارد تا سال ۲۰۴۵ میزان انتشار کربن خود را به صفر برساند. در تابستان امسال، ایالت نیویورک که تولید اقتصادی‌اش به اندازه تولید ناخالص روسیه است، اعلام کرد که می‌خواهد تا سال ۲۰۴۰ به این موفقیت برسد که از برق بدون کربن استفاده کند. همچنین «ئتلاف زیر ۲ درجه» که گروهی متشکل از ۲۲۰ کشور و اداره محلی در سرتاسر جهان است و ۴۳ درصد اقتصاد دنیا را نمایندگی می‌کند، قصد دارد برنامه‌ای عملی بریزد که بتواند افزایش دمای زمین را خیلی کمتر از ۲ درجه نگه دارد.

با این حال، رسیدن به چنین قله‌ای پر از فراز و نشیب است. دانشمندان شورای بین‌دولتی تغییر اقلیم در سازمان ملل در اکتبر سال گذشته اعلام کردند برای اینکه گرمایش زمین را تا حدود ۱.۵ درجه نگه داریم، باید تا سال ۲۰۳۰ از میزان انتشار کربن در کره زمین ۴۵ درصد کاسته شود و تا سال ۲۰۵۰ این میزان به صفر برسد. شکست در رسیدن به این اهداف میلیون‌ها نفر را قربانی خواهد کرد، به‌ویژه افراد را در کشورهای فقیر و آسیب‌پذیر. دانشمندان افزوده‌اند که چنین کاهش شدیدی در انتشار کربن نیاز به این دارد که ساختار انرژی، کشاورزی، حمل‌ونقل و دیگر بخش‌های مرتبط در جهان متحول شود و این دگرگونی با سرعتی اتفاق بیفتد که در تاریخ بشر سابقه نداشته است.

چین که به همراه آمریکا یکی از دو کشوری است که بیشترین آلودگی‌های کربنی را بر عهده دارد و ردپایش در بسیاری از موارد انتشار کربن دیده می‌شود، خیلی بهتر از آمریکا عمل کرده است. چین توانسته با تعطیل کردن شمار زیادی از نیروگاه‌هایی که با زغال‌سنگ کار می‌کردند، خیلی بیشتر از آمریکا به اهداف توافق پاریس نزدیک شود. اما مشکل اینجاست که چین اخیراً دوباره در بخش‌هایی به سوخت زغال‌سنگ روی آورده و همچنین تامین مالی بسیاری از پروژه‌های ساخت نیروگاه‌های زغال‌سنگی در خارج از کشور را برعهده گرفته است. این کشور به‌خصوص در ابرپروژه ابدایی «کمر بند و جاده» سازنده بندرها، راه‌آهن‌ها و دیگر تاسیسات

آنچه گوترش  
در اجلاس اخیر  
سازمان ملل به سران  
کشورها درباره  
تغییر اقلیم گفت این  
بود که «سخنرانی  
با خودتان نیاورید،  
برنامه بیاورید».  
گوترش به جای  
شنیدن فلان و بهمان  
بی‌پایان در بیشتر  
جلسات سازمان  
ملل، در این اجلاس  
از دولت‌ها خواست  
که نگرانی‌های  
خود را با یکدیگر به  
اشتراک بگذارند و  
نمونه‌هایی از تلاش  
برای کاهش انتشار  
گازهای گلخانه‌ای  
و جلوگیری از تغییر  
اقلیم را ارائه کنند

[ آینده ارز ]

# پایتختی جدید برای آسیای جنوب شرقی

## چرا اندونزی نهادهای سیاسی و اداری خود را از جاکارتا بیرون خواهد کشید

### منطق اقتصادی جابه جایی چیست؟

۳

منطقه جاوا تقریباً ۶۰ درصد جمعیت اندونزی را در خود جای داده و ۵۸ درصد تولید ناخالص داخلی در آن انجام می شود. کالیمنتان ۵۸ درصد جمعیت و ۸٫۲ درصد تولید ناخالص داخلی کشور را در بر می گیرد. منطقه جدید پایتخت تازه، فرودگاه ها و جاده های پیشرفته و دسترسی وسیع به آب آشامیدنی دارد. مقامات می گویند که می شود در این منطقه یک پایتخت مدرن، هوشمند و سبز ساخت که بتواند تا یک قرن آینده از آن استفاده شود.

### هزینه جابه جایی چقدر است؟

۴

ساختن شهری که بتواند ۱٫۵ میلیون نفر را در خود جای دهد حدود ۳۳ میلیارد دلار تخمین زده شده است. بودجه پروژه را ترکیبی از دولت و شرکت های دولتی و شرکت های خصوصی و مشارکت های بخش دولتی با خصوصی تامین می کنند. در این میان کمترین بار مالی را دولت تامین می کند. گروه های حامی محیط زیست نگران آسیب دیدن جانوران بومی منطقه اند که برخی از آن ها گونه های در معرض خطر شناخته شده اند. طی چهار دهه گذشته ۳۰ درصد جنگل های این منطقه به نفع صنایع کاغذ و روغن پالم از بین رفته است.

### آیا اندونزی می تواند از پس هزینه ها بر آید؟

۵

ظاهراً می تواند. پایتخت جدید نمادی از هویت و پیشرفت کشور است و بنابراین به احتمال زیاد محدودیتی در بودجه وجود ندارد. هزینه های لازم معادل هزینه سالانه ساخت تاسیسات زیربنایی شهر است اما ممکن است ساختن یک دهه یا بیشتر طول بکشد. همین حالا هم اندونزی بودجه ای ۳۵۰ میلیارد دلاری را برای زیرساخت های پروژه در نظر گرفته و بنابر آن تا پنج سال آینده ۴۱۲ میلیارد دلار دیگر هم خرج کند.

### آیا برای دیگر کشورها هم عملی است؟

۶

مقامات اندونزی در توجیه کار خود به جابه جایی دست کم ۳۰ پایتخت در سده گذشته اشاره می کنند که شامل برزیلیا (برزیل)، آستانه (قزاقستان) و کانبرا (استرالیا) است. از سوی دیگر، تجربه های شکست خورده ای در میانمار داریم. مصر یکی دیگر از کشورهایی است که در حال جابه جایی پایتخت است.

### جاکار تا چه خواهد شد؟

۷

جاکار تا به رشد خودش ادامه خواهد داد. جمعیت این شهر تا سال ۲۰۳۰ به ۳۵٫۶ میلیون نفر خواهد رسید و توکیو را در مقام پرجمعیت ترین شهر جهان پشت سر خواهد گذاشت. این بزرگ ترین کلانشهر اندونزی که تقریباً یک پنجم تولید ناخالص داخلی کشور را فراهم می کند بازی خود را در نقش مرکز تجاری منطقه ادامه خواهد داد. برنامه ای ۳۵ میلیارد دلاری برای کاهش ترافیک شهر در دست اقدام است که از سال ۲۰۱۹ شروع شده است. برای پیشروی آب دریا نیز رئیس جمهور این کشور برنامه ای را اعلام کرده است که با ساخت یک دیوار عظیم جلوی امواج بزرگ و مخرب گرفته شود. ■

جاکار تا به زودی تبدیل خواهد شد به یک پایتخت سابق. اندونزی برنامه ریزی کرده است تا مراکز اداری دولت خود را از ثروتمندترین جزیره خود در جاوا به یک جزیره جنگلی در بورنئو منتقل کند. جو کو ویدودو، رئیس جمهور اندونزی، قول داده است که پایتختی جدید در این کشور آسیای جنوبی شرقی بتواند ثروت را به طریقی بهتر در میان ۲۶۷ میلیون نفر جمعیت کشور تقسیم کند و نیز فشار را از روی شهر جاکار تا که تراکم جمعیتش بیش از اندازه شده بردارد. جاکار تا طی قرن ها مرکز تجاری و سیاسی اندونزی بوده است.

### مشکل جاکار تا چیست؟

۱

جاکار تا دارد غرق می شود. دو پنجم این شهر زیر دریا رفته و سطح آب دریا هر سال ۲۰ سانتی متر بالا می آید. بی بسیاری از ساختمان ها زیر آب رفته یا خواهد رفت. این شهر ۱۰ میلیون نفر جمعیت دارد و ترافیک شدید و آلودگی هوا واقعیت های هر روزه شهر به شمار می آیند. گره های ترافیکی در منطقه ای وسیع تر از جاکار تا باعث شده سالانه ۷ میلیارد دلار از بهره وری اقتصادی کاسته شود و این کاهش بهره وری شامل ۳۰ میلیون نفر از جمعیت شهر و حومه آن می شود.

### پایتخت جدید کجا خواهد بود؟

۲

منطقه کالیمنتان بخش از جزیره بورنئو است که برای پایتخت جدید در نظر گرفته شده و باید اسمی هم برایش انتخاب شود. این منطقه مرکز دو استان اندونزی است و در ۴۰۰ کیلومتری شمال شرقی جاکار تا واقع است و از بلایای طبیعی مثل زلزله و سونامی و فوران آتشفشانی به دور است. ساختن این پایتخت از سال ۲۰۲۱ شروع خواهد شد و از سال ۲۰۲۴ جابه جایی ادارات دولتی به آنجا شروع خواهد شد. پیش بینی می شود که حدود ۱٫۵ میلیون کارمند دولت به پایتخت جدید منتقل شوند.

توماس کاتی آبراهام  
آریس آدیتیا

گزارشگران اقتصادی

منبع: بلومبرگ بیزینس ویک

چرا باید خواند:

آنچه بر سر کشورهای

در حال توسعه می آید

وجه مشترکی نیز

می تواند داشته باشد.

برای خواننده ایرانی

جالب توجه است که

بداند توسعه اقتصادی

با اندونزی چه می کند و

ان را به چه تصمیماتی

و امی دارد.



پیشرفت سرسختانه ربات‌ها و هوش مصنوعی در محل کار توجهات زیادی را به تأثیرات آن بر کارگران یدی معطوف کرده است. در بسیاری از نقاط جهان در حال توسعه که هنوز باید شاهد موج صنعتی شدن و افزایش فرصت‌های شغلی حاصل از آن باشند، حالا با رشد استفاده از اتوماسیون در مراکز تولیدی، ترس از دست رفتن این شانس وجود دارد.

[ آینده ارز ]

# کارکنان بخش خدمات اطلاعات، آماج حمله ماشین

## هوش مصنوعی با شغل اپراتوری اطلاع‌رسانی شما چه خواهد کرد



مدیران هزینه‌های سیستم‌های یادگیری ماشین را «به شدت دست کم می‌گیرند». به هر حال، برای بسیاری از دست‌اندرکاران، تجربه خودکارسازی کارهای مربوط به اطلاعات نه تنها توانایی فناوری‌های جدید را، بلکه بسیاری مزایای ادامه‌دار سروکار داشتن با انسان‌هایی منعطف و باهوش را نیز تقویت می‌کند



رابرت رایت

تحلیل‌گر اقتصادی

**منتخب فایننشال تایمز**  
**چرا باید خواند:**  
**فناوری‌های جدید**  
**شکل اقتصاد را**  
**متحول کرده‌اند و**  
**زیرمجموعه‌های**  
**اقتصادی نیز از این**  
**دگرگونی در امان**  
**نمانده‌اند. یکی از**  
**این دگرگونی‌های**  
**اتوماسیون کاری**  
**ست که در ایران نیز**  
**شاهدش هستیم و**  
**طرفداران زیادی دارد.**

به مخاطره افتاد، میشل لوییس، مدیر یک شرکت بیمه‌ای، معتقد است سیستم‌های هوش مصنوعی با حذف امور تکراری شکایات بیمه‌ای به کارمندان فرصت تمرکز بر «فعالیت‌های با ارزش افزوده» را خواهد داد. اما نگاهی به محل کار همچنان شلوغ آقای رادول این سؤال را به وجود می‌آورد که تغییرات پیش رو با چه سرعتی در دفاتر اثر خواهد گذاشت. دیجیتال جنیوس به این تیم خدمات مشتریان امکان داده دو جایگاه را خالی بگذارند - در غیر این صورت حتی شاید مجبور می‌شدند با توجه به افزایش تماس‌ها تعدادشان را زیاد هم نکنند. اما آن‌ها هنوز هشت نفر نیرو دارند. این تجربه می‌تواند نظر ریچارد فریم، پروفسور اقتصاد دانشگاه هاروارد، را تأیید کند. او پیش‌بینی می‌کند شرکت‌های کمی توانایی انجام تغییرات بنیادینی چون جمع کردن بخش مالی به‌طور کامل و تنها گذاشتن چند نفر برای اداره کامپیوترها را دارند. آقای رادول با اینکه دیجیتال جنیوس برای آینده شغلش تهدید خواهد بود مخالف است و می‌گوید اگرچه تیم کوچک‌تر اما چند کاره‌تر شده است. چالش بیشتر زمان هماهنگ کردن نقش موجود با ماشین است درحالی که کارفرمایان و مشتریان به حس قدرتمند حضور و انعطاف‌پذیری کارکنان عادت دارند.

این بحث که یادگیری ماشین نمی‌تواند به اندازه نیروی انسانی قابل اعتماد و دقیق باشد نیز رایج است. بن آلگرو، رئیس تحقیقات یک شرکت حقوقی، می‌گوید در بیمه تنها کسانی که با حجم زیادی از شکایات معمولی و سطح پایین سروکار دارند فناوری را مفید می‌یابند.

اما سازمان‌هایی که یادگیری ماشین را موفق دیده‌اند بیشتر به هزینه و کار توجه داشته‌اند. درحالی که شهرداری دره آیلسبری که با ابزار دیجیتال جنیوس هزینه حقوق پرسنل را کاهش داد و خدمات خودش به مشتریان را بهبود بخشید، با چالش بزرگی برای تهیه داده برای نیازهای مشتریان برای سیستم روبرو شد. برای شرکت‌های تخصصی‌تر تلاش لازم برای آموزش سیستم به‌طور غیرقابل توجیهی زیاد است. آلگرو معتقد است مدیران هزینه‌های سیستم‌های یادگیری ماشین را «به شدت دست کم می‌گیرند». به هر حال، برای بسیاری از دست‌اندرکاران، تجربه خودکارسازی کارهای مربوط به اطلاعات نه تنها توانایی فناوری‌های جدید را بلکه بسیاری مزایای ادامه‌دار سروکار داشتن با انسان‌هایی منعطف و باهوش را نیز تقویت می‌کند. ■

زمانی که رادول کارش را در مقام پاسخ‌گوی پشتیبان تلفنی در محله کوچکی در بریتانیا آغاز کرد، پاسخ‌دادن به سؤالات ساکنان منطقه کاری آزاردهنده و زمان‌بر بود. اگر ساکنی با شهرداری منطقه دره آیلسبری، ۵۰ کیلومتری شمال لندن، تماس می‌گرفت و مثلاً درباره تسهیلات مسکن که او تخصص لازم را در آن نداشت، سوالی می‌پرسید، آقای رادول باید آن فرد را ۲۰ دقیقه در پای تلفن معطل می‌کرد. او باید کسی را پیدا می‌کرد که اطلاعات مربوط به آن موضوع را در اختیارش بگذارد. اما در دو سال گذشته شغل او به کلی متحول شده است. وقتی یک مشتری سوالی را در بخش چت خدمات آنلاین شهرداری می‌نویسد، یک سیستم پیشرفته کامپیوتری شروع به خواندن آن می‌کند. برای حدود ۴۰ درصد پرسش‌ها سیستم - که برای تشخیص سؤالات ساکنان از طریق یادگیری ماشین، شکلی از هوش مصنوعی، طراحی شده است - مجموعه‌ای از پاسخ‌های احتمالی از پیش نوشته‌شده را به آقای رادول و دیگر پاسخ‌گویان مرکز پشتیبانی ارائه می‌دهد. هر کدام با یک عدد نشان‌دهنده احتمال درستی آن به‌عنوان پاسخ، مشخص شده است. اگر یکی از آن‌ها مناسب باشد آقای رادول بر روی آن کلیک می‌کند و این به‌معنای برآوردن نیاز مشتری سریع‌تر و آسان‌تر از گذشته است. سیستم یادگیری ماشین شهرداری - تهیه‌شده توسط شرکت دیجیتال جنیوس - آن را در تحول پیش روی میلیون‌ها شغل یقه‌سفید در سراسر دنیا پیش‌تاز کرده است. پیشرفت سرسختانه ربات‌ها و هوش مصنوعی در محل کار توجهات زیادی را به تأثیرات آن بر کارگران یدی معطوف کرده است. در بسیاری از نقاط جهان در حال توسعه که هنوز باید شاهد موج صنعتی شدن و افزایش فرصت‌های شغلی حاصل از آن باشند، حالا با رشد استفاده از اتوماسیون در مراکز تولیدی، ترس از دست رفتن این شانس وجود دارد.

با وجود این، رشد توانایی‌های نرم‌افزاری مانند شرکت دیجیتال جنیوس این امکان جدید را به وجود آورده است که سیستم‌های جدید هوشمند به‌طور گسترده‌ای بهره‌وری رده‌ای از مشاغل دفتری از منشی‌گری گرفته تا نقش‌های حرفه‌ای‌تر را افزایش دهند - آن‌ها برخی کارهای گل را حذف خواهند کرد اما شاید باعث شوند برخی افراد جایگاه شغلی خود را از دست بدهند.

ریچارد بالدوین، استاد اقتصاد بین‌الملل در دانشگاه جنوا، در کتاب جدیدش که ابتدای امسال به چاپ رسید پیش‌بینی می‌کند مشاغل یقه‌سفید سریع‌تر از تمامی تحولات اقتصادی پیشین تحت تأثیر تغییرات دیجیتالی قرار خواهند گرفت. او می‌نویسد: «این پتانسیل انفجاری از عدم تعادل میان سرعت تزریق انرژی مخرب به سیستم به‌واسطه جایگزینی مشاغل و توانایی سیستم برای جذب آن با ایجاد مشاغل جدید به وجود می‌آید.»

این اثرات بالقوه از نقش ساده خدمات مشتریان مانند شغل آقای رادول آغاز می‌شود و به خدمات حرفه‌ای‌تری مانند بیمه و حقوق اشاعه پیدا می‌کند، خدماتی که به نظر می‌آید همگی بر پایه درک و قضاوت انسانی هستند. در تحقیقی که سال گذشته توسط مشاوران پی‌دابلویسی انجام شد، معلوم شد ۳۰ درصد مشاغل مالی و بیمه در اقتصادهای توسعه‌یافته تا سال ۲۰۲۹ در خطر خودکارسازی شدن هستند و اینکه پیش از این در بازه زمانی مشابه موقعیت ۵۰ درصد تمامی مشاغل دفتری در این کشورها با خودکارسازی

## [ آینده بانکداری ]

## بانکداران از تکنولوژی می ترسند

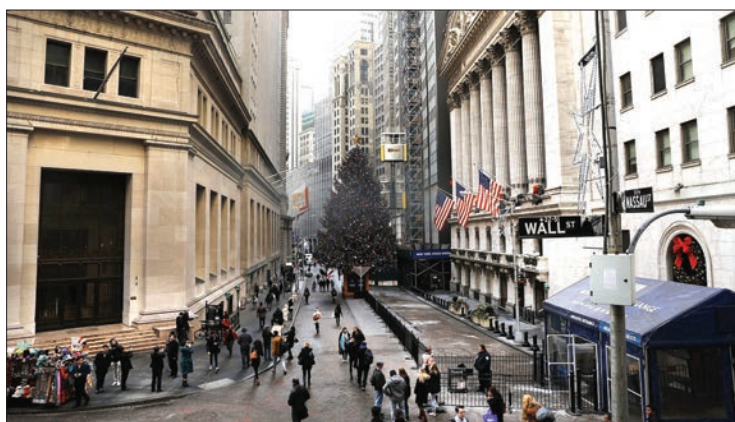
اتوماسیون چه تاثیری روی سهام داران، مشتریان و روسای بانکها می گذارد؟

مثل گلدمن ساکز هم مجبور به تغییر رویه می شوند چون قادر نیستند با سرعت و به شیوه استارت آپ های مالی، خدمات مشاوره مالی ارزان به مشتریان ارائه بدهند.

نکته دیگر هم این است که درآمد معاملاتی در پنج بانک بزرگ آمریکایی در وال استریت کاهش نشان داده. این کاهش در سه ماهه اول سال جاری میلادی ۱۴ درصد و در سه ماهه دوم آن ۸ درصد بوده است. این شرایط باعث شده که غولی مثل سیتی گروپ مجبور شود صدها فرصت شغلی در حوزه معاملات و تجارت را حذف کند.

با این اوصاف، بانکهای بزرگ گزینه دیگری جز این که ربات های خودشان را به خدمت بگیرند پیش رو ندارند. مثلاً خود گلدمن ساکز چند ماه پیش شرکت مشاوره مالی یونایتد کیپیتال را خرید و هدفش بیشتر استفاده از پلتفرم دیجیتال این شرکت یعنی فین لایف سی ایکس بود. بعد هم اپ مالی کلریتی مانی را در اختیار گرفت. غول های دیگر مثل جی پی مورگان جیس هم راه دستیابی به خدمات مشابهی را در پیش گرفته اند. این حرکت به سمت اتوماسیون ظاهراً به سود بانکی ها نیست، چون هر چه تعداد نیروی شاغل در بانکها بر اثر اتوماسیون کمتر شود، به تعداد مدیران و روسای کمتری نیاز است. بنابراین اقدام غول های مالی در کم کردن یا حذف برخی پست های رده بالایشان طبیعی به نظر می رسد. اما همین شرایط بد برای بانکی ها عملاً به شرایط خوب برای سهام داران بانکها بدل می شود. بانکهای بزرگ دارند به پلتفرم های عظیم تکنولوژی بدل می شوند که به روسای کمتری نیاز دارند و کارشان هم به لطف تکنولوژی با نظم و سرعت بیشتری پیش می رود. با این ترتیب، برنامه نویسان و مهندسان بیشتری در رده های متوسط بانکی مشغول به کار خواهند شد تا سیستم های جدید بانکی به تدریج جا بیفتد. اتوماسیون در عین حال احتمالاً به سوددهی بیشتر برای بانکها منجر خواهد شد، حتی با وجود آن که هزینه خدماتی که آنها از مشتری دریافت می کنند پایین خواهد آمد.

بانکها با این اوصاف عملاً نباید از شرکت های تکنولوژیک هراس داشته باشند. تکنولوژی در عرصه مالی دارد با چنان سرعتی پیشرفت می کند که همه چیز در طول زمان ارزان تر و قابل دسترس تر می شود. اما اعتبار برند و دسترسی گسترده به مشتریان همچنان در اختیار غول هایی مثل گلدمن ساکز باقی خواهد ماند. حتی تجربه بانکهای آنلاین در آمریکا هم این نکته را اثبات می کند. در اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی بانکهای آنلاین مثل نتبک تازه به میدان آمده بودند و تهدیدی برای آینده بانکهای بزرگ محسوب می شدند. اما آنچه که رخ داد در نهایت این بود که بانکهای بزرگ ایده بانکداری آنلاین را از این شرکتها بگیرند و خودشان خدمات مشابهی ارائه دهند و آنها را از عرصه خارج کنند. به نظر می رسد که سناریوی مشابهی در عرصه مدیریت پول و معاملات آنلاین دارد رخ می دهد. آینده بانکداری ممکن است برای بانکی ها خیلی درخشان نباشد، اما برای بانکها و سهام داران آنها قطعاً درخشان خواهد بود. ■



ربات ها و کامپیوترها در بخش های بانکی زیادی از جمله مدیریت سرمایه گذاری و معاملات جای انسان ها را گرفته یا دارند می گیرند

بحث درباره آینده بانکداری از زمان بروز بحران مالی سال ۲۰۰۸ بالا گرفت و از آن موقع تا به حال فروکش نکرده است. واقعیت این است که بانکهای دنیا دارند تعدیل نیرو می کنند و مزایای نیروها و مدیرانشان را کاهش می دهند. به همین خاطر، به نظر می رسد که اوضاع برای بانکی ها خوب نیست، اما همین حرف را نمی توان درباره خود بانکها زد.

نام یکی از غول های بانکداری دنیا یعنی گلدمن ساکز بیش از بقیه در مباحث مربوط به آینده بانکداری مطرح بوده است. گلدمن ساکز هم بین بانکهای آمریکایی جایگاه ممتازی دارد و هم از لحاظ بین المللی بسیار مهم است. کاهش آمار و ارقام حقوق و مزایا در گلدمن ساکز را نمی توان با بقیه مقایسه کرد اما آمار قبلی خودش را همیشه می توان برای مقایسه به کار برد. سال گذشته میلادی دیوید سولومون مدیرعامل گلدمن ساکز ۲۳ میلیون دلار دستمزد گرفت. بله مبلغ زیادی است، اما اگر آن را با دستمزد لیوید بلاتکفین مدیرعامل وقت گلدمن ساکز در سال ۲۰۰۷ مقایسه کنید می بینید که سولومون تنها یک سوم او حقوق گرفته. تغییر اوضاع را می توان از جنبه های دیگری هم مشاهده کرد. مثلاً این که بسیاری از مدیران ارشد گلدمن ساکز و بانکهای مشابه به خصوص در بخش بررسی ریسک، از شغلشان کنار گذاشته شده اند و حتی شغل بعضی هایشان دارد حذف می شود.

دیک باو تحلیل گر موسسه سرمایه گذاری اودئون معتقد است که علت بروز این تحولات، انقلاب چهارم صنعتی است؛ یعنی همان قرار گرفتن رباتها به جای انسان ها و کار کردن آنها به جای ما. رباتها و کامپیوترها در بخش های زیادی از جمله مدیریت سرمایه گذاری و معاملات (که در بانکهای بزرگ آمریکا خیلی مهم اند) جای انسان ها را گرفته یا دارند می گیرند. البته این چیزی نبوده که بانکهای بزرگ خواهانش باشند بلکه اوضاع به صورت اجباری برای آنها تغییر کرده است. استارت آپ های مالی دارند به شکلی از تکنولوژی استفاده می کنند که ارائه خدمات با قیمت بهتر را برای مشتریان امکان پذیر می کند. در چنین شرایطی، غول هایی

منبع: بلومبرگ  
چرا باید خواند:  
این گزارش توضیح می دهد که چطور بانکهای بزرگ دارند به پلتفرم های عظیم تکنولوژیک بدل می شوند و چرا این به سود سهام داران است.

[ آینده پول ]

## رازهای یک صنعت رمزی

چرا آینده رمزارزها را باید در آسیا دنبال کنیم؟



وونگ جون بان

مدیر اروپا و آسیای کوین‌دسک

منبع: بی‌زنس تایمز

چرا باید خواند:

بخوانید تا ببینید چرا

کشورهای آسیایی

و به خصوص چین

این قدر روی مسئله

رمزارزها متمرکز

شده‌اند و شکل‌گیری

سرمایه از این راه

چطور صورت

می‌گیرد.

شرایط اصلا برای آنهایی که با ورود به بازار رمزارز ممکن است پول‌شان را به خطر بیندازند مناسب نیست. به همین جهت است که شرکت‌هایی مثل کوین‌گکو به میدان آمده‌اند تا وظیفه پاکسازی و اعتمادسازی اطلاعات موجود در مورد معاملات رمزارزی را به عهده بگیرند.

در همین میان، حتی برخی دولت‌های آسیایی هم برای بالابردن امنیت معاملات رمزارزی به میدان آمده‌اند. درواقع آسیا اولین جایی در جهان بود که رمزارزها را در سطح ملی به رسمیت شناخت. مثلا ژاپن اولین کشور آسیایی بود که بیت‌کوین را به عنوان شکلی از واحد پول به رسمیت شناخت. از آن زمان، پذیرش پرداخت به شکل بیت‌کوین به راحتی در ژاپن انجام گرفته و مثلا برخی پرداخت‌ها برای المپیک ۲۰۲۰ توکیو از این طریق صورت گرفته است. سنگاپور هم یک کشور دیگر است که برای ترغیب سرمایه‌گذاری و پرداخت از طریق بیت‌کوین قوانین مناسب را تدوین کرد. از این طریق، معاملات رمزارزی به شکلی استاندارد شده مورد پذیرش قرار می‌گیرند.

کشور آسیایی دیگری که با آغوش باز از شرکت‌های بلاک‌چینی برای نوآوری در شهرها استقبال کرده، کره جنوبی بوده. در سال ۲۰۱۹، بوسان که دومین شهر بزرگ این کشور است به عنوان شهری معاف از قانون در عرصه توسعه بلاک‌چین معرفی شد. کره جنوبی از پیش هم زیرساخت قوی بازار را برای رمزارزها داشت و در این بازار، معاملاتی با ارزش چند میلیارد دلار هم انجام شده است. حالا حتی گوشی‌های اس‌ده سامسونگ را هم می‌توان با رمزارزها خرید. همچنین شبکه اجتماعی معروف کره جنوبی به نام کاکائو که چیزی شبیه فیس‌بوک است، واحد پول دیجیتال خود را معرفی کرده است. در این میان شکلی نیست که آینده پول را باید در آسیا جست‌وجو کرد. کشورهای مختلف آسیایی باید به فرصت‌ها و البته ریسک‌هایی که از رمزارزها برایشان به وجود می‌آید توجه نشان بدهند و از فضای مناسب به‌وجودآمده برای آینده‌شان استفاده کنند. ■

واحدهای پولی رمزنگاری شده درواقع تحقق غیرمرکزی شدن پول هستند؛ اما نباید فراموش کرد که یک جا در جهان هست که خیلی به این هدف اهمیت می‌دهد و آن هم آسیاست. روزانه رمزارزهایی به ارزش ۱.۸ میلیارد دلار در آسیا معامله می‌شود و این تقریباً ۶۰ درصد از حجم روزانه معامله با رمزارزها در جهان است. اهمیت آسیا در این تبادل‌ها با این اوصاف کاملا مشخص است.

در میان بیست معامله رمزارزی بزرگ در جهان، ۱۵ معامله در آسیا رخ می‌دهد و سنگاپور محل اصلی برای این روش آینده‌نگرانه در سرمایه‌گذاری است. آسیا از لحاظ فرهنگی هم دارد روند توجه به رمزارزها را شکل می‌دهد. بزرگ‌ترین ستاره صنعت رمزارزها در جهان یک جوان بیست و چند ساله در سیلیکون‌ولی آمریکا نیست، بلکه یک چینی - آمریکایی ۴۲ ساله به نام چانگ‌پنگ ژائو است که الهام‌بخش ورود بسیاری از جوانان آسیایی به عرصه رمزارزها بوده. او ظرف دو سال توانسته بزرگ‌ترین بازار معامله رمزارزی دنیا یعنی بایننس را راه بیندازد. بایننس سالانه درآمدی ۴۰۰ میلیون دلاری دارد و باعث شده که چانگ‌پنگ ژائو در فهرست ثروتمندان مجله فوربز قرار بگیرد.

اما اینجا مسئله فقط تبادل ارز نیست، زیرساخت مهمی که بسیاری از بلاک‌چین‌ها را شکل داده - یعنی روند استخراج - هم بیشتر در آسیا رخ می‌دهد. مکان‌هایی که استخراج عظیم بیت‌کوین را انجام می‌دهند و به شرکت‌هایی مثل بیت‌مین تعلق دارند، اکثرا در مناطق شمال و غرب چین مستقرند. این تاسیسات به اندازه یک شهر یا حتی کشور برق مصرف می‌کنند و برای امنیت بیت‌کوین و سایر رمزارزها اهمیت زیادی دارند. ۸۰ درصد از این استخراج‌کننده‌ها حالا از خاک چین کار می‌کنند. حتی قطعات مخصوصی که برای استخراج بیت‌کوین به کار می‌روند اکثرا در چین تولید می‌شوند. پاداشی که از این همه کار در آسیا به دست می‌آید بسیار عظیم است. شرکت بیت‌مین که در پکن مستقر است و بزرگ‌ترین سازنده این قطعات برای استخراج بیت‌کوین به شمار می‌رود، سال گذشته درآمد نجومی ۲.۸ میلیارد دلاری داشت.

اما اهمیت مسئله رمزارزها در آینده چیست؟ توسعه روش‌های جذب سرمایه از طریق بیت‌کوین دارد به پدیده جهانی شکل‌گیری سریع سرمایه منجر می‌شود. با هر معیاری که موضوع را بررسی کنیم، آسیا در راه این نوآوری‌ها پیشرو است. مثلا در سال گذشته میلادی، سنگاپور میزبان ۲۲۸ شرکت بود که از طریق رمزارزها سرمایه جذب کردند. روش‌های جذب سرمایه از طریق رمزارزها قابلیت آن را دارند که روند شکل‌گیری سرمایه را در منطقه به شکلی وسیع تغییر دهند.

اما مثل هر کار پرسود دیگری، این کار هم با ریسک بالایی همراه است. مثلا یک مشکل بزرگ این است که بازار سررسید رمزارزها هم‌اکنون پر از اطلاعات اغراق‌آمیز و معاملات نامشخص است. این



[ آینده شرق و غرب ]

## مهره‌ها چطور به شوالیه تبدیل شدند؟

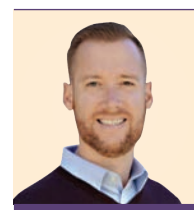
تقابل چین و آمریکا در قرن بیست و یکم شباهتی به جنگ سرد ندارد، چون پای قدرت‌های میانی هم وسط آمده است

بررسی این وضع است. این منطقه در دوران جنگ سرد به عرصه رقابت شرق و غرب بدل شده بود. در آن زمان، مداخلات فاجعه‌آمیز آمریکا در ویتنام، کامبوج و لاوس را داشتیم و بعداً هم به تدریج مسئله نفوذ چین مطرح شد. منطقه آسیای جنوب شرقی حالا به نقطه تلاقی نفوذ چین و آمریکا و رقابت بین آنها بدل شده و احتمال وقوع رویارویی نظامی در آن هم وجود دارد؛ اما دینامیک شرایط امروزی با گذشته کاملاً فرق دارد. اگر بخواهیم وضع امروز و رقابت این دو قدرت را در چارچوب جنگ سرد بسنجیم، از بار استراتژیک آن کم کرده‌ایم. بدتر از همه آن که آمریکا دائم این اشتباه را تکرار می‌کند که کشورهای جنوب شرقی آسیا را به عنوان دومینوهایی ببیند که یا به این سمت و یا به آن سمت می‌افتند. درواقع آمریکا این کشورها را به عنوان شرکای خودمختاری که منافع واگرایی دارند تلقی نمی‌کند.

از سوی دیگر، فضای امنیتی امروزی خیلی آرام‌تر از دوران جنگ سرد است. در جهان بحران‌های خشونت‌آمیز و غیرانسانی زیادی در جریان است اما رقابت آمریکا و چین به صورت مشخص هنوز خشونت‌آمیز نشده است و بیشتر در ابعاد اقتصادی و تکنولوژیک شکل گرفته است. این وضع را با دوران جنگ سرد مقایسه کنید که آمریکا درگیر یک جنگ نیابتی در افغانستان علیه اتحاد جماهیر شوروی بود و نیروهای آمریکایی در سرزمین‌های دوری مثل ویتنام و کره می‌جنگیدند.

همین ماه گذشته میلادی نیروی دریایی آمریکا با کشتی‌هایی از کشورهای جنوب شرق آسیا چند تمرین نظامی در خلیج تایلند و دریای چین جنوبی انجام داد. این نشانه‌ای واضح بود از تجدید توجه واشنگتن به این منطقه برای به چالش کشیدن چین. برخی شرکای نزدیک آمریکا از جمله لی هسین لونگ نخست‌وزیر سنگاپور درباره تنش فزاینده بین دو ابرقدرت چین و آمریکا هشدار داده‌اند و می‌گویند هر دو طرف باید خویشتن‌دار باشند. از سوی دیگر، واشنگتن در حال تعمیق مناسبات امنیتی و دیپلماتیک‌اش در منطقه است و حتی دشمنان سابق مثل ویتنام را هم از این مسئله معاف نکرده است، ویتنامی که از ماه جولای گذشته با چین وارد یک بن‌بست و چالش دریایی شده است.

در سال‌های اخیر در رسانه‌ها بحث در خصوص بروز جنگ سرد دومی بین چین و آمریکا به شدت قوت گرفته است. حتی قبل‌تر و در سال ۱۹۹۵ هم صحبت‌هایی در این خصوص می‌شد. اما واقعیت این است که پارادایم جنگ سرد را نمی‌توان بهترین راه برای فهم فضای استراتژیک امروز قلمداد کرد. فضای امنیتی امروز جهان خوش‌خیم‌تر از دوران جنگ سرد است و قدرت‌های میانی زیادی هم در عرصه حاضرند. اینها کشورهای هستند که نفوذ و قدرت متوسطی دارند اما قابلیت آن را دارند که رقابت بر سر قدرت را برای تامین منافع خودشان به شکل موثری پیش ببرند. آسیای جنوب شرقی یکی از جالب‌ترین جاها برای



هانتر مارستون

مشاور گروه گلوبال وونکز

منبع: فارن پالیسی

چرا باید خواند:

بخوانید تا ببینید چرا

پارادایم جنگ سرد

رانمی‌توان بهترین

راه برای فهم فضای

استراتژیک امروز

قلمداد کرد.



قدرت‌های میانی  
درواقع کشورهایی  
هستند که نفوذ و  
قدرت متوسطی  
دارند اما قابلیت آن  
را دارند که رقابت  
بر سر قدرت را  
برای تامین منافع  
خودشان به شکل  
موثری پیش ببرند

فضای امنیتی امروزی خیلی آرام‌تر از دوران جنگ سرد است. در جهان بحران‌های خشونت‌آمیز و غیرانسانی زیادی در جریان است اما رقابت آمریکا و چین به صورت مشخص هنوز خشونت‌آمیز نشده است و بیشتر در ابعاد اقتصادی و تکنولوژیک شکل گرفته است.



کوتاهمدت چین از این پروژه، می‌تواند رسیدن به برتری منطقه‌ای باشد، نه برتری تجاری. درواقع چین تلاش دارد که جلوی حضور آمریکا در آسیا را بگیرد. اما این تلاش‌ها در قیاس با آنچه که در زمان جنگ سرد و در جریان رقابت اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا قابل مشاهده بود، اهمیت چندانی ندارد. چین در حال حاضر بزرگ‌ترین هدفش این است که تعادل قدرت را حفظ کند و در این راستا، کاهش نفوذ آمریکا در منطقه آسیا اهمیت زیادی دارد.

یکی از استدلال‌های کنونی که می‌توان در عرصه رقابت بین چین و آمریکا بررسی‌اش کرد این است که قدرت اقتصادی در عرصه رقابت کاملاً مهم‌تر از قدرت نظامی است. در عین حال، قدرت نظامی در برقراری تعادل بین چین و آمریکا اهمیت دارد اما جای نفوذ جهانی را نمی‌گیرد. نفوذ جهانی آن چیزی است که چین با پروژه‌هایی مثل جاده ابریشم جدید به دنبال تحقق‌شان بوده. چین با استفاده از قدرت اقتصادی‌اش توانسته متحدان سابق آمریکا از جمله فیلیپین و تایلند را از مدار آمریکا خارج کند. چین حتی موفق شده متحدان سرسخت آمریکا مثل استرالیا و کره جنوبی را نیز وادارد که منافع چین را نسبت به منافع آمریکا در اولویت قرار دهند. درواقع چین این نکته را پذیرفته که باید برای تحقق اهداف استراتژیکش بیشتر از اهداف نظامی‌اش خرج کند و در این راه جواب هم گرفته است.

با این اوصاف، هزینه‌های عظیم نظامی که در دوران جنگ سرد صرف رقابت بین شرق و غرب می‌شد حالا اهمیت کمتری دارد. واشنگتن تقریباً دو برابر یکن برای ارتشش هزینه می‌کند و با این کار، منابع استراتژیکی را که باید صرف تقویت قدرت اقتصادی آمریکا می‌شدند، به جای دیگری هدایت می‌کند. اگر آمریکا قصد داشته باشد که در آینده راهی برای تقویت نفوذ خود در منطقه حساسی مثل جنوب شرق آسیا پیدا کند، باید اول از همه یک وعده را عملی کند: به کشوری آسیب نزند. این در حالی است که ترامپ با به هم زدن توافقاتی تجاری گذشته و به راه‌انداختن جنگ تجاری، دارد به کشورهای مختلفی لطمه می‌زند. هم‌زمان، کشورهای جنوب شرق آسیا تشنه توسعه اقتصادی هستند و بنابراین در انتخاب بین آمریکا و چین، قاعده‌چین را برمی‌گزینند. راه دیگری که برای تقویت نفوذ پیش پای آمریکا هست، تدوین برنامه اقتصادی برای مناطق مهم مثل جنوب شرق آسیاست که آن هم بعید است در دولت ترامپ اتفاق بیفتد. ■

اخیراً استیون ورت‌هایم پژوهشگر مطالعات جنگ و صلح انستیتو سالترزمن در دانشگاه کلمبیا هشدار داد که جنگ سردی در راه است که می‌تواند آمریکا را به جنگ‌های نیابتی در سراسر جهان بکشانند و حتی باعث جنگ‌های مرگبارتری هم بین ابرقدرت‌ها شود. اما واقعیت این است که نتیجه این وضع نمی‌تواند شباهتی به دوران جنگ سرد داشته باشد. مثلاً این که در زمان وقوع مداخلات آمریکا در آسیای جنوب شرقی در گذشته، سایه استعمار هنوز از این کشورها کنار نرفته بود و بحث استقلال آنها مطرح بود. اما در دنیای امروز، حتی ضعیف‌ترین کشورها در آسیای جنوب شرقی هم قابلیت‌های خود برای تغییر وفاداری‌شان به ابرقدرت‌هایی مثل چین و آمریکا را در زمان‌های مختلف به نمایش گذاشته‌اند. همچنین مداخلات در امور داخلی کشورهای دیگر حالا کم‌رنگ‌تر از وضعیتی است که بر اثر رقابت شوروی و آمریکا در دوران جنگ سرد رخ می‌داد. یک بخش از آن ناشی از تحولی است که تکنولوژی دیجیتال و دسترسی به اینترنت در کشورهای مختلف به وجود آورده است. با این وجود، نمی‌توان گفت که در کار قدرت‌های بزرگ، حسن نیتی مشاهده می‌شود. در همین ماه‌های اخیر، دولت ترامپ به وضوح از کودتا در ونزوئلا صحبت به میان آورد و همچنین از دولتی مثل عربستان سعودی حمایت کرد. از آن سو هم چین را داریم که خواهان جلب توجه و دستیابی به نفوذ در کشورهایی مثل کامبوج بوده و در عین حال، دسته‌ای دیگر از کشورها را به خاطر مناسبات‌شان با تایوان تحت فشار گذاشته است. چین در مقابل این فشارها، وعده سرمایه‌گذاری‌های گسترده و ارائه وام برای احداث زیرساخت‌های مختلف را به این کشورها داده است.

چند دهه پیش، قدرت‌های میانه‌ای مثل هند و پاکستان می‌توانستند آمریکا و اتحاد شوروی را به نحوی که به سودشان تمام شود تا حدی در مقابل هم به بازی وادارند. این وضع در کشورهای دیگری هم دیده می‌شد. مثلاً نوروودم سپهانوک شاهزاده کامبوج در دهه ۱۹۶۰ میلادی موفق شده بود تعادلی بین نفوذ آمریکا، روسیه و چین در کشورش برقرار کند. اما با وقوع کودتا علیه او در سال ۱۹۷۰ این تعادل کاملاً از بین رفت. امروزه اما قدرت‌های میانه کاملاً از نفوذ بیشتری در عرصه بین‌المللی برخوردار شده‌اند. یک نقل قول معروف این است که ریچارد آرمیتاژ معاون سابق وزیر امور خارجه آمریکا آنها را به جای مهر، شوالیه می‌خواند. مثلاً تایلند را در نظر بگیرد. بعد از کودتای نظامی تایلند در سال ۲۰۱۴ این کشور دچار بحران داخلی سیاسی و تنش‌های نظامیان با غیرنظامیان شد. دولت اواما به همین جهت مناسبات خود را با ژنرال پرایون چان‌اوجا که رهبر دولت نظامی تایلند شده بود محدود کرد و کمک‌های امنیتی به تایلند را نیز به حالت تعلیق درآورد. در همین فاصله، بانکوک مناسبات گرم‌تری با یکن پیدا کرد و مثلاً سه زیردریایی چینی خرید و به شرکت چینی هواوی هم اجازه داد که تکنولوژی فایو جی را در تایلند به راه بیندازد. دولت ترامپ اما برخوردی متفاوت با تایلند داشت. در جریان ملاقات‌های پرایون چان‌اوجا با مقامات آمریکایی در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸، مناسبات تجاری دو کشور تقویت شد و نیروی دریایی دو کشور هم به انجام مأموریت‌های مشترک مشغول شدند. یک نمونه دیگر از کشورهایی که اول متحد آمریکا بود اما بعداً بیشتر به سمت چین کشیده شد، فیلیپین است. یکن وعده داده که پروژه‌های چند میلیارد دلاری زیرساختی را در این کشور به اجرا دریاورد و در مقابل، احتمال انجام عملیات استخراج مشترک نفت توسط چین و فیلیپین در آب‌های دریای چین جنوبی قوت گرفته است.

درست است که چین در سال‌های اخیر پروژه جاده ابریشم جدید را دنبال کرده و کشورهای زیادی را در آن وارد کرده است، اما هدف

منطقه آسیای جنوب شرقی حالا به نقطه تلاقی نفوذ چین و آمریکا و رقابت بین آنها بدل شده و احتمال وقوع رویارویی نظامی در آن هم وجود دارد. اما دینامیک شرایط امروزی با گذشته کاملاً فرق دارد

## [ آینده اقتصاد جهان ]

## اروپا در مقابل شوک‌های اقتصادی اشتباه می‌کند

احتمالش هست که بازی آینده اقتصاد جهان را اروپا به هم بزند

جانبی زیادی را متحمل می‌شود. صادرات تشکیل‌دهنده ۲۸ درصد از تولید ناخالص داخلی حوزه یورو بوده‌اند. همین رقم برای آمریکا ۱۲ درصد و برای چین ۱۹ درصد است.

نکته دوم این است که واکنش اروپا در مقابل شوک‌های اقتصادی همواره اشتباه است. مثلاً وقتی آمریکا و چین با شوکی مواجه می‌شوند که احتمال دارد رشد اقتصادی‌شان را کم کند، آنها با سیاست پیشگیرانه و ترغیبی وارد عمل می‌شوند. مثلاً فدرال رزرو آمریکا در واکنش به جنگ تجاری تصمیم گرفت که سیاست پولی خود را معکوس کند و نرخ بهره را کاهش دهد. چین هم سیاست‌های پولی، مالی و اعتباری خود را گسترش داد تا اطمینان حاصل کند که مصرف، ساخت و ساز مسکن و هزینه برای زیرساخت‌ها راهی برای جبران صادرات و سرمایه‌گذاری‌های از دست‌رفته خواهند بود. اما در اروپا برعکس آن اتفاق افتاد و واکنش به تنش‌های تجاری، سیاستی از نوع دیگر بود. وقتی رشد کاهش یافت، دولت‌های اروپایی به جای گسترش سیاست مالی‌شان مشغول افزایش مالیات‌ها و کاهش هزینه‌های عمومی شدند تا به اصطلاح جلوی کسری بودجه را بگیرند.

نکته سوم هم در مورد اروپا این بود که دو شوک داخلی سیاسی در آنجا رخ داد که حتی ضربه‌زننده‌تر از جنگ تجاری چین و آمریکا بودند. تابستان گذشته، درگیری بودجه‌ای بین کمیسیون اروپایی و دولت پوپولیست جدید ایتالیا باعث احیای هراس‌ها درباره سقوط بانکداری و واحد پول یورو شد، سقوطی بدتر از آنچه که یک دهه پیش رخ داد. بعد هم در ماه مارس که خطر ایتالیا کاهش پیدا کرده بود، ماجرای برگزیت یا همان خروج انگلیس از اتحادیه اروپا - آن هم بدون رسیدن به توافق با اروپا - خودش را به عنوان تهدیدی جدی نشان داد. اتحادیه اروپا تقریباً دو برابر آنچه را که به چین صادر می‌کند به انگلیس می‌فرستد. بنابراین، توقف ناگهانی مناسبات تجاری اتحادیه اروپا با انگلیس می‌تواند به اندازه بحران مالی سال ۲۰۰۸ به اتحادیه اروپا لطمه بزند و طبعاً این شوک بزرگی برای اروپا بود.

اما این وسط خبرهای خوبی هم در کار است. برخی از مواردی که گفتیم - یعنی بحران ایتالیا و نیز برگزیت - دارند به نقطه حل نزدیک می‌شوند. اروپا و به خصوص آلمان همچنان به شدت در معرض ضربه خوردن از تجارت جهانی قرار دارد اما حداقل این وابستگی به صادرات حالا به رسمیت شناخته شده و دیگر به عنوان نشانه سلامت اقتصادی تلقی نمی‌شود. این یعنی که در آینده می‌توان به جست‌وجوی راه حل‌های جدید برای مدیریت آن امید بست. حالا که فضای سیاسی و اقتصاد کلان در اروپا دارد بهبود پیدا می‌کند، می‌توان راهی برای معضل وابستگی به صادرات پیدا کرد و جلوی ورود به رکود را گرفت. شاید آلمان به اندازه بقیه کشورهای اروپایی در این زمینه خوش‌اقبال نباشد چون بودجه‌اش این طور بسته شده. اما در عرصه اقتصاد جهانی، آنچه که اهمیت دارد این است که آیا کلیت اروپا می‌تواند خود را احیا کند یا نه. احتمال تحقق این مسئله حالا خیلی بیشتر از چند ماه پیش است. ■



در سالی که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا جنگ تجاری با چین را تشدید کرد، ذهن سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران بازارهای مالی به شدت مشغول خطری شده که اقتصاد دو کشور آمریکا و چین را تهدید می‌کند. اما تهدید واقعی که از دل این مناقشه خودش را نشان داده، مربوط به اقتصادهای دیگری در جهان است.

با وجود تمام تئورهایی که رسانه‌ها درباره احتمال بروز رکود در اقتصاد آمریکا و چین زده‌اند، با بررسی آمار و ارقام اخیر به این نتیجه می‌رسیم که سرنوشتی کاملاً متفاوت قرار است در عرصه اقتصاد جهانی رقم بخورد. واقعیت این است که اقتصادهای آمریکا و چین توانسته‌اند به رغم بروز تنش‌های شدید در عرصه تجاری، عملکرد معقولی از خود نشان بدهند. در این میان، قربانی اصلی مناقشه عملاً اروپا بوده است.

تأثیر تنش‌های تجاری را در تجدیدنظرهای اخیر صندوق بین‌المللی پول درباره رشد اقتصادی در جهان می‌توان مشاهده کرد. بر این اساس، پیش‌بینی رشد اقتصاد جهانی که ۳.۷ درصد بود حالا کاهش یافته و به ۳.۲ رسیده. اما رشد اقتصادی آمریکا و چین خیلی در آن دخیل نیست. پیش‌بینی شده که اقتصاد چین به اندازه ۶.۲ درصد رشد کند، یعنی تقریباً همان پیش‌بینی یک سال پیش. همچنین پیش‌بینی شده که اقتصاد آمریکا ۲.۶ درصد رشد کند که ۰.۱ درصد نسبت به پیش‌بینی یک سال قبل بالاتر است. پیش‌بینی‌ها در مورد ژاپن و سایر اقتصادهای آسیایی هم خیلی تغییر نکرده. اما اوضاع در مورد اروپا این‌طور نیست و بنابراین تجدیدنظر در مورد پیش‌بینی رشد اقتصاد جهانی مساوی است با کاهش رشدی که اروپا و به خصوص آلمان تجربه می‌کند.

سه دلیل وجود دارد که نشان می‌دهد اقتصاد اروپا امسال با بلایایی فراتر از صرف تنش تجاری بین چین و آمریکا مواجه بوده. اول این که اروپا به شدت به تجارت وابسته است و در هر جنگ تجاری، صدمات



آنا تول کالتسکی

اقتصاددان ارشد موسسه گاو کال در آگونیومیکز

منبع بیزینس تایمز  
چرا باید خواند:  
بخوانید تا بداند:  
اروپا چطور در معرض  
ضربه خوردن از  
تجارت جهانی قرار  
دارد و چرا هنوز هم  
جای امیدواری به  
آینده هست.

جنگ تجاری ترامپ با چین را هم باید به عنوان مجموعه‌ای از حواس‌پرت‌کردن‌ها در نظر بگیریم. این که از این کار چه نتیجه‌ای به دست می‌آید، چندان از لحاظ سیاسی برای ترامپ مهم نیست.

## [ آینده تجارت جهانی ]

# چرا ترامپ باید زودتر اعلام پیروزی کند

هزینه سیاسی تمام کردن جنگ‌های تجاری پایین است



مارک وایزبروت

رئیس مرکز پژوهش‌های اقتصادی و سیاست‌گذاری در واشنگتن

منبع مارکت واج

چرا باید خواند:

ترامپ متخصص

پرت‌کردن حواس

مردم و رسانه‌هاست.

این یادداشت توضیح

می‌دهد که چرا او باید

از همین تکنیک برای

تمام کردن جنگ‌های

تجاری استفاده کند.

منتظر نتایج کارهای او هستند. ترامپ جزو معدود رهبرانی در دنیا است که اصلاً پنهان نمی‌کند که فقط به هوادارانش اهمیت می‌دهد و بس. بسیاری از رهبران دیگر در دنیا حداقل تظاهر می‌کنند که به سایر مردم هم اهمیت می‌دهند اما ترامپ شش‌بهرتی به آنها ندارد. او در تمام سخنرانی‌ها و تصمیم‌گیری‌هایش مستقیم به کسانی که به او رای داده‌اند اشاره می‌کند. حالا هم که بحث استیضاح ترامپ مطرح شده، او فقط حواسش را متوجه هواخواهانش کرده؛ به خصوص ۲۰ نفر از ۵۳ جمهوری خواه حاضر در سنا که در صورت استیضاح او، می‌توانند باعث سقوطش شوند. ترامپ حالا فقط می‌خواهد وفاداری آنها را به خودش حفظ کند. طبیعی است که هواخواهان و رای‌دهندگان احتمالی به ترامپ علاقه‌ای به جنگ تجاری نداشته باشند.

در این میان، یکی از سناریوهای احتمالی این است که ترامپ به سیاق همیشگی بدون آن که پیروز شده باشد، اعلام پیروزی کند. این حالت قبلاً در مورد مکزیک و اتحادیه اروپا رخ داده. حالا هم اگر ترامپ بیاورد و در جنگ تجاری اعلام پیروزی کند، کسی نمی‌تواند غلط بودن ادعای او را به رای‌دهندگان ثابت کند. جالب اینجاست که حتی در صورت پیروزی آمریکا در این جنگ هم نتایج متناقضی به دست خواهد آمد و مثلاً ممکن است شرکت‌های آمریکایی بیشتری کارخانه‌های خود را به چین منتقل کنند. نکته بعد هم این که هیچ نیروی سیاسی متعارفی - به خصوص در میان مخالفان ترامپ در انتخابات سال ۲۰۲۰ - وجود ندارد که اهمیتی به مواضع ترامپ در مورد جنگ تجاری با چین بدهد. بنابراین، اگر ترامپ همین حالا هم جنگ تجاری با چین را تمام کند، از لحاظ سیاسی هزینه‌ای نخواهد داد. اما اگر جنگ تداوم داشته باشد و تبعات منفی اقتصادی آن پیش از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا خودش را نشان بدهد، کار ترامپ در پنهان کردن آنها سخت می‌شود و مخالفان او هم می‌توانند از این بابت به او حمله کنند. مثلاً بازار بورس آمریکا در رسانه‌های این کشور مورد توجه زیادی قرار دارد و اگر به هر دلیلی دچار سقوط شود، حتماً رسانه‌ها ترامپ را مقصر آن خواهند دانست.

در همین میان، نباید فراموش کرد که اقتصاد آمریکا واقعاً بابت جنگ تجاری با چین لطمه خورده است. مهم‌ترین قربانی، کشاورزان آمریکایی بوده‌اند که با تعرفه چین علیه محصولاتشان مواجه شده‌اند. اما تبعات منفی دیگری هم دیده شده که اندازه‌گیری آنها در مرحله فعلی سخت است؛ مثل کاهش سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی که از بی‌ثباتی ناشی از جنگ تجاری حاصل شد. به خاطر تمام این دلایل، بهترین کار برای ترامپ این است که زودتر اعلام پیروزی کند و از جنگ تجاری دست بردارد. این بزرگ‌ترین بهانه برای پرت‌شدن حواس مردم و رسانه‌ها خواهد بود. ■

بازارها این روزها نمی‌دانند چه نظری باید در مورد جنگ تجاری آمریکا با چین داشته باشند. دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا گاهی موضعی از خودش نشان داده که حاکی از عدم تداوم این جنگ در آینده است. اما چطور می‌توان از اتمام این جنگ اطمینان حاصل کرد؟

اول بگذارید از خود ترامپ شروع کنیم. پرت‌کردن حواس مردم و رسانه‌ها شیوه اصلی کار او است. او در کمپین انتخاباتی سال ۲۰۱۶ خود همین کار را کرد و چه نتیجه عظیمی هم گرفت. موفقیت در این روش همیشه از نظر او بهترین گزینه است. بنابراین جنگ تجاری ترامپ با چین را هم باید به عنوان مجموعه‌ای از حواس‌پرت‌کردن‌ها در نظر بگیریم. این که از این کار چه نتیجه‌ای به دست می‌آید، چندان از لحاظ سیاسی برای ترامپ مهم نیست و بنابراین ارزش ریسک آن پایین است. اما از سوی دیگر، آنهایی که به کمپین او پول می‌پردازند احتمالاً انتظار دارند که نتایجی هم از کارهای او به دست بیاید. مثلاً غول‌های بزرگ داروسازی آمریکا منتظرند به دنبال جنگ تجاری، امتیازات خاصی را از رقبای چینی خود سلب کنند و سهم بیشتری از بازار را به دست بگیرند. این داروسازان آمریکایی همان‌هایی هستند که سالانه صدها میلیارد دلار در آمریکا سود می‌کنند چون تلاش کرده‌اند داروهایی که در خارج آمریکا با قیمت ارزان‌تر پیدا می‌شود وارد بازار نشود. غول‌های دیگری که منتظرند از بابت جنگ تجاری با چین سود کنند، برخی بانک‌های آمریکایی هستند که منتظرند

رئیس‌جمهور برایشان امتیازاتی بگیرد و بتوانند وارد بخش مالی چین شوند و سودشان را ببرند. در میان سایر بازیگران حاضر در صحنه، ظاهراً هیچ کس این جنگ تجاری را نمی‌خواهد. اما هدف دونالد ترامپ در این مرحله اصلاً به جنگ تجاری مربوط نمی‌شود. هدف او در حال حاضر این است که دوباره در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا رای بیاورد و بخش زیادی از رای‌دهندگان رده‌بالای او - یعنی پولدارهای حزب جمهوری‌خواه - خواهان تداوم جنگ تجاری با چین نیستند. سایر رای‌دهندگان به او - یعنی مردمی که به خاطر وعده‌های معیشتی به ترامپ رای دادند - حالا

مسئله مالیات‌گرفتن از غول‌های خانوادگی بزرگ مثل سامسونگ، دوو و هیوندای در کره جنوبی اهمیت زیادی دارد و خیلی‌ها معتقدند که آنها باید بخشی از درآمدهای میلیاردری خود را صرف سرمایه‌گذاری در منابع جدید کشور کنند



این رئیس‌جمهور کره جنوبی را داریم که بعد از به قدرت‌رسیدن در سال ۲۰۱۷ تقریباً وعده‌های مشابهی داد. اما دو رئیس‌جمهور قبل‌تر از او هم همین حرف‌ها را زده بودند. یک حرف مشترک بین هر سه آنها این است که رشد اقتصادی را دموکراتیزه کنند. در کره جنوبی، این اصطلاح به معنی آن است که نقش شرکت‌های خانوادگی بسیار بزرگ مثل سامسونگ، هیوندای، دوو و غیره (معروف به چیبول) کم‌رنگ‌تر شود و سود صادرات محصولات کره به کارگران و شرکت‌های کوچک‌تر هم برسد.

اما در این راه، هیچ‌یک از سه رئیس‌جمهور یادشده موفق ظاهر نشده‌اند. مون جائه-این حتی یکی از مهم‌ترین وعده‌هایش مبنی بر افزایش حداقل دستمزد را هم احتمالاً نمی‌تواند عملی کند چون وعده او این بوده که حداقل دستمزد تا سال ۲۰۲۲ به ۸.۳۱ دلار در ساعت برسد ولی تا تحقق آن راه بسیار درازی باقی مانده.

حتی اقدام بانک کره در کاهش نرخ بهره هم هنوز نتیجه لازم را به دست نداده است چون دیدگاه عمومی بین شرکت‌ها و مصرف‌کننده‌ها این است که نسبت به آینده خوش‌بین نباشند و بنابراین، تمهیدات بانکی هم باعث تغییر این فضا نخواهد شد. بانک ژاپن نرخ بهره را از سال ۱۹۹۹ نزدیک به صفر نگه داشته بود و با این وجود، قیمت‌ها افزایش نشان نداده بودند. از سال ۲۰۱۶ به بعد، نرخ بهره منفی شد ولی این اقدام هم تأثیر خوبی به جا نگذاشت. سیاست‌هایی که در ژاپن جواب نداده‌اند چطور باید در کره جنوبی جواب بدهند؟

در این میان، پرسشی که مطرح می‌شود این است که کره جنوبی چه کارهایی می‌تواند بکند؟ بانک کره می‌تواند هدف تورم را بالای دو درصد فعلی در نظر بگیرد - شاید بین ۲.۵ تا ۳.۵ درصد - و از این طریق، تصمیمات جسورانه‌تر و خلاقانه‌تری بگیرد. افزایش حداقل دستمزد هم می‌تواند کارساز باشد. اما توپ واقعاً در زمین خود مون جائه-این است. هر کس که مدتی به بررسی اقتصاد کره جنوبی مشغول باشد به وضوح می‌تواند ببیند که مسئله مالیات‌گرفتن از غول‌های خانوادگی در این کشور چه اهمیت زیادی دارد. آنها باید مجبور شوند که میلیاردها درآمد خود را صرف سرمایه‌گذاری در صنایع جدید کنند و در عین حال، به جای تمرکز روی صادرات، وادار به تمرکز روی بخش خدمات داخلی نیز باشند. خیلی‌ها معتقدند اگر ژاپن از سال ۲۰۱۲ تقریباً همین کارها را کرده بود، الان دوباره در معرض رکود اقتصادی قرار نداشت. اما کره جنوبی حالا می‌تواند از تجربه ژاپن بهره‌برد و آینده خود را بهتر از ژاپن بسازد. ■

کره جنوبی که چهارمین اقتصاد بزرگ آسیاست، این روزها بحران جدیدی را پیش روی خود می‌بیند: انقباض پولی. قیمت‌ها در این کشور به میزان ۰.۴ درصد کاهش نشان داده‌اند و صادرات هم ۱۲ درصد پایین آمده. این دهمین ماه متوالی است که موتور تولید ناخالص داخلی در کره جنوبی صدمه خورده. کاهش قیمت‌ها تا اینجا شدید نبوده اما روند آن نگران‌کننده است. درست است که دونالد ترامپ در حملات تجاری‌اش کاری به کره جنوبی نداشته، اما این کشور عملاً دارد از بابت تنش تجاری بین آمریکا و چین لطمه می‌بیند.

کره جنوبی همچنین نمونه خوبی برای اثبات این قضیه است که بزرگ‌ترین دشمن یک کشور در حال توسعه، رضایت از حال است. کره جنوبی شرایطی شبیه به کشورهای پردرآمد داشته اما نباید به همین حس بسنده می‌کرد. حالا کره جنوبی باید تقاض این اشتباهش را پس بدهد.

در ده سال اخیر، اقتصاددانان نگرانی‌هایی درباره آینده کره جنوبی داشته‌اند اما این نگرانی‌ها نتیجه خاصی نداشته‌اند. در سال ۲۰۰۸ برخی صاحب‌نظران مطمئن بودند که بحران مالی جهانی ضربات مهلکی به کره جنوبی خواهد زد اما این طور نشد. این ضدضربگی در سال‌های بعد هم به شکل‌های مختلف ادامه یافت. اما فلج سیاست‌گذاری که این روزها در کره جنوبی دیده می‌شود، این را اثبات می‌کند که دهه پیش رو می‌تواند در دسره‌های بزرگی برای جمعیت ۵۱ میلیون نفری این کشور به وجود بیاورد. فشار انقباض پولی یک نشانه از دردی است که کره جنوبی را گرفتار خود خواهد کرد. واقعیت این است که کره جنوبی در سه دوره پیایی، دولت‌هایی به خود دیده که کار موثری برای بازیابی ساختار اقتصاد این کشور انجام نداده‌اند. احتمال این که بانک کره نرخ بهره را پایین بیاورد تا به اقتصاد جانی دوباره ببخشد دارد بالا می‌رود.

اما آن‌طور که تجربه ژاپن نشان داده، چنین کاری کافی نیست. توکیو هنوز با همان وضعی درگیر است که از بیست سال پیش تاکنون حل نشده است. بررسی مورد ژاپن در این خصوص اهمیت زیادی دارد چون کره جنوبی به نحوی اقتصاد خود را با الگو گرفتن از همسایه‌اش ژاپن ساخت و بنابراین، آینده کره جنوبی هم می‌تواند به امروز ژاپن شبیه باشد. از اواخر سال ۲۰۱۲، شینزو آبه نخست‌وزیر ژاپن هم وعده‌های مختلفی داده: کاهش بوروکراسی، تشویق نوآوری، افزایش نقش زنان و حمایت از استارت‌آپ‌ها. در مقابل، مون جائه-



ویلیام پسک

نویسنده کتاب «ژاپنیزه شدن: دنیا از دهه از دست‌رفته ژاپن چه درسی می‌تواند بگیرد»

منبع: نیکی ایژن ریویو

چرا باید خواند:

کره جنوبی اقتصادش

را با الهام گرفتن از

ژاپن ساخت اما حالا

در معرض همان

در دسره‌های اقتصاد

ژاپن قرار گرفته.

پخوانید تا ببینید

وضع از چه قرار

است.

فرض کنید می‌خواهید ببینید اگر بیست هزار پناهجو از یک کشور خاورمیانه به شهری در غرب اروپا بیایند چه خواهد شد. با تکنولوژی‌های جدید می‌توان جامعه را شبیه‌سازی کرد و دید کدام گزینه‌ها برای پذیرش اجتماعی آنها بهتر کار خواهد کرد.

## [ آینده تکنولوژی ]

# هوش مصنوعی رئیس‌جمهور انتخاب می‌کند

## تکنولوژی چطور دارد حتی از پیش‌بینی‌ها هم پیشی می‌گیرد؟

منبع: نیوساینتیست  
چرا باید خواند:  
یخوانید تا ببینید  
تکنولوژی‌های جدید  
چطور با شبیه‌سازی  
مخاطبان و محیط  
می‌توانند مثل غول  
چراغ جادو عمل کنند  
و حتی روند انتخابات  
را تغییر دهند.

حالا پیچیدگی این الگوها بیشتر شده و به تدریج دانشمندان حوزه زیست‌شناسی و جامعه‌شناسی هم آنها را به کار گرفته‌اند.

یکی از موثرترین تکنیک‌ها در این راه، استفاده از الگوسازی عاملی است. در این روش، از رشته‌های کد کامپیوتری برای نشان دادن عامل‌ها - مثلاً رانندگانی که مشغول مسیریابی هستند یا شرکت‌هایی که در یک اقتصاد به رقابت مشغول‌اند - استفاده می‌شود. این عوامل طوری برنامه‌ریزی شده‌اند که با یکدیگر و محیط مجازی اطرافشان تعامل کنند و رفتار خود را نیز بر آن مبنا تغییر دهند. این الگوها برای درک چگونگی کار کردن نظام‌های پیچیده بسیار کاربرد دارند و می‌توانند پیش‌بینی کنند که این نظام‌ها چگونه تکامل پیدا می‌کنند و اگر عاملی در مسیر آنها مداخله کند چه پیش می‌آید.

در این راه می‌توان الگوهای تئوریک را به شکل‌های مختلف به کار گرفت. هر تعامل اجتماعی را در این شرایط می‌توان پیش‌بینی کرد: تعامل بین خانواده، دوستان، روسا و همکاران، زیردستان و رهبران و حتی تعاملات در رسانه‌های اجتماعی. از طریق این تعامل‌ها، الگوسازی عاملی می‌تواند نقش مداخله‌ای موثری به عهده بگیرد که در نوع خودش خطرناک است. از کجا معلوم که این قدرت به دست نیروی خیر بیفتد؟

اما بزرگ‌بودن قدرت این الگوسازی به این معنی است که می‌توان آن را در پیش‌بینی موضوعاتی که برای آینده بشر حیاتی‌اند به کار گرفت. مثلاً تصمیمات در حوزه تغییرات اقلیمی یا امنیت انرژی یا حل و فصل مناقشات در این راه می‌توانند مطرح باشند.

در این میان، امکان به کارگیری تکنولوژی شبیه‌سازی محیط توسط هوش مصنوعی به شدت توجه سیاستمداران و به خصوص کمپین‌های انتخاباتی را جلب کرده است. کارشناسان این حوزه معتقدند این نوع از هوش مصنوعی و کاربرد آن در پیش‌بینی رفتار رای‌دهندگان، درست مثل غول چراغ جادو قادر خواهد بود کارهای عجیب زیادی انجام بدهد و از آنجا هم بازگشتی به گذشته در کار نخواهد بود. ■

تصور کنید که سال دیگر همین موقع‌هاست. کمپین انتخابات ریاست جمهوری آمریکا دارد روزهای پایانی‌اش را می‌گذراند. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که دونالد ترامپ وضع خوبی ندارد و بسیاری از صاحب‌نظران پیش‌بینی می‌کنند که رقیب دموکرات او یعنی جو بایدن رای خواهد آورد. اما ترامپ اصلاً کککش هم نمی‌گزد و دائم می‌گوید که دوباره برنده خواهد شد.

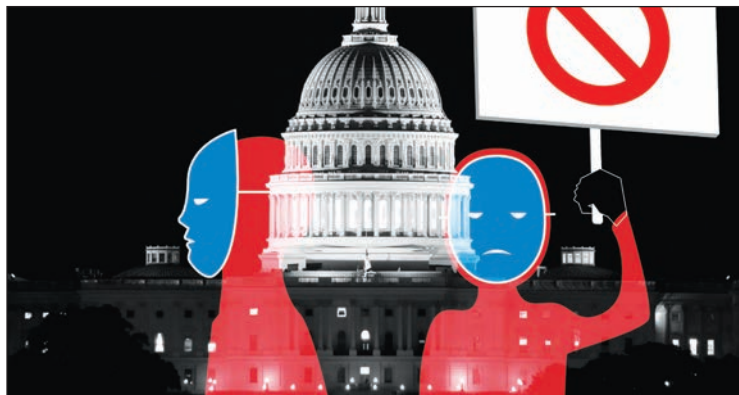
دو هفته مانده به پایان کمپین، تیم ترامپ پروژه‌ای را در برخی ایالت‌های هواخواه او کلید می‌زند. این پروژه شامل پست‌های فیس‌بوکی، تبلیغات، گروه‌های واتساپی و توئیتهای مختلف است. در این تبلیغات درباره خطری که آمریکا را از بابت مهاجران تهدید می‌کند صحبت شده و حتی هشدار داده شده که مهاجران باعث و بانی خشونت‌های شدید در آینده آمریکا خواهند بود. در بخش دیگری از تبلیغات هم تیم ترامپ روی مسیحی‌بودن او تأکید می‌کند و بایدن را به عنوان آدم بی‌دین تصویر می‌کند. در پایان کمپین، ترامپ دوباره انتخابات را می‌برد.

شاید فکر کنید این سناریو چیز جدیدی نیست و قبلاً هم در جریان کمپین‌های انتخاباتی دیده شده. اما واقعیت این است که روند تأثیرگذاری بر انتخابات دارد به شکل فزاینده‌ای تغییر می‌کند چون یک تکنولوژی مهم به اسم هوش مصنوعی چندکاره به میدان آمده است. این تکنولوژی امکان آن را فراهم می‌کند که پیش‌بینی‌های جدیدتر و مجاب‌کننده‌تری انجام شود. علت این است که این تکنولوژی قابلیت آن را دارد که هر آزمایشی را در فضای شبیه‌سازی‌شده و دقیقاً مشابهی با جامعه انجام بدهد. مثلاً فرض کنید که یک تیم کمپین بخواهد در مورد چگونگی ارسال پیام و نیز گروه مخاطبان یک پیام انتخاباتی تصمیم بگیرد. در آن صورت، می‌توان این پیام را در فضایی که توسط کامپیوترها شبیه‌سازی شده، آزمایش کرد و نتیجه آن را دید. در این مورد، مواضع ضد‌مهاجران و حتی موضع مذهبی می‌تواند روی نظر افکار عمومی تأثیر زیادی بگذارد.

هنوز مشخص نیست که کمپین ترامپ قصد استفاده از هوش مصنوعی چندکاره را دارد یا نه. اما از لحاظ تکنولوژیک، اصلاً مانعی در راه استفاده از آن وجود ندارد. هوش مصنوعی چندکاره از مدتی قبل برای ساختن جوامع دیجیتالی که شبیه جوامع واقعی هستند مورد استفاده قرار گرفته است و این یعنی آزمایش‌های رادیکال اجتماعی را نیز می‌توان از این طریق انجام داد. مثلاً می‌خواهید ببینید اگر بیست هزار پناهجو از یک کشور خاورمیانه به شهری در غرب اروپا بیایند چه خواهد شد. با این تکنولوژی می‌توان دید که کدام گزینه‌ها برای پذیرش اجتماعی آنها بهتر کار خواهد کرد.

به زبان ساده‌تر، یک جامعه مصنوعی درواقع فقط یک الگوی کامپیوتری است که با الگوهایی که برای درک نظام‌های دینامیک پیچیده مثل آب و هوا به کار می‌رفته، شباهت دارد. اولین نوع از آنها در دهه ۱۹۶۰ توسط شیمی‌دان‌ها و فیزیک‌دان‌ها ساخته شد. اما

یک جامعه مصنوعی درواقع فقط یک الگوی کامپیوتری است که با الگوهایی که برای درک نظام‌های دینامیک پیچیده مثل آب و هوا به کار می‌رفته، شباهت دارد



## [ آینده ارز ]

## دوران دور زدن دلار

## روسیه و اروپا چطور بالاخره در یک مورد هم نظر شدند؟

**منبع: سی‌ان‌بی‌سی**  
**چرا باید خواند:**  
**این گزارش توضیح می‌دهد که روسیه چطور دارد پروژه دلارزدایی را دنبال می‌کند و چقدر در آن موفق بوده.**

در مورد روند دلارزدایی روسیه نوشته و در آن آورده که این روند اکنون در حوزه‌های مختلفی مثل جریان تجارت، بدهی خارجی، دارایی‌های بین‌المللی که در اختیار بانک‌هاست و حتی در گردش مالی بازارهای ارز قابل مشاهده است. با این وجود، نقش دلار در معاملات خصوصی که توسط شرکت‌ها، بانک‌ها و خانوارهای روسی انجام شده رو به افزایش بوده است. دالگین در گزارش خود می‌نویسد: «دلارزدایی را بانک‌ها مورد توجه قرار داده‌اند. اما از نظر بقیه و حتی دولت، دلار آمریکا حتی در قیاس با ارزی مثل یورو جذابیت بیشتری دارد.» نکته دیگر ماجرا این است که کاهش ارزش یورو و روبل در مقابل دلار از سال ۲۰۱۳ که به ترتیب ۲۰ و ۵۰ درصد بوده، باعث شده که توجه به دلار همچنان بالا بماند.

با این وجود، برخی شرکت‌ها در تلاش بوده‌اند که راهشان را از دلار جدا کنند. مثلاً در سال ۲۰۱۵، شرکت گازپروم نفت اعلام کرد که هزینه صادرات نفتش به چین را به رنمینبی دریافت کرده است. همچنین در ماه آگوست امسال، شرکت روس نفت اعلام کرد که استفاده از دلار آمریکا را در قراردادهای صادراتش متوقف می‌کند. اما دلارزدایی کامل همچنان یک آرزوی دور است، زیرا روبل هنوز وضع ثابتی ندارد و وابستگی به صادرات جهانی نفت و معامله آن به دلار هم برای روسیه بالاست. از سوی دیگر، روسیه تنها دو درصد از تولید ناخالص داخلی دنیا را تشکیل می‌دهد و معنی‌اش این است که روبل همچنان برای برخی از سرمایه‌گذاران بین‌المللی غیرجذاب است. هزینه‌های مازادی که بر اثر دلارزدایی به وجود می‌آید هم یک مانع بزرگ دیگر است.

در این میان، دالگین معتقد است که دلارزدایی بیشتر از تجارت روسیه و تبدیل قراردادهای صادرات نفت آن به یورو در صورتی موثر و جامع خواهد بود که اتحادیه اروپا و چین هم تلاش واقعی برای دور زدن دلار در معاملاتشان را صورت داده باشند.

جالب اینجاست که اتحادیه اروپا هم به افزایش نقش بین‌المللی یورو به خصوص در پروسه دلارزدایی اهمیت زیادی می‌دهد. درواقع اتحادیه اروپا به صورت غیررسمی خواهان حمایت از تلاش‌های روسیه برای دلارزدایی است چون تاثیر برون‌مرزی تحریم‌های آمریکا علیه روسیه، شرکت‌های اروپایی را نیز تحت فشار قرار داده است. در این میان، کمیسیون اروپایی نیز اعلام کرده که یورو تمام ویژگی‌های لازم برای تبدیل شدن به واحد پول معاملات جهانی را دارد و بازار انرژی هم می‌تواند به راحتی آن را به عنوان جایگزین دلار آمریکا بپذیرد. اروپایی‌ها حتی اصرار دارند که افزایش نقش یورو را به عنوان راهی برای بهبود و تقویت نظام مالی جهانی مورد تاکید قرار دهند. اگر حق با آنها باشد، استفاده از یورو می‌تواند در آینده جلوی شوک ناشی از دلارزدایی را نیز بگیرد و نه تنها به سود روسیه، بلکه به سود هر کشوری که خواهان دلارزدایی باشد تمام شود. ■

در چند سال اخیر روسیه تلاش زیادی کرده تا اقتصادش را از اثر تحریم‌های آمریکا مصون نگه دارد و در این راه، اولویت اصلی خود را دلارزدایی قرار داده و البته با فراز و نشیب‌های زیادی هم مواجه شده است. البته نظر برخی اقتصاددانان این است که روسیه برای مدتی همچنان به دلار وابسته باقی خواهد ماند، اما به هر حال از سال ۲۰۱۳ بانک مرکزی روسیه در تلاش برای کاهش معاملات دلاری داخلی و خارجی بوده است. از سوی دیگر، روسیه از سال ۲۰۱۴ به بعد با تحریم‌های پیاپی از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا مواجه بوده که از اتهامات مختلفی مثل ضمیمه کردن کریمه و مداخله در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا ناشی شده‌اند. اما دلیل اصلی اصرار روسیه برای دلارزدایی این است که تحریم‌های آمریکا برون‌مرزی هستند؛ یعنی تمام شرکت‌هایی را که از دلار آمریکا استفاده می‌کنند هدف قرار می‌دهند. بنابراین، قطع وابستگی به دلار راه واضحی است برای آن که روسیه بتواند تحریم‌ها را دور بزند. اما دلارزدایی از معاملات روسیه می‌تواند اثرات جهانی مختلفی داشته باشد. مثلاً این که دلارزدایی می‌تواند به سود یورو و یوان تمام شود و بانک مرکزی روسیه نیز در تلاش است که ذخایر ارزی خود از این دو واحد پولی را افزایش بدهد.

روسیه دارد به شکل پیشگیرانه با تحریم‌های احتمالی که ممکن است راه این کشور به سوی کانال‌های مالی بین‌المللی مثل سوئیفت را ببندد مقابله می‌کند و همچنین یک سیستم پرداخت بانکی داخلی درست کرده و نامش را میر گذاشته که در زبان روسی به معنی صلح و همین‌طور جهان است. روسیه همچنین تلاش کرده که به جای وابستگی به دلار، معاهدات ارزی را امضا کند که اجازه تجارت مستقیم بین کشورها را به واحد پول خودشان می‌دهد. این معاهدات با کشورهایی مثل ایران، ترکیه و چین امضا شده است. دیمیتری دالگین اقتصاددان ارشد بانک آیان‌جی در امور روسیه و کشورهای مشترک‌المنافع سابق اخیراً گزارشی

سیستم پرداخت بومی روسی به نام میر



تکنولوژی کمک‌رانندگی به این معنی است که خودروها باید جعبه سیاه داشته باشند، یعنی اطلاعات سرعت، خواب‌آلودگی و هر حرکت دیگر راننده را در زمان رانندگی ضبط کنند.

[ آینده حمل و نقل ]

## رانندگان آینده را می‌پاییم

جعبه سیاه هوشمند خودروها آینده بیمه و رانندگی را تغییر می‌دهد



تاکید تکنولوژی‌های کمک‌رانندگی این است که هر جا راننده به صورت دانسته یا نادانسته از قوانین تخطی می‌کند، تکنولوژی او را به مسیر درست برمی‌گرداند. حتی به‌عهد گرفتن کامل کنترل ماشین هم توسط این سیستم‌ها می‌تواند انجام بگیرد

منبع: نیوسایتیست

چرا باید خواند:

آینده رانندگی به چای

آن‌که بی‌راننده باشد،

به سمت کنترل راننده

توسط سیستم‌های

هوشمند کشیده

شده است، بخوانید

تابیینید قضیه از چه

قرار است.

باعث بی‌توجهی رانندگان به جاده می‌شود و آنها تصور خواهند کرد که هوشمندی خودرو برای تامین امنیت آنها کافی است. به همین خاطر، تاکید زیادی روی این مسئله شده که تکنولوژی‌های کمک‌رانندگی و خودران حتما باید با آموزش جامع و کافی به رانندگان همراه باشد. مسئله دیگر هم به بی‌اعتمادی به تصمیم‌گیری‌های هوشمند خودرو در جاده مربوط می‌شود. برخی رانندگان می‌گویند این که در آینده نزدیک بخواهند تصمیم‌گیری‌ها در زمان رانندگی را به سیستم خودرو واگذار کنند برایشان خوشایند نیست. برخی صاحب‌نظران هم معتقدند که چنین سیستم‌هایی هنوز آن قدر هوشمند نشده‌اند که بتوانند جای راننده را در تصمیم‌گیری‌های جاده‌ای بگیرند. نکته دیگر هم این است که هوشمند شدن کامل خودروها باعث احتمال هک شدن یا از کار افتادگی فنی آنها در زمان‌های مختلف خواهد شد که آن هم تهدید دیگری علیه امنیت رانندگی است.

در این میان، اتحادیه اروپا هم سعی کرده نگرانی رانندگان را در باب هوشیشان مرتفع کند. مثلا گفته شده که جعبه سیاه خودرو تنها در صورت بروز تصادف چک خواهد شد. این مسئله باعث تغییر وضعیت در مورد بیمه خودرو هم شده است. مثلا در آمریکا برخی رانندگان به صورت اختیاری به داشتن جعبه سیاه ماشین روی خوش نشان داده‌اند تا اثبات مقصر نبودنشان در تصادف احراز شود و از لحاظ بیمه به مشکلی برخوردند.

نکته دیگر در مورد تکنولوژی‌های کمک‌رانندگی این است که اطلاعات جمع‌آوری‌شده توسط آنها به شدت به درد استفاده در خودروهای بی‌راننده آینده خواهد خورد. موافقان این تکنولوژی‌ها می‌گویند دنیا در هر حال به سمت خودروهای بی‌راننده پیش می‌رود و بهتر است که این تکنولوژی پیشرفته‌تر بشود و امنیت سرنشینان در آنها بالا برود. ■

این که دوربین‌ها انسان‌ها را تحت نظر داشته باشند به حقیقتی در زندگی امروز ما بدل شده است. شرکت‌ها برای این که شما از کار نزنید دوربین‌هایی کار می‌گذارند و دوربین سوپرمارکت‌ها و فروشگاه‌های دیگر هم که امری عادی شده است. به زودی دوربین‌ها حتی چهره شما را هم به راحتی تشخیص خواهند داد و البته یک جعبه جدید هم به کار دوربین‌ها اضافه شده: این که در داخل ماشین هم حواسشان به ما باشد. در چند ماه آینده، قانون‌گذاران اروپایی به بررسی پیشنهادهایی خواهند پرداخت که به اجباری شدن نصب ابزارهای مانیتورینگ در خودروها ظرف سه سال آینده مربوط می‌شود. در این صورت، خودروها باید جعبه سیاه داشته باشند، یعنی اطلاعات سرعت، خواب‌آلودگی و هر حرکت دیگر راننده را در زمان رانندگی ضبط کنند. به این تکنولوژی‌ها نام کمک‌رانندگی داده شده است. اتحادیه اروپا کلیدزنده این گام‌های جدی است اما ظاهرا این تکنولوژی‌ها در سایر نقاط جهان مثل آمریکا و استرالیا هم مورد توجه قرار گرفته‌اند.

کمیسیون اروپایی معتقد است که این نوع قوانین تکنولوژیک می‌تواند تا سال ۲۰۳۰ میلادی جان هفت هزار نفر را در جاده‌ها نجات بدهند و جلوی مجروح شدن ۳۸ هزار نفر را در تصادفات جاده‌ای بگیرند. اما آیا رانندگان آمادگی پذیرش این شکل از مانیتورینگ را پیدا کرده‌اند؟

اصولا این روزها وقتی درباره مدرن شدن خودروها و خودروهای آینده صحبت می‌شود، بحث به سمت سبز شدن یا برقی شدن آنها می‌رود. اما بنا بر نظر کمیسیون اروپایی، معرفی پانزده سیستم پیشرفته کمک‌رانندگی می‌تواند باعث ایجاد امنیت بیشتر برای رانندگان آینده شود. بر این اساس، ابراز امیدواری شده که تکنولوژی‌های کمک‌رانندگی در حد بستن کمربندهای ایمنی در ماشین کارساز باشند.

برخی از این تکنولوژی‌ها که قرار است تا سال ۲۰۲۲ در اروپا به کار گرفته شوند شامل کمک هوشمند به حفظ سرعت مجاز، تشخیص خواب‌آلودگی و گیجی در هنگام رانندگی با استفاده از ردیابی حرکت چشم و بسته شدن آن، کمک هوشمند به حرکت در داخل لاین و ضبط کردن اطلاعات مفید در هنگام رانندگی می‌شود. این اطلاعات در صورت تصادف می‌توانند به تنظیم گزارش پلیس و همین‌طور بیمه کمک کنند. یک نقطه تاکید تکنولوژی‌های کمک‌رانندگی این است که هر جا راننده به صورت دانسته یا نادانسته از قوانین تخطی می‌کند، تکنولوژی او را به مسیر درست برمی‌گرداند. حتی به‌عهد گرفتن کامل کنترل ماشین هم توسط این سیستم‌ها می‌تواند انجام بگیرد که البته در نوع خودش جنجالی است و هنوز درباره این که به کار گرفتنش درست است یا نه، توافق نظر وجود ندارد. یکی دیگر از تکنولوژی‌های مهم دیگر هم ترمز گرفتن اتوماتیک به هنگام نزدیک شدن به یک شیء است که البته مدتی است که در برخی خودروها وجود دارد. بر اساس آمار موجود، ترمز اتوماتیک قادر است تعداد تصادفات را به شکل قابل ملاحظه‌ای کاهش بدهد. اما صاحب‌نظرانی هم هستند که با ایده سپردن امنیت رانندگی به دست تکنولوژی‌های آینده مخالف‌اند. آنها می‌گویند این شرایط

[ آینده چین ]

## تابستان پر حادثه هنگ کنگ

آیا خستگی سیاسی و اجتماعی باعث زمین خوردن اقتصاد هنگ کنگ می شود؟



منبع: هاروارد بیزینس ریویو

چرا باید خواند:

وضع امروز

هنگ کنگ باعث شده

تصورهای قبلی

در مورد کسب و کار در

آنجا به کل تغییر کند،

پخوانید تا ببینید چه

آینده ای در راه است.

تبعیض های اقتصادی، رقابت شدید در عرصه تحصیل و کار و افزایش شدید قیمت مسکن در هنگ کنگ اعتراض دارند و به همین خاطر آینده روشنی را هم پیش روی خود نمی بینند. در واقع در هنگ کنگ رقابت برای پیشرفت در کار آن قدر سنگین است که وضع یک جوان تحصیل کرده با وضع والدین او در دهه های گذشته قابل مقایسه نیست.

تبعیض در هنگ کنگ را می توان در ضرب جینی هم مشاهده کرد. ضرب جینی در هنگ کنگ ۰.۵ است و هنگ کنگ جزو یکی از نابرابرترین جوامع در دنیای توسعه یافته به شمار می رود. این رقم را با آمریکا (۰.۳۹) و ژاپن (۰.۳۴) مقایسه کنید تا تصویر واضح تری پیدا کنید. این وضع باعث می شود دسترسی به خدمات درمانی سخت تر شود، مشکلات روانی و افسردگی زیاد شود و فرصت های شغلی خوب بسیار کمیاب باشد. میانگین حقوق یک فارغ التحصیل دانشگاه در هنگ کنگ در حال حاضر پایین تر از سال ۱۹۸۷ است. نابرابری به خصوص در زمینه مالکیت مسکن خودش را نشان می دهد. قیمت مسکن در هنگ کنگ چنان بالاست که با درآمد افراد معمولی، خرید خانه یک چالش بسیار بزرگ به شمار می رود. به عنوان مثال، یک فارغ التحصیل مدیریت بازرگانی که در هنگ کنگ وارد بازار کار می شود، ماهانه درآمدی بین ۱۹۰۰ تا ۳۰۰۰ دلار دارد، در حالی که قیمت مسکن در هنگ کنگ به صورت متوسط ۱.۲ میلیون دلار است. آن فارغ التحصیل باید نزدیک بیست سال کار کند و پول پس انداز کند تا بتواند خانه بخرد. آن هم در صورتی که افزایش قیمت مسکن را در نظر نگیریم. از سوی دیگر، حداقل دستمزد در هنگ کنگ تازه در سال ۲۰۱۱ مورد توجه قرار گرفت. این وضع کاملاً زندگی را برای فارغ التحصیلان دانشگاه هاسخت می کند.

از سوی دیگر، اتفاقات اخیر هنگ کنگ احتمالاً باعث خواهد شد که موج جدیدی از مهاجرت از هنگ کنگ صورت بگیرد. در سال ۱۹۸۹ که ماجراهای میدان تیان آن من اتفاق افتاد، نیم میلیون نفر از چین مهاجرت کردند اما ماجرای کنونی هنگ کنگ شاید اوضاع متفاوتی را رقم بزند. احتمال افزایش مهاجرت وجود دارد اما در عین حال این احتمال هم وجود دارد که جمعیتی از نقاط دیگر چین به هنگ کنگ بیایند و آنهایی هم که به اقامت در هنگ کنگ ادامه می دهند احتمالاً باید به این فکر کنند که چارچوب یک کشور، دو سیستم را قبول می کنند یا نه.

در همین حال در نتیجه اعتراضات هنگ کنگ، این مسئله بیشتر روشن خواهد شد که اشتباهات حکومت در ارتباط با تامین رفاه مردم چقدر بوده و چطور باید اوضاع را از این بابت عوض کرد. مثلاً مشخص است که در هنگ کنگ زیرساخت های فیزیکی زیادی احداث شده اما گام های برداشته شده از لحاظ خدمات اجتماعی، امکانات آموزشی و سلامت عمومی و محیط زیستی بسیار کم بوده اند. در واقع احتمالاً هست که اعتراضات اخیر، حاکمان را به این نتیجه برساند که به تصمیمات جدیدی برای بهبود سطح زندگی مردم در هنگ کنگ نیاز است. این مسئله شامل شرکت های بزرگ هم می شود، یعنی فشارها بر آنها برای تامین رفاه نسبی برای کارکنانشان - از جمله افزایش دستمزدها و مزایا - افزایش خواهد یافت. در این راه، هنگ کنگ می تواند برنامه ریزی و اصلاحات را در برخی حوزه ها از سنگاپور هم الگو بگیرد.

### ارتباط اقتصاد هنگ کنگ و چین

اقتصاد هنگ کنگ در نیمه دوم قرن بیستم رشد زیادی داشت و در سال ۱۹۹۷ میلادی ۱۸ درصد از تولید ناخالص داخلی چین را تشکیل می داد. اما با رشد سریع اقتصاد چین در دو دهه اخیر، قدرت اقتصادی هنگ کنگ در مقابل سایر مناطق چین کاهش پیدا کرده و آن را شبیه به شهرهایی

درک اعتراضات تابستان امسال در هنگ کنگ که هنوز ادامه دارد و وارد مراحل خشنی هم شده، کار ساده ای نیست. ولی از آنجا که این اعتراضات احتمالاً در آینده نزدیک ادامه خواهند داشت و روی اقتصاد جهان هم تاثیر خواهند گذاشت، باید در جهت درک آنها تلاش کنیم. تابستان پرتنش هنگ کنگ باعث شد چالش های جدی برای کسب و کارهایی که در این منطقه مشغول فعالیت بودند پیش بیاید. اینجا فقط مسئله تنش بین حکومت مرکزی چین و هنگ کنگ مطرح نبود، بلکه شرکت ها و بازیگران بین المللی زیادی هم چاره ای ندیدند جز این که به صورت جدی به آینده توسعه فعالیت های تجاری خود در هنگ کنگ فکر کنند. درست همین جاست که باید علل و چارچوب بروز اعتراضات هنگ کنگ را درک کرد و دید که وضع جدید هنگ کنگ چه تاثیری روی کسب و کارها دارد و تصویر احتمالی آینده چه خواهد بود.

### تبعیض و بدبینی به آینده

از سال ۱۹۹۷ که کنترل هنگ کنگ به چین برگردانده شد، هر اعتراضی در هنگ کنگ به نفوذ حکومت مرکزی چین در هنگ کنگ مربوط می شده است. مثلاً در سال ۲۰۱۲ هنگ کنگی ها به برنامه درسی که توسط چین برای تدریس در مدارس هنگ کنگ ارائه شده بود اعتراض داشتند و در سال های دیگر هم اعتراضاتی نسبت به قوانین تصویب شده توسط چین برای اجرا در هنگ کنگ وجود داشت. اما همواره مسائل اجتماعی و اقتصادی بوده اند که هسته اصلی نارضایتی در هنگ کنگ را شکل داده اند و این به خصوص در میان جوانان دیده می شود. آنها به

مثل شنزن و گوانگجو در آورده. با این وجود، هنگ‌کنگ تاکنون بازارهای سرمایه محکم و حاکمیت قانون را به نمایش گذاشته بوده و بنابراین برای سرمایه‌گذاران بین‌المللی جذابیت داشته است. این وضع ممکن است با ادغام هر چه بیشتر هنگ‌کنگ با سایر مناطق چین، به تدریج کم‌رنگ شود. یکی از برنامه‌های دولت چین که در جهت تحقق این هدف ادغام حرکت می‌کند، مرتبط کردن هنگ‌کنگ، ماکائو و شهرهای همسایه دیگر در یک اکوسیستم اقتصادی است که بتواند حتی از سیلیکون‌ولی آمریکا هم جلو بزند. از دست‌دادن بخشی از خودمختاری هنگ‌کنگ در جریان این ادغام، یکی از مواردی است که معترضان هنگ‌کنگی را نگران کرده است. درواقع قرار قانونی بر این بوده که هنگ‌کنگ به مدت پنجاه سال خودمختاری در چارچوب «یک کشور، دو سیستم» داشته باشد. این چارچوب در سال ۲۰۴۷ به پایان می‌رسد و احتمالش هست که نارضایتی درمورد آینده هنگ‌کنگ تا همین تاریخ هم به شکل‌های مختلف ادامه داشته باشد.

### دردسر بزرگ برای کسب و کارها

یکی از بزرگ‌ترین قربانیان اعتراضات اخیر هنگ‌کنگ، کسب و کارها بوده‌اند. بسیاری از بزرگ‌ترین شرکت‌های هنگ‌کنگ بخش اعظم از درآمد خود را از بازارهای چین به دست می‌آورند. معنی‌اش این است که مرز حساسی بین سهام‌داران در هنگ‌کنگ و سهام‌داران در چین وجود دارد که این کسب و کارها باید در موردش حواسشان را جمع کنند. یکن که از این اهرم اقتصادی باخبر است، روی کسب و کارهای هنگ‌کنگ فشار آورده که به اعتراضات نپیوندند. این در مورد خطوط هوایی کاتای پاسیفیک رخ داد و باعث استعفای روسای آن شد. این شرایط ممکن است برای بسیاری از بخش‌های مشتری‌محور دیگر در حوزه‌های سفر و گردشگری، خرده‌فروشی و رستوران‌داری هم خودش را نشان بدهد. درواقع اگر وضع هنگ‌کنگ به همین شکل ادامه پیدا کند، مشتریان چینی به تدریج سفرها و استفاده‌های خود از هنگ‌کنگ را کم خواهند کرد و اوضاع اقتصاد محلی به همین ترتیب راه سقوط را در پیش خواهد گرفت. بازارهای سرمایه هنگ‌کنگ نیز از بابت شرایط فعلی ضربه سنگینی خورده‌اند. هنگ‌کنگ به صورت معمول یکی از بهترین بازارهای عرضه

اولیه دنیا بوده، اما تعداد فزاینده‌ای از شرکت‌ها تصمیم گرفته‌اند که تا زمان تسدوم اعتراضات، برنامه‌های عرضه خود را یا عقب بیندازند و یا آن را به حال تعلیق درآورند. علی‌بایا یکی از آنها بوده است. در همین حال، موسسه رتبه‌بندی اعتباری فیچ هم به خاطر وقایع اخیر و چشم‌انداز تداوم آنها در آینده، رتبه هنگ‌کنگ را پایین آورده است و علتش را هم چالش‌های نهادین و قانونی در مورد ادغام هر چه بیشتر هنگ‌کنگ با چین خوانده است. با وجود آن که تاثیر این کاهش رتبه اعتباری بیشتر نمادین است تا مالی، اما مشخص است که آینده هنگ‌کنگ به عنوان یک مرکز مالی ممتاز در جهان بر اثر وقایع اخیر به خطر افتاده است. علاوه بر اختلال‌های مالی، عملیاتی و استراتژیک اخیر در هنگ‌کنگ، به نظر می‌رسد که شرکت‌ها آنجا با یک مشکل بزرگ دیگر هم مواجه شده‌اند: جذب نیروی ماهر. اگر علل بنیادین بروز اعتراضات در هنگ‌کنگ به درستی بررسی نشود و انجام کسب و کار در آنجا همچنان دشوارتر شود، ممکن است برخی از نیروهای ماهر کاری تصمیم به مهاجرت از هنگ‌کنگ بگیرند و این به دردهای جدیدی منتهی خواهد شد. درواقع کاهش جذابیت هنگ‌کنگ به عنوان مرکز تجارت بین‌المللی ممکن است تبعات بسیار گسترده‌ای داشته باشد و راه را برای برخی شهرهای دیگر چین مثل شنزن هموار کند که جای هنگ‌کنگ را بگیرند.

### رهبران باید چه کار کنند؟

یکی از مسائلی که رهبران هنگ‌کنگ علاوه بر اعتراضات باید به فکرش باشند، انتخابات شورای منطقه‌ای در ماه نوامبر است که ممکن است به اعتراضات جدیدی از سوی جوانان منتهی شود. این درواقع اولین انتخاباتی خواهد بود که از زمان آغاز اعتراضات هنگ‌کنگ برگزار خواهد شد و مثل یک تست لیت‌موس برای حکومت آن عمل خواهد کرد. برخورد رهبران هنگ‌کنگ با مسئله اعتراضات به همین جهت اهمیت بیشتری هم پیدا خواهد کرد چون حالا همه به این موضوع آگاه شده‌اند که کسب و کارها و تجارت با چه سرعتی می‌توانند از بی‌ثباتی سیاسی ضربه بخورند. خستگی سیاسی و اقتصادی هنگ‌کنگ از بابت تمام این ماجراها تاثیری منفی روی آینده آن از همه جهات خواهد گذاشت. ■

بسیاری از بزرگ‌ترین شرکت‌های هنگ‌کنگ بخش اعظم از درآمد خود را از بازارهای چین به دست می‌آورند. معنی‌اش این است که مرز حساسی بین سهام‌داران در هنگ‌کنگ و سهام‌داران در چین وجود دارد



# این دو مهارت فعلا ماشینی نمی شوند

در دنیایی که کامپیوترها و ربات‌ها به سرعت مشاغل را از چنگ انسان‌ها درمی آورند آیا مهارت‌هایی وجود دارند که جان سالم به‌در ببرند؟



استفن کارلین

استاد سابق روان‌شناسی در  
هاروارد و مدیرعامل دانشگاه  
آلانین فاندري کالج

منبع: هاروارد بیزینس ریویو

چرا باید خواند:

اگر می‌خواهید

فرزندتان - یا خودتان

- در بازار کار آینده

جایی داشته باشید این

گزارش را بخوانید.

علامت) و کار تعاملی‌تر و غیرقابل پیش‌بینی‌تر گوش دادن و حرف‌زدن با مشتری (در اینجا بیمار).

## مهارت‌های نابودشدنی

بعد از بررسی تعداد فراوانی حرفه متفاوت، به دو شکل مهارت غیر روتین رسیدیم که در تعداد زیادی از مشاغل دیده می‌شوند و امکان ماشینی شدن آنها پایین است: مهارت نابودشدنی اول، مربوط به احساسات انسانی است. احساس نقشی مهم در مناسبات انسانی بازی می‌کنند. (آن پزشکی که قرار است با خانواده بیمار حرف بزند اینجا باید احساسات بیمار و خانواده‌اش را در نظر بگیرد و بعد سخن بگوید) احساس در تمام شکل‌های ارتباطات غیرکلامی نقش دارد و بدون آن همدلی بی‌معناست. اما از این مهم‌تر، احساسات به ما کمک می‌کنند دست به اولویت‌بندی بزنیم؛ مثلاً به ما کمک می‌کنند تصمیم بگیریم که همین حالا چه کاری باید انجام بدهیم و کدام کار را می‌توانیم به آخر شب موکول کنیم. احساسات نه‌فقط پیچیده و ظریف هستند، که روی تعداد زیادی از روندهای تصمیم‌گیری ما تأثیر می‌گذارند. تاکنون علم در تلاش برای فهم عملکرد احساسات بشر با چالش روبه‌رو بوده و به همین خاطر وارد کردن آن در سیستم‌های ماشینی بسیار دشوار بوده است. مهارت دوم در نظر گرفتن شرایط و زمینه چیزهاست. انسان‌ها به راحتی موقع تصمیم‌گیری‌ها و تعامل با دیگران، زمینه (context) را درک می‌کنند. قدرت درک زمینه جالب است چون هیچ‌وقت تمامی ندارد، هر اتفاق تازه‌ای که می‌افتد زمینه عوض می‌شود. علاوه بر این عوض شدن زمینه (مثلاً انتخاب یک رئیس جمهور تکرار) می‌تواند نه‌فقط شکل تعامل فاکتورهای پیشین را تغییر دهد، که فاکتورهای جدیدی را وارد عرصه کند و ساختارها را به طور بنیادین عوض کند. این مشکل یادگیری ماشینی و هوش مصنوعی است که بر پایه اطلاعاتی دست به عمل می‌زند که در زمینه متفاوتی تولید شده‌اند. یک پزشک به راحتی می‌تواند موقع صحبت با خانواده بیمار - و توجه به واکنش‌های آنها - زمینه را به طور مداوم در نظر داشته باشد، اما ربات نه. توانایی ما در مدیریت و استفاده از احساسات و همچنین توجه و فهم زمینه، دو عنصر اساسی در تفکر نقادانه، حل خلاقانه مسائل، ارتباطات موثر و قضاوت هوشمندانه‌تر است. تجربیات سال‌های اخیر نشان داده که ماشین‌ها هنوز نمی‌توانند این شکل را مهارت‌های انسانی را تقلید کنند و معلوم نیست چه زمانی می‌توانند در این راه موفق شوند.

## اهمیت مهارت‌های نرم

در واقع این‌ها مهارت‌هایی است که همین حالا کارفرماها در صنایع مختلف به طور مرتب دنبال آن‌اند. مثلاً در یک نظرسنجی موسسه Hart حدود ۹۳ درصد کارفرماها گفته‌اند که «توانایی کاندیدای جویای کار در تفکر نقادانه، ارتباط‌گیری و حل مسائل پیچیده مهم‌تر از مدرک دانشگاهی اوست». کارفرماها گفته‌اند که به دنبال کاندیداهایی با دیگر «مهارت‌های

نرم» هستند، مثل توانایی یادگیری حین کار و کار کردن بهتر با دیگران. همه این‌ها نشان می‌دهد که سیستم‌های آموزشی کنونی نه‌فقط باید روی نحوه تعامل با تکنولوژی (مثل آموزش برنامه‌نویسی) تمرکز کنند که باید بتوانند چیزهایی را به افراد یاد بدهند که تکنولوژی فعلاً نمی‌تواند انجام دهد. شاید مهارت‌های نرم کلمه اشتباهی برای این موضوع باشد اینها سخت‌ترین مهارت‌ها برای فهم و ماشینی شدن هستند. اینها مهارت‌هایی‌اند که به انسان‌ها کمک می‌کنند جنگ را به ربات‌ها نبازند. ■



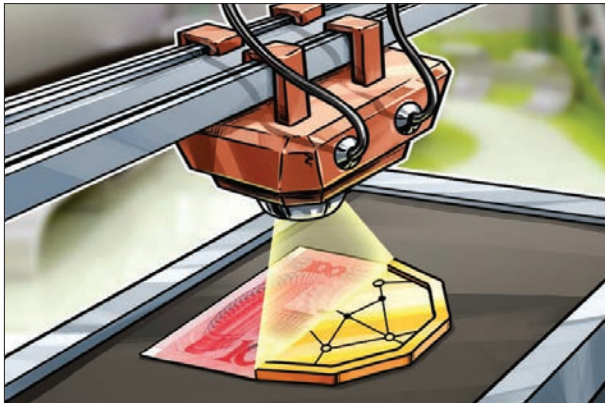
دورنمای کار برای تعداد زیادی از مردم جهان تیره و تار است. یک تحقیق جدید موسسه فورستر پیش‌بینی می‌کند که ۱۰ درصد مشاغل آمریکا همین امسال ماشینی می‌شوند. گزارش دیگری از موسسه مک‌کینزی تخمین زده که نزدیک به نیمی از شغل‌های آمریکا طی دهه آینده بازی را به اتوماسیون خواهند باخت. مشاغلی که موج اتوماسیون آنها را درمی‌نوردد آنهایی هستند که نیاز به فعالیت‌های تکراری و روتین دارند و این طیف گسترده‌ای از کارها را شامل می‌شود. از خواندن عکس‌های اشعه ایکس بیماران (رادیولوژیست‌ها به زودی نقش‌های به شدت محدودتری خواهند داشت) تا رانندگی کامیون یا پرکردن انبارها. مقالات زیادی درباره مشاغلی که در معرض انقراض قرار گرفته‌اند منتشر شده اما شاید بهتر این باشد که بررسی کنیم در مشاغل باقی‌مانده کدام بخش‌ها ماشینی خواهند شد و کدام بخش‌ها همچنان توسط انسان‌ها انجام خواهند گرفت. مثلاً می‌توانیم شغل پزشکی را بررسی کنیم. کاملاً مشخص است که روند تشخیص بیماری خیلی زود توسط ماشین‌ها انجام خواهد شد. (در اصل ماشین‌ها این کار را بهتر از انسان انجام می‌دهند). یادگیری ماشینی اصولاً وقتی دیتای فراوانی برای یادگیری و امتحان وجود دارد بهتر جواب می‌دهد و این در

مورد طیف گسترده بیماران و بیماری‌ها صدق می‌کند. فرض کنید یک پزشک به تنهایی بخواهد با توجه به دانسته‌های شخصی خود بیماری شما را تشخیص دهد. این را مقایسه کنید با هوش مصنوعی قدرتمندی که اطلاعات مربوط به صدها هزار بیمار را در اختیار دارد و در کسری از ثانیه می‌تواند علامت شما را با آنها مقایسه کند. شما ترجیح می‌دهید اینجا یک انسان بیماری‌تان را تشخیص دهد یا ماشین؟ البته ماشین‌ها همیشه کارایی ندارند. مثلاً ماشین نمی‌تواند کنار خانواده شما بنشیند و گزینه‌های شما در درمان را با آنها در میان بگذارد. به همین خاطر این بخش از پزشکی قرار نیست در آینده نزدیک ماشینی شود. حالا بیایید شغلی کاملاً متفاوت را بررسی کنیم: بارستا یا قهوه‌چی. استارت‌آپ کافه X در سان فرانسیسکو بازوهای صنعتی رباتیک را جایگزین بارستاها کرده است. بازوها موقع درست کردن انواع قهوه، مشتریان را با حرکات عجیب و غریب خود سرگرم می‌کند. البته حتی کافه X هم یک انسان را استخدام کرده که به مشتری‌ها

نشان دهد چطور از تکنولوژی برای سفارش دادن نوشیدنی استفاده کنند. وظیفه دیگر این شخص، حل مشکلاتی است که ممکن است بارستا‌های غیرانسانی پیش بیاورند یا برایشان پیش بیاید. نکته اینجا است که هرچقدر بارستاها در دنیای آینده بدشانس‌اند متصدیان بار اوضاع‌شان فرق می‌کند. چرا؟ چون کسی انتظار ندارد با یک بارستا حرف بزند، اما افراد خیلی اوقات با بارمن گرم می‌گیرند. پس کلا گروهی از مشاغل را (مثل پزشکی) می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: کار تکراری و روتین (تشخیص بیماری با توجه به



جرمی الیر، تکنولوژیست و کارآفرین آمریکایی: «معرفی ارز دیجیتال توسط بانک مرکزی چین، می تواند یک هدف بزرگ داشته باشد و آن پخش این واحد پولی در سراسر دنیاست. با این مکانیسم یوان می تواند در تراکنش های روزمره در سراسر دنیا استفاده شود. این بنیادی خواهد بود بر بین المللی شدن یوان.»



## [ آینده پول ]

# یوان جهانی می شود؟

۵ نکته درباره ارز دیجیتال چینی که به زودی وارد بازارها می شود

### ۳ ممکن است کمی شبیه لیبرا باشد

طبق گزارش رویترز از تازه ترین کلاس درس جیانگچون، ارز دیجیتال چین «شباهت هایی به لیبرا خواهد داشت» اما توضیح بیشتری نداده است. طبق این گزارش یوان دیجیتال بین دو مسئله مهم توازن برقرار خواهد کرد: «هم حریم خصوصی کاربر حفظ شود و هم جلوی پولشویی گرفته شود». بنا بر این گزارش یوان دیجیتال می تواند حتی بدون استفاده از ارتباط اینترنتی هم خرج شود، ویژگی ای که خالقان لیبرا هم قولش را نداده اند. چنین چیزی چطور کار می کند؟ مثل باقی سسولات بی شمار درباره جنبه تکنیکی ارز دیجیتال چین، جوابش را نمی دانیم. اما به نظر می رسد به زودی پاسخ هایمان را خواهیم گرفت.

### ۴ چطور می شود از یوان دیجیتال استفاده کرد؟

مردم عادی و کسب و کارها احتمالا کیف پول دیجیتال را در موبایل خود دانلود می کنند و یوان دیجیتال را از حساب خود در بانک برداشت خواهند کرد (چیزی شبیه رفتن به عابر بانک). آنها از این پول مثل پول معمولی برای خرید و فروش استفاده می کنند.

### ۵ آیا این یک ارز رمزنگاری شده مثل بیت کوین است؟

احتمالا نه. وقتی از ارز رمزنگاری شده حرف می زنیم عموما یاد بیت کوین می افتیم که از دیتابیس آنلاین و غیرمتمرکز بلاک چین استفاده می کند تا (بدون نیاز به بانک یا طرف سوم) تراکنش ها را تایید و ثبت کند. نکته اینجاست که ارزهای رمزنگاری شده مثل بیت کوین که از سوی هیچ قدرت مرکزی حمایت نمی شوند بالا و پایین های شدیدی دارند و هنوز نمی توانند جایگزین پول معمولی شوند. لیبرا هم اگر چه ارز رمزنگاری شده است، اما از پایدار (Stablecoin) هم به حساب می آید که صدها درصد توسط اوراق بهادار و واحدهای پولی مثل دلار، یورو، پوند و ین پشتیبانی می شود. بانک مرکزی چین بدون تردید یوان دیجیتال را پشتیبانی خواهد کرد و این یعنی این ارز مثل بیت کوین غیرمتمرکز نخواهد بود. هنوز معلوم نیست این ارز از تکنولوژی بلاک چین استفاده خواهد کرد یا نه. ■

## چه خبر از لیبرا فیس بوک؟

اوضاع آن چنان مساعد نیست فیس بوکی ها می گویند به آرامی در تلاش اند تا «تگرانی های مشروع» دولت ها و بانک های مرکزی را حل کنند. اما فشارها آن قدر زیاد بوده که گروهی از شرکت های عضو هیئت مدیره لیبرا را دلسرد کرده و آنها به فکر خروج افتاده اند. در تازه ترین تحول پی پال اعلام کرده که کناره گیری می کند و در مورد غول های ویزا و مستر کارت هم اخبار مشابهی شنیده می شود. دو هفته پیش وزارت دارایی فرانسه و آلمان در بیانیه ای مشترک اعلام کردند که جلوی استفاده از لیبرا را در کشورشان می گیرند چون «هیچ نهاد خصوصی نمی تواند دست به انتشار پول بزند. این جزو حقوق اساسی حاکمیت هاست.»

منبع: ام آی تی تکنولوژی ریویو

چرا باید خواند:

اگر می خواهید با ارز

دیجیتالی چین - که

ممکن است رقیب

بیت کوین شود - آشنا

شوید این گزارش را

بخوانید.

مقامات بانک خلق چین در طول هفته های اخیر به طور ضمنی گفته اند که این کشور تقریباً آماده است که نسخه دیجیتال واحد پولی اش - یوان - را وارد بازار کند. قرار است یوان دیجیتال جایگزین پول فیزیکی در پرداخت های روزانه شود. اتهامات فراوانی درباره چگونگی کارکرد این ارز دیجیتال وجود دارد: این که این پول مانند بیت کوین روی بلاک چین سوار است و این که این بلاک چین چقدر عمومی است و چقدر خصوصی. با وجود این تردیدات، اظهار نظرهای اخیر مقامات بانک مرکزی چین دست کم پنج نکته مهم در درباره زمان

عرضه این واحد پولی و همچنین علت راه اندازی این پروژه روشن کرده است. ما فعلاً پنج چیز درباره این ارز دیجیتال می دانیم:

### ۱ به زمان معرفی یوان دیجیتال «نزدیکیم»

چقدر نزدیک؟ نمی دانیم. وانگ شین، مدیر بخش پژوهش بانک مرکزی چین در ماه جولای این خبر را داده. به نظر می رسد پخش این خبر در اصل واکنشی به معرفی ارز دیجیتال فیس بوک، لیبرا، بوده که قرار است سال آینده میلادی منتشر شود. بنا بر گزارش ها لیبرا باعث شده دولت چین طرح خود را برای انتشار ارز دیجیتال خود جلو بیندازد. در اوایل آگوست، مو جیانگچون، قائم مقام دیار تمان پرداخت ها در بانک مرکزی چین هم گفت که به زمان انتشار واحد پولی جدید نزدیک شده ایم. در اواخر آگوست فوربز در گزارشی اعلام کرد که پول جدید ممکن است در نوامبر به بازار بیاید. (البته همان زمان دو رسانه چینی اعلام کردند که این بازه زمانی اشتباه است.)

### ۲ چرا ارز دیجیتال؟

دست کم یکی از انگیزه های معرفی ارز دیجیتال جدید «حفاظت از اقتدار پولی چین» است. شیوه های پرداخت الکترونیک همین حالا هم در چین به شدت فراگیرند. برنامه های پرداخت موبایلی در چین محبوبیت بسیار بالایی دارند و میزان نقل و انتقال پول به کمک آنها به تریلیون ها دلار بالغ می شود. (در سه ماهه اول سال ۲۰۱۹ این رقم ۸.۳ تریلیون دلار بود.) چین به سرعت به سمت نابودی پول کاغذی در حرکت است. جیانگچون ماه پیش در کلاس درس که آنلاین منتشر شد گفت: «چرا بانک مرکزی امروز که روش های پرداخت الکترونیک این قدر پیشرفته شده اند به دنبال ارز دیجیتال است؟ تا بتواند از اقتدار پولی کشور و همچنین جایگاه پول قانونی کشور حفاظت کند.» جیانگچون اضافه کرده که مزیت ارز دیجیتال بانک مرکزی در مقایسه با پلت فرم هایی که توسط شرکت های خصوصی مثل علی بابا کنترل می شوند این است که این پلت فرم های تجاری می توانند ورشکسته شوند و باعث شوند کاربران پولشان را از دست بدهند. یک چیز دیگر که به نظر می رسد بانک مرکزی چین را نگران کرده - دست کم به نقل از وانگ شین، مدیر بخش پژوهش این بانک - این است که لیبرا ممکن است قدرت نفوذ بیش از حد دلار در سیستم مالی بین المللی را تقویت کند. برنامه لیبرا این است که توسط سبدهای واحدهای پولی بین المللی حمایت شود و دلار نیمی از این سبد را شامل خواهد شد.

## [ آینده اقتصاد ]

## ورود به عصر اقتصاد اجاره‌ای

در عصر اقتصاد اجاره‌ای - مشارکتی، شما می‌توانید از هر چیزی پول در بیاورید: خانه‌تان، ماشین‌تان، قایقتان، حتی استخر و حیاط خلوتتان

ترجمه: کاوه شجاعی

دبیر بخش آینده‌پژوهی

منبع: وایرد

چرا باید خواند:

اگر می‌خواهید با

سیستم اقتصادی‌ای

که دیوار، استپ و

نپسی روی آن بنا

شده‌اند آشنا شوید،

این گزارش را بخوانید.

اختیار یک غریبه بگذارید، با چند صد دلاری بدهید و در اتاق مهمان یک غریبه در شهری دور بخواهید عجیب و ناممکن به نظر می‌رسید. البته در آن زمان وبسایت‌هایی (مثل VRBO) وجود داشتند که اجازه می‌دادند کل خانه‌تان را اجاره بدهید اما اجاره کردن تک اتاق یک خانه اصولاً رویایی مربوط به دانشجویان یا کوله‌پشت‌گردها بود. حالا اقتصاد اجاره‌ای همه‌جا و برای هر گروهی از مردم وجود دارد. می‌توانید ماشین دیگران را کرایه کنید (Turo) یا فضای انباری و گاراژ کسی را قرض بگیرید (Spacer). حالا جت خصوصی (Jettly) هم کرایه داده می‌شود. این روزها حتی برای خواب بعد از ناهار می‌توانید تخت‌خواب دیگران را کرایه کنید (Globe) و در استخر مردم شیرجه بزنید (Swimply).

اسپنسر برلی، بنیان‌گذار استارت‌آپ «حیاط خلوت را اجاره بده» می‌گوید: «مردم دوست دارند از دارایی‌هایی که به اندازه ظرفیت خود کارایی ندارند پول ماهانه در بیاورند.» این استارت‌آپ، کلبه‌هایی در حیاط‌های پشتی می‌سازد و به مجردها اجاره می‌دهد. این شرکت هزینه ساخت خانه را برعهده دارد و در عوض نیمی از اجاره را برمی‌دارد. وبسایت این شرکت به صاحبان خانه‌ها وعده درآمد ۱۲ هزار دلاری سالانه می‌دهد.

در منطقه خلیج سان‌فرانسیسکو که این شرکت اولین واحدهایش را می‌سازد، تقاضای فراوان برای بازار مسکن باعث بالا رفتن شدید قیمت‌ها شده است. برای صاحب‌خانه‌ها فروش و اجاره فضای حیاط پشتی باعث می‌شود کمی از فشار وام مسکن کم شود و برای مستاجرهای هم خانه‌های ارزان‌قیمتی پیدا می‌شود. برلی می‌گوید: «ما نیامدیم بازار را از جنگ کسی در بیاوریم. ما داریم بازار خودمان را می‌سازیم.»

استارت‌آپ Hipcamp که به کمپ‌ها فضای کمپ زدن اجازه می‌دهد رویکرد مشابهی دارد. این پلتفرم، کمپ‌ها را به حیاط‌پشتی‌های خالی و زمین‌های خصوصی وصل می‌کند تا آنها بتوانند شب‌شان را متفاوت بگذرانند. مثلاً با ۵۰ دلار می‌توانید چادر تان را در باغ گل خصوصی شخصی در جای خوب شهر برپا کنید. شما حتی می‌توانید در این پلتفرم زمین‌هایی با چادر سرخ‌پوستی یا خانه درختی هم پیدا کنید.

آلیسا راواسیو، بنیان‌گذار و مدیرعامل Hipcamp می‌گوید: «پنجاه درصد زمین‌های آمریکا خصوصی است و در میان این زمین‌ها می‌توانید دست‌نخورده‌ترین و ناب‌ترین زمین‌ها را پیدا کنید چون آدم‌های زیادی روی آن زندگی نمی‌کنند. کمپ‌ها به شدت از این که می‌توانند جاهای تازه‌ای اتراق کنند هیجان‌زده‌اند و صاحبان زمین‌ها هم از این که منبع جدیدی از درآمد دارند راضی‌اند.»

کمپ‌های مشتری Hipcamp عموماً جوان‌های شهرنشینی هستند که دنبال رهایی از شهر و شاید تجربه‌ای جذاب می‌گردند تا

کودکی ژاکلین بامگارتن با قایق‌رانی در دریاچه میشیگان گره خورده است. شادترین خاطراتش در قایق با خانواده شکل گرفته، وقتی آزاد و بی‌خیال در آب بودند. بعدها که بزرگ‌تر شدند، هردو برادر بزرگ‌ترش قایق خریدند تا به ماجراجویی‌های دریایی‌شان ادامه دهند. جالب اینجاست وقتی که هردو با فاصله یک هفته جداگانه به ژاکلین تلفن زدند و از هزینه بالای نگهداری قایق‌ها نالیدند، او در مشکل آنها، یک فرصت دید.

بامگارتن در دسر برادرانش را به Boatsetter تبدیل کرد که می‌توانیم آن را Airbnb برای قایق‌ها توصیف کنیم. قایق‌دارها قایق‌شان را در این پلتفرم ثبت می‌کنند و دیگرانی که می‌خواهند با چند صد دلار یک روز را در قایقی خصوصی بگذرانند آنها را کرایه کنند. این پلتفرم نوع خاصی بیمه اشتراکی برای قایق‌ها ارائه می‌کند و هم‌زمان شبکه‌ای از ناخداها را در اختیار دارد که در قبال دریافت وجه، گروه‌های بدون تجربه قایق‌رانی را همراهی می‌کنند.

شرکت Boatsetter جزو گروه در حال رشدی از استارت‌آپ‌هاست که گروه تازه‌ای از چیزها را اجاره می‌دهند مثل قایق، محوطه حیاط پشتی و حتی اتاق خواب. می‌توانید به آن اقتصاد اجاره‌ای بگویید. هر چیزی که در تصاحب شماست می‌تواند به منبع درآمد تبدیل شود. هر چیزی را که می‌خواهید کرایه کنید می‌توانید از یک غریبه خوش‌اخلاق قرض بگیرید.

پیشگام و توسعه‌دهنده این مدل تجاری شرکت Airbnb بود که به مردم جهان کمک کرد خانه‌ها و اتاق‌هایشان را در زمانی که نیاز ندارند - یک روزه یا بیشتر - به غریبه‌ها کرایه دهند. وقتی Airbnb در سال ۲۰۰۸ آغاز به کار کرد این ایده که خانه‌تان را برای چند روز در

ژاکلین بامگارتن بنیانگذار Boatsetter



پیشگام و توسعه‌دهنده این مدل تجاری شرکت Airbnb بود که به مردم جهان کمک کرد خانه‌ها و اتاق‌هایشان را در زمانی که نیاز ندارند - یک‌روزه یا بیشتر - به غریبه‌ها کرایه دهند. وقتی Airbnb در سال ۲۰۰۸ آغاز به کار کرد این ایده که خانه‌تان را برای چند روز در اختیار یک غریبه بگذارید، یا چندصد دلاری بدهید و در اتاق مهمان یک غریبه در شهری دور بخوابید عجیب و ناممکن به نظر می‌رسید.

قایق‌های دریاچه میشیگان



#### اقتصاد مشارکتی؟ اجاره‌ای؟ تسهیمی؟

سیستم اقتصادی‌ای که اسنپ، تپسی یا دیوار روی آن بنا شده‌اند در فارسی اسم دقیقی ندارد. گاهی به آن Sharing Economy یا اقتصاد تسهیمی گفته می‌شود (در فارسی اقتصاد شراکتی، اقتصاد مشارکتی و اقتصاد اشتراکی هم ترجمه شده) گاهی هم به آن Access economy یا اقتصاد دسترسی می‌گویند و هیچ‌کدام از اینها حق مطلب را ادا نمی‌کنند. شاید با ترکیب همه اینها بشود نام «اقتصاد دسترسی مشترک» را به این شکل از اقتصاد داد.

#### حالا اقتصاد

اجاره‌ای همه‌جا و برای هر گروهی از مردم وجود دارد. می‌توانید ماشین دیگران را کرایه کنید (Turo) یا فضای انباری و گاراژ کسی را قرض بگیرید (Spacer). حالا جت خصوصی (Jettly) هم کرایه داده می‌شود. این روزها حتی برای خواب بعد از ناهار می‌توانید تخت خواب دیگران را کرایه کنید (Globe) و در استخر مردم شیرجه بزنید (Swimply).

برای سال‌ها شرکت‌هایی مثل Airbnb و اوبر از پذیرش بار مسئولیت شانه خالی می‌کردند با این ادعا که آنها فقط بازار هستند و بس. (خریدار و فروشنده باید مسئول کارهای خود باشند) اخیرا هر دو شرکت شروع به حفاظت جدی‌تر از کاربران پلتفرم‌هایشان کرده‌اند اگرچه این تضمین‌ها همچنان محدود به حساب می‌آیند. مثلا Airbnb یک میلیون دلار بیمه مسئولیت برای صاحبان خانه‌ها در نظر گرفته، اما هنوز دقیقا معلوم نیست که اگر میهمانی جواهر قدیمی میزبان را بزدود یا میهمانی به خاطر سهل انگاری میزبان بمیرد بیمه چه کار خواهد کرد.

استارت‌آپ‌های جدیدتر در این حوزه هم با مشکل اطمینان دست و پنجه نرم می‌کنند. بامگارتن می‌گوید موقع راه‌انداختن استارت‌آپ‌اش ۸ ماه وقت صرف کرد و هرآنچه را که درباره بیمه قایق‌ها بود یاد گرفت چون شرکت‌های بیمه، قایق‌های تفریحی اجاره‌ای را تحت پوشش قرار نمی‌دهد. «ما حالا تنها شرکتی هستیم که با شراکت یک شرکت بیمه دریایی، بیمه اشتراکی دوطرفه ارائه می‌دهیم.» شرکت او به طور ۲۴ ساعته و هفت روز هفته آماده است که در صورت بروز حادثه، نیروهایش را به دریا بفرستد و مشتری و قایق را نجات دهد.

حوادث را که کنار بگذاریم این واقعیت را نمی‌شود ندید گرفت که اجاره دادن فضاهای خصوصی - مثل حیاط پشتی یا اتاق خواب - گاهی اوقات یک جوری به نظر می‌رسد. یک نویسنده مجله نیویورکر که اخیرا از Swimply استفاده کرده و چند ساعتی استخر خانه کسی را اجاره کرده بود با این که شناسنامه‌اش را جا آورد نوشت که محوطه استخر به هم ریخته بوده و پر بوده از لیوان‌های یک بار مصرف. صاحب‌خانه هم که در وبسایت قول داده بود حریم خصوصی میهمانش حفظ می‌شود تمام مدت از توی پنجره پشتی دیده می‌شد. البته که هیچ‌جا استخر هتل نمی‌شود اما برای تجربه «صالت» در اقتصاد اجاره‌ای گاهی اوقات باید مصالحه کنید. ■

آن را در اینستاگرام تقسیم کنند. راواسیو می‌گوید: «یک چیزی که واقعا ما را غافلگیر کرد این است که زمین‌دارهای سرویس ما خیلی با کمپرها متفاوت‌اند: آنها سن بالاتر و غیرشهری‌ترند. اینجا هم مثل Airbnb هیچ الزامی وجود ندارد که میزبان‌ها با میهمان‌ها وقت بگذرانند اما تعداد زیادی از آنها این کار را می‌کنند و اطلاعاتشان درباره زمین و سبک زندگی‌شان را در اختیار میهمان می‌گذارند.» راواسیو Hipcamp را نه فقط راهی برای پیدا کردن مکان‌های عالی برای کمپینگ که راهی برای وصل کردن افرادی می‌داند که در غیر این صورت امکان نداشت با هم ملاقات کنند.

البته ماجرا به کرایه اتاق یا قایق ختم نمی‌شود. اقتصاد مشارکتی تجربیات خاص را هم کرایه می‌دهد. مثلا مشتریان می‌توانند سرویس «تجربیات» Airbnb استفاده کنند و در کلاس آشپزی در کشوری دور شرکت کنند یا حتی یاد بگیرند که چطور DJ شوند. کشتی لوکس تفریحی یک کالاست، اما در Boatsetter شما می‌توانید روز را در دریا به ماهی‌گیری، غواصی یا اسکی روی آب بگذرانید. تجاری شدن تجربیات به اشتراک گذاشته شده روز به روز گسترش می‌یابد و حالا استارت‌آپ‌هایی مثل BonAppetour یا Chefs-Feed شما را سر میز شام و ناهار خانوادگی دعوت می‌کند. شما اینجا پولی را که بابت رستورانی شیک می‌دهید خرج می‌کنید تا سر میز غریبه‌ای بنشینید و با آنها شام بخورید.

همچنان که مردم با کمال میل تکه‌های بیشتری از خانه، ماشین، قایق و زندگی‌شان را با دیگران تقسیم می‌کنند، استارت‌آپ‌هایی که واسطه چنین تجربه‌هایی هستند با چالش مسئولیت‌پذیری روبه‌رو هستند. پیش از این مردم چیزهایشان را فقط به نزدیکانی قرض می‌دادند که به آنها اطمینان کامل داشتند. حالا که مردم به طور فزاینده‌ای درهای خانه‌شان را روی غریبه‌ها باز می‌کنند، شرکت‌ها باید برای روزی که این اطمینان میان طرفین از بین برود آماده باشند.



## [ آینده اقتصاد ]

## اقتصاد مشارکتی کدام صنایع را متحول می کند؟

تاثیر مدل تجاری اوبر و Airbnb در حوزه های تاکسی رانی و هتل داری محدود نمی شود

دارایی یا مهارت که از همه ظرفیتش استفاده نشده ارزش بیرون آورند. این تبادل ارزش می تواند در یک بازار مشترک، پلتفرم همکاری یا در شبکه های همتا-به-همتا (Peer-to-Peer) انجام گیرد. مدل استفاده اشتراکی ایده جدیدی نیست. قرن هاست که در مناطق روستایی مردم از طریق مبادله پایاپای دست به چنین کاری می زنند، اما فراگیری تکنولوژی های اینترنتی و موبایل، مدیریت تراکنش های مربوط به این به اشتراک گذاری ها را به طرز بی سابقه ای ساده کرده است.

## تاثیر عمیق اقتصاد مشارکتی بر جامعه

اقتصاد مشارکتی در طول دهه اخیر توانسته حوزه های مهمی از اقتصاد سنتی را دچار اختلال کند، نداشتن هزینه های بالاسری (مثل آب و برق و اجاره) یا انبارداری کمک کرده این کسب و کارها با نیرو و هزینه پایین به کار خود ادامه دهند. افزایش کارآمدی به این برندها اجازه داده که خدمات را با بهای پایین تری به مشتریان و سرویس دهنددها عرضه کنند. سهولت استفاده و ارزان بودن برگه برنده این شرکت هاست.

طبق یک نظرسنجی مرکز PWC حدود ۸۶ درصد آمریکایی هایی که با اقتصاد مشارکتی آشنایی دارند معتقدند که این اقتصاد باعث می شود زندگی کم خرج تر شود. ۸۳ درصد آنها می گویند این اقتصاد کارآمدتر و ساده تر از روش های سنتی است. بدون تردید برندهای سنتی در صورتی که خود را با این چشم انداز تازه وفق ندهند در آینده ای نه چندان دور از صحنه رقابت محو می شوند. کدام بخش های اقتصاد بیشتر از بقیه از اقتصاد مشارکتی ضربه خواهند خورد؟

«اقتصاد دسترسی مشترک» یکی از سریع ترین رشدهای روندهای تجاری را در تاریخ معاصر دارد و سرمایه گذاران آمریکایی از سال ۲۰۱۰ حدود ۲۳ میلیارد دلار از سرمایه گذاری کارآفرینی (venture capital) خود را روانه استارت آپ هایی کرده اند که در این مدل اشتراکی فعالیت می کنند. از آنجا که تعداد زیادی از این کسب و کارها در بازار بورس فعال نیستند و خصوصی اند غیرممکن است که حجم واقعی این شکل از اقتصاد را برآورد کنیم. اما سرنخ هایی وجود دارد که به کمک آنها می توانیم تاثیر عمیق این اقتصاد را بر جامعه ببینیم: شرکت های Airbnb (با ارزش ۳۱ میلیارد دلار) و اوبر (۷۲ میلیارد دلار) در کنار هم سی و هشتمین کشور ثروتمند دنیا به حساب می آیند. در سال ۲۰۱۶ حدود ۴۴۸ میلیون آمریکایی از اقتصاد مشارکتی استفاده کردند، انتظار می رود این رقم در سال ۲۰۲۱ به ۸۶۵ میلیون نفر برسد. طبق برآورد موسسه مک کینزی در آمریکا و اروپا ۱۶۲ میلیون نفر - یا حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد نیروی کار - در اقتصاد دسترسی مشترک مشغول به کارند.

## اقتصاد دسترسی مشترک (Sharing Economy) دقیقاً چیست؟

تلاش برای تعریف دقیق این شکل از اقتصاد منطقی نخواهد بود چرا که اقتصاد مشارکتی به طور مداوم در حال تحول است. در ساده ترین شکل، می توان آن را این طور تعریف کرد: استفاده از تکنولوژی برای تسهیل دسترسی به کالا و خدمات بین دو نفر یا تعداد بیشتر. ایده اولیه این نوع اقتصاد پیچیده نیست: طرفین معامله می توانند از یک

ایده اولیه این نوع اقتصاد پیچیده نیست: طرفین معامله می توانند از یک دارایی یا مهارت که از همه ظرفیتش استفاده نشده ارزش بیرون آورند

با اینکه اقتصاد مشارکتی هنوز واقعا به صنعت خدمات درمانی نفوذ نکرده، گروه زیادی از تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند این حوزه به زودی به یکی از پرسودترین بخش‌های اقتصاد دیجیتال مشارکتی تبدیل شود.

فقط در شهر نیویورک، نسبت تعداد راننده‌های اوپربه راننده‌های تاکسی‌های زرد رنگ ۴۰۵ برابر است

غول‌های صنعت خدمات حرفه‌ای در اقتصاد مشارکتی	
فیور (Fiverr)	۳۵۱ میلیون دلار
آپورک (Upwork)	۱۷۰ میلیون دلار
تسکریت (TaskRabbit)	۵۰ میلیون دلار

### خدمات درمانی

انتظار می‌رود صنعت خدمات درمانی در سال ۲۰۲۰ حدود ۸.۷ تریلیون دلار درآمد داشته باشد. به همین خاطر است که میزان سرمایه‌گذاری کارآفرینی روی استارت‌آپ‌های خدمات درمانی دیجیتال / مشارکتی بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸ بیش از ۱۰ درصد رشد داشته است. با این‌که اقتصاد مشارکتی هنوز واقعا به صنعت خدمات درمانی نفوذ نکرده، گروه زیادی از تحلیل‌گران پیش‌بینی می‌کنند این حوزه به زودی به یکی از پرسودترین بخش‌های اقتصاد دیجیتال مشارکتی تبدیل شود.

محدودیت‌های سیستم‌های سنتی، هزینه‌های بالا برای مشتی و کمبود منابع همان سه عاملی است که در دیگر صنایع ضربه خورده از اقتصاد مشارکتی (مثل حمل و نقل سنتی) وجود داشته و در صنعت خدمات درمانی هم به چشم می‌خورد. در حال حاضر استارت‌آپ‌های این حوزه روی ارائه خدمات پزشکی و مشاوره‌ای از راه دور کار می‌کنند و پیشرفت‌هایی داشته‌اند.

طبق یک بررسی اصولا تجهیزات پزشکی ۵۸ درصد اوقات بلااستفاده‌اند و این علاوه بر ناکارآمدی باعث بالارفتن هزینه‌های انبار و نگهداری می‌شود. حالا استارت‌آپ‌هایی مثل Cohealo به بیمارستان‌ها کمک می‌کنند با اجاره تجهیزاتشان به دیگر موسسات هم افراد بیشتری را تحت پوشش قرار دهند، هم پول بیشتری در بیاورند. ■

مهم‌ترین برندها در حوزه خدمات درمانی دیجیتال	
امریکن ول (American Well)	۴۴۱ میلیون دلار
داکتر آن دیمند (Doctor On Demand)	۱۶۰ میلیون دلار
کوهیلو (Cohealo)	۹ میلیون دلار



### حمل و نقل

ضربه‌ای که اوپربه بازبزرگان کلاسیک حوزه حمل و نقل زد حتما در کتاب‌های درسی آینده در مورد تاثیر اقتصاد اشتراکی ذکر خواهد شد. اوپر و دیگر سرویس‌های هم‌سفری آنلاین جایگزینی کم‌خرج، امن و آسان برای گزینه‌های سنتی حمل و نقل مثل اتوبوس یا تاکسی ارائه کردند و صحنه رقابت را تغییر دادند. اوپر - و سرویس‌های مشابه - با به کار گرفتن یک برنامه کارآمد موبایل و بررسی سابقه راننده‌ها، نیازهای مسافرتی مشتریان را برآورده کردند و تجربه کاربری واقعا بهتری نسبت به ابزارهای سنتی ارائه دادند. فقط در شهر نیویورک، نسبت تعداد راننده‌های اوپر به راننده‌های تاکسی‌های زرد رنگ ۴۵ برابر است. این باعث شده که ارزش یک تاکسی در شهر نیویورک از ۱ میلیون دلار در سال ۲۰۱۵ به ۲۰۰ هزار دلار در سال ۲۰۱۹ کاهش بیابد.

غول‌های حوزه حمل و نقل در اقتصاد مشارکتی	
اوپر (Uber)	۷۲ میلیارد دلار
دیدلی (Didi)	۵۰ میلیارد دلار
لیفت (Lyft)	۱۱ میلیارد دلار

### فروش کالاها مصرفی

برخلاف تصورات رایج، اقتصاد مشارکتی در این حوزه حضوری پرسابقه دارد. eBay و Craigslist از پرسابقه‌ترین‌های این حوزه به حساب می‌آیند که هر دو از ۱۹۹۵ فعالیت دارند و به کاربران کمک می‌کنند کالاهای نو یا دست‌دوم خود را به یکدیگر بفروشند و از طریق پست به مقصد ارسال کنند. در eBay کالاها با گارانتی‌های مختلف، در وضعیت‌های مختلف - سالم، نو، خراب یا هر چیز دیگر - وجود دارند و امکان خریدی ارزان‌تر را در مقایسه با وبسایت آمازون را فراهم می‌کنند.

برندهای مهمی که در حوزه کالاها مصرفی فعالیت می‌کنند	
ای بی (eBay)	۳۶۸ میلیارد دلار
اتسی (Etsy)	۲.۵ میلیارد دلار
رنت د رانوی (Rent the Runway)	۸۰۰ میلیون دلار

### صنعت خدمات حرفه‌ای

اینجا پای فریلنسرها وسط می‌آید. فریلنسرها افرادی‌اند که در حوزه‌هایی خاص تخصص دارند - مثل برنامه‌نویسی - اما در استخدام جایی نیستند و از طریق وبسایت شخصی یا عمومی اشتراکی خدمات خود را می‌فروشند. آنها عضو سایت‌هایی مثل Upwork یا freelancer می‌شوند و از این طریق کار و مهارت خود را به صورت ساعتی یا پروژه‌ای به دیگران می‌فروشند. اینجا هم شخص دارای مهارت سود می‌کند هم کارفرمایی که نیاز به مهارت آنها دارد امانی خواهد هزینه استخدام تمام وقت شخص را بدهد. افراد با مهارت‌های متفاوت از برنامه‌نویس تا حسابدار و لوله‌کش از این سایت‌ها استفاده می‌کنند. اگر عمیق‌تر به ماجرا نگاه کنیم می‌بینیم که فریلنسرها تفاوت زیادی با صاحب‌خانه‌ها ندارند که یک اتاقشان را برای مدت کوتاهی اجاره می‌دهند. (یا راننده‌هایی که سفرشان را با دیگران تقسیم می‌کنند.)

## کشاورزی، کلید توسعه

## سرمایه گذاری در کشاورزی یک ضرورت است

میلادی شمار افرادی که دچار فقر غذایی هستند از مرز ۹۰۰ میلیون نفر بگذرد. مسئله دیگری که باید مدنظر قرار گیرد تغییرات جوی و تأثیرات آن روی کشاورزی است. پیش بینی می شود تا سال ۲۰۵۰ میلادی دمای زمین نسبت به قبل از عصر صنعتی شدن در دنیا ۱ الی ۲ درجه افزایش یابد. از طرف دیگر فائو گزارش داده است که در ازای افزایش یک درجه در دمای کره زمین تولید غلات در دنیا ۳ الی ۱۰ درصد تنزل می یابد. این یعنی اوج گیری بحران اقتصادی در کشورهایی که اقتصادهای وابسته به کشاورزی دارند و افزایش سطح فقر در میان کشاورزان مناطق فقیر دنیا. بانک جهانی در پاسخ به این سؤال که آیا افزایش راندمان فعالیت کشاورزی در کشورهای دنیا نتوانسته است مشکلات کشاورزان فقیر را حل کند نوشت: نرخ رشد بهره وری در کشورهای فقیر کندتر از کشورهای ثروتمند بوده است؛ زیرا نه دولت ها و نه مردم توان مالی لازم برای برخورداری از تجهیزات و ماشین آلات تازه را ندارند و این مسئله سبب شده است تا کشاورزان کشورهای فقیر همچنان با چالش های زیادی دست به گریبان باشند.

## استفاده از علم و تکنولوژی یک ضرورت است

مرکز مطالعات کشاورزی آمریکا اخیراً مطالعه ای روی زمین های کشاورزی و راه های افزایش راندمان تولید در این زمین ها انجام داده است. طبق این مطالعه زمین های کوچک و مستقل بهره وری کمتری نسبت به زمین های بزرگ و کنترل شده تحت نظر یک ارگان خاص دارند. به این معنا که بازدهی به نسبت افزایش مساحت زمین بیشتر می شود و از طرف دیگر در زمین های کشاورزی بزرگ استفاده از علم و تکنولوژی روز دنیا امکان پذیرتر است زیرا هم دسترسی بیشتری به منابع مالی دارند و هم نظام تصمیم گیری در آنها از انسجام بالاتری برخوردار است؛ اما برای ارتقای کارایی زمین های کشاورزی کوچک چه می توان کرد؟ بانک جهانی در گزارش اخیر خود نوشت باید حمایت دولت ها از صنعت کشاورزی بیشتر و بیشتر شود. اگر سرمایه گذاری لازم برای تأمین ماشین آلات مورد نیاز روستاییان انجام شود و امکان استفاده آنها از دانش روز دنیا و متخصصان فراهم شود، می توان انتظار داشت که محصولات بیشتری تولید کنند و هم خودشان از فقر رهایی یابند و هم حجم محصول کشاورزی ای که به بازار عرضه می کنند بیشتر شود.

## حمایت دولت ضروری است

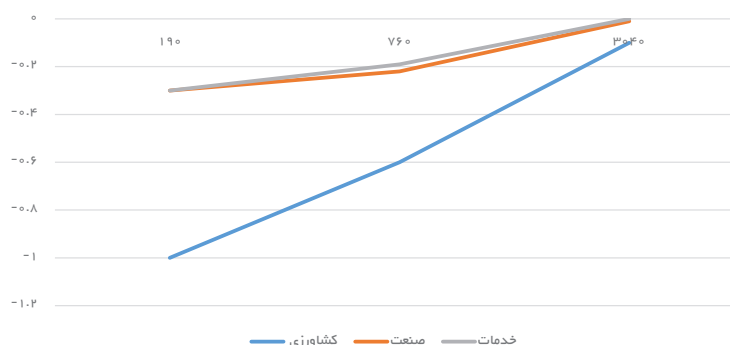
بانک جهانی با اشاره به این مطلب که در سال های اخیر دولت ها سرمایه گذاری زیادی در بخش صنعت و خدمات در دنیا انجام داده اند و با توسعه این بخش ها تلاش کردند تا استانداردهای زندگی مردم را ارتقا دهند نوشت: نمی توان از روند گذر در فضای اقتصادی و صنعتی دنیا عقب ماند. دنیا در حال تغییر است و این تغییرات بخش مهمی از زندگی ما را تشکیل می دهد؛ اما سرمایه گذاری در بخش کشاورزی نباید مورد بی توجهی قرار بگیرد. مطالعات نشان داده است تأثیر افزایش بهره وری کشاورزی روی کاهش نرخ فقر در دنیا دو برابر افزایش بهره وری در بخش صنعت یا خدمات است. در نتیجه اگر روی کشاورزی سرمایه گذاری شود تولید مواد غذایی برای دنیا بیشتر می شود و فقر کاهش پیدا می کند که این مسئله باعث حصول دو موفقیت بسیار بزرگ برای جهان است. در اینجا معیار فقر شمار افرادی است که زیر خط فقر مطلق زندگی می کنند یعنی درآمدی کمتر از ۱,۲۵ دلار در هر روز دارند؛ اما اگر سرمایه گذاری در جهت ارتقای راندمان بخش صنعت باشد تأثیرش روی کاهش فقر در دنیا کمتر است. از آنجا که تأمین این بودجه توسط روستاییان اغلب غیرممکن است، این دولت ها هستند که باید برای این کار سرمایه گذاری کنند و در نظر داشته باشند که کاهش فقر و از بین بردن تبعات منفی اجتماعی و اقتصادی آنها فقط و فقط مسئولیت آن ها است. این کار می تواند آینده زمین را درخشان تر کند. ■

یکی از مشکلاتی که امروزه دنیا را درگیر کرده است، کمبود مواد غذایی است. مسئله ای که سازمان های جهانی در سال های اخیر بارها در مورد آن هشدار داده اند و تلاش های سازمان ملل برای از بین بردن این مشکل تاکنون بی ثمر بوده است. حل این بحران هم از طریق توسعه کشاورزی و تولید محصولات بیشتر و با کیفیت تر امکان پذیر است؛ توسعه تکنولوژی در صنعت کشاورزی و برخورداری این صنعت از ماشین آلات و تجهیزات مدرنی که هم تولید را بیشتر می کند و هم هدررفت غذا را در فرایند تولید و برداشت به حداقل می رساند. به همین دلیل بانک جهانی اخیراً گزارشی در مورد توسعه کشاورزی در دنیا از طریق افزایش سطح نوآوری در این صنعت و استفاده از تجهیزات مدرن تر تهیه کرده است که خلاصه ای از این گزارش را در اینجا می بینید. استفاده از تجهیزات مدرن در صنعت کشاورزی زمینه را برای افزایش حجم تولید و ارتقای کیفیت محصولات فراهم می کند. استفاده از تجهیزات مدرن می تواند بستر ساز رشد راندمان فعالیت کشاورزی و ارتقای کیفی محصولات شود و بهره گیری از این ماشین آلات مدرن در بخش برداشت هم زمینه را برای کاهش هدررفت محصولات کشاورزی در فرایند برداشت محصول فراهم می کند. مسئله ای که در دنیای امروز یک ضرورت است و می تواند غذای مورد نیاز میلیون ها انسان را تأمین کند. طبق گزارش های موجود حدود ۸۰ درصد از فقر در دنیا در بخش های روستایی کشورها ساکن هستند و بسیاری از این افراد برای امرار معاش کشاورزی می کنند. افزایش راندمان تولید محصولات کشاورزی بیشترین تأثیر را روی کاهش نرخ فقر این افراد دارد زیرا میزان محصول و درآمدشان را افزایش می دهد و حتی محصولات بیشتری برای مصرف خانوار در اختیار آنها قرار می دهد.

## ۹۰۰ میلیون نفر به غذای کافی دسترسی ندارند

بررسی ها نشان داده است علی رغم افزایش راندمان تولید محصولات کشاورزی طی چندین دهه اخیر، هنوز سوء تغذیه و فقر غذایی در دنیا روند افزایشی دارد و در سال ۲۰۱۷ میلادی بالغ بر ۸۲۱ میلیون نفر از این مسئله رنج می بردند. پیش بینی می شود با وجود تمامی این تلاش ها تا سال ۲۰۲۰

نرخ فقر مطلق (محور عمودی) در ازای افزایش راندمان هر بخش از اقتصاد (سرانه تولید ناخالص داخلی هر بخش در محور افقی نمایش داده شده است.)



..... اکونومیست .....

## دو قدم مانده به استیضاح

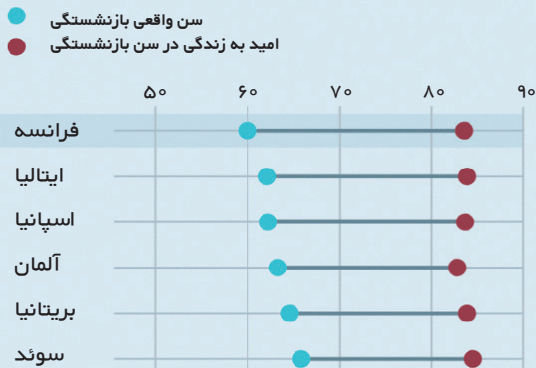
دموکرات‌ها ترامپ را استیضاح می‌کنند؟

### خطر کهولت سن فرانسوی

بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته جهان این روزها با خطر افزایش سن مواجه هستند. فرانسه یکی از همان کشورهای توسعه‌یافته است که در کنار سایر مشکلاتی که دارد و سیاستش را متشنج می‌کند باید با مسئله حقوق مستمری‌بگیران و سن بازنشستگی هم دست‌وپنجه نرم کند. دلیل آن هم این است که میان امید به زندگی افراد در این کشور و سن بازنشستگی شکاف بزرگی ایجاد شده‌است.

مردان، ۲۰۱۶

۲۰۱۹، دلار در ازای هر بشکه

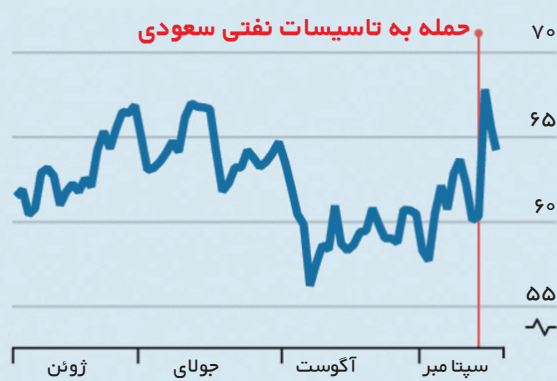


### از حمله به سعودی تا قیمت نفت

هر اتفاقی در خاورمیانه می‌تواند بیشترین تاثیر را روی قیمت نفت بگذارد. دلیل آن نیز به تولید نفت در این منطقه مربوط می‌شود. در واقع این منطقه بار سنگین تولید نفت جهان را به دوش می‌کشد. به همین خاطر است که هر تنش در این منطقه می‌تواند قیمت نفت را بالا و پایین کند. و حالا حمله به تأسیسات نفتی سعودی باعث شده قیمت نفت اوج بگیرد؛ هر چند این افزایش قیمت دوامی نداشت.

قیمت نفت برنت

۲۰۱۹، دلار در ازای هر بشکه



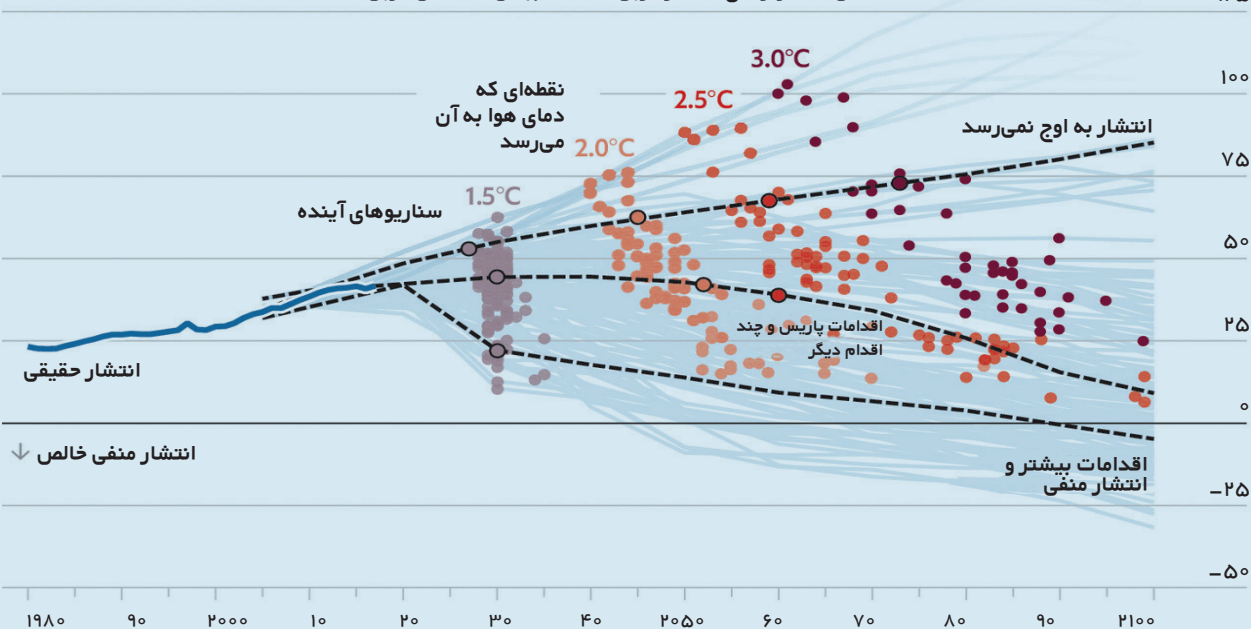
### سناریوهای برای آینده

این روزها تغییرات اقلیمی به یکی از مهم‌ترین سوژه‌ها در جهان تبدیل شده‌است. از سلبیته‌ها گرفته تا مسئولان و مقامات کشورها تلاش می‌کنند جلوی تغییرات اقلیمی و افزایش دمای زمین را بگیرند. مهم‌ترین مسئله هم به انتشار گاز کربن مربوط می‌شود. در واقع باید جلوی انتشار این گاز گرفته شود. اما چه سناریوهای برای آینده در پیش رو است؟

سناریوهای انتشار گاز کربن در آینده، انتخاب سه سناریوی

محتمل - سناریوهای انتشار کربن آینده - جهانی، گیگا تن کربن

۱۲۵

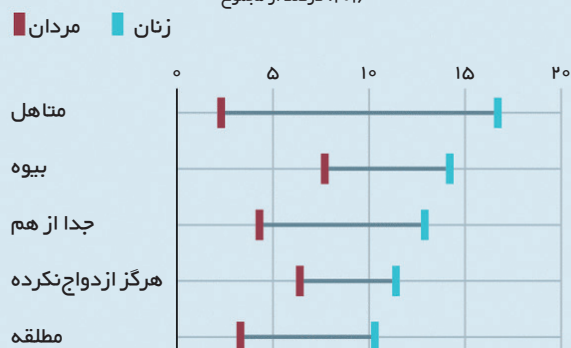


## شغل‌های برای اوقات خالی

بسیاری از افراد نمی‌توانند در مشاغل تمام‌وقت کار کنند. به همین خاطر است که مشاغل پاره‌وقت را انتخاب می‌کنند. اکثر زنان که به عنوان مادر در خانه فعالیت دارند اغلب شغل‌های پاره‌وقت دارند. اما این شغل‌ها به همان اندازه که آن‌ها را شاغل نگه می‌دارد از دنیای کار هم دور می‌کند. در واقع شغل‌های پاره‌وقت مانند تیغ دودم است.

### ساعت‌های خاموشی

ایالات متحده، شغل‌های پاره‌وقت براساس انتخاب  
۲۰۱۶، درصد از مجموع

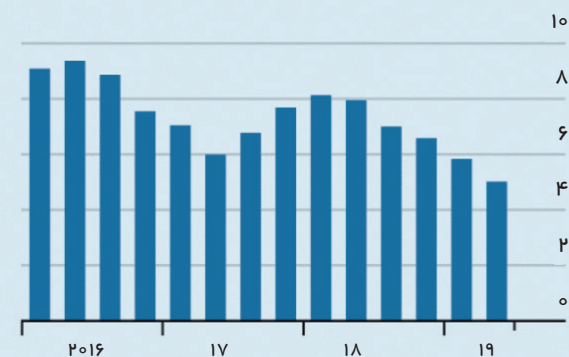


## درس‌های یک غول اقتصادی

این روزها اقتصادهای شرقی وضعیت خوبی دارند. هند یکی از همان اقتصادهای خوب شرق جهان است که به نظر می‌رسد اخیراً دچار مشکلاتی شده‌است. اقتصاد این کشور امسال رشد ۵ درصدی را تجربه کرده‌است. این میزان نسبت به مدت مشابه در سال گذشته، کاهش یافته‌است. به نظر می‌رسد که اتفاقاتی برای این اقتصاد افتاده و آن را دچار مشکل کرده‌است.

### تولید ناخالص داخلی هند

درصد افزایش نسبت به سال گذشته

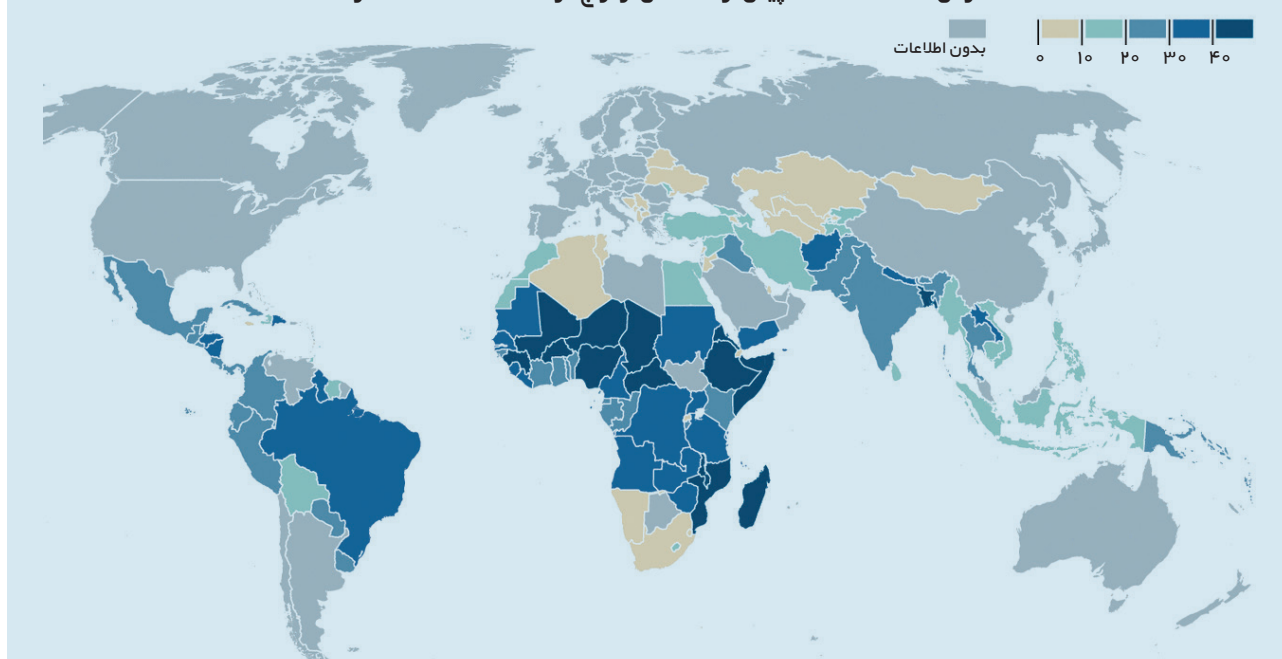


## نقطه پایانی بر کودکی دختران

اصولاً سنی که در جهان برای ازدواج به رسمیت شناخته شده، ۱۸ سالگی است. اما دختران زیادی پیش از آن که به این سن برسند، ازدواج می‌کنند. در واقع آن‌ها به اجبار باید دست از کودکی کردن در دوران کودکی بردارند و به عنوان زن خانه در کنار یک مرد زندگی کنند. این مسئله در اکثر کشورهای جهان هنوز حاکم است.

### دخترها کجا هستند؟

زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله که پیش از ۱۸ سالگی ازدواج کرده‌اند، ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷، درصد



خودروهای کامپیوتری آقای ماسک تنها یکی از نمونه‌های جدیدی هستند که نشان می‌دهند در دنیای مدرن چه خبر است و چه می‌گذرد. این روزها هم کامپیوترها ارزان‌تر شده و هم اتصال به اینترنت. به همین خاطر است که تبدیل کردن آن‌ها به چیزهایی که قابل استفاده باشد بسیار ساده و آسان شده‌است. همه این‌ها با هم اینترنت اشیا را شکل داده که اغلب مردم امروزی با آن آشنا هستند.

زنگ‌های در هوشمند آمازون یکی از همین محصولات هستند که به سنسورها و دوربین‌هایی مجهز هستند و به موقع زنگ می‌خورند. این زنگ‌ها شبکه‌ای را شکل داده‌اند که به افراد کمک می‌کند حریم خصوصی بیشتری داشته‌باشند. به این ترتیب شرکت‌ها هم در این زمینه محصولاتی را به مشتریان خود معرفی می‌کنند که کاملاً متفاوت از محصولات قدیمی است. آن‌ها زنگ‌هایی را به مشتری ارائه می‌دهند که می‌تواند همانند یک پلیس همه‌چیز را رصد کند و مانع بروز جرم و جنایت شود.

### پیشرفت‌هایی برای آسودگی بشر

پیشرفت‌های اخیر در زمینه تکنولوژی باعث شده کسب‌وکارها هم بتوانند بهره‌وری خود را بالا ببرند. آن‌ها داده‌ها و اطلاعاتی دارند که قابل تجزیه و تحلیل است. نورپردازی‌های هوشمند در ساختمان‌ها یکی دیگر از مواردی است که می‌تواند به ذخیره کردن انرژی هم کمک کند. ماشین‌آلات کامپیوتری شده می‌توانند هر چیزی را پیش‌بینی و مطابق با آن عمل کنند. آن‌ها حتی متوجه خرابی‌ها هم می‌شوند و در نتیجه می‌توانند برای تعمیرات هشدار بدهند و از این طریق پایداری این ابزار هم بالا می‌رود. برای مثال گلوا را به گونه‌ای به ابزار اینترنتی وصل می‌کنند که کاملاً به موقع تغذیه شوند و عادات غذایی مشخصی داشته‌باشند و بتوانند براساس آن شیر بدهند. به این ترتیب آن‌ها شیر بیشتری تولید می‌کنند و در مقابل به داروهای کمتری هم نیاز دارند چرا که تحت مراقبت‌های هوشمند و اینترنتی هستند و کمتر بیمار می‌شوند. شاید چنین دستاوردی به صورت فردی اگر بررسی شود خیلی کم و ناچیز به نظر بیاید اما اگر آن را در مقیاسی کلان و به صورت گسترده در نظر بگیریم متوجه خواهیم شد که می‌تواند اقتصاد کلان را تغییر بدهند. این موارد در واقع پتانسیل این را دارند که رشد اقتصادی را بالا ببرند.

اما اینترنت اشیا در درازمدت، در زمینه کاری می‌تواند بسیار موثر باشد و خودش را نشان بدهد. البته پیشرفت اینترنت هم در این زمینه می‌تواند بسیار موثر باشد. این قضیه به مدل‌های کسب‌وکار هم مربوط می‌شود. هر مدلی که غالب بشود، اینترنت هم نسبت به آن غالب می‌شود و فوایدی خواهد داشت. این جریان می‌تواند انحصار را هم به دنبال داشته‌باشد. همین امر باعث شده منتقدان هم نسبت به آن نقدهایی داشته‌باشند. آن‌ها به این جریان تداوم سرمایه‌داری می‌گویند. شرکت‌ها بیش از هر زمانی به شرکت‌های فناوری تبدیل می‌شوند. اینترنت به جزء لاینفک آن‌ها تبدیل می‌شود. در این شرایط شاهد بحث‌های بسیاری در حوزه مالکیت، داده، رقابت و امنیت خواهیم بود که همگی مربوط به زندگی مجازی است و می‌تواند به بحث‌هایی تمام‌نشده تبدیل شود.

بباید مالکیت را در نظر بگیریم. همان‌طور که آقای ماسک نشان داد، اینترنت می‌تواند به شرکت‌ها این توانایی را بدهد که به دستگاه‌ها و خودروهای تولیدی خود دسترسی و اتصال اینترنتی داشته‌باشند. حتی وقتی آن محصول فروخته شده باز هم شرکت می‌تواند به آن دسترسی داشته‌باشد. البته این جریان به شرکت این امکان را می‌دهد که محصول خود را ارتقا ببخشد و خدمات جدیدی به آن اضافه شود. در واقع شرکت می‌تواند به لطف حضور این اینترنت به نوعی خدمات جدید برای محصولات خود ارائه بدهد. ■



### [ اینترنت اشیا ]

## همه جا با ترشه‌ها

### چطور کامپیوترها دنیای ما را تغییر داده‌اند

روز ۲۹ آگوست بود که طوفان دوریان به سمت آمریکا یورش برد. در آن زمان ایلان ماسک رئیس شرکت تسلا که سازنده خودروهای برقی است اعلام کرد مشتریان او می‌توانند با به روز کردن خودروهای هوشمند خود، اگر در مسیر طوفان قرار بگیرند، باتری‌ها را شارژ کنند تا در مسیر طوفان گرفتار نشوند. در واقع وسیله نقلیه‌ای که ایلان ماسک در شرکتش تولید کرده مانند هر قطعه کامپیوتری می‌تواند به اینترنت متصل شود و از این طریق مشتری می‌تواند از آن در مواقع لازم به شکلی بهتر بهره بگیرد. در واقع این خودروها به اینترنت وصل هستند و شرکت می‌تواند از راه دور آن‌ها را کنترل کند.

خودروهای کامپیوتری آقای ماسک تنها یکی از نمونه‌های جدیدی هستند که نشان می‌دهند در دنیای مدرن چه خبر است و چه می‌گذرد. این روزها هم کامپیوترها ارزان‌تر شده و هم اتصال به اینترنت. به همین خاطر است که تبدیل کردن آن‌ها به چیزهایی که قابل استفاده باشد بسیار ساده و آسان شده‌است. همه این‌ها با هم اینترنت اشیا را شکل داده که اغلب مردم امروزی با آن آشنا هستند. این انقلابی است که به آهستگی پیش رفته و همراه با قدرت گرفتن کامپیوترها، سرعت پیدا کرده و حالا پایش به خودروهای سواری هم باز شده‌است. و البته تلفن‌ها و تلویزیون‌هایی که هوشمند می‌شوند. حالا این تحولات در مسیر جدیدی پیش می‌رود. براساس یکی از پیش‌بینی‌هایی که صورت گرفته، تا سال ۲۰۳۵ تعداد کامپیوترهایی که به اینترنت متصل هستند به بالای یک تریلیون می‌رسد. از بسته‌بندی مواد غذایی گرفته تا پوشاک و پل‌های هوایی، همه‌چیز روی دست اینترنت می‌چرخد.

در چنین دنیایی می‌توان بهره‌های زیادی برد. مشتریان از راحتی و آرامش بهره می‌گیرند. تولیدات و محصولات هم می‌توانند کارهایی را انجام بدهند که محصولات دیگر بدون اینترنت نمی‌توانند انجام بدهند.

پیشرفت‌های اخیر در زمینه تکنولوژی باعث شده کسب‌وکارها هم بتوانند بهره‌وری خود را بالا ببرند. آن‌ها داده‌ها و اطلاعاتی دارند که قابل تجزیه و تحلیل است. نورپردازی‌های هوشمند در ساختمان‌ها یکی دیگر از مواردی است که می‌تواند به ذخیره کردن انرژی هم کمک کند. ماشین‌آلات کامپیوتری شده می‌توانند هر چیزی را پیش‌بینی و مطابق با آن عمل کنند.

### چرا باید خواند:

این روزها اینترنت اشیا به همه جا سرایت کرده و باعث شده همه چیز به لطف اینترنت، وضعیت متفاوت و البته مطلوبی پیدا کند. شرکت‌ها هم می‌توانند به کمک اینترنت، کالاها و محصولات تولیدی خود را به روز کنند و از این طریق مشتری‌های خود را همچنان راضی نگه دارند.

خبرهای تازه‌ای رسیده که نمایندگان دموکرات را حسابی آشفته کرده‌است. ظاهراً دونالد ترامپ از مقام خودش سوءاستفاده کرده تا علیه جو بایدن اقدام کند. او تماس‌های مکرر با ولادیمیر زلینسکی رئیس‌جمهوری اوکراین داشته. در واقع ترامپ می‌خواسته از آن‌ها مدارکی بگیرد که ثابت کند جو بایدن به خاطر حفظ سمت پسرش در یک شرکت اوکراینی، مرتکب فساد و خطایی شده. اما واقعیت این است که خطایی رخ نداده.

## [ سیاست آمریکا ]

# دو قدم مانده به استیضاح

## دموکرات‌ها ترامپ را استیضاح می‌کنند؟

### چرا باید خواند:

**یکی از مهم‌ترین مسائلی که در دنیای سیاست امروز مطرح شده استیضاح دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا است. دموکرات‌ها در گذشته هم بارها طرح استیضاح او را پیش کشیده بودند اما این بار مسئله خیلی جدی به نظر می‌رسد حتی نانسی پلوسی هم به این طرح رای مثبت داده‌است.**

«وقتی از خواب بیدار می‌شوند، اولین چیزی که به آن فکر می‌کنند، استیضاح است.» این را یک اسکات سناتور جمهوری‌خواه اهل فلوریدا می‌گوید. خیلی وقت نیست که حرف استیضاح ترامپ به صورت جدی به میان آمده و حالا نمایندگانی مثل اسکات چنین حرف‌هایی می‌زنند. او این حرف‌ها را در روز ۲۵ سپتامبر زد و به همکاران خود در کنگره اشاره کرد اما آن‌ها که دموکرات هستند، نه جمهوری‌خواهان. اما واقعیت شاید این نباشد که اسکات می‌گوید. واقعیت احتمالا این است که آن‌ها تازه خودشان را گرم کرده‌اند و آماده شده‌اند تا دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا را استیضاح کنند.

۱۵ نوامبر ۲۰۱۷ جزو نخستین بارهایی بود که بحث استیضاح ترامپ به میان آمد. در آن زمان استیو کوهن نماینده دموکرات کنگره اعلام کرد باید دونالد ترامپ را استیضاح کنند. فقط پنج نفر از همکارانش با او همراه شدند و این طرح را امضا کردند. در آن زمان، دموکرات‌ها به استیضاح فکر هم نمی‌کردند. دو ماه بعد از آن بود که آل گرین نماینده دموکرات دیگری از تگزاس دوباره طرحی مشابه را ارائه کرد. حالا افراد بیشتری با این طرح همراهی کردند. در واقع ۶۶ نفر از نمایندگان از این طرح حمایت کردند. آن‌ها تلاش داشتند تا ترامپ را استیضاح کنند. اما باز هم تعداد آن‌ها به حد نصاب نرسید و این برنامه بی‌نتیجه ماند و به ثمر نرسید.

اما حالا خبرهای تازه‌ای رسیده که نمایندگان دموکرات را حسابی آشفته کرده‌است. ظاهراً دونالد ترامپ از مقام خودش سوءاستفاده کرده تا علیه جو بایدن اقدام کند. او تماس‌های مکرر با ولادیمیر زلینسکی رئیس‌جمهوری اوکراین داشته. در واقع ترامپ می‌خواسته از

آن‌ها مدارکی بگیرد که ثابت می‌کند جو بایدن به خاطر حفظ سمت پسرش در یک شرکت اوکراینی، مرتکب فساد و خطایی شده. اما واقعیت این است که خطایی رخ نداده و فشارهای ترامپ بر دولت اوکراین هم بی‌حاصل بوده‌است. این مسئله که او می‌خواسته به خاطر گیر انداختن جو بایدن این کارها را بکند، نمایندگان دموکرات را برآشفته کرده و آن‌ها هم شاکي شده‌اند. در همان مراحل نخست ۲۱۹ نفر از نمایندگان دموکرات، طرح استیضاح ترامپ را امضا کردند. در میان آن‌ها حتی می‌توان نام میانه‌روترین نمایندگان دموکرات را هم مشاهده کرد. در واقع آن‌ها زمانی نه‌چندان دور، آن‌قدر هم مخالف ترامپ نبودند ولی اتفاق اخیر به قدری برایشان اهمیت داشته که جبهه‌ای علیه او تشکیل داده‌اند. آن‌ها که تا همین چند وقت پیش حاضر نبودند از طرح استیضاح او دفاع کنند حالا به راحتی از این طرح حمایت کرده‌اند و به این ترتیب ترامپ را تا نزدیکی میز پرسش و پاسخ کشانده‌اند.

### ۲۱۸ نفر تا استیضاح

تنها ۲۱۸ نفر کافی است تا این طرح به صورت عملی اجرایی شود و مجلس نمایندگان آمریکا، ترامپ را استیضاح کند. اما در مرحله بعد دوسوم از اعضای مجلس سنا باید به این طرح رای مثبت بدهند تا ترامپ واقعا از دفتر کارش یعنی کاخ سفید برکنار شود. اما بعید است چنین اتفاقی رخ بدهد به این خاطر که اکثریت سنا را نمایندگان تشکیل می‌دهند که موافق ترامپ و در واقع جمهوری‌خواه هستند. در حال حاضر از میان ۱۰۰ نماینده سنا، ۵۳ صندلی متعلق به جمهوری‌خواهان است. کافی است ۲۰ نفر از آن‌ها متقاعد شوند تا از حدود خود عبور کنند و به استیضاح ترامپ رای مثبت بدهند. به این ترتیب ترامپ از دفتر کارش برکنار خواهد شد. این مسئله به قدری جدی شده که ترامپ اعلام کرده متن گفت‌وگوهایش را با رئیس‌جمهوری اوکراین منتشر خواهد کرد. او گفته که مرتکب خطایی نشده و در نتیجه نباید بابت این مسئله استیضاح شود. به هر حال اکنون دموکرات‌ها برای استیضاح موانعی دارند. اما باز هم به دنبال افرادی هستند که بتوانند از طریق آن‌ها اسناد و مدارکی را جمع‌آوری کنند و به این ترتیب ترامپ را از دفتر کارش برکنار کنند. این اتفاق در کل به نظر خیلی بعید است. اما به هر حال رأی‌دهندگان با جدیت تمام علیه او رای می‌دهند و سعی دارند از این طریق او را کنار بگذارند. حالا باید دید ادامه بازی استیضاح ترامپ چه می‌شود. فعلا که نانسی پلوسی رئیس‌مجلس نمایندگان آمریکا و از کلیدی‌ترین افراد در حزب دموکرات با این طرح موافقت کرده و این به تنهایی می‌تواند به ضرر ترامپ باشد. در واقع همین امر به سادگی می‌تواند ترامپ را به دردهای بزرگی بندازد. مهم‌ترین اتفاق هم در این ماجرا چرخش نظر افرادی مثل نانسی پلوسی است که در گذشته چنین نگاهی نداشتند. ■



۱۵ نوامبر ۲۰۱۷ جزو نخستین بارهایی بود که بحث استیضاح ترامپ به میان آمد. در آن زمان استیو کوهن نماینده دموکرات کنگره اعلام کرد باید دونالد ترامپ را استیضاح کنند. فقط پنج نفر از همکارانش با او همراه شدند و این طرح را امضا کردند. در آن زمان، دموکرات‌ها به استیضاح فکر هم نمی‌کردند. عدد: ۲۱۸ نفر رای مثبت بدهند طرح استیضاح ترامپ در مجلس نمایندگان پیش می‌رود

[ افغانستان ]

# بزنگاه

هنوز هم مذاکره آمریکا و طالبان می‌تواند مشکلات را حل کند

آمریکا و طالبان چندین ماه است که با هم کلنجار می‌روند و تلاش کرده‌اند تا به ۱۸ سال جنگ بی‌حاصل افغانستان پایان بدهند. دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا اعلام کرد آمریکایی‌ها از جنگ بدون پیروزی خسته شده‌اند و به همین خاطر مذاکره با طالبان را انتخاب کرد. بالاخره این دو طرف بدون حضور دولت افغانستان پای میز مذاکره نشستند.

چرا باید خواند:

آمریکا سال‌هاست که به بهانه بیرون انداختن طالبان به خاک افغانستان حمله کرده. اما ترامپ به این نتیجه رسید که این جنگ پایانی ندارد و در نتیجه باید با طالبان مذاکره کنند. درست زمانی که توافق نزدیک بود یک بمب‌گذاری برنامه‌ها را به هم ریخت. اما هنوز هم مذاکره می‌تواند مشکلات را حل کند.



می‌رفت و تلاش می‌کرد با طالبان به توافق برسد. اما درست سر بزنگاه، همه‌چیز متوقف شد. حالا دیگر مذاکرات مرده‌است.

توافق با طالبان یکی از مسائلی بود که ترامپ بر سر آن با جان بولتون مشاور امنیت ملی‌اش مخالف بود. بالاخره جان بولتون از این سمت برکنار شد تا کسی مانع تصمیم‌گیری‌های یک‌سویه ترامپ نشود. براساس این توافق آمریکایی‌ها باید ۵ هزار نفر از نیروهای خود را از خاک افغانستان خارج می‌کردند تا بالاخره آتش‌بس برقرار می‌شد. اما مسئله اینجاست که آمریکا به هر حال نیروی کافی در این کشور دارد تا از آن‌ها حمایت کند. طالبان می‌گفت بالاخره با دولت افغانستان مذاکره می‌کند مسئله‌ای که در گذشته اصلاً قبول نداشت چرا که اصلاً دولت این کشور را به رسمیت نمی‌شناخت.

## کلید این معما در مذاکره است

اما مهم‌ترین مسئله این است که طالبان برای انجام هر اقدامی، انگیزه کافی ندارند. در واقع آن‌ها باید انگیزه‌ای داشته باشند که بتوانند آتش‌بس را برقرار کنند. اما ترامپ به آن‌ها این انگیزه را نمی‌داد. آن‌ها تصور می‌کردند که ترامپ در نهایت دوباره نیروهای خود را بازمی‌گرداند و همگی آن‌ها را از بین می‌برد. به همین خاطر است که در توافق برای آتش‌بس کوتاه نمی‌آمدند چرا که نمی‌توانستند به آمریکا اعتماد کنند. به هر حال ترامپ آن‌ها را متقاعد کرده بود و به نظر می‌رسید آن‌ها هم متقاعد شده‌اند. اما همه‌چیز به همین سادگی نبود.

جنگ فقط متکی به نیروهای ارتشی نیست. حتی زمانی که آمریکا ۱۰۰ هزار نیرو در خاک افغانستان داشته باشد باز هم نمی‌تواند دست این گروه را از این کشور کوتاه کند. در واقع آن‌ها فقط با ارتش محدود نمی‌شوند. همیشه هم تعدادی از آن‌ها باقی می‌مانند. تنها چیزی که اکنون می‌تواند طرفین این ماجرا را به موفقیت نزدیک کند این است که بیشتر مذاکره کنند. در واقع کلید این معما در مذاکره است. گفت‌وگوها و چانه‌زنی‌های دو گروه می‌تواند بالاخره آن‌ها را بر سر یک سری مسائل به توافق برساند. به این ترتیب کاری که آن‌ها باید انجام بدهند این است که بیشتر وقت بگذارند و دوباره مذاکرات را به جریان بیندازند تا بالاخره بر سر مسائل مختلف به توافق برسند و در نهایت صلح به افغانستان بازگردد. ■

آمریکا و طالبان چندین ماه است که با هم کلنجار می‌روند و تلاش کرده‌اند تا به ۱۸ سال جنگ بی‌حاصل افغانستان پایان بدهند. دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا اعلام کرد آمریکایی‌ها از جنگ بدون پیروزی خسته شده‌اند و به همین خاطر مذاکره با طالبان را انتخاب کرد. بالاخره این دو طرف بدون حضور دولت افغانستان پای میز مذاکره نشستند. بعد از چند جلسه به نظر می‌رسید که همه‌چیز خوب پیش می‌رود. توافق در دوقدمی بود. می‌شد در افق دید که صلح نزدیک است. اما ناگهان اتفاقی رخ داد که همه نقشه‌ها را نقش بر آب کرد. ترامپ اعلام کرد متوجه شد طالبان در کابل بمب‌گذاری کرده‌است. البته مشکل او بمب‌گذاری این گروه نبود. مشکل ترامپ این بود که براساس گزارش‌ها، در این بمب‌گذاری یکی از سربازان آمریکایی جان خود را از دست داده‌است. در کنار آن ۱۱ نفر دیگر از مردم عادی هم جان خود را از دست داده‌اند. به همین خاطر است که بلافاصله به توییت خود رفت و مثل همیشه اقداماتش را از توییت آغاز کرد. او در توییتی نوشت: «من خیلی سریع مذاکره با طالبان را قطع کردم.» به این ترتیب مذاکرات برای صلح در افغانستان خاتمه یافت.

بسیاری از افراد با این تصمیم ترامپ خوشحال شدند و برخی هم خيالشان راحت شد. آن‌ها تصور می‌کردند که ترامپ قرار است هر نوع قراردادی را با طالبان امضا کند و به این ترتیب به هر قیمتی با آن‌ها به توافق برسد. در واقع آمریکایی‌ها از این جریان ناراضی بودند. آن‌ها می‌گویند آمریکا به خاطر افغانستان هزینه‌های زیادی داده و به همین خاطر اکنون فقط قول گرفتن از این گروه کافی نخواهد بود. در واقع اینکه آن‌ها وعده بدهند دیگر بمب‌گذاری نمی‌کنند و با تروریست‌ها همکاری نخواهند داشت برای پایان دادن به جنگ بی‌پایان کافی نیست. آن‌ها می‌گویند ترامپ نباید حالا نیروهای آمریکایی را به خانه بیاورد. در حالی که او این مذاکرات را به کلی لغو کرد، خبر آمد که قرار بود به زودی میزبان گروه طالبان در کمپ دیوید باشد. جایی که معمولاً برای مسائل مهم به آن سر می‌زند و در آن‌جا قرار می‌گذارد. او امید زیادی به توافق داشت. بسیاری از آمریکایی‌ها از این وضعیت شوکه شده بودند. توافق برای آن‌ها قابل باور نبود. آن‌ها نمی‌خواستند به استقبال گروهی بروند که دل خوشی از آن ندارند. به‌ویژه مسئله حادثه ۱۱ سپتامبر برای آمریکایی‌ها به قدری مهم است که نمی‌توانند به سادگی از کنار آن عبور کنند. به هر حال ترامپ با سرعت پیش

مقررات گذاران کماکان به دنبال راهی هستند که از طریق آن گواهی بدهند که این پرنده‌های جدید ایمن‌اند و این مسئله زمانی مهم‌تر می‌شود که در آینده بسیار نزدیک خیلی از آن‌ها قرار است بدون خلبان هم پرواز کنند، مسافران را سوار و به شکلی خودکار در شهر پرواز کنند.

## [ پرواز شهری ]

# تاکسی‌های پرنده، آماده پرواز

## اما مقررات ترمز آن‌ها را کشیده

### مقررات دست‌و‌باگیر؟

تلاش‌های بسیار متنوعی به منظور اتومات کردن سیستم‌های کنترل ترافیک هوایی در حال انجام هستند تا تاکسی‌های هوایی، چه خلبان داشته و چه نداشته باشند، بتوانند اطلاعات پروازی خود را با هواپیمای‌ها و هواپیماهای سبک هماهنگ کنند. مسئله‌ای که در این میان نقشی کلیدی بازی می‌کند این است که به تمامی این پرنده‌ها یک گوینده رادیویی اختصاص داده شود، یعنی کاری که کم و بیش همین حالا هم با هواپیماهای بزرگ معمولی در حال رخ دادن است. این ترانسپوندرها برنامه‌های پرواز را ارسال و از هواپیماهای مجاور دریافت می‌کنند تا خلبان، یا در صورتی که هواپیما خودکار باشد کامپیوترهای پرواز، بتوانند هواپیمای دیگر را مشاهده کرده و از آن دوری کنند. سال بعد ناسا برنامه دارد تا تست‌هایی میدانی از سیستم‌هایی انجام دهد که می‌توانند چنین عملیاتی را در یک فضای شهری مدیریت کنند. برخی از کشورها، با این حال، همین حالا هم سریع‌تر از بقیه عمل می‌کنند. اتریشها همین حالا هم از این مسئله شکی هستند که می‌توانند از یک پهپاد به منظور انتقال خون در رواندا استفاده کنند، اما نه در آمریکا. در همین حال اوبر در حال امتحان این مسئله است که چگونه می‌تواند یک خدمات تاکسی هوایی را مدیریت کند. به این منظور باید عملیات خود را با یک خدمات هلیکوپتری به شکلی سنتی بین بخش پایینی منتهن و فرودگاه جی‌اف‌کی نیویورک انجام دهد. سیلیون از اوبر می‌گوید که تنها عایدی این مسئله برای اوبر این می‌تواند باشد که اتریش‌های این وسایل حمل و نقل شهری به طور قطع جذب این پروژه‌های زیرساخت و اساسی می‌شوند. البته در پس پشت همه این برنامه‌ها یک مشکل دیگر هم وجود دارد. اجازه برنامه‌ریزی برای پدهایی که برای فرود هلیکوپتر استفاده می‌شوند در برخی از شهرها بسیار دشوار است، و دلیل اصلی آن هم این است که مردم اعتراض بسیار شدیدی به این پدهای هلیکوپتر دارند. تاکسی‌های پرنده برقی باید بسیار خوش‌دست‌تر از هلیکوپترها باشند. رهبران برخی از شهرها مانند دوبی و گوانگجو و سنگاپور به احتمال زیاد در حال آمادگی برای پذیرش این مسئله هستند و همین حالا هم می‌توان صدای ناقوس پیشرفت را شنید که جای سر و صدای زیاد ماشین‌های پرنده را گرفته‌است. برخی دیگر هم این‌طور برداشت نکرده و رفتار هم نمی‌کنند و حالا می‌فهمیم که سر و صدا می‌تواند رویاهای یک هوانورد را چقدر زمین گیر کند. برخلاف کل جذابیت داستان سفر مافوق صوت، بال هواپیمای کنکوردر را چیدنند زیرا صدای بسیار زیادی توسط آن پس از عبور از دیوار صوتی ایجاد شده‌بود. ■

در ماه اکتبر سال ۱۹۰۸، در هوای بادی در زمین فلرانبروی جنوب غربی لندن، یک شومن به نام ساموئل کودی اولین پرواز رسمی کنترل شده یک هواپیمای موتوردار در بریتانیا را انجام داد. از آن زمان تاکنون بسیاری از افراد دیگر هواپیماهایی جدیدتر ساخته‌اند که این مسئله باعث توسعه این صنعت شده‌است و گویا حالا نوبت به سازه پرنده دیگری رسیده.

هواپیماهای امروزی را بسیاری به عنوان تاکسی‌های پرنده و پهپادهای مسافری می‌شناسند، یا همان‌طور که این صنعت آن‌ها را نام‌گذاری کرده تحت عنوان حمل و نقل هوایی شهری (UAM). حدود ۲۰۰ عدد از چنین وسایلی در مراحل مختلف توسعه خود در سرتاسر جهان قرار دارند. چند نمونه اولیه همین حالا هم در حال تست شدن هستند و اتریش‌ها آن‌ها امیدوارند که بتوانند هرچه سریع‌تر از آن بهره‌برداری اقتصادی کرده و آن‌ها را وارد چرخه خدماتی‌شان بکنند. اپلیکیشن تاکسی‌یابی اوبر به دنبال این است که در دالاس، لس‌آنجلس و ملبورن تا سال ۲۰۲۳ مسافران را از طریق پرواز جابه‌جا کند. با این حال هنوز هم موانعی وجود دارد. فرانسوا سیلیون، رئیس مرکز فن‌آوری‌های پیشرفته اوبر در شهر پاریس با پذیرش یک واقعیت، عنوان می‌کند که «هنوز هیچ‌کس نمی‌تواند با دقت بگوید که چه اتفاقی قرار است رخ دهد». دلیل اصلی این مسئله این است که موانع خیلی هم مربوط به مسئله فن‌آوری نیستند بلکه بیشتر در زمینه مقررات‌گذاری حضور پیدا می‌کنند. مقررات‌گذاران کماکان به دنبال راهی هستند که از طریق آن گواهی بدهند که این پرنده‌های جدید ایمن‌اند و این مسئله زمانی مهم‌تر می‌شود که در آینده بسیار نزدیک خیلی از آن‌ها قرار است بدون خلبان هم پرواز کنند، مسافران را سوار و به شکلی خودکار در شهر پرواز کنند.

گرچه طراحی‌های مختلف و متنوعی برای این وسیله نقلیه ارائه شده‌است، اما برخی ویژگی‌ها بین نسخه‌های گوناگون آن‌ها مشترک است. این وسایل نقلیه پرنده همگی از طریق برق تامین انرژی می‌شوند که البته در برخی از آن‌ها با حالتی هیبریدی، یک موتور احتراق به شکل پشتیبان و یک‌آپ قرار گرفته‌است. این وسایل هم عمدتاً مانند یک هلیکوپتر به شکلی عمودی برخاسته و می‌نشینند، اما برخلاف هلیکوپتر از چندین روتور کوچک بهره می‌برند. نسخه‌های دو و سه‌صندلی نیز می‌توانند بین ۲۰ تا ۱۶۰ کیلومتر را با هربار شارژ شدن پرواز کنند.



### چرا باید خواند:

همان‌طور که صد و

خرده‌ای سال پیش

هیچ‌کس باور نمی‌کرد که

انسان روزی بتواند پرواز

کند، همین چند سال

پیش هم وجود تاکسی

پرنده در شهرها عجیب

به نظر می‌رسید. حالا کار

به جایی رسیده که انواع

و اقسام این ماشین‌های

جدید در حال ساخته

شدن و امتحان شدن

هستند، اما مسئله اساسی

این جاست که سنگ

اصلی هنوز هم در دستان

مقررات‌گذاران قرار دارد.

رهبران برخی از شهرها مانند دوبی و گوانگجو و سنگاپور به احتمال زیاد در حال آمادگی برای پذیرش این مسئله هستند و همین حالا هم می‌توان صدای ناقوس پیشرفت را شنید که جای سر و صدای زیاد ماشین‌های پرنده را گرفته‌است

## [ صندوق بین‌المللی پول ]

## دوخت و دوز فیت فیت

کریستالینا جرجویا تنها کسی است که برای ریاست صندوق بین‌المللی پول وارد رقابت شده

بود، و جدای از آن مذاکرات لازم با سهام‌داران بانک را برای افزایش سرمایه بر عهده گرفته بود.

رابطه بسیار خوب او با سهام‌داران بزرگ، که شامل آمریکا و چین هم می‌شد، در آینده بسیار نزدیک به عنوان یک برگ برنده برای صندوق بین‌المللی پول تلقی خواهد شد، زیرا ریسک قرار گرفتن در میانه جنگ‌های تجاری و ارزی کنونی با مسئله به حداقل میزان ممکن می‌رسد. این صندوق به احتمال زیاد مجبور خواهد بود که به دولت‌ها بگوید با پایین آمدن نرخ رشد در سطح جهانی فعلاً کنار آمده و خود را برای آن آماده کنند. گرچه جرجویا تخصص اقتصاد کلانی کمتری نسبت به بسیاری از رقبای ابتدایی خود مانند مارک کارنی، رئیس بانک انگلستان، دارد، همکاران قدیمش اشاره کرده‌اند که در زمان بروکسل او در ارزیابی جایگاه‌های مالیاتی کشورهای بسیار فعال بوده‌است و در همان دوران کمک شایان توجهی به ایجاد شدن سازوکار بیل‌اوت اتحادیه اروپا کرده‌است.

جرجویا به عنوان یک دانشگاهی کتابی نوشته که هنوز هم به عنوان یک منبع مطالعاتی توسط دانشجویان مقطع کارشناسی در بلغارستان استفاده می‌شود. تخصص او در اقتصاد زیست محیطی نیز به احتمال زیاد به کار بیاید. به نظر مسعود احمد از مرکز توسعه جهانی، با گذشت زمان ارزیابی تأثیر تغییرات اقلیمی بر اقتصاد کلان و پایداری مالی، بیش از پیش بدل به امری بسیار مهم برای صندوق می‌شود.

نیمه دوم دوران خانم لاگارد به شدت تحت تأثیر بحران بدهی اروپا قرار گرفت. تمرکز صندوق بین‌المللی پول از آن زمان تاکنون به سوی دولت‌های نوظهور و شکننده جلب شده‌است. جرجویا از آرژانتین یک آشوب تحویل خواهد گرفت که در مقاله دیگری به آن اشاره خواهیم کرد. یکی از کارمندان بانک جهانی اشاره کرده‌است که دیگر کاندیداهای اروپایی به احتمال زیاد تنها با بازارهای نوظهور بابت تعطیلات خودشان آشنایی دارند.

از سوی دیگر جرجویا را داریم که دهه‌ها وقت و انرژی خود را در کشورهای فقیری گذرانده‌است که به احتمال زیاد هدف بسیاری از برنامه‌های صندوق خواهند بود و کشور خودش هم در دهه ۹۰ میلادی از کمونیسم به اقتصاد بازار گذار کرده‌است. با معیار قرار دادن خود طبقه‌بندی صندوق، بلغارستان هنوز هم یک اقتصاد نوظهور حساب می‌شود که سرانه تولید ناخالص داخلی آن تقریباً یک چهارم فرانسه‌ای است که از وطن چهار رئیس از شش رئیس پیشین صندوق بوده‌است.

جرجویا از طریق رأی‌گیری بین وزرای امور مالی ۲۸ کشور اتحادیه اروپا که از طریق ایمیل برگزار شد با شکست دادن آقای دی‌جسلیلو به عنوان نامزد اروپا معرفی شد. این انتخاب اروپا، گرچه دلایل گوناگونی پشت خود داشته اما به احتمال زیاد گزینه‌ای بسیار موفق از آب در خواهد آمد و شاید یکی از یادگارهای دوران برتون وودز به طرز عجیبی این سال‌ها را با موفقیت نسبی سپری کند. ■

کریستالینا جرجویا در ارتباط با هر نوع نقش رهبری موجود در سازمان‌های بین‌المللی مورد ارجاع و نام بردن قرار می‌گیرد. از دبیر کل سازمان ملل متحد گرفته تا رئیس کمیسیون اروپا، همه و همه چیزی را جمع به او می‌گویند. اگر ریاست بانک جهانی تنها بر اساس لیاقت واگذار می‌شد و هیچ نکته‌ای برای مثال از حیث ملیت برجسته نمی‌شد، خانم جرجویا، مدیر اجرایی ارشد آن، قطعاً با موفقیت روبه‌رو می‌شد. او به شکلی مختصر به عنوان رئیس پس از استعفای جیم یونگ کیم در این سمت قرار گرفت اما چند ماه پس از آن، یعنی در ماه آوریل این سمت به دیوید مالپاس آمریکایی رسید.

حالا این‌طور به نظر می‌رسد که یکی از موقعیت‌های شغلی اساسی در این زمینه در حال نزدیک شدن به این مدیر بلغاری است. یک مفاهمه ترانس آتلانتیک که ریشه‌هایش به کنفرانس برتون وودز در سال ۱۹۴۴ می‌رسد این نکته را تضمین می‌کند که یک آمریکایی باید در ریاست بانک جهانی قرار بگیرد و مدیریت صندوق بین‌المللی پول هم بر عهده یک اروپایی باشد. جرجویا در ماه آگوست به عنوان نامزد اروپا به منظور جانشینی کریستین لاگارد معرفی شد. علی‌رغم سروصداهایی که از دولت بریتانیا درآمد و اعلام کردند که کاندیدای خود را معرفی خواهند کرد، ضرب‌الاجل معرفی نامزدها در اواسط ماه شهریور به پایان رسید و خانم جرجویا تنها کسی بود که در این رقابت حضور داشت. و قرار شد که از اواسط ماه مهر این سمت را از آن خود کند.

## کارنامه‌ای دیدنی

جرجویا از سال ۲۰۱۷ به این سو مسئول حجم اصلی کارهای بانک جهانی بود. جرجویا سال‌های بسیاری را هم به عنوان کارمند در کمیسیون اروپا مشغول کار بود. او به عنوان یک مدیر اجرایی ارشد مسئول تلطیف کردن اختلافات بین آقای کیم و نیروی کاری این نهاد



رابطه بسیار خوب جرجویا با سهام‌داران بزرگ، که شامل آمریکا و چین هم می‌شد، در آینده بسیار نزدیک، یک برگ برنده برای صندوق بین‌المللی پول تلقی خواهد شد

## چرا باید خواند:

کریستالینا جرجویا

تنها نامزدی بود که

از سوی اروپا برای

ریاست صندوق

بین‌المللی پول معرفی

شد. در این یادداشت به

بررسی سوابق کاری

او پرداخته شده و

ویژگی‌های منحصر

به فردی که در

زمینه‌های مختلف از

خود نشان داده‌است.

به طور کلی پیش‌بینی

می‌شود که صندوق

بین‌المللی پول تحت

هدایت جرجویا از

معدود نهادهای

اقتصادی جهانی

موفق باشد.

در سال ۲۰۱۶ یک استارت‌آپ کالیفرنایی اعلام کرد به مشتریان خود خونی می‌دهد که مربوط به جوانان است. هر لیتر از خون این جوانان ۸ هزار دلار قیمت داشت. در نهایت هم وارد بدن افراد ثروتمندی می‌شد که خیال می‌کردند با خون این افراد جوان می‌توانند سرعت پیر شدن خود را کند کنند. در نتیجه آن‌ها تلاش می‌کردند به کمک این مسائل جلوی پیر شدن خودشان را بگیرند.

## [ علم پزشکی ]

# جوان‌سازی

## به خون جوانان نیازی نیست!

در سال ۲۰۱۶ یک استارت‌آپ کالیفرنایی اعلام کرد به مشتریان خود خونی می‌دهد که مربوط به جوانان است. هر لیتر از خون این جوانان ۸ هزار دلار قیمت داشت. در نهایت هم وارد بدن افراد ثروتمندی می‌شد که خیال می‌کردند با خون این افراد جوان می‌توانند سرعت پیر شدن خود را کند کنند. در نتیجه آن‌ها تلاش می‌کردند به کمک این مسائل جلوی پیر شدن خودشان را بگیرند. از نگاه آن‌ها پیر شدن برابر است با افزایش احتمال ابتلا به سرطان و همچنین ابتلا به بیماری‌هایی مثل آلزایمر و بیماری‌های قلبی.

استارت‌آپ آمریکایی کارش را به خوبی پیش می‌برد تا اینکه اسناد و مدارک جدیدی آمد و کاسه و کوزه آن را شکست. همین چند وقت پیش بود که اداره بهداشت آمریکا اعلام کرد خونی برای جوان‌سازی وجود ندارد. این اداره به مشتریانی که این خون‌ها را خریداری و وارد بدن خود می‌کنند هشدار داد که چنین چیزی اصلاً صحت ندارد و در واقع هنوز اثبات نشده‌است. در نتیجه آن استارت‌آپ هم کلینیک‌های خود را تعطیل کرد تا از این طریق به گزارش اداره بهداشت آمریکا واکنش نشان داده باشد. اما جدا از این ایده‌ای که استارت‌آپ آمریکایی دنبال می‌کرد به هر حال این باور همیشه وجود داشته که خون جوان می‌تواند خاصیت جوان‌کنندگی داشته باشد. شاید بتواند واقعیتی را در آن یافت. آزمایش‌هایی در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ میلادی صورت گرفت. در این آزمایش‌ها موش‌های مختلف از سنین متفاوت انتخاب می‌شدند و در نهایت به آن‌ها خون تزریق می‌شد. برخی موش‌هایی که سن بالا داشتند نشان می‌دادند که این خون جوان روی آن‌ها تاثیر مثبتی گذاشته‌است. جالب است که در بسیاری از موارد عضله‌ها و ماهیچه‌های پیر دوباره جوان می‌شدند. عملکرد آن ماهیچه‌ها هم بهتر می‌شد. در واقع این موش‌ها نسبت به موش‌های هم‌سن و سال خودشان جوان‌تر می‌شدند و ظاهراً همه این‌ها به خاطر همان خون جوانی بود که وارد بدنشان می‌شد. این مسائل وجود داشت اما نمی‌شد آن‌ها را به انسان‌ها هم نسبت داد. در واقع نمی‌توان گفت انسان‌ها هم همین وضعیت مشابه را دارند. یعنی هنوز ثابت نشده که اگر خون فردی جوان وارد بدن فرد پیری شود، می‌تواند آن فرد را جوان کند و او را از خطرات مربوط به افزایش سن از طریق خون نجات بدهد.

### در جست‌وجوی جوانی

دریافت اطلاعات درباره تغییر سیستم درونی بدن انسان بعد از دریافت خون جوان قدری دشوار است. دلیلش هم این است که نمی‌دانیم انسان‌ها چطور پیر می‌شوند. در واقع

فرایند پیر شدن هنوز به صورت دقیق کشف نشده و به همین خاطر نمی‌توان درباره چگونگی جلوگیری از پیر شدن هم سخن گفت. اما اخیراً ادعایی در این زمینه صورت گرفته‌است. به نظر می‌رسد متدها و روش‌های تازه‌ای کشف شده که نشان می‌دهد انسان چه مسیری را برای پیر شدن طی می‌کند. یکی از مهم‌ترین کشف‌هایی که اخیراً صورت گرفته این است که خون افراد پیر روی افراد جوان تاثیر منفی می‌گذارد. در واقع افرادی که جوان هستند پس از دریافت خون افراد پیر دچار مشکلاتی می‌شوند که برخی از آن‌ها موقت و برخی دیگر دائمی هستند. به نظر می‌رسد بسیاری از سلول‌ها بعد از دریافت خون افراد پیر از بین می‌روند و یا دچار پیری می‌شوند. این جریان به خوبی نشان می‌دهد که اگر خون جوان خاصیت جوان‌کنندگی نداشته باشد اما خون پیر قطعاً خاصیت پیر کردن بدن را دارد.

حالا دانشمندان به دنبال راهی هستند تا این آسیب‌ها را به حداقل برسانند. آن‌ها مثل همیشه آزمایش‌های خود را روی موش‌ها انجام می‌دهند تا به نتیجه برسند و بعد این نتایج را به انسان‌ها منتقل کنند. مشاهدات بر روی موش‌ها نشان می‌دهد که می‌توان به شیوه‌های مدرن جلوی پیر شدن را گرفت. اما این قضیه هنوز در مورد انسان‌ها به اثبات نرسیده‌است. حتی سلول‌های مغزی هم با خون تازه می‌توانند دوباره احیا و جوان شوند. به این ترتیب می‌توان به جوان‌سازی با خون امید داشت. اما آیا خون جوان می‌تواند کاری کند که سلول‌های آسیب‌دیده هم دوباره ترمیم شوند؟ مسئله ترمیم یک جریان متفاوت است که اگر انجام بشود می‌توان گفت خون جوان‌ها به صورت واقعی خاصیت جوان‌کنندگی دارد. فعلاً موش‌های آزمایشگاهی قرار است به این پرسش‌ها پاسخ بدهند اما به هر حال سیستم بدن انسان‌ها قدری متفاوت است و این چیزی است که باید مد نظر قرار بگیرد. دانشمندان هم تلاش دارند با مطالعه سیستم بدن انسان به دنبال دلایل پیری انسان بگردند و با کشف آن‌ها به جوان‌سازی انسان‌ها کمک کنند یا دست‌کم موانع پیر شدن آن‌ها بشوند. ■

### چرا باید خواند:

چرا انسان‌ها پیر می‌شوند؟ این پرسشی است که اگر دانشمندان بتوانند پاسخی قانع‌کننده برایش پیدا کنند قطعاً مشکلات بشر در این زمینه حل می‌شود. در واقع آن‌ها باید ببینند چه چیزی باعث می‌شود ما پیر شویم، اگر این را کشف کنند احتمالاً می‌توانند جلوی پیر شدن انسان‌ها را هم بگیرند.

آزمایش‌هایی در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ صورت گرفت. در این آزمایش‌ها موش‌های مختلف از سنین متفاوت انتخاب می‌شدند و در نهایت به آن‌ها خون موش‌های جوان تزریق می‌شد. برخی موش‌هایی که سن بالا داشتند نشان می‌دادند که این خون جوان روی آن‌ها تاثیر مثبتی گذاشته‌است. جالب است که در بسیاری از موارد عضله‌ها و ماهیچه‌های پیر دوباره جوان می‌شدند



آرژانتین از یک بحران اقتصادی به بحران بعدی وارد می‌شود و همین مسئله باعث شده که اخیراً کنترل‌های اخیری بر مسیر ارز مجدداً قرار بگیرند و بدهی‌ها مجدداً برنامه‌ریزی شوند. رأی‌دهندگان این کشور هم که از این پوپولیست به آن لیبرال حرکت می‌کنند چشم خود را به این هدف دوختند تا دولت لیبرال مانوریسو ماکری را در همین پاییز کنار بزنند.

## [ اقتصاد آرژانتین ]

# آیا سیاست‌های مائوریسیو ماکری از همان آغاز محکوم به شکست بود؟

یک مقاله جدید می‌گوید که جریان اصلی بودن آن‌ها شاید مفید بود اما باید محکم‌تر می‌بودند



پایین‌تر از ۱۵ درصد هم برسد.

تورم سر فصل اما بسیار بالاتر بود. این مسئله به دولت این بهانه را داد تا هدف تورم خود را در روز ۲۸ دسامبر اندکی خلاص کند. نکته جالب این جاست که آرژانتینی‌ها در این روز به شکل سنتی شوخی‌های عجیب با افرادی می‌کنند که اصلاً انتظار چنین چیزی ندارند. تحلیل‌گران امیدوار بودند که این مسئله تنها به این می‌انجامد که هدف این سیاست‌ها با واقعیت در یک خط قرار بگیرد. در واقع استورزنگر ادعا می‌کند که این دولت قصد داشت که کاهش تورم را با سرعتی آهسته‌تر در دستور کار قرار دهد تا هزینه برای آن دسته افرادی که مستمری‌هاشان به شکلی معکوس شاخص خورده بود، کاهش پیدا کند. هدف افزایش رفته، به انضمام دوبرش دیگر در نرخ بهره در ماه ژانویه ۲۰۱۸، شوکی همیشگی به اعتبار بانک مرکزی وارد کرد.

تیم ماکری تا حدی به این دلیل به هدف‌گیری تورم علاقه پیدا کرده بودند که این مسئله‌ای جریان اصلی بود. اما آرژانتین زمانی آن را اجرایی کرد که سطح تورم بسیار خارج از نرم بود. این هدف‌ها هم بیان‌گر کاهش‌هایی بیش از حد شدید در فشار قیمت‌ها بودند و این نکته‌هایی است که استادی از دانشگاه هاروارد عنوان کرده. این شخص فکر می‌کند که موفقیت‌های اولیه تا حد زیادی مدیون انقباض اقتصادی در سال ۲۰۱۶ است.

به طور کل اگر قرار باشد کل تحلیل وضعیت دولت ماکری را از زبان استورزنگر بشنومیم، باید این‌طور جمع‌بندی کنیم که این دولت زیر بار معاهداتی برای دست‌مزد‌ها نفت زیرا خیلی تصمیم‌ارز تکسی نبود. اما اگر آقای دی‌تلا، یعنی همان استاد دانشگاه هاروارد درست بگوید، همین تلاش آگاهانه دولت آرژانتین برای نرمال عمل کردن باعث شده که مسئله دائماً کم‌تر نرمال شود. کشورهای نرمال نیازمند سیاست‌های درآمدی نیستند. اما دورنبوچ شاید در این‌جا به سادگی بگوید که کشورهایی در وضعیت آرژانتین به احتمال خیلی زیاد به این مسئله نیاز پیدا کنند. ماکری رفتنی است اما مشکلات آرژانتین جان‌سخت‌تر از این حرف‌ها به نظر می‌رسند. ■

رودیکر دورنبوچ، اقتصاددان افسانه‌ای، زمانی به شاگردانش در دانشگاه ام‌آی‌تی گفت: «هرگاه به کشوری می‌روم، آن‌ها می‌گویند که اینجا متفاوت است. اما هیچ‌وقت چنین نیست.» برای بسیاری از کشورها، کلمات این اقتصاددان حکم یک آذیر خطر را دارند. برای آرژانتین اما حکم یک آرام‌بخش بسیار خوب را داشتند. این کشور از یک بحران اقتصادی به بحران بعدی وارد می‌شود و همین مسئله باعث شده که اخیراً کنترل‌های اخیری بر مسیر ارز مجدداً قرار بگیرند و بدهی‌ها مجدداً برنامه‌ریزی شوند. رأی‌دهندگان این کشور هم که از این پوپولیست به آن لیبرال حرکت می‌کنند چشم خود را به این هدف دوختند تا دولت لیبرال مائوریسیو ماکری را در همین پاییز کنار زده و دولت دونفره پوپولیستی آلبرتو فرناندز و کریستینا فرناندز دی کریچنر، رئیس‌جمهوری پیشین، را روی کار بیاورند. بنابراین خیلی ساده می‌توان به این نتیجه رسید که آرژانتین با بقیه متفاوت است، اما این تفاوت چیزی مثبت نیست.

کلمات دورنبوچ سنگ‌بنای مقاله‌ای جدید از فدریکو استورزنگر را ایجاد کردند که در آن دانشگاه شاگرد او بوده و پس از آن به ریاست بانک مرکزی آقای ماکری رسیده و تا سال ۲۰۱۸ هم در این سمت قرار داشته. استورزنگر دفاعی خلاف جریان از آقای ماکری می‌کند. دفاع او به طور مشخص بر سیاست‌های مالیاتی ماکری و هدف‌گیری تورمی اشاره دارد. استورزنگر می‌گوید که این سیاست‌ها در همه‌جای جهان جواب داده و باید در آرژانتین هم جواب می‌داد، منتها به شرطی که به خوبی و درستی پیاده می‌شد.

## ما با بقیه فرق داریم

ماکری میراثی از کسری بودجه وحشتناک را تحویل گرفت. او به منظور جلوگیری از ریاضتی که در دولت‌های راست‌گرای پیشین اتفاق افتاده بود، پیشنهاد داد که حساب‌ها بر اساس سرعتی متعادل و تراز شوند که به لحاظ سیاسی شدنی باشد. استورزنگر می‌گوید مشکل این نبود که او کسری را تنها به تدریج کاهش داد، بلکه این بود که او حتی به تدریج هم این کار را نکرد. در اولین سال ریاست جمهوری او کسری بودجه از ۳٫۸ درصد تولید ناخالص داخلی به ۴٫۲ درصد رسید. با بالا رفتن تورم در سال ۲۰۱۸، بهبودی اندک در این زمینه حاصل شد زیرا هزینه مستمری‌های عمومی که در سال ۲۰۱۷ شاخص خورده بودند، کاهش پیدا کرد.

دومین ادعای استورزنگر حتی از اولی هم جنجالی‌تر است. پس از یک دوره گذار بسیار کوتاه، بانک مرکزی ماکری یک چارچوب اقتصاد کلان متداول را انتخاب کرد و از نرخ‌های بهره به منظور هدف قرار دادن تورم و رسیدگی به نرخ ارز بهره برد. تا پایان سال ۲۰۱۷، به گفته استورزنگر، این سیاست جواب داد و همه راضی بودند. تورم مرکزی تا نصف سقوط کرد و به پایین ۲۰ درصد رسید. انتظار می‌رفت که در سال بعد از آن به

## چرا باید خواند:

مائوریسیو ماکری پس از چهار سال ریاست جمهوری آرژانتین تقریباً نتوانست هیچ مشکلی را حل کند. این مسئله در حالی است که او روشن‌ترین و پذیرفته‌شده‌ترین تصمیمات اقتصادی را گرفت. عده‌ای می‌گویند این تصمیمات به شکلی دقیق و وفادارانه اجرا نشده‌اند و عده‌ای دیگر می‌گویند نباید بر شرایط غیرعادی تصمیمی عادی گرفت.

ماکری میراثی از کسری بودجه وحشتناک را تحویل گرفت. او به منظور جلوگیری از ریاضتی که در دولت‌های راست‌گرای پیشین اتفاق افتاده بود، پیشنهاد داد که حساب‌ها بر اساس سرعتی متعادل و تراز شوند که به لحاظ سیاسی شدنی باشد. استورزنگر می‌گوید مشکل این نبود که او کسری را تنها به تدریج کاهش داد، بلکه این بود که او حتی به تدریج هم این کار را نکرد

ایلان ماسک بزرگ‌ترین غول سبز جهان در حال حاضر است. او با بنگاه پرداخت آنلاین پی‌پال، پول خوبی به جیب زد و آن را وارد کمپانی خودروساز تسلا کرد. این کمپانی خودروسازی در حال حاضر با مشکلاتی روبه‌رو است. سال گذشته تقریباً یک میلیارد دلار از دارایی‌ها و ارزش این شرکت از دست رفت.

## [ سرمایه‌داری اقلیمی ]

# سرمایه‌داران محیط زیستی پول زیادی را قمار کرده‌اند

## مشکلی اقلیمی پدید آمده و خیلی‌ها از آن انتظار سود دارند

فرایند قرار دارد. سبک خاص او و سرمایه‌گذاری‌های اولیه‌اش در عرصه معدن کاری باعث شد که نشریات به او لقب «باب سمی» بدهند. اما سرمایه‌های او در فلزهای باتری، باعث شد که او امروزه چهره‌ای سبزتر به خود بگیرد. او در استرالیا کبالت و نیکل استخراج کرد، و توسعه آن چیزی که می‌تواند دومین معدن مس جهان در آفریقا است، کار بعدی او در برنامه اجرا است. سرمایه‌گذاری مشترک او با سرمایه‌گذاران چینی باعث شده که در حال حاضر فعالیت‌های بسیار مهمی بر روی سولفات فلزها برای باتری‌های لیتیوم یونی صورت می‌گیرد.

### جزئیاتی جدید از سرمایه‌های سبز در راه است

وانگ چونفو نزدیک‌ترین فرد چینی به ماسک است. کمپانی‌ای که او در سال ۱۹۹۵ راه‌اندازی کرد، باتری‌های با قابلیت شارژ مجدد تولید می‌کرد. امروزه این کمپانی در شهر شنژن سلول‌های خورشیدی، خودروهای برقی، ماشین‌آلات سنگین، قطعات تلفن موبایل و چیزهایی دیگری را تولید می‌کند که نیازمند یک مخزن برای انرژی هستند. برکشایر هاتاوی که تحت تملک وارن بافت قرار دارد ۲۳۲ میلیون دلار در کمپانی بی‌وای‌دی که همان کمپانی چونفو است، سرمایه‌گذاری کرده. ارزش این سهم امروز بیش از ۱.۵ میلیارد دلار است و فروش این کمپانی سال پیش از ۱۸ میلیارد دلار هم بیشتر شد و همین عدد باعث شد که این شرکت در شماره بزرگ‌ترین تولیدکنندگان باتری و خودروهای الکتریکی قرار بگیرد.

افراد دیگری هم مانند همین ماسک و فرایدلند و وانگ در فهرست ما قرار دارند که به دنبال توسعه دادن ایده‌های سبز خود هستند. ژانگ یو، رفیق وانگ، مدیریت براد گروه را بر عهده دارد که تولیدکننده بزرگی در صنعت چیلر سازی است و گرمای پسماند را بازیافت می‌کند. در برزیل روبنز اومتو را داریم که پشت بزرگ‌ترین بنگاه بیوانرژی جهان ایستاده و اولین میلیارد در اتانولی جهان است. کمپانی او، به نام کوسان، قند تولید می‌کند و با یک سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت شل که گولی در عرصه انرژی است، به تولید اتانول نیشکر روی آورده‌است. در آلمان هم آلویس واین را داریم که اولین توربین بادی خود را در دانشگاه ساخت و پس از آن یک مدل با سرعت متغیر را ایجاد کرد که به اثر کان تبدیل شد. فهرست افرادی که با ورود به صنایع سبز و پاک و توسعه ایده‌هایی در این زمینه، به شرایط اقلیمی کمک می‌کنند کم نیست، اما این نکته را هم به طور کل نباید فراموش کرد که این افراد با این کار سود خود را هم دوچندان می‌کنند. ■

از اوایل این دهه کارها و سرمایه‌های بسیاری به سمت فن‌آوری‌های پاک روانه شد. با توجه به گزارش بنگاه پژوهشی بلومبرگ، بیش از ۲.۶ تریلیون دلار از سال ۲۰۱۰ به این سو صرفاً وارد انرژی کم‌کربن شده‌است که جزئیات آن را در نمودار می‌بینید. حالا که سوبسیدهای این سیاست در سراسر دنیا ضعیف شده بسیاری از این سرمایه‌گذاران به فکر تجدید نظر افتاده‌اند.

گروهی از فعالان صنعتی و کارآفرینان پافشاری بیشتری روی این مسئله می‌کنند. پیمایش خود نشریه ما یعنی اکونومیست ۱۲ چهره کارآفرینی را که در عرصه اقلیم رویکردی دوستانه دارند شناسایی کرده که مجموع ثروشان ۲۰۰ میلیارد دلار است. برخی، نظیر ایلان ماسک، بیل گیتس و مایکل بلومبرگ، نام‌هایی شناخته‌شده هستند. افراد دیگر شهرت کمتری خارج از حیطه صنعتی

خود دارند. این افراد یا در صنایع پیش‌رفته‌ای نظیر خودروهای الکتریکی و توربین‌های بادی فعالیت می‌کنند یا در صنایعی مانند شبکه‌های وولتاژ بالا و برگرهای بدون گوشت حضور دارند که سرعت رشدی بسیار بالا دارند. همه این افراد می‌خواهند کار خیری برای کره زمین انجام دهند و البته بسیاری از آن‌ها انتظار سودی برای خودشان هم دارند.

ایلان ماسک بزرگ‌ترین غول سبز جهان در حال حاضر است. او با بنگاه پرداخت آنلاین پی‌پال، پول خوبی به جیب زد و آن را وارد کمپانی خودروساز تسلا کرد. این کمپانی خودروسازی در حال حاضر با مشکلاتی روبه‌رو است. سال گذشته تقریباً یک میلیارد دلار از دارایی‌ها و ارزش این شرکت از دست رفت. اما این کمپانی توانسته که خودروهای الکتریکی را از یک کنجکاوی ضعیف به یک موضوع مطلوب تبدیل کند، و پس از اینکه مدل ۳ خود را به شکلی انبوه بازاریابی کرد، توانست به سطحی قابل اعتماد برسد. تولید «مدل ۳» به موانعی برخورد کرده اما هیچ بنگاه بزرگ خودروسازی در حال حاضر نمی‌تواند بدون ای‌وی‌اس خود حرکت کند.

ماسک میلیارد‌ها دلار را هم وارد صنعت باتری کرده، برای تسلا و به منظور متعادل کردن شبکه‌های برق. مواد معدنی موجود در این باتری‌ها در دستان غول بعدی ما یعنی رابرت

چرا باید خواند:

بسیاری از غول‌های

ثروتمند جهان که

در صنایع گوناگون

حضور دارند، ایده‌ها

و سرمایه خود را به

سمت فن‌آوری‌های پاک

چرخانده‌اند و به احتمال

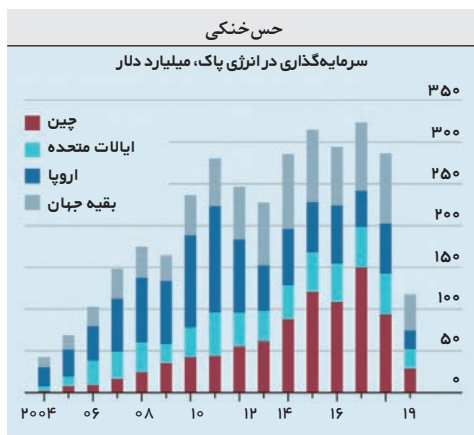
زیاد به آینده محیط

زیست کمک می‌کنند، اما

این مسئله برای آن‌ها

سود بسیار زیادی هم

داشته و خواهد داشت.



در برزیل روبنز اومتو را داریم که پشت بزرگ‌ترین بنگاه بیوانرژی جهان ایستاده و اولین میلیارد در اتانولی جهان است. کمپانی او، به نام کوسان، قند تولید می‌کند و با یک سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت شل که گولی در عرصه انرژی است، به تولید اتانول نیشکر روی آورده‌است

این روزها جهان بینی کایزر باعث شده که تیرهای زیادی به او تعلق بگیرد. اما نباید فراموش کنیم که کارنامه شش ساله او در غول صنعتی آلمان هم دستکم مستحق همین میزان توجه است.

## [ شرکت خوشه‌ای ]

# هیچ کس نمی‌گفت اصلاح زیمنس کاری ساده است

## بررسی کارنامه جو کایزر در غول صنعتی آلمان

### اختلاف نظرهای جالب

خیلی‌ها فکر می‌کردند که در این زمان، زیمنس دیگر نیازی به اصلاح ساختاری ندارد، اما کایزر این مسئله را سرعت هم بخشید. او برند آسرام که در تولید لامپ‌های روشنایی فعالیت می‌کرد را فروخت و تولید وسایل آشپزخانه نظیر ماشین لباسشویی را هم به بوش واگذار کرد و تولید سمک‌ها را هم به یک بنگاه اسکندیناویایی سپرد. کایزر بازوی تولید توربین بادی زیمنس را با شرکت گامسای اسپانیا پیوند زد و بخش فعال در فن‌آوری‌های پزشکی این شرکت را وارد بازار بورس فرانکفورت کرد. شرکت‌های خوشه‌ای سنتی به نظر کایزر آینده‌ای ندارند، زیرا کمبود تمرکز لازم در آن‌ها باعث می‌شوند که در نهایت کاری میان‌مایه و ضعیف ارائه دهند. البته باید گفت که این رژیم غذایی جدید به طور کامل به نتایج مطلوب خود نرسیده‌است. از ابتدای سال ۲۰۱۷ تا امروز زیمنس عملکرد نسبتاً ضعیفی در بازار بورس آلمان داشته و رقبایی نظیر آلتوم فرانسه و فیلیپس هلند وضعیتی نسبتاً بهتر داشته‌اند. اتحادیه اروپا از ماه فوریه جلوی ادغام بخش ریل‌سازی این کمپانی با آلتوم را گرفته‌است و دلیل آن را هم مسائل مربوط به رقابت ذکر کرده‌است. کایزر به دنبال راه‌های جایگزینی مانند قرار دادن در بورس عمومی است. زیمنس در اواسط ماه مرداد نتوانست انتظارات تحلیل‌گران را برآورده کند. اواخر شهریور همین امسال هیئت نظارت این کمپانی پیشنهاد داد که مایکل سن، که در هیئت مدیره این کمپانی قرار دارد، باید مدیریت بخش انرژی آن را بر عهده بگیرد که به احتمال زیاد به زودی به فروش خواهد رسید. از سوی دیگر هم رولاند بوش، رئیس عملیات و فن‌آوری، را به عنوان معاون مدیر عامل منصوب کردند و او به احتمال زیاد در نهایت جانشین کایزر شود. بوش که تجربه نظارت بر شاخه‌های دیجیتال و اتوماسیون را دارد، شاید گزینه مناسبی برای هدایت زیمنس به دوران بعدی باشد. کایزر تا سال ۲۰۱۷ کارنامه خوبی داشت و از آن به بعد وضعیتی متوسط را از سر گذراند. شاید وقت آن باشد که این وظیفه را به نفر بعدی بسپارد و مثلاً شانس خود را در دنیای سیاست امتحان کند.

جو کایزر چهره‌ای عجیب در حرفه خود به حساب می‌آید. این مرد ۶۲ ساله سرشار از انرژی است. توییت‌های جالب او که هم به زبان انگلیسی منتشر می‌شوند و هم آلمانی، درباره دل‌مشغولی و نگرانی‌اش درباره ظهور راست افراطی در آلمان، در دید او به عنوان بخشی از وظیفه کاپیتانی او در صنایع آلمان جا می‌افتد. جسارت کایزر باعث شده که او دوستان زیادی به دست آورد و از سوی دیگر دشمنان سفت و سختی هم برایش پیدا شده‌اند. دشمنان او می‌گویند جنس روابط عمومی کایزر بیش از حد حساب‌شده، دورو و چیزهایی بسیار بدتر است. او به خاطر دیدار با ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه، که با فاصله کمی پس از حوادث کریمه رخ داد به شدت مورد انتقاد قرار گرفت و خیلی‌های دیگر می‌گویند که او نباید رابطه خوبی با عربستان سعودی و چین می‌داشت و با آن‌ها معاملات بزرگی می‌کرد. همین مسائل باعث شد که نشریه زوریخ نو درباره او این تیتراژ بزند که «ندای اخلاقیات بیش از حد انعطاف‌پذیر است». کایزر خودش هم پذیرفته که ارزش‌های اخلاقی و منافع کسب و کار می‌توانند با هم در تضاد قرار بگیرند: «خط بسیار باریکی وجود دارد. ارزش‌ها همیشه منجر به ایجاد اشتغال نمی‌شوند.» این روزها جهان‌بینی کایزر باعث شده که تیرهای زیادی به او تعلق بگیرد. اما نباید فراموش کنیم که کارنامه شش ساله او در غول صنعتی آلمان هم دستکم مستحق همین میزان توجه است. کایزر پسر یک مکانیک از منطقه لور باواریا است که به مدت ۴۰ سال در زیمنس کار می‌کرد. زمانی که او از مدیر امور مالی به مدیرعاملی این کمپانی رسید، تنها دو بخش از نه بخش این گروه وضعیت خوبی داشتند. بخش قابل قبولی از فروش این شرکت توسط کسب‌وکارهایی ایجاد شد که در آن زمان اصلاً سودآور نبودند. کایزر بوروکراسی حجیم این گروه را سبک کرد، منابع انسانی را تمرکز بخشید و دیگر کارکردها و بخش‌ها را هم بر روی توسعه، ساخت و فروش محصولاتشان متمرکز کرد. تا سال ۲۰۱۷، بیشتر کار انجام‌شده به نظر می‌رسید. قیمت سهام زیمنس به اوجی رسید که آخرین بار در سال ۲۰۰۷ دیده شده بود. همین مسئله باعث شد که هیئت ناظر بر مدیریت این کمپانی، دوره مدیریت کایزر را تا سال ۲۰۲۱ تمدید کند.

### چرا باید خواند:

جو کایزر مدیر عامل

زیمنس است. او از

چند جهت جالب

است: اظهار نظرهای

و عملکردهای

اخلاقی و سیاسی

جنجال برانگیزی دارد و

توانست تا سال ۲۰۱۷

زیمنس را به سطح سود

اوج خود برگرداند. این

مسئله در حالی طرح

می‌شود که زیمنس از

۲ سال پیش به این سو

وضعیت خیلی جالبی را

از سر نمی‌گذراند و شاید

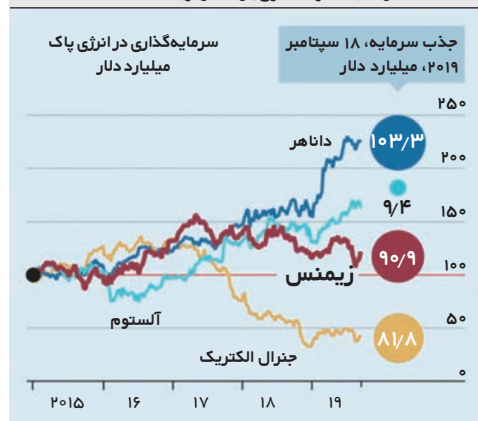
دوران کایزر به پایان

رسیده باشد.

خیلی‌ها فکر می‌کردند که در این زمان، زیمنس دیگر نیازی به اصلاح ساختاری ندارد، اما کایزر این مسئله را سرعت هم بخشید. او برند آسرام را که در تولید لامپ‌های روشنایی فعالیت می‌کرد فروخت و تولید وسایل آشپزخانه نظیر ماشین لباسشویی را هم به بوش واگذار کرد و تولید سمک‌ها را هم به یک بنگاه اسکندیناویایی سپرد.



وضعیت جو، مجموع بازده، ۱ ژانویه ۲۰۱۵=۱۰۰



# ..... کتاب ضمیمه .....

## افتادن از آن سوی بام

کسانی که نگران محدودیت ابراز عقیده‌اند گروه‌های افراطی را دست‌کم می‌گیرند





**ما حکایت‌های نویی  
می‌خواهیم؛ مقابله با  
افسانه‌های زهرآگین پس  
پشت عصر نارضایتی ما**  
نسرین مالک  
ناشر: دابلو اند ان (ویدنفلد اند  
نیکلسون)  
۲۰۱۹



درباره نویسنده

نسرین مالک نویسنده‌ای سودانی تبار است که در لندن سکونت دارد و ستون‌نویس و تحلیل‌گر روزنامه گاردین است. به‌طور پاره‌وقت نیز در برنامه‌های بی‌بی‌سی در مقام کارشناس ظاهر می‌شود.

چالش کردن با افسانه بحران آزادی بیان به این معنی نیست که وضعیت را طوری کنیم که نظارت و بازرسی و همچنین سانسور بیش از این افزایش پیدا کند. بلکه در عوض، چالش کردن چنین انجام می‌شود که بحث کنیم که اساسا بحرانی در زمینه آزادی بیان وجود ندارد. بیان عقاید و نظرات اگر آزادتر و بیش از هر پدیده دیگری بدون نظارت نباشد، کمتر نیست.

## افسانه بحران آزادی بیان

کسانی که نگران محدودیت ابراز عقیده‌اند گروه‌های افراطی را دست کم می‌گیرند

ترجمه: سعید ارکان زاده یزدی

در نتیجه، روزنامه گاردین سیاست‌های خود را اصلاح کرد و تصمیم گرفت که کامنت‌ها را برای مطالبی که اطمینان داشت از خط خارج می‌شوند ببندد. ناظران کامنت‌ها وظیفه داشتند از نویسنده‌ها و کسانی که مورد آزار و اذیت آنلاین قرار می‌گرفتند مراقبت کنند و همچنین وظیفه داشتند که مواظب نویسندگان جدید باشند که ممکن بود دلسرد شوند اگر دریابند شروع کار روزنامه‌نگاری این روزها با این واقعیت همراه است که نمی‌توان جلوی خشونت آنلاین را گرفت و چنین اتفاقاتی در این کار اجتناب‌ناپذیر است. در کنار نگرانی‌های اخلاقی، نگرانی‌های حرفه‌ای و تجاری هم وجود داشت. به‌اندازه کافی نیروی انسانی وجود ندارد که در آن واحد همه کامنت‌ها ارزیابی و مدیریت شوند و این کار توجه خیلی زیادی می‌طلبد که هم نیروی حرفه‌ای برایش لازم است و هم بودجه قابل توجه.

در ۱۰ سال گذشته، بسیاری از پلتفرم‌های رسانه‌ای و رسانه‌های اجتماعی درگیر شیوه مدیریت کاربرانی بوده‌اند که بیش از پیش لحن تیز و اثرگذاری دارند و از آن سو، این پلتفرم‌ها می‌خواهند که به‌اندازه کافی فضا برای بیان آزاد و بازخورد و تعامل کاربران هم نگه دارند. بیان هیچ‌وقت این چنین آزادتر و رهاتر از میانجی و واسطه نبوده است. هرکسی می‌تواند با دسترسی به اینترنت یک حساب کاربری بسازد و بنویسد، توییت بزند، وبلاگ‌نویسی کند یا کامنت بگذارد، با کمترین نظارت روی او و بررسی حرف‌هایش و بدون مانعی در مهارت‌های فنی او. اما هدف این پیشرفت در روش‌های بیان عقاید و نظرات در وهله اول زنان، اقلیت‌ها و ستمدیدگان بوده است.

در سال ۲۰۱۷، موسسه نظرسنجی پیو اعلام کرد که «شمار گسترده‌ای از

وقتی نوشتن یک یادداشت را برای روزنامه گاردین شروع می‌کردم، نظر خوانندگان را می‌پرسیدم و درگیر کامنت‌هایی می‌شدم که نکته‌های خوبی می‌گفتند اما بعد کامنت‌هایی می‌آمد که وادار می‌شدم دوباره مطلب را بخوانم و باز از اول این ماجرا تکرار می‌شد. کامنت‌ها ۷۲ ساعت باز بود و مرتب خوانندگان نظر خود را می‌دادند. در آخر کار که یادداشت منتشر می‌شد، من احساس کسی را داشتم که یک کشتی را بعد از چند روز از یک دریای مواج به لنگرگاه رسانده است، مثل یک دستاورد بزرگ، چیزی که من و خوانندگان با هم پیش برده بودیم. ما با حساسیت زیاد بحث می‌کردیم، ایده‌های پیچیده‌ای درباره سیاست، نژاد و جنسیت مطرح می‌شد و در پایان، از طریق یک مکالمه گام‌به‌گام ما به جایی رسیده بودیم. از یک دهه پیش تاکنون، لحن این کامنت‌ها بسیار شخصی‌تر و آزارنده‌تر شده است، به‌طوری که اغلب آن کشتی بدون اینکه به ساحل برسد غرق می‌شود. ناظرانی که روی کامنت‌ها نظارت می‌کردند، معمولا در این مواقع به‌راحتی آنچه را مخاطبان به اشتراک گذاشته‌اند حذف می‌کنند و خیال را آسوده می‌سازند. وقتی اولین بار چنین اتفاقی برای من افتاد، با خودم گفتم لابد یک اشتباه شخصی باعث آن شده، شاید لحن درستی را انتخاب نکرده‌ام یا به‌اندازه کافی همه نظراتم را نگفته‌ام و با این کار، خوانندگان را برانگیخته‌ام که فکر کنند بدون صداقت بوده‌ام یا افکاری فتنه‌انگیز دارم. در طول زمان، برایم روشن شد که نوشته‌های من همان بوده که هست. کامنت‌نویسان بوده‌اند که تغییر کرده‌اند. بحث کردن بدون اینکه تقریبا در همه مسائل واکنش‌هایی حاوی خشونت و عصبیت مجازی نباشد، خیلی دشوار شده است. اگر کسی سفیدپوست با مرد نباشد، این اتفاق خیلی دشوارتر رخ خواهد داد.

سدهای درست شود جلوی گروه‌های به‌حاشیه‌راندیده جامعه که میزان سرمایه کمتری دارند یا گروه‌هایی که توان کمتری برای پیش‌برد اهداف خود دارند، مثلاً گروه‌های حامی رهایی زنان. این‌ها اهداف خوبی هستند هرچند که ممکن است شما با چگونگی رسیدن به این اهداف موافق نباشید. اما اینکه خواهان این باشیم که آزادی بیان کمتری داشته باشیم - یا کسانی که عقیده‌ای مشابه ما ندارند ساکت شوند یا حرف‌زدن برای آن‌ها ممنوع باشد - بوی آزادی‌خواهی نمی‌دهد. دشوار است که شما در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنید به نفع آزادی بیان کمتر صحبت کنید چون مطمئناً محدود کردن حق بیان به خود شما نیز برخواهد گشت. آیا هرگز روزی فرانخواهد رسید که شما در یک بحث که آزادانه مطرح می‌شود در سمت اشتباه ایستاده باشید اما چون آزادی بیان وجود داشته به شما اجازه حرف‌زدن داده شده است؟

در اینجا هم ذره‌ای از چیزی وجود دارد که همه افسانه‌ها را جامی‌اندازد، چیزی که به سخن گفتن حسی از عدالت، آزادی، پیشرفت و باز بودن می‌دهد و اجازه می‌دهد این افسانه‌های کلی‌مسکانه دستکاری شوند تا شکلی مشروع و خوب پیدا کنند. اما چالش کردن با افسانه بحران آزادی بیان به این معنی نیست که وضعیت را طوری کنیم که نظارت و بازرسی و همچنین سانسور بیش از این افزایش پیدا کند. بلکه در عوض، چالش کردن چنین انجام می‌شود که بحث کنیم که اساساً بحرانی در زمینه آزادی بیان وجود ندارد. بیان عقاید و نظرات اگر آزادتر و بیش از هر پدیده دیگری بدون نظارت نباشد، کمتر نیست. هدف افسانه آزادی بیان این است که مردم را مقصر جلوه دهد تا جایی که حق خودشان برای واکنش نشان دادن به حملات و تلاش‌ها برای رفع بدنامی از نژادپرستی و تبعیض را رها کنند. هدف این افسانه این است که از افراد خوب و موجه اخاذی کند تا جا برای افکار بد باز شود، حتی اگر افراد خوب حق مشروع داشته باشند که این مسائل را نپذیرند. و این افسانه جزو مواردی است که برعکس، می‌خواهد خودش ساکت باشد و آزادی فردی را تضعیف کند. پذیرش افسانه بحران آزادی بیان به این معنی است که شما حق خود را برای خاموش کردن کامنت‌ها کنار بگذارید.

### خشم‌نمایشی

در همین زمان که پلتفرم‌های جدید در حال تکثیر شدن در اینترنت هستند، یک حرکت معکوس دست‌راستی نیز در فضای آنلاین در حال رخ دادن است. ادعا شده است که تمام سخن‌ها باید اجازه بیان داشته باشند بدون اینکه عواقبی داشته باشند یا اینکه تعدیل شوند و همچنین این ادعا مطرح می‌شود که آزادی‌خواهان در حال تضعیف مفروضات آزادی بیان هستند. در اواخر دهه ۲۰۰۰ من این وضعیت را درک کردم، زمانی که حرف‌های برخی از کسانی که عقاید مخالفی با عقیده روحانی جمعی داشتند

افراد طبقات متوسط «آمریکایی‌آزار و اذیت آنلاین را تجربه کرده‌اند اما مسئله اینجاست که آزارهای کثرت به‌سوی اقلیت هدایت شده به‌طوری که یک‌چهارم آمریکایی‌ها گزارش کرده‌اند که بابت نژاد یا قومیت‌شان، در محیط‌های آنلاین به آن‌ها حمله شده است. ۱۰ درصد از اسپانیایی‌تبارها و ۳ درصد از سفیدپوستان چنین گزارش داده‌اند. این تصویر در بریتانیا چندان متفاوت نیست. در سال ۲۰۱۷، یکی از گزارش‌های سازمان عفو بین‌الملل توییت‌هایی را که به ۱۷۷ نماینده زن مجلس عوام بریتانیا ارسال شده بود تحلیل کرد. ۲۰ نماینده که پیش‌زمینه خانواده‌های سیاه‌پوست یا اقلیت‌های قومی داشتند تقریباً نیمی از کل توییت‌های حاوی آزار و اذیت را دریافت کرده بودند.

اکثر قریب به اتفاق این آزار و اذیت‌ها بدون تنبیه می‌مانند. عقل سلیم به‌نوعی نشان می‌دهد که آزادی بیان تحت آزار و حمله قرار گرفته است. مثلاً در دانشگاه‌ها چنین آزارهایی علیه افراد با اقلیت‌های نژادی و قومی فراگیر شده و چنین افرادی می‌ترسند از اینکه نظرات خود را بیان کنند. در رسانه‌های اجتماعی نیز انواع و اقسام جوک‌ها و نیش‌های زبانی علیه اقلیت‌ها شایع است. ظاهراً ارزش‌های عصر روشنگری و حق آزادی بیان و آزادی فرد با تهدید مواجه شده است. ادعا شده است که علت این اتفاق تمامیت‌خواهی لیبرال است که میزان تحمل کاهش یافته است. ظواهر امر شبیه به دوران فاشیست‌ها شده که برای ساکت کردن افراد به آن‌ها حمله می‌کردند و حمایت از افراد ضعیف به‌سادگی کنار گذاشته می‌شد و آن‌ها باید از بین می‌رفتند یا خاموش می‌شدند.

این وضعیت همان افسانه بحران آزادی بیان است. این افسانه دنباله افسانه صحت‌سیاسی است، یعنی اینکه در سیاست همه آدم‌ها صادق و صحیح هستند و راه‌های درست و صادقانه‌ای را دنبال می‌کنند. بحران آزادی بیان دگرگونی‌ای است که مشخصاً به تلاش‌ها یا شواهدی ارتباط دارد که می‌خواهند سخنان نفرت‌پراکن را عادی‌سازی کنند یا واکنش‌های مشروع و معقول به آن را خفه کنند. هدف این افسانه این نیست که آزادی بیان را تضمین کند، آزادی بیانی که عبارت است از حق بیان عقاید یک فرد بدون سانسور، قیدوبند یا تنبیه قانونی. هدف این است که مجوز سخن گفتن همراه با مصونیت را تضمین کند، یعنی نه فقط آزادی بیان بلکه بیشتر آزادی از عواقب آن بیان را.

افسانه آزادی بیان دو مولفه دارد: اولینش این است که هر بیانی باید آزاد باشد و دومی این است که آزادی بیان به‌معنی رهایی از مخالفت با آن بیان است. اولین بخش از این افسانه یکی از چالش‌برانگیزترین مواردی است که مدام جلوی موانع زیادی قرار می‌گیرد چون به‌طور غریزی احساس می‌شود که کار درستی نیست. به‌نظر می‌رسد که این اصل که هر بیانی باید آزاد باشد یک خواسته ارزشمند است که خواهان صداقت بیشتر سیاسی، متانت و اتخاذ روش‌های خوب در استفاده از زبان است تا حصار و



هدف افسانه آزادی بیان این است که مردم را مقصر جلوه دهد تا جایی که حق خودشان برای واکنش نشان دادن به حملات و تلاش‌ها برای رفع بدنامی از نژادپرستی و تبعیض را رها کنند. هدف این افسانه این است که از افراد خوب و موجه اخاذی کند تا جا برای افکار بد باز شود، حتی اگر افراد خوب حق مشروع داشته باشند که این مسائل را نپذیرند.

مطرح می‌شد. برخی از طرفداران افسانه بحران آزادی بیان که می‌گفتند جامعه آزادی کافی برای بیان عقاید همه را ندارد، از برخی سفسطه‌های کلامی استفاده می‌کردند تا به اهداف خود برسند. مثلاً می‌گفتند که «اسلام نژاد نیست» تا بتوانند به این طریق میزان تبعیض و اسلام‌هراسی خود را پنهان کنند. اگر گاردین مقاله‌ای از من را منتشر می‌کرد اما به‌دلایلی قسمت کامنت‌های آن را می‌بست، خوانندگان حساب کاربری مرا به هر ترتیبی که شده در رسانه‌های اجتماعی پیدا می‌کردند و علیه سانسور فریاد می‌زدند و سپس ناسزا نثار می‌کردند.

هرچه پلت‌فرم‌های رسانه‌ای و رسانه‌های اجتماعی بیشتر و بیشتر می‌شوند، روش‌های بیشتری برای من وجود دارد تا از طریق آن‌ها بازخورد مطالبم را از طرف خوانندگان بگیرم. می‌توانم آدرس حساب‌های کاربری در رسانه‌های اجتماعی را بدهم که آن‌ها بتوانند نظرم را بدانند و خود بر اساس چیزی که تصور می‌کنند عمل کنند. بازخوردهایی که می‌گیرم مرا به این نتیجه می‌رساند که به جایی برگردم که قبلاً بوده‌ام، یعنی به صفحات نسخه چاپی نشریه یا چند وب‌سایت. بخش کامنت‌ها به‌نظر زائد و بی‌فایده می‌رسد. اکنون کل اینترنت تبدیل به یک رشته کامنت شده است. در نتیجه، رسانه‌های جریان اصلی شروع کردند به مقابله با این میزان اشباع‌شده از عقاید و دیدگاه‌ها اما با ارائه معادل‌های نادرست از بحث عمومی، در حل این معضل به جایی نرسیدند. اکنون هر دیدگاهی باید دیدگاه مخالف خود را هم داشته باشد.

سال‌ها قبل من شروع کردم به ارزیابی این مسئله در برخوردهای رسانه‌ای خودم. معمولاً از سوی درگاه‌های رسانه‌ای بی‌طرف مثل بی‌بی‌سی با من تماس می‌گرفتند تا در بحث‌های بیش‌ازپیش مضحکی با دیگر روزنامه‌نگاران یا سیاستمداران شرکت کنم که دیدگاه‌های افراطی داشتند. مباحث که حول نژاد، مهاجرت، اسلام و تغییر اقلیمی می‌چرخید بیشتر از گذشته تبدیل می‌شد به بحث‌هایی قطبی‌شده و دوتایی‌هایی از آن‌ها شکل می‌گرفت، حتی در شرایطی که دوتایی روشنی وجود نداشت که بتوان در بحر آن فرو رفت. کسانی که تغییر اقلیمی را قبول نداشتند اجازه داشتند حرف‌های غلط خود را درباره معکوس شدن روند تغییرات اقلیم

در رادیو و تلویزیون بگویند. با اقلیت‌های قومی تماس می‌گرفتند تا با نژادپرستی و بیگانه‌هراسی که با لاف نازکی پوشانده شده بود مخالفت کنند. من در مورد خودم دریافتم که در کنار دیگر روزنامه‌نگاران، به‌طور مرتب قربانی حملات غافلگیرانه می‌شویم. من یک برنامه اخبار شبانه‌گاهی بی‌بی‌سی شرکت می‌کردم تا درباره اتفاقی صحبت کنم که در آن، یک نژادپرست راست‌گرای افراطی با ماشین خود به پیاده‌روی یک مسجد آمده بود و یکی از عبادت‌کنندگان را کشته بود و سعی می‌کردم این نکته را روشن کنم که به‌اندازه کافی روی رشد تهدید تروریسم راست‌گرا تمرکز نشده است. آن‌گاه

مجری از من می‌پرسید: «آیا تا به حال با این حملات مواجه شده‌اید؟ یک مثال برایمان بزنید.» این سؤالات تبدیل شده بودند به یک خط برای مصاحبه‌ها، یعنی شخصی‌سازی و برانگیختن یک بحث شخصی در زمانی که آنچه لازم بود تحلیل بود.

متداول شده بود که من و همکارانی که مثل من فکر می‌کردند، وقتی برای رفتن به یک شبکه تلویزیونی یا رادیویی برای بحث بر سر موضوعاتی مثل مهاجرت یا اسلام‌هراسی دعوت می‌شدند، بپرسند که فرد مقابل‌شان کیست. یک نویسنده بریتانیایی - آسیایی برای شرکت در بحثی در بی‌بی‌سی درباره خشم پوپولیستی دعوت شده بود. وقتی فهمید کسی که می‌خواهد در این مناظره با او بحث کند ملانی فیلیپس است - زنی که مهاجران را «متشنج‌کننده اروپا» و «فراری از سازگاری» توصیف کرده بود - از شرکت در برنامه عذر خواست چون اعتقاد نداشت این موضوع چنین چیدمان قطبی‌شده‌ای را ایجاد می‌کند. سردبیر برنامه به او گفته بود: «این برای کتاب شما خوب است. مطمئناً شما هم می‌خواهید که نسخه‌های بیشتری از کتاب به فروش رود.» نویسنده جواب داده بود که اگر نتیجه نپذیرفتن شرکت در مناظره با ملانی فیلیپس این باشد که دیگر هیچ نسخه از کتابش فروش نرود، حاضر است بقیه عمر با همین وضعیت سر کند. این وضعیت اکنون تبدیل به یک گفتمان شده است: نشان‌دادن تعصب و تحجر و سپس دفاع از این خشک‌مغزی در قالب یک «بحث رسانه‌ای» که هر دو طرف مناظره از آن سود می‌برند، مثل یک مسابقه بوکس که حتی به بازنده هم پول پرداخت می‌شود، در کنار پولی که به مربی، تبلیغاتچی و همه کسانی پرداخت می‌شود که در انجام آن مبارزه نقش داشته‌اند. رنی ادو - لاج که نویسنده است به این وضعیت می‌گوید «خشم نمایشی».

دیدگاه‌هایی که قبلاً در قالب مسائل حاشیه‌ای سیاست کنار گذاشته می‌شدند، حالا از طریق رسانه‌های اجتماعی و موسسات رسانه‌ای سنتی که پیش از این هرگز به برنامه‌های آن‌ها دقت نمی‌شد، راه خود را به رسانه‌های جریان اصلی باز می‌کنند. گسترش درگاه‌های رسانه‌ای به این معنی است که نه‌تنها برای صداهای به‌حاشیه‌رانده‌شده این تضمین به وجود آمده که شنیده شوند، بلکه این اتفاق برای دیدگاه‌های افراطی هم افتاده است.

این امر بی‌شک برای دیدگاه‌هایی که حرف‌های قابل‌قبول در نظر گرفته می‌شوند هم رخ داده است. اصطلاحاً «پنجره اورتون» که شامل طیفی از فکری است که توسط عامه پذیرفته می‌شود، در سال‌های اخیر دگرگون شده و دیدگاه‌های بیشتری از حاشیه بحث‌ها به کانون بحث‌ها می‌آیند. هرگونه مخالفت با روی آنتن رفتن این دست دیدگاه‌ها تلاشی برای نابودی آزادی بیان ارزیابی می‌شود. هر موقع که من تلاش کردم در نوشته‌هایم آنچه را که علیه اقلیت‌های نژاد و مذهبی بوده کنار بگذارم و مانع انتشار آن‌ها شوم، کسانی که به دیدگاه‌هایم انتقاد



روزنامه‌گاردین سیاست‌های خود را اصلاح کرد و تصمیم گرفت که کامنت‌ها را برای مطالبی که اطمینان داشت از خط خارج می‌شوند ببندد. ناظران کامنت‌ها وظیفه داشتند از نویسنده‌ها و کسانی که مورد آزار و اذیت آنلاین قرار می‌گرفتند مراقبت کنند و همچنین وظیفه داشتند که مواظب نویسندگان جدید باشند که ممکن بود دلسرد شوند اگر دریافتن شروع کار روزنامه‌نگاری این روزها با این واقعیت همراه است که نمی‌توان جلوی خشونت آنلاین را گرفت و چنین اتفاقاتی در این کار اجتناب‌ناپذیر است

دارند شروع می‌کنند به ساختن یک بحث درباره آزادی بیان در صورتی که در عوض، آن‌ها باید بحثی را شروع کنند درباره آسیب‌های همه‌گیری حرف‌های نفرت پراکن.

### استثنائات آزادی بیان

در اوایل سال ۲۰۱۸، چهار چهره راست افراطی در مرز بریتانیا اجازه ورود به کشور را پیدا نکردند. حضور آن‌ها در بریتانیا «برای خبر عمومی غیرسازنده» تلقی شد. وقتی که من در دفاع از این اقدام وزارت کشور مطلب نوشتم، تاروهای متعددی سیل اذیت و آزار به ایمیل و حساب‌های کاربری‌ام در رسانه‌های اجتماعی روانه شد. وبلاگ‌های رسانه‌های دست‌راستی و برخی از نشریات جریان اصلی متعادل به راست مطالبی را منتشر کردند تا بگویند موضع‌گیری‌ام یک نوع درک نادرست غیرآزادی‌خواهانه از آزادی بیان است. هیچ‌کس در این باره بحث نمی‌کرد که کسانی که ورودشان منع شده و دیدگاه‌های نئونازیستی آن‌ها با خطر سخنان نفرت پراکن یا حتی خشونت‌های بالقوه حضور آن‌ها باید اجازه ورود به کشور را داشته باشد.

آنچه افزایش پیدا کرده ناشکیبایی در قبال بیان دیگران نیست بلکه صرفاً میزان بیان بیشتر است. و به این علت که میزان زیادی از سیل دیدگاه‌هایی که بیان می‌شود از جانب افراطی‌هاست، بیشترین میزان بیان‌ها هم از نوع مخالفت‌برانگیز است که بیشترین مخالفت‌ها را نیز به همراه دارد. این همان دلیلی است که باعث شده شمار معتقدان به افسانه بحران آزادی بیان افزایش پیدا کند، حرکتی که عقب‌نشینی در مقابل افزایش ناشکیبایی یا تعصب به شمار می‌رود. اما معتقدان به این افسانه خوانش اشتباهی از آن دارند و تصور می‌کنند این اتفاق فرصتی برای حفظ انگاره‌های آزادی

بیان است. افزایش بیان دیدگاه‌هایی که مخالفت‌برانگیز هستند همراه با حسی از استحقاق فرد صاحب دیدگاه می‌شود. به عبارت دیگر، به فرد این حق داده می‌شود که حرف‌هایش شنیده شود و کسی با آن چالش نکند و پوشش آزادی بیان ابزاری متداول می‌شود برای پوشاندن افکار افراطی. هواداران آزادی بیان نه تنها می‌خواهند تمام عقاید در تمام پلتفرم‌هایی که انتخاب می‌کنند، از سطح فضای دانشگاه گرفته تا توییتر، شنیده شوند بلکه خواهان این هستند که هیچ مخالفت یا واکنشی نیز علیه آن‌ها ابراز نشود. این خواسته‌ها برای هر کسی که ممکن است در معرض سخنان نفرت پراکن قرار بگیرد مضحک و به شدت سخت است، به علاوه اینکه تیزتر شدن لحن‌ها علیه مثلاً مهاجرت می‌تواند زندگی مهاجران و اقلیت‌ها را دشوارتر کند.

طبق گزارش موسسه «تل ماما» که یک پروژه ملی است که اتفاقات ضداسلامی را در بریتانیا ثبت و تحلیل می‌کند، وقتی بوریس جانسون، نخست‌وزیر بریتانیا، زنانی را که برقع می‌زدند با «صندوق پستی» و «سارقان بانک» مقایسه کرد، باعث شد موجی از وقایع افراط‌گرایانه و نژادپرستانه علیه زنانی به وجود بیاید که نقاب می‌زدند. به گفته هواداران جانسون، اشاره به این موضوع و ربط دادن تمسخر اقلیت‌ها با برانگیختن نژادپرستان علیه آن‌ها، باعث شد جانسون و عملکرد بد او در قبال آزادی بیانی که داشته است به باد انتقاد گرفته شود. ایزابل اوکشات، روزنامه‌نگار بریتانیایی، همان زمان توییت کرد که اگر جانسون از سوی حزبش برای مسئول نبودن در قبال آزادی بیان تنبیه نشود، اشتباه و حشتناکی در رهبری حزب متبوع او رخ داده است. او اضافه کرده بود که مایه تاسف است که «رهبری حزب توری به روشی بزدلانه در مقابل روزهایی که از نظر حرفه‌ای حزب را می‌رنجاند کوتاه می‌آید».



علاوه بر اینکه مدعیان آزادی بیان خود چه عملی انجام می‌دهند، باید گفت که مسئله فراتر از این‌ها رفته و آزار و اذیت آنلاین و ترول‌ها گسترده شده است. حتی می‌توان گفت که ترول کردن به یک صنعت تبدیل شده است. می‌توان گفت که ترول کردن یک کار سودآور است و توهین‌ها و دروغ‌ها در همه رسانه‌های جریان اصلی، از رادیوها و تلویزیون‌ها گرفته تا وبسایت‌ها و خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها، پخش می‌شوند.

از قرار معلوم آزادی بیان این معنی را پیدا کرده است که هیچ کس هیچ حقی ندارد با آنچه هر کسی به هر ترتیبی می‌گوید مخالفت کند - که به این معنی است که نه فقط هیچ کس نباید با گفته‌های بوریس جانسون مخالفت کند که برعکس، کسی نمی‌تواند با مخالفت آن‌ها مخالفت کند. منطق آزادی بیان به جای اینکه ارزش‌های عصر روشنگری را دنبال کند، در گنه خود تبدیل به مسابقه‌ای شده است که در آن، جایگزین «از نظر حرفه‌ای نرنجاندن» تبدیل شده است به از اساس هرگز نرنجاندن. امروزه این منطق از کسانی که به مقابله با بیان دیدگاه‌های نفرت‌انگیز یا آزار و اذیت‌های

کلامی می‌پردازند می‌خواهند که سکوت پیشه کنند. همان‌طور که مدیر موسسه روابط نژاد می‌گوید، «آزادی بیان بر آزادی زندگی تقدم پیدا کرده است».

بحران آزادی بیان که اظهار می‌شود هرگز عملاً درباره آزادی بیان نبوده است. وضعیت پس‌زمینه این افسانه ظهور احساسات ضد‌مهاجرتی و اسلام‌هراسی است. همیشه این‌طور به نظر می‌رسد که هواداران بحران آزادی بیان یک دستورالعمل دارند. آن‌ها قاطعانه تمایل دارند از آزادی بیان خود برای تبلیغ علیه اقلیت‌ها، زنان، مهاجران و مسلمان استفاده کنند.

اما آن‌ها این بدخوبی‌ها را در لوای نگرانی از خیانت یا خیانت‌های مخالفان نظام حاکم می‌پوشانند. مشابه آنچه در مورد هیستری صحت سیاسی دیده می‌شود، در اینجا هم همبستگی مستقیمی بین اوج‌گیری نگرانی از آزادی بیان و اوج‌گیری انرژی سیاسی راست افراطی یا راست بنیادگرا دیده می‌شود. شواهد چنین چیزی در موفقیت‌های جناح‌های راست ضد‌مهاجرت در آمریکا، بریتانیا و سرتاسر اروپای قاره‌ای دیده می‌شود. به همان ترتیب که فضا برای چنین دیدگاه‌ها باز می‌شود، مفهوم آزادی بیان نخبه‌ها و فروپاشیده می‌شود. از هم‌پاشیدگی و درهم‌وبرهم شدن آزادی بیان با معادل‌های نادرستی که برای آن ارائه می‌شود و گیرافتادن بین رویداد و دیدگاه و بین کنش و واکنش، شروع شده است. این گفتمان در باتلاق درک نادرست از آزادی بیان در جایگاه امری قطعی و بی‌قیدوشرط فرو رفته است.

آزادی بیان در قالب خالص‌ترین شکل آن، در خدمت رسیدن به دو هدف است: حفاظت از اتهام‌زنی حکومت، وقتی که با اقتدار قدرت یا یک سنت چالش می‌کند؛ و حفاظت از شهروندان عادی در مقابل ضربه‌خوردن از عواقب یک بیان قطعی مثل افترا. به گفته فرانسیس کاناون در کتاب «آزادی بیان: هدف محدودسازی است»، آزادی بیان باید یک مقصود معقول داشته باشد که عبارت است از تسهیل ارتباط بین شهروندان. تحقیق او شاید آسان‌گیرانه‌ترین تحقیق در زمینه قوانین آزادی بیان به‌طور کلی و اولین متمم قانون اساسی آمریکا به‌طور خاص باشد. جایی که آزادی بیان نتواند به این هدف خدمت کند، محدود می‌شود. آزادی بیان، مثل هم انواع آزادی، وقتی مخل آزادی‌های دیگر باشد به پایان می‌رسد. او می‌نویسد که دیوان عالی



در سال ۲۰۱۷، موسسه نظرسنجی پيو اعلام کرد که «شمار گسترده‌ای از افراد طبقات متوسط» آمریکایی آزار و اذیت آنلاین را تجربه کرده‌اند اما مسئله اینجاست که آزارهای اکثریت به‌سوی اقلیت هدایت شده به‌طوری‌که یک‌چهارم آمریکایی‌ها گزارش کرده‌اند که بابت نژاد یا قومیت‌شان، در محیط‌های آنلاین به آن‌ها حمله شده است. ۱۰ درصد از آسیانیایی‌تبارها و ۳ درصد از سفیدپوستان چنین گزارش داده‌اند. این تصویر در بریتانیا چندان متفاوت نیست

آمریکا «هیچ وقت تفسیر مطلق‌گرایانه از آزادی بیان را نمی‌پذیرد. برای مثال، در موارد افترا، تهمت، شهادت دروغ، تبلیغات دروغ، حرف رکیک، بی‌حرمتی، درخواست انجام جرم یا هر نوع سخنان ستیزانگیز، از آزادی حمایت نمی‌شود. دلیل این استثنائات از متمم اول قانون اساسی آمریکا این است که آن‌ها کمترین میزان رسیدن به مقاصد اصلی آزادی بیان را که ارتباط برقرار کردن، عقل‌گرایی، قدم گذاشتن به‌سوی حقیقت و... باشد را ندارند. به‌طور مختصر، هیچ ارزشی برای رسیدن به مقاصد متمم اول ندارند».

اولین متمم قانون اساسی آمریکا در ۱۵ دسامبر ۱۷۹۱ تصویب شد که یکی

از ده متمم تشکیل‌دهنده منشور حقوق ایالات متحده آمریکاست. متمم اول قانون اساسی ایالات متحده آمریکا به‌کنگه اجازه نمی‌دهد تا در این موارد قانون وضع کند: تثبیت یک دین به‌عنوان دین رسمی، ممنوعیت بر پیروی آزادانه از هر دینی، محدودسازی آزادی بیان، نقض آزادی مطبوعات، مداخله در حق تجمع صلح‌آمیز و منع حق شکایت به منظور جبران خسارت‌ها از سوی دولت. دیوان عالی آمریکا در سال ۱۹۴۲ «سخنان ستیزانگیز» را از موارد حمایت‌شده آزادی بیان در متمم اول قانون اساسی آمریکا تعریف کرد و مشخص کرد که عبارت‌های کبی یا شفاهی حاوی عبارات نفرت‌انگیز یا خشونت‌بار از جمله این سخنان ستیزانگیز هستند. کسانی که به افسانه بحران آزادی بیان معتقد هستند در تمایز بین سخنان ستیزانگیز و سخنرانی‌هایی که ارتباطات را تسهیل می‌کند درمی‌مانند، به عبارت دیگر، تمایز بین بیان آزاد و بیان مطلق. با استفاده از این ملاک تشخیص، اولین نشانه برای اینکه بحران آزادی بیان در واقع بحران آزادی مطلق بیان است، مسائلی است که روی آن‌ها تاکید می‌شود. در صحن دانشگاه‌ها، این مسائل قطعاً نژاد و جنسیت است. در شبکه‌های اجتماعی، آن‌هایی که از اصل آزادی بیان بهره‌مندند عبارتند از ترول‌ها، اسلام‌هراس‌ها و زن‌ستیزها که باعث ایجاد اذیت و آزار همه‌گیری شده‌اند که خود پلت‌فرم‌های رسانه‌های اجتماعی در کاهش آن‌ها موفق نبوده‌اند.

جنبش آزادی بیان شروع کرده است به انگ‌زدن به کسانی که به‌طور معقول و منطقی از آن انتقاد می‌کنند، در صورتی که سال‌ها پیش از اینکه چنین انتقادهایی با برند «ساکت‌کننده» مطرح شوند، وجود داشته‌اند. خود همین کار حمله به آزادی بیان به حساب می‌آید.

سخنانی ارزش حمایت با آزادی بیان را دارند که به‌طور گسترده در ذهن افراد وجود داشته باشد و محدودیت‌های یک جامعه را که مورد اجماع اکثریت آن جامعه است زیر سؤال ببرد. جوامع غربی دوست دارند به نسخه خودشان از آزادی بیان طوری نگاه کنند انگار که استثنائات دست‌نخورده است اما همچنین با عرف به انحراف نیز کشیده شده است (یا تعدیل شده است، بسته به اینکه در کجا هستید).

## مدافعان مدعی

فقط یک راه برای ابراز مخالفت با دیدگاه‌های نفرت‌انگیز هست و آن اینکه درباره‌شان صحبت کنیم. این نوعی خودشیفتگی رایج در رسانه‌هاست. حامیان آزادی بیان به استقبال طوفان می‌روند، درباره آدم‌دها صحبت می‌کنند و آن‌ها را با منطق شکست می‌دهند. در بیشتر موارد، به نظر می‌رسد که آن‌ها از قواعد خودشان پیروی نمی‌کنند.

برت استفنز در روزنامه نیویورک تایمز برنده جایزه پولیتزر و ستاره ستون‌نویس‌های این روزنامه بود که در سال ۲۰۱۷ وال استریت ژورنال او را قُر زده و استخدام کرد. او اغلب درباره خودش در حوزه آزادی بیان مبالغه می‌کرد، در صورتی که بیشتر منتقدانی را که به او انتقاد می‌کردند با خاک یکسان می‌کرد. کسی که از «آزادی بیان و ضرورت رنج و تحمل» در یادداشت‌های خود در ستون معروف روزنامه می‌گوید، ظاهراً نمی‌تواند چنین اصولی و قواعدی را برای خود به کار بگیرد.

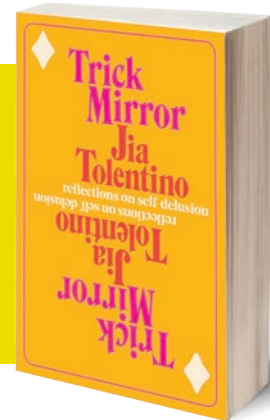
استفنز در همین اواخر قلمش را برای یک استاد دانشگاه گمنام نیز کرد که در توئیتر او را به یک «ساس استعاری» تشبیه کرده بود و از او جوک ساخته بود و منظورش این بود که او در نیویورک تایمز مثل ساس است که هر کاری کنی نمی‌توانی از شرش راحت شوی مگر اینکه کل رختخواب و متعلقات آن را از بین ببری. اما استفنز که از این تشبیه ناراحت شده بود به مسئول آموزش دانشگاه او زنگ زد و با مدیر دانشکده رسانه و روابط عمومی که این استاد در آن درس می‌داد تماس گرفت. او می‌خواست به مدیران این استاد بگوید که او را کنترل کنند و اصلاً نمی‌توانست طوری ماجر را در اقیانوس اینترنت که اصلاً خیلی از حرف‌ها شنیده نمی‌شود ندیده بگیرد.

بنابراین رفتاری که از این ستون‌نویس مشهور نیویورک تایمز سر زد کاملاً مخالف با چیزی بود که در نوشته‌هایش خود را معتقد به آن نشان می‌داد. او اصلاً با ضرورت تحمل رنج نقد شدن میانه‌ای نداشت. همین مسئله را حامیان اعراب و فلسطینی‌ها که از او به علت نوشته‌هایش خوششان نمی‌آمد برجسته کردند.

اما حالا علاوه بر اینکه مدعیان آزادی بیان خود چه عملی انجام می‌دهند، باید گفت که مسئله فراتر از این‌ها رفته و آزار و اذیت آنلاین و ترول‌ها گسترده شده است. حتی می‌توان گفت که ترول کردن به یک صنعت تبدیل شده است. می‌توان گفت که ترول کردن یک کار سودآور است و توهین‌ها و دروغ‌ها در همه رسانه‌های جریان اصلی، از رادیوها و تلویزیون‌ها گرفته تا وبسایت‌ها و خبرگزاری‌ها و روزنامه‌ها، پخش می‌شوند. از وقتی که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا شده، تاکید و تمرکز روی اخبار جعلی و اطلاعات دروغی که در رسانه‌ها منتشر می‌شود بیشتر شد و تحقیقات زیادی درباره آن‌ها انجام شده است. گاهی دیده می‌شود که خود مقامات مسئول یک خبر نادرست را مطرح می‌کنند و رسانه‌ها نیز همان را دوباره منتشر می‌سازند. آزادی بیان در این موارد پدیده مبهمی است که مشخص نیست آیا به جامعه سود می‌رساند یا نه. ما نمی‌توانیم آزادی بیان را در حالت مطلق خود در نظر بگیریم و بگوییم که نفس این آزادی مطلقاً خوب است و تحت هر شرایطی باید از آن حفاظت کرد. بسیاری از ادعاهایی که این روزها مطرح می‌شود و خیلی از اطلاعات گمراه‌کننده‌ای که در رسانه‌ها دیده می‌شود با پوشش آزادی بیان ابراز می‌شوند و کسی هم نمی‌تواند از آن جلوگیری کند و اگر به فرض این کار را بکنند حامیان و معتقدان افسانه آزادی بیان به آن شدیداً انتقاد می‌کنند. ■



متداول شده بود که من و همکارانی که مثل من فکر می‌کردند، وقتی برای رفتن به یک شبکه تلویزیونی یا رادیویی برای بحث بر سر موضوعاتی مثل مهاجرت یا اسلام‌هراسی دعوت می‌شدند، بپرسند که فرد مقابل‌شان کیست. یک نویسنده بریتانیایی- آسیایی برای شرکت در بحثی در بی‌بی‌سی درباره خشم پوپولیستی دعوت شده بود. وقتی فهمید کسی که می‌خواهد در این مناظره با او بحث کند ملانی فیلیپس است - زنی که مهاجران را «متشنج‌کننده اروپا» و «فراری از سازگاری» توصیف کرده بود - از شرکت در برنامه عذر خواست چون اعتقاد نداشت این موضوع چنین چیدمان قطبی‌شده‌ای را ایجاب می‌کند.



آینه فریبکار؛ بازتاب توهمات

درباره خود

جیا تولنتینو

ناشر: فورث استیت

۲۰۱۹

درباره نویسنده



جیا تولنتینو در تگزاس آمریکا متولد شده، به دانشگاه ویرجینیا رفته و در دانشگاه میشیگان داستان‌نویسی خوانده است. او در حال حاضر نویسنده مستقر در مجله نیویورکر است و در نشریاتی همچون تایم و نیویورک تایمز نیز مطلب می‌نویسد.

زن ایده‌آل غربی زیبا، شاد، بی‌خیال و کاملاً با مهارت به نظر می‌رسد. آیا واقعاً همین‌طور است؟ از هر راهی که نگاه کنیم، باید بگوییم که شاد و بی‌خیال بودن به خیلی چیزها بستگی دارد و هر کسی می‌تواند طور خاصی آن را احساس کند. اما مردم در این باره دچار سوءتفاهم می‌شوند و گول می‌خورند

## تصویر انسان ایده‌آل

شبکه‌های اجتماعی عطش بهینه‌سازی ظاهر را تشدید می‌کنند

ترجمه: سعید ارکان‌زاده یزدی

زنان غربی ارتباط برقرار کند. فرایند درگیری زنان معمولی با ایده‌آلهایی که برایشان ساخته می‌شود نیاز به پیروی بی‌چون‌وچرا از بخشی از چیزهایی است که از آن‌ها خواسته می‌شود و همچنین اشتیاق بی‌حدوحصر او به نزدیک شدن به ایده‌آل. این زن بسیار مایل است که هر کاری را انجام دهد که بازار از او می‌خواهد (ظاهر خوب، ارائه چهره‌ای جوانانه، مهارت‌های پیشرفته در ارائه خود و کنترل بر خود). او به همین اندازه به هر چیزی که بازار به او پیشنهاد می‌دهد اشتیاق نشان می‌دهد، یعنی ابزارهایی که اجازه می‌دهند زن بیشتر احساس رضایت کند، حتی کسی شود که به‌طور بی‌وقفه و بی‌پایان ارائه‌شدنی است و تا جایی که می‌تواند نشان دهد در موقعیت خاصی از نظر اجتماعی قرار داد.

به عبارت دیگر، زن ایده‌آل غربی همیشه در حال رساندن مهارت‌ها و خصوصیات خود به بیشترین حد ممکن است. او برای این کار از فناوری استفاده می‌کند، هم به‌طریقی که تصویر خود را منتشر سازد و هم با وسواس و موشکافانه تلاش برای اینکه خود تصویر با بهترین کیفیت باشد. موهایی او گران‌قیمت به نظر می‌رسند. او پول فراوانی صرف مراقبت از پوستش می‌کند، فرایندی که نقش یک جنبه مقدس از فعالیت‌های روحی او را بازی می‌کند و همچنین یک کار پیش‌پاافتاده از وظایف هر روز صبحش به نظر می‌رسد.

کاری که قبلاً با آرایش انجام می‌شد حالا به‌طور مستقیم به صورت زن غربی متصل می‌شود: گونه‌ها یا لب‌ها می‌تواند با تزریق حالت جدیدی به خود بگیرد یا برخی از خطوط چهره می‌توانند پر شوند و مژه‌ها هر چهار هفته یک بار با چسب و مژه‌های مصنوعی توسط افراد حرفه‌ای در آرایشگاه‌ها تجدید می‌شوند

زن ایده‌آل غربی همیشه یک تصویر عمومی و کلی بوده است. شرط می‌بندم که بتوانید کپی از آن را در نمایش تلویزیونی‌ای که امشب در تلویزیون تماشا می‌کنید ببینید. او سن نامعلومی دارد اما همواره تصویری جوانانه از خود ارائه می‌دهد. موهایی براقی دارد و ابراز پاکیزه و بی‌خجالت یک نفر که معتقد است باید آراسته باشد چون همواره دیگران او را زیر نظر دارند. وقتی او را می‌بینید اغلب در ناز و نعمت زندگی می‌کند، در سواحل دوردست، زیر ستاره‌های آسمان در صحرا، پشت میزی که بادقت طراحی شده، در میان اثاثه قشنگش یا در حلقه دوستان خوش‌تیپ و خوش‌عکسش. حتی اگر تلی از کار هم سرش ریخته باشد یا در بخش اساسی کار غوطه‌ور باشد، خودش را در حال استراحت و گذران اوقات فراغت نشان می‌دهد. او و وضعیتی که دارد اصلاً غیرمعمولی نیست و امروزه بسیاری از افراد، به‌خصوص زنان، تصویر خود را بسته‌بندی و منتشر می‌کنند و این مهارتی است که عملاً برای تبدیل کردن به پول به کار می‌آید. او یک برند شخصی دارد و شاید همسر فرد دیگری باشد که او هم شاهد شکل‌گیری تصویر زن است: این همسر شاهد تصویرسازی فیزیکی او در شبکه‌های اجتماعی است، می‌داند که او مخاطبان نادیده‌ای دارد، جایگاه زن را در مقام سوزهای جذاب و یک شیء با ارزش مادی تایید می‌کند، شیئی که تصویری دیدنی از خود می‌سازد و نوعی تماشا را به خود ضمیمه می‌کند.

آیا می‌توانید این زن را همچنان ببینید؟ او شبیه یک زن اینستاگرامی است که اگر بتوان چنین گفت، زنی معمولی است که درس‌هایی را که از بازار یاد گرفته پس می‌دهد، این درس که یک زن معمولی چگونه می‌تواند با یک ایده‌آل برای

زن ایده‌آل غربی امروز به گونه‌ای زیست می‌کند که خیلی ساده ارزش‌های برابری زنان و هم‌ارزش‌های دوستدار بازار و شکل‌های جریان غالب از زنان را هم‌زمان با هم حفظ کند. این نوع از حمایت از حقوق زنان خود بر پایه مرئی و لذت‌بخش کردن هر تعداد ممکن از افراد استوار شده است. این گونه حمایت از حقوق زنان بیش از اندازه برای موفقیت فردی زنان ارزش قائل است. این حمایت‌ها آن استبدادی و خشونت را که در الگوی زنان ایده‌آل غربی است ریشه‌کن نمی‌کند بلکه در عوض، آن را تثبیت می‌کند و هرچه حجیم‌تر می‌سازد. این روزها، شاید بیش از هر زمان دیگری مرزهای روان‌شناختی در میان زنان معمولی‌ای که به‌سوی سراب ایده‌آل‌شده تصویر خود گام برمی‌دارند، مبهم و ناشناخته است. او با دلایل منطقی کافی و انگیزه‌هایی که از جریان‌های حامی حقوق زنان گرفته، می‌تواند اعتقاد داشته باشد که خود او معمار آن سازه، بدنه و آن قدرت دلپسندی است که علیه زمان، پول، تصمیمات، درون و روح‌شان عمل می‌کند.

### وضعیت‌های اجباری احمقانه

تخمین و محاسبه اینکه چطور باید بهتر شد نزد یک زن غربی معمولاً کاری احمقانه و اغلب بی‌اعتنا به اصول اخلاقی است، و زیرمجموعه‌اموری به همان اندازه احمقانه و بی‌اخلاق در بهتر شدن زندگی زیر لوای جامعه‌ای که در آن، بازار و پول هرچه بیشتر سبقت می‌کند و جلو می‌رود. در این وضعیت، بیشتر لذات در نهایت یک دام از کار درمی‌آیند و هر چهره‌ای که برای جامعه آشناس می‌خواهد به جاودانگی برسد. تلاش برای کسب رضایت باقی می‌ماند اما با شرایط این سیستم باید گفت ضرورتاً خارج از دسترس است.

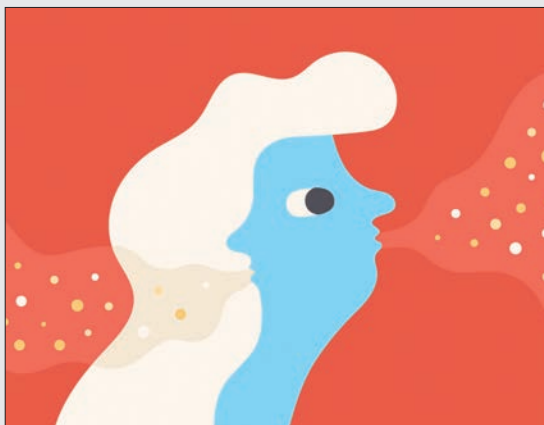
اما هرچه اوضاع بدتر می‌شود، فرد تلاش بیشتری می‌کند که مشکلات را جبران کند. من هر وقت که کاری را انجام می‌دهم که به‌ویژه بخواهم با آن احساس کارآمدی و لذت شخصی کنم، به این مسئله فکر می‌کنم. از جمله کارهایی که می‌کنم تا احساس بهترین داشته باشم این است که به یک رستوران بروم و از یکی از شرکت‌های سروکننده سالادهای سریع‌خردشده همچون «سوییت‌گرین» سالادی بگیرم و بخورم. اما هر وقت که به آنجا می‌روم فکر می‌کنم چنین مکان‌هایی به جای اینکه جایی برای خوردن باشند بیشتر جایی هستند که می‌توان به آن ایستگاه سوخت‌گیری دوباره گفت. من در برخی از رستوران‌ها خیلی سریع غذا می‌خورم و هم‌سر یک بار به من گفت طوری غذا می‌خورم و آن را سریع می‌جوم انگار که می‌خواهند آن را از جلوبم بردارند. در رستوران‌های سوییت‌گرین من حتی از این هم سریع‌تر

و بلندتر و سیاه‌تر می‌شوند. این وضعیت برای بدن او نیز صادق است، بدنی که دیگر نیازی نیست با لباس‌های مخصوص به‌روش‌های سنتی نقاط ضعفش پوشانده شود بلکه با ورزش از قبل شکل گرفته‌اند و فرد را مطمئن می‌سازند که دیگر خیلی نیازی نیست نقاط نازیبای بدن را پوشانند یا آن‌ها را جابه‌جا کرد.

هر چیزی مربوط به این زن غربی از قبل کنترل شده تا بر این تأکید کند که او می‌تواند از پس مخارج نشان‌دادن خودانگیختگی خود و مهم‌تر از آن، از پس مخارج احساس وجود این خودانگیختگی برآید، به این معنی که اگر کاری را بخواهد بکند می‌تواند سریع انجام دهد و دغدغه‌ای برای او وجود ندارد. ظواهر امر این طور برای او مهیا می‌شود که زندگی او از شر موانع مصنوعی راحت شده و او اغلب این احساس را دارد که به‌طور مشروع و قابل‌قبولی می‌تواند نگران چیزی نباشد. زن ایده‌آل غربی می‌تواند هرجایی که می‌خواهد باشد، مادام که رفتار پشت این عقیده باشد که کامل بودن خودش و ادامه ارتباطش با جهان می‌تواند هم به کار ربط داشته باشد و هم به تفریح، یا به عبارت بهتر، به سبک زندگی او. زن ایده‌آل به فضایی از امکانات تجملی، باشگاه‌های ورزشی گران‌قیمت، مراقبت‌های روزانه از پوست و سفرهای تفریحی پا می‌گذارد و با خوشحالی در همین فضا می‌ماند.

بیشتر زنان از این نوع به خودشان در مقام متفکرانی مستقل نگاه می‌کنند. امروزه مجلات مخصوص زنان نوعی شکاکیت به آن گونه مدل‌هایی را به نمایش می‌گذارند که از اول تا آخر می‌گویند چطور باید به نظر برسیم، چه زمانی و با چه کسانی باید ازدواج کنیم و چگونه باید زندگی کنیم. اما هم‌زاد روانی زن ایده‌آل غربی در اکوسیستمی باقی می‌ماند که تظاهر می‌کند می‌خواهد در مقابل همان ایده‌آل گرای مقاومت کند. اگر زنان شروع کنند که به مقاومت کردن در برابر زیبایی‌شناسی‌ای که به آنان تحمیل می‌شود، مثلاً در مقابل عکس‌هایی که به‌شدت با فتوشاپ دستکاری شده‌اند، این زیبایی‌شناسی خود را تغییر می‌دهد

تا سریع با ما سازگار شود. قدرت داشتن تصویر ایده‌آل هرگز در عمل محو نمی‌شود. امروزه برای ما خیلی ساده است که به آگهی‌ها و عکس‌های روی جلد مجلات، تصاویری که به‌وسیله حرفه‌ای ساخته می‌شوند، با شکاکیت نگاه کنیم. اما برای ما خیلی دشوارتر است که به تصویری که به‌وسیله همکاران و هم‌تابان‌مان ساخته می‌شود شک کنیم و تقریباً غیرممکن است به تصویری شک داشته باشیم که خودمان از لذت‌ها و دستاوردهایمان تهیه کرده‌ایم. با این حساب، در زمانه‌ای که استفاده از رسانه‌های اجتماعی به‌طور گسترده‌ای در نقش یک دارایی کاری ظاهر می‌شوند، بسیاری از ما نیز اکنون در این زمینه به افرادی بسیار حرفه‌ای تبدیل شده‌ایم.



همان‌طور که مت باچانان در کتابش به‌نام «درفش» که در سال ۲۰۱۵ منتشر شده نوشته، سالاد فصل طوری مهندسی شده که دست و چشم‌های فرد را از نگاه کردن و مشغول‌شدن به مواد غذایی آزاد بگذارد و بنابراین توجه گرانبهای فرد می‌تواند معطوف شود به یک صفحه کوچک تلفن هوشمند، جایی که نیازهای فوری‌تر افراد در آن ظاهر می‌شود و می‌تواند در آن داده مصرف کند؛ ایمیل‌های کاری بزند یا جواب دهد، از فروشگاه آمازون خرید کند و کاتالوگ‌های بی‌انتهای این شرکت را نگاه کند و همچنین از فیس‌بوک خوراک خبری بی‌پایانی را بخواند

غذا می‌خورم چون (مثل خیلی چیزهای دیگری در زندگی) کم کردن سرعت و از دست دادن حتی یک ثانیه می‌تواند به این معنی باشد که ماشین زندگی شما را از اهدافتان دور می‌کند. سویت‌گرین معجزه بالا بردن بهره‌وری و کارآمدی و افزایش سرعت زندگی است: صفی از ۴۰ نفر آدم که در حال پیامک‌زدن هستند، آهنگ گوش می‌دهند و چشم‌شان روی اسنک‌هاست و فقط ده دقیقه وقت دارند. مشتری پس از مشتری به کنار پیشخوان می‌آید و سالاد سزار با کلم پیچ سفارش می‌دهد بدون اینکه حتی

به دیگران نگاه کند که در صف ایستاده‌اند و رنگ پوست‌شان تیره است و موهایشان به رنگی که آن‌ها دارند نیست و مرغ اضافه برای سالاد سفارش می‌دهند، تازه اگر همان‌ها هدفشان از زندگی این نباشد که روزی ۱۶ ساعت ایمیل کاری بفرستند و در حین کار روزانه فقط فرصت یک استراحت کوتاه برای چرت‌زدن داشته باشند و در نهایت هم در زندگی ناسالم شهری غرقه شوند. این آیین و نظم و ترتیب این فرایند (و این واقعیت که رستوران‌های سویت‌گرین خیلی رستوران‌های خوبی هستند) این ترفند زیرکانه را پنهان می‌کند که این نوع از زندگی طوری تعریف می‌شود انگار که زندگی مناسب حال شماست. یک مشتریان ایده‌آل سالاد حاوی سبزیجات و صیفی‌جات خردشده باید سالاد ۱۲ دلاری خود را در ۱۰ دقیقه بخورد چون او باید وقت اضافی خود را برای کار کردن در محل کارش نگه دارد، وقتی که به او اجازه می‌دهد به‌حدی کار کند که بتواند خرج سالاد ۱۲ دلاری را در اولین رستورانی که به آن می‌رسد داشته باشد. او نیازی فیزیکی به این سالاد ۱۲ دلاری دارد چرا که خوردن این سالاد مطمئن‌ترین و متداول‌ترین روش برای ساختن مانعی ویتامینی جلوی راه ناکارآمدی است که شغلش باعث می‌شود، همان شغلی که هم به آن سالاد نیاز دارد و هم امکان خرید سالاد را مهیا می‌کند. همان‌طور که مت باچانان در کتابش به‌نام «درفش» که در سال ۲۰۱۵ منتشر شده نوشته، سالاد فصل طوری مهندسی شده که دست و چشم‌های فرد را از نگاه کردن و مشغول‌شدن به مواد غذایی آزاد بگذارد و بنابراین توجه گرانبهای فرد می‌تواند معطوف شود به یک صفحه کوچک تلفن هوشمند، جایی که نیازهای فوری‌تر افراد در آن ظاهر می‌شود و می‌تواند در آن داده مصرف کند: ایمیل‌های کاری بزند یا جواب دهد، از فروشگاه آمازون خرید کند و کاتالوگ‌های بی‌انتهای این شرکت را نگاه کند و همچنین از فیس‌بوک خوراک خبری بی‌پایانی را بخواند، فیس‌بوکی که پر از تبلیغات غیرمستقیم و متنی است و هر کسی که در آن فعالیت می‌کند عملاً دارد خوراک برای شبکه درست می‌کند. وقتی که دست و چشم هنگام خوردن سالادهای سبزیجات خردشده مثل سالاد سزار آزاد باشد، فرد در تلفن همراهش غرق می‌شود و انبوهی از تبلیغات و عکس‌های بچه و عکس حیوانات و غیره را می‌بیند که آلت دست شرکت‌های حوزه فناوری و اینترنت است برای بیشتر پول



امروزه مجلات مخصوص زنان نوعی شکاکیت به آن گونه مدل‌هایی را به نمایش می‌گذارند که از اول تا آخر می‌گویند چطور باید به نظر برسیم، چه زمانی و با چه کسانی باید ازدواج کنیم و چگونه باید زندگی کنیم. اما هم‌زاد روانی زن ایده‌آل غربی در اکوسیستمی باقی می‌ماند که تظاهر می‌کند می‌خواهد در مقابل همان ایده‌آل‌گرایی مقاومت کند.

در آوردن. معلوم است که چنین کاری برای اقتصاد هم خوب است یا دست‌کم، به‌طور قطع بهتر از این است که فرد یک کتاب از کتابخانه قرض بگیرد و وقتی که دارد غذا می‌خورد شروع کند به خواندن آن. چه کسی از خواندن کتاب پول درمی‌آورد؟

آنچه باچانان توصیف می‌کند با معیارها و شرایط امروزی یک زندگی خوب به حساب می‌آید. این کار به‌معنی پیشرفت و به‌معنی فردگرایی است. درست مثل این است که وقتی شما از یک قسمت کوچک از چیزی

خوش‌تان آمد بخش بزرگ‌تری از آن را هم می‌خواهید. اکنون مدت‌هاست که زندگی کردن و کار کردن مثل اسب عصاره به‌معنی متکی بودن به خود و خودمختاری است. امروزه با اقتصادی با بی‌ثباتی تعریف شده، بیشتر چیزهایی که صرفاً احمقانه اما انعطاف‌پذیر بودند تبدیل شده‌اند به کارهایی احمقانه، اجباری و ناخواسته. شکندگی و آسیب‌پذیری که همیشه و همه‌جا حضور دارد باید به هر قیمتی شده از بین برود. و به همین علت است که من در روزهایی که نیاز پیدا می‌کنم خیلی سریع سبزیجات بخورم چون تا ساعت یک شب کار می‌کنم و وقتی ندارم شام درست کنم چون باید تا ساعت یک شب کار کنم، به رستوران سویت‌گرین می‌روم. و بعد مثل یک احمق نادان تلاش می‌کنم از پشت محافظ عطسه که یک لفاف پلاستیکی است و جلوی غذاها گذاشته‌اند که کثیف نشوند، با سالادها ارتباط چشمی برقرار کنم و با این کارها نیاز سرسام‌آور به داشتن بهره‌وری را که بیشتر و بیشتر از ما خواسته می‌شود تسکین ببخشم. همین نیاز روزافزون به بهره‌وری است که آدم را مجبور می‌کند در دو صف توی غذاخوری‌ها بایستند و هر روز سالاد سزار سفارش بدهد و من هم مثل بقیه سالادم را بقیام و آن را هنگامی که دارم به ایمیل‌هایم نگاه می‌کنم در کمتر از ۱۰ دقیقه بخورم.

تحت شرایط مصنوعی اما دائمی که مدام از شما چیزهای بیشتری می‌خواهد خیلی ساده است که خودتان را در وضعیتی بیابید که دارید کارهایی انجام می‌دهید که احمقانه و احتمالاً غیرقابل دفاع است. زنان مدت‌های مدیدی است که با چنین اوضاعی آشنایند.

### تجربه ورزش سنگین‌تر

من از لحاظ فعالیت‌های فیزیکی به‌دردبخور مثل خوردن سبزیجات و ورزش کردن آدمی بودم که در آن استعداد نداشتم و به جایی هم نرسیدم. وقتی که بچه بودم ژیمناستیک کار می‌کردم و سپس عضو یکی از گروه‌های تشویق‌کننده تیم‌های ورزشی شدم. اولی چیزی بود که برایم جذابیت داشت و دومی را مجبور بودم انجام بدهم چون در مدرسه ما هر دانش‌آموزی باید یک رشته ورزشی را انتخاب می‌کرد و من توانستم رشته‌ای را پیدا کنم چون در

آن روز در حرکاتی بودم که انتهایی ندارد برای اینکه شخص خودش را کشف کند و در آخرین حرکتی که برای استراحت سازمان داده شده بود، ناگهان از خود پرسیدم که چرا از بی حرکتی انتظار است که بدن را به آرامش برساند. شیخ رخوت سنگینی خود را روی وجود انداخته بود. ناگهان دیدم که دلم برای بخشی از خودم که مربوط به تیزی و بزی، خشونت و انضباط است تنگ شده است. من همه این غرایز را به پس پشت ذهنم فرستاده بودم و آن‌ها را از بدن قایم کرده بودم اما چرا؟ در آن لحظه نیاز به چیزی قوی‌تر از یوگا احساس کردم. یک احساس حرکت بی‌حد و حصر و بدون محدودیت در من باقی مانده بود که در آن موقع نمی‌دانستم چرا کنارش گذاشته بودم.

بنابراین بعد از آن جلسه، در یک باشگاه ورزشی ثبت‌نام کردم که در یک استودیو به نام پیور بار جلسات خود را برگزار می‌کردند. با مربی‌ای آشنا شدم که مثل زن‌های توی کارتون‌ها بود؛ با چشم‌های سبز یخ، هیکی مثل ساعت شنی و موهای عسلی که از پشت تا کمرش می‌رسید. او مرا با خود به اتاق غارمانندی برد که تاریک بود و پر بود از زنانی که به صندلی‌های قرمز رنگ اسرارآمیزی تکیه داده بودند. دیوار جلوی آن‌ها سرتاسر آینه بود. زنان به بازتاب تصویر خود در آینه خیره شده بودند، صورت‌هایشان مثل سنگ ثابت بود و خود را آماده می‌کردند تا کلاس شروع شود.

وقتی کلاس شروع شد ناگهان وضعیت به حالت بحرانی درآمد و همه چیز شتاب زیادی گرفت. نورها مدام عوض می‌شدند و موسیقی ریتم خود را تغییر می‌داد. حرکات به سرعت انجام می‌شد و آدم‌ها باید این طرف و آن طرف می‌رفتند و مربی تمرینات را می‌داد و تکرار می‌کرد تا افراد خود را با تمرینات وفق دهند. حرکات به قدری خوب و دلچسب و هیجان‌انگیز بود که وقتی آخرین حرکت توسط مربی داده شد و همه روی زمین پخش شدند شروع کردند به کف‌زدن.

هماهنگی بین چشم‌ها و دست‌ها هم مشکل داشتم. این شد که در نهایت به گروه تشویق‌کنندگان تیم‌های ورزشی پیوستم. وقتی که نوجوان بودم با پیتزا و پنیر اسپانیایی و لوله‌های دارچین وقت می‌گذراندم و با این کار تلاش می‌کردم که خودم را در مقابل یأس و افسردگی ایمن کنم. زمان‌های زیادی وقت صرف این می‌کردم که یک چیز لذت‌بخش پیدا کنم و به آن سرگرم بشوم و این در همان موقعی بود که هم‌سن‌وسال‌های خودم و نوجوان‌های اطرافم به سمت هیجان‌های شدید ناشی از پیدا کردن یک نوع زیبایی می‌رفتند یا بی‌اشتهایی عصبی و پرخوری روانی مثل ویروس از جان یکی از آن‌ها به جان دیگری می‌افتاد. بعد از گذشتن بخش زیادی از یک دهه از عمرم به این نتیجه رسیدم که بهتر است کمی کارهای غیرسالم انجام بدهم و جست‌وجوی مسائلی که فقط با فیزیک بدن سروکار دارد را رها کنم.

همه این‌ها وقتی که ۲۱ سالم شد و به سپاه صلح پیوستم تغییر کرد. سپاه صلح سازمانی دولتی متشکل از جوانان داوطلب آمریکایی بود که جان اف کندی، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، در مارس ۱۹۶۱ برای کمک به کشورهای جهان سوم تأسیس کرد. تحت اوضاع و احوال آنجا ممکن نبود که من خیلی به ظاهرم فکر کنم اما سلامتی با همان اهمیت فراوانی که بلافاصله به ذهن القا می‌کنم همیشه در فکرم بود. شروع کردم به هر روز یوگا کار کردن در اتاقم چرا که یک فعالیت پیش‌گیرنده از لطامات روانی بود. وقتی به آمریکا برگشتم گذاشتم پشت‌تشن. یوگا در فرایندهای سازگاری مجدد به من کمک می‌کرد که آرام و معتدل باشم، یعنی در اوقاتی که در معرض جریان روحی مداوم بیهودگی و بی‌ثمری بودم، احساسی که مرا مغلوب خود کرده بود.

و سپس، در سال ۲۰۱۲، در آخر یکی از کلاس‌های یوگا احساس کردم که چیزی دارد تغییر می‌کند. من در باشگاه بودم و مدت زیادی تمرین کرده بودم و



قدرت داشتن تصویر ایده‌آل هرگز در عمل معو نمی‌شود. امروزه برای ما خیلی ساده است که به آگهی‌ها و عکس‌های روی جلد مجلات، تصاویری که به وسیله حرفه‌ای ساخته می‌شوند، با شکاکیت نگاه کنیم. اما برای ما خیلی دشوارتر است که به تصویری که به وسیله همکاران و همتایان‌مان ساخته می‌شود شک کنیم و تقریباً غیرممکن است به تصویری شک داشته باشیم که خودمان از لذت‌ها و دستاوردهایمان تهیه کرده‌ایم.



اصطلاح «بهینه‌سازی» اولین باری که در معنای امروزی خود استفاده شد در قرن نوزدهم برای اقتصاد به کار گرفته شد. ویلیام استنلی جوائز در کتاب «نظریه اقتصاد سیاسی» نوشت: «ارضای نیازهایمان به‌صورتی که کمترین تلاش برای آن انجام شود، برای رسیدن به بیشترین میزان چیزی که ما آن را می‌خواهیم با کمترین هزینه‌ای که برای آن بپردازیم، یا به عبارت دیگر رسیدن به بیشترین حد لذت، مسئله اقتصاد است.»

از این بهینه‌سازی این است که مردم در محیط‌های کاری و آموزشی لباس‌های ورزشی بپوشند و این استفاده از این لباس‌ها هر روز دارد بیشتر می‌شود. پوشیدن لباس ورزشی در محیط آموزشی یا کاری نشان از این دارد که فرد تمایل زیادی دارد برای اینکه در محیطی که قرار دارد به‌شدت و با سرعت کار کند و برای همین راحت‌ترین لباس ممکن را برای تلاش و کوشش انتخاب می‌کند. این کار نشان می‌دهد که او می‌خواهد کل زندگی‌اش را به وضعیت بهینه برساند. من پوشیدن لباس ورزشی در محیط‌های رسمی را صنعتی می‌بینم که مردم خیلی برای آن پول خرج می‌کنند و در سال ۲۰۱۶ گردش مالی این صنعت در سطح جهان ۹۷ میلیارد دلار بوده است.

پوشیدن لباس ورزشی در محیط‌های کاری از یک دهه پیش رفته‌رفته ظاهر شد اما به‌نظر من زیبایی‌شناسی چندانی در آن وجود ندارد. پوشیدن این لباس‌های غیررسمی زمانی خیلی اوج گرفت که زنان بعد از کار به کلاس‌های یوگا یا کافه‌ها برای خوردن قهوه می‌رفتند. این کار که شما در محیط‌های رسمی شلوارهای ورزشی یا تی‌شرت‌ها و بادگیرهای ورزشی بپوشید کاری مثل زمانی که هیپی‌ها در جامعه پوشش خاصی را ترویج می‌دادند. این کار خیلی هم خرج برمی‌دارد و برندهای زیادی در این صنعت وارد شده‌اند که محصولاتشان را با قیمت‌های بالا می‌فروشند.

پوشیدن لباس ورزشی در محیط‌های کاری و آموزشی در مردان هم دیده می‌شود اما عمدتاً کاری است که زنان بیشتر از آن استقبال می‌کنند و ایده‌ای است که به طبقه زنان تعلق دارد. این نوع پوشش عادت مادران خانه‌دار، دانشجویان کالج، بدنسازان حرفه‌ای و مدل‌ها است. اما پوشیدن لباس ورزشی در محیط‌های غیرورزشی از سوی زنان غربی به این معنی است که آن‌ها مثل رقصندگان باله دلایلی دارند برای اینکه ارزش‌های بازاری نگاه کردن مردم به خودشان را رصد کنند. این انگیزه زیر انگیزه‌های ظاهری دیگر پنهان می‌شود، انگیزه‌هایی مثل اینکه چنین لباس‌های راحت پوشیده می‌شوند، با ماشین لباسشویی می‌توان آن‌ها را شست یا اینکه ضدچروک هستند. پوشیدن لباس ورزشی در محیط‌های کاری - مثل همه فعالیت‌ها و محصولات - برای بهینه‌سازی انجام می‌شوند و ساخته می‌شوند - راحت و دارای حامی جلوه داده می‌شود در صورتی که این‌طور نیست.

صنعت پوشیدن لباس‌های ورزشی در محیط‌های غیرورزشی در حال دوختن صنعت لباس ورزشی با صنعت مد است. اولی به عملکرد فرد اهمیت می‌دهد و دومی به ظاهر فرد و صنعتی لباس‌های ورزشی در محیط‌های غیرورزشی این دو حیطه را با هم ترکیب می‌کند و مرزهای بین اینکه فرد چه زمانی باید به

ورزش بار را در دهه ۱۹۶۰ یک مربی باله اختراع کرد و حرکات آن را از باله گرفت. در آمریکا یوگا و پیلاتس خیلی فراگیرتر از بار است اما این ورزش چندان رونق ندارد و به همین دلیل است که اگر کلاس‌های یوگا با ۲۰ دلار برگزار می‌شود، جلسات ورزش بار دو برابر شهریه دارد. ثبت‌نام کردن در کلاس‌های بار خیلی برای من گران بود اما ارزشش را داشت و خیلی از زن‌هایی که در کلاس‌های بار شرکت می‌کنند هم چنین چیزی را تایید می‌کنند. خلاصه اینکه من به ورزش بار اعتقاد پیدا کردم و فهمیدم ورزشی که دنبالش می‌گشتم همین است. بار خیلی به اصلاح ظاهر افراد توجه ندارد و بیشتر وضعیت‌های روانی برایش مهم است تا موقعیت‌های فیزیکی. خود من هم بیشتر از اینکه دیگران درباره ظاهر چه فکر می‌کنند، این نکته را در نظر دارم که با همین فیزیک می‌توانم کارهایم را انجام دهم و بدنم از پس کارهای خودش برمی‌آید. اتفاقاً به این نتیجه رسیدم که ورزش بار هم مثل رفتن به رستوران‌های سویت گرین برای خوردن سالاد سزار می‌تواند با دنیای ما سازگار باشد. خیلی از ما انرژی نمی‌گیرد و به‌قدری سنگین نیست که بعد از آن حتماً دوش بگیریم. ذهن ما را آرام می‌کند و مثل همان سالاد ۱۰ دقیقه‌ای که با دنیای بیش از اندازه سرمایه‌ای و بازاری شده ما همخوان است، می‌تواند ما را در ادامه روز کمک کند. اتفاقاً بار که از باله آمده آن نوع زنانگی ایده‌آلی که به آن انتقاد داشتیم را هم کنار می‌گذارد. بار ورزشی است که فقط به فیزیک و ظاهر افراد توجه ندارد و به توانایی ذهنی و نظم و انضباط حرکات و هوشمندی و روان فرد هم توجه نشان می‌دهد.

### لباس ورزشی در محیط غیر ورزشی

اصطلاح «بهینه‌سازی» اولین باری که در معنای امروزی خود استفاده شد در قرن نوزدهم برای اقتصاد به کار گرفته شد. ویلیام استنلی جوائز در کتاب «نظریه اقتصاد سیاسی» نوشت: «ارضای نیازهایمان به‌صورتی که کمترین تلاش برای آن انجام شود، برای رسیدن به بیشترین میزان چیزی که ما آن را می‌خواهیم با کمترین هزینه‌ای که برای آن بپردازیم، یا به عبارت دیگر رسیدن به بیشترین حد لذت، مسئله اقتصاد است.»

امروز اصل بهینه کردن یعنی فرایند وادار کردن چیزی به رشد تا منتها درجه، یا آن‌طور که در فرهنگ‌های لغت آمده، تبدیل چیزها به کامل‌ترین، کارآمدترین یا موثرترین حد ممکن خود. حتی امروزه یک صنعت کامل برای نوع پوشش این بهینه‌سازی به وجود آمده که همان صنعت «لباس‌های ورزشی در محیط‌های کاری» (athleisure) است. یکی از نمونه‌های بهینه‌سازی یا نشانه‌ای

کرده است که به ترویج آنچه افراد از خود در رسانه‌های اجتماعی می‌سازند. اتفاقی نیست که چنین مسائلی اغلب در حول و حوش زنان شکل می‌گیرد و معمولاً افراد در محیط‌های دیجیتال استفاده از تصویر زنان ایده‌آل را تشدید می‌کنند. در صورتی که زنان می‌توانند موفقیت یا شکست داشته باشند، زشتی یا زیبایی داشته باشند و حقایق زندگی هم ایجاب می‌کند که چنین باشد. اما چه فایده که چنین مسائلی در زندگی خیلی از افراد جایی ندارد و آن‌ها مدام به‌سوی رسیدن به بت‌نگاره زن ایده‌آل غربی حرکت می‌کنند. اگر شما نمی‌توانید از دنیای بازاری شده کنونی فرار کنید، چرا باید شرایط زندگی در این وضعیت را کنار بگذارید؟

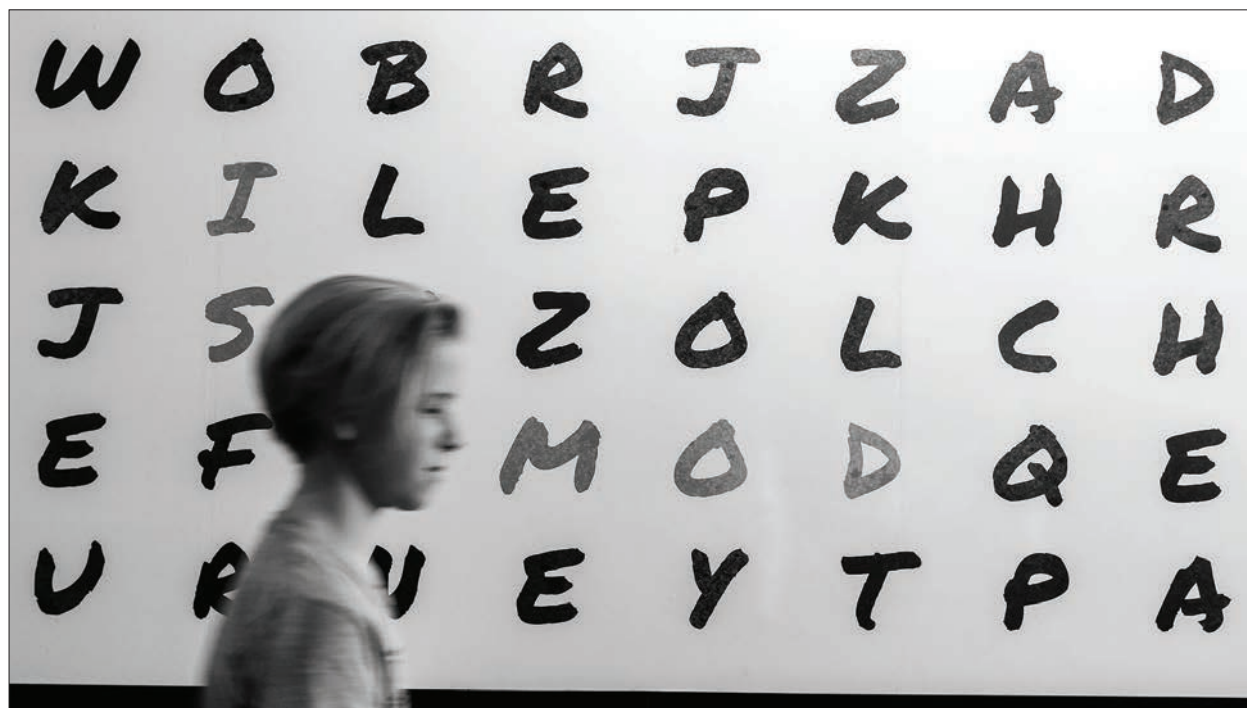
زنان در عمل و واقعا در دمی که در نقطه تقاطع سرمایه‌سالاری و مردسالاری پهن شده گرفتار شده‌اند. این دو نظام در نهایت خود این‌طور القا می‌کنند که موفقیت‌های فردی با هزینه کردن از اخلاق جمعی امکان‌پذیر است و باید اخلاق جمعی را فدا کرد تا به موفقیت‌های فردی رسید. در موفقیت‌های فردی نیز لذت‌های فراوانی نهفته است. باید این‌طور به تصاویر افراد ایده‌آل در اینستاگرام یا شبکه‌های اجتماعی نگاه کرد که همه جنبه‌های زندگی حاضر به ما می‌گوید باید به‌سوی آن ایده‌آل حرکت کنیم و مدام برای ما پادشاهی در نظر می‌گیرد که اگر به‌سوی مدل‌های آن‌ها حرکت کردیم به ما عرضه کنند. به این ترتیب، ما را طوری تربیت می‌کنند که به‌سوی خواسته‌های آنان حرکت کنیم. اما در مسیر رسیدن به وضعیت یک زن ایده‌آل باید کلی هزینه کنیم و به شرکت‌هایی سود برسانیم که اگر این فرهنگ ایده‌آلیسم کاذب وجود نداشت هرگز نمی‌توانستند به چنان سودها و درآمدهایی برسند. ■

عملکرد اهمیت بدهد و چه زمانی باید به ظاهر را مخدوش می‌سازد. اتفاق این صنعت به کار این فکر می‌آید که می‌خواهد مرز بین زمان تفریح افراد و کار افراد را بردارد و این‌طور القا کند که افراد همان‌طور که دارند کار می‌کنند می‌توانند تفریح هم بکنند و محیط کاری بهترین محیطی است که می‌تواند در آن حضور داشته باشند و برعکس، وقتی که بیرون از محیط کاری هستند تلاش کنند که به کار نیز فکر کنند و مثلاً ایمیل‌های کاری را پاسخ دهند یا کارهایی نظیر این بکنند.

اخیرا باید در یک مهمانی شرکت می‌کردم و لباسی گرفتم که وقتی آن را پوشیدم احساس کردم کمی شکم دارم. یکی از لباس‌های ورزشی شرکت معروفی را به قیمت گرانی گرفتم که زیر لباس بپوشم تا لباس بهتر به نظر برسد. وقتی این کار را کردم احساس کردم که به‌سختی دارم نفس می‌کشم. کسی شده بودم که تمام تلاشش را می‌کند تا ظاهرش در یک مهمانی بهتر به نظر برسد، درست مثل همان زنی که خودش را شکنجه می‌کند برای اینکه در اینستاگرام شبیه به زن ایده‌آل غربی شود.

### آگاه باشیم

زن ایده‌آل غربی زیبا، شاد، بی‌خیال و کاملاً با مهارت به‌نظر می‌رسد. آیا واقعا همین‌طور است؟ از هر راهی که نگاه کنیم، باید بگوییم که شاد و بی‌خیال بودن به خیلی چیزها بستگی دارد و هر کسی می‌تواند طور خاصی آن را احساس کند. اما مردم در این باره دچار سوء تفاهم می‌شوند و گول می‌خورند و اینترنت هم این وضعیت را تشدید کرده است. در سال‌های اخیر فرهنگ پاپ شروع



پوشیدن لباس ورزشی در محیط‌های کاری و آموزشی در مردان هم دیده می‌شود اما عمدتاً کاری است که زنان بیشتر از آن استقبال می‌کنند و ایده‌ای است که به طبقه زنان تعلق دارد. این نوع پوشش عادت مادران خانه‌دار، دانشجویان کالج، بدنسازان حرفه‌ای و مدل‌ها است. اما پوشیدن لباس ورزشی در محیط‌های غیرورزشی از سوی زنان غربی به این معنی است که آن‌ها مثل رقم‌سنگان باله دلایلی دارند برای اینکه ارزش‌های بازاری نگاه‌کردن مردم به خودشان را رصد کنند



## مطالعه، استحمام مغز

آیا با شبکه‌های اجتماعی انتخاب و معرفی کتاب آشنا هستید؟

### پروانه شفاعی

خبرنگار

برخی شبکه‌های اجتماعی برای حضور کتابخانه‌ها و افراد اهل مطالعه کتاب است که در آن هر کس از کتاب‌های خوانده‌شده و یا در حال خواندن خود سخن می‌گوید، به آنها امتیاز می‌دهد و با استفاده از نظرات دیگران کتاب بعدی را برای خواندن انتخاب می‌کند. به عنوان مثال، یکی از این شبکه‌های اجتماعی جهانی معروف، گودریدز (goodreads) و یا bookpub است. این سایت در سال ۲۰۰۷ توسط دو کارآفرین حوزه آی‌تی با سرمایه شخصی بنیان‌گذاری شد و در طی این سال‌ها فعالیت رسمی و بدون وقفه دارد. حضور خوانندگان ایرانی در این شبکه کم نیست. کتاب‌های فارسی هم در آن معرفی و تبلیغ شده‌اند و تقریباً از سال ۲۰۱۰ ایرانیان در آن حضور یافته‌اند. نویسندگان ایرانی در گذشته و زنده در این شبکه، صفحه اختصاصی دارند که متأسفانه چون به دست خود نویسندگان و یا کارگزار رسمی ایشان ساخته نشده، رسمیت ندارند و در پی آن نشان و لوگوی گودریدز را نیز در اختیار ندارند. مشکل دیگر هم برای نویسندگان ایرانی این است که نام نویسنده باید به زبان انگلیسی تأیید شود. در این بین برخی از کارگزاران و افراد دغدغه‌مند در زمینه مطالعه کتاب مدتی است بر روی یک برنامه (وبسایت و اپلیکیشن و به نوعی یک استارت‌آپ) و پیاده‌سازی آن کار کرده و برای انجام آن از افراد و شرکت‌های باسابقه و معتبر در زمینه طراحی و برنامه‌نویسی استفاده کرده‌اند. یعنی به نوعی خواسته‌اند یک شبکه اجتماعی کاملاً فارسی را برای کاربران ایرانی و دسترسی آسان‌تر به انتخاب کتاب‌های اصل و مناسب ایجاد کنند. در دنیای امروز که انتخاب هر محصولی مبتنی بر اطلاع از نظر دیگران در مورد آن کالاست، مهم‌ترین کارکرد این برنامه به اشتراک گذاری عقاید و نظرات افراد در مورد کتاب‌هاست.

### ترمه و گلاب نویسنده: مهشید تهرانی انتشارات: شادان



### دانشگاه تا بازار شرحی بر اقتصاد موضوعات عمومی نویسندگان: داگلاس نورث، دانیل بنجامین، راجر میلر مترجم: هاشم راعی انتشارات: دنیای اقتصاد



مهشید تهرانی از نویسندگان فعال و خوش قلم در عرصه ادبیات داستانی است. او نویسنده رمان و همچنین فعال در عرصه سینما و تلویزیون است. وی سرپرست نویسندگان سینما و تلویزیون در آثاری همچون سریال تلویزیونی «مهاجرهای خانه شماره ۱۳» است. همچنین مجموعه تلویزیونی «پاتوق» به کارگردانی شاهین باباپور و به نویسندگی مشترک مهشید تهرانی و رویا اسدی از شبکه یک سیما پخش شده است. بعد از رمان‌های «بهانه‌ای برای ماندن» و «روشنای آسمان» که استقبال خوبی از آنها شده است، سومین اثر این نویسنده به نام «ترمه و گلاب» در نمایشگاه بین‌المللی کتاب سال ۱۳۹۸ رونمایی شد. کتابی که طبق پیش‌بینی انجام‌شده مورد استقبال مخاطبان رمان قرار گرفته است. علاقه‌مندان قلم این نویسنده به خوبی توانایی‌هایش را می‌شناسند و نکته ویژه در کتاب جدید او یعنی این است که گاهی زمانه به اجبار افراد را در موقعیت‌های عجیب قرار می‌دهد که لازم است تمام فکر و گذشته خود را فرو بریزند و از نو بسازند. انگار تصویرشان از زندگی کاملاً باید تغییر کند و به شکل متضاد درآید. مثل فرو ریختن کاخ آرزوها، مثل کشیده شدن فرش زیبا از هزار نقش ترمه از زیر پا که اگر خود را بازی فرصتی برای بلند شدن نخواهی یافت. نویسنده در این کتاب موضوع فراطبیعت را به معنی وجود واقعیتی دیگر که تعالی بخش واقعیتی است که تجربه روزانه ما درون آن رخ می‌دهد به بحث می‌گذارد و می‌کوشد نشان دهد در وضعیت مدرن نیز می‌توان از نشانه‌های تعالی در زندگی روزمره سخن گفت؛ حتی اگر آنها تا حد شایعه تنزل یافته باشند.

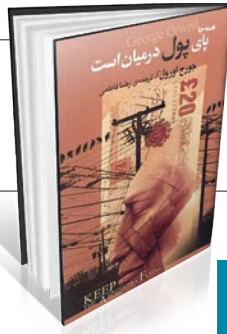
نویسندگان این کتاب با تسلط چشمگیرشان بر ابعاد گوناگون اقتصاد آمریکا ضمن دفاع از قواعد اقتصاد بازار آزاد، آثار زیان‌بار سیاست‌های دستوری و مداخله‌جویانه در اقتصاد این کشور را تشریح کرده‌اند که نویسندگان و موضوعات انتخاب‌شده برای هر فصل نیز چنان جذاب و جوان‌پسند است که مطالعه این کتاب را مشابه خواندن یک داستان مهیج کرده است. در این کتاب نویسندگان علاوه بر تحلیل موضوعات اقتصادی با نگاهی اقتصادی، مسائل عمومی جامعه مثل جاقی، فروش اعضای بدن، مشروبات الکلی، تولید بی‌رویه زباله، تبعیض نژادی و... را توضیح داده‌اند. کتاب «دانشگاه تا بازار» شرحی بر اقتصاد موضوعات عمومی «کتابی است که به شما نشان می‌دهد که قلمرو علم اقتصاد به نظریات متداول مکتوب در کتب درسی محدود نبوده و بسیاری از پدیده‌هایی را که پیرامونتان رخ می‌دهند و در ظاهر به علم اقتصاد ربطی ندارند می‌توان با ابزارهای علم اقتصاد تحلیل کرد. «دانشگاه تا بازار» گرچه بر پایه موضوعات روز اقتصادی آمریکا نگاشته شده است لیکن به دلیل ایجاد زنجیره‌ای تنومند میان نظریات اقتصادی و مثال‌های واقعی، تحلیل‌هایی به دست می‌دهد که در هر مکان و زمان دیگری قابل تعمیم است. لذا این اثر می‌تواند قوه تحلیل‌گری را بهبود بخشیده و نگاهتان به پدیده‌ها را اقتصادی‌تر کند. نگاه تیزبینانه و تفکر نقادانه نویسندگان این کتاب به موضوعاتی از حوزه‌های مختلف نظیر حقوق، جامعه‌شناسی، محیط زیست، پزشکی و حتی زیست‌شناسی چنان تحلیل قدرتمندی را به ارمان آورده که آنها را قادر می‌سازد تا برای مشکلات غیر اقتصادی راهکارهای اقتصادی مناسبی تجویز کنند.

### همه‌جا پای پول در میان است

نویسنده: جورج اورول

مترجم: رضا فاطمی

انتشارات: مجید



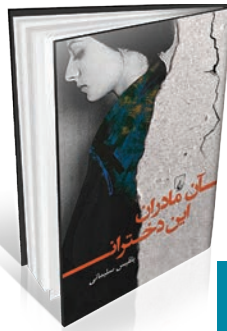
این اثر انتقادی اورول مانند بقیه آثارش حرف‌هایی برای گفتن دارد و بسیار به حال و هوای روزگار امروز ما شبیه است. در این اثر اورول، قهرمان داستان با خدای پول وارد جنگی تمام‌عیار می‌شود و تا انتهای این جنگ پیش می‌رود. در واقع معتقد است پول به جای خدمت به انسان و کمک به رسیدن او به آرامش، عکس آن را عمل می‌کند. یعنی انسان برای رسیدن به پول دست به هر کاری می‌زند تا به پول برسد و خود را برده و اسیر پول می‌کند و خود را به خدای پول می‌فروشد. در توضیحات پشت جلد این کتاب آمده است: گیاه آسپیدیسترا نمادی است از احترام به پول و زندگی طبقه متوسط قرن بیستم انگلستان که فقط دو راه فرار از آن وجود دارد. پولدار بودن یا امتناع از پولدار شدن. گوردون راه دوم را انتخاب می‌کند و با همه جنبه‌های زندگی وارد جنگ می‌شود. او حتی از شغل پولسازش استعفا می‌دهد و در یک کتابفروشی مشغول به کار می‌شود و تصمیم می‌گیرد جنگ مخفی را علیه خدای پول اعلام کند و آن را هدف خاص خود قرار دهد و در راه رسیدن به هدف با مشکلات فراوانی روبرو می‌شود. ناشر درباره کتاب گفته است: داوطلبانی از جمله خود اورول از کشورهای مختلف جهان و بالاخص اروپا وارد اسپانیا شدند تا به نفع جمهوری خواهان با فرانکو بجنگند. گروه‌های سیاسی به جان یکدیگر افتاده‌اند و مردم بیچاره از بیم شلیک‌های بی‌هدف جرئت گام نهادن به خارج از خانه‌شان را ندارند. مزارع ویران و روستاییان درمانده، همان‌هایی که به امید تقسیم اراضی بوده‌اند، انگشت حسرت به دندان می‌گزیند؛ ملتی که آذربایک‌هاش را نیز از دست‌رفته می‌بیند.

### آن مادران، این دختران

نگاهی به مشکلات زنان

نویسنده: بلقیس سلیمانی

انتشارات: ققنوس



«آن مادران، این دختران» جدیدترین رمان بلقیس سلیمانی، نویسنده پرکار و پرتعداد کرمانی است. مشخصه اصلی رمان همانند باقی آثار او پرداختن به مشکلات زنان و موانع آنها در مسیر رسیدن به کمال است. مشکلاتی که بیشتر شامل مضامینی چون رنج و ستم و زندگی پرانده زن، بارداری، زایمان، مادری و مسائل خاص زنان و انتقاد به یک فرهنگ مردسالار است. نویسنده در این کتاب بیشتر به مسائل اجتماعی پرداخته و فضاهای سیاسی و تاریخی را که عمده‌تاد در رمان‌های پیشینش می‌آورد، در این کتاب وارد نکرده است. ثریا شخصیت اصلی این رمان است. زنی که شوهر خود را از دست داده و خواننده در طول رمان با رنج‌هایی که او برای ادامه زندگی‌اش می‌کشد مواجه می‌شود. سختی‌هایی که اکثر کاراکترهای اصلی رمان‌های بلقیس سلیمانی متحمل می‌شوند و اگر خواننده کتاب‌های قبلی او را خوانده باشد، زیاد متعجب نخواهد شد؛ چرا که او همواره دغدغه‌های زنان را داشته و این امر برای او شاید اولین اصل در خلق قصه‌هایش باشد. در تمام طول رمان «آن مادران، این دختران» ما شاهد امضاهای مکرر نویسنده هستیم. موتیف‌هایی که هم در این رمان و هم آثار پیشین او بارها بیان شده‌اند و به او کمک کرده‌اند تا به تعاملات و دغدغه‌هایش عینیت ببخشد.

### اعترافات هولناک لاک‌پشت مرده

نویسنده: مرتضی برزگر

انتشارات: چشمه



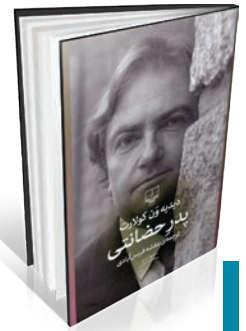
کتاب «اعترافات هولناک لاک‌پشت مرده» به نویسندگی مرتضی برزگر و دومین عنوان مجموعه کتاب‌های قفسه آبی است که از سوی نشر چشمه چاپ شده است. کتاب‌های قفسه آبی، زائری قصه‌گو و جریان‌محور هستند. از مرتضی برزگر پیش از این رمان «قلب نارنجی فرشته» منتشر شده است. این مجموعه داستان آثاری از این نویسنده را در بر می‌گیرد که پیش از چاپ در این کتاب برنده جوایز مختلف ادبی از جمله صادق هدایت، فرشته و... شده بودند. فضای داستان «اعترافات هولناک لاک‌پشت مرده» گروتسک است و سرآغاز از مقطع مرگ همسر جوان شخصیت راوی است. زن جوان، عجیب و قلدری است که در بیمارستان می‌میرد و همسرش مجبور است با آدم‌هایی روبرو شود که به او مشکوک‌اند. در عین حال از این هم می‌ترسد که روح همسر مرده‌اش برایش دردسر درست کند. این کتاب رمانی است درباره انسان. انسان معاصر و البته فاجعه‌ای که او را وامی‌دارد تا تمام نقاب‌هایش را کنار بزند و اجازه دهد هیولاهای مخفی‌اش بیرون بچهند و خود واقعی‌اش را نمایش دهد. داستان با مرگ غریب زنی جوان شروع می‌شود. مرگی که مانند پرتاب سنگی در برکه به ظاهر آرام خانواده‌هاست و شری که آزاد می‌کند، آنها را وامی‌دارد تا رازها و ناگفته‌ها و حقیقت‌های زیادی را برملا کنند. این نویسنده درباره شباهت و تفاوت‌های این رمان با اثر قبلی خود گفت: من قبلاً مجموعه داستان «قلب نارنجی فرشته» را در نشر چشمه منتشر کردم. مجموعه داستانی که درون‌مایه اصلی آن فقدان و تنهایی انسان است. حالا به نظرم لازم بود تا کیفیت دیگری از نوشتن را در این رمان تجربه کنم و آن تلفیق کمی طنز با سنگینی مرگ دردناک است.

### پدر حضانتی

نویسنده: دیدیه ون کولارت

مترجم: بنفشه فریس‌آبادی

انتشارات: چشمه



دیدیه ون کولارت یکی از توانمندترین رمان‌نویسان امروز فرانسه است. نویسنده و جستارنویسی که به خاطر شیوه روایی خاص از موضوع‌های ساده مشهور شده و غافلگیری‌هایی که پس هر کدام از رمان‌هایش وجود دارد. او در نیس به دنیا آمده و در ۲۲ سالگی اولین رمانش را منتشر کرده و در سال ۱۹۹۴ جایزه گنکور را هم به دست آورده. یکی از مولفه‌های تاثیرگذار و متناقض زندگی کولارت پدرش است که دستمایه رمان «پدر حضانتی» شده و آن را به اثری اتوبیوگرافیک تبدیل کرده است. روایتی پسر و پدری. پدری که وقتی او هفت سال داشت تصادف می‌کند و تا دم مرگ می‌رود. رمان «پدر حضانتی» اولین بار در سال ۲۰۰۷ منتشر شد و شگفتی منتقدان فرانسوی را برانگیخت. این رمان روایتی است خطاب به پدر در بستر مرگ و مرور گذشته، به روایتی که در آن عشق، نفرت و راز حرف اول را می‌زند و ون کولارت چنان کلاژی از پدرش می‌سازد که همراه با وامی که نویسنده از تاریخ فرانسه میانه قرن بیستم گرفته است، تأثیر عمیق روایی و احساسی‌اش تا مدت‌ها باقی می‌ماند. پیش از این نشر چشمه رمان «کشش‌ها» را از ون کولارت منتشر کرده است. مترجم در معرفی کتاب می‌نویسد: ون کولارت نویسنده بلژیکی تبار فرانسوی، با هدف کسب درآمد تصمیم می‌گیرد رمان‌هایش را منتشر کند.

# راهنمای بازارهای مالی

چرا این بازارها به وجود می آیند  
و چگونه عمل می کنند؟

مارک لوینسون  
مترجم: ساغر منشی



آینده نگار



# ژورنال

[این صفحه‌ها به شرح پژوهش‌های بومی اقتصادی و اجتماعی به زبانی ساده می‌پردازد.]



## امکان پوشش تورم با سکه طلا

شواهد نشان می‌دهد می‌توان برای جلوگیری از ضرر ناشی از تورم‌های زیاد طلا خرید

پژوهش: بررسی امکان پوشش تورم با سکه طلا در ایران: کاربردی از روش

ARDL غیر خطی

پژوهشگران: مانی مؤتمنی، شهریار زروکی، کوثر ضامنی

اقتصاد ایران طی سال‌های طولانی دچار تورم‌های شدید بوده است. چنین سابقه‌ای به ایجاد انتظارات تورمی مزمن دامن زده است. وجود چنین انتظاراتی در کارکرد بازار مالی مؤثر واقع می‌شود و موجب

انحراف پس‌اندازها از ابزارهایی نظیر بیمه زندگی به سفته‌بازی در بازارهایی نظیر مسکن، طلا و خودرو می‌شود. انحراف پس‌اندازها از چرخه مولد مالی موجب کاهش تجهیز منابع سرمایه‌ای می‌شود که این عامل به‌نوبه خود در تولید و اشتغال اثرگذار است. یکی از راهکارهای بازار مالی جهت رویارویی با چنین پدیده‌ای، معرفی ابزارهای معروف است. راهبرد کلی مورد «هجینگ تورم» پوشش‌دهنده تورم است به این شکل که سرمایه‌گذار با مراجعه به بازار مالی خود را در موقعیت معکوس بخش حقیقی قرار می‌دهد. برای نمونه چنانچه یک فعال اقتصادی به قیمت امروز و با سررسید پرداخت ۲ ماه آینده اقدام به خرید آهن کرده باشد، از این موقعیت بیم دارد که ظرف ۲ ماه آینده با کاهش قیمت آهن روبه‌رو شود. در این صورت او ناچار خواهد بود در روز سررسید، آهن را به قیمتی گران‌تر از نرخ جاری بازار خریداری کند. این شخص می‌تواند با خرید

ساعد یزدانجو

دبیر بخش ژورنال

در کشورهایی نظیر ایران که با تورم مزمن روبه‌رو هستند، امکان هجینگ یا پوشش تورم، ابزاری ضروری برای بازار مالی به حساب می‌آید. بانک‌ها، صندوق‌های بازنشستگی و بیمه عمر از جمله بخش‌هایی هستند که برای بقا یا بهبود کیفیت خدمات به چنین ابزاری نیاز خواهند داشت. به طور معمول انواع دارایی نظیر طلا، ارز، زمین و مسکن برای حفظ ارزش پول در برابر تورم به کار گرفته می‌شود. با شکل‌گیری نماد سکه طلا در بورس اوراق بهادار تهران، امکان استفاده از طلا به عنوان یک ابزار مجازی نیز به وجود آمده است. این مطالعه که توسط مانی مؤتمنی، شهریار زروکی و کوثر ضامنی انجام شده و نتایجش در مقاله‌ای با عنوان «بررسی امکان پوشش تورم با سکه طلا در ایران: کاربردی از روش ARDL غیرخطی» در آخرین شماره فصلنامه «اقتصاد مقداری» منتشر شده، می‌کوشد تا با استفاده از داده‌های ماهانه شاخص قیمت مصرف‌کننده و قیمت سکه طلا از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۶ قابلیت پوشش تورم به وسیله طلا را مورد آزمون قرار دهد. نتیجه مطالعه نشان می‌دهد که رابطه نامتقارنی بین این دو متغیر وجود دارد. هنگامی که رشد قیمت‌ها بیش از متوسط نرخ تورم باشد، قیمت طلا رشدی بیش از تورم خواهد داشت. اما در حالتی که رشد قیمت کمتر از میانگین تورم باشد، رابطه معناداری بین تورم و تغییرات نرخ طلا وجود ندارد. با توجه به مقدار ضرایب به دست آمده و آزمون کرانه‌ها، طلا را می‌توان به عنوان یک ابزار پوشش‌دهنده تورم ایران در نظر گرفت.

قرارداد آتی آهن، ریسک تجاری را پوشش دهد، به این نحو که در صورت کاهش قیمت آهن، در بازار مالی کسب سود می‌کند ولی در بازار آهن دچار زیان می‌شود و سرجمع سود و زیانش صفر شود. به این ترتیب، بازار مالی امکان مدیریت ریسک نوسان قیمت دارایی را فراهم می‌کند.

فرایند هجینگ را می‌توان به تورم نیز تعمیم داد. آنچه که در بخش حقیقی رخ می‌دهد افزایش سطح عمومی قیمت کالا و خدمات است که بر اساس شاخص قیمت مصرف‌کننده سنجیده می‌شود. فعال اقتصادی باید یک ابزار مالی رقیب بیابد تا بتواند در بازار مالی خود را در موقعیت معکوس قرار دهد. در هیچ بازار مالی، مشتقات منحصر به فردی برای

**مسئله**  
هدف اصلی این مقاله  
سنجش قابلیت پوشش  
تورم به وسیله سکه طلا  
در ایران بوده است. بر این  
اساس رابطه قیمت سکه  
تمام بهار آزادی طرح  
جدید از ابتدای سال ۱۳۸۴  
تا خرداد ۱۳۹۶ با شاخص  
قیمت مصرف‌کننده مورد  
روایی قرار گرفته است.

هجینگ تورم وجود ندارد اما برخی کالاها یا نمادهای قابل معامله در بورس ارزش خود را در مقابل تورم حفظ می‌کند. شناسایی این ابزار می‌تواند راهبرد پوشش تورم را میسر سازد.

طلا کالایی است که همواره و به‌صورت تاریخی رقیب پول شناخته می‌شده است. این خصوصیت حتی بعد از معاهده برتون وودز در سال ۱۹۱۱ نیز به نوعی ادامه یافته است. در مطالعات انجام شده دلایل و مبانی نظری مختلفی برای توضیح رابطه تورم و ارزش طلا عنوان شده است. با مرور این ادبیات می‌توان به چهار دیدگاه اصلی اشاره کرد: نخست آنکه طلا یک دارایی حقیقی، بادوام، ملموس، نسبتاً منقول و از نظر جهانی قابل قبول بوده و به راحتی به عنوان یک دارایی تصدیق شده است. افزایش مورد انتظار در شاخص تورم ممکن است به سرمایه‌گذاران علامت دهد که دارایی خود را تبدیل به طلا کنند تا در مقابل تورم محافظت شوند. دومین دیدگاه از منظر عرضه طلا است. در دیدگاهی دیگر، به محدود بودن ذخیره طلا در جهان اشاره دارند. این امر باعث می‌شود که عرضه طلا تحت کنترل باشد. بنابراین قیمت طلا هرگز نمی‌تواند به‌شدت کاهش یابد. سومین دلیل رابطه طلا و تورم این است که طلا در فرایند تولید کالاهای مهمی

نظیر کامپیوتر، تلفن همراه و هواپیما نقش دارد. از این رو، افزایش قیمت طلا می‌تواند موجب رشد قیمت کالاهای دیگر و در نهایت تورم شود. چهارمین دیدگاه این است که بر اساس سوابق، بین قیمت نفت و قیمت طلا رابطه مستقیمی وجود دارد. از آنجایی که افزایش قیمت نفت می‌تواند موجب رشد سطح عمومی قیمت‌ها شود، بنابراین بین تورم و طلا نیز به شکل غیرمستقیم رابطه‌ای وجود خواهد داشت.

عمده داد و ستد طلا در بازارهای مالی به‌صورت مجازی و بر اساس قراردادهای آتی صورت می‌گیرد. در ایران نیز خرید طلا یکی از راهکارهای مورد توجه خانوارها است. خرید سکه طلا، زیورات یا شمش از جمله رفتارهایی است که در دوران پرنوسان اقتصادی نظیر جنگ تحمیلی یا تحریم‌های بین‌المللی در ایران شدت می‌یابد. در سال‌های اخیر امکان خرید و فروش طلا به‌صورت یک نماد مالی در بورس اوراق بهادار تهران ممکن شده است. هرچند این ابزار همچنان در مراحل مقدماتی خود به سر می‌برد اما می‌توان انتظار داشت که در آینده قراردادهای بلندمدت و قیمت‌گذاری‌های حرفه‌ای در این بازار شکل گیرد. در این صورت، این نماد مالی می‌تواند به عنوان یک راهکار عملی جهت پوشش تورم مورد استفاده قرار گیرد. اما قبل از استفاده از چنین ابزاری می‌باید توانایی آن را در پوشش تورم مورد ارزیابی قرار داد. هدف اصلی این پژوهش بررسی همین موضوع است. به این منظور رابطه قیمت طلا و تورم با استفاده از داده‌های ماهانه شاخص قیمت مصرف‌کننده و قیمت سکه تمام طلا طی ۱۲ سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۶ بررسی شده است.

در این میان، به مفهومی به نام آربیتراژ هم برمی‌خوریم. آربیتراژ موجب می‌شود که اختلاف قیمت دارایی‌های منقول در مناطق مختلف از میان برود. برای نمونه اگر قیمت طلا در ایران کمتر از ترکیه باشد، خروج طلا از ترکیه و ورود طلا به ایران موجب کاهش اختلاف قیمت طلا در این کشورها خواهد شد. تعمیم این قاعده به این معنی است که قیمت طلا در یک کشور نمی‌تواند فاصله چندانی از قیمت جهانی داشته باشد. بر این اساس قیمت طلا در ایران نیز تابعی از قیمت جهانی طلا و نرخ ارز در بازار آزاد خواهد بود. در نوسان قیمت سکه طلا در ایران می‌توان سه عامل را مؤثر دانست. قیمت جهانی طلا، قیمت دلار و میزان تقاضای داخلی برای سکه است. با تغییراتی که در هر یک از این متغیرها صورت می‌گیرد، قیمت سکه طلا در بازار نوسان می‌یابد. ■

## دستاوردهای تحقیق: سکه می‌تواند تورم را پوشش دهد

بر این اساس رابطه قیمت سکه تمام بهار آزادی طرح جدید از ابتدای سال ۱۳۸۴ تا خرداد ۱۳۹۶ با شاخص قیمت مصرف‌کننده مورد ارزیابی قرار گرفته است. بر اساس الگوی ARDL و در بلندمدت هر ۱ درصد تورم به ۰٫۷ درصد رشد قیمت سکه طلا می‌انجامد. بر اساس این یافته نمی‌توان سکه طلا را پوششگر مناسب تورم در نظر گرفت. اما این یافته تا حدودی با واقعیت فاصله دارد. طی دوره زمانی مطالعه، شاخص قیمت مصرف‌کننده تقریباً ۷ برابر شده است و در سوی مقابل قیمت سکه طلا نیز تقریباً ۸ برابر شده است. یعنی خرید سکه طلا در ابتدای دوره تحقیق می‌توانست به عنوان یک ابزار مناسب در پوشش تورم در نظر گرفته شود. بنابراین، الگوی ARDL در توضیح رابطه بین تورم و طلا با اشکالاتی مواجه است.

نتایج به‌دست‌آمده از برآورد الگوی NARDL نشان می‌دهد که رابطه‌ای نامتقارن بین تورم و قیمت سکه طلا وجود دارد. اگر رشد قیمت طلا بیش از میانگین تورم باشد، به ازای هر ۱ درصدی قیمت‌ها، ارزش سکه طلا ۱٫۷ درصد رشد می‌یابد. یعنی هنگامی که در اقتصاد ایران تورم شدید شکل می‌گیرد، قیمت طلا با سرعت بیشتری از سطح عمومی قیمت‌ها افزایش می‌یابد. اما هنگامی که رشد قیمت‌ها کمتر از میانگین تورم است، رابطه معناداری بین دو متغیر وجود ندارد. به عبارتی در زمان فروکش کردن تورم، قیمت طلا مستقل از سطح عمومی قیمت‌ها نوسان می‌یابد. وجود چنین رابطه‌ای در بلندمدت به‌وسیله آزمون کرانه‌ها مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است. نتیجه مطالعه نشان می‌دهد سکه طلا را می‌توان به عنوان یک ابزار مالی برای پوشش تورم ایران در نظر گرفت.

در حال حاضر سه نوع سکه در بازار معامله می‌شود. سکه پهلوی، سکه بهار آزادی طرح قدیم و سکه بهار آزادی طرح جدید (امامی). به منظور همگن‌سازی اطلاعات، تمامی داده‌های تحقیق بر اساس سکه تمام بهار آزادی طرح جدید یا همان سکه امامی سازماندهی شده است. مشخصات این سکه از حیث وزن و عیار در بخش قبل مشخص شده است. برای گردآوری این داده به منابع مختلفی مراجعه شده است. برخی از سایت‌های تخصصی در زمینه طلا، اطلاعات ماهانه قیمت طلا را برای ۵ سال اخیر ارائه می‌دهند. اما آرشیوی برای قیمت سکه در سال‌های دهه ۱۳۸۰ وجود ندارد. سایت‌های مرجع نظیر مرکز آمار ایران و بانک مرکزی نیز این اطلاعات را به‌صورت فصلی یا سالانه ارائه می‌دهند. از این رو با توجه به نیاز پژوهش به اطلاعات ماهانه، جمع‌آوری داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای و از طریق آرشیو روزنامه دنیای اقتصاد انجام شده است. قیمت سکه در طول دوره تحقیق تقریباً ۸ برابر شده است اما قیمت ارز در این دوره به میزان کمتری افزایش یافته است. بنابراین با توجه به موضوع آربیتراژ، تغییر قیمت جهانی طلا نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری سری زمانی فوق داشته است. با تشدید نااطمینانی‌ها در مورد عملکرد اقتصادی کشورهای حوزه یورو، رکود کم‌سابقه در امریکا، عملکرد ضعیف بورس‌های بین‌المللی، جنگ ارزی بین کشورها و تمایل دولت‌ها به ایجاد تنوع در ذخایر، موجب شد تا توجه سرمایه‌گذاران بیش از پیش به طلا جلب شود و به همین دلیل قیمت جهانی طلا طی دوره تحقیق با افزایش قابل توجهی همراه بوده است. هدف اصلی این مقاله سنجش قابلیت پوشش تورم به وسیله سکه طلا در ایران بوده است.

در سال‌های اخیر یکی از جذاب‌ترین شاخص‌هایی که در اقتصاد معرفی شده شاخص شادی است. استرلین اولین کسی در آمریکا بود که متوجه شد گرچه در داده‌های مقطع زمانی، افراد ثروتمندتر شادتر هستند اما در یک سری زمانی، رشد اقتصادی همراه با افزایش کلی شادی نیست. این ناسازگاری تحت عنوان پارادوکس استرلین شناخته شده است.

## اثر گذاری در آمد سرانه بر شادی مردم

سه سناریوی تأثیر متغیرهای اقتصادی بر احساس خوشایند زندگی



اگر شادی یکی از ویژگی‌های جامعه خوب باشد و توسعه یک جنبش تدریجی برای رسیدن به جامعه خوب در نظر گرفته شود، شادی می‌تواند یکی از اهداف سیاست‌های توسعه باشد. در حوزه اقتصاد شادی، تمرکز مطالعات روی تحلیل اثرگذاری عوامل مختلف اقتصادی بر شادی است اما تاکنون مطالعاتی به بررسی تأثیر متغیرهای اقتصادی روی شادی با الگوی علمی رگرسیون آستانه‌ای پانل در ایران نپرداخته است. بنابراین عبدالعلی منصف، مژگان معلمی، جهانگیر بیابانی، مهدی نجاتی، جواد طاهری زاده اناری پور در تحقیقی که نتایج آن با عنوان «بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر شادی در کشورهای منتخب: رهیافت رگرسیون آستانه‌ای پانل» در آخرین شماره فصلنامه «پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی» منتشر شده، برای صد کشور در بازه ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶، در سه سناریو اثر هشت متغیر را روی شادی بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که رابطه شادی با نابرابری درآمد، تورم و بیکاری منفی و رابطه شادی با درآمد سرانه، سلامت، مصرف، مخارج دولتی و آزادی اقتصادی مثبت است.

**پژوهش: بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر شادی در کشورهای منتخب: رهیافت رگرسیون آستانه‌ای پانل**  
**پژوهشگران: عبدالعلی منصف، مژگان معلمی، جهانگیر بیابانی، مهدی نجاتی، جواد طاهری زاده اناری پور**

از زمان ارسطو جست‌وجوی شادی انسان‌ها برای فیلسوفان جذاب بوده و بعد از آن، اقتصاددانانی نظیر جرمی بنتام و جان استوارت میل و آدام اسمیت نیز بر اهمیت شادی تأکید داشته‌اند. بنتام به‌عنوان نماینده مکتب اصالت فایده اعتقاد داشت در هر لحظه باید در بین انواع امکانات چیزی را برگزید که به افراد بیشتری لذت برساند. بسیاری از اقتصاددانان نئوکلاسیک در گذشته برای اندازه‌گیری رفاه فردی توجه خود را معطوف به ثروت، دارایی، مصرف و پول می‌کردند ولی امروزه مفهومی به نام شادی در مقاسه با مفاهیم رفاه مادی جایگاه مناسبی در تحلیل‌های رفاهی بین اقتصاددانان پیدا کرده است. شادی علاوه بر اینکه پدیده‌ای روان‌شناختی و اجتماعی است، یک پدیده مادی نیز هست که باید آن را از دیدگاه مادی بررسی و تحلیل کرد.

در سال‌های اخیر یکی از جذاب‌ترین شاخص‌هایی که در اقتصاد معرفی شده شاخص شادی است. استرلین اولین کسی در آمریکا بود که متوجه شد گرچه در داده‌های مقطع زمانی، افراد ثروتمندتر شادتر هستند اما در یک سری زمانی، رشد اقتصادی همراه با افزایش کلی شادی نیست. این ناسازگاری تحت عنوان پارادوکس استرلین شناخته شده است. تحقیقت روی سلامت ذهنی نیز که اغلب با نام تحقیقات شادی به آن رجوع می‌شود، هم در حوزه سیاست و هم در حوزه دانشگاهی، در حال شتاب گرفتن است و داده‌های جهانی سلامت ذهن به‌طور فزاینده‌ای در هر دو سطح تحلیل اقتصادی خرد و کلان، در حال استفاده هستند.

اقتصاددانان زیادی به ارزیابی چگونگی تأثیرگذاری عوامل اقتصادی نظیر درآمد، ثروت و اشتغال و نیز عوامل غیراقتصادی از جمله ویژگی‌های شخصیتی و عوامل اجتماعی و جمعیت‌شناختی روی شادی افراد پرداخته‌اند. تحقیقات اقتصاد شادی نشان می‌دهد که افراد شادتر می‌توانند بهره‌ورتر و نوآورتر باشند که کارشان منجر به سودآوری بیشتر و رشد اقتصادی می‌شود. بنابراین تلاش برای اندازه‌گیری شادی و طراحی سیاست‌ها برای بهبود شادی با توجه به عوامل مؤثر بر آن، ضروری به نظر می‌رسد. در اکثر مطالعات انجام‌شده تاکنون تأثیر متغیرها بر شادی به‌صورت خطی مورد بررسی قرار گرفته و تنها اندک مطالعاتی رابطه غیرخطی برخی از متغیرها را روی شادی تحلیل کرده‌اند که از این دسته مطالعات نیز تعداد انگشت‌شماری به بررسی تأثیر آستانه‌ای پرداخته‌اند. نکته قابل توجه این است که تاکنون هیچ مطالعه‌ای به بررسی روند تأثیرگذاری یک متغیر روی شادی توام با در نظر گرفتن تغییرات یک متغیر دیگر نپرداخته است و این مسئله اصلی پژوهش حاضر است.

به تدریج که تحقیقات زیادی روی شادی و رابطه‌اش با اقتصاد انجام شد، این پدیده جایگاه مناسبی در تحلیل‌های رفاهی بین اقتصاددانان پیدا کرد. شادی علاوه بر اینکه پدیده‌ای روان‌شناختی و اجتماعی است، یک پدیده مادی هم هست که باید آن را از دیدگاه مادی بررسی و تحلیل کرد

داده‌های مورد بررسی این پژوهش با در نظر گرفتن محدودیت‌های متعددی نظیر نبود دسترسی به داده‌های شادی بسیاری از کشورها و نیز نبود دسترسی به داده‌های برخی از متغیرهای این پژوهش در برخی کشورها در دوره مورد بررسی جمع‌آوری شد. متغیرهای مورد بررسی عبارتند از متغیر شادی به‌عنوان متغیر وابسته و هشت متغیر مؤثر بر شادی به‌عنوان متغیر توضیحی و در نهایت، تعداد صد کشور در دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۶ برای انجام تحلیل‌ها. به‌طور کلی، ملاک اصلی انتخاب کشورها و دوره زمانی این پژوهش، در دسترس بودن اطلاعات بوده است. بانک جهانی کشورها را بر اساس میزان درآمد به سه دسته کلی تقسیم کرده است که عبارتند از کشورهای با درآمد بالا، کشورهای با درآمد متوسط و کشورهای با درآمد پایین. از تعداد ۱۰۰ کشور مورد بررسی این تحقیق، تعداد ۳۷ کشور با درآمد بالا، ۵۲ کشور با درآمد متوسط و ۱۱ کشور با درآمد پایین بوده‌اند.

باید تأکید کرد که به‌طور کلی مطالعات گذشته در حوزه اقتصاد شادی در دو سطح خرد و کلان و در دو سطح دیگر درون‌کشوری و بین‌کشوری قابل تفکیک است. در سطح خرد، عمده مطالعات تلاش کرده‌اند رابطه بین متغیرهای مؤثر بر شادی مثل متغیرهای جمعیت‌شناختی و متغیرهای فرهنگی و مذهبی را آزمون کنند. در سطح کلان نیز مطالعات تأثیر متغیرهایی همچون بیکاری و درآمد و رشد اقتصادی و متغیرهای نهادی مثل آزادی اقتصادی و آزادی سیاسی و اندازه دولت را مورد آزمون قرار داده‌اند.

به تدریج که تحقیقات زیادی روی شادی و رابطه‌اش با اقتصاد انجام شد، این پدیده جایگاه مناسبی در تحلیل‌های رفاهی بین اقتصاددانان پیدا کرد. شادی علاوه بر اینکه پدیده‌ای روان‌شناختی و اجتماعی است، یک پدیده مادی هم هست که باید آن را از دیدگاه مادی بررسی و تحلیل کرد. در این میان باید به این نکته هم اشاره کرد که شادی بر اساس نظرسنجی از افراد سنجیده می‌شود.

عوامل متعدد اقتصادی و غیراقتصادی بر شادی افراد تأثیر دارند. مطالعات زیادی در حوزه اقتصاد شادی تأثیر شاخص‌های

**مسئله**  
**بررسی رابطه بین مخارج مصرف خانوار و شادی با توجه به درآمد سرانه، بررسی رابطه بین درآمد سرانه و شادی با توجه به نابرابری درآمد و در نهایت، بررسی رابطه بین آزادی اقتصادی به‌عنوان یک عامل نهادی و شادی با در نظر گرفتن تغییرات درآمد سرانه از اهداف اصلی پژوهش حاضر بوده است.**

خرد و کلان اقتصادی و نهادی را بر شادی بررسی کرده‌اند که در این میان، شمار تحقیقات روی ارتباط بین درآمد و شادی بیشتر است. در مطالعات انجام‌شده تاکنون بررسی رابطه بیان شادی و تعیین‌کننده‌های شادی با استفاده از مدل‌های رگرسیونی خطی و غیرخطی صورت گرفته و استفاده از الگوهای رگرسیون آستانه‌ای در هیچ مطالعه شادی با تعداد متغیرها و کشور و دوره زمانی پژوهش حاضر به چشم نمی‌خورد.

کشف و تحلیل رابطه برخی از عوامل اقتصادی و نهادی روی شادی با توجه ویژه به یک عامل تأثیرگذار

دیگر مسئله مهمی است که در این پژوهش به آن پرداخته شده است. بررسی رابطه بین مخارج مصرف خانوار و شادی با توجه به درآمد سرانه، بررسی رابطه بین درآمد سرانه و شادی با توجه به نابرابری درآمد و در نهایت، بررسی رابطه بین آزادی اقتصادی به‌عنوان یک عامل نهادی و شادی با در نظر گرفتن تغییرات درآمد سرانه از اهداف اصلی پژوهش حاضر بوده است.

در این پژوهش بررسی عوامل مؤثر بر شادی در سه سناریوی مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. سناریوی اول به بررسی میزان اثرگذاری مصرف روی شادی با توجه به تغییرات درآمد سرانه می‌پردازد. در سناریوی دوم، بررسی اثرگذاری درآمد سرانه روی شادی با توجه به تغییرات نابرابری درآمد مورد ارزیابی قرار گرفته و در سناریوی سوم نیز به بررسی اثرگذاری شاخص آزادی اقتصادی روی شادی با توجه به تغییرات درآمد سرانه اشاره شده است. ■

## دستاوردهای تحقیق: سه سناریوی تأثیر بر شادی

در سناریوی سوم، اثرگذاری آزادی اقتصادی روی شادی مشروط به درآمد سرانه شد. افزایش آزادی اقتصادی موجب افزایش شادی می‌شود و این افزایش با بالا رفتن درآمد سرانه، فزونی نیز می‌گیرد که اندازه آن نیز قابل توجه است.

با توجه به اثرات قابل توجه افزایش شادی در ارتقای سطح رشد پایدار اقتصادی و اجتماعی کشورها، امروزه در اکثر کشورهای جهان با استناد به گزارش شادی جهانی، تلاش برای افزایش شادی و سلامت ذهنی افراد در زمره اهداف اساسی مطرح است. از این رو، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها باید در جهت تقویت عوامل ارتقادهنده شادی و تضعیف عوامل کاهنده شادی باشد. با توجه به نتایج این پژوهش در سناریوی اول و سوم، درآمد سرانه علاوه بر تأثیر مثبت خود روی شادی، باعث شدت گرفتن تأثیر مثبت مصرف و آزادی اقتصادی روی شادی نیز می‌شود. بنابراین تدوین سیاست‌هایی در راستای افزایش درآمد سرانه می‌تواند گام مهمی به‌سوی افزایش شادی در کشور باشد. همچنین طبق نتایج سناریوی دوم، به نابرابری درآمد علاوه بر اینکه خود عاملی برای کاهش شادی است، باعث کاهش تأثیر درآمد سرانه روی شادی نیز می‌شود و به همین جهت، تدوین راهکارهایی برای کاهش نابرابری درآمدی در کشور می‌تواند عامل مهمی برای افزایش شادی باشد.

بر طبق نتایج سناریوی اول، مخارج مصرفی خانوار روی شادی اثر مثبت دارد که میزان این اثرگذاری به اندازه درآمد سرانه بستگی دارد و با توجه به حصول یک حد آستانه برای متغیر درآمد سرانه، مخارج مصرف خانوار طبق داده‌های این پژوهش با دو رژیم متفاوت روی شادی اثر می‌گذارد. در قبل از حد آستانه (یعنی در رژیم اول)، با افزایش درآمد سرانه، مخارج مصرفی باعث افزایش شادی می‌شود و اما هنگامی که درآمد سرانه به یک مقدار مشخص می‌رسد، تأثیر مخارج مصرفی روی شادی بیشتر از حالت قبل از حد آستانه است و بنابراین شادی را بیشتر از قبل افزایش می‌دهد. بنابراین افزایش مخارج مصرفی در کشورهای با درآمد سرانه بالاتر شادی را بیشتر از کشورهای با درآمد سرانه پایین‌تر افزایش می‌دهد.

سناریوی دوم به ارزیابی اثرگذاری درآمد سرانه روی شادی مشروط به نابرابری درآمد پرداخته است. در رژیم اول، درآمد سرانه تا مقدار آستانه‌ای نابرابری درآمد باعث افزایش شادی می‌شود ولی با فراتر رفتن مقدار نابرابری درآمد از مقدار مشخص آستانه‌ای، درآمد سرانه تأثیر کمتری بر شادی دارد و شادی را کمتر از قبل افزایش می‌دهد. بنابراین در کشورهایی با نابرابری درآمدی بالاتر، افزایش درآمد سرانه تأثیرگذاری کمتری روی افزایش شادی این کشورها خواهد داشت.

بودجه امنیت در کشورهای توسعه یافته از طریق مالیات و در کشورهای رانتیر نفتی از طریق درآمدهای نفتی تأمین می شود. مخارج دفاعی و هزینه های امنیت می تواند بر متغیرهای اقتصادی تأثیر مثبت یا منفی داشته باشد و برآیند نهایی آن بستگی به ساختار اقتصادی کشور و همبستگی سهم بودجه دفاعی و غیردفاعی دارد.

## رابطه بین هزینه های امنیت و تشکیل سرمایه های خصوصی

در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ مخارج نفتی و مخارج دفاعی در دو فاز مخالف بودند



نام پژوهش: ارزیابی رابطه بین هزینه های امنیت و تشکیل سرمایه ثابت خصوصی در ایران  
پژوهشگران: سید پرویز جلیلی کامجو، رامین خوجانی

امنیت به خصوص در قرن اخیر کالایی است لوکس و در بالای هرم نیازهای مازلو قرار دارد به طوری که همراه با افزایش درآمد، سهم آن نیز در بودجه خانوار با روند صعودی افزایش می یابد. جوامع نیز مانند خانوارها اگر ثروتمندتر شوند به سیستم پیچیده تر دفاعی نیاز خواهند داشت. همچنین چون دفاع و امنیت کالایی عمومی است، لازم است از لحاظ تحلیلی، رابطه ای مثبت با جمعیت یا اندازه اقتصاد داشته باشد که باید از آن دفاع شود. به این ترتیب ثروت حاصل از منابع رایگان نفت که موجب بزرگ تر شدن اقتصاد و متغیرهای اقتصادی می شود و همچنین موجب ثروتمندتر شدن دولت های رانتیر و بخش خصوصی در این کشورها خواهد شد، متناسب با آن، نیاز به امنیت و سیستم دفاعی پیچیده تر و قوی تر دارد که متعاقباً نیازمند مخارج و سرمایه گذاری های بالاتر است.

بودجه امنیت در کشورهای توسعه یافته از طریق مالیات و در کشورهای رانتیر نفتی از طریق درآمدهای نفتی تأمین می شود. مخارج دفاعی و هزینه های امنیت می تواند بر متغیرهای اقتصادی تأثیر مثبت یا منفی داشته باشد و برآیند نهایی آن بستگی به ساختار اقتصادی کشور و همبستگی سهم بودجه دفاعی و غیردفاعی دارد. مخارج دفاعی و هزینه های امنیت در شرایط رشد اقتصادی سریع، دارای تأثیر مثبت بر متغیرهای حقیقی و در شرایط با رشد اقتصادی کند، دارای تأثیر منفی است. مخارج دفاعی در کشورهای با رشد نامتوازن دارای تأثیر غیرخطی بر رفاه، متغیرهای نابرابری درآمد و سرمایه گذاری خصوصی است. طبق ضریب تکاثر هزینه های دولت در مدل کینزی و به این دلیل که در مدل کینزی بازار سرمایه، سرمایه گذاری تابعی از درآمد ملی است، افزایش مخارج دفاعی و هزینه های امنیت باعث افزایش تشکیل سرمایه بخش خصوصی می شود. اما در مقابل طبق تئوری های نئوکلاسیکی، اثر جانشینی جبری افزایش سهم مخارج دفاعی و هزینه های امنیت در بودجه دولت، باعث کاهش تشکیل سرمایه بخش خصوصی و در موارد خاص، باعث کاهش مخارج آموزشی و رفاهی می شود.

به طور کلی، مخارج دفاعی و هزینه های امنیت تحت تأثیر استراتژی های تأمین امنیت داخلی و خارجی، میزان هزینه های دفاعی کشورهای منطقه و رقیب، تهدیدهای خارجی و ناآرامی های داخلی، درآمدهای نفتی، سایر منابع رانت، میزان سرمایه گذاری های خصوصی به خصوص میزان حضور شرکت های چندملیتی، رشد اقتصادی و سطح دموکراسی در کشور قرار دارد.

مخارج دفاعی و هزینه های امنیت داخلی یک کالای عمومی است و حتی در کشورهای پیشرو در نظام بازار آزاد نیز بخش خصوصی کمتر تمایل به سرمایه گذاری در بخش نظامی دارد و حتی ممکن است کیفیت خدمات ارائه شده توسط بخش خصوصی در حد خدمات ارائه شده توسط دولت نباشد و تأمین نشدن با کیفیت امنیت منجر به بدبین شدن سرمایه گذاران بخش خصوصی به کشور شود. به این دلیل هزینه های تأمین این کالای عمومی بر عهده دولت است. آدام اسمیت نیز هزینه امنیت داخلی و خارجی را یکی از وظایف دولت حداقلی کلاسیک ها می داند اما این هزینه های دولتی دارای تأثیر چشمگیر بر فعالیت های بخش خصوصی مانند تشکیل سرمایه ثابت، اشتغال، تبادل دانش فنی و تجارت داخلی و خارجی است. سید پرویز جلیلی کامجو و رامین خوجانی تحقیقی درباره رابطه بین هزینه های امنیت و تشکیل سرمایه های خصوصی انجام داده اند که نتایجش را در آخرین شماره فصلنامه «پژوهشنامه اقتصادی» با عنوان «ارزیابی رابطه بین هزینه های امنیت و تشکیل سرمایه ثابت خصوصی در ایران» منتشر کرده اند.

مخارج دفاعی و هزینه های امنیت دارای هزینه فرصت بالایی در اقتصاد است به طوری که اگر منبع تأمین این مخارج درآمدهای مالیاتی باشد، باعث کاهش نرخ پس انداز، افزایش نرخ بهره، افزایش هزینه تأمین سرمایه و کاهش سرمایه گذاری بخش خصوصی خواهد شد و اگر منبع تأمین مخارج دفاعی درآمدهای نفتی باشد، استقلال مالی مخارج دفاعی، منجر به فساد و خسونت خواهد شد.

مخارج دفاعی کشورهای جهان در سال ۲۰۱۷ میلادی ۲،۲ درصد از تولید ناخالص داخلی یعنی ۲۳۰ دلار به ازای هر فرد را تشکیل داده است. همچنین بودجه نظامی ایران در سال ۲۰۱۷ رشد ۱۹ درصدی داشته و سرانه مخارج دفاعی و هزینه امنیت داخلی سرانه در ایران ۱۸۸،۰۴ دلار بوده که دارای هزینه فرصت چشمگیری برای اقتصاد است. اقتصاد ایران با توجه به شرایط

مخارج دفاعی و هزینه‌های امنیت در مدل ثابت در نظر گرفته شد و از یک مدل علمی همدوسی موجکی جزئی که قادر به تفکیک اختلافات فازی است، استفاده شد تا اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت تفکیک شود.

هزینه دفاعی شامل مقدار مخارج دولت‌ها برای نیروها و فعالیت‌های نظامی، هزینه‌های عملیاتی، خرید و نگهداری از تسلیحات، ساخت‌وساز نظامی، تحقیقات نظامی، پشتیبانی، حقوق و مزایای نیروها می‌شود. هزینه‌های امنیت که عموماً

معطوف به تأمین امنیت داخلی است، شامل تمام هزینه‌های دولت برای نیروها، خدمات و تجهیزات انتظامی در داخل کشور است. در پژوهش حاضر، برای یافتن پاسخ به این سؤال که آیا هزینه‌های امنیت داخلی و هزینه‌های مخارج دفاعی در جمهوری اسلامی ایران عاملی جهت رشد سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه ثابت بخش خصوصی است یا خیر؟ همچنین آیا این هزینه‌ها متأثر از نوسانات درآمدهای نفتی است؟ از روش همدوسی جزئی برای آزمون همبستگی و علیت‌های موضعی طی سال‌های مطالعه و در مقیاس‌های زمانی مختلف استفاده شد. در روش همدوسی جزئی اثرات درآمدهای مالیاتی ثابت نگه‌داشته‌شده تا اثرات خالص این متغیرها بدون تأثیر متقابل درآمدهای مالیاتی برآورد شود. ■

**مسئله**  
**این پژوهش به**  
**ارزیابی ارتباط بین**  
**مخارج دفاعی و**  
**هزینه‌های امنیت**  
**به عنوان دو بخش**  
**مهم از بودجه دولتی**  
**با تشکیل سرمایه**  
**ثابت خصوصی و**  
**درآمدهای نفتی با**  
**ثابت در نظر گرفتن اثر**  
**مالیات پرداخته است.**

اقتصادی و سیاسی خاص خود نیاز به منابع مالی درون‌زا به منظور گذار از مراحل توسعه دارد و درآمدهای نفتی می‌تواند منابع مهم درون‌زا به منظور تحریک موتور توسعه باشد. حال اگر این منابع عظیم صرف مخارج دفاعی و امنیت داخلی شود که منجر به تأثیر منفی بر متغیرهای اقتصاد کلان به‌ویژه تشکیل سرمایه بخش خصوصی شود، انحراف از مسیر توسعه را در پی خواهد داشت. به این ترتیب، سؤال اصلی این پژوهش این است که چه رابطه‌ای بین مخارج دفاعی و هزینه‌های امنیت داخلی با درآمدهای نفتی در ایران وجود دارد؟ همچنین آیا افزایش هزینه‌های فوق دارای اثر تکاثری یا اثر جانشینی جبری بر تشکیل سرمایه ثابت خصوصی در ایران بوده است؟ این پژوهش با استفاده از رویکرد علمی موجک پیوسته و مدل همدوسی جزئی با ثابت نگه‌داشتن اثرات تغییرات درآمدهای مالیاتی دولت به‌عنوان یک متغیر کنترلی در دوره ۱۳۳۸ تا ۱۳۹۶، رابطه مخارج دفاعی و هزینه‌های امنیت با درآمدهای نفتی را مورد ارزیابی قرار داده است. همچنین ارتباط پیچیده بخش دولتی و خصوصی در ایران را با ارزیابی تغییرات دو بخش مهم از بودجه دولتی در ایران شامل مخارج دفاعی و هزینه‌های امنیت با تشکیل سرمایه بخش خصوصی مورد تحلیل قرار داده است.

جمع‌بندی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که رابطه بین مخارج دفاعی و متغیرهای اقتصادی مانند درآمدهای نفتی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بستگی به ساختار اقتصاد کشور و منبع تأمین مخارج دفاعی دارد و نتایج در کشورهای مختلف و حتی دوره‌های مختلف متفاوت است. به این ترتیب، در این پژوهش علاوه بر مخارج دفاعی، هزینه‌های امنیت نیز وارد مدل شد. همچنین درآمدهای مالیات به‌عنوان یکی از منابع تأمین

جمع‌بندی پیشینه  
پژوهش نشان  
می‌دهد که رابطه  
بین مخارج دفاعی  
و متغیرهای  
اقتصادی مانند  
درآمدهای نفتی  
و سرمایه‌گذاری  
بخش خصوصی  
بستگی به ساختار  
اقتصاد کشور و  
منبع تأمین مخارج  
دفاعی دارد و نتایج  
در کشورهای  
مختلف و حتی  
دوره‌های مختلف  
متفاوت است

## دستاوردهای تحقیق: تأثیر مثبت مخارج امنیت بر جذب سرمایه

است به نظر می‌رسد با رشد سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان مسکونی، هزینه‌های نظم عمومی که شامل خدمات دستگاه انتظامی است نیز باید افزایش یابد. در میان‌مدت مطالعه روی تشکیل سرمایه ثابت خصوصی متغیر نشان می‌دهد که هزینه‌های امنیت داخلی علت رشد تشکیل سرمایه ثابت خصوصی شده است. ایجاد امنیت، به‌طور قطع در جذب سرمایه‌ها و تمایل سرمایه‌گذاران برای سرمایه‌گذاری بیشتر مؤثر است. نتایج این قسمت از پژوهش نیز با قبلی سازگار است. در نهایت، مطالعه روی رشد هزینه‌های امنیت داخلی و رشد درآمدهای نفتی بیانگر علیت از درآمدهای نفتی به هزینه‌های امنیت داخلی طی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۸ است. به عبارت دیگر، در کوتاه‌مدت هزینه‌های امنیت داخلی متأثر از درآمدهای نفتی بوده است اما در میان‌مدت و طی سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۶، دو متغیر هم‌فاز هستند اما جهت علیت در آن مشخص نیست و تنها می‌توان گفت که در میان‌مدت دو متغیر فوق هم‌حرکت خواهند بود. با توجه به ساختار اقتصاد ایران، اهداف صلح‌طلبانه نظام جمهوری اسلامی ایران و اینکه ایران صادرکننده تجهیزات نظامی نیست و مخارج نظامی و هزینه‌های امنیت دولت ایران فقط به‌منظور تأمین امنیت خارجی (منطقه‌ای) و داخلی است به این ترتیب پیشنهاد می‌شود مخارج دفاعی به‌منظور کنترل اثر جانشینی جبری در حد بهینه تعیین شود. برای مطالعات آتی پیشنهاد می‌شود اندازه بهینه مخارج دفاعی و امنیت در ایران با توجه به شاخص‌های اقتصاد کلان و امنیت ملی برآورد شود.

نتایج بررسی و آزمون‌های علمی بین رشد مخارج دفاعی و رشد تشکیل سرمایه ثابت نشان داد که در بازه زمانی ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷ و در مقیاس زمانی چهارساله، دو متغیر رشد مخارج دفاعی و رشد تشکیل سرمایه ثابت خصوصی هم‌فاز نبوده و رابطه علیت از سمت رشد مخارج دفاعی به سرمایه‌گذاری است. این امر به دلیل صرف هزینه‌های هنگفت در بخش نظامی در آن دوره بود که پدیده برون‌رانی و جایگزینی بخش دولتی با بخش خصوصی را فراهم می‌کرد و در نتیجه، فرایند توسعه بخش خصوصی را مانع می‌شد چراکه عمده درآمد نفتی صرف تجهیزات نظامی می‌شد. این نتیجه با نتایج مطالعات قبلی همخوانی دارد. در همان مقیاس زمانی و طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۸ دو متغیر مخارج دفاعی و تشکیل سرمایه ثابت خصوصی هم‌فاز هستند. به عبارت دیگر، پدیده برون‌رانی حداقل در مورد مخارج دفاعی وجود ندارد. این نتیجه نیز با نتایج مطالعات قبلی سازگار است. در مطالعه رابطه بین رشد درآمدهای نفتی و رشد مخارج دفاعی، درآمدهای نفتی و مخارج دفاعی همدوسی معناداری در طول سال‌های مورد مطالعه ندارند و تنها در سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷ و در مقیاس زمانی کوتاه‌مدت این دو متغیر در فاز مخالف یکدیگر قرار دارند. در مورد مطالعه بین رشد هزینه‌های امنیت داخلی و رشد تشکیل سرمایه ثابت خصوصی در کوتاه‌مدت و بلندمدت تشکیل سرمایه ثابت خصوصی، به این نتیجه می‌رسیم که تشکیل سرمایه ثابت خصوصی علت رشد هزینه‌های امنیت داخلی نیز شده است. از آنجا که یکی از اقلام سرمایه ثابت ساختمان مسکونی

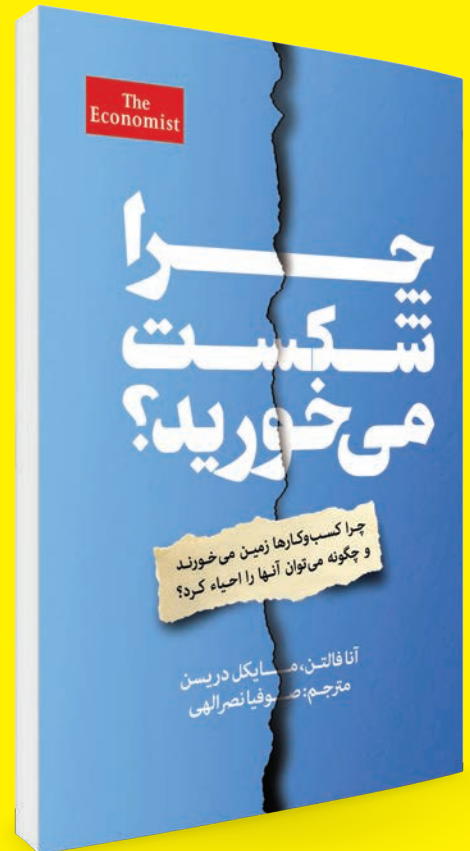
# چرا باید این کتاب را خواند؟

تازه‌ترین کتاب اتاق تهران



انتشارات: اتاق تهران  
قیمت: ۱۴ هزار تومان  
شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه  
چاپ اول ۱۳۹۶  
مرکز پخش: ۶۶۹۳۹۳۲۹

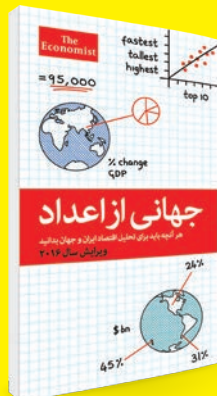
کسب‌وکارهایی کامیاب می‌شوند که دقت نظر و تشخیص اساسی و درست دارند. آنهایی می‌توانند گلیمشان را از آب بیرون بکشند که موقعیت زمان، مکان و در یک کلام بازار را درک می‌کنند. نویسندگان اکونومیست در این کتاب تاکید دارند که کسب‌وکارهایی در بازار رقابتی دهه معاصر توان حضور دارند که اصل استراتژی‌های معاملات و نحوه اجرای آنها را درک کنند. در کتاب مثال‌هایی آورده شده که نشان می‌دهد کمپانی‌های بزرگ و بین‌المللی وقتی نتوانستند، استراتژی درستی پیش گیرند، چطور زمین خوردند و البته مثال‌هایی هم آورده شده که تایید می‌کند، کمپانی‌های کوچک و محلی با در نظر گرفتن جوانب حاکم بر بازار و موقعیت کسب‌وکارهایشان توانسته‌اند، مرزهای موفقیت را به درستی طی کنند.



انتشارات: اتاق تهران  
قیمت: ۳۱ هزار تومان  
شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه  
چاپ اول ۱۳۹۶  
مرکز پخش: ۶۶۹۳۹۳۲۹



انتشارات: اتاق تهران  
قیمت: ۳۱ هزار تومان  
شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه  
چاپ اول ۱۳۹۶  
مرکز پخش: ۶۶۹۳۹۳۲۹



انتشارات: اتاق تهران و موسسه اکونومیست  
قیمت: ۲۵ هزار تومان  
شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه  
چاپ اول ۱۳۹۵  
مرکز پخش: ۶۶۹۳۹۳۲۹



انتشارات: اتاق تهران  
قیمت: ۲۵ هزار تومان  
شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه  
چاپ اول ۱۳۹۵  
مرکز پخش: ۶۶۹۳۹۳۲۹



انتشارات: اتاق تهران  
قیمت: ۱۶ هزار تومان  
شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه  
چاپ اول ۱۳۹۶  
مرکز پخش: ۶۶۹۳۹۳۲۹



انتشارات: اتاق تهران و موسسه اکونومیست  
قیمت: ۱۹ هزار تومان  
شمارگان: ۶۰۰۰ نسخه  
چاپ پنجم ۱۳۹۵  
مرکز پخش: ۶۶۹۳۹۳۲۹



انتشارات: اتاق تهران و دانشگاه ام‌ای‌تی  
قیمت: ۲۰ هزار تومان  
شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه  
چاپ اول ۱۳۹۵  
مرکز پخش: ۶۶۹۳۹۳۲۹

# معمای چین

رقابت‌های ژئوپلیتیک در قرن ۲۱  
و تغییر موازنه قدرت در شرق آسیا

گردآوری، تلخیص و ترجمه:  
محمد حسین باقی



آینده‌نگار

